

فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی

(نشریه علمی)

دوره ۱۷، شماره ۳، (پیاپی ۶۷)

پائیز ۱۴۰۴

شاپا (چاپی): ۳۷۹-۲۳۸۳

شاپا (الکترونیک): ۲۳۸۳X-۲۷۲



صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
مدیر مسئول: دکتر فرزانه حیدرپور
سردبیر: دکتر رضوان حجازی
مدیر داخلی: دکتر امیررضا کیقبادی
ویراستار علمی: دکتر زهره حاجیهها
ویراستار ادبی: دکتر امیررضا کیقبادی
نسخه خوان: هلن محمدزاده
ناظر فنی: رضا قاسمی

اعضای شورای تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر حسین اعتمادی	استاد حسابداری	دانشگاه تربیت مدرس
دکتر زهرا پورزمانی	استاد حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر رضوان حجازی	استاد حسابداری	دانشگاه الزهرا
دکتر فرزانه حیدرپور	استاد مدیریت مالی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر محمدحسین ستایش	استاد حسابداری	دانشگاه شیراز
دکتر اسفندیار ملکیان کلهبستی	استاد حسابداری	دانشگاه مازندران
دکتر احمد یعقوب نژاد	دانشیار مدیریت مالی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

آدرس: تهران، انتهای بلوار ارتش، خیابان شهید سوهانی، بالاتر از میدان سوهانک، مجتمع دانشگاهی ولایت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

کدپستی: ۱۹۵۵۸۴۷۸۸۱

تلفن و دورنگار: ۷۳۶۸۱۴۵۲ (۰۲۱)

- **لیتوگرافی و چاپ:** سازمان چاپ و توزیع دانشگاه آزاد اسلامی
- **وبسایت:** <http://faar.iauctb.ac.ir>
- **رایانامه (پست الکترونیک):** faar@iauctb.ac.ir & faar.iau@gmail.com
- این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.
- این نشریه در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می شود.
- این نشریه در بانک اطلاعات نشریات کشور مگیران (magiran) نمایه می شود.
- این نشریه در پایگاه مجلات تخصصی نور مگز (noormags) نمایه می شود.
- مطالب عنوان شده در مقالات بیانگر نظرات نویسندگان است و لزوما نظرات نشریه نیست.

به استناد مجوز شماره ۳/۱۸/۱۹۷۱۲۴ مورخ ۹۲/۸/۲۱ وزارت علوم تحقیقات و فناوری در جلسه مورخ ۹۲/۸/۸ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، با اعطای رتبه علمی - پژوهشی از تابستان ۱۳۹۱ به این فصلنامه موافقت گردیده است.

فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

شماره استاندارد بین‌المللی (شاپا - چاپی): ۲۳۸۳-۰۳۷۹

شماره استاندارد بین‌المللی (شاپا - الکترونیک): ۲۳۸۳X-۲۷۲

داوران این شماره عبارتند از :

- دکتر رحمت اله آزاد
- دکتر کاوه آذین فر
- دکتر فاطمه احمدی
- دکتر علی اسماعیل زاده
- دکتر مریم امامی میبیدی
- دکتر محمد امری اسرمی
- دکتر محمد علی بیداری
- دکتر بهمن بنی مهد
- دکتر کاوه پرندین
- دکتر فرزانه حیدر پور
- دکتر نگار خسروی پور
- دکتر رویا دارابی
- دکتر ایمان داداشی
- دکتر فاطمه صراف
- دکتر امیررضا کیقبادی
- دکتر غلامرضا کردستانی
- دکتر علی نعمتی
- دکتر قدرت اله طالب نیا
- دکتر محمد حسین فتحه
- دکتر حسن ولیان
- دکتر مهدی ابوالفضل مومنی یانسری
- دکتر احمد یعقوب نژاد

راهنمای تدوین مقاله در فصلنامه "پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی"

هدف از انتشار فصلنامه "پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی" دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، توان‌افزایی از طریق پیوند میان خدمات آموزشی و پژوهشی بوده است. از این‌رو آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی در زمینه حسابداری مالی، حسابرسی، بورس اوراق بهادار و هرگونه نظریه نوین در مباحث ذکر شده، مورد استقبال این فصلنامه قرار خواهد گرفت تا پس از مراحل ارزیابی و تأیید نهایی، برای چاپ استفاده گردد.

بایستی نکات زیر، برای ارسال مقاله‌ها، مورد توجه پژوهشگران محترم قرار گیرد:

- (۱) محتوای مقاله با اهداف نشریه متناسب بوده (تشخیص این مورد بر عهده هیئت تحریریه است) و حاصل مطالعات، تجربه‌ها و پژوهش‌های نویسنده باشد.
- (۲) فصلنامه عمدتاً مقاله‌های پژوهشی را می‌پذیرد.
- (۳) مقاله ارسال شده در هیچ همایشی ارائه نگردیده باشد و قبلاً در هیچ نشریه‌ای چاپ و یا هم‌زمان، به نشریه‌های دیگر فرستاده نشده باشد.
- (۴) فصلنامه در انتخاب، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های دریافتی آزاد است.
- (۵) مسئولیت آراء و نظریات ارائه شده در مقاله‌ها برعهده نویسندگان است و چاپ مقاله به معنی تأیید مطالب آن نیست.
- (۶) مقاله روی کاغذ A4 و فقط در یک روی کاغذ چاپ شود.
- (۷) در متن مقاله تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به‌اندازه کافی رسا نباشد، عین کلمه لاتین در پانویست آورده شود.
- (۸) ارسال سه نسخه چاپی از مقاله تایپ شده، حداکثر در ۱۶ صفحه، با نرم‌افزار MS Word ویرایش ۲۰۰۷ یا ۲۰۱۰، فونت B Nazanin سایز ۱۱ به همراه CD مقاله و چکیده انگلیسی، الزامی است. همچنین ارسال از طریق پست الکترونیکی faar.iau@gmail.com امکان‌پذیر می‌باشد.
- (۹) صفحه اول مقاله باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:
عنوان مقاله، مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل نام و نام خانوادگی، عنوان شغلی یا مرتبه دانشگاهی و تخصص، ذکر نام دانشگاه (در صورتیکه عضو هیئت علمی می‌باشید)، آدرس کامل منزل همراه با کدپستی، تلفن تماس (منزل و همراه)، پست الکترونیکی نویسنده (نویسندگان). لازم به ذکر است مشخصات نویسندگان صرفاً در این صفحه درج شود (ذکر کلیه موارد فوق به‌صورت فارسی و انگلیسی الزامی است).
- (۱۰) صفحه دوم مقاله شامل عنوان مقاله، چکیده مقاله (حدود ۱۵۰ و حداکثر در ۲۰۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر ۵ واژه مرتبط) می‌باشد.

(۱۱) بخش‌های بعدی شامل مقدمه، چارچوب نظری، پیشینه و تحقیقات مرتبط، بیان مسأله و فرضیه‌ها، روش اجرای تحقیق، ارائه و تجزیه تحلیل یافته‌ها، تشریح و ارزشیابی نتایج و نتیجه‌گیری می‌باشد. پی‌نوشت‌ها و یادداشت‌های توضیحی در پایین هر صفحه مربوط به آن پی‌نوشت آورده شود.

(۱۲) جدول به تعداد محدود با شماره و عنوان مشخص در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن در اندازه ۱۵*۱۱ و مناسب برای چاپ باشد.

(۱۳) شکل‌ها، نمودارها و تصاویر به تعداد محدود با شماره و عنوان، توضیح و منبع مشخص در زیر آن در اندازه ۱۵*۱۱ و مناسب برای چاپ باشد.

(۱۴) برای ارجاع منابع در متن مقاله به شرح زیر عمل شود:

(۱۵) از " نام خانوادگی نویسنده - تاریخ - شماره صفحه " در متن برای ذکر کارهای دیگران استفاده شود. اگر به دو یا چند اثر یک نویسنده در یک سال اشاره شود، می‌توان بعد از سال از عبارت "الف" و "ب" یا "a" و "b" استفاده کرد.

(۱۶) فهرست منابع استفاده شده (ابتدا منابع فارسی و سپس منابع خارجی) به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی و بدون شماره با توجه به الگوی زیر درج شود:

- کتاب تألیف شده: نام خانوادگی نویسنده، نام، سال انتشار کتاب، عنوان کتاب (نوبت ویرایش یا چاپ)، محل نشر، نام انتشارات.
- کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ ترجمه، عنوان کتاب به فارسی، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر، ناشر، (تاریخ انتشارات به زبان اصلی).
- مراکز آماری: نام مرکز آماری، نام نشریه آماری، سال‌های استفاده شده، نام اداره یا دفتر منتشر کننده آمار.
- مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره، شماره، ماه، سال.
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام، عنوان مقاله به‌طور کامل، [تاریخ کامل انتشار مقاله]، [ذکر اصطلاح online]، <آدرس کامل منبع>، [تاریخ کامل دسترسی به مقاله].
- عنوان کتاب و عنوان نشریه به‌صورت Bold تایپ شود.

(۱۷) صفحه آخر مقاله شامل عنوان مقاله، چکیده مقاله (حدود ۱۵۰ و حداکثر در ۲۰۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر ۵ واژه مرتبط) به زبان انگلیسی با قلم 11 Times New Roman می‌باشد

فهرست مطالب

- ارتباط بین به موقع بودن گزارش حسابرسی، ریسک حسابرسی و ریسک حاکمیت شرکتی با تأکید بر نقش ...
فرخ برزیده، ماندانا طاهری و زهرا بردبار
۱-۲۴
- رابطه ریسک مالی با کیفیت حسابرسی با تأکید بر نقش ریسک تجاری
وحید منتی، حمیده اثنی عشری و محمد رجب نیا چناری
۲۵-۶۴
- ارائه مدل رتبه اعتباری مبتنی بر سطح بهینه ساختار مالکیت با رویکرد تجمع ذرات
مجید آذری پور و آریتا جهانشاد
۶۵-۸۶
- مقایسه مدل های خطی و غیر خطی بر آورد اقلام تعهدی اختیاری با کاربرست روش شبیه سازی مونت کارلوی خطای ...
وحید روح الهی، سید عباس هاشمی، مریم شریف دوست و مریم فرهادی
۸۷-۱۱۰
- تأثیر ذهن آگاهی بر قضاوت اخلاقی حسابرسان
بهمن بنی مهد، اکبر میری و حمیدرضا کردلویی
۱۱۱-۱۲۴
- کاربرست پائل رگرسیون به منظور تحلیل اثرگذاری عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی صنایع داروسازی
مجید معتمدی و محمد حسین درویش متولی
۱۲۵-۱۵۲
- تأثیر برنامه جانشینی بر مشتری، شرکا و فرهنگ در موسسات حسابرسی ایران
میترا ملکی و محمدرضا مهربان پور
۱۵۳-۱۷۶
- تأثیر سواد مالی و نگرش نسبت به پول بر رفاه مالی با نقش میانجی اخلاق مالی
متین پیرایش راد، مژگان صفا، زهره حاجیها و رضا غلامی جمکرانی
۱۷۷-۲۰۰
- بررسی تطبیقی روش ماشین بردار پشتیبان و روش استنتاجی عصبی - فازی سازگار جهت پیش بینی روند ...
سعید شاه آبادی، زهرا هوشمند نقابی و مهرداد بختیار دهکردی
۲۰۱-۲۲۶
- تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر جهت گیری اخلاقی حسابرسان
فائزه مؤذن نماز، محمدرضا پورعلی، مهدی مران جوری و رضیه علی خانی
۲۲۷-۲۵۰
- بررسی تأثیر ویژگی های هیئت مدیره بر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت با رویکرد فراتحلیل
محمد جواد زارع بهمنمیری، نرگس سرلک، منیژه رامشه و فاطمه اویسی نیک
۲۵۱-۲۸۶



ارتباط بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی، ریسک حسابرسی و ریسک حاکمیت شرکتی با تأکید بر نقش میانجی مدیریت سود

فرخ برزیده^۱

ماندانا طاهری^۲

زهرا بردبار^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر به ارتباط بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی با تحلیل نقش میانجیگری و تعدیلگری مدیریت سود و ریسک حاکمیت شرکتی پرداخته است. ویژگی ممتاز این پژوهش ارائه دو شاخص مجزا برای کمی نمودن احتمال ریسک حسابرسی و ریسک حاکمیت شرکتی، برای شرکت‌های عضو نمونه پژوهش بود که این مساله به‌ویژه برای ریسک حسابرسی، در تحقیقات داخلی مشابه نداشته است. در این تحقیقات، عموماً از منظر نظری به بحث ریسک حسابرسی پرداخته شده است. بر این اساس، جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ بود که بعد از اعمال محدودیت‌ها ۱۴۰ شرکت در نمونه پژوهش انتخاب شد. نتایج این بررسی نشان داد بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، ریسک حاکمیت شرکتی ارتباط بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی را تعدیل می‌کند، اما مدیریت سود اثر میانجیگری بر روابط تعریف شده در این پژوهش ندارد.

واژه‌های کلیدی: به‌موقع بودن گزارش حسابرسی، ریسک حسابرسی، ریسک حاکمیت شرکتی، مدیریت سود.

۱ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. fbarzideh@yahoo.com

۲ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): mandanataheri@atu.ac.ir

۳ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. saedebordbar@gmail.com



۱- مقدمه

به واسطه ریسک مالی و دعاوی حقوقی که حرفه حسابرسی با آن مواجه است، حسابرسان موظفند در انجام حسابرسی خود مراقبت حرفه‌ای را رعایت نمایند. همچنین، استانداردهای حرفه‌ای، حسابرسان را ملزم می‌کند تا رویه‌های حسابرسی را با هدف کاهش ریسک حسابرسی تا سطح قابل قبولی اجرا نمایند. بنابراین، حسابرسان با درک واحد تجاری و محیط آن، مسئول شناسایی و ارزیابی ریسک‌های ناشی از تحریفات مهم در صورت‌های مالی هستند، اما برخی از چالش‌ها ناشی از ماهیت کار حسابرسی مانند فشار کار، منابع ناکافی، فقدان نیروی انسانی متخصص و عدم اطمینان محیطی بر این روند اثرگذار هستند.

فشار زمانی، مانند فشار زمانی محدود و فشار زمانی بودجه‌ای، عامل موثری بر رفتار حسابرسان است (مارگهایم^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). در فشار زمانی حاکم بر کار حسابرسی، حسابرسان مجبور هستند رویه‌های حسابرسی را کوتاه کنند که این مساله مستقیم بر روایی و کفایت مدارک حسابرسی به دست آمده و کارآمدی قضاوت حسابرسان اثرگذار است و به تبع بر ریسک حسابرسی نیز موثر است و یا آنکه گزارش خود را با تاخیر ارائه دهند. افزایش ریسک حسابرسی، اثربخشی حسابرسی را کاهش می‌دهد و گاهی تلاش برای ارائه به موقع گزارش حسابرسی بر این روند اثرگذار است (آرتور^۲ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ایمن فخفخ و انیس جربویی^۳، ۲۰۲۰). علاوه بر آن، مفهوم و اصول حاکمیت شرکتی به عنوان ابزاری در جهت کنترل ریسک حسابرسی در مباحث حسابرسی مطرح است. مفهوم حاکمیت شرکتی به منظور استقرار نظامی یکپارچه بر فرآیند گزارشگری مالی و کاهش تقلب، ارائه شده است. در ادبیات پژوهشی، نتایج نشان داده‌اند که اصول حاکمیت شرکتی می‌تواند بر ریسک حسابرسی، روند کلی کار حسابرسی و کیفیت حسابرسی (دمارتینی و تروکو^۴، ۲۰۱۶) و همچنین با تاکید بر ریسک حسابرسی، بر برنامه‌ریزی فرآیند اجرای کار حسابرسی (فولادی و فراهادی، ۲۰۱۱)، اثرگذار باشد.

ضعف در ساختار حاکمیت شرکتی یا وجود ریسک حاکمیتی بالا اغلب منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی، دستکاری در سود و حتی تقلبی آشکار در صورت‌های مالی می‌شود. مندی و سان^۵ (۲۰۱۱) بیان کردند که تاخیرهای طولانی حسابرسی بازتاب عوامل ریسک حسابرسی است. تاخیرها اتفاق می‌افتد، زیرا تعامل بلندمدت می‌تواند در نتیجه اصول اخلاقی مدیریت، کنترل‌های داخلی و موضوعات گزارشگری مالی باشد که حسابرسان آن‌ها را به عنوان عوامل ریسک‌دار در نظر می‌گیرند و مدیریت برای کنترل این عوامل اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. در همین ارتباط، نفاتی و همکاران^۶ (۲۰۱۱) بیان کردند که مدیریت سود فارغ از هر نوع روابطی

1 Margheim

2 Arthur

3 Imen Fakhfakh and Anis Jarboui

4 Demartini and Trucco

5 Mande and Son

6 Neffati

که دارد، با ریسک حسابرسی ارتباط مثبت دارد و ریسک حاکمیتی پایین موجب کاهش ریسک حسابرسی و به تبع کنترل میزان مدیریت سود در شرکتها می شود.

بر این اساس، مساله این پژوهش بررسی ارتباط بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی است. علاوه بر آن، اثر تعدیلی ریسک حاکمیت شرکتی و مدیریت سود شرکتها بر این روابط بررسی می شود. بررسی این روابط بر غنای ادبیات پژوهشی حوزه حسابرسی در ایران خواهد افزود، علاوه بر آن یکی از ویژگی های قابل توجه این پژوهش ارائه یک شاخص کمی برای محاسبه ریسک حسابرسی است که تا کنون در ادبیات پژوهشی داخلی ایران، سابقه نداشته است و از این منظر می تواند برای تحقیقات آتی راهگشا باشد. همچنین، جهت سنجش ریسک حاکمیتی نیز یک شاخص ترکیبی از مجموعه اقلام مرتبط با استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکتها، ارائه شده است و برخلاف تحقیقات داخلی، صرفاً به یک یا دو متغیر و پرداختن به متغیرهای مرتبط با حاکمیت شرکتی، اکتفا نشده است و اندازه ریسک حاکمیتی شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تهران، کمی محاسبه و در مدل ها پردازش شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ریسک حسابرسی ادعاهای مربوط به مانده ها، طبقه های معاملات یا افشای حاوی تحریفات است که می تواند مهم باشد. ریسک حسابرسی شامل ریسکی است که حسابرسان اظهارات نادرست مندرج در صورت های مالی را تشخیص ندهد (ریسک تشخیص). همچنین، این تعریف مربوط به ریسکی است که حسابرسان در معرض ضرر مالی یا خسارت به اعتبار خود به دلیل دعاوی، تبلیغات نامطلوب یا سایر رویدادهای ناشی از ارتباط با صورت های مالی که حسابرسی و گزارش آن ها را قبول کرده است، باشد (ایمن فخفخ و انیس جربویی، ۲۰۲۰). واقعیت آن است که حسابرسان تا سه دهه پیش تلاش می کردند با انجام آزمون های محتوای گسترده (سندرسی و سایر روش های حسابرسی) ریسک حسابرسی را کاهش دهند، اما توسعه شرکتها و افزایش روزافزون حجم عملیات آن ها، حسابرسان را با مشکل روبرو نمود. از سوی دیگر، پیشرفت فناوری اطلاعات و ابزارهای آن (مانند رایانه) و بهره گیری از علوم ریاضی و آمار، حسابرسان را در وضعیتی قرار داد که بتوانند روش علمی و قابل استفاده ای برای خود بدست آورند و با استفاده از مدل ریسک حسابرسی و محاسبات ریاضی، مقدار خطر حسابرسی و عناصر تشکیل دهنده آن (خطر ذاتی، خطر کنترل و خطر عدم کشف) را از پیش برآورد و تعیین نمایند.

بر این اساس، آن ها با تعیین خطر عدم کشف می توانند نوع و ماهیت، زمانبندی اجرا و حدود آزمون های محتوای لازم را برای تامین پوشش کافی در برابر خطر حسابرسی، مشخص نمایند و در نتیجه زمان صرف شده برای انجام کار حسابرسی را به گونه ای اثربخش و کارا، به سطح منطقی تری برسانند. در این ارتباط، ابوداوس^۱ و همکاران (۲۰۱۵) بیان می کنند که فشار زمانی بر فرآیند اجرای کار و کیفیت حسابرسی انجام شده اثرگذار است. فشار

1 Abuaddous

زمانی با گذشت زمان افزایش می یابد و این مساله حسابرسان را آشفته و مضطرب می نماید که منجر به اثر زیان بار بر عملکرد آن ها می شود. مندی و سان (۲۰۱۱) و فخفاخ و جربویی (۲۰۱۵) نیز بیان کردند که تاخیرهای طولانی حسابرسی بازتاب عوامل ریسک حسابرسی است. علاوه بر آن، مطالعات بیان می کنند که حسابرسان در زمان برنامه ریزی برای حسابرسی، ساختار حاکمیت شرکتی را لحاظ می کنند و مبتنی بر وضعت مطلوب یا نامطلوب آن (سطح ریسک حاکمیتی) در خصوص ریسک حسابرسی و زمانبندی اجرای کار تصمیم گیری می نمایند. بر این اساس، آن ها مبتنی بر مطلوبیت پیاده سازی اصول حاکمیت شرکتی در شرکت ها و وجود هیات مدیره مستقل و کمیته های حسابرسی، حسابرسی کمتری را برآورد می کند (بادارا و سایدین ۲، ۲۰۱۴؛ گال ۳ و همکاران، ۲۰۱۳). کسل و همکاران (۲۰۱۲) ۴ نیز بیان می کنند که حسابرسان در چهار موسسه حسابرسی بزرگ، برخی مشخصه های حاکمیت شرکتی را در استراتژی حسابرسی لحاظ می کنند. ایمن فخفاخ و انیس جربویی (۲۰۲۰) نیز بیان می کند که حسابرسان در ارزیابی ریسک حسابرسی، مولفه های حاکمیت شرکتی که انعکاس نگرش مدیریت در ارتباط با کنترل های داخلی و کیفیت کمیته حسابرسی است، را لحاظ می کنند.

حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت ها به منزله کیفیت بالای حسابرسی و به تبع تلاش های کمتر حسابرسی و کاهش زمان انجام حسابرسی است. از سوی دیگر، ضعف در نظام حاکمیت شرکتی مستقر در شرکت می تواند موجب دستکاری در سود و ثقلب در صورت های مالی شود (بایک و رمضان احمدی ۵، ۲۰۱۶؛ کامارودین ۶ و همکاران، ۲۰۱۲). به عبارتی، حاکمیت شرکتی کارآمد با سطح ریسک پایین ابزاری برای کاهش ریسک که شامل ریسک مدیریت سود نیز می شود، است، زیرا انتظار می رود که هیات مدیره مستقل و کمیته های حسابرسی نقشی حیاتی در کنترل کیفیت گزارشگری مالی ایفا نمایند. تحقیقات گذشته به بررسی رابطه بین مدیریت سود و حاکمیت شرکت و جنبه های تاثیرگذار آن ها روی حسابرسی مستقل پرداخته اند. ضعف در کیفیت حاکمیت شرکتی می تواند دستکاری در سود و ثقلب های صورت های مالی را مطرح کند که این مساله بر ارزیابی های حسابرسان از ریسک دستکاری سود و ریسک حاکمیت شرکتی و برنامه ریزی آن ها در حضور این ریسک های مشخص شده برای انجام کار حسابرسی را دستخوش تغییر خواهد کرد (دمارتینی و تروکو، ۲۰۱۶).

در تحقیقات داخلی، عموماً ریسک حسابرسی به شکل نظری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و این در حالی است که پژوهش حاضر با ارائه شاخصی به محاسبه و افشا مقادیر کمی برای ریسک حسابرسی اقدام نموده است که نمونه آن در پژوهش های داخلی وجود ندارد. علاوه بر آن، این اتفاق برای ریسک حاکمیت شرکتی نیز افتاده است. ریسک حاکمیت شرکتی تحت چهار مولفه اصلی شامل ساختار هیات مدیره، حسابرسی مستقل، ساختار

¹ Fakhfakh Sakka & Jarboui

² Badara and saidin

³ Gull

⁴ Cassell

⁵ Bayk and Ramezanahmadi

⁶ Kamarudin

مالکیت و شفافیت، ضعف در استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان که منجر به ایجاد و افزایش ریسک حاکمیت شرکتی خواهد شد، را سنجیده است که نظیر آن در پژوهش‌های داخلی نیست. نزدیک به پژوهش حاضر می‌توان به پژوهش یلفانی و همکاران (۱۴۰۰) اشاره نمود که در آن به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و تأخیر در گزارش حسابرسی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از اثر متغیرهای نفوذ مدیرعامل، مالکیت نهادی و استقلال هیئت‌مدیره بر تأخیر گزارش حسابرسی است و در مجموع آنها نشان دادند که عوامل حاکمیت شرکتی رابطه معناداری با تأخیر گزارش حسابرسی دارند. همچنین در پژوهش دیگری، حساس‌یگانه و داداشی (۱۳۸۹) به بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارزیابی حسابرسان از ریسک و برنامه‌ریزی کار حسابرسی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نیز حاکی از آن بود که به استثنای حسابرسی داخلی، سایر اصول حاکمیتی، تأثیری بر فرآیند برنامه‌ریزی و قضاوت‌های صورت گرفته توسط حسابرسان مستقل از ریسک حسابرسی نداشته‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱-۳- **فرضیه اول:** بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۲-۳- **فرضیه دوم:** ریسک حاکمیت شرکتی، ارتباط بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی را به طور معناداری تعدیل می‌کند.
- ۳-۳- **فرضیه سوم:** مدیریت سود اثر میانجی بر ارتباط بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی دارد.
- ۴-۳- **فرضیه چهارم:** نقش میانجی بر رابطه تعدیلی ریسک حاکمیت شرکتی بر رابطه بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی دارد.
- ۵-۳- **فرضیه پنجم:** ریسک حاکمیت شرکتی اثر تعدیلی بر نقش میانجی مدیریت سود بر رابطه بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و از لحاظ هدف، کاربردی است. به منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون ساده و رگرسیون چند متغیره، استفاده شده است. جهت گردآوری داده‌های پژوهش از روش کتابخانه‌ای، به منظور تدوین مباحث نظری و برای داده‌ها و اطلاعات مالی از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین بانک‌های اطلاعاتی نظیر ره‌آورد نوین، استفاده شده است. بر این اساس، صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی برای یک دوره ۸ ساله از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹، مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش انتخاب نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک صورت گرفته است.

بر این اساس، با در نظر گرفتن معیارهای زیر تعداد ۱۴۰، شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه جهت بررسی فرضیه های پژوهش، انتخاب شده اند:

- شرکت، جزء شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها و شرکت های واسطه گری مالی به سبب ماهیت خاص فعالیت شان نباشد.
- شرکت، طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی و توقف عملیات نداشته باشد.
- اطلاعات مورد نیاز آن برای انجام پژوهش، در دسترس باشد و سال مالی آن ها برای پایان اسفندماه باشد.

پس از استخراج اطلاعات مورد نیاز و تجمیع داده ها در اکسل به محاسبه متغیرهای پژوهش پرداخته شد و با استفاده از نرم افزار ایویوز، فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

مدل های پژوهش

با تاکید بر پژوهش ایمن فخفخ و انیس جربویی (۲۰۲۰)، به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل ۱ استفاده شد.

$$ARI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AO_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROE_{i,t} + \beta_5 DIV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل ۲ استفاده شد.

$$ARI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AO_{i,t} + \beta_2 RGI_{i,t} + \beta_3 AO_{i,t} * RGI_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROE_{i,t} + \beta_7 DIV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

به منظور آزمون فرضیه سوم با توجه به اینکه مدیریت سود متغیر میانجی و نه تعدیلگر است، دو مدل تعریف می شود. در مدل اول به شرح مدل ۳، تاثیر به موقع بودن گزارش حسابرسی بر مدیریت سود سنجیده می شود

$$DA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AO_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROE_{i,t} + \beta_7 DIV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

و در مدل دوم به شرح مدل ۴، تاثیر مدیریت سود بر ریسک حسابرسی سنجیده شده است.

$$ARI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DA_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROE_{i,t} + \beta_7 DIV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (4)$$

در آزمون های آماری متغیرهای میانجی، باید به دو سؤال پاسخ داده شود: الف) اثر غیرمستقیم X از طریق M بر Y چقدر است؟ و ب) آیا متغیر M (متغیر میانجی) نقش میانجی دارد؟ یا به عبارت دیگر، آیا اثر غیرمستقیم X (متغیر مستقل) از طریق M بر Y (متغیر وابسته) معنادار است؟ (عزیزی، ۱۳۹۲). جهت پاسخ به سؤال یعنی اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته می توان از روش سوبل (۱۹۸۲) استفاده نمود. در این

روش مقدار اثر غیرمستقیم مبتنی بر رابطه ۵ محاسبه می شود که در این فرمول a اثر متغیر مستقل بر میانجی و b اثر متغیر میانجی بر وابسته است.

$$B_{indirect} = a \times b \quad (5)$$

علاوه بر محاسبه میزان اثر غیرمستقیم، می توان با استفاده از آزمون هایی مانند سو بل^۱، بارون و کنی^۲ و گودمن^۳ معناداری اثر غیرمستقیم را نیز محاسبه کرد. همه نرم افزارها معناداری اثرات مستقیم بین متغیرها را محاسبه کرده و در خروجی های خود ارائه می دهند، اما معناداری اثر غیرمستقیم را ارائه نمی کنند. بر این اساس، میزان اثر غیرمستقیم بر اساس مدل ۶ ارائه می شود و عموماً دستی محاسبه می شود.

$$t - value = \frac{a*b}{\sqrt{b^2*sa^2+a^2*sb^2}} \quad (6)$$

که در این مدل a: میزان اثر متغیر مستقل بر میانجی، sa: میزان خطای استاندارد اثر مستقل بر میانجی، b: میزان اثر میانجی بر وابسته و sb: میزان خطای استاندارد اثر میانجی بر وابسته، است. به منظور آزمون فرضیه چهارم نیز همانند فرضیه سوم با توجه به اینکه مدیریت سود در این فرضیه، متغیر میانجی و نه تعدیلگر است، دو مدل تعریف می شود. در مدل اول به شرح مدل ۷، اثر تعدیلی ریسک حاکمیت شرکتی بر به موقع بودن گزارش حسابرسی بر مدیریت سود، سنجیده شده است.

$$DA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AO_{i,t} + \beta_2 RGI_{i,t} + \beta_3 AO_{i,t} * RGI_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROE_{i,t} + \beta_7 DIV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (7)$$

و در مدل دوم به شرح مدل ۸، اثر میانجی مدیریت سود بر ریسک حسابرسی بررسی شده است.

$$ARI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DA_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROE_{i,t} + \beta_7 DIV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (8)$$

به منظور آزمون فرضیه پنجم نیز از مدل ۹ استفاده شده است.

$$ARI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AO_{i,t} + \beta_2 DA_{i,t} + \beta_3 RGI_{i,t} + \beta_4 AO_{i,t} * RGI_{i,t} + \beta_5 DA_{i,t} * RGI_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 ROE_{i,t} + \beta_9 DIV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (9)$$

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

ریسک حسابرسی^۴ (ARI): بر مبنای پژوهش ایمن ففخ و انیس جربویی (۲۰۲۰) و مبتنی بر شاخص ارائه شده توسط برومفیلد^۵ و همکاران (۱۹۸۳) در این پژوهش برای محاسبه ریسک حسابرسی از چک لیست ارائه شده در جدول ۱ جهت تعیین کمی ریسک حسابرسی استفاده شده است. بر این اساس، هر قلم به واسطه یک

^۱ Sobel test

^۲ Baron and Kenny

^۳ Goodman

^۴ Audit risk

^۵ Brumfield

متغیر ساختگی اندازه گیری می شود که برای سطح ریسک بالا، مقدار یک و برای سطح ریسک پایین، مقدار صفر لحاظ شده است. در نهایت، مقدار ریسک حسابرسی هر شرکت به شرح زیر است.

ARI = نمره کل شرکت / نمره مورد انتظار همه اقلام

جدول ۱- شاخص ریسک حسابرسی (ARI)

سطح ریسک		
عوامل	سطح ریسک پایین	سطح ریسک بالا
اقتصادی که شرکت در آن فعالیت می کند که در هر سال بررسی می گردد.	در وضعیت نرمال و بدون تورم و رکود است.	رکود دارد.
مکان شرکت (در شهرهای کوچک و بزرگ فعالیت دارند)	در یک محیط وسیع است.	در یک محیط کوچک است.
ساختار شرکت	مالکیت خارجی دارد.	مالکیت غیرخارجی دارد.
محیط کنترلی شرکت، شامل احتمال کنترل مدیریت (بر اساس گزارش کنترل داخلی نمره دهی شده است)	وضعیت شرکت دارای کنترل داخلی قوی است و حسابرسی داخلی اثربخش حاکم است.	وضعیت کنترل داخلی و حسابرسی داخلی مناسب نیست.
گزارش حسابرس و نظرات حسابرس طی دوره بررسی	گزارش تمیز یا مقبول توسط حسابرس	سایر گزارش های حسابرسی (مشروط، مردود یا عدم اظهار نظر)
موقعیت مالی و عملکرد عملیاتی شرکت که بر اساس وضعیت نسبت های مالی شرکت تحلیل می شود.	عملکرد مالی شرکت مطلوب است (وضعیت نسبت مالی شرکت از مقدار متوسط کل شرکت های نمونه بالاتر است).	عملکرد مالی شرکت مطلوب نیست (وضعیت نسبت مالی شرکت از مقدار متوسط کل شرکت های نمونه بالاتر است).
اعتبار تجاری مدیریت و مالکین اصلی شرکت که از معیار Z-آلتمن استفاده شده است.	احتمال ورشکستگی شرکت ضعیف است.	احتمال ورشکستگی شرکت زیاد است.
ساختار مالکیت	مالکیت نهادی دارد و بزرگترین سهامدار شرکت، سهامی کمتر از ۲۰ درصد را دارد.	مالکیت نهادی ندارد و بزرگترین سهامدار شرکت، سهامی بیشتر از ۲۰ درصد را دارد.
ساختار مدیریت	استقلال بین اعضای هیات مدیره و مدیرعامل وجود دارد.	استقلال بین اعضای هیات مدیره و مدیرعامل وجود ندارد.
ساختار کمیته حسابرسی (از گزارش هیات مدیره قابل بررسی است؛ اگر اطلاعات مناسبی از قبیل اطلاعات	تضاد منافع و مشکلات نظارتی اندکی وجود دارد و مواردی از قبیل تغییر حسابرس شفاف است.	شفافیتی در تضاد منافع و نظارت های موجود و انتخاب حسابرس وجود ندارد.

سطح ریسک		
عوامل	سطح ریسک پایین	سطح ریسک بالا
جمعیت شناختی مانند سن، جنس، تحصیلات و سابقه کار، سمت شغلی ارائه شده باشد عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک تخصیص داده شده است.		

متغیر مستقل

به موقع بودن گزارش حسابرسی (AO): به موقع بودن گزارش حسابرسی برابر با تعداد روزهای پایان سال مالی تا تاریخ انتشار گزارش، است.

متغیر تعدیلگر

ریسک حاکمیت شرکتی (RGI): به منظور اندازه گیری متغیر ریسک حاکمیتی از شاخص ریسک حاکمیت شرکتی به شرح جدول ۲ استفاده شد.

جدول ۲- شاخص ریسک حاکمیت شرکتی

عوامل	اقدام	معیارها
ریسک حاکمیت شرکتی	دوگانگی وظایف مدیرعامل	دوگانگی وظایف مدیرعامل (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	اندازه هیئت مدیره	اقلیت اعضا (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	استقلال	کمتر از ۵۰ درصد اعضای مستقل (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	احکام مدیران	بیشتر از ۴ سال (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	کمیته ویژه	فقدان وجود کمیته حاکمیت شرکتی، حسابرسی، پاداش یا انتصاب (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	عدم استقلال کمیته	اگر کمتر از ۳ عضو در کمیته باشد (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	حضور مدیرعامل در کمیته ها	حضور مدیرعامل یا رئیس در کمیته (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر

عوامل	اقدام	معیارها
حسابرسی مستقل	استقلال حسابرِس	دوره تصدی حسابرِس بیش از ۳ سال (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	تخصص حسابرِس	حسابرِس غیرمتخصص است (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	اندازه شرکت حسابرِسی	حسابرِس، عضو موسسات حسابرِسی بزرگ نیست (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	حسابرِسی مشترک	شرکت توسط چند حسابرِس، حسابرِسی می شود (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
ساختار مالکیت	سرمایه گذاران نهادی	عدم حضور سرمایه گذاران نهادی (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
شفافیت	ارزیابی هیئت مدیره	عدم وجود جزئیات مربوط به ارزیابی هیئت مدیره (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	افشای پاداش رؤسا	اطلاعات ناقص در خصوص پاداش رؤسا (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	دسترس پذیر بودن منشور سازمان	منشور در دسترس نیست (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	افشای حق الزحمه حسابرِسی مستقل	عدم وجود جزئیات در خصوص حق الزحمه حسابرِسی (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	افشای ماموریت های کمیته حسابرِسی	فقدان اطلاعات با دسترسی آسان در خصوص فعالیت ها و ماموریت های کمیته حسابرِسی (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	افشای ماموریت های هیئت مدیره	فقدان اطلاعات با دسترسی آسان در خصوص فعالیت ها و ماموریت های هیئت مدیره (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر
	افشای معاملات اشخاص وابسته	عدم افشای معاملات اشخاص وابسته (برابر با یک) در غیر این صورت برابر با صفر

۳-۶- متغیر میانجی

مدیریت سود (DA): مدیریت سود بر مبنای اقدام تعهدی، مدل جونز، توسط دجو، اسلون و سوئینی (۱۹۹۵) با اضافه شدن یک متغیر اصلاح و به صورت زیر، برآورد شد.

$$TACC_t = \beta_0 + \beta_1 1/ASSET_{t-1} + \beta_2 (\Delta REV_t - \Delta REC_t) + \beta_3 PPE_t + \varepsilon$$

پژوهش های حسابداری مالی و حسابرِسی
دوره ۱۷/ پیاپی ۶۷/ پائیز ۱۴۰۴

در این مدل $TACC_t$ ، تفاوت سود خالص و جریان وجود نقد عملیاتی، ΔREV نشان دهنده تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل است و ΔREC تغییرات حساب‌های دریافتی از تغییرات درآمد فروش است. همه متغیرهای مدل به منظور همگن شدن داده‌ها بر جمع کل دارایی‌های ابتدای سال تقسیم شد. این کار باعث می‌شود که ناهمسانی احتمالی واریانس در مقادیر خطا کاهش یابد. در نهایت نیز، $1/ASSET_{t-1}$ برابر است با تقسیم یک بر جمع دارایی‌های شرکت است.

۴-۶- متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت است. اهرم مالی (LEV): نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها، است. بازده حقوق صاحبان سهام (ROE): نسبت سود عملیاتی به مجموع حقوق صاحبان سهام، است و در نهایت، سود تقسیمی (DIV): پرداخت سود تقسیمی هر سهم، است.

تفسیر یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل آن

آمار توصیفی مربوط به شرکت‌های نمونه طی دوره زمانی ۸ ساله (۱۳۹۲-۱۳۹۹)، به شرح جدول ۳ است. متغیر وابسته ریسک حسابرسی است که میانگین آن برابر با ۰/۳۵۵ است. این مقدار حاکی از آن است که تقریباً ۳۵ درصد از شرکت‌های نمونه در سطح کم ریسک و ۶۵ درصد از آن‌ها در سطح پریسک، بر اساس شاخص ارائه شده در این پژوهش ارزیابی شده‌اند. علاوه بر آن، مقدار میانگین حاکمیت شرکتی نیز برابر با ۰/۴۷۹ است که حاکی از آن است که تقریباً ۴۸ درصد از شرکت‌های موجود در نمونه از حاکمیت شرکتی مطلوبی برخوردار نیستند. در نهایت، میانگین تاخیر در گزارش حسابرس نیز برابر با ۸۲ روز است.

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	ریسک حسابرسی	به موقع بودن گزارش حسابرسی	ریسک حاکمیت شرکتی	مدیریت سود	اندازه شرکت	اهرم مالی	بازده حقوق صاحبان سهام	سود تقسیمی ^۱
میانگین	۰/۳۵۶	۸۲/۳۷۹	۰/۴۸۰	۰/۰۰۰۰۱۷	۱۵/۰۴۷	۰/۵۲۹	۰/۳۶۲	۷۵۲/۱۳۱
میانه	۰/۴۰۰	۸۳/۰۰۰	۰/۵۰۰	-۰/۰۴۷	۱۴/۶۷۶	۰/۵۳۶	۰/۳۱۹	۳۰۰/۰۰۰
حداکثر	۰/۶۰۰	۳۶۵/۰۰۰	۰/۵۹۱	۲/۲۴۱	۲۲/۱۴۷	۰/۹۸۷	۱/۶۵۲	۱۶۵۰۰/۰۰۰
حداقل	۰/۲۰۰	۲۳/۰۰۰	۰/۳۶۴	-۰/۸۲۰	۱۱/۳۴۳	۰/۰۳۱	-۱/۳۷۱	۰/۰۰۰

۱. این متغیر به صورت مقادیر اصلی پرداخت سود تقسیمی هر سهم بیان شده است.

متغیر	ریسک حسابرسی	به موقع بودن گزارش حسابرسی	ریسک حاکمیت شرکتی	مدیریت سود	اندازه شرکت	اهرم مالی	بازده حقوق صاحبان سهام	سود تقسیمی ^۱
انحراف معیار	۰/۰۸۴	۳۰/۸۶۱	۰/۰۴۴	۰/۲۴۲	۱/۸۳۵	۰/۱۹۳	۰/۳۲۱	۱۳۲۷/۴۴۷
مشاهدات	۱۱۲۰	۱۱۲۰	۱۱۲۰	۱۱۲۰	۱۱۲۰	۱۱۲۰	۱۱۲۰	۱۱۲۰

(منبع: یافته های پژوهشگر)

بررسی فروض کلاسیک رگرسیون و تعیین روش بکارگیری داده های پانل

بررسی فروض همسانی واریانس و فرض نبود خودهمبستگی بین جملات خطا، حاکی از آن بود که مدل های پژوهش از مشکل ناهمسانی واریانس رنج می برند که برای رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) بجای روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد. به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دوربین/ واتسون استفاده می شود که خروجی آن در جداول برآورد هر مدل، ارائه شده است. در نهایت، برای تبیین مدل برآورد مفروضات پژوهش آزمون اف-لیمر و هاسمن انجام شد که بر اساس خروجی ها روش داده های تابلویی تایید شد و برای مدل اول (فرضیه سوم)، مدل اول (فرضیه چهارم) روش اثرات ثابت، اما برای مابقی مدل ها روش اثرات تصادفی مناسب است.

آزمون فرضیه اول پژوهش

- **فرضیه اول:** بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از برآورد مدل اول پژوهش به شرح جدول ۴ می باشد.
- در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵ درصد کوچک تر است با اطمینان ۹۹٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل گویای آن است که حدود ۸۸ درصد از متغیر وابسته ریسک حسابرسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تبیین می گردد. آماره تی متغیر به موقع بودن گزارش حسابرسی (AO) برابر با ۱۰/۳۵۲- است. همچنین، سطح معناداری آن نیز ۰/۰۰۰ است که می توان نتیجه گرفت سطح معناداری این متغیر کمتر از خطای ۵ درصد (سطح اطمینان ۹۹ درصد) است، که نشان می دهد در سطح معناداری ۹۹ درصد، بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید می شود و می توان بیان کرد که ارائه به موقع گزارش حسابرسی بر ارزیابی حسابرس از ریسک موثر بوده است و ریسک حسابرسی کاهشی بوده است.

جدول ۴- نتایج آماری مدل اول پژوهش (متغیر وابسته: ریسک حسابرسی)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
ثابت	۰/۳۹۹۶۴۲	۰/۰۱۱۵۳۳	۳۴/۶۵۰۶۷۰	۰/۰۰۰۰	-
به موقع بودن گزارش حسابرسی	AO	-۰/۰۰۶۸	-۱۰/۳۵۲۱۷۰	۰/۰۰۰۰	منفی/معنادار
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۰۰۵۲	۱/۹۰۷۸۴۳	۰/۰۵۶۷	مثبت/معنادار
اهرم مالی	LEV	۰/۱۲۲۷۳۱	۱۵/۱۱۷۶۶	۰/۰۰۰۰	مثبت/معنادار
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	-۰/۰۲۵۲۹۵	-۶/۷۴۸۸۰۵	۰/۰۰۰۰	منفی/معنادار
سود تقسیمی	DIV	-۰/۰۰۰۰۰۲	-۲/۰۵۳۷۴۵	۰/۰۴۰۳	منفی/معنادار
آماره F		۵۹/۲۳۵۴۱			
(سطح معنی داری)		(۰/۰۰۰۰۰۰)			
ضریب تعیین		۰/۸۹۷۴۲۱			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۸۲۲۷۱			

(منبع: یافته های پژوهشگر)

• آزمون فرضیه دوم تحقیق

فرضیه دوم: ریسک حاکمیت شرکتی، ارتباط بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی را به طور معناداری تعدیل می کند. نتایج حاصل از برآورد مدل دوم پژوهش به شرح جدول ۵ می باشد.

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵ درصد کوچک تر است با اطمینان ۹۹٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل گویای آن است که حدود ۸۵ درصد از متغیر وابسته ریسک حسابرسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تبیین می گردد. آماره تی متغیر متغیر ریسک حاکمیت شرکتی* به موقع بودن گزارش حسابرسی (RGI*AO) برابر با ۲/۹۷۵- است. همچنین، سطح معناداری آن نیز ۰/۰۰۳ است که می توان نتیجه گرفت سطح معناداری این متغیر کمتر از خطای ۵ درصد (سطح اطمینان ۹۹ درصد) است، که نشان می دهد در سطح معناداری ۹۹ درصد، بین ریسک حاکمیت شرکتی* به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تایید می شود و می توان بیان کرد که ریسک حاکمیت شرکتی رابطه بین به موقع گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی را به شکل منفی و معنی داری تعدیل می کند. به عبارتی، چنانچه ریسک

حاکمیت شرکتی در شرکتی بالا باشد، این مساله اثر منفی و معنی داری بر ارائه به موقع و در مجموع بر کاهش احتمال حسابرسی از ریسک حسابرسی خواهد داشت.

جدول ۵- نتایج آماری مدل دوم پژوهش (متغیر وابسته: ریسک حسابرسی)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
ثابت	۰/۰۵۱۲۶۶	۰/۰۴۰۷۴۷	۱/۲۵۸۱۳۶	۰/۲۰۸۶	-
به موقع بودن گزارش حسابرسی	AO	۰/۰۰۱۰۷۶	۰/۰۰۰۳۴۰	۳/۱۶۶۱۳۰	مثبت/معنادار
ریسک حاکمیت شرکتی	RGI	۰/۷۳۱۹۹۰	۰/۰۸۲۳۳۴	۸/۸۹۰۵۰۹	مثبت/معنادار
ریسک حاکمیت شرکتی* به موقع بودن گزارش حسابرسی	RGI#AO	-۰/۰۰۲۱۵۶	۰/۰۰۰۷۲۵	-۲/۹۷۵۷۳۵	منفی/معنادار
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۷۱۱۲	۰/۰۰۰۷۳۴	-۹/۶۹۲۳۰۷	منفی/معنادار
اهرم مالی	LEV	۰/۱۲۶۶۲۲	۰/۰۰۸۷۵۸	۱۴/۴۵۸۱۲	مثبت/معنادار
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	-۰/۰۲۵۵۵۹	۰/۰۰۴۱۱۲	-۶/۲۱۵۳۶۶	منفی/معنادار
سود تقسیمی	DIV	-۰/۰۰۰۰۰۱۳	۰/۰۰۰۰۰۱۲	-۱/۰۲۵۸۱۹	منفی
آماره F		۴۷/۰۴۲۴۹			
(سطح معنی داری)		(۰/۰۰۰۰۰۰)			
ضریب تعیین		۰/۸۷۵۹۱۲			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۵۷۲۹۲			

(منبع: یافته های پژوهشگر)

• آزمون فرضیه سوم تحقیق

فرضیه سوم: مدیریت سود اثر میانجی بر ارتباط بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی دارد. نتایج حاصل از برآورد مدل اول فرضیه سوم پژوهش به شرح جدول ۶ می باشد.

پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۷/ پیاپی ۶۷/ پائیز ۱۴۰۴

جدول ۶- نتایج آماری مدل اول فرضیه سوم پژوهش (متغیر وابسته: ریسک حسابرسی)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
ثابت	۰/۳۹۹۶۴۲	۰/۰۱۱۵۳۳	۳۴/۶۵۰۶۷	۰/۰۰۰۰	-
به موقع بودن گزارش حسابرسی	AO	۰/۰۰۰۶۸۰۰	۰/۰۰۰۶۵۷	-۱۰/۳۵۲۱۷	منفی/معنادار
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۰۰۲	۱/۹۰۷۸۴۳	مثبت/معنادار
اهرم مالی	LEV	۰/۱۲۲۷۳۱	۰/۰۰۸۱۱۸	۱۵/۱۱۷۶۶	مثبت/معنادار
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	-۰/۲۵۲۹۵	۰/۰۰۳۷۴۸	-۶/۷۴۸۸۰۵	منفی/معنادار
سود تقسیمی	DIV	-۰/۰۰۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۰۰۱	-۲/۰۵۳۷۴۵	منفی/معنادار
آماره F		۵۹/۲۳۵۴۱			
(سطح معنی داری)		(۰/۰۰۰۰۰۰۰)			
ضریب تعیین		۰/۸۹۷۴۲۱			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۸۲۲۷۱			

(منبع: یافته های پژوهشگر)

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵ درصد کوچکتر است با اطمینان ۹۹٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل گویای آن است که حدود ۸۸ درصد از متغیر وابسته ریسک حسابرسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تبیین می گردد. نتایج حاصل از برآورد مدل دوم فرضیه سوم پژوهش به شرح جدول ۷ می باشد.

جدول ۷- نتایج آماری مدل دوم فرضیه سوم تحقیق (متغیر وابسته: ریسک حاکمیت شرکتی)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
ثابت	۰/۴۰۰۱۵۰	۰/۰۱۱۵۹۵	۳۴/۵۱۰۷۰	۰/۰۰۰۰	-
مدیریت سود	DA	-۰/۰۰۰۶۵۰۶	۰/۰۰۰۶۹۵	-۹/۳۶۲۸۹۸	منفی/معنادار
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۰۷۱۲۶	۰/۰۰۴۸۳۴	-۱/۴۷۴۱۳۵	منفی
اهرم مالی	LEV	۰/۱۲۰۹۳۶	۰/۰۰۸۴۱۱	۱۴/۳۷۸۵۲	مثبت/معنادار
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	-۰/۰۲۴۸۳۲	۰/۰۰۳۸۴۹	-۶/۴۵۱۵۴۰	منفی/معنادار
سود تقسیمی	DIV	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۲۳	۰/۰۰۰۰۰۰۰۱۲	-۱/۹۰۵۵۱۶	منفی/معنادار

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
آماره F (سطح معنی داری)			۵۶/۹۱۸۷۵ (۰/۰۰۰۰۰۰)		
ضریب تعیین			۰/۸۹۳۶۹۰		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۸۷۷۹۸۹		

(منبع: یافته های پژوهشگر)

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵ درصد کوچک تر است با اطمینان ۹۹٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل گویای آن است که حدود ۸۸ درصد از متغیر وابسته ریسک حاکمیت شرکتی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تبیین می گردد. بعد از آزمون مدل ها به منظور اثبات فرضیه سوم پژوهش از آزمون سویل استفاده شد. بر مبنای محاسبات انجام شده مقدار آماره تی برابر با ۰/۴۹۴ بود که بیانگر عدم وجود رابطه میانجی است. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش رد می شود و مدیریت سود میانجی ارتباط بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی، نیست.

• آزمون فرضیه چهارم تحقیق

فرضیه چهارم: مدیریت سود، نقش میانجی بر رابطه تعدیلی ریسک حاکمیت شرکتی بر رابطه بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی دارد. نتایج حاصل از برآورد مدل اول فرضیه چهارم پژوهش به شرح جدول ۸ می باشد.

جدول ۸- نتایج آماری مدل اول فرضیه چهارم پژوهش (متغیر وابسته: مدیریت سود)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
ثابت	-۰/۸۲۰۲۴۵	۰/۱۱۳۸۳۷	-۷/۲۰۵۴۴۳	۰/۰۰۰۲	-
به موقع بودن گزارش حسابرسی	۰/۰۰۱۱۲۹	۰/۰۰۰۹۶۹	۱/۱۶۵۳۱۶	۰/۲۸۲۱	مثبت
ریسک حاکمیت شرکتی	۰/۳۹۸۱۹۳	۰/۱۷۷۹۱۶	۲/۲۳۸۰۹۸	۰/۰۶۰۲	مثبت/معنادار

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
به‌موقع بودن گزارش حسابرسی*ریسک حاکمیت شرکتی	RGI* AO -۰/۰۰۲۴۸۲	۰/۰۰۱۹۹۵	-۱/۲۴۳۶۸۵	۰/۲۵۳۶	منفی
اندازه شرکت	SIZE ۰/۰۴۸۹۴۲	۰/۰۰۶۷۱۸	۷/۲۸۴۹۷۲	۰/۰۰۰۲	مثبت/معنادار
اهرم مالی	LEV -۰/۲۶۶۸۷۴	۰/۰۳۵۱۰۵	-۷/۶۰۲۲۶۷	۰/۰۰۰۱	منفی/معنادار
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE ۰/۰۸۶۲۸۵	۰/۰۲۲۶۲۹	۳/۸۱۳۰۸۴	۰/۰۰۶۶	مثبت/معنادار
سود تقسیمی	DIV ۰/۰۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۰۱	۴/۵۴۹۲۸۶	۰/۰۰۲۶	مثبت //معنادار
آماره F (سطح معنی‌داری)		۷/۸۹۵۴۰۹ (۰/۰۰۰۰۰۰)			
ضریب تعیین		۰/۵۴۲۲۷۵			
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۴۷۳۵۹۳			

(منبع: یافته های پژوهشگر)

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این‌که مقدار احتمال آماره F از ۵ درصد کوچک‌تر است با اطمینان ۹۹٪ معنی‌دار بودن کل مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل گویای آن است که حدود ۴۷ درصد از متغیر وابسته مدیریت سود توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تبیین می‌گردد. نتایج حاصل از برآورد مدل دوم فرضیه چهارم پژوهش به شرح جدول ۹ می‌باشد.

جدول ۹- نتایج آماری مدل دوم فرضیه چهارم پژوهش (متغیر وابسته: ریسک حاکمیت شرکتی)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
ثابت	۰/۴۰۰۱۵۰	۰/۰۱۱۵۹۵	۳۴/۵۱۰۷۰	۰/۰۰۰۰	-
مدیریت سود	DA -۰/۰۰۶۵۰۶	۰/۰۰۰۶۹۵	-۹/۳۶۲۸۹۸	۰/۰۰۰۰	منفی/معنادار
اندازه شرکت	SIZE -۰/۰۰۷۱۲۶	۰/۰۰۴۸۳۴	-۱/۴۷۴۱۳۵	۰/۱۴۰۸	منفی
اهرم مالی	LEV ۰/۱۲۰۹۳۶	۰/۰۰۸۴۱۱	۱۴/۳۷۸۵۲	۰/۰۰۰۰	مثبت/معنادار

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	-۰/۰۲۴۸۳۲	۰/۰۰۳۸۴۹	-۶/۴۵۱۵۴۰	منفی/معنادار
سود تقسیمی	DIV	-۰/۰۰۰۰۰۰۲۳	۰/۰۰۰۰۰۰۱۲	-۱/۹۰۵۵۱۶	منفی/معنادار
آماره F		۵۶/۹۱۸۷۵			
(سطح معنی داری)		(۰/۰۰۰۰۰۰)			
ضریب تعیین		۰/۸۹۳۶۹۰			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۷۷۹۸۹			

(منبع: یافته های پژوهشگر)

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵ درصد کوچک تر است با اطمینان ۹۹٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل گویای آن است که حدود ۸۸ درصد از متغیر وابسته حاکمیت شرکتی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تبیین می گردد. بعد از آزمون مدل ها به منظور اثبات فرضیه چهارم پژوهش از آزمون سویل استفاده شد که آماره تی محاسبه شده برابر با ۵۳۲/۰ بود. بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش هم رد می شود و مدیریت سود نقش میانجی بر نقش تعدیل کننده ریسک حاکمیت شرکتی بر رابطه بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی، ندارد.

• آزمون فرضیه پنجم تحقیق

فرضیه پنجم: ریسک حاکمیت شرکتی اثر تعدیلی بر نقش میانجی مدیریت سود بر رابطه بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی دارد. نتایج حاصل از برآورد مدل پنجم پژوهش به شرح جدول ۱۰ می باشد.

جدول ۱۰- نتایج آماری مدل پنجم پژوهش (متغیر وابسته: ریسک حسابرسی)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
ثابت	۰/۰۴۱۹۳۸	۰/۰۴۱۳۰۷	۱/۰۱۵۲۶۷	۰/۳۱۰۲	-
به موقع بودن گزارش حسابرسی	AO	۰/۰۰۱۱۱۰	۰/۰۰۰۳۴۶	۳/۲۰۸۱۶۸	مثبت/معنادار
مدیریت سود	DA	۰/۰۰۴۸۳۹	۰/۰۵۸۵۶۸	۰/۰۸۲۶۱۹	مثبت

پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۷/ پیاپی ۶۷/ پائیز ۱۴۰۴

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	نوع رابطه و معناداری
ریسک حاکمیت شرکتی	RGI	۰/۷۴۰۲۷۱	۰/۸۳۳۵۵	۸/۸۸۰۹۳۹	مثبت/معنادار
ریسک حاکمیت شرکتی* به موقع بودن گزارش حسابرسی	AO* RGI	-۰/۰۰۲۲۲۱	۰/۰۰۰۷۳۷	-۳/۰۱۶۶۲۹	منفی/معنادار
ریسک حاکمیت شرکتی* مدیریت سود	DA * RGI	-۰/۰۳۱۷۶۰	۰/۱۲۴۵۰۴	-۰/۲۵۵۰۹۲	منفی
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۶۶۹۷	۰/۰۰۰۷۶۱	-۸/۷۹۶۱۷۹	منفی/معنادار
اهرم مالی	LEV	۰/۱۲۳۴۴۱	۰/۰۰۹۰۸۱	۱۳/۵۹۳۰۲	مثبت/معنادار
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	-۰/۰۲۴۴۸۴	۰/۰۰۴۱۰۲	-۵/۹۶۸۵۲۵	منفی/معنادار
سود تقسیمی	DIV	-۰/۰۰۰۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۰۰۰۱۲	-۰/۸۵۶۹۴۲	منفی
آماره F		۴۵/۶۵۷۰۱ (سطح معنی داری)			
ضریب تعیین		۰/۸۷۴۳۵۷			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۵۵۲۰۶			

(منبع: یافته های پژوهشگر)

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۵ درصد کوچکتر است با اطمینان ۹۹٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل گویای آن است که حدود ۸۵ درصد از متغیر وابسته ریسک حسابرسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تبیین می گردد. آماره تی متغیر ریسک حاکمیت شرکتی* به موقع بودن گزارش حسابرسی (AO* RGI) برابر با ۳/۰۱۴- است. همچنین، سطح معناداری آن نیز ۰/۰۰۲ است که می توان نتیجه گرفت سطح معناداری این متغیر کمتر از خطای ۵ درصد (سطح اطمینان ۹۵ درصد) است، که نشان می دهد در سطح معناداری ۹۵ درصد، بین ریسک حاکمیت شرکتی* به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، آماره تی متغیر ریسک حاکمیت شرکتی* مدیریت سود (DA * RGI) برابر با ۰/۲۵۵- است. همچنین، سطح معناداری آن نیز ۰/۷۹۸ است که می توان نتیجه گرفت سطح معناداری این متغیر بیشتر از

خطای ۵ درصد (سطح اطمینان ۹۵ درصد) است. بنابراین، با توجه به تایید متغیر ریسک حاکمیت شرکتی* به‌موقع بودن گزارش حسابرسی ($RGI*AO$) و رد متغیر ریسک حاکمیت شرکتی* مدیریت سود ($RGI*DA$)، می‌توان گفت که فرضیه پنجم پژوهش رد می‌شود و ریسک حاکمیت شرکتی نقش تعدیلی بر نقش میانجی مدیریت سود بر رابطه بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی، ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ارتباط بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی را با تحلیل نقش میانجیگری و تعدیلگری مدیریت سود و ریسک حاکمیت شرکتی بررسی نمود.

در فرضیه اول به بررسی ارتباط بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی پرداخته شد. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون این فرضیه می‌توان بیان کرد که بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، این ارتباط غیرمستقیم می‌باشد به عبارتی با افزایش به‌موقع بودن گزارش حسابرسی انتظار می‌رود ریسک حسابرسی کاهش یابد. نتایج نشان داد، شرکت‌هایی که نظر حسابرسی اصلاح شده دارند با سطح پایین‌تری از ریسک حسابرسی روبرو هستند. همچنین، شرکت‌هایی با تاخیر کوتاه‌تر در گزارش حسابرسی با سطح بالاتری از ریسک حسابرسی مشخص می‌شوند. نتایج فرضیه اول همسو با پژوهش ایمن فخفخ و انیس جربویی (۲۰۲۰) است.

فرضیه دوم پژوهش به بررسی نقش تعدیلی ریسک حاکمیت شرکتی بر رابطه بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی پرداخته است. نتایج این فرضیه نشان داد که ریسک حاکمیت شرکتی نقش تعدیلی بر ارتباط بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی دارد. به عبارتی، به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حاکمیت شرکتی قوی باعث کاهش ریسک حسابرسی می‌گردد. دمارتینی و تروکو (۲۰۱۶)، اظهار می‌کنند که کیفیت حاکمیت شرکتی به عنوان عاملی در ارزیابی ریسک حسابرسی برای مشتریان جدید است. نفاتی و همکاران (۲۰۱۱)، نشان دادند که شیوه‌های حاکمیتی خوب موجب کاهش ریسک می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش به بررسی نقش میانجی مدیریت سود بر ارتباط بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی پرداخت. با بررسی نتایج بدست آمده می‌توان بیان کرد مدیریت سود نقش میانجی بر رابطه بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی ندارد. فرضیه چهارم پژوهش به بررسی نقش میانجی مدیریت سود بر نقش تعدیل‌کننده ریسک حاکمیت شرکتی بر رابطه بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی پرداخته است. نتایج آزمون این فرضیه نشان‌دهنده بی‌اثر بودن نقش میانجی مدیریت سود بر نقش تعدیل‌کننده ریسک حاکمیت شرکتی بر رابطه بین به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی است. نتایج مطالعه ایمن فخفخ و انیس جربویی (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد که مدیریت سود نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی را در رابطه بین افشا به‌موقع و ریسک حسابرسی دارد. با توجه به نتایج فرضیه سوم و چهارم، نتایج حاکی

از بی تاثیر بودن اثر میانجی مدیریت سود بر این روابط در بازار سرمایه ایران است و به نظر می رسد که در این بازار، حسابرسان در برنامه ریزی کار حسابرسی، توجهی به بحث مدیریت سود در ارزیابی و تحلیل ریسک حسابرسی ندارند و با توجه به نتایج فرضیه اول و دوم، همچنان استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب در ارزیابی و تحلیل آنها نقش کلیدی را دارد.

فرضیه پنجم به بررسی نقش تعدیلی ریسک حاکمیت شرکتی بر نقش میانجی مدیریت سود بر رابطه بین به موقع بودن گزارش حسابرسی و ریسک حسابرسی پرداخته است. نتایج آزمون این فرضیه نشان دهنده عدم تایید نقش تعدیلی ریسک حاکمیت شرکتی بر رابطه فوق است، در حالی که نتایج مطالعه ایمن فخفخ و انیس جربویی (۲۰۲۰)، نشان می دهد که مدیریت سود نقش تعدیل کننده ریسک حاکمیت شرکتی را در رابطه بین افشا به موقع و ریسک حسابرسی واسطه قرار می دهد. بنابراین، این تحقیق به طور تجربی نشان می دهد که ریسک حاکمیت شرکتی هم رابطه بین افشای به موقع و مدیریت سود، و هم رابطه بین مدیریت سود و ریسک حسابرسی را تعدیل می کند. به عبارتی، نقش میانجی گری مدیریت سود بسته به سطح ریسک حاکمیت شرکتی متفاوت است. بر این اساس، پیشنهاد می شود تا برای تحقیقات آتی تمام عواملی که ممکن است بر ریسک حسابرسی تأثیر بگذارند، به ویژه عوامل موثر بر ریسک حاکمیت شرکتی که محرک حسابرسان در ارزیابی سطح ریسک حسابرسی است، شناسایی شوند. این شناسایی می تواند به اصلاحات برای بهبود عملکرد بازار مالی ایران کمک کند.

فهرست منابع

- حساس یگانه، یحیی & داداشی، ایمان. (۱۳۸۹). تاثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسان درباره ریسک و برنامه ریزی پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی ۴۱-۶۶، ۲(۵).
- یلفانی، امیر، نوروش، ایرج، طالب نیا، قدرت اله & اصغری زاده، عزت اله. (۱۴۰۰). اثر حاکمیت شرکتی بر تأخیر گزارش حسابرسی در صنعت بیمه ایران Corporate Governance Effect on Audit Report Lag in Iran Insurance Industry. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی ۱۶۹-۱۷۲، ۱۳(۵).
- Arthur, N., Chen, H., & Tang, Q. (2019). Corporate ownership concentration and financial reporting quality: International evidence. *Journal of Financial Reporting and Accounting*
- Fakhfakh, I., & Jarboui, A. (2020). Audit certification, earnings management and risk governance: a moderated-mediation analysis. *Journal of Financial Reporting and Accounting*.
- Neffati, A., Fred, I. B., & Schalck, C. (2011). Earnings management, risk and corporate governance in US companies. *Corporate Ownership and Control*, 8(2), 170-176.
- Demartini, C., & Trucco, S. (2016). Does intellectual capital disclosure matter for audit risk? evidence from the UK and Italy. *Sustainability*, 8(9), 867.
- Brumfield, C. A., Elliott, R. K., & Jacobson, P. D. (1983). Business risk and the audit process. *Journal of accountancy*, 155(4), 60-68.
- Fooladi, M., & Farhadi, M. (2011, November). Corporate governance and audit process. In *International Conference on Humanities, Society and Culture (ICHSC)* Kuala Lumpur, Malaysia, November (pp. 4-6).

- Margheim, L., Kelley, T. and Pattison, D. (2011), "An empirical analysis of the effects of auditor time budget pressure and time deadline pressure", *Journal of Applied Business Research*, Vol. 21 No. 1.
- Mande, V., & Son, M. (2011). Do audit delays affect client retention?. *Managerial Auditing Journal*.
- Abuaddous, M., Hanefah, M. M., & Laili, N. H. (2015). Audit structure, time pressure and judgment accuracy: A comparison between strategic system audit and traditional audit. *International Journal of Economics and Finance*.
- Sakka, I. F., & Jarboui, A. (2015). External auditor's characteristics, corporate governance and audit reporting quality. *International Journal of Accounting and Economics Studies*, 3(2), 109-116.
- Saidin, S. Z. (2014). Empirical evidence of the moderating effect of effective audit committee on audit experience in the public sector: Perception of internal auditors. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5(10), 176.
- Bayk, M. and Ramezanahmadi, M. (2016), "Studying the moderating effect of the corporate governance on the relationship between accounting conservatism and earnings management on the stock exchange", *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, Vol. 6 No 3, pp. 2607-2614.
- Kamarudin, K.A., Ismail, W.A.W. and Samsuddin, M.E. (2012), "The role of the audit committee in moderating the negative effect of Non-Audit services on earnings quality", 2nd International Conference on Management, Holiday Villa Beach Resort and Spa, Langkawi Kedah.

Abstract

Relationship between audit reporting quality and audit risk with analyzing the moderated-mediation role of earnings management and corporate governance.

Farokh Barzideh¹

Mandana Taheri²

Zahra Bordbar³

Received: 1 / July / 2025

Accepted: 1 / September / 2025

Abstract

The present study deals with the relationship between audit reporting quality and audit risk with analyzing the moderated-mediation role of earnings management and corporate governance. The statistical population of the study included companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2013 to 2020. After applying the restrictions, 140 companies were selected. After measuring the research variables, multivariate regression analysis is used. The results showed that there is a significant negative relationship between the timeliness of the audit report and the audit risk. Corporate governance also moderates the relationship between the timeliness of the audit report and the audit risk. But earnings management does not mediate the relationship between the timeliness of the audit report and the audit risk. Earnings management does not mediate the moderating role of corporate governance in the relationship between the timeliness of the audit report and audit risk. Corporate governance has no moderating role on the mediating role of earnings management on the relationship between the timeliness of the audit report and audit risk.

Keywords: Corporate Governance, Earnings Management, Timely Audit Report, Audit Risk.

1 Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran. Fbarzideh@yahoo.com

2 Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran. (Corresponding author). mandanataheri@atu.ac.ir

3 Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran. saedebordbar@gmail.com



رابطه ریسک مالی با کیفیت حسابداری با تأکید بر نقش ریسک تجاری

وحید منتی^۱

حمیده آثنی عسری^۲

محمد رجب نیا چناری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

چکیده

در این پژوهش از بازارهای مالی طراحی شده در اقتصاد آزمایشگاهی جهت بررسی اثر ریسک تجاری و ریسک مالی بر انتخاب حسابداری، استفاده شده است. دلیل انتخاب این دو عامل این است که هم ریسک تجاری و هم مالی، ممکن است هر واحد تجاری را درگیر نمایند و یک مسئله فراگیر هستند و همچنین دلیل بررسی اثر آن‌ها بر روی مدیران واحد های تجاری این است که آنان نقش بسیار مهمی در انتخاب حسابداری مستقل دارند و این در حالی است که اطلاعات کمی در رابطه با ترجیحات حسابداری مدیران در دسترس است. روش پژوهشی مورد استفاده، روش آزمایشگاهی است و نمونه ای متشکل از ۱۵۰ نفر از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه های سراسری سطح شهر تهران در سال ۱۴۰۰ شمسی جهت آزمون فرضیه ها، مورد بررسی قرار گرفته اند. پیش بینی می شود که ریسک تجاری، ریسک مالی و شرایط تعاملی آن ها سبب کاهش کیفیت حسابداری مورد تقاضای مدیریت و افزایش گزارشگری متقلبانه گردد. نتایج به جز یک مورد با پیش بینی پژوهش مطابقت دارد؛ افزایش ریسک تجاری و وجود ریسک مالی، هر کدام به تنهایی، موجب کاهش کیفیت حسابداری مورد تقاضا می شود؛ اما شرایط تعاملی آن ها اثر معناداری بر کیفیت حسابداری ندارد و همچنین هر دو عامل موجب افزایش گزارشگری متقلبانه می گردند. در نهایت نیز اثر کیفیت حسابداری بر سرمایه گذاران بررسی گردید و نشان داده شد که کاهش کیفیت حسابداری در واحد تجاری می تواند سرمایه گذاران را با ضرر و زیان، همراه کند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابداری، زیان گریزی، ریسک تجاری، ریسک گریزی، اقتصاد آزمایشگاهی.

۱ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). v_menati@sbu.ac.ir

۲ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران. h_asnaashari@sbu.ac.ir

۳ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران. mo.rajabniachenari@mail.sbu.ac.ir



۱- مقدمه

همواره کیفیت خدمات حسابرسی در زمره حیاتی‌ترین مسائل این حرفه به شمار آمده است، به طوری که ناظران، پژوهشگران، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و دیگر ذی‌نفعان همواره در تلاش برای توسعه شاخص‌های کیفیت حسابرسی بوده‌اند. بررسی عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی می‌تواند به ما این امکان را دهد که کیفیت گزارشگری مالی و وظیفه مباشرتی را تحلیل نموده و تا حد امکان از رخ داد عواملی که سبب کاهش کیفیت می‌شوند، جلوگیری کنیم. به علاوه یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های اصلی سرمایه‌گذاران در تضمین اینکه تغییرات و تفسیرهای گزارش‌های مالی در ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها قابل اطمینان باشد، این است که گزارش‌های مالی حاوی اطلاعاتی شفاف و قابل اتکا باشد تا نقش مهمی در پیش‌بینی، قضاوت و تصمیم‌گیری آگاهانه استفاده‌کنندگان داشته باشد. در این زمینه شواهد نشان می‌دهد حسابرسی سالیانه صورت‌های مالی به عنوان یک ساز و کار نظارتی و یک فرآیند کشف‌کننده تحریف‌های با اهمیت، ابزاری است که از طریق بهبود کیفیت اطلاعات مالی می‌تواند قدرت پیش‌بینی‌کنندگی اطلاعات مالی را افزایش و منجر به کاهش دغدغه‌ها و مخاطره‌های سرمایه‌گذاران در استفاده از گزارش‌های مالی شود (بهارمقدم و جوکار، ۱۳۹۷). با توجه به موارد بیان شده، مطالعه عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی می‌تواند در جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی گام مهمی بردارد. از عوامل مهم اثرگذار بر کیفیت خدمات حسابرسی، عرضه و تقاضای خدمات حسابرسی می‌باشد (الهابس‌اسه و یکینی^۱، ۲۰۲۱؛ اسماعیل زاده مقری و دلبری راغب، ۱۴۰۲؛ مجتهدزاده و آقای، ۱۳۸۳) که حاصل از تعامل حسابرسان و موسسات حسابرسی با مدیران شرکت‌ها در حضور نهاد‌های ناظر بر کیفیت حسابرسی است.

پژوهش‌هایی که از دیدگاه عرضه‌کنندگان انجام شده است عمدتاً بر عواملی تأکید می‌کند که بر توانایی‌های حسابرس در ارائه حسابرسی با کیفیت بالا، تأثیر می‌گذارد. برعکس پژوهش‌هایی که از دیدگاه متقاضیان خدمات حسابرسی صورت می‌گیرد، عمدتاً بر عواملی سر و کار دارد که بر استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی، از جمله سهامداران، مراجع قانونی، اعتباردهندگان و صاحبکاران تأثیر می‌گذارد (مجتهدزاده و آقای، ۱۳۸۳). این پژوهش با تأکید بر متقاضیان خدمات حسابرسی بر انتخاب حسابرسی که مدیریت یک واحد تجاری برای گزارشگری مالی استفاده می‌نماید، تکیه دارد و عوامل موثر بر تقاضای حسابرسی، مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش‌های گذشته عوامل متعددی از جمله مسئله نمایندگی (بارتون^۲، ۲۰۰۵؛ دیفوند و ژانگ^۳، ۲۰۱۴؛ جنسن و مک‌لینگ^۴، ۱۹۷۹؛ لنوکس^۵، ۲۰۰۵؛ وانگ و همکاران^۶، ۲۰۰۸)، فرضیه اطلاعات (والاس^۷،

¹ Alhababsah & Yekini

² Barton

³ Defond & Zhang

⁴ Jensen & Meckling

⁵ Lennox

⁶ Wang et al

⁷ Wallace

(۱۹۸۷) مدیریت سود (جیانگ^۱، ۲۰۱۵)، حق الزحمه حسابرسی (همت فر و همکاران، ۱۳۹۲؛ بلنکلی و همکاران^۲، ۲۰۱۲؛ چوی و همکاران^۳، ۲۰۱۰؛ هویتاش و همکاران^۴، ۲۰۰۷) و سبک حسابرسی (خشوئی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فرانسیس و همکاران^۵، ۲۰۱۴؛ کوتاری و همکاران^۶، ۲۰۱۰) بر تقاضای صاحبکار برای خدمات حسابرسی مستقل، مورد بررسی قرار گرفته است که همه این موارد در زمره عوامل کاربردی قرار می گیرند. با این حال عوامل بنیادین دیگری وجود دارد که تا به حال نادیده گرفته شده اند. بنابراین مسئله مهمی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد و به ندرت در پژوهش های گذشته به آن ها اشاره شده است، ریسک تجاری^۷ و ریسک مالی^۸ شرکت است که می تواند تقاضای مدیریت برای خدمات حسابرسی با کیفیت را دستخوش تغییراتی کند. ریسک تجاری به هر گونه تهدید برای امنیت مالی واحد تجاری اطلاق می شود (پولینکویچ و همکاران^۹، ۲۰۲۱). همچنین ریسک مالی به هرگونه زیان ناشی از شرایط اقتصادی مانند نرخ های ارز خارجی، ابزارهای مشتقه، ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری، مربوط می گردد (رزعلی و طاهر^{۱۰}، ۲۰۱۱). پیش بینی می شود که افزایش ریسک تجاری و وجود ریسک مالی می تواند مدیریت را مجاب نماید که صورت های مالی را تحریف نموده و برای مخفی ماندن آن از خدمات حسابرسی با کیفیت پایین، استفاده نماید و در نهایت، سوالی که در این پژوهش به آن پاسخ داده می شود این است که آیا ریسک تجاری و ریسک مالی هر کدام به تنهایی و یا به شکل تعاملی می توانند موجب کاهش تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت شوند یا خیر؟

از آن جا که این پژوهش در حوزه عوامل موثر بر تقاضای حسابرسی قرار دارد، بنابراین برای همه ذینفعان حائز اهمیت خواهد بود. نتایج اجرای این پژوهش می تواند به افزایش آگاهی و توانمندی هر چه بیشتر مدیران واحد تجاری، کمیته حسابرسی، حسابرسان داخلی، حسابرس مستقل و سایر استفاده کنندگان از صورت های مالی منجر گردد و به خصوص سرمایه گذاران را از مخاطرات آتی، آگاه نماید. نوآوری این پژوهش را می توان در روش پژوهش، حجم نمونه نسبت به پژوهش های گذشته، متغیرهای مورد بررسی و آزمون های انجام گرفته از جمله آزمون های تکمیلی، جست و جو نمود. این پژوهش از جمله محدود پژوهش هایی است که یک شبیه ساز بازار های مالی متناسب با دنیای واقعی را به تصویر کشیده است و رفتار اقتصادی آزمودنی ها را، در حالات مصنوعی مختلف، مورد بررسی قرار داده است.

¹ Jiang

² Blankley et al

³ Choi et al

⁴ Hoitash et al

⁵ Francis et al

⁶ Kothari et al

⁷ Business risk

⁸ Financial risk

⁹ Polinkevych et al

¹⁰ Zarali & Tahir

۲- مبانی نظری

۲-۱- کیفیت حسابرسی

یک تعریف رایج از کیفیت حسابرسی به وسیله دی آنجلو^۱ (۱۹۸۱) ارائه شده است، او کیفیت حسابرسی را ارزیابی و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف های با اهمیت در صورت های مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار و گزارش تحریف های با اهمیت کشف شده، تعریف کرده است. دیفوند و ژانگ (۲۰۱۴)، تأکید دارند که کیفیت حسابرسی یک نوع متغیر پیوسته است و حسابرس به این موضوع توجه می نماید که آیا انتخاب های حسابداری صاحبکار و گزارشگری صورت گرفته توسط او، مطابق اصول پذیرفته شده حسابداری است یا خیر و صورت های مالی تا چه اندازه به شکل صادقانه، منعکس کننده اصول اقتصادی مبنای واحد تجاری هستند. بنابراین کیفیت حسابرسی بالاتر را به منزله اطمینان بیشتر نسبت به آن که صورت های مالی به نحوی صادقانه، منعکس کننده اصول اقتصادی مبنای واحد تجاری، مشروط به سیستم گزارشگری مالی آن و مشخصات ذاتی است، تعریف می کنند (زی^۲، ۲۰۱۶). حسابرسان در بازار های مالی، نقش کلیدی با فراهم آوردن اعتبار برای صورت های مالی، ایفا می کنند و زمینه نقش آفرینی را برای مشارکت کنندگان در بازار های مالی، هموارتر می سازند، همچنین ارزش ها را به ارزش های بنیادی در بازار، نزدیک تر می سازند (لانگبرگ و روتنبرگ^۳، ۲۰۲۳). شواهد نشان می دهد حسابرسی مستقل و با کیفیت به دلیل برخورداری از تخصص و مهارت کافی، ارزش افزوده مضاعف ایجاد می کند که موجب بهبود و انعکاس بیشتر اطلاعات خاص شرکت در تصمیم های سرمایه گذاران می شود (ابراهیمی کردلر و قلندری، ۱۳۹۵). بنابراین می توان نتیجه گرفت که به کارگرفتن کیفیت پایین خدمات حسابرسی در شرکت، می تواند موجب عدم اعتماد سرمایه گذاران و حتی تصمیمات اقتصادی نادرست و متضرر شدن آن ها شود. ایتون^۴ (۲۰۱۲) نیز بیان می کند که اطلاعات مربوط به گزارش حسابرسی می تواند بر پیش بینی سرمایه گذاران از جریان های نقدی آتی یا ریسک جریان های نقدی آتی اثر گذارد. همچنین واکنش بازار سرمایه به شکل عمده ای به این موضوع بستگی دارد که گزارش حسابرسی شامل اطلاعاتی است که در حال حاضر در اختیار سرمایه گذاران است یا خیر. با توجه به مطالب بیان شده می توان به اهمیت کیفیت حسابرسی بیش از پیش پی برد و در صدد بررسی عوامل موثر بر آن برآمد. در ادبیات حسابرسی، هنگام بررسی کیفیت حسابرسی دو طرف وجود دارد: تقاضا و عرضه (الهاباسه و یکینی، ۲۰۲۱؛ اسماعیل زاده مقری و دلبری راغب، ۱۴۰۲؛ مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳). بنابراین عوامل اثر گذار و تعیین کننده کیفیت حسابرسی در بازار های مالی، عرضه و تقاضای حسابرسی است که مربوط به حسابرسان، موسسات حسابرسی و همچنین صاحبکار می باشد (مجتهدزاده و آقایی، ۱۳۸۳). این

¹ DeAngelo² Xie³ Langberg & Rothenberg⁴ Ittonen

پژوهش به دنبال این است که دو عامل بنیادین بسیار مهم و اثرگذار بر تقاضای کیفیت حسابرسی مدیر را بررسی کند که تا به حال به شکل مستقل و به شکل تعاملی مورد بررسی قرار نگرفته اند و اثرات آن ها بر تصمیم گیری مدیر، در نظر گرفته نشده است. این دو عامل شامل ریسک تجاری و ریسک مالی است.

۲-۲- ریسک تجاری

محیط اقتصادی شرکت ها نقش تعیین کننده و غیرقابل انکاری در اثرگذاری بر عملکرد شرکت دارد. ریسک محیط بر اساس انواع ریسک هایی تعریف می شود که شرکت در نتیجه فعالیت خود با آن ها روبرو می شود. انواع ریسک ها و مخاطراتی که موفقیت یک شرکت را تهدید می کند، به دلیل عدم اطمینان های ناشی از محیط درونی و یا بیرونی خود شرکت است. ریسک می تواند ناشی از سیاست ها و عوامل کلان اقتصادی کشور، مانند خصوصی سازی، تولید ناخالص داخلی و غیره و یا سیاست های اتخاذ شده در سطح خود شرکت ها، از قبیل نحوه تأمین مالی، سیاست های نقدینگی، قابلیت رشد شرکت و غیره باشد. از یک دیدگاه، عوامل تشکیل دهنده ریسک محیط عبارت است از: ریسک نرخ سود تضمین شده، ریسک تورم، ریسک بازار، ریسک تجاری، ریسک مالی و ریسک سیاسی و اقتصادی (چاتو و اولسن^۱، ۲۰۰۷). ریسک تجاری به هر گونه تهدید برای امنیت مالی واحد تجاری اطلاق می شود (پولینکوویچ و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین ریسک تجاری به عواملی که موجب کاهش سود شرکت و مواجه شدن آن با شکست می شود، اطلاق می گردد که همه روزه سازمان ها و شرکت ها با آن دسته پنجه نرم می کنند. هر عاملی که شرکت را تهدید می کند تا به اهداف مالی مد نظرش نرسد، در زمره ریسک تجاری قرار می گیرد. عوامل مختلفی سبب ایجاد ریسک تجاری می شود که یکی از آن ها رهبری و مدیریت واحد تجاری است که می تواند موقعیتی را برای واحد ایجاد نماید که با ریسک تجاری بالایی روبرو شود (منسا^۲، ۲۰۲۰). گاهی اوقات عوامل داخلی (شکست داخلی) موجب بروز ریسک تجاری می شود که همین موضوع شرکت ها را به سمت راهبرد مدیریت ریسک سوق می دهد تا بتوانند اثرات ریسک تجاری را کاهش دهند. داف^۳ (۲۰۰۸)، ریسک تجاری را زیان مالی ناشی از تغییرات محیط رقابتی و توانایی سازگاری به هنگام واحد تجاری با تغییرات عوامل خارجی که معمولاً کنترل آن خارج از عهده مدیریت است، تعریف می کند. همچنین ریسک تجاری را می توان در ناتوانی شرکت در پایداری در صحنه رقابت، یا در حفظ نرخ رشد و یا ثبات میزان سود دهی در کوتاه مدت یا دراز مدت، تعریف کرد که متأثر از ریسک اقتصادی و ریسک عملیاتی است (رهنما رودپشتی و موسوی ثابت، ۱۳۸۷). بدین ترتیب ریسک تجاری را می توان به شکل خلاصه در سه گزاره، خلاصه نمود:

¹ Chathoth & Olsen

² Mansa

³ Doff

(۱) به عواملی که موجب کاهش سود واحد تجاری و یا شکست آن می شود و واحد تجاری یا یک سازمان همواره با آن دست و پنجه نرم می کند، ریسک تجاری گفته می شود.

(۲) منابع ایجاد کننده ریسک تجاری متفاوت است که می تواند از تغییر سلیقه مصرف کننده تا وضعیت کلی اقتصاد و قوانین نظارتی و دولتی را در بر بگیرد که همگی شرکت را با خطر مواجه می کند.

(۳) زمانی که شرکت ها نمی توانند به طور کامل از ریسک تجاری اجتناب کنند، باید حداقل بتوانند اثرات آن را کاهش دهند که این امر را می توانند از طریق توسعه مدیریت ریسک واحد تجاری^۱ و برنامه ریزی خطر راهبردی، تحقق بخشند (منسا، ۲۰۲۰).

سه معیار اندازه گیری ریسک تجاری شامل نوسان های درآمد، اهرم عملیاتی و نسبت سود تقسیمی است (هومس و همکاران^۲، ۲۰۱۲).

۳-۲- ریسک مالی

ریسک مالی مربوط به استفاده از بدهی برای تأمین مالی دارایی های شرکت سرمایه پذیر است (احمدپور و عموزاده، ۱۳۸۶) که یکی از انواع آن ریسک مربوط به سرمایه گذاری^۳ است و با مفهوم زیان دهی شرکت، سازگار است. همچنین تقوی (۱۳۸۶)، بیان می کند که ریسک مالی از تقسیم جمع بدهی به جمع دارایی ها به دست می آید و اهرم مالی عامل فزاینده ریسک مالی است (آدین فر و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین ریسک مالی به هرگونه زیان ناشی از شرایط اقتصادی مانند نرخ های ارز خارجی، ابزارهای مشتقه، ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری، مربوط می گردد (رزعلی و طاهر، ۲۰۱۱). زیان با توجه به یک نقطه مرجع و نه صرفاً با واحد پولی، تعریف می شود و با مفهوم زیان گریزی در نظریه چشم انداز، سازگار است. نقطه مرجع یا همان اهداف واحد تجاری، به وسیله تجربیات و انتظارات گذشته تعیین می شود (کوشگی و رابین^۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷) و یا حاصل کار پیش بینی تحلیل گران است. تئوری چشم انداز اولین بار توسط کانمن و توورسکی (۱۹۷۹ و ۱۹۹۲) ارائه شد که در شمار مهم ترین مقالات ارائه شده در حوزه مالی رفتاری است. تئوری چشم انداز بعد ها توسط افراد دیگری از جمله تالر^۵ (۱۹۹۹) تکمیل شد. بر اساس تئوری چشم انداز، احساس نارضایتی در ضرر و زیان بیش از احساس رضایت از کسب سود است. این موضوع نشان دهنده زیان گریزی افراد در تصمیم گیری است. زیان گریزی به این حقیقت اشاره دارد که افراد نسبت به کاهش ثروت خود در مقایسه با افزایش آن، حساس تر هستند. برخی از پژوهشگران بر این عقیده هستند که قیمت اولیه خرید در یک سرمایه گذاری،

^۱ ERM(Enterprise Risk Management)

^۲ Houmes et al

^۳ Investment risk

^۴ Kozegi & Rabin

^۵ Kahneman & Tversky

^۶ Thaler

تعیین کننده نقطه مرجع است. همچنین کوشگی و رابین (کوشگی و رابین، ۲۰۰۶) معتقدند نقطه مرجع، نشان دهنده ارزش مد نظر فرد از پیامدهای آینده است. ریسک یا زیان، یکی از عوامل مهم تأثیر گذار بر رفتار و تصمیم گیری های افراد به ویژه در بازارهای مالی است. ریسک پذیری را می توان انجام هر گونه فعالیتی که دارای حداقل یک نتیجه مبهم و یا نامطمئن باشد، تعریف کرد (یاتس و همکاران^۱، ۱۹۹۴). نتیجه مذکور ممکن است مثبت بوده و منفعتی را برای فرد به همراه داشته باشد و یا منفی بوده و فرد را با زیان مواجه کند. از دیدگاه تصمیم گیری، ریسک پذیری عبارت است از انتخاب سنجیده یک رفتار همراه با خطر (فیش هاف^۲، ۱۹۹۴). با توجه به مطالب بیان شده می توان نتیجه گرفت که دو مفهوم ریسک گریزی و زیان گریزی به شکل پیوسته با یکدیگر در ارتباط بوده و مکمل یکدیگر می باشند. به این ترتیب پذیرش خطر می تواند به همراه وقوع ریسک مالی و یا عدم وقوع آن باشد که در صورت عدم وقوع، شخص پذیرنده ریسک با هزینه فرصت از دست رفته^۳، مواجه خواهد بود.

۴-۲- انعطاف پذیری در گزارشگری مالی و گزارشگری متقالبانه

در حسابداری مالی، انعطاف پذیری بر اساس امکان سازگاری اطلاعات مالی با فرصت هایی که استاندارد های حسابداری در نظر می گیرد، تعریف می شود. بنابراین انعطاف پذیری بر مبنای استاندارد های حسابداری مختص هر کشور در نظر گرفته می شود. انعطاف پذیری در گزارشگری مالی^۴ مربوط به وسعت آزادی عمل^۵ کلی و عمومی است که به مدیران واحد های تجاری داده می شود، یا به عبارت دیگر اختیاری^۶ که بابت عملی خاص به مدیران اعطا می گردد. کرمی (۱۳۹۰) به نقل از ون روئن بیان می کند که اختیار در حسابداری مالی می تواند با امکانات مختص واحد تجاری تعریف شود که می تواند با استفاده از معاملات واقعی و تصمیم گیری های حسابداری محض بر روی سود واحد تجاری اثر گذارد. همچنین کرمی (۱۳۹۰) به نقل از سابرا مانیم بیان می کند که هنگامی که مدیران از اختیارات خود برای افزایش منافع شخصی، با میل بیشتری اقدام به انتشار اطلاعات محرمانه درباره سودآوری شرکت کنند، مدیریت سود فرصت طلبانه خواهد بود. به عبارت دیگر مدیریت فرصت طلبانه سود، در گزارشگری مالی توسط مدیران به منظور گمراهی استفاده کنندگان نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت برای حداکثر سازی منافع شخصی، تعریف می شود. از لحاظ تجربی وجود رابطه منفی و معنادار و یا عدم وجود رابطه معنادار میان اقلام تعهدی اختیاری و سودآوری آتی، نشان دهنده فرصت طلبانه بودن مدیریت سود است. به علاوه باید این موضوع را در نظر گرفت که سود گزارش شده در صورت

^۱ Yates et al

^۲ Fischhoff

^۳ Opportunity cost

^۴ Reporting Flexibility

^۵ Latitude

^۶ Discretion

های مالی به شدت، خوانایی و شفافیت اطلاعات مالی را تحت تأثیر قرار می دهد (توانگر و ریاحی نژاد، ۱۴۰۰). از آن جا که محاسبه سود واحد تجاری متأثر از روش های برآوردی حسابداری بوده و تهیه صورت های مالی نیز بر عهده مدیریت است، ممکن است مدیریت به دلایل مختلف اقدام به مدیریت سود نماید (پرتوی و آبشیرینی، ۱۳۹۲). همان گونه که در هر انحراف از واقعیت سعی در پنهان نمودن وجود دارد، زمانی که مدیر قصد تقلب در صورت های مالی را داشته باشد آن ها را پیچیده تر و با خوانایی کمتر، منتشر می کند (بلانکو و دثول^۱، ۲۰۱۷).

با توجه به مطالب بیان شده، پیش بینی در این پژوهش این است که افزایش ریسک تجاری و ریسک مالی برای واحد تجاری، می تواند مدیریت واحد را به سمت انعطاف پذیری در گزارشگری مالی و در نهایت گزارشگری متقلبانة سوق دهد و برای عدم کشف این تقلب از خدمات حسابرسی بی کیفیت، استفاده نماید. خدمات بی کیفیت حسابرسی موجب می شود که دستکاری صورت های مالی برای حسابرس محرز نشود و مدیریت به مقاصد فرصت طلبانه خود دست پیدا کند. همچنین کیفیت حسابرسی مورد استفاده در واحد تجاری می تواند بر استفاده کنندگان از گزارش های مالی اثرگذار باشد (هرلی و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پژوهش های خارجی

هرلی و همکاران (۲۰۱۹)، کوالسکی و همکاران^۳ (۲۰۱۹) و دیفوند و همکاران^۴ (۲۰۰۰)، در پژوهش های خود به این نتیجه رسیدند که حتی زمانی که حسابرسان به دنبال عرضه کیفیت حسابرسی به بالاترین شکل ممکن هستند و همچنین مدیران انگیزه دارند که بالاترین کیفیت حسابرسی را تقاضا کنند، عواملی وجود دارد که سبب تغییر تقاضای مدیر برای کیفیت حسابرسی می شود.

جیانگ و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهش خود دو عامل مدیریت سود و مدیریت جریان های نقدی را بر نوع حسابرس مورد استفاده صاحبکار، بررسی کردند. یافته های آن ها نشان داد که شرکت هایی که از مدیریت سود و مدیریت جریان های نقدی به میزان بیشتری نسبت به سایر شرکت ها استفاده می کنند، از حسابرس با بالاترین سطح کیفیت خدمات برای رسیدگی به صورت های مالی استفاده نمی نمایند.

دیفوند و ژانگ (۲۰۱۴)، نیسکانن و همکاران^۵ (۲۰۱۱)، وانگ و همکاران (۲۰۰۸)، لنوکس (۲۰۰۵)، بارتون (۲۰۰۵)، ویلنبرگ^۶ (۱۹۹۹)، بیتی^۷ (۱۹۸۹) و جنسن و مکلینگ (۱۹۷۶)، با بررسی اثر مسئله نمایندگی

¹ Blanco & Dhole

² Hurley et al

³ Kwaleski et al

⁴ Defond et al

⁵ Niskanen et al

⁶ Willenborg

⁷ Beatty

بر تقاضای حسابرسی به این نتیجه رسیدند که هرچه تضاد نمایندگی بیشتر می شود، تقاضا برای استفاده از شخص ثالث برای اطمینان بخشی و در نتیجه تقاضا برای کیفیت حسابرسی، افزایش می یابد تا بتواند عدم تقارن اطلاعاتی موجود در بازار را کاهش داده و با انعقاد قراردادی کارا میان طرفین، مصونیت قیمتی^۱ سرمایه گذاران را کاهش دهد. لذا تضاد های نمایندگی، انگیزه اصلی صاحبکار در تقاضای کیفیت بالای حسابرسی به شمار می رود.

فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴) و کوتاری و همکاران (۲۰۱۰)، یکی از عوامل موثر بر تقاضای حسابرسی را سبک حسابرسی می دانند. هر موسسه حسابرسی به شیوه هایی از رعایت استاندارد های حسابداری و سایر مقررات اطمینان حاصل می نماید که از این شیوه اختصاصی با عنوان سبک حسابرسی یاد می شود. حسابرسان با به کار گرفتن مجموعه مشخصی از استانداردهای حسابداری توانسته اند، دستورالعمل یا سبک حسابرسی مشخصی را ارائه و اعمال کنند که موجب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، ارائه کیفیت خدمات حسابرسی و افزایش تقاضا برای کیفیت این خدمات گردد.

بلنکلی و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی دریافته اند که متقاضیانی که حق الزحمه غیر عادی بالا به حسابرسان پرداخت می کنند، به احتمال کمتری صورت های مالی خود را تجدید ارائه می نمایند که این موضوع خود نشان دهنده افزایش تقاضا برای حسابرسی با کیفیت می باشد. بنابراین حق الزحمه غیر عادی حسابرسی بر اساس رویکرد مدنظر، می تواند اثرات متفاوتی بر کیفیت حسابرسی عرضه شده و مورد تقاضا، داشته باشد.

جوی و همکاران (۲۰۱۰) و هویتاش و همکاران (۲۰۰۷)، در پژوهشی اثر حق الزحمه غیر عادی حسابرسی را بر کیفیت حسابرسی بررسی نمودند و یافتند که حق الزحمه غیر عادی بالا، میزان استفاده از اقلام تعهدی اختیاری را افزایش می دهد و این خود نشان از کاهش تقاضا برای حسابرسی با کیفیت است.

کرسکا و همکاران^۲ (۲۰۰۸)، پژوهشی تحت عنوان انتخاب حسابرسان براساس درخت تصمیم، شبکه های عصبی چند لایه پرسپترون و ماشین بردار پشتیبان انجام دادند. نتایج این پژوهش نیز حاکی از آن بود که سطح بدهی در درخت تصمیم و ماشین بردار پشتیبان به عنوان یک فاکتور موثر در انتخاب حسابرسان مشترک هستند و شرکت های با سطح بدهی بالا به انتخاب یک موسسه حسابرسی معتبرتر، تمایل دارند.

کین و همکاران^۳ (۲۰۰۴)، در پژوهشی تحت عنوان نقش مالکیت نهادی در بازار برای خدمات حسابرسی به این نتیجه رسیدند که یک ارتباط مثبت بین انتخاب حسابرسان مستقل و اندازه متغیرهای حسابرسی شونده و سطح بدهی وجود دارد.

^۱ Price Protection

^۲ Kirkosa et al

^۳ Kane et al

می هیو و همکاران^۱ (۲۰۰۴)، در پژوهشی در حوزه اقتصاد آزمایشگاهی، تفاوتی در ترجیحات مدیران برای کیفیت حسابرسی مورد تقاضا به شکل آزمایش تصمیم گیری فردی، یافتند. آنان دریافتند که بخش با اهمیتی از مدیران، حسابرسانی که استقلالشان خدشه دار شده است را برای رسیدگی به صورت های مالی، انتخاب می کنند.

ولوری و همکاران^۲ (۲۰۰۳)، نقش مالکیت نهادی و انتخاب حسابرسان را بررسی کرده و نشان دادند که شرکت های با سطوح بالای مالکیت نهادی تمایل دارند از حسابرسان آشنا با صنعت استفاده کنند و از کیفیت بالای حسابرسی، اطمینان حاصل نمایند.

چانی و همکاران^۳ (۲۰۰۱)، پژوهشی تحت عنوان انتخاب شخصیت حسابرسان و قیمت گذاری حسابرسی در شرکت های خصوصی انجام دادند. یافته ها نشان می دهد که در صورت نبود فشار بازار، مشتریان حداقل مخارج حسابرسی در دسترس را به عنوان ملاکی برای انتخاب حسابرسان، در نظر می گیرند. والاس (۱۹۸۷)، یکی از مهمترین دلایل توجیه تقاضا برای کیفیت خدمات حسابرسی را فرضیه اطلاعات می داند. بر مبنای فرضیه اطلاعات، انگیزه سرمایه گذاران از تقاضا برای صورت های مالی حسابرسی شده، ارزشی است که خدمات حسابرسی از طریق ارتقای قابلیت اتکا و ارائه گزارش های قابل مقایسه و مفید تر به این اطلاعات می افزاید و به عبارت دیگر یکی از دلایل تقاضا برای خدمات حسابرسی در بازارهای آزاد، افزایش ارزش اطلاعات حسابداری به واسطه توان حسابرسان در مطابقت و هدایت گزارشگری اطلاعات براساس استانداردهای حسابداری، مبتنی بر فرضیه اطلاعات است. تیتمن و ترومن^۴ (۱۹۸۶)، نیز در پژوهشی، ریسک را با تئوری علامت دهی ترکیب نمودند و نتایج نشان دادند که افزایش خطر در واحد تجاری به صورت استفاده از خدمات حسابرسی بی کیفیت به بازار، علامت می دهد.

۳-۲- پژوهش های داخلی

پارسایی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با بررسی دو عامل ریسک و زیان به همراه خصیصه های مثلث تاریک، احساس گناه، عذاب وجدان و تمایلات اجتماعی به این نتیجه رسیدند که این دو عامل به تنهایی می توانند موجب کاهش کیفیت تقاضای خدمات حسابرسی شوند اما اثر تعاملی آن ها بر کیفیت حسابرسی اثرگذار نیست.

¹ Mayhew et al

² Velury et al

³ Chaney et al

⁴ Titman & Trueman

خشوئی و همکاران (۱۳۹۶)، یکی از عوامل موثر بر تقاضای حسابرسی را سبک حسابرسی می دانند. هر موسسه حسابرسی به شیوهایی از رعایت استاندارد های حسابداری و سایر مقررات اطمینان حاصل می نماید که از این شیوه اختصاصی با عنوان سبک حسابرسی یاد می شود. حسابرسان با به کار گرفتن مجموعه مشخصی از استانداردهای حسابداری توانسته اند، دستورالعمل یا سبک حسابرسی مشخصی را ارائه و اعمال کنند که موجب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، ارائه کیفیت خدمات حسابرسی و افزایش تقاضا برای کیفیت این خدمات گردد.

حساس یگانه (۱۳۹۵)، نشان داد که از بین ساز و کار حاکمیت شرکتی، اندازه هیئت مدیره و تمرکز مالکیت، تأثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارد ولی استقلال هیئت مدیره و وجود حسابرسی داخلی، بر کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است. همچنین سازوکارهای حاکمیت شرکتی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می شوند.

همت فر و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی ارتباط بین تقاضای خدمات حسابرسی از سوی شرکت ها و تغییر حسابرسان، با بررسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۹۰ و ۹۱ دریافتند که تقاضای حسابرسی با حق الزحمه، نوع اظهار نظر، کیفیت حسابرسی، تغییر مدیریت، وضعیت مالی شرکت، اندازه شرکت و پیچیدگی شرکت رابطه مستقیم و معنادار دارد.

۴- فرضیه های پژوهش

کیفیت حسابرسی مورد استفاده واحد تجاری به عنوان یک پدیده مهم برای استفاده کنندگان از صورت های مالی تلقی می شود. عوامل مختلفی از جانب عرضه و تقاضا بر کیفیت حسابرسی اثرگذار هستند. از عوامل اثرگذار بر تقاضای حسابرسی می توان به مسئله نمایندگی (بارتون، ۲۰۰۵؛ دیفوند و ژانگ، ۲۰۱۴؛ جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۹؛ لنوکس، ۲۰۰۵؛ وانگ و همکاران، ۲۰۰۸)، فرضیه اطلاعات (والاس، ۱۹۸۷)، سبک حسابرسی (خشوئی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فرانسس و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۱۰)، مدیریت سود (جیانگ، ۲۰۱۵) و حق الزحمه حسابرسی (همت فر و همکاران، ۱۳۹۲؛ بلنکلی و همکاران، ۲۰۱۲؛ چوی و همکاران، ۲۰۱۰؛ هویتاش و همکاران، ۲۰۰۷)، اشاره کرد. اما عوامل بنیادین دیگری نیز بر تقاضای کیفیت حسابرسی اثرگذار هستند که در پژوهش های گذشته نادیده گرفته شده و یا به شکل ترکیب شده با سایر عوامل مورد بررسی قرار گرفته اند. این عوامل ریسک تجاری و ریسک مالی است که مدیران واحد های تجاری همواره با آن ها مواجه هستند و دست و پنجه نرم می کنند.

پیش بینی می شود که ریسک تجاری که یک واحد تجاری با آن مواجه است، می تواند بر کیفیت حسابرسی مستقل انتخابی مدیر واحد، اثر گذار باشد. بنابراین فرضیه اول به شکل زیر تدوین می گردد:

فرضیه اول: ریسک تجاری شرکت با کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت، رابطه منفی و معنادار دارد.

پیش بینی می شود که ریسک مالی که یک واحد تجاری با آن مواجه است، می تواند بر کیفیت حسابرسی مستقل انتخابی مدیر واحد، اثر گذار باشد. بنابراین فرضیه دوم به شکل زیر تدوین می گردد:

فرضیه دوم: وجود ریسک مالی در شرکت با کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت، رابطه منفی و معنادار دارد.

پیش بینی می شود که اثر تعاملی ریسک تجاری و ریسک مالی که یک واحد تجاری با آن مواجه است، می تواند بر کیفیت حسابرسی مستقل انتخابی مدیر واحد، اثر گذار باشد. بنابراین فرضیه دوم به شکل زیر تدوین می گردد:

فرضیه سوم: ریسک تجاری شرکت بر رابطه ریسک مالی با کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت، اثر منفی و معنادار دارد.

۵-روش پژوهش

روش انجام این پژوهش برحسب نحوه گردآوری داده ها از نوع پژوهش های نیمه تجربی و رفتاری در حوزه اقتصاد آزمایشگاهی است. تا به حال بسیاری از آزمایش ها به شکل بازی های گروهی طراحی شده اند که این پژوهش هم از این قاعده، مستثنی نیست. در محیط آزمایشگاهی بسیاری از عوامل کنترل می شوند چرا که افراد هیچ گونه شناختی نسبت به یکدیگر ندارند. بنابراین عوامل محیطی تا حدود زیادی کنترل می گردند و متغیرهای اساسی که بر رفتار آزمودنی ها اثر گذار خواهند بود، مورد بررسی قرار می گیرند (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱).

۶-جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری، دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته های مختلف دانشگاهی دانشگاه های سراسری (دولتی) سطح شهر تهران است. در پژوهش های آزمایشگاهی به خصوص اقتصاد آزمایشگاهی به طور معمول از دانشجویان به عنوان آزمودنی استفاده می شود. زیرا عقیده بر این است که آزمایش به قدری ساده سازی شده است که هر شخصی با معلومات نسبی می تواند به آن پاسخ دهد و شخص آزمون شونده قرار است به آموخته های حین فرآیند آزمایش پاسخ دهد (لیبی و همکاران^۱، ۲۰۰۲) و این موضوع عامل اصلی استفاده از دانشجویان است و علت دیگر دسترسی آسان و کم هزینه به آن ها می باشد اما می توان از افراد فارغ التحصیل هم به عنوان آزمودنی، استفاده نمود. برای تعیین نمونه جهت اعتبار بیشتر داده هایی که جمع آوری می شود، بخشی از آزمودنی ها باید دارای ویژگی معینی باشند (افراد حرفه ای) اما بخشی دیگر نیازمند ویژگی خاصی

¹ Libby et al

نیستند (افراد دانشگاهی). بدین شکل که بخش اول در این پژوهش باید دارای حداقل مدرک کارشناسی در یکی از رشته های حسابداری یا مدیریت (تمامی گرایش ها) با حداقل سه سال سابقه کاری مفید و مرتبط با رشته باشند ولی بخش دوم می توانند بدون توجه به سابقه کاری از هر رشته دانشگاهی فارغ التحصیل شده و یا در آن رشته دانشجوی باشند. شوشا^۱ (۱۹۹۰) بر این عقیده است که در روش آزمایشگاهی هدف این نیست که رفتار خاصی را به همه افراد جامعه نسبت دهیم بلکه هدف بررسی اثر متغیر های مستقل است. همچنین اسپیکل و ویدینر^۲ (۲۰۱۸) نیز به این موضوع اشاره می کنند که زمانی که پژوهشگر به دنبال آزمون فرضیه ها است و قصد توصیف جامعه را ندارد، لزومی به نمونه گیری تصادفی وجود ندارد. به علاوه، پژوهش های آزمایشگاهی از آن جا که پیمایش نیستند و ادعای تعمیم پذیری ندارند و همچنین به دلیل محدودیت های اجرایی و مالی، نمونه کوچک تری نسبت به سایر پژوهش ها داشته و برای محاسبه حجم نمونه نیز از فرمول خاصی استفاده نمی کنند (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱). مجلات معتبر بین المللی در حوزه اقتصاد تجربی (Experimental Economics) و رفتاری (Journal of Economic Behavior and Organization) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ به ترتیب تنها ۱/۶۸ و ۲/۶۴ درصد از مقالاتشان به محاسبه حجم نمونه بهینه اهتمام ورزیده اند (گرونر^۳، ۲۰۲۰). با توجه به مطالب بیان شده روش نمونه گیری روش غیر تصادفی و به شکل نمونه گیری در دسترس است. کریستین^۴ (۱۹۹۳)، بیان می کند که برای حجم نمونه اولین رهنمودی که پژوهشگر مورد استفاده قرار می دهد، پیشینه است. آن ها باید حجم نمونه را طوری انتخاب کنند که در محدوده مقدمات مالی و زمانی آن ها باشد و در عین حال توانایی شناسایی اثر متغیر مستقل را به آن ها بدهد. حجم نمونه در این پژوهش ۱۵۰ نفر به شکل ۲۵ گروه ۶ نفره است و در پژوهش های مشابه، ۱۶۶ و ۸۸ نفر بوده است.

۷- روش گردآوری داده های پژوهش

پژوهش به دنبال بررسی اثر ریسک تجاری و ریسک مالی بر کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیرعامل^۵ است و برای گردآوری داده ها جهت آزمون فرضیه ها از پرسشنامه هالت و لاری^۶ (۲۰۰۲) و طرح آزمایشی که هرلی و همکاران (۲۰۲۱) پیاده سازی کرده اند، برای گروه های شش نفره (دو مدیر عامل و چهار سرمایه گذار)، استفاده می کند. این طرح آزمایش مانند مزایده^۷ در نظر گرفته شده است که در آن افرادی بر روی یک دارایی قیمت گذاری می کنند و فردی که بیشترین پیشنهاد قیمت را ارائه کند، برنده مزایده است. در این شرایط اثر ریسک تجاری و مالی بر کیفیت حسابرسی به بهترین شکل ممکن مورد بررسی قرار می گیرد.

^۱ Shosha

^۲ Spekle & Widener

^۳ Gruener

^۴ Christain

^۵ CEO

^۶ Holt & Laury

^۷ Auction

طرح آزمایش به شرح زیر است:

(۱) ریسک تجاری بر اساس احتمالات^۱ و ارزش پایانی دارایی ها^۲ که در جدول ۱ ترسیم شده است، دستکاری می شود.

(۲) ریسک مالی بر اساس ارزش های اولیه متفاوت به عنوان نقاط مرجع (۱۰۰ و ۶۰۰ میلیون ریال) و تغییر ارزش های متفاوت^۳، دستکاری می شود و به شکلی تعیین شده است که دستکاری ریسک تجاری، خدشه دار نشود.

دستکاری متغیر های مستقل بر اساس تعاریف آن ها صورت گرفته است. همچنین برای ساده سازی آزمایش و تمرکز پژوهش بر تصمیم گیری مدیران و سرمایه گذاران، حسابرسان در آزمایش وجود خارجی ندارد و فقط آثار حضور او مشخص خواهد بود. همچنین برای کنترل سایر شرایط آزمایش جهت بررسی اثر متغیر های مستقل، حق الزحمه حسابرسان برای تمام سطوح کیفیت خدمات حسابرسی و همچنین بازده مورد انتظار پروژه الف در همه حالت ها، ثابت است.

مراحل اجرای آزمایش نیز به شرح زیر است:

قبل از شروع آزمایش، دو اقدام صورت می گیرد:

اندازه گیری میزان خصلت ریسک گریزی و تبیین قوانین و شرایط حاکم بر آزمایش برای آزمودنی ها
گام یک: مدیرعامل، حسابرسان و پروژه را انتخاب می کند. سطوح کیفیت خدمات حسابرسی بر اساس رتبه بندی موسسات حسابرسی نزد سازمان بورس یعنی سطوح یک، دو، سه و چهار، در نظر گرفته شده است. علی رغم آن که طبق قوانین و مقررات، حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی و همچنین اعضای علی البدل آن ها با حضور اکثریت سهامداران شرکت در مجمع عمومی عادی و با رأی گیری از میان سهامداران انتخاب می شود، نمی توان نقش مهم و پر رنگ مدیریت واحد تجاری در انتخاب حسابرسان مستقل را نادیده گرفت. در پژوهش آلمر و همکاران^۴ (۲۰۱۴) و داجسون و همکاران^۵ (۲۰۱۹) به این موضوع اشاره شده است که علی رغم الزامات قانونی کمیته حسابرسی برای استخدام حسابرسان مستقل، مدیران واحد تجاری نقش مهمی در استخدام حسابرسان دارند. در پژوهش های دیگری نیز نشان داده شد که مدیر توانایی اثرگذاری بر عملکرد و تغییر حسابرسان مستقل را دارد (ایمان زاده، ۱۳۸۸؛ رضازاده و زارعی، ۱۳۸۶؛ لی و همکاران^۶، ۲۰۱۰؛ سی و ویلیامز^۷، ۲۰۱۲). همچنین سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۸ طی چکیده نامه ای که در سال ۲۰۲۱ با

¹⁸ Probabilities

² End Value

³ Value Change

⁴ Almer et al

⁵ Dodgson et al

⁶ Li et al

⁷ Seay & Williams

⁸ OECD(Organisation for Economic Co-operation and Development)

عنوان حاکمیت شرکتی منتشر نمود، با بررسی ۵۰ نظام حقوقی مختلف در دنیا به این موضوع اشاره کرده است که نقش کمیته حسابرسی در پیشنهاد حسابرسان مستقل به هیئت مدیره جهت ابلاغ به سهامداران و رای گیری، غیر قابل انکار است و در هر نظام حقوقی نیز متفاوت است. اما مدیریت در برخی از این نظام ها مانند کشور انگلستان می تواند از پیشنهاد کمیته سر باز زند و خود حسابرسی را پیشنهاد دهد؛ اما باید سهامداران را از تمام تغییرات، مطلع نماید.

گام دو: مدیر، ارزش دارایی را گزارش می کند. اگر ارزش نهایی پروژه الف ۲۰۰ و ۵۰۰ میلیون ریال باشد، مدیر عامل می تواند به جای آن به ترتیب ارزش های ۱۶۰۰ و ۱۱۰۰ میلیون ریال را گزارش نماید، اما مجاز به گزارش ارزشی کمتر از ارزش واقعی نیست.

گام سه: گزارش حسابرسی پردازش می شود. بدین منظور ساز و کاری ترتیب داده شد. حسابرسان سطح یک، دو، سه و چهار به ترتیب در ۹۵٪، ۸۰٪، ۶۵٪ و ۵۰٪ مواقع، اظهار نظر قابل اتکایی دارند. برای تعیین نوع گزارش حسابرسی عددی به شکل تصادفی بین صفر و یک انتخاب می شود و اگر عدد انتخاب شده کوچکتر یا مساوی درصد سطح کیفیت باشد، حسابرسان بر اساس ارزش واقعی و گزارش شده دارایی اظهار نظر می کند و در غیر این صورت باید گزارش موافق، صادر نماید.

گام چهار: سرمایه گذاران با توجه به ارزش گزارش شده دارایی، سطح کیفیت حسابرسان و نوع گزارش حسابرسان (موافق یا مخالف)، حداکثر تا سقف ۱۶۰۰ و ۱۱۰۰ میلیون ریال با توجه به حالت آزمایش، بر روی دارایی، پیشنهاد قیمت می دهند.

گام پنج: در اقتصاد آزمایشگاهی برای تصمیم گیری درست و عقلایی آزمودنی ها به آنان پاداشی اعطا می گردد (اسمیت^۱، ۱۹۷۶). مدیران و سرمایه گذاران سود کسب شده و پاداش (کتاب الکترونیک) خود را پس از اجرای آزمایش از طریق رایانامه، دریافت می کنند.

هر شش نفر در هر گروه، در چهار حالت مختلف آزمایش که در نتیجه دستکاری متغیرهای مستقل ایجاد شده است، مورد آزمایش قرار می گیرند. به این صورت که ابتدا آزمایش برای مدیران (۵۰ نفر) انجام و سپس انتخاب های هر دو مدیر در چهار حالت به صورت تصادفی در اختیار چهار سرمایه گذار (۱۰۰ نفر) قرار می گیرد و آن چهار سرمایه گذار نیز در هر چهار حالت با توجه به اطلاعات دریافت شده، پیشنهاد قیمت خود را ارائه می نمایند.

طرح آزمایش به شرح جدول ۱ است:

¹ Smith

جدول ۱- طرح آزمایش

ریسک تجاری پایین			ریسک تجاری بالا		
عدم وجود ریسک مالی	ارزش اولیه ۱۰۰	پروژه الف: به احتمال ۹۰٪، ۱۰۰۰ م ریال و به احتمال ۱۰٪، ۴۰۰ م ریال افزایش ارزش دارد.	۱۱۰۰ ۵۰۰	ارزش اولیه ۱۰۰	پروژه الف: به احتمال ۶۰٪، ۱۵۰۰ م ریال و به احتمال ۴۰٪، ۱۰۰ م ریال افزایش ارزش دارد.
		پروژه ب: به احتمال ۱۰۰٪، ۴۰۰ م ریال افزایش ارزش دارد.	۵۰۰		پروژه ب: به احتمال ۱۰۰٪، ۱۰۰ م ریال افزایش ارزش دارد.
		بازده مورد انتظار پروژه الف برابر با ۱۰۴۰			بازده مورد انتظار پروژه الف برابر با ۱۰۴۰
		بازده مورد انتظار پروژه ب برابر با ۵۰۰			بازده مورد انتظار پروژه ب برابر با ۲۰۰
وجود ریسک مالی	ارزش اولیه ۶۰۰	پروژه الف: به احتمال ۹۰٪، ۵۰۰ م ریال افزایش ارزش دارد و به احتمال ۱۰٪، ۱۰۰ م ریال کاهش ارزش دارد.	۱۱۰۰ ۵۰۰	ارزش اولیه ۶۰۰	پروژه الف: به احتمال ۶۰٪، ۱۰۰۰ م ریال افزایش ارزش و ۴۰٪، ۴۰۰ م ریال کاهش ارزش خواهد داشت.
		پروژه ب: به احتمال ۱۰۰٪، ۱۰۰ م ریال کاهش ارزش دارد.	۵۰۰		پروژه ب: به احتمال ۱۰۰٪، ۴۰۰ م ریال کاهش ارزش دارد.
		بازده مورد انتظار پروژه الف برابر با ۱۰۴۰			بازده مورد انتظار پروژه الف برابر با ۱۰۴۰
		بازده مورد انتظار پروژه ب برابر با ۵۰۰			بازده مورد انتظار پروژه ب برابر با ۲۰۰

منبع: پژوهش هرلی و همکاران (۲۰۲۱)

هزینه مربوط به پروژه الف، ۵۰ میلیون ریال و هزینه مربوط به پروژه ب، ۱۰ میلیون ریال است که در محاسبه بازده مورد انتظار لحاظ نشده است.

۸- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای آزمون هر سه فرضیه با توجه به متغیر وابسته و احتمال همبستگی درونی داده ها از رگرسیون لجستیک آمیخته^۱ استفاده می شود. این رگرسیون به شکل سلسله مراتبی به کار گرفته می شود. برای آزمون های

^۱ Mixed-Effects Logistic Regression

تکمیلی نیز از رگرسیون خطی ساده^۱ استفاده می شود. برای تعیین میزان نکویی برازش مدل نیز از از معیار های آکائیکه^۲ و بیزی^۳ استفاده می شود. برای بررسی آزمون های تکمیلی نیز از روش حداقل مربعات جزئی و معیار ضریب تعیین (آر اسکوار) استفاده می شود چرا که در آزمون های تکمیلی، پژوهش به دنبال این است که متغیر های وابسته به چه میزانی با متغیر مستقل قابل تبیین و پیش بینی هستند. برای بررسی مدل مفهومی موجود در پژوهش نیز از مدل سازی معادلات ساختاری جهت تعیین رابطه غیر مستقیم میان متغیر ها و تعیین میزان و نوع این رابطه، استفاده می شود. برای محاسبات رگرسیونی از نرم افزار R و برای مدل سازی معادلات ساختاری از نرم افزار SMART PLS، استفاده می شود.

۹- مدل مفهومی و تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

(۱) تعریف عملیاتی کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت^۴: متغیر کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت یک متغیر وابسته، مجازی و کیفی است. این متغیر به شکل دودویی^۵ بررسی می شود. بدین شکل که به ازای مشاهدات با سطح کیفیت حسابرسی یک، عدد یک و غیر از آن، عدد صفر را اخذ می کند^۶.

(۲) تعریف عملیاتی ریسک تجاری دوره^۷: این متغیر یک متغیر مستقل دودویی در مدل اول است (همچنین تعدیل گر در مدل دوم) و دستکاری آن در آزمایش بر اساس پروژه الف و با شرایط مقابل صورت می گیرد. هر گاه آزمودنی در نقش مدیر در شرایطی با احتمالات تغییر ارزش ۰/۶ و ۰/۴ برای پروژه الف و یا ارزش های نهایی ۱۶۰۰ و ۲۰۰ میلیون ریال به ترتیب برای پروژه الف و ب مواجه شود، متغیر عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر را اخذ می کند.

(۳) تعریف عملیاتی ریسک مالی^۸: این متغیر یک متغیر مستقل دودویی است و دستکاری آن در آزمایش با شرایط مقابل صورت می گیرد. زمانی که آزمودنی در نقش مدیر با شرایطی که ارزش اولیه پروژه الف و ب، ۶۰۰ میلیون ریال است، مواجه می شود، متغیر عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر را اخذ می کند.

^۱ Simple Linear Regression

^۲ (AIC) Akaike Information Criterion

^۳ (BIC) Bayesian Information Criterion

^۴ Audit Quality

^۵ Binary

^۶ Hired Best

^۷ Period Risk

^۸ Financial Risk

۴) تعریف عملیاتی سرمایه گذاری مدیریت^۱: این متغیر یک متغیر کنترلی دودویی است و به ازای مشاهداتی که آزمودنی در نقش مدیر در پروژه الف سرمایه گذاری می کند، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر را اخذ می کند.

۵) تعریف عملیاتی خصلت ریسک گریزی^۲: این متغیر یک متغیر کنترلی پیوسته است و می تواند مقداری بین ۱ تا ۱۰ را اختیار کند و با پرسشنامه ای که حالت و لاری (۲۰۰۲) آن را تهیه کرده اند، اندازه گیری می شود. در این پرسشنامه ده حالت مختلف سرمایه گذاری (۱۰ سوال) وجود دارد که شخص پاسخ دهنده باید در هر حالت بین دو فرصت سرمایه گذاری الف (محافظه کارانه تر) و ب یکی را انتخاب کند. آزمودنی در نقش مدیر به ازای انتخاب پروژه الف، یک نمره و به ازای انتخاب پروژه ب، نمره ای دریافت نمی کند. هر چه نمره کسب شده به ۱۰ نزدیک تر باشد، شخص ریسک گریز تر است. مطمئن و همکاران (۱۳۹۷) و هرلی و همکاران (۲۰۲۱) از این پرسشنامه در پژوهش خود استفاده نموده اند.

۶) تعریف عملیاتی گزارشگری متقلبان^۳: این متغیر یک متغیر وابسته دودویی در تحلیل مسیر است که به ازای مشاهداتی که آزمودنی در نقش مدیر، تقلب کند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اخذ می کند.

۷) تعریف عملیاتی بیشترین پیشنهاد قیمت^۴: این متغیر یک متغیر وابسته پیوسته است که نشان دهنده بیشترین پیشنهاد قیمت به ازای هر یک از مشاهدات (یک مدیر و یک سرمایه گذار)، می باشد. اندازه این متغیر حداکثر ۱۶۰۰ (۱۱۰۰) میلیون ریال در شرایط ریسک بالا (پایین) است. اندازه گیری این متغیر بستگی به میزان پیشنهاد قیمت سرمایه گذاران دارد.

۸) تعریف عملیاتی سودآوری سرمایه گذاران^۵: این متغیر یک متغیر وابسته پیوسته است و حاصل تفاوت میان قیمت پیشنهادی سرمایه گذاران و ارزش واقعی دارایی گزارش شده است.

۹) تعریف عملیاتی پرداخت بیش از حد^۶: این متغیر یک متغیر وابسته پیوسته است که به تفاوت میان پیشنهاد قیمت اول (پیشنهاد قیمت برنده) که می تواند حداکثر ۱۶۰۰ (۱۱۰۰) میلیون ریال باشد و پیشنهاد قیمت دوم، اطلاق می شود (هرلی و همکاران، ۲۰۲۱).

مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل ۱ و شکل ۲، می باشد:

¹ Manager Investment

² Trait Risk Aversion

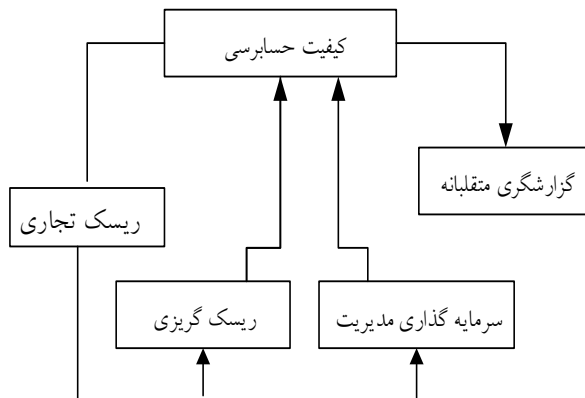
³ Misreport

⁴ High Bid

⁵ Investors Earning

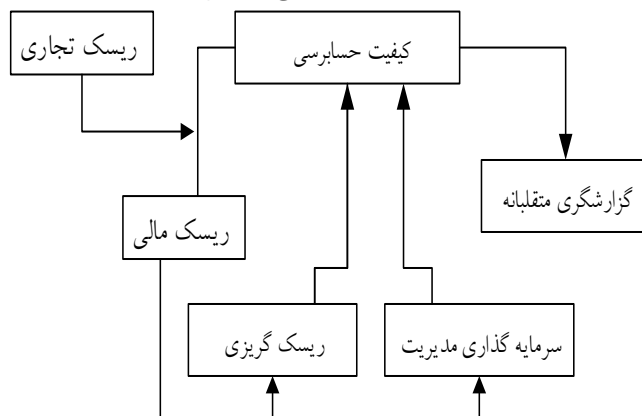
⁶ Overpay

شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش



منبع: هرلی و همکاران (۲۰۲۱)

شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش



منبع: هرلی و همکاران (۲۰۲۱)

۱۰- یافته های پژوهش

۱۰-۱- یافته های توصیفی

از مجموع ۱۵۰ نفر شرکت کننده در آزمایش، ۵۰ نفر در نقش مدیر عامل و ۱۰۰ نفر در نقش سرمايه گذار به شکل گروه های شش نفره (دو مدیر عامل و چهار سرمايه گذار)، ایفای نقش نمودند. از لحاظ جنسیت ۸۲

نفر زن و ۶۸ نفر مرد بودند و از لحاظ محصل یا فارغ التحصیل بودن نیز ۱۰۱ نفر دانشجو و ۴۹ نفر فارغ التحصیل بودند. از مجموع ۵۰ نفر آزمودنی های در نقش مدیر نیز ۳۱ نفر بین سه تا ده سال سابقه و ۱۹ نفر بیش از ده سال سابقه کاری مفید داشتند و همچنین ۳۴ نفر از آن ها در مجموعه حسابداری و ۱۶ نفر از آن ها در مجموعه مدیریت، تحصیل کرده بودند. جدول آمار توصیفی (شاخص مرکزی و پراکندگی) مبتنی بر داده های استخراج شده در حالات مختلف آزمایش به شرح جداول ۲ و ۳ است:

جدول ۲- شاخص های مرکزی متغیرهای پژوهش

ریسک تجاری پایین/عدم وجود ریسک مالی				ریسک تجاری بالا/عدم وجود ریسک مالی				متغیرها
حداقل	حداکثر	میان	میانگین	حداقل	حداکثر	میان	میانگین	
۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۳	کیفیت حسابرسی
۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	ریسک تجاری
۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	ریسک مالی
۱/۰۰	۱۰	۵/۰۰	۵/۵۸	۱/۰۰	۱۰	۵/۰۰	۵/۵۷	ریسک گریزی
۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۱	سرمایه گذاری مدیریت
۵۰۰/۰۰	۱۱۰۰/۰۰	۱۰۰۰/۰۰	۱۰۰۱/۹۲	۲۰۰/۰۰	۱۶۰۰/۰۰	۱۱۰۰/۰۰	۱۲۲۶/۷۴	بیشترین پیشنهاد قیمت
-۷۲۵/۰۰	۵۵۰/۰۰	۳۷/۵۰	۴/۳۱	-۹۰۷/۵۰	۳۷۵/۰۰	۶/۸۸	-۱۵/۵۱	سودآوری سرمایه گذار
۰/۰۰	۵۰۰/۰۰	۰/۰۰	۵۲/۸۸	۰/۰۰	۱۲۵۰/۰۰	۰/۰۰	۸۰/۵۹	پرداخت بیش از حد
۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۱	گزارشگری متقلبان
ریسک تجاری پایین/وجود ریسک مالی				ریسک تجاری بالا/وجود ریسک مالی				متغیرها
حداقل	حداکثر	میان	میانگین	حداقل	حداکثر	میان	میانگین	
۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۲	۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۸	کیفیت حسابرسی
۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	ریسک تجاری
۱/۰۰	۱۰	۵/۰۰	۵/۵۸	۱/۰۰	۱۰	۵/۰۰	۵/۵۸	ریسک مالی
۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۷۵	۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۵	ریسک گریزی
۵۰۰/۰۰	۱۱۰۰/۰۰	۱۰۰۰/۰۰	۹۵۵/۷۵	۲۰۰/۰۰	۱۶۰۰/۰۰	۱۰۵۰/۰۰	۱۰۲۶/۲۵	سرمایه گذاری مدیریت
-۸۰۰/۰۰	۹۲۵/۰۰	۴۳/۷۵	-۲۰/۰۶	-۱۱۲۵/۰۰	۹۲۵/۰۰	۲۵/۰۰	۱۹/۳۴	بیشترین پیشنهاد قیمت
۰/۰۰	۶۰۰/۰۰	۰/۰۰	۲۸۵/۰۰	۰/۰۰	۱۴۰۰/۰۰	۱۵۰/۰۰	۲۲۱/۵۰	سودآوری سرمایه گذار
۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۰	پرداخت بیش از حد
۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۰	گزارشگری متقلبان

منبع: یافته های پژوهشگر

در رابطه با شاخص های مرکزی، در میان متغیر های دودویی، مقادیر مربوط به میانگین متغیر کیفیت حسابرسی در چهار حالت مختلف، قابل تأمل است. در حالت ریسک تجاری پایین با احتساب عدم وجود ریسک مالی، میانگین این متغیر ۰/۹ است و با احتساب وجود ریسک مالی به ۰/۲۲ کاهش می یابد. حال در حالت

ریسک تجاری بالا با احتساب عدم وجود ریسک مالی این مقدار از ۰/۹ به ۰/۳۳ و با احتساب وجود ریسک مالی از ۰/۲۲ به ۰/۰۸ کاهش پیدا می کند. این موضوع نشان دهنده این است که اثر گذاری هر دو متغیر مستقل، کاهش کیفیت خدمات حسابرسی مورد تقاضا را به حداکثر مقدار ممکن می رساند. همچنین از آن جا که ارزش نهایی پروژه های الف و ب متأثر از ریسک تجاری است، میانگین متغیر بیشترین پیشنهاد قیمت از این موضوع پیروی کرده است و در حالات ریسک تجاری بالا نسبت به ریسک تجاری پایین، مقادیر بیشتری را اختیار کرده است.

جدول ۳- شاخص های پراکندگی متغیرهای پژوهش

ریسک تجاری پایین/عدم وجود ریسک مالی			ریسک تجاری بالا/عدم وجود ریسک مالی			متغیرها
انحراف معیار	چولگی	کشدگی	انحراف معیار	چولگی	کشدگی	
۰/۳۱	-۲/۶۷	۵/۳۰	۰/۴۷	۰/۷۶	-۱/۴۸	کیفیت حسابرسی
۰/۰۰	-	-	۰/۰۰	-	-	ریسک تجاری
۰/۰۰	-	-	۰/۰۰	-	-	ریسک مالی
۲/۲۴	۰/۳۰	-۰/۵۴	۲/۲۴	۰/۲۰	-۰/۵۴	ریسک گریزی
۰/۴۰	-۱/۶۱	۰/۶۱	۰/۴۰	-۱/۶۱	۰/۶۰	سرمایه گذاری مدیریت
۴۵۹/۶۴	-۰/۳۳	-۱/۱۹	۲۰۴/۷۰	۱/۱۶	-۰/۵۲	بیشترین پیشنهاد قیمت
۲۷۸/۱۲	-۰/۷۱	۰/۹۰	۲۳۱/۴۴	-۱/۷۸	۵/۲۴	سودآوری سرمایه گذار
۱۲۹/۸۸	۲/۸۷	۷/۳۰	۲۲۲/۶۵	۳/۵۸	۱۳/۶۲	پرداخت بیش از حد
۰/۱۹	۴/۹۴	۲۳/۳۴	۰/۴۷	۰/۸۵	-۱/۳۲	گزارشگری متقلبانه
ریسک تجاری پایین/وجود ریسک مالی			ریسک تجاری بالا/وجود ریسک مالی			
۰/۳۲	۰/۸۱	-۱/۱۲	۰/۱۸	۴/۳۳	۸/۵۵	کیفیت حسابرسی
۰/۰۰	-	-	۰/۰۰	-	-	ریسک تجاری
۰/۰۰	-	-	۰/۰۰	-	-	ریسک مالی
۲/۲۴	۰/۲۰	-۰/۵۴	۲/۲۴	۰/۲۰	-۰/۵۴	ریسک گریزی
۰/۴۴	-۱/۲۰	-۰/۵۹	۰/۳۶	-۲/۰۴	۲/۲۶	سرمایه گذاری مدیریت
۶۳۰/۱۱	۰/۰۱	-۱/۹۸	۱۰۹/۷۷	-۲/۶۱	۷/۹۱	بیشترین پیشنهاد قیمت
۴۲۹/۴۹	-۰/۹۷	۱/۳۵	۳۱۳/۲۷	-۰/۳۵	۲/۸۳	سودآوری سرمایه گذار
۴۹۲/۷۹	۱/۴۷	۰/۴۱	۱۷۲/۴۹	۰/۹۲	۰/۴۱	پرداخت بیش از حد
۰/۲۷	۳/۳۵	۹/۷۴	۰/۴۶	۰/۹۱	-۱/۲۴	گزارشگری متقلبانه

منبع: یافته های پژوهشگر

در رابطه با شاخص های پراکندگی، چولگی مثبت نشان از چولگی به راست و چولگی منفی نشان از چولگی به چپ دارد. به عبارت دیگر هر کجا که مقدار میانگین از میانه بیشتر باشد، چولگی مثبت خواهد شد و بالعکس. همچنین کشیدگی مثبت نشان از بلندی بیشتر نسبت به بلندی توزیع نرمال و کشیدگی منفی نشان از بلندی کوچکتر نسبت به بلندی توزیع نرمال دارد. متغیرهایی که دارای انحراف معیار صفر هستند، چولگی و کشیدگی ندارند.

۲-۱۰-آزمون ضریب همبستگی

یکی از مشهورترین شیوه های اندازه گیری وابستگی خطی بین دو متغیر، محاسبه ضریب همبستگی پیرسون است. مقدار ضریب همبستگی همواره عددی از منفی یک تا مثبت یک می باشد. هر چه مقدار ضریب همبستگی به مثبت یک نزدیک باشد، رابطه مستقیم و قوی و هر چه به منفی یک نزدیک باشد، رابطه معکوس و قوی است و چنانچه این مقدار به صفر نزدیک باشد، رابطه همبستگی مشاهده نخواهد شد. البته باید خاطر نشان نمود که ضریب همبستگی به تنهایی رابطه علت و معلولی میان متغیر ها را نشان نمی دهد. به عبارت دیگر در صورت وجود همبستگی ممکن است رابطه میان متغیر ها معنادار نباشد. ضریب همبستگی میان متغیر های پژوهش به شرح جدول ۴ است:

جدول ۴- آزمون ضریب همبستگی اثرات ثابت متغیرهای پژوهش

کیفیت حسابرسی	عرض از مبدا	ریسک تجاری	ریسک مالی
		-۰/۳۰۹	-۰/۴۱۲
ریسک تجاری	-۰/۲۶۵		۰/۰۷۸
ریسک مالی	-۰/۲۹۶		
ریسک تجاری*ریسک مالی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ دهندگان	۱۵۰		

منبع: یافته های پژوهشگر

با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون دو به دو برای متغیر های اصلی پژوهش، به نتایجی قابل توجهی دست پیدا شد. این مقدار برای رابطه متغیر های ریسک تجاری و کیفیت حسابرسی، -۰/۳۰۹- است که نشان از رابطه خطی معکوس بین این دو متغیر می باشد. مقدار ضریب همبستگی برای رابطه متغیر های ریسک مالی و کیفیت حسابرسی، -۰/۴۱۲- است که نشان دهنده رابطه خطی معکوس میان این دو متغیر می باشد. همچنین مقدار ضریب همبستگی برای شرایط تعاملی ریسک تجاری*ریسک مالی با ریسک مالی و ریسک تجاری برابر ۰/۰۰۰ است که این موضوع نشان از عدم همبستگی تعامل این دو متغیر با هر متغیر به شکل جداگانه می

دهد. علاوه بر آن همبستگی میان ریسک تجاری و ریسک مالی، ۰/۰۷۸ است که نشان از همبستگی ضعیف میان آن‌ها است. از آن‌جا که آزمون ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی میان دو متغیر را اندازه‌گیری می‌کند، اضافه شدن متغیرهای کنترلی، تفاوت‌چندانی در مقدار آن ایجاد نمی‌کند و مقدار این آزمون برای دو متغیر اصلی مدل‌های مختلف، تفاوت‌چندانی با یکدیگر ندارد.

۱۱- یافته‌های استنباطی

۱۱-۱- آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: ریسک تجاری شرکت با کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت، رابطه منفی و معنادار دارد. آزمون فرضیه اول به شرح جداول ۵ و ۶ می‌باشد:

Audit Quality ~ Period Risk + (1 group) Audit Quality ~ Period Risk + (1 Manager Investment) Audit Quality ~ Period Risk + (1 Risk Aversion) + (1 Manager Investment)			
انحراف استاندارد	واریانس	نام گروه‌ها	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	گروه	مدل یک
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سرمایه‌گذاری مدیریت	مدل دو
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سرمایه‌گذاری مدیریت	مدل سه
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	ریسک‌گریزی	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۶- اثرات ثابت

	آماره Z	خطا	برآورد ضریب	بی‌بی	آکائیکه		
مدل یک	۲/۹۰۸	۰/۱۹۱۳	۰/۵۵۶۳	۱۹۶/۴	۱۸۶/۵	عرض از مبدا	
	-۶/۱۸۷	۰/۶۱۸۵	-۳/۸۲۷۱			ریسک تجاری	
مدل دو	۲/۹۰۸	۰/۱۹۱۳	۰/۵۵۶۳	۱۹۶/۴	۱۸۶/۵	عرض از مبدا	
	-۶/۱۸۸	۰/۶۱۸۵	-۳/۸۲۷۱			ریسک تجاری	
مدل سه	۲/۹۰۸	۰/۱۹۱۳	۰/۵۵۶۳	۲۰۱/۷	۱۸۸/۵	عرض از مبدا	
	-۶/۱۸۷	۰/۶۱۸۵	-۳/۸۲۷۱			ریسک تجاری	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول ۶ و معیارهای برازش مدل، مدل‌های یک و دو، مدل‌های مناسب‌تر و بهتری هستند. با توجه به مقدار احتمال (۰/۰۰۰) که در هر سه مدل کمتر از ۰/۰۵ است و آماره Z که قدر مطلق آن مقدار

۶/۱۸۷ (بزرگتر از ۱/۹۶) برای مدل اول و سوم و مقدار ۶/۱۸۸ برای مدل دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد را نشان می‌دهد، فرضیه اول پژوهش که نشان از وجود رابطه معنی داری بین متغیر ریسک تجاری و متغیر کیفیت حسابرسی است، رد نمی‌گردد. همچنین ضریب همبستگی محاسبه شده برای هر سه مدل مورد بررسی که عدد ۰/۳۰۹- را نمایش می‌دهد، نشان از ارتباط خطی معکوس بین ریسک تجاری و کیفیت حسابرسی مورد تقاضا است.

۲-۱۱-آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: وجود ریسک مالی در شرکت با کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت، رابطه منفی و معنادار دارد.

آزمون فرضیه دوم به شرح جداول ۷ و ۸ می‌باشد:

جدول ۷- اثرات تصادفی

Audit Quality ~ Financial Risk + (1 group) Audit Quality ~ Financial Risk + (1 Manager Investment) Audit Quality ~ Financial Risk + (1 Risk Aversion) + (1 Manager Investment)			
انحراف استاندارد	واریانس	نام گروه ها	
۰/۲۲۱۱	۰/۰۴۸۸۸	گروه	مدل یک
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سرمایه گذاری مدیریت	مدل دو
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سرمایه گذاری مدیریت	مدل سه
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	ریسک گریزی	

منبع: یافته های پژوهشگر

جدول ۸- اثرات ثابت

مقدار احتمال	آماره Z	خطا	برآورد ضریب		بی‌بی	آکائیکه	
۰/۰۱۶۶	۲/۳۹۶	۰/۲۱۱۶	۰/۵۰۶۹	عرض از مبدا	۲۱۳/۱	۲۰۳/۲	مدل یک
۰/۰۰۰	-۵/۸۷۸	۰/۵۲۸۲	-۳/۱۰۴۶	ریسک مالی			
۰/۰۱۰۱	۲/۵۷۴	۰/۱۹۱۴	۰/۴۹۲۵	عرض از مبدا	۲۱۳/۱	۲۰۳/۲	مدل دو
۰/۰۰۰	-۶/۵۷۷	۰/۴۶۴۹	-۳/۰۵۷۴	ریسک مالی			
۰/۰۱۰۱	۲/۵۷۴	۰/۱۹۱۴	۰/۴۹۲۵	عرض از مبدا	۲۱۸/۴	۲۰۵/۲	مدل سه
۰/۰۰۰	-۶/۵۷۷	۰/۴۶۴۹	-۳/۰۵۷۴	ریسک مالی			

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه به جدول ۸ و معیارهای برازش مدل، مدل‌های یک و دو، مدل‌های مناسب‌تر و بهتری هستند. با توجه به مقدار احتمال (۰/۰۰۰) برای مدل‌های اول و دوم و سوم که همگی کمتر از ۰/۰۵ هستند و با توجه به آماره Z که قدر مطلق آن مقدار ۵/۸۷۸ (بزرگتر از ۱/۹۶) برای مدل اول و مقدار ۶/۵۷۷ (بزرگتر از ۱/۹۶) برای مدل‌های دوم و سوم را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد، فرضیه دوم پژوهش که نشان از وجود رابطه معنی‌داری بین متغیر ریسک مالی و متغیر کیفیت حسابرسی است، رد نمی‌گردد. همچنین ضریب همبستگی محاسبه شده برای هر سه مدل مورد بررسی که عدد ۰/۴۱۲- را نمایش می‌دهد، نشان از ارتباط خطی معکوس بین ریسک مالی و کیفیت حسابرسی مورد تقاضا است.

۳-۱۱-آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: ریسک تجاری شرکت بر رابطه ریسک مالی با کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت، اثر منفی و معنادار دارد.

آزمون فرضیه سوم به شرح جداول ۹ و ۱۰ می‌باشد:

جدول ۹- اثرات تصادفی

Audit Quality ~ Financial Risk * Period Risk + (1 group) Audit Quality ~ Financial Risk * Period Risk + (1 Manager Investment) Audit Quality ~ Financial Risk * Period Risk + (1 Risk Aversion) + (1 Manager Investment)			
انحراف استاندارد	واریانس	نام گروه‌ها	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	گروه	مدل یک
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سرمایه‌گذاری مدیریت	مدل دو
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سرمایه‌گذاری مدیریت	مدل سه
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	ریسک‌گریزی	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۱۰- اثرات ثابت

	آکائیکه	بی‌زی	برآورد ضریب	خطا	آماره Z	مقدار احتمال
مدل یک	۱۷۵/۳	۱۹۱/۸	۰/۵۷۰۵	۰/۲۰۰۳	۲/۸۴۸	۰/۰۰۴۴
			-۰/۱۶۵۱	۰/۶۷۵۹	-۰/۲۴۴	۰/۸۰۷۰
			-۱۰۸/۱	۰/۷۵۷۳	-۱/۴۲۸	۰/۱۵۳۳
			-۳۳/۳۱	۲۷۸۳۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰۰
مدل دو	۱۷۵/۳	۱۹۱/۸	۰/۵۷۰۵	۰/۲۰۰۳	۲/۸۴۸	۰/۰۰۴۴
			-۰/۱۶۵۱	۰/۶۷۵۹	-۰/۲۴۴	۰/۸۰۷۰

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۷/ پیاپی ۶۷/ پائیز ۱۴۰۴

	آکائیکه	بیزی	برآورد ضریب	خطا	آماره Z	مقدار احتمال
مدل سه	۱۷۷/۳	۱۹۷/۱	ریسک تجاری	۰/۷۵۷۳	-۱/۴۲۸	۰/۱۵۳۳
			ریسک مالی*ریسک تجاری	۷۸۰/۱۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰۰
			عرض از میدا	۰/۵۷۰۵	۲/۸۴۸	۰/۰۰۴۴
			ریسک مالی	-۰/۱۶۵۱	-۰/۲۴۴	۰/۸۰۷۰
			ریسک تجاری	۰/۷۵۷۳	-۱/۴۲۸	۰/۱۵۳۳
			ریسک مالی*ریسک تجاری	۲۲۲۴۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه به جدول ۱۰ و معیارهای برازش مدل، مدل های یک و دو، مدل های مناسب تر و بهتری هستند. با توجه به مقدار احتمال (۱/۰۰۰) در مدل اول و دوم و سوم که بیشتر از ۰/۰۵ است و آماره Z که قدر مطلق آن در هر سه مدل کوچکتر از ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۹۵ درصد است، فرضیه سوم پژوهش که نشان از وجود رابطه معنی داری بین متغیر ریسک تجاری*ریسک مالی با کیفیت حسابرسی است، رد می گردد و ارتباطی میان متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد. در نتیجه، درباره تعامل دو متغیر در مدل پژوهش، بحث نمی شود. با مطلب بیان شده می توان این نتیجه را گرفت که حضور ریسک تجاری بالا، نمی تواند رابطه میان ریسک مالی و کیفیت حسابرسی را تعدیل نماید.

۱۲-آزمون های تکمیلی

از آن جا که ارزش پروژه ها متأثر از دستکاری ریسک تجاری است و بیشترین پیشنهاد قیمت، سودآوری سرمایه گذاران و پرداخت بیش از حد از آن تأثیر می پذیرند و در دو حالت ریسک تجاری بالا و پایین متفاوت هستند، سه متغیر وابسته به آزمون های تکمیلی در دو حالت ریسک تجاری بالا و پایین بررسی می شوند. بنابراین برای هر متغیر در شرایط ریسک تجاری بالا و پایین، یک رگرسیون جداگانه اجرا می گردد.

۱۲-۱-آزمون تکمیلی یک

آزمون تکمیلی یک به شرح جدول ۱۱ است:

در آزمون تکمیلی اول، مشاهدات با سطح کیفیت حسابرسی یک، دو و سه و همچنین با گزارش حسابرسی موافق مورد بررسی قرار گرفته اند؛ چرا که سرمایه گذاران برای گزارش های مربوط به حسابرس سطح کیفیت چهار و همچنین گزارش های مخالف، پاداشی پرداخت نمی کنند(هرلی و همکاران، ۲۰۲۱). در حالت ریسک تجاری پایین، مقدار احتمال برابر (۰/۰۰۰) است که کمتر از ۰/۰۵ می باشد و با توجه به مقدار آماره t که قدر مطلق آن مقدار ۵/۲۵۴ (بزرگتر از ۱/۹۶) را نشان می دهد، رابطه معناداری میان دو متغیر وجود دارد. در

حالت ریسک تجاری بالا، مقدار احتمال برابر (۰/۴۳۹) است که بزرگ تر از ۰/۰۵ می باشد و با توجه به مقدار آماره t که قدرمطلق آن مقدار ۰/۷۷۸ (کوچکتر از ۱/۹۶) را نشان می دهد، رابطه معناداری میان دو متغیر وجود ندارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که متغیر کیفیت حسابرسی در حالت ریسک تجاری پایین، شایستگی حضور در مدل را دارد. هرچه مقدار ضریب تعیین مربوط به سازه های درون زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. داوری و همکاران (۱۳۹۵) به نقل از چین، سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به وسیله معیار ضریب تعیین، تعریف کرده است. با توجه به توضیحات بالا و با توجه به مقادیر به دست آمده، برازش ساختاری مدل (در حالت ریسک تجاری پایین و بالا) ضعیف است. اما آمار F محاسبه شده در حالت ریسک تجاری پایین که مقدار احتمال آن (۰/۰۰۰) است و کمتر از ۰/۰۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد، به معنای معنادار بودن و مناسب بودن کلیت مدل است. به عبارت دیگر معنا داری رابطه دو متغیر کیفیت حسابرسی و بیشترین پیشنهاد قیمت، رد نمی گردد. بنابراین می توان گفت در حالت ریسک تجاری پایین، ۱۹/۲۲ درصد از متغیر وابسته بیشترین پیشنهاد قیمت با متغیر مستقل کیفیت حسابرسی، قابل تبیین است و با توجه به مقدار برآورد ضریب، این رابطه مستقیم است.

جدول ۱۱- ضرایب

lm(formula = High Bid ~ Audit Quality, data = datalowrisk) lm(formula = High Bid ~ Audit Quality, data = datahighrisk)									
مقدار احتمال	آماره F	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	مقدار احتمال	آماره t	خطا	برآورد ضریب		
۰/۰۰۰	۲۷/۶	۰/۱۸۵۲	۰/۱۹۲۲۰۰	۰/۰۰۰	۱۷/۸۳۹	۵۰/۸۴	۹۰۶/۹۸	عرض از مبدا	ریسک تجاری پایین
				۰/۰۰۰	۵/۲۵۴	۶۳/۷۷	۳۳۵/۰۲	کیفیت حسابرسی	
۰/۴۳۹	۰/۰۶۰۴۸	۰/۰۰۴۹۰۳	۰/۰۰۷۵۰۴	۰/۰۰۰	۲۰/۲۹۹	۴۹/۲۵	۹۹۹/۷۵	عرض از مبدا	ریسک تجاری بالا
				۰/۴۳۹	۰/۷۷۸	۲۵۷/۴۹	۲۰۰/۲۵	کیفیت حسابرسی	

منبع: یافته های پژوهش

۲-۱۲-آزمون تکمیلی دو

آزمون تکمیلی دو به شرح جدول ۱۲ است:

جدول ۱۲- ضرایب

lm(formula = Investors Earning ~ Audit Quality, data = datalowrisk) lm(formula = Investors Earning ~ Audit Quality, data = datahighrisk)									
مقدار احتمال	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	ضریب تعیین	مقدار احتمال	آماره t	خطا	برآورد ضریب		
۰/۳۱۳۷	۰/۰۰۲۰۵۲	۱/۰۲۴	۰/۰۰۸۷۵	۰/۵۶۳	۰/۵۸۰	۳۸/۰۵	۲۲/۰۶	عرض از مبدا	ریسک تجاری پایین
				۰/۳۱۴	-۱/۰۱۲	۴۷/۷۳	-۴۸/۳۰	کیفیت حسابرسی	
۰/۴۸۳۷	۰/۰۰۶۲۷۱	۰/۴۹۵۲	۰/۰۰۶۱۵۲	۰/۷۴۱	۰/۳۳۲	۴۵/۴۵	۱۵/۰۹	عرض از مبدا	ریسک تجاری بالا
				۰/۴۸۴	-۰/۷۰۴	۱۱۰/۰۱	-۷۷/۴۱	کیفیت حسابرسی	

منبع: یافته های پژوهشگر

در آزمون تکمیلی دوم همه مشاهدات با همه سطوح کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته اند(هرلی و همکاران، ۲۰۲۱). در حالت ریسک تجاری پایین، مقدار احتمال برابر(۰/۳۱۴) است که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد و با توجه به مقدار آماره t که قدرمطلق آن مقدار ۱/۰۱۲ (کوچکتر از ۱/۹۶) را نشان می دهد، رابطه معناداری میان دو متغیر وجود ندارد. در حالت ریسک تجاری بالا، مقدار احتمال برابر(۰/۴۸۴) است که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد و با توجه به مقدار آماره t که قدرمطلق آن مقدار ۰/۷۰۴ (کوچکتر از ۱/۹۶) را نشان می دهد، رابطه معناداری میان دو متغیر وجود ندارد. بنابراین نه در حالت ریسک تجاری بالا و نه در حالت ریسک تجاری پایین، متغیر کیفیت حسابرسی شایستگی حضور در مدل را ندارد.

با توجه به توضیحات بالا و با توجه به مقادیر به دست آمده، برازش ساختاری مدل (در حالت ریسک تجاری پایین و بالا) ضعیف است. آماره F محاسبه شده در حالت خطر تجاری پایین و بالا به ترتیب (۰/۳۱۳۷) و (۰/۴۸۳۷) است که بزرگتر از ۰/۰۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشند و به این ترتیب فرضیه صفر که نشان از عدم معنی داری و نامناسب بودن کلیت مدل است، پذیرفته می گردد.

۳-۱۲-آزمون تکمیلی سه

آزمون تکمیلی سه به شرح جدول ۱۳ است:

در آزمون تکمیلی سوم مشاهدات با سطح کیفیت حسابرسی دو، سه و چهار مورد بررسی قرار گرفته اند؛ چرا که سرمایه گذاران به دلیل با کیفیت بودن گزارش مربوط به حسابرسی سطح کیفیت یک، دچار پرداخت بیش از حد، نمی شوند (هرلی و همکاران ۲۰۲۱). در حالت ریسک تجاری پایین، مقدار احتمال برابر (۰/۰۰۶۲۹) است که کمتر از ۰/۰۵ می باشد و با توجه به مقدار آماره t که قدرمطلق آن مقدار ۲/۷۸۳ (بزرگتر از ۱/۹۶) را نشان می دهد، رابطه معناداری میان دو متغیر وجود دارد. در حالت ریسک تجاری بالا، مقدار احتمال برابر (۰/۰۸۱۳) است که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد و با توجه به مقدار آماره t که قدرمطلق آن مقدار ۱/۷۶۵ (کوچکتر از ۱/۹۶) را نشان می دهد، رابطه معناداری میان دو متغیر وجود ندارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که متغیر کیفیت حسابرسی در حالت ریسک تجاری پایین، شایستگی حضور در مدل را دارد. با توجه به توضیحات بالا و با توجه به مقادیر به دست آمده، برازش ساختاری مدل (در حالت ریسک تجاری پایین و بالا) ضعیف است. اما آماره F محاسبه شده در حالت ریسک تجاری پایین که مقدار احتمال آن (۰/۰۰۶۲۸۹) است و کمتر از ۰/۰۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد، نشان از معنادار بودن و مناسب بودن کلیت مدل است. به عبارت دیگر معناداری رابطه دو متغیر کیفیت حسابرسی و پرداخت بیش از حد، رد نمی گردد. بنابراین می توان گفت که در حالت ریسک تجاری پایین، ۶/۲۵ درصد از متغیر وابسته پرداخت بیش از حد با متغیر مستقل کیفیت حسابرسی، قابل تبیین است و با توجه به مقدار برآورد ضریب، این رابطه معکوس است.

جدول ۱۳- ضرایب

lm(formula = Overpay ~ Audit Quality, data = datalowrisk) lm(formula = Overpay ~ Audit Quality, data = datahighrisk)									
ریسک	عرض از مبدا	برآورد ضریب	خطا	آماره t	مقدار احتمال	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	مقدار احتمال
ریسک تجاری پایین	عرض از مبدا	۱۲۱/۱۶	۲۶/۲۳	۴/۶۱۹	۰/۰۰۰	۰/۰۶۲۵۹	۰/۰۵۴۵۱	۷/۷۴۵	۰/۰۰۶۲۸۹
	کیفیت حسابرسی	-۹۱/۵۶	۳۲/۹۰	-۲/۷۸۳	۰/۰۰۶۲۹				
ریسک تجاری بالا	عرض از مبدا	۲۸۹/۱۲	۴۴/۲۶	۶/۵۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۳۷۵۰	۰/۰۲۵۴۶	۳/۱۱۷	۰/۰۸۱۳۲
	کیفیت حسابرسی	-۱۸۹/۱۲	۱۰۷/۱۳	-۱/۷۶۵	۰/۰۸۱۳				

منبع: یافته های پژوهشگر

۱۳-برآزش ساختاری مدل

مقادیر معناداری آماره t : جدول ضرایب مسیر: اگر ضرایب مسیر (که در ستون دوم از سمت چپ قابل مشاهده است) بیشتر از $0/3$ باشد قدرت رابطه بیشتر است و اگر ضرایب مسیر از $0/3$ کوچکتر، اما از لحاظ معناداری بالای $1/96$ باشند این نشان می‌دهد تأثیر اندک اما معنادار است. تحلیل مسیر به شرح جدول ۱۴ است:

جدول ۱۴- ضرایب مسیر مدل‌ها

مدل اول	برآورد ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	مقدار احتمال
کیفیت حسابرسی $\rightarrow$ گزارشگری متقالبانه	$-0/178$	$0/063$	$2/846$	$0/005$
ریسک گریزی $\rightarrow$ کیفیت حسابرسی	$-0/006$	$0/059$	$0/097$	$0/922$
ریسک تجاری $\rightarrow$ کیفیت حسابرسی	$-0/569$	$0/056$	$10/205$	$0/000$
ریسک تجاری $\rightarrow$ ریسک گریزی	$0/249$	$0/069$	$3/593$	$0/000$
ریسک تجاری $\rightarrow$ سرمایه گذاری مدیریت	$0/256$	$0/057$	$4/464$	$0/000$
سرمایه گذاری مدیریت $\rightarrow$ کیفیت حسابرسی	$-0/133$	$0/059$	$2/237$	$0/026$
مدل دوم				
کیفیت حسابرسی $\rightarrow$ گزارشگری متقالبانه	$-0/178$	$0/062$	$2/870$	$0/004$
ریسک گریزی $\rightarrow$ کیفیت حسابرسی	$-0/034$	$0/063$	$0/538$	$0/591$
ریسک مالی $\rightarrow$ کیفیت حسابرسی	$-0/513$	$0/063$	$8/171$	$0/000$
ریسک مالی $\rightarrow$ ریسک گریزی	$0/215$	$0/069$	$3/117$	$0/002$
ریسک مالی $\rightarrow$ سرمایه گذاری مدیریت	$0/214$	$0/059$	$3/625$	$0/000$
سرمایه گذاری مدیریت $\rightarrow$ کیفیت حسابرسی	$-0/166$	$0/067$	$2/478$	$0/014$

منبع: یافته های پژوهشگر

در رابطه با هر دو مدل با توجه به مقادیر احتمال تمامی مسیرها به جز مسیر ریسک گریزی - کیفیت حسابرسی، این مقادیر کمتر از $0/05$ می باشند و با توجه به قدر مطلق آماره t آن‌ها که همگی بزرگتر از $1/96$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد است، رابطه ای میان متغیرها وجود دارد. در جدول ۱۴ که مربوط به هر دو مدل می‌باشد، مشاهده می‌شود ضریب تمامی مسیرها کمتر از $0/3$ است، اما در تمامی مسیرها به جز مسیر بین ریسک گریزی با کیفیت حسابرسی، مقدار آماره t آن‌ها بیشتر از $1/96$ است، بنابراین این مسیرها نشان از تأثیر اندک اما معنادار دارد.

۱۴- بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته های بخش قبل، نتیجه آزمون فرضیه ها، آزمون های تکمیلی و مدل مفهومی پژوهش، به قرار زیر خواهد بود:

در رابطه با فرضیه و مدل اول می توان بیا نمود که بین ریسک تجاری و کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. افزایش ریسک تجاری با توجه به اثری که این ریسک می تواند بر سود واحد تجاری داشته باشد و با توجه به ویژگی ریسک گریزی و دریافت پاداش مبتنی بر عملکرد مدیر، می تواند مدیریت شرکت را مجاب به این کند که برای رسیدگی به صورت های مالی خود برای مقاصد از جمله تقلب و کتمان از حسابرسی کیفیت استفاده نماید. هدف از این کار سوء استفاده از عدم اعتبار و کیفیت حسابرسی مستقل مورد استفاده و عدم کشف تقلب و دستکاری صورت گرفته است. بنابراین عواملی که ریسک تجاری که شرکت با آن مواجه است را تشدید می کند، می توانند موجب کاهش کیفیت حسابرسی مورد استفاده واحد تجاری شوند. یافته های این پژوهش با یافته های هرلی و همکاران (۲۰۲۱)، جیانگ (۲۰۱۵) و تیتمن و ترومن (۱۹۸۶)، هم خوانی دارد.

در رابطه با فرضیه و مدل دوم می توان بیان نمود که بین ریسک مالی و کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیریت، رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. وجود ریسک مالی برای واحد تجاری با توجه به نظریه چشم انداز (کانمن و توورسکی، ۱۹۷۹) و ویژگی های مدیریت از جمله ریسک گریزی و دریافت پاداش مبتنی بر عملکرد، می تواند سبب این شود که مدیر برای کسب سود معقول و دریافت پاداش مد نظر خود، دست به تقلب و دستکاری در صورت های مالی بزند و زیان متحمل شده را گزارش ننماید. بنابراین در این حالت مدیریت واحد تجاری ناچار است برای عدم کشف تقلب از خدمات حسابرسی بی کیفیت استفاده نماید. همچنین عواملی که موجب وقوع زیان شده و شرکت را با ضرر مواجه می کنند، می توانند مدیریت را به سمت خدمات بی کیفیت حسابرسی سوق دهند. یافته های این پژوهش با یافته های هرلی و همکاران (۲۰۲۱) و جیانگ (۲۰۱۵)، هم خوانی دارد.

در رابطه با فرضیه و مدل سوم می توان بیا نمود که بین ریسک تجاری و رابطه ریسک مالی با کیفیت حسابرسی مورد تقاضای مدیر، رابطه معکوس و معنادار وجود ندارد. از آن جا که ریسک تجاری و ریسک مالی هر کدام به تنهایی سبب کاهش تقاضا برای کیفیت خدمات حسابرسی می شوند، اثر تعاملی آن ها نتوانست بر کیفیت حسابرسی اثر گذار باشد. با توجه به مطالب بیان شده افزایش ریسک تجاری نمی تواند رابطه میان ریسک مالی و کیفیت حسابرسی را تشدید کند و به شکل موثر تر موجب تقاضای خدمات بی کیفیت تر حسابرسی شود. علت این موضوع می تواند اثرگذاری همزمان ریسک تجاری و ریسک مالی باشد. یافته های این پژوهش با یافته های هرلی و همکاران (۲۰۲۱)، هم خوانی دارد.

همچنین در رابطه با آزمون های تکمیلی نیز کیفیت حسابرسی می تواند در شرایط ریسک تجاری پایین بر سرمایه گذاران اثرگذار باشد. افزایش کیفیت حسابرسی سبب افزایش بیشترین پیشنهاد قیمت و کاهش

پرداخت بیش از حد می شود اما بر سودآوری سرمایه گذاران اثر گذار نیست. علت عدم معناداری آزمون های تکمیلی یک و سه در حالت ریسک تجاری بالا و همچنین آزمون تکمیلی دو می تواند رفتار مصونیت قیمتی سرمایه گذاران باشد. آنان با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی که در بازار وجود دارد، سعی می کنند با پیشنهاد کمترین قیمت در برابر این پدیده از خود محافظت کنند. یافته های این پژوهش برای آزمون های تکمیلی یک و سه در شرایط ریسک تجاری پایین و برای آزمون تکمیلی دو در همه شرایط با یافته های هرلی و همکاران (۲۰۲۱)، هم خوانی دارد.

با توجه به سوالات و فرضیه های پژوهش، افزایش ریسک تجاری و وجود ریسک مالی، سبب کاهش کیفیت حسابرسی مورد تقاضای صاحبکار می شود و بنابراین:

(۱) به مدیران عامل واحد های تجاری، توصیه می گردد که برای پیشبرد اهداف واحد، از مشاوران خبره و قابل اطمینان از جمله مشاوران سرمایه گذاری خبره، استفاده نمایند تا مواجهه با این نوع ریسک ها را تا حد امکان، کاهش دهند.

(۲) به کمیته حسابرسی واحد های تجاری، توصیه می گردد که مدیران عامل را در انتخاب هر چه بهتر و دقیق تر حسابرسان مستقل یاری نمایند و صلاحیت او را مورد ارزیابی قرار دهند، چرا که انتخاب حسابرس در اثر تعامل، پیامد های مثبتی را در پی خواهد داشت.

(۳) به حسابرسان داخلی واحد های تجاری، توصیه می گردد که با پایش دقیق و پیوسته فرآیند های مالی واحد و ارزیابی ریسک، از رخ داد هر گونه تحریف و تقلب، آگاهی یابند و از آن ممانعت کنند.

(۴) به سایر استفاده کنندگان از صورت های مالی، توصیه می گردد که در صورت امکان با بررسی سوابق و صلاحیت حسابرس مستقل مورد استفاده واحد تجاری و استفاده از مشاوران خبره برای تحلیل و تفسیر گزارش های مالی، خود را نسبت به ضرر های احتمالی، مصون سازند.

همچنین با توجه به محدودیت های پژوهش حاضر، برای پژوهش های آینده می توان پیشنهاد های زیر را در نظر گرفت:

(۱) برای پژوهش های آینده، پژوهشگران می توانند میزان قدرت اثر زیان گریزی در طول زمان را با طراحی آزمایش مربوط و متنوع سازی تجربه ریسک مالی برای آزمودنی ها در طول مدتی معین، بررسی کنند. به عبارت دیگر بررسی نمایند که آیا گذر زمان و افزایش تجربه آزمودنی ها می تواند موجب کاهش اثر زیان گریزی و اثرات متعاقب آن باشد یا خیر.

(۲) پیشنهاد می گردد که با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته با مدیران عامل واحد های تجاری مختلف، عوامل اثرگذار بر تقاضای حسابرسی مستقل از متون مصاحبه، استخراج گردد و در نهایت با استفاده از روش تحلیل مضمون و همچنین روش تحلیل عاملی اکتشافی، دسته بندی گردند.

۳) اجرای پژوهش های مشابه در ابعاد وسیع تر و با نمونه های گسترده تر در جوامع مختلف تا تکرار پذیری و قدرت تعمیم نتایج این پژوهش، آزموده شود.

فهرست منابع

- آذین فر، کاوه، عباس قدرتی زوارم و محمد نوروزی، (۱۳۹۸)، "تأثیر ابعاد ریسک بر قیمت گذاری حسابداری"، پژوهش های حسابداری مالی حسابداری، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۱۵۵-۱۷۴.
- احمدپور، احمد و حسین عموزاده مهدیرجی، (۱۳۸۶)، "بررسی تأثیر گذاری ریسک تجاری و ریسک مالی بر پرتفو سرمایه گذاری شرکت سهامی بیمه آسیا در بورس اوراق بهادار"، فصلنامه صنعت بیمه، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۷.
- ایمان زاده، پیمان، (۱۳۸۸)، "بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۸۵-۱۹۸.
- ابراهیمی کردلر، علی و موسی قلندری، (۱۳۹۵)، "تأثیر تخصص حسابرسان بر کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام"، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابداری، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۵۴.
- بهار مقدم، مهدی و حسین جوکار، (۱۳۹۷)، "اثر تعدیل کنندگی کیفیت حسابداری بر تمایلات سرمایه گذاران در قیمت گذاری سهام"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- پرتوی، ناصر و الهام آیشیرینی، (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه ی بین مدیریت واقعی سود و مدیریت حسابداری سود از دیدگاه هموارسازی سود"، تحقیقات حسابداری و حسابداری، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۴۴-۱۶۰.
- تهرانی، رضا و مهدی خوشنود، (۱۳۸۴)، "شناسایی گروه های تأثیر گذار بر تصمیم خرید و فروش سهام سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار"، مجله فرهنگ مدیریت، دوره ۱، شماره ۱۰، صص ۲۱۹-۲۳۰.
- تقوی، مهدی، (۱۳۸۶)، "مدیریت مالی"، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- حساس یگانه، یحی، (۱۳۹۵)، "تأثیر سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابداری و مدیریت سود واقعی"، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۲۳-۴۵.
- حسینی فرد، سید محمد، ابوالقاسم توحیدی نیا و الیاس نادران، (۱۴۰۱)، "مقایسه اثر دینداری بر تولید کالای عمومی و حفظ منبع طبیعی: یک مطالعه آزمایشگاهی"، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۷-۴۱.
- داوری، علی و آرش رضازاده، (۱۳۹۵)، "مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS"، چاپ دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی.

- رهنما رودپشتی، فریدون و فرناز موسوی ثابت، (۱۳۸۷)، "بررسی میزان ارتباط تداوم فعالیت با قیمت سهام"، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)، دوره ۱، شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۵.
- دلبری راغب، محسن و علی اسماعیل زاده، (۱۴۰۲)، "مدل کیفیت حسابرسی مستقل با تأکید بر رفع نیازهای ذینفعان"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، صص ۶۹-۹۸.
- رضازاده، جواد و کمال زارعی مروج، (۱۳۸۶)، "عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در شرکت های ایرانی"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۱۳-۱۰۶.
- ریاحی نژاد، محدثه و افسانه توانگر، (۱۴۰۰)، "تأثیر فرهنگ سازمانی بر رابطه مدیریت سود و خوانایی گزارش های مالی"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۸۷-۱۱۴.
- پارسایی، منا، امید فرجی و سمیرا موفق، (۱۴۰۱)، "تأثیر ریسک و زیان بر تقاضا برای کیفیت حسابرسی مدیر"، نشریه حسابداری و منافع اجتماعی دانشگاه الزهراء، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۲۱-۴۰.
- کرمی، غلامرضا، (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری به منظور هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۶۱-۷۶.
- مهرانی، ساسان و محسن مطمئن، (۱۳۹۷)، "تبیین انتخاب قراردادهای انگیزشی ترکیبی: قراردادهای بازپس گیری"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، دوره ۱۱، شماره ۳۷، صص ۲۹-۴۰.
- مجتهدزاده، ویدا و پروین آقایی، (۱۳۸۳)، "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۵۳-۷۶.
- محمد خشویی، حمزه، سید عباس هاشمی و روح اله رجبی، (۱۳۹۶)، "فرضیه اطلاعات: شواهدی از تأثیر سبک حسابرس بر تقاضا برای کیفیت خدمات حسابرسی"، دانش حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۷، صص ۲۵-۴۴.
- نظرپور، محمدتقی، ناصر الهی و سید مهدی میرحسینی، (۱۳۹۵)، "کاربرد اقتصاد آزمایشگاهی در تخصیص منابع بانکی (مورد مطالعه قراردادهای بانکی)"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۶۳، صص ۱۱۷-۱۴۶.
- همت فر، محمود، داریوش جاوید و صادق همه خانی، (۱۳۹۲)، "بررسی ارتباط بین تقاضای خدمات حسابرسی از سوی شرکت ها و تغییر حسابرسان"، فصلنامه پژوهش حسابداری، دوره ۳، شماره ۹، صص ۹۰-۱۰۵.

Almer, E.D., D.R. Philbrick, and K.H. Rupley, (2014), "What drives auditor selection ?", Current Issues in Auditing, Vol.8, No.1, pp. 26-42.

- Alhababsah, S., and S. Yekini, (2021), "Audit Committee and Audit Quality: An Empirical Analysis Considering Industry Expertise, Legal Expertise and Gender Diversity", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, No. 42, PP. 1-17.
- Beatty, Randolph P, (1989), "Auditor Reputation and the Pricing of Initial Public Offerings", *The Accounting Review*, Vol.64, No.4, pp. 693-709.
- Blankley, A. I., D. N. Hurtt, and J. MacGregor, (2012), "Abnormal Audit Fees and Restatements Auditing" *A Journal of Practice & Theory*, Vol.31, No.1, pp. 79-96.
- Barton, J, (2005), "Who cares about auditor reputation?", *Contemporary Accounting Research*, Vol.22, No.3, pp. 549-86.
- Blanco, B., and Dhole, S, (2017), "Financial Statement Comparability, Readability and Accounting Fraud", AFAANZ Conference, Working Paper, https://www.afaanz.org/openconf/2017/modules/request.php?module=oc_program&action=summary.php&id=4.
- Choi, J.H, J. B. Kim, and Y. Zang, (2010), "Do Abnormally High Audit Fees Impair Audit Quality?", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol.29, No.2, pp.115-140.
- Christian, LB, (1993), "Experimental Methodology. Translation of Delavari", A. Tehran. Roshd Publishers.
- Chaney, P, Jeter, D. Shivakumar, L, (2001), "Self Selection of Auditors and Audit Pricing in Private Firms", *The Accounting Review*, No.79, pp. 51-72.
- Carey, P, Simnett, R & Tanewski, G, (2000), "Voluntary Demand for Internal and External Auditing by Family Businesses", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol.19, No.1, pp. 37-51.
- Chathoth, K. P. and M. D. Olsen, (2007), "The Effect of Environment Risk, Corporate Strategy, and Capital Structure on Firm Performance", *Journal of Hospitality Management*, Vol. 26, pp. 502- 516.
- DeAngelo, L, (1981), "Auditor size and auditor quality", *Journal of Accounting & Economic* (December), pp.183-199.
- DeFond, M.L, T.J. Wong, and S. Li, (2000), "The impact of improved auditor independence on audit market concentration in China", *Journal of Accounting and Economics*, No.28, pp. 269-305.
- DeFond, M.L, and J. Zhang, (2014), "A review of archival auditing research", *Journal of Accounting and Economics*, No.58, pp. 275-326.
- Dodgson, M.K., C.P. Agoglia, G.B. Bennett, J. Cohen, (2019), "Managing the auditor-client relationship through partner rotations: The experiences of audit partners", *The Accounting Review*, Vol.95, No.2, pp. 89-111.
- Doff, R, (2008), "Defining and measuring business risk in an economic-capital framework", *Journal of Risk Finance*, Vol.9, No.4, pp. 317-33.
- Engel, E., R.M. Hayes, and X. Wang, (2010), "Audit committee compensation and the demand for monitoring of the financial reporting process", *Journal of Accounting and Economics*, No.49, pp. 136- 54.
- Francis, Jere R., Matthew L. Pinnuck, and Olena Watanabe, (2014), "Auditor Style and Financial Statement Comparability", *The Accounting Review*, Vol.89, No.2, pp. 605-633.
- Fischhoff, B, (1994), "Acceptable risk: A conceptual proposal. Risk", *Health, Safety & Environment*, No.1, pp. 1-28.
- Gruener, S, (2020), "Sample size calculation in economic experiments", *Jahrbücher für Nationalökonomie und Statistik*, Vol.240, No.6, pp. 791 -823.

- Hurley, P.J and B.W. Mayhew, (2019), "Market reactions to a high-quality auditor and managerial preference for audit quality", *Auditing: A Journal of Practice & Theory* (in press), Vol.38 No.4, pp. 131-149.
- Hoitash, R, A. Markelovich and C. Barragato, (2007), "Audit fees and audit quality", *Managerial Auditing Journal*, Vol.22, No.8, pp. 761-786.
- Hurley, P. J. Mayhew.B.w, Obermire,K.M.,and Tegler, A.C, (2021), "The Impact of Risk and the Potential for Loss on Managers' Demand for Audit Quality", *Contemporary Accounting Research*, Vol.8, No.4, pp. 2795- 2823.
- Hurley, P. J. B .W. Mayhew and K.M. Obermire, (2019), "Realigning auditors' accountability: Experimental evidence", *The Accounting Review*, Vol.94, No.3, pp. 233-25.
- Holt, C.A., and S.K. Laury, (2002), "Risk aversion and incentive effects", *American Economic Review*, Vol.92, No.5, pp. 16.44-55.
- Houmes, R. E.; MacArthur, J. B.; and H. Stranahan, (2012), "The Operating Leverage Impact on Systematic Risk within a Context of Choice: An Analysis of the US Trucking Industry", *Managerial Finance*, Vol.38, No.12, pp. 1184-1202.
- Ittonen, K, (2012), "Market reactions to qualified audit reports: research approaches", *Accounting Research Journal*, No.25, pp. 8-24.
- Jiang, H, (2015), "Accounting restatements and audit quality in China", *Advances in Accounting*, Vol.1, No.31, pp. 125-135.
- Jensen, M.C., and W.H. Meckling, (1976), "Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure", *Journal of Financial Economics*, No.3, pp. 305-360.
- Kothari, S. P., Ramanna, K., and D. Skinner, (2010), "Implications for GAAP from an analysis of positive research in accounting", *Journal of Accounting and Economics*, Vol.50, No.2-3, pp. 246-286.
- Kowaleski, Z.T., B.W. Mayhew, and A.C. Tegeler, (2018), "The impact of consulting services on audit quality: An experimental approach", *Journal of Accounting Research*, Vol.56, No.2, pp. 673-711.
- Kőszegi, B., and M. Rabin, (2006), "A model of reference-dependent preferences", *Quarterly Journal of Economics*, Vol.121, No.4, pp. 33-65.
- Kőszegi, B., and M. Rabin, (2007), "Reference-dependent risk attitudes", *American Economic Review*, Vol.97, No.4, pp. 1047-73.
- Kane, G. Velury, U, (2004), "The role of institutional ownership in the market for auditing services: an empirical investigation", *Journal of Business Research*, Vol.57, No.9, pp. 976-983.
- Kirkosa, E. Spathisb, C. Manolopoulos, Y, (2008), "Support vector machines, Decision Trees and Neural Networks for auditor selection", *Journal of Computational Methods in Sciences and Engineering*, No.8, pp. 213-224.
- Kahneman, D. Tversky, A, (1979), "Prospect theory: an analysis of decision and risk", *Journal of Econometrica*, Vol.47, No.2, pp. 263-291.
- Libby, R., R. Bloomfield, and M.W. Nelson, (2002), "Experimental research in financial accounting. Accounting", *Organizations and Society*, No.27, pp. 775-810.
- Lennox, C, (2005), "Management ownership and audit firm size", *Contemporary Accounting Research*, Vol.22, No.1, pp. 205-27.
- Li, C., Sun, L., & Ettredge, M, (2010), "Financial executive qualifications, financial executive turnover, and adverse SOX 404 opinions", *Journal of Accounting and Economics*, Vol.50, No.1, pp. 93-110.
- Langberg, N, Rothenberg, N, (2023), "Audit Quality and Investment Efficiency with Endogenous Analyst Information", *The Accounting Review*, Vol.16, No.4, pp.1-26.

- Mayhew, B.W., and J.E. Pike, (2004), "Does investor selection of auditors enhance auditor independence?", *The Accounting Review*, Vol.79, No.3, pp. 797-822.
- Mansa.Julius, (2020), <https://www.investopedia.com/terms/b/businessrisk.asp>.
- Niskanen, M, Karjalainen, J & Jyrki Niskanen, (2011), "Demand For Audit Quality In Private Firms: Evidence On Ownership Effects", *International Journal of Auditing*, No.15, pp. 43–65.
- OECD, (2021), *OECD Corporate Governance Factbook*, pp: 152. <https://www.oecd.org/corporate/corporategovernance-factbook.htm>.
- Polinkevych, O., Khovrak, I., Trynchuk, V., Klapkiv, Y., Volynets, I, (2021), "Business Risk Management in Times of Crises and Pandemics" *Montenegrin Journal of Economics*, Vol.17, No.3, PP. 99-110.
- Roland F. Speklé; Sally K. Widener, (2018), "Challenging Issues in Survey Research: Discussion and Suggestions", *Journal of Management Accounting Research*, Vol.30, No.2, pp. 3–21.
- Rizal Razali, A. Mohd Tahir, I, (2011), "Review of the Literature on Enterprise Risk Management", *Business Management Dynamics*, Vol.1, No.5, pp. 8-16.
- Stone, E. R., Yates, J. F., & Parker, A. M, (1994), "Risk communication: Absolute versus relative expressions of low-probability risks", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, Vol.60, No.3, pp. 387–408.
- Shosha, H, (1990), "Explore psychological sociology", Translation of Katbi, M. Nei Publishers.
- Smith, V, (1976), "Experimental Economics: Induced Value Theory", *American Economic Review*, No.66, pp. 274-279.
- Seay, R. A., & Williams, T, (2012), "The Role of Managerial Ability in Auditor Changes: Does Efficiency Matter ?", Working Paper, University of Mississippi, pp. 29-51.
- Thaler, R.H, (1999), "Mental Accounting Matters". *Journal of Behavioral Decision Making*, No.12, pp. 183-206.
- Tversky, A., and Kahneman, D, (1992), "Advances in prospect theory: cumulative representations of uncertainty", *Journal of Risk and Uncertainty*, Vol.5, No.4, pp. 297-323.
- Titman, S., and B. Trueman, (1986), "Information quality and the valuation of new issues", *Journal of Accounting and Economics*, No.8, pp. 72-159.
- Velury, U. Reish, J. O'Reilly, D, (2003), "Institutional Ownership and the Selection of Industry Specialist Auditors", *Review of Qualitative Finance and Accounting*, pp. 25-48.
- Wang, Q., T.J. Wong, and L. Xia, (2008), "State ownership, the institutional environment, and auditor choice: Evidence from China", *Journal of Accounting and Economics*, No.46, pp. 34-112.
- Wallace, W. A, (1987), "The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets: A Review", *Research in Accounting Regulation*, No.1, pp. 7–34.
- Willenborg, M, (1999), "Empirical Analysis of the Economic Demand for Auditing in the Initial Public Offerings Market", *Journal of Accounting Research*, Vol.37, No.1, pp. 225-238.
- Xie, F. (2016). "Competition, independent auditor and audit quality" , Doctoral Dissertation of Philosophy in Business Administration, University of Hawaii.

پیوست:

پرسشنامه اندازه گیری خصلت ریسک گریزی پرسشنامه هالت و لاری (۲۰۰۲)

سناریو	پروژه الف	پروژه ب
یک	پروژه الف در آینده به احتمال ۱۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۹۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۱۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۹۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
دو	پروژه الف در آینده به احتمال ۲۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۸۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۲۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۸۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
سه	پروژه الف در آینده به احتمال ۳۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۷۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۳۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۷۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
چهار	پروژه الف در آینده به احتمال ۴۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۶۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۴۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۶۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
پنج	پروژه الف در آینده به احتمال ۵۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۵۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۵۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۵۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
شش	پروژه الف در آینده به احتمال ۶۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۴۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۶۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۴۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
هفت	پروژه الف در آینده به احتمال ۷۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۳۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۷۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۳۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
هشت	پروژه الف در آینده به احتمال ۸۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۲۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۸۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۲۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
نه	پروژه الف در آینده به احتمال ۹۰ درصد، ۲ میلیون ریال و به احتمال ۱۰ درصد، ۱/۶ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۹۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال و به احتمال ۱۰ درصد، ۰/۱ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.
ده	پروژه الف در آینده به احتمال ۱۰۰ درصد، ۲ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.	پروژه ب در آینده به احتمال ۱۰۰ درصد، ۳/۸۵ میلیون ریال افزایش ارزش خواهد داشت.

برای روایی پرسشنامه از روش روایی صوری (اعلام نظر نخبگان و اساتید در خصوص چارچوب پرسشنامه) و برای پایایی از روش آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha)، استفاده گردید. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای ۱۰ سوال موجود در پرسشنامه به میزان ۰/۷۲۶ است که نشان از ثبات درونی خوب پرسشنامه می باشد.

Abstract

The Relationship Between Financial Risk and Audit Quality with an Emphasis on the Role of Business Risk

Vahid Mennati¹

Hamideh Asna Ashari²

Mohammad Rajabnia Chenari³

Received: 2 / July / 2025

Accepted: 2 / September / 2025

Abstract

This study uses experimental economic markets to investigate the impact of business risk and the financial risk on auditor selection. This study studies these factors because they are ubiquitous to companies, and focuses on their influence on managers because managers continue to play a significant role in the auditor hiring process and we know relatively little about their auditor preferences. The research method used is the experimental method and a sample of 150 students and graduates of national universities in Tehran in 2021 has been studied to test the hypotheses. This study predicts business risk, the financial risk, and their interaction will each decrease manager demand for high audit quality due to a desire to achieve greater misreporting. Experimental results are consistent with predictions except for one case; specifically, increased business risk and the financial risk, each alone, significantly reduce managers' likelihood of hiring the best available auditor in the market, but their interactive conditions do not have a significant effect on audit quality. Two contextual factors indicate that this reduction in audit quality demand leads to increases in misreporting. Finally, the impact of audit quality on investors was investigated and it showed that lower audit quality in a company can harm investors.

Keywords: Audit Quality, Loss Aversion, Business Risk, Risk Aversion, Experimental Economics.

¹ Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding author). v_menati@sbu.ac.ir

² Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran, Iran. h_asnaashari@sbu.ac.ir

³ Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran, Iran. mo.rajabniachenari@mail.sbu.ac.ir



ارائه مدل رتبه اعتباری مبتنی بر سطح بهینه ساختار مالکیت با رویکرد تجمع ذرات

مجید آذری پور^۱
آزیتا جهانشاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

چکیده

ساختار مالکیت عنصری است که برای نشان دادن ساختار حاکمیتی استفاده می‌شود. سازمان‌های رتبه بندی اعتباری برای تصمیم‌گیری درباره اعتبار یک شرکت، ساختار حاکمیتی آن را بررسی می‌کنند. در صورتی که ساختار حاکمیت ضعیف باشد، سازمان‌های رتبه بندی اعتباری به احتمال زیاد موقعیت مالی شرکت را ضعیف و سهامداران شرکت را در برابر زیان‌های احتمالی آسیب‌پذیر می‌بینند. براین اساس مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر سازوکارهای حاکمیتی بر رتبه اعتباری به تعیین مقدار بهینه ساختار مالکیت (مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت) در سطوح مختلف رتبه اعتباری در نمونه‌ای متشکل از ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. بدین منظور ابتدا با استفاده از مدل امتیاز بازار نوظهور، رتبه اعتباری شرکت‌های مورد بررسی محاسبه گردید. در مرحله بعد به سه قسمت شرکت‌های با رتبه اعتباری (منطقه سلامت، منطقه تردید و منطقه درمانده) تقسیم شدند. سپس سوال پژوهش با استفاده از الگوریتم بهینه‌یابی تجمع ذرات نسبت به ساختار مالکیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج بهینه الگوریتم تجمع ذرات حاکی است که ساختار مالکیت نقش تعیین‌کننده‌ای در سطوح مختلف رتبه اعتباری در بورس اوراق بهادار تهران دارد. نتایج پژوهش به وضوح نشان داد که ساختار بالای مالکیت نهادی و درصد نسبتاً پایین مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت می‌تواند منجر به کاهش ریسک نکول و افزایش سطوح مختلف رتبه اعتباری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شود.

واژه‌های کلیدی: رتبه اعتباری، ساختار مالکیت، الگوریتم تجمع ذرات.

۱ گروه مالی و حسابداری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.azaripour@iau.ac.ir
۲ گروه حسابداری واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). azi.jahanshad@iauctb.ac.ir



۱- مقدمه

مفهوم حاکمیت شرکتی به عنوان راهی برای نظارت بر تضاد نمایندگی و ایجاد تعادل بین منافع ذی‌نفعان پدیدار شد. این مفهوم برای حفظ نظارت مدیریت، ایجاد روابط نمایندگی باثبات، دسترسی به سرمایه، تضمین رشد اقتصادی موثر و عملکرد مالی قوی و بهبود مدیریت ریسک حیاتی است. شیوه‌های حاکمیت شرکتی قوی منجر به بهبود رتبه‌های اعتباری و رونق اقتصادی می‌شود و بالعکس، ضعف حاکمیت شرکتی و اجرای ضعیف استراتژی‌های مدیریتی می‌تواند موقعیت مالی و ارزش بازار شرکت‌ها را مختل کند، که به نوبه خود، می‌تواند سهامداران بدهی (دارندگان اوراق قرضه) را در برابر بازده منفی بی‌احتیاط و در برابر ریسک‌های اعتباری آسیب‌پذیر کند (سازمان رتبه‌بندی اعتباری آمریکا^۱، ۲۰۰۴).

مسئله تئوری نمایندگی، با توجه به روند رو به رشد جدایی مالکیت و کنترل در شرکت‌های سهامی امروزی منجر به افزایش بیشتر تضاد منافع بین مدیران و ذینفعان شرکت از جمله سرمایه‌گذاران شده است. به همین دلیل مالکان با توسل به راهکارهای گوناگون قصد نظارت بر مدیران شرکت را دارند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از این راهکارها، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی است که می‌تواند منجر به کاهش هزینه نمایندگی شود. استقرار مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مناسب است (کر و همکاران، ۲۰۰۶).

در واقع اهمیت حاکمیت شرکتی با درک این موضوع برجسته شد که مدیریت باید در قبال عملکرد سازمان پاسخگو باشد و این امر از رسوایی‌ها و ناکامی‌های شرکت‌های زیادی که در ایالات متحده، بریتانیا و سایر کشورها رخ داد، مشهود بود. اتخاذ این اصول و انطباق آنها با کشورهای مختلف، سبک‌های مالکیت و موقعیت‌های اقتصادی به حاکمیت شرکتی کمک کرده است که به عنوان نشانه موفقیت برای شرکت‌ها در سراسر جهان در نظر گرفته شود (کرن^۲، ۲۰۱۴). اما این موضوع را نیز باید در نظر گرفت که عوامل مختلفی وجود دارد که بر نحوه انجام حاکمیت شرکتی در بین کشورها تأثیر می‌گذارد، از جمله ماهیت اقتصاد کشورها، سیستم‌های قانونی آنها، سیستم‌های حاکمیتی ایجاد شده، سیستم‌های حسابداری مورد استفاده و حمایت از سهامداران و سایر ذی‌نفعان (الحارث و نتیم^۳، ۲۰۱۷). با این حال، علی‌رغم تفاوت‌های ذکر شده در بین کشورها، حاکمیت شرکتی وسیله‌ای برای ارائه پاسخگویی در نظر گرفته می‌شود که سازمان‌ها از منافع ذی‌نفعان خود محافظت و بر رفتار مدیریت نظارت می‌کنند و در عین حال به دنبال به حداکثر رساندن عملکرد خود هستند (کرن، ۲۰۱۴). وام‌دهندگان بالقوه نیز تحت تأثیر سیستم‌های حاکمیت شرکتی خوب قرار می‌گیرند، چرا که مشکلات نمایندگی که بین مالکیت و مدیریت وجود دارد، تا حد زیادی کاهش یا حذف خواهد شد. از طرفی سرمایه‌گذاران نیز نگران به حداکثر رساندن سرمایه‌گذاری خود هستند؛ بنابراین شرکت‌هایی با رتبه اعتباری سلامت را انتخاب می‌کنند. بدیهی است که یک رتبه اعتباری سلامت تا حد زیادی

¹ FitchRatings² Krenn³ AlHares and Ntim

مبتنی بر عدم وجود ریسک است. در نتیجه شرکتی با ساختار حاکمیت شرکتی خوب و با سازوکارهای مناسب برای کاهش این تضاد، شرکتی خواهد بود که از رتبه اعتباری سلامتی نیز برخوردار باشد.

رتبه اعتباری مفهومی است که برای عملکرد شرکت بسیار مهم است. درک اینکه چگونه سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌توانند بر رتبه اعتباری تأثیر بگذارند، مستلزم درک نحوه عملکرد رتبه اعتباری است. رتبه اعتباری نظری است که توسط سازمان‌های رتبه‌بندی اعتباری در مورد توانایی یک شرکت برای انجام تعهدات مالی خود بیان می‌شود (شرکت رتبه‌بندی اعتباری استاندارد اند پورز^۱، ۲۰۰۲). بدیهی است که در تصمیم‌گیری درباره اعتبار یک شرکت، سازمان‌های رتبه‌بندی اعتباری، ساختار حاکمیت شرکتی آن را بررسی می‌کنند. اگر ساختار حاکمیت ضعیف باشد، به احتمال زیاد سازمان‌های رتبه‌بندی وضعیت مالی شرکت را ضعیف و سهامداران شرکت را آسیب‌پذیر خواهند دید. بنابراین، سازمان‌های رتبه‌بندی اعتباری، براساس این مشاهدات، به شرکت رتبه اعتباری ضعیف می‌دهند (سازمان رتبه‌بندی اعتباری آمریکا^۲، ۲۰۰۴). چنین رتبه اعتباری به سرمایه‌گذاران هشدار می‌دهد که شرکت دارای سطوح ریسک بالایی است. در حالی که برخی از سرمایه‌گذاران یا وام‌دهندگان این موضوع را به عنوان یک فرصت می‌بینند، آنها ممکن است برای پذیرش چنین ریسکی، نرخ‌های حق بیمه بالایی را درخواست کنند. به همین دلیل، شرکت‌هایی که سیستم‌های حاکمیت شرکتی خوبی دارند، شرکت‌هایی هستند که برای سرمایه‌گذاری بهترین در نظر گرفته می‌شوند (هونور^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). لازم به ذکر است که در تصمیم‌گیری رتبه اعتباری شرکت‌ها، سازمان‌های رتبه‌بندی، سه دسته اصلی را در نظر می‌گیرند. دسته اول؛ نسبت‌های مالی و سایر داده‌های مالی شرکت است. در دسته دوم، سازمان‌های رتبه‌بندی، سازوکارهای حاکمیت شرکتی را بررسی خواهند کرد. و در آخر، سازمان‌ها، شرایط اقتصادی شرکت را نیز در نظر می‌گیرند (الحارث^۳ و همکاران، ۲۰۱۸).

از طرفی سازمان‌های رتبه‌بندی اعتباری به دلیل ارزیابی‌های نادرست ریسک، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، سقوط انرون سؤالات جدی در مورد صحت ارزیابی ریسک توسط سازمان‌های رتبه‌بندی اعتباری ایجاد کرد. علاوه بر این، نگرانی‌هایی وجود دارد که سازمان‌های رتبه‌بندی اعتباری فاقد استقلال هستند، زیرا هزینه‌های زیادی برای دادن رتبه‌بندی با کیفیت بالا دریافت می‌کنند. از آنجا که ارزیابی‌های رتبه اعتباری توسط سازمان‌های رتبه‌بندی به طور کامل در دسترس نیست. از اینرو در ادبیات پیشین، سعی در بررسی عوامل تعیین‌کننده رتبه‌بندی اعتباری بوده است.

با توجه به این انتقادات این سوال مطرح می‌شود که ساختار مالکیت چگونه ارزیابی رتبه اعتباری را تعدیل می‌کند؟ همچنین از آنجا که شواهد مربوط به تأثیر حاکمیت شرکتی بر رتبه اعتباری نادر است. لذا در این پژوهش مشاهده می‌شود که حاکمیت شرکتی چگونه در تصمیم‌گیری‌ها برای ارتقای رتبه اعتباری در شرکت‌ها

¹ Standard & Poor's

² Honore

³ AlHares

نقش ایفا می‌کند و چگونه انواع مختلف سطوح مالکیت، رتبه اعتباری را ارتقا یا تضعیف می‌کند. بنابراین، با توجه به کمبود نسبی پژوهش‌هایی که تأثیر حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت و سایر عوامل تعیین‌کننده بر رتبه اعتباری در ایران را بررسی می‌کند، مطالعه‌ای که این موضوع را پوشش دهد ضروری است. در نهایت، این مطالعه را می‌توان از تحقیقات قبلی متمایز کرد زیرا در این پژوهش رتبه اعتباری در سه سطح (تردید، سلامت، درمانده) جهت بررسی مقدار بهینه سطوح مالکیت تجزیه و تحلیل شد. بنابراین طبقه بندی مدل کسب و کار سازمان‌ها با توجه به معیارهای مورد استفاده برای محاسبه سطح مالکیت امکان درک رویکرد هر سازمان رتبه بندی را فراهم می‌کند.

با توجه به اهمیت آگاهی از ریسک شرکت‌ها، شناسایی و تبیین عواملی که منجر به افزایش ریسک و در نتیجه تنزیل رتبه اعتباری شرکت‌ها می‌شود، ضرورت دارد. از این رو این مقاله به دنبال بررسی این موضوع است که شرکت‌هایی که از رتبه اعتباری (بالا، پایین، متوسط) برخوردارند سطح بهینه ساختار مالکیت آنها چگونه است؟

۲- مبانی نظری پژوهش

به طور معمول، حاکمیت شرکتی از این منظر نگریسته می‌شود که شرکت‌ها، دارای سهامدارانی هستند که برای حفاظت از مطالبات خود خواستار سازوکار حاکمیتی هستند. سازوکارهای حاکمیتی که، بر اقدامات مدیریت نظارت می‌کند و رفتار فرصت‌طلبانه آنها را محدود می‌کند و از منافع سهامداران و همچنین منافع دارندگان اوراق قرضه محافظت می‌کند. با این حال، گاهی اوقات، منافع سهامداران و دارندگان اوراق قرضه ممکن است متفاوت باشد. برای مثال، سهامدارانی که موقعیت‌های مالکیتی قابل توجهی دارند، می‌توانند نفوذ خود را اعمال کنند تا مدیریت را مجبور به پذیرش سرمایه‌گذاری‌های پرخطرتر کنند، جایی که سهامداران به عنوان یک گروه، از مزایای موفقیت‌آمیزی برخوردار می‌شوند، اما سهامداران سهم نامتناسبی از شکست‌ها را متحمل می‌شوند. از این جهت ساختار مالکیت و تأثیری که سهامداران خاص بر مدیریت اعمال می‌کنند، نقش کلیدی در تعیین پتانسیل انتقال ثروت بین دارندگان اوراق قرضه و سهامداران دارند و از عناصر مهم حاکمیت شرکتی هستند (اشبوق اسکایف و همکاران، ۲۰۰۶).

بدیهی است که حضور مالکان نهادی به عنوان سهامداران نیز منجر به نظارت مؤثرتر می‌شود. نظارت مؤثر، مشکلات نمایندگی را کاهش می‌دهد زیرا می‌تواند رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را کنترل کند و در نتیجه ریسک نمایندگی شرکت را کاهش دهد و منجر به افزایش رتبه اعتباری شود (تاریگن و فتریانی^۱، ۲۰۱۷).

¹ Tarigan and Fitriany

البته به سختی می توان استدلال کرد که آیا مالکان نهادی با شرکت های دارای رتبه بالا یا پایین اعتباری مرتبط هستند. این استدلال برای هر دو طرف می تواند درست باشد. تا جایی که مالکان نهادی شرکت هایی با مدیریت بهتر را ترجیح می دهند که گرفتار درگیری های نمایندگی نیستند و از نظر مالی قوی هستند و شرکت هایی با رتبه اعتباری بهتر را ترجیح می دهند. در مقابل، شرکت هایی با رتبه اعتباری ضعیف تر ممکن است از اقدامات مداخله جویانه مالکان نهادی سود ببرند و سلامت مالی خود را بازیابی کنند. بنابراین، برخی از مالکان نهادی جذب چشم انداز بهبود عملکرد مالی شرکت هایی با رتبه اعتباری ضعیف می شوند (فاروقی^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). وانگ و ژانگ^۲ (۲۰۰۹) استدلال می کنند که مالکان نهادی برای رویارویی با مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی به خوبی مجهز هستند و براین اساس دریافتند که مالکان نهادی منابع و ظرفیت نظارت بر شرکت ها را دارند و با افزایش مالکان نهادی رتبه اعتباری نیز افزایش می یابد. به گفته گوردون و یوان^۳ (۲۰۱۰) از دیدگاه نظری، نظارت بهتر توسط مالکان نهادی منجر به کاهش هزینه های نمایندگی و هزینه کمتر بدهی تبدیل می شود.

شلیفر و ویشنی^۴ (۱۹۸۶) استدلال می کنند که مالکان نهادی انگیزه ای برای ایفای نقش فعال در نظارت بر عملکرد شرکت دارند، زیرا آنها مزایای بیشتری دریافت می کنند. یکی از این مزایا، قدرت رای مالکان نهادی است که آنها را قادر می سازد تا تصمیمات مدیریتی را که مطابق با منافع سرمایه گذاران نیست، نظارت و بهبود بخشند. علاوه بر این، مالکان نهادی دانش صنعت بهتری نسبت به سرمایه گذاران کوچک دارند و بنابراین در نظارت بر عملکرد مدیریت موثرتر هستند. مالکان نهادی مزایای متعددی نسبت به سرمایه گذاران فردی دارند. اولاً، مالکان نهادی نسبت به سرمایه گذاران فردی به اطلاعات بسیار بیشتری دسترسی دارند. ثانیاً، مالکان نهادی نسبت به سرمایه گذاران فردی توانایی بهتری برای نظارت بر اقدامات مدیریتی دارند. بدین شکل مالکان نهادی از طریق سرمایه گذاری های خود به عنوان ناظر عمل می کنند. امان و نگوین^۵ (۲۰۱۳) دریافتند که افزایش درصد سهام متعلق به مالکان نهادی تأثیر مثبتی بر رتبه اعتباری یک شرکت دارد. این موضوع به دلیل سازوکار نظارتی مؤثری است که توسط مالکان نهادی به کار گرفته شده است که ریسک نمایندگی شرکت را کاهش می دهد. تاریگن و فیتریانی (۲۰۱۷) دریافتند که مالکیت نهادی، کمیته حسابرسی و اندازه حسابرس مستقل تأثیر مثبتی در رتبه اعتباری شرکت دارد. بر این اساس پیش بینی می شود که مالکیت نهادی تأثیر مثبتی بر رتبه اعتباری داشته باشد، زیرا حضور مالکان نهادی، سازوکار کنترلی اقدامات مدیریت را بهبود می بخشد و در نتیجه ریسک نمایندگی را کاهش می دهد. اگر بتوان ریسک نمایندگی را کاهش داد، شرکت ها رتبه اعتباری بالایی کسب خواهند کرد.

¹ Farooqi

² Wang and Zhang

³ Gordon and Yuan

⁴ Shleifer and Vishny

⁵ Aman and Nguyen

بدیهی است در مطالعه ساختار مالکیت، یکی از موضوعات کلیدی تمرکز مالکیت است. بر اساس پژوهش های قبلی، تمرکز مالکیت و مالکان نهادی، نظارت مؤثرتری بر مدیران ارائه می کنند و تضادهای نمایندگی بین مدیران را برای ارتقای عملکرد شرکت کاهش می دهند (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷؛ اوپلر و سوکوبین، ۱۹۹۷). اشبوق و همکاران (۲۰۰۶) دریافت که رتبه اعتباری به طور قابل توجهی با تعداد سهامدارانی که حداقل پنج درصد مالکیت را دارند، همبستگی منفی دارد و هیچ ارتباط معناداری با مالکیت سرمایه گذاران نهادی وجود ندارد.

به اعتقاد شلیفر و ویشنی (۱۹۸۶) وجود مالکان بزرگ یا مالکیت با تمرکز بالا منجر به نظارت بهتر بر مدیریت و همچنین عملکرد بهتر ("فرضیه نظارت فعال") می شود، به ویژه زمانی که مالکیت در سرمایه گذاران نهادی متمرکز است. این موضوع به این دلیل اتفاق می افتد که سهامدارانی که سرمایه گذاری خوبی در قالب بدهی یا سهام در یک شرکت دارند، بسیار نگران آن هستند که آیا حاکمیت شرکتی به درستی عمل می کند یا خیر.

به طور مشابه، تحقیقات بوجراج و سنگوپتا^۱ (۲۰۰۳) دریافتند که رتبه اعتباری ارتباط مثبتی با سهامداران دارد. این نتیجه بهبود سطح نظارت بر عملکرد شرکت توسط سهامداران است، به گونه ای که اگر اقدامات مدیریتی مطابق با منافع سرمایه گذاران نباشد قابل پیشگیری است. در مقابل، اشبوق اسکایف و همکاران (۲۰۰۴) و ستینیگروم^۲ (۲۰۰۵) دریافتند که رتبه اعتباری با سهامداران ارتباط منفی دارد. این تأثیر به این دلیل رخ می دهد که با وجود تمرکز مالکیت، سرمایه گذاران می توانند مدیریت را وادار کنند که مطابق میل آنها عمل کند و تصمیم بگیرد. این امر باعث افزایش ریسک نکول می شود که به نوبه خود منجر به کاهش رتبه اعتباری می شود. بر اساس آنچه که گفته شد این استدلال وجود دارد که افزایش تعداد سهامداران می تواند تأثیر مثبت یا منفی بر رتبه اعتباری داشته باشد. یعنی از طرفی وجود تمرکز مالکیت، نظارت را بهبود می بخشد تا از اقدامات مدیریتی که مطابق با منافع سرمایه گذاران نیست جلوگیری شود. که این امر ریسک نمایندگی را کاهش می دهد و منجر به رتبه اعتباری بالاتر می شود. از سوی دیگر، با وجود تمرکز مالکیت، مدیران برای اتخاذ تصمیماتی که به نفع مالکان باشد تحت فشار خواهند بود. این امر منجر به افزایش ریسک نکول و کاهش رتبه اعتباری شرکت می شود. این موضوع در حالی است که، برخی از مطالعات همچنین نشان می دهند که تمرکز مالکیت ممکن است به دلیل تضاد نمایندگی بین سهامداران و دارندگان اوراق قرضه برای دارندگان اوراق قرضه مطلوب نباشد.

از طرفی مالکیت مدیریتی نقش مهمی در حصول اطمینان از همسویی بین اهداف مدیریتی و اهداف سهامداران دارد. مالکیت مدیریتی می تواند تضاد نمایندگی بین مدیریت و سهامداران را کاهش دهد

¹ Opler and Sokobin

² Bhojraj and Sengupta

³ Setyaningrum

(سولیسو^۱، ۲۰۰۸). در واقع مالکیت مدیریتی بالا منجر می شود مدیریت همواره سعی کند منافع خود را با منافع سهامداران همسو کند، این امر ریسک نکول شرکت را کاهش می دهد به طوری که رتبه اعتباری شرکت را افزایش می دهد. اسکندر و چاملو^۲ (۲۰۰۰) دریافتند که هر چه مالکیت مدیریتی بیشتر باشد، شفافیت کمتری افشا می شود، بنابراین شرکت دارای ریسک نکول بالاتری است و در نتیجه رتبه اعتباری شرکت را کاهش می دهد (آریوانگسا و نیومن آوندانتی^۳، ۲۰۱۳).

۳-پیشینه پژوهش

الخالده^۴ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر رتبه بندی اعتباری شرکت ها پرداختند. نتایج تجربی نشان می دهد که متغیرهای کنترلی (ساختار سرمایه، اندازه شرکت ها و مزیت های رقابتی شرکت ها)، تعیین کننده رتبه اعتباری هستند.

محرم و پوتری^۵ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر اهرم با تاکید بر نقش رتبه اعتباری پرداختند. نتایج نشان داد که مالکیت دولتی بر اهرم تأثیری ندارد و رتبه اعتباری رابطه بین مالکیت دولتی و اهرم را تعدیل نمی کند. مالکیت مدیریتی تأثیر منفی بر اهرم دارد و رتبه اعتباری رابطه بین مالکیت مدیریتی و اهرم را تعدیل می کند.

الحارث و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی آیا ساختار مالکیت رتبه های اعتباری را بهبود می بخشد؟ پرداختند. نتایج نشان می دهد که بین مالکیت بلوکی و رتبه اعتباری رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و اهمیت بیشتری در بین کشورهای انگلیسی آمریکایی نسبت به کشورهای اروپایی دارد.

اولین مبانی مفهومی مسئولیت اجتماعی در سال ۱۹۵۰ توسط بوئن^۶ مطرح شد. پس از آن، تعاریف و ابعاد این مفهوم توسعه یافت. در دهه ۱۹۹۰، مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکت ها با تئوری های جدید همانند تئوری ذینفعان، تئوری اخلاق کسب و کار و شهروند شرکتی توسعه بیشتری پیدا کرد و در نهایت در دوره جدید به عنوان یک عنصر مهم برای بقا و موفقیت کسب و کارها شناخته می شود (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۲). در حال حاضر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی به عنوان نشانه ای از پایداری شرکتی ارزیابی می شود (بنی مهد و چناری، ۱۳۹۸).

¹ Sulistio

² Iskander dan Chamlou

³ Ariwangsa and Nyoman Abundanti

⁴ Alkhawaldeh

⁵ Muharam and Putri

⁶ Boan

لین و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی در رتبه اعتباری: نقش مسئولیت اجتماعی شرکت پرداختند. نتایج نشان داد که عملکرد مسئولیت اجتماعی اثرات میانجی‌گری و جزئی را در رابطه بین حاکمیت شرکتی و رتبه اعتباری نشان می‌دهد. همچنین یک شرکت باید حاکمیت شرکتی خوبی را داشته باشد و برای بهبود رتبه اعتباری خود به فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی بپردازد. این مطالعه بیشتر نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی با حاکمیت شرکتی قوی و عملکرد مسئولیت اجتماعی خوب از امتیازات اعتباری بالاتر بهره‌مند نمی‌شوند. با این حال، شرکت‌های بزرگ با شیوه‌های حاکمیت شرکتی خوب از امتیازات اعتباری بالاتر بهره‌مند می‌شوند.

تاریگن و فیتریانی^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر رتبه اعتباری پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش اندازه هیئت مدیره، مالکیت نهادی، کمیته حسابرسی و اندازه حسابرس مستقل تأثیر مثبتی در رتبه بندی اعتباری شرکت دارد. در حالی که افزایش نسبت مدیران مستقل و اندازه دارندگان سهام بلوکی دارای اثر منفی است. این تحقیق نشان داد که تعداد مدیران با رتبه بندی اعتباری رابطه معکوس "U" دارند و حداکثر امتیاز آنها ۴۵۸۹ است. تا حدی مشخص، هرچه تعداد مدیران بیشتر باشد، از اعتبار بالاتری برخوردار است، زیرا نظارت و تصمیم‌گیری موثرتر خواهد بود. با این حال، هنگامی که به نقطه مطلوب (پنج نفر) رسید، مدیران اضافی به دلیل مشکلات هماهنگی، درجه اعتبار را کاهش می‌دهند.

اوتاما، اوتاما و امین^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر شیوه‌های حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت بر رتبه اعتباری پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که رتبه اعتباری به طور مثبت تحت تأثیر مالکیت سهام متعلق به سهامداران قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، مالکیت متمرکز بالاتر عملکردهای نظارتی را بهبود می‌بخشد که این موضوع می‌تواند منجر به رتبه اعتباری بالاتر شود. با این حال، زمانی که مالکیت خانوادگی باشد، امکان سلب مالکیت افزایش می‌یابد و این به نوبه خود رتبه اعتباری را کاهش می‌دهد.

دارابی و صادقی^{۱۴۰۲} در پژوهشی به بررسی بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر رتبه اعتباری شرکت پرداختند. نتایج نشان داد که افشای معاملات با اشخاص وابسته تأثیر منفی و معناداری بر رتبه‌بندی اعتباری دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، تحلیلگران مالی و عوامل رتبه‌بندی اثرات این معاملات را ارزیابی کرده و آنها را در مدل‌های ارزش‌گذاری و رتبه‌بندی اعتباری خود بگنجانند.

حاجیها و قربانی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر رتبه بندی اعتباری شرکت‌ها با توجه به نقش تعدیلی نوسان پایین به بالای بازده سهام پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اثر مثبت و معناداری بر رتبه بندی اعتباری شرکت دارد. به عبارت دیگر افزایش سطح اهمیت شرکت به مقوله مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب افزایش رتبه اعتباری شرکت نزد اعتباردهندگان می‌گردد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد، نوسان پایین به بالای بازده

¹ Tarigan and Fitriany

² Utama and Amin

سهام بر رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی با رتبه بندی اعتباری شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد. بدین ترتیب زمانی که شرکت ها نوسان پایین به بالای بازده سهام بالایی داشته باشند، انجام بندهای مسئولیت پذیری اجتماعی تأثیر چندانی بر نظر مساعد اعتباردهندگان نخواهد داشت و اعتباردهندگان اقدام به کاهش رتبه - اعتباری شرکت ها می نمایند؛ بنابراین افزایش نوسان پایین به بالای بازده سهام منجر به کم رنگ شدن رابطه مسئولیت پذیری اجتماعی با رتبه اعتباری شرکت ها می گردد.

محمدی خانقاه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی مدیریت سود واقعی، کیفیت حاکمیت شرکتی و رتبه اعتباری پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد که کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود واقعی اثر معکوس و معنادار و مدیریت سود واقعی اثر منفی و معنادار بر رتبه اعتباری دارد. همچنین نتایج حاکی از این است که کیفیت حاکمیت شرکتی به صورت غیرمستقیم و از طریق مدیریت سود واقعی بر رتبه اعتباری اثر گذار است.

نعمتی پویا وتوسکی (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بین ریسک ویژه، رتبه بندی اعتباری، ریسک اعتباری و مدیریت سود پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که ریسک ویژه و مدیریت سود تعهدی با ریسک اعتباری، رابطه معناداری دارند ولی مدیریت سود واقعی با ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود ندارد. نوری فرد و بسحاق (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین رتبه بندی اعتباری شرکت ها با دستکاری فعالیت های واقعی، کیفیت حساسی و حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج نشان داد که هر سه فرضیه پژوهش تایید می گردد که عبارتند از: الف- بین دستکاری فعالیت های واقعی و رتبه بندی اعتباری شرکت ها رابطه منفی وجود دارد. ب- بین کیفیت حساسی و رتبه بندی اعتباری شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد. ج- بین حاکمیت شرکتی و رتبه بندی اعتباری شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

احمدوند و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی شناسایی و تبیین فاکتورهای تعیین کننده رتبه اعتباری مورد مطالعه : بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که متغیرهای اهرم مالی و سود آوری در سطح اطمینان ۹۹ درصد، متغیرهای رشد و مالکیت دولتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و متغیر پوشش مالی در سطح اطمینان ۹۰ درصد از نظر آماری معنی دار هستند و می توان آنها را به عنوان فاکتورهای تعیین کننده رتبه اعتباری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران معرفی نمود.

وظیفه دوست وهمکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی آزمون تاثیر عوامل حاکمیت شرکتی بر رتبه اعتباری در قالب مدل امتیاز بازار نوظهور پرداختند. یافته های پژوهش نشان می دهد که از بین عوامل حاکمیت شرکتی، صرفاً عوامل مرتبط با حقوق سهامداران و ذی نفعان رابطه مثبت و معنی داری با رتبه اعتباری دارد. اما در ترکیب عوامل مزبور با سایر عوامل که در مجموع ساختار حاکمیتی شرکت را تشکیل می دهند، شواهدی پیرامون تأثیرگذاری بر رتبه اعتباری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مشاهده نشد. به طور کلی بررسی ادبیات موجود نشان می دهد که بهبود سطوح مالکیت شرکت منجر به کاهش ریسک های سیستماتیک و شرکتی می شود و رابطه مستقیم ارزش شرکت را با رتبه اعتباری بهتر افزایش می دهد. در

نهایت، این مطالعه را می توان از تحقیقات قبلی متمایز کرد زیرا در این پژوهش رتبه اعتباری در سه سطح (تردید، سلامت، درمانده) جهت بررسی مقدار بهینه ساختار مالکیت با استفاده از مولفه های مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت، تجزیه و تحلیل شد.

۴- سوال پژوهش

شرکت هایی که از رتبه اعتباری (بالا، پایین، متوسط) برخوردارند سطح ساختار مالکیت (مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی، تمرکز مالکیت) آنها چگونه است؟

۵- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از آن جهت که با استفاده از مدل ها، روش های و نظریه های موجود به دنبال حل مشکل یا بهبود وضعیت تصمیم گیری در قلمرو پژوهش است، لذا نوع پژوهش کاربردی تجربی است. از آن جهت که در گردآوری داده ها از اطلاعات عملکردی شرکت ها بر مبنای صورت های مالی تاریخی حسابرسی شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه های اینترنتی کدال و پایگاه رسمی بورس استفاده می شود، لذا طرح پژوهش پس رویدادی است. قسمتی از تجزیه و تحلیل ها با نرم افزار اکسل انجام شد. همچنین جهت تحلیل سطح بهینه از نرم افزار متلب استفاده شده است. از طرفی جامعه آماری مورد بررسی پژوهش، متشکل از کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ است که به سبب گستردگی جامعه آماری از روش حذف سیستماتیک به منظور حجم نمونه استفاده شده است. شرایط حذف سیستماتیک بدین صورت اعمال شده است: ۱- دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند هر سال می باشد. ۲- سال مالی در طی دوره های مورد نظر تغییر نداشته باشد. ۳- سهام شرکت حداقل شش ماه در سال مورد معامله قرار گرفته باشد. ۴- جزء شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری و مالی نباشد. ۵- اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش در دوره زمانی مورد بررسی در دسترس باشد. در نهایت پس از اعمال محدودیت های فوق، نمونه ای متشکل از ۱۰۱ شرکت در دوره زمانی ۹ ساله از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۹ تعیین شد.

۵-۱- روش اجرای پژوهش

به منظور آزمون سوال پژوهش از الگوریتم های فراابتکاری یکی از انواع الگوریتم های بهینه سازی تقریبی (الگوریتم بهینه سازی ذرات، PSO) استفاده شده است. الگوریتم تجمع ذرات از پرواز گروهی پرندگان الهام گرفته شده است. هر پرند یا ذره در گروه از یک رفتار بسیار ساده پیروی می کند، تکرار و تقلید تجربه موفقیت آمیز پرندگان همسایه. الگوسازی این اصل ساده منجر به ایجاد یکی از پرکاربردترین الگوریتم های فراابتکاری شده است. بهینه سازی، عمل به دست آوردن بهترین نتیجه تحت یک شرایط مشخص است.

در این پژوهش به دلیل توانایی الگوریتم های فرا ابتکاری در رسیدگی به پیچیدگی های مختلف مرتبط با مسائل عملی و رسیدن به یک راه حل قابل قبول و بازیابی بهینه محلی و کنترل عدم قطعیت در اهداف از الگوریتم مبتنی بر جمعیت یعنی ازدحام ذرات برای کشف جواب بهینه استفاده شده است. این الگوریتم از آن منظر که موجب کاهش نیاز به حافظه می شود و کارایی بالایی از نظر محاسباتی دارد، در سیستم های بهینه سازی بسیاری، مورد بکارگیری قرار گرفته است؛ همچنین ساده تر بودن آن در قیاس با سایر الگوریتم های فراابتکاری در مرحله اجرا و پیاده سازی موجب متمایز شدن آن شده است. به علاوه، این الگوریتم ها با ارائه پیش بینی های دقیق تر، موارد و مشکلات رایج مدل سازی از جمله پایایی و ناپایایی را نداشته و از این جهت، به منظور رفع مشکلات ناهمسانی واریانس، خود همبستگی، هم خطی، نیازمند مهیا سازی متغیرهای مالی نیستند.

در این مطالعه در گام نخست رتبه اعتباری شرکت های مورد مطالعه به سه قسمت شرکت های با رتبه اعتباری (منطقه سلامت، منطقه تردید و منطقه درمانده) تقسیم شدند. در گام دوم، با اعمال الگوریتم تجمع ذرات الگو نسبت به ساختار مالکیت سنجیده شده است. جمعیت اولیه به تعداد ۹۰۹ ذره در نظر گرفته شد و الگوریتم بعد از حداکثر ۲۰۰۰ بار تکرار متوقف می شود. در هر تکرار بهترین موقعیت مربوط به هر ذره و بهترین موقعیت همسایگی در جمعیت در صورتی که تغییری در مقادیر برازش مشاهده شود، به هنگام می شود. اهمیت مربوط به بهترین وضعیت شخصی و وضعیت جمعی ۲ در نظر گرفته شد. تابع تکثیر ذرات برای افزایش سرعت تکثیر Repmat استفاده شد. در هر تکرار بهترین موقعیت مربوط به هر ذره و بهترین موقعیت همسایگی در جمعیت در صورتی که تغییری در مقادیر برازش مشاهده شود، به هنگام می شود.

جدول ۱- پارامترهای الگوریتم تجمع ذرات

nPop=909;	% Population Size (Swarm Size)	جمعیت ذرات
	MaxIt=2000	ماکزیمم تکرار
c1=2;	% Personal Learning Coefficient	ضریب یادگیری شخصی
c2=2.0;	% Global Learning Coefficient	ضریب یادگیری جمعی
wdamp=0.99;	% Inertia Weight Damping Ratio	وزن اینرسی
	صفر	سرعت اولیه ذرات
	Repmat	تابع تکثیر

منبع : یافته های پژوهشگر

۶- متغیرهای پژوهش

۶-۱- متغیرهای مستقل- ساختار مالکیت

- مالکیت مدیریتی: سهام نگهداری شده توسط مدیران به کل سهام (زکی زاده و همکاران، ۱۳۹۸)
- مالکیت نهادی: درصد سهامداران نهادی به کل سهام (زکی زاده و همکاران، ۱۳۹۸)
- تمرکز مالکیت: یکی از ابعاد ساختار مالکیت تمرکز مالکیت می باشد. تمرکز مالکیت عبارت از چگونگی توزیع سهام بین سهامداران شرکت های مختلف است. هرچه تعداد سهامداران کمتر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود. در این پژوهش از شاخص هرفیندال - هیرشمن؛ که از طریق مجموع مجذور درصد سهام متعلق به سهامداران شرکت ها به دست آمده است. (عباسی و رستگاریان، ۱۳۹۱) (آرפור^۱ و همکاران، ۲۰۱۱).

$$CON = \sum_{i=1}^n (INOWN)^2$$

۶-۲- متغیر وابسته - رتبه اعتباری

برای تعیین رتبه اعتباری، از مدلی به نام مدل امتیاز بازار نوظهور، براساس چهار مرحله به ترتیب زیر استفاده شده است (جعفری و احمدوند، ۱۳۹۴):

مرحله اول: تعیین مقادیر معادل رتبه های اعتباری با استفاده از مدل امتیاز "Z"

بدین منظور، ابتدا با استفاده از مدل امتیاز بازار نوظهور (معادله ۱)، امتیاز شرکت مورد نظر در بازار نوظهور محاسبه شد؛ سپس این امتیاز با مقادیر جدول ۲ مقایسه شدند و رتبه اعتباری معادل بدست می آید. همان-طور که ذکر شد، سنگ بنای رویکرد امتیاز بازار نوظهور، مدل امتیاز "Z" است که در فرآیند تحلیل کیفیت اعتباری انواع شرکت ها، اعم از سهامی عام، سهامی خاص، تولیدی و غیرتولیدی از آن استفاده می شود. امتیاز بازار نوظهور با استفاده از مدل زیر به دست آمد. (آلتمن و هاچکس^۲، ۲۰۰۵):

$$EMS = 3/25 + 6/56X_1 + 3.26X_2 + 6.72X_3 + 1.05X_4 \quad \text{معادله (۱)}$$

که در آن:

X_1 : نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی ها X_2 : نسبت سود انباشته به کل دارایی ها

X_3 : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی ها

X_4 : نسبت ارزش دفتری مجموع حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری مجموع بدهی ها

¹ Arifur

² Altman and Hotchkiss

جدول ۲- امتیاز "Z" و رتبه های اعتباری معادل

رتبه اعتباری معادل	امتیاز "Z"	رتبه اعتباری معادل	امتیاز "Z"
AAA	$\geq 8/15$	B-	$4/15 - 3/75$
AA+	$8/15 - 7/60$	CCC+	$3/75 - 3/20$
AA	$7/60 - 7/30$	CCC	$3/20 - 2/50$
AA-	$7/30 - 7/10$	CCC-	$2/50 - 1/75$
A+	$7/10 - 6/85$	D	$\leq 1/75$
A	$6/85 - 6/65$	BBB-	$5/85 - 5/65$
A-	$6/65 - 6/40$	BB+	$5/65 - 5/25$
BBB+	$6/40 - 6/25$	BB	$5/25 - 4/95$
BBB	$6/25 - 5/85$	BB-	$4/95 - 4/75$
		B+	$4/75 - 4/50$
		B	$4/50 - 4/15$

منبع : یافته های پژوهشگر

مرحله دوم: تعدیل رتبه اعتباری معادل، بر اساس آسیب پذیری شرکت در مقابل نوسان های نرخ ارز در این مرحله، رتبه اعتباری معادل که در مرحله قبل تعیین شد، براساس آسیب پذیری شرکت در مقابل نوسانات نرخ ارز و بروز مشکل در بازپرداخت بدهی های ارزی تعدیل می شود. آسیب پذیری با توجه به رابطه سود ارزی (درآمدهای ارزی منهای هزینه های ارزی) با هزینه بهره بدهی های ارزی، و درآمدهای ارزی با بدهی های ارزی، ارزیابی می شود. سرانجام نیز میزان نقدینگی موجود با حجم بدهی های کوتاه مدتی که در سال آینده سررسید می شوند، مقایسه می شود. اگر شرکت مورد نظر، ضعیف و دارای آسیب پذیری بالایی باشد، یعنی اگر درآمدهای ارزی نداشته یا نسبت درآمدهای ارزی به بدهی های ارزی آن خیلی پایین باشد و یا حجم قابل ملاحظه ای بدهی های ارزی نزدیک به سررسید و نقدینگی اندکی داشته باشد، در این صورت، رتبه اعتباری معادل آن (که در مرحله اول تعیین شد)، به اندازه سه درجه تنزل پیدا می کند؛ برای مثال: از BB+ به B+ می رسد.

اگر آسیب پذیری شرکت در وضعیت خنثی باشد، کاهش یک درجه ای در رتبه اعتباری معادل رخ می دهد (برای مثال: از BB+ به BB) و در صورتی که ریسک کاهش ارزش ناشی از نوسانات نرخ ارز برای شرکت ناچیز باشد، تغییری در رتبه اعتباری معادل آن ایجاد نمی شود. برای تعدیل این مرحله، مطابق پژوهش جعفری

و احمدوند (۱۳۹۴)، از تأثیر تغییرهای نرخ ارز بر فعالیت تأمین مالی مندرج در صورت جریان وجه نقد و همچنین میزان نقدینگی در مقایسه با بدهی های جاری آن استفاده شده است.

مرحله سوم: تعدیل رتبه اعتباری معادل براساس صنعت

در مرحله سوم، رتبه معادل که در مرحله اول تعیین شد، با مقدار معادل رتبه امنیت اعتباری صنعت مربوط جدول ۳ مقایسه می شود. به ازای اختلاف یک تا سه درجه ای بین دو رتبه مذکور، رتبه اعتباری معادل محاسبه شده در مرحله دوم به اندازه یک درجه تغییر می کند. برای مثال، اگر رتبه اعتباری به دست آمده از مرحله اول BBB و رتبه صنعت BB+، BBB- یا BB باشد، در این صورت، رتبه اعتباری معادل محاسبه شده در مرحله دوم به اندازه یک درجه تعدیل منفی می یابد. چنانچه اختلاف بین رتبه معادل تعیین شده در مرحله اول و مقدار معادل رتبه امنیت اعتباری صنعت مربوط بیش از سه و کمتر از شش درجه باشد، یک تعدیل دو درجه ای در رتبه اعتباری معادل مرحله دوم روی می دهد. در صورت وجود اختلاف شش درجه ای و بیشتر، رتبه اعتباری معادل محاسبه شده در مرحله دوم به اندازه سه درجه تعدیل (مثبت یا منفی) می شود. به این ترتیب، محیط صنعت کشور نوظهور مورد بررسی در تحلیل کیفیت اعتباری شرکت لحاظ می شود.

جدول ۳- میانگین رتبه اعتباری صنعت

صنعت	میانگین رتبه امنیت اعتباری	صنعت	میانگین رتبه امنیت اعتباری
مخابرات	A+	انرژی	A-
سرمایه گذاری ها	A+	محصولات کاغذی	BBB
استخراج نفت و گاز	A+	بیمه و بازنشستگی	BBB
دستگاه های برقی	A+	رایانه	BBB
حمل و نقل	A+	وسایل ارتباطی	BB+
مواد غذایی	A	قطعات خودرو	BB+
قند و شکر	A	منسوجات	BB+
محصولات دارویی	A	هتل و رستوران	BB
بانک ها	A-	انبوه سازی	BB
چند رشته ای صنعتی	A-	سیمان	BB
لیزینگ	A-	کانه های فلزی	BB
خودرو	A-	کانه های غیرفلزی	BB
محصولات شیمیایی	A-	کاشی و سرامیک	BB
فرآورده های نفتی	A-	فلزات اساسی	B+

منبع : یافته های پژوهشگر

مرحله چهارم: تعدیل رتبه اعتباری معادل براساس توان رقابتی

در این مرحله، به توان رقابتی شرکت توجه شده و بسته به پاسخ این سؤال که آیا شرکت در صنعت خود، غالب و برجسته بوده یا از نظر اندازه، نفوذ سیاسی و کیفیت مدیریت یک قدرت داخلی محسوب می‌شود یا نه، رتبه اعتباری مرحله سوم یک درجه تغییر می‌کند. به علاوه، ممکن است توان رقابتی شرکت خنثی باشد که در این صورت، تغییری در رتبه اعتباری آن اعمال نمی‌شود. در این پژوهش به پیروی از پژوهش (جعفری و احمدوند، ۱۳۹۴)، برای بررسی رقابتی بودن شرکت در صنعت، از سهم بازار شرکت (نسبت فروش شرکت به مجموع فروش صنعت در هر سال) استفاده شده است. در آخر رتبه های اعتباری که بر حسب طبقات (AA, AAA و غیره) گزارش شده اند، چون از نوع متغیرهای ترتیبی گسسته بوده، آنها را به عنوان برآمد یک مقیاس پیوسته به نام «توان بازپرداخت تعهدات بدهی» در نظر می‌توان گرفت. تعدادی از پژوهشگران به منظور استفاده از اطلاعات در رگرسیون های رتبه بندی، رتبه های اعتباری را به مقادیر عددی تبدیل کرده اند. با انجام این کار، یک متغیر ترتیبی گسسته به دست می‌آید. تبدیل رتبه های اعتباری به مقادیر عددی، بین رتبه های منتشرشده توسط موسسات گوناگون توازن برقرار می‌سازد. در برخی از مطالعات گذشته امتیازات تخصیص یافته به رتبه های اعتباری در هفت طبقه جای گرفته اند (مارسیا^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر نیز از همین طبقه بندی استفاده شده است (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۶) (وظیفه دوست و همکاران، ۱۳۹۵).

جدول ۴- امتیازات تخصیص یافته به رتبه های اعتباری

رتبه اعتباری	امتیاز	رتبه اعتباری	امتیاز
AAA	۷	BB+	۳
AA+	۶	BB	۳
AA	۶	BB-	۳
AA-	۶	B+	۲
A+	۵	B	۲
A	۵	B-	۲
A-	۵	CCC+	۱
BBB+	۴	CCC	۱
BBB	۴	CCC-	۱
BBB-	۴	D	۱

(برگرفته از: اشبوق اسکایف و همکاران، ۲۰۰۶)

¹ Murcia

۷- یافته های پژوهش

جدول ۵ آمار توصیفی شرکت های موجود در نمونه را ارائه می نماید. با توجه به میانگین محاسبه شده برای رتبه اعتباری ۲/۸۵۸ می توان نتیجه گرفت که رتبه اعتباری شرکت ها به طور میانگین در طبقه دوم (B-, B, B+) قرار دارند. به بیان دیگر به طور میانگین شرکت ها در منطقه تردید مالی قرار دارند.

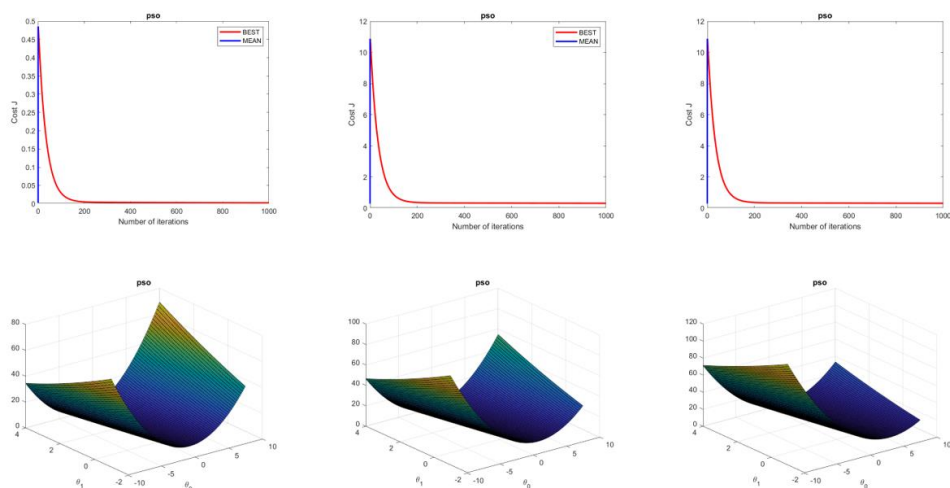
جدول ۵- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی	بیشینه	کمینه
رتبه اعتباری	CR	۲/۸۵۸	۱/۵۸۰	۱/۹۱۳	۰/۳۳۸	۱	۶
مالکیت مدیریتی	MGO	۰/۶۱۱	۰/۲۵۸	۲/۸۸۰	-۰/۹۲۸	۰	۰/۹۹۵
تمرکز مالکیت	CON	۰/۳۲۹	۰/۲۰۷	۳/۱۰۸	۰/۷۱۵	۰	۰/۹۸۹
مالکیت نهادی	INSOWN	۰/۷۰۲	۰/۱۹۴	۴/۳۶۴	-۱/۲۵۴	۰	۰/۹۹۵

منبع : یافته های پژوهشگر (تعداد مشاهدات: ۹۰۹)

۷-۱- نتایج بهینه سازی الگوریتم تجمع ذرات (psa)

الگوریتم های فراابتکاری از سازوکار نسبتاً مشابهی برای کشف جواب بهینه استفاده می کنند. در اغلب این الگوریتم ها، جستجو با ایجاد تعدادی جواب تصادفی در محدوده ی مجاز متغیرهای تصمیم شروع می شود. این مجموعه جواب در هریک از الگوریتم ها نام هایی مانند جمعیت، کلونی ویا گروه دارند. سپس با عملگرهایی مجموعه ای جواب جدید تولید می شود و این عمل تارسیدن به معیار توقف ادامه مییابد(شریف زاده و امجدی، ۱۳۹۳). همان طور که گفته شد این الگوریتم ها ماهیتی مبتنی بر جمعیت دارند و باید مسئله را به گونه ای تعریف کرد که این الگوریتم ها بتوانند به صورت توده ای از جمعیت آن را بهینه سازی کنند. با اجرای الگوریتم تجمع ذرات نتایج زیر حاصل شد: نتایج حاصل از ارائه الگوریتم بعد از تعداد تکرار ۲۰۰۰ نسل، باعث همگرایی مناسب شد ضمناً بر اساس مسیر پیموده شده توسط تابع ارزیابی برای رسیدن به نقطه بهینه در الگوریتم تجمع ذرات همان طور که بیان شد یک مورد از ساختار مالکیت (مالکیت نهادی) به عنوان نمونه در سه ناحیه منطقه سلامت، منطقه تردید و منطقه درماندگی ارائه شده است. همانطور که در شکل ۳، ۲، ۱ مشاهده می شود بهینه سازی به نحو مطلوبی انجام گرفته است. در شکل ۱ نتایج نمودار سطح همگرایی رتبه اعتباری بر اساس ساختار مالکیت نهادی در منطقه سلامت در شکل ۲ در منطقه تردید و در شکل ۳ در منطقه درمانده نشان داده شده است.



شکل ۱ نمودار سطح همگرایی در منطقه سلامت شکل ۲ نمودار سطح همگرایی در منطقه تردید شکل ۳ نمودار سطح همگرایی در منطقه درمانده

جدول ۶ درصد ساختار مالکیت منتخب الگوریتم تجمع ذرات را نشان می دهد. اعداد جدول بیانگر درصد مالکیت هریک از مالکان نهادی، مدیریتی و تمرکز مالکیت در سه سطح رتبه اعتباری (سلامت، تردید و درمانده) است.

جدول ۶- نتایج ضرایب بهینه الگوریتم تجمع ذرات (pso)

عنوان	ضرایب بهینه		
	منطقه سلامت	منطقه تردید	منطقه درمانده
ساختار مالکیت نهادی	۰/۹۲۹	۰/۵۵۰	۰/۲۴۳
ساختار مالکیت مدیریتی	۰/۰۹۸	۰/۱۱۲	۰/۳۷۶
ساختار تمرکز مالکیت	۰/۱۶۸	۰/۳۰۲	۰/۵۵۵

منبع : یافته های پژوهشگر

۸- نتیجه گیری و پیشنهادها

هدف از پژوهش حاضر ارائه مدل رتبه اعتباری مبتنی بر سطح بهینه ساختار مالکیت با رویکرد تجمع ذرات طی سال های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۹ است. بکارگیری الگوریتم تجمع ذرات با الهام از حرکت دسته جمعی پرندگان در این پژوهش نشان داد که نظارت انجام شده توسط مالکان نهادی به عنوان ابزاری برای نظارت بر مدیریت،

بهینه و موثر بوده است. در واقع ضرایب بهینه بدست آمده می تواند به دلیل مالکیت نسبتاً بزرگ موسسات نهادی و تمرکز بیشتر سهام در سرمایه گذاران نهادی باشد. براساس فرضیه نظارت فعال هر چه درصد مالکیت نهادی بیشتر باشد، نظارت سرمایه گذاران نهادی بر شرکت را افزایش می دهد، این امر شرکت ها را تشویق می کند تا عملکرد و شفافیت خود را بهبود بخشند، به طوری که ریسک شرکت را کاهش می دهد و رتبه اعتباری را بهبود می بخشد. از آنجا که براساس نظریه نمایندگی تفاوتی بین اهداف مدیران و سهامداران وجود دارد این موضوع منجر به تعارض در مورد جهت گیری استراتژیک سازمانی می شود. لذا نظارت بر مدیریت توسط مالکان نهادی و مدیران خارجی به کاهش فرصت طلبی مدیریت و بهبود ارزش شرکت کمک می کند. با اعمال نظریه نمایندگی در این وضعیت، می توان نتیجه گرفت که این نظارت بر مدیریت نشان دهنده حکمرانی خوب است و لزوماً نشان می دهد که حقوق سهامداران حفظ می شود. در این صورت می توان استدلال کرد که ارتباط مثبتی بین مالکیت نهادی و رتبه اعتباری وجود دارد. در نتیجه، مالکان نهادی به عنوان عوامل خوب و به عنوان مشارکت در نظارت بر مدیریت عمل می کنند و لزوماً نشان می دهد که حقوق سهامداران حفظ می شود. در حالی که بر خلاف نظریه نظارت فعال که وجود مالکان بزرگ یا مالکیت با تمرکز بالا منجر به نظارت بهتر بر مدیریت و همچنین عملکرد بهتر می شود، با توجه به نتایج به نظر می رسد شرکت های با مالکیت کمتر متمرکز عملکرد بهتری خواهند داشت و از رتبه اعتباری بالاتری برخوردار خواهند شد، زیرا ریسک نکول کاهش می یابد. از طرفی در مورد مالکیت مدیریتی به نظر می رسد که احتمالاً به دلیل درصد نسبتاً اندک مالکیت مدیریتی سهام منجر به کسب سطوح رتبه اعتباری مطلوب شده است. لذا مالکیت مدیریتی نسبتاً پایین منجر به کاهش تضاد نمایندگی و افزایش نظارت بر عملکرد مدیران خواهد شد و در نتیجه ریسک نکول کاهش می یابد و رتبه اعتباری شرکت را افزایش می دهد. برخلاف نظریه مباشرت، مدیریت شرکت های بورسی با سهام بزرگتر لزوماً منافع سهامداران را بهتر رصد نمی کنند. این ما را به حمایت از نقش حاکمیت شرکتی در تعیین رتبه اعتباری در اردن سوق می دهد. نتایج این پژوهش به نوعی با پژوهش تاریگن و فیتربانی (۲۰۱۷) و الحارث و همکاران (۲۰۱۸) و الخوالده (۲۰۲۱) موافق و با پژوهش اوتاما، اوتاما و امین (۲۰۱۶) مغایر است.

پیشنهادهای حاصل از نتایج پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر اثرگذار بودن ساختار مالکیت بر سطوح مختلف رتبه اعتباری به سازمان های رتبه بندی اعتباری پیشنهاد می شود که ساختار مالکیت (مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت) را به عنوان مرجع در روش رتبه بندی اعتباری در نظر بگیرند. از آنجا که ساختار مالکیت در تعیین سطوح رتبه اعتباری نقش دارد به سرمایه گذاران توصیه می شود تا در هنگام خرید سهام شرکت ها به عوامل فوق توجه نمایند. علاوه بر این، سرمایه گذاران می بایست رتبه بندی اعتباری شرکت ها را در نظر بگیرند زیرا این رتبه بندی ها تمام داده های مهم مربوط به جریان های نقدی را در بر می گیرد. به شرکت ها پیشنهاد می شود که شیوه های حاکمیتی خود را به منظور تسهیل صدور بدهی بلندمدت با رتبه بندی اعتباری بهتر، بهبود بخشند.

در نهایت به ناظران بازار سرمایه پیشنهاد می شود که سیاست‌هایی را تنظیم نمایند تا سرمایه‌گذاران نهادی را تشویق به افزایش مالکیت در شرکت‌های فهرست‌شده به منظور مؤثرتر کردن عملکردهای نظارتی کنند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- (۱) تعیین سطوح رتبه اعتباری با استفاده از الگوریتم ژنتیک با در نظر گرفتن محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی در صنعت‌های گوناگون.
- (۲) با توجه به تجربیات حاصل از این پژوهش با استفاده از سایر الگوریتم‌های فرا ابتکاری و قیاس نتایج آن با الگوریتم حرکت تجمعی ذرات در راستای کاهش خطای پیش‌بینی به مدل‌سازی بهینه رتبه اعتباری اقدام نمایند.

فهرست منابع

- احمدوند، میثم؛ رضایی، شعیب؛ تملکی، حسین (۱۳۹۶). شناسایی و تبیین فاکتورهای تعیین‌کننده رتبه اعتباری مورد مطالعه: بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه. سال دوم، شماره ۱، پیاپی ۳، صص ۱۳۵-۱۵۴.
- جعفری، سیده محبوبه؛ احمدوند، میثم (۱۳۹۴). رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از رویکرد امتیاز نوظهور. پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، ۱۰، ۳۷-۵.
- حاجیه‌ها، زهره؛ قربانی، ایوب (۱۴۰۰). تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها با توجه به نقش تعدیلی نوسان پایین به بالای بازده سهام. مجله دانش حسابداری، ۱۲ (۲)، ۱۰۵-۱۲۱.
- دارابی، رویا؛ صادقی، مرتضی (۱۴۰۲). بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر رتبه اعتباری شرکت. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۲ (۶)، ۷۵-۹۴.
- دهقان، فاطمه؛ پورحیدری، امید (۱۴۰۱). تأثیر کیفیت پیش‌بینی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری با در نظر گرفتن نقش ساختار مالکیت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۷۶-۵۱.
- زکی زاده، عباس؛ خردیار، سینا (۱۴۰۰). سنجش کیفیت اطلاعات حسابداری در مواجهه با وفاداری صاحبکار با رویکرد الگوریتم تجمع ذرات. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۲۸۵-۲۴۹.
- زکی زاده، محمدمبین؛ رضایی، فرزین؛ نوروش، ایرج (۱۳۹۸). ارزیابی و ارائه الگوریتم شناسایی خطر حسابرسی مبتنی بر ویژگی‌های بنیادین شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۱۹-۱۵۱.

عباسی، ابراهیم؛ رستگاری، فاطمه (۱۳۹۱). تاثیر ساختار مالکیت بر ارزش شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش های تجربی حسابداری، سال دوم، شماره ۵، صص ۳۳-۵۰.

محمدی خانقاه، گلشن؛ پیری، پرویز؛ منصورفر، غلامرضا. (۱۳۹۸). مدیریت سود واقعی، کیفیت حاکمیت شرکتی و رتبه اعتباری. بررسی های حسابداری و حسابرسی. دوره ۲۶، شماره، صص ۶۱۴-۵۹۵.

مشایخ، شهناز؛ پارسایی، منا، (۱۴۰۰). رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت ها با کیفیت اطلاعات حسابداری و گزارش حسابرس. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، صص ۶۴-۴۱.

نوری فرد، یداله؛ بسحاق، ابراهیم (۱۳۹۸). رابطه بین رتبه بندی اعتباری شرکت ها با دستکاری فعالیت های واقعی، کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی. پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی. سال سوم، شماره ۳، پیاپی ۸، صص ۱۱-۲۲.

نعمتی، پویا؛ مینا، توسکی؛ امید، فرهاد. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین ریسک ویژه، رتبه بندی اعتباری، ریسک اعتباری و مدیریت سود. اولین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در مدیریت کسب و کار و حسابداری با تأکید بر ارزش آفرینی و اقتصاد مقاومتی. ۲۱-۱۱.

وظیفه دوست، حسین؛ احمدوند، میثم؛ ساده وند، محمد جواد. (۱۳۹۵). آزمون تاثیر عوامل حاکمیت شرکتی بر رتبه اعتباری در قالب مدل امتیاز بازار نوظهور (مورد مطالعه: بورس اوراق بهادار تهران). دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. سال نهم، شماره ۳۰، صص ۹۵-۱۱۳.

AlHares, A., Ntim, C., King, D., & Byrne, R. (2018). Does ownership structure improve credit ratings? *Journal of Governance & Regulation*, 7(2), 22-33

Arifur, R. K, Dewan Mahboob, H, Siddiqui, J (2011), Corporate ownership concentration and audit fees (The case of an emerging economy). *Journal of Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*. 27, 125-131.

Altman, E., & Hotchkiss, E. (2005). *Corporate Financial Distress and Bankruptcy: Predict and Avoid Bankruptcy, Analyze and Invest in Distressed Debt*. New York: John Wiley and Sons.

Alkhawaldeh A.A.K, Jaber, J.J, Boughaci, D, & Ismail, N. (2021) A novel investigation of the influence of corporate governance on firms' credit ratings. *PLoS ONE*, 16(5). <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0250242>.

Ariwangsa, K.P., & Nyoman Abundanti, M.M.D. (2013). The Effect of Corporate Governance Mechanism on Bond Ratings of Public Companies in Indonesia. *FORUM MANAJEMEN*, 11(2), 147-167.

Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D. W., & LaFond, R. (2004). Corporate governance and the cost of equity capital. Working paper, University of Wisconsin, and University of Iowa.

Aman, H., & Nguyen, P. (2013). Does good governance matter to debtholders? Evidence from credit ratings of Japanese firms. *Research in International Business and Finance*, 29(1), 14-34.

AlHares, A., & Ntim, C.G. (2017). A Cross-country Study of the Effects of Institutional Ownership on Credit Ratings. *International Journal of Business and Management*; 12(8). <https://doi.org/10.5539/ijbm.v12n8p80>.

- Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D. W., & LaFond, R. (2006). The effects of corporate governance on firms' credit ratings. *Journal of Accounting and Economics*, 42(1), 203-243.
- Batista, A., Muzammal, S., Nuno Neves, M., Muhammad, N., Jéssica, M., & João, R., (2021). Implications of Corporate Social Responsibility on Credit Rating: A Context of Developing Economy. *Academy of Strategic Management Journal*, 20.
- Bhojraj, S., Sengupta, P., (2003). Effect of corporate governance on bond ratings and yields: the role of institutional investors and the outside directors. *The Journal of Business* 76, 455–475.
- Fabozzi, F.J, Wah Ng, P & Tunaru, D.E. (2022). The Impact of Corporate Social Responsibility on Corporate Financial Performance and Credit Ratings in Japan. *Risks Related to Environmental, Social and Governmental Issues (ESG)*. 3–19.
- FitchRatings, (2004). Credit Policy Special Report, Evaluating Corporate Governance: The Bondholders' Perspective, New York.
- Farooqi, J. , Jory, S., & Ngo, T. (2017). Institutional investors' activism and credit ratings. *J Econ Finan* , 41, 51–77. <https://doi.org/10.1007/s12197-015-9332-8>.
- Honoré, F., F. Munari and B. van Pottelsberghe de La Potterie (2015), Corporate Governance Practices and Companies' R&D Intensity: Evidence from European Countries, *Research Policy*, 44(2), 533-543.
- Iskander, M. R. Chamlou, N.D. (2000). Corporate Governance: A Framework for Implementation. The International Bank for Reconstruction and Development. The World bank.
- Krenn, M. (2014). Decoupling as a sustainable firm response to pressures for convergence and divergence in corporate governance: The case of codes of good corporate governance. *Journal of Management Policy and Practice*, 15(4).
- Lin, C.M , Sheng Chen , C , Yang, S.Y , & Wang, W.R. (2018). The Effects of Corporate Governance on Credit Ratings: The Role of Corporate Social Responsibility. *Emerging Markets Finance & Trade*. 1-20.
- Muharam, H. & Putri, G.K. (2020). The effect of ownership structure on leverage with credit rating as a moderating variable. *Diponegoro International Journal of Business* , 3(2), 80-87. <https://doi.org/10.14710/dijb.3.2.2020.80-87>.
- Murcia, F, C, S., Fernando, D, M., Suliani, R., & José, A, B, (2014), The Determinants of Credit Rating: Brazilian Evidence. Retrieved from <http://www.anpad.org.br/bar>.
- Standard & Poor's, (2002). Standard & Poor's corporate governance scores: criteria, methodology and definitions. New York: McGraw-Hill Companies, Inc.
- Sulistio, Wakhid. (2008). Pengaruh Mekanisme Corporate Governance Terhadap Agency Cost Pada Perusahaan Manufaktur yang Terdaftar di Bursa Efek Indonesia, Skripsi, Fakultas Ekonomi Universitas Muhammadiyah, Surakarta.
- Setyaningrum, D. (2005). Pengaruh mekanisme corporate governance terhadap peringkat surat utang perusahaan di Indonesia. *Jurnal Akuntansi dan Keuangan Indonesia*, 2(2) , 73-102.
- Tarigan, C.K, & Fitriany, F. (2017). Impact of Corporate Governance on Credit Rating. *Advances in Economics, Business and Management Research (AEBMR)*, 55, 248-253.
- Utama, C.A., Utama, S., & Amin, A.M. (2016). The Influence of Corporate Governance Practices and Ownership Structure on Credit Ratings: Evidence from Indonesia. *Asian Journal of Business and Accounting* 9(2), 41-72.
- Wang, Danlin, (2020). The Relationship Between Credit Rating and Corporate Social Responsibility. doi: <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3583934>

Abstract

Providing a Credit Rating Model Based on the Optimal level of Corporate Ownership Structure with Particle Aggregation Approach

Majid Azaripour¹

Azita Jahanshad²

Received: 3 / July / 2025

Accepted: 3 / September / 2025

Abstract

Ownership structure is the element used to represent governance structure. On deciding the creditworthiness of a company, credit rating agencies examine its governance structure. In the event that the governance structure is weak, then the credit rating agencies would very likely see the firm's financial position as poor and stakeholders in the company as vulnerable to possible losses. Therefore, the present study aimed to determine the effect of corporate governance mechanisms on credit rating to determine the optimal amount of ownership structure (institutional ownership, managerial ownership and ownership concentration) at different levels of credit rating in a sample of 101 companies listed on the Tehran Stock Exchange during The years 2012 to 2020. For this purpose, first, the credit rating of the surveyed companies was calculated using the emerging market score model. In the next stage, companies with credit ratings (health zone, doubt zone and helpless zone) were divided into three parts. Then the research question was analyzed using the particle aggregation optimization (PSO) algorithm in relation to the ownership structure. The optimal results of the particle aggregation algorithm indicate that the ownership structure plays a decisive role at different levels of credit rating in the Tehran Stock Exchange. The results clearly showed that the high structure of institutional ownership and the relatively low percentage of managerial ownership and ownership concentration can reduce the risk of default and increase the various levels of credit rating in companies listed on the Tehran Stock Exchange.

Key words: credit rating, Ownership Structure, particle aggregation algorithm

¹ Department of Accounting and Finance, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. m.azaripour@iau.ac.ir

² Department of Accounting and Finance, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding author). azi.jahanshad@iauctb.ac.ir



مقایسه مدل‌های خطی و غیرخطی برآورد اقلام تعهدی اختیاری

با کاربست روش شبیه‌سازی مونت کارلوی خطای نوع اول

وحید روح‌الهی^۱

سید عباس هاشمی^۲

مریم شریف‌دوست^۳

مریم فرهادی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳

چکیده

مدل‌های استاندارد برآورد اقلام تعهدی اختیاری مانند مدل تعدیل شده جونز رابطه‌ای خطی بین تغییرات فروش و اقلام تعهدی فرض می‌کنند؛ به همین جهت غیرخطی بودن تغییرات فروش در این مدل‌ها مدنظر قرار نگرفته و این مدل‌ها متحمل تورش غیرخطی در برآوردهای اقلام تعهدی اختیاری می‌شوند. هدف این پژوهش مقایسه اقلام تعهدی اختیاری برآوردی با استفاده از مدل‌های خطی و مدل‌های غیرخطی است. برای آزمون فرضیه پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۸۰ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ انتخاب و از روش شبیه‌سازی مونت کارلوی خطای نوع اول استفاده شده است. بدین منظور اقلام تعهدی اختیاری برآوردی بر اساس متغیر رشد فروش به ده طبقه تقسیم و با انتخاب تصادفی ۱۰۰ مشاهده از اقلام تعهدی اختیاری برآوردی با جایگذاری و تکرار نمونه‌گیری برای ۲۵۰ بار، درصد خطای نوع اول در آزمون فرضیه‌ای با فرض صفر اقلام تعهدی اختیاری برابر با صفر در مقابل فرضیه جایگزین اقلام تعهدی اختیاری مثبت و منفی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج به دست آمده از شبیه‌سازی مونت کارلوی خطای نوع اول نشان می‌دهد که مدل‌های خطی اقلام تعهدی اختیاری دارای خطای نوع اول و همچنین دفعات رد فرض صفر زیادی هستند، اما مدل‌های غیرخطی، خطای نوع اول و دفعات رد فرض صفر کمتری دارند. این یافته‌ها بیانگر آن است که مدل‌های برآورد اقلام تعهدی اختیاری با در نظر گرفتن متغیر غیرخطی تغییرات فروش، نسبت به مدل‌های استاندارد برآورد اقلام تعهدی اختیاری مانند جونز تعدیل شده از تصریح بهتری برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: اقلام تعهدی، اقلام تعهدی اختیاری، مدل تعدیل شده جونز، شبیه‌سازی مونت کارلو، درون‌یابی اسپلاین.

۱ گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. V.rouhollahi@iaui.ac.ir

۲ گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). a.hashemi@ase.ui.ac.ir

۳ گروه آمار و ریاضی، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، ایران. Sharifdoust@iaui.ac.ir

۴ گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. farhadim58@iaui.ac.ir



۱- مقدمه

استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی شرکت‌ها علاوه بر اطلاعات تاریخی، نیاز به اطلاعاتی درباره آینده واحدهای اقتصادی نیز دارند و همواره به دنبال دسترسی به اطلاعاتی هستند که روند سودهای آتی را نشان دهد. سود یکی از اقلام مهم و اصلی صورت‌های مالی است که توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را به خود جلب می‌کند. سود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است. ماهیت اقلام تعهدی به دو دلیل مورد انتقاد است: ۱- ذهنی بودن و ۲- از طریق دستکاری سود باعث تحریف عملکرد می‌گردد (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱؛ صراف و همکاران، ۱۳۹۲). اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت‌اند. مدیریت می‌تواند برای بهتر جلوه‌دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سودهای آینده اقدام به مدیریت سود کند؛ بدین منظور از مدیریت سود اقلام تعهدی یا مدیریت سود واقعی استفاده می‌نماید (باباجانی و تحریری، ۱۳۹۲).

مدیریت سود اقلام تعهدی از طریق جزء اختیاری اقلام تعهدی انجام می‌پذیرد. دلایل متعددی برای استفاده مدیران از اقلام تعهدی جهت انجام مدیریت سود وجود دارد: اول؛ قضاوت و ذهنی بودن اقلام تعهدی فرصتی برای تعدیل سود فراهم می‌آورد. دوم؛ مدیران می‌توانند در پایان دوره حسابداری، اقلام تعهدی را برای رسیدن به سود مورد نظر تعدیل کنند و سوم؛ مدیریت اقلام تعهدی، عملکرد واقعی را به مانند مدیریت سود واقعی به خطر نمی‌اندازد (آلمان^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). هنگامی که یک پژوهشگر درباره مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی پژوهش می‌کند، از آنجا که مدیریت سود به صورت مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست، باید از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار جایگزین استفاده نماید. طبق تعریف، اقلام تعهدی اختیاری بخشی از کل اقلام تعهدی است که پس از کنترل و کسر سطح اقلام تعهدی غیراختیاری، که توسط یک مدل استاندارد اقلام تعهدی اندازه‌گیری می‌شود، باقی می‌ماند. ناکارآمدی مدل مورد استفاده برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری، می‌تواند نتایج به دست آمده پژوهش را مخدوش سازد (قربانی، ۱۳۹۸).

برخلاف مدل بازگشت به میانگین هیلی^۲ (۱۹۸۵) و مدل گام تصادفی دی آنجلو^۳ (۱۹۸۶) که فاقد متغیرهای تعیین‌کننده اقلام تعهدی هستند، در مدل‌های استاندارد برآورد اقلام تعهدی اختیاری از جمله مدل جونز^۴ (۱۹۹۱) و مدل تعدیل شده جونز دچو^۵ و همکاران (۱۹۹۵) اقلام تعهدی تابعی از فعالیت‌های تجاری واقعی شرکت‌ها می‌باشد و معیار فعالیت تجاری هر شرکت از طریق فروش آن شرکت تعیین می‌گردد (بنکر^۶ و همکاران، ۲۰۱۶). در این مدل‌ها فرض می‌شود که اقلام تعهدی یک متغیر درون‌زا، تغییر فروش یک متغیر برون‌زا و رابطه اقلام تعهدی با تغییر فروش یک رابطه خطی است (روح‌الهی و همکاران، ۱۳۹۹). مطابق جونز

¹ Almand² Healy³ Deangelo⁴ Jones⁵ Dechow⁶ Banker

(۱۹۹۱)، اقلام تعهدی عادی کوتاه مدت، که برابر با تغییر در اجزای غیرنقدی سرمایه در گردش است، کسر ثابتی از تغییر فروش دوره است. با این وجود، هرگونه افزایش یا کاهش غیرمنتظره در میزان سرمایه‌گذاری موجودی‌ها یا تغییر خطی مشی خرید و فروش‌های اعتباری می‌تواند رابطه اقلام تعهدی و متغیر تغییر فروش را دستخوش تغییر کند. مطالعات اخیر نشان می‌دهند که تغییرات فروش بر اقلام تعهدی اثر غیرخطی دارند. بال^۱ (۲۰۱۳) نشان داد که تغییرات فروش دوره جاری و تغییرات مورد انتظار آتی بر اقلام تعهدی اثر غیرخطی دارند که این اثر غیرخطی می‌تواند برآورد اقلام تعهدی اختیاری را با خطا مواجه نماید. کولینز^۲ و همکاران (۲۰۱۷) بیان کردند که تغییرات فروش موجب تغییر در تصمیمات عملیاتی شرکت‌ها مانند تغییرات سیاست‌های اعتباری و موجودی کالا می‌شود و این تصمیمات عملیاتی اثر نامتقارن غیرخطی بر اقلام تعهدی دارد. بنکر و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که تصمیمات عملیاتی مرتبط با تغییرات فروش منجر به اثر نامتقارن غیرخطی بر اقلام تعهدی شده و چون در مدل‌های برآورد اقلام تعهدی اختیار لحاظ نمی‌شوند منجر به تورش غیرخطی در برآورد این اقلام می‌گردد.

هدف این پژوهش بررسی خطای نوع اول مدل‌های خطی و غیرخطی اقلام تعهدی اختیاری است. بدین منظور برای ایجاد مدل‌های غیرخطی، رشد فروش به صورت غیرخطی و با استفاده از درون‌یابی اسپلاین به مدل جونز تعدیل شده اضافه و با روش شبیه‌سازی مونت کارلوی خطای نوع اول به مقایسه این مدل‌ها پرداخته شده است. با توجه به اینکه در ایران برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری اغلب از مدل‌های خطی مانند جونز و تعدیل شده جونز استفاده می‌شود، این پژوهش می‌تواند به پژوهشگرانی که در پژوهش خود از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند، یاری رساند.

این پژوهش با طرح مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع و همچنین تبیین روش پژوهش و فرضیه برگرفته از مسئله و مبانی نظری پژوهش ادامه یافته و سپس به تشریح نتایج آزمون فرضیه‌ها پرداخته و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان می‌شود.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مدیریت سود فرایندی است که از سوی مدیریت شرکت به قصد دستیابی به اهداف یا منافع خاص انجام می‌گیرد. از این‌رو، مدیریت برای تأثیرگذاری بر مخاطبان گزارش‌های حسابداری و برای رسیدن به اهداف و منافع مورد نظر، سودهای گزارش شده را مدیریت می‌کند. یکی از روش‌های مدیریت سود، دستکاری در اقلام تعهدی اختیاری است (جامادار^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). در پژوهش‌های حسابداری برای کشف مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی از مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. مهم‌ترین دلیل عملکرد ضعف این

^۱ Ball

^۲ Collins

^۳ Jamadar

مدل‌ها، خطی بودن رابطه بین تغییرات فروش و اقلام تعهدی می‌باشد. با وجود مشکل خطی بودن مدل‌های برآورد اقلام تعهدی اختیاری، معمولاً در بیشتر پژوهش‌ها برای برآورد این اقلام از مدل‌هایی مانند مدل جونز (۱۹۹۱) و مدل‌های تکامل یافته جونز مانند مدل تعدیل شده جونز (دچو و همکاران، ۱۹۹۵) و مدل کوتاری^۱ و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است (روح‌الهی و همکاران، ۱۳۹۹).

جونز (۱۹۹۱) یکی از مدل‌های پایه‌ای پژوهش‌های مربوط به کشف مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری را ارائه نمود. فرض اصلی مدل جونز این است که اقلام تعهدی تابعی از فعالیت‌های تجاری واقعی شرکت‌ها می‌باشد و معیار فعالیت تجاری هر شرکت از طریق فروش آن شرکت تعیین می‌شود. جونز (۱۹۹۱) در مدل خود فرض نمود که اقلام تعهدی اختیاری در طول زمان ثابت هستند و درآمد عملیاتی تماماً غیراختیاری است. بنابراین برای محاسبه اقلام تعهدی کافی است که اقلام تعهدی اختیاری از کل اقلام تعهدی کم شود. از این رو، در این مدل در نخستین گام، ارتباط کل اقلام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص با متغیرهای درآمد عملیاتی و دارایی ثابت مشهود (اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات) برآورد می‌شود (رستمی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱).

دچو و همکاران (۱۹۹۵) مدل تعدیل شده جونز را ارائه نمودند. این مدل، اقلام تعهدی اختیاری را به عنوان تابعی خطی از تغییر در درآمد عملیاتی نقدی و اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (PPE) برآورد می‌کند. در مدل جونز فرض می‌شود که درآمد عملیاتی نقدی (فروش خالص و درآمد ارائه خدمات) تماماً جزء اقلام تعهدی غیراختیاری محسوب می‌شود. در صورتی که مدیران می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های اعتباری، فروش نسبه را افزایش و در نتیجه سود را افزایش دهند. برای رفع این مشکل، این پژوهشگران با کسر نمودن تغییر در دریافتنی تجاری (حساب‌ها و اسناد دریافتنی تجاری) از تغییرات درآمد عملیاتی، مدل تعدیل شده جونز را برای اندازه‌گیری مدیریت سود پیشنهاد دادند که به آن مدل تعدیل شده جونز گفته می‌شود (آلمانند^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) شکل گسترش یافته مدل جونز (۱۹۹۱) است.

از آنجا که تصریح صحیح مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری نقش با اهمیتی در برآورد جزء اختیاری اقلام تعهدی دارد پژوهشگران مختلفی مانند بال (۲۰۱۳)، کولینز و همکاران (۲۰۱۷) و بنکر و همکاران (۲۰۲۰) به تصریح صحیح مدل برآورد اقلام تعهدی اختیاری پرداختند. یافته‌های پژوهش این محققان مبین این است که تغییرات فروش اثر غیرخطی بر اقلام تعهدی دارد. کولینز و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که تغییرات فروش موجب تغییر در تصمیمات عملیاتی شرکت‌ها شده و در نتیجه بر اقلام تعهدی اثر نامتقارن غیرخطی می‌گذارد. آنها بیان کردند که در دوره‌های سه ماهه، مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری از نوع جونز برای اقلام تعهدی غیراختیاری که به سبب رشد فروش رخ می‌دهد به خوبی کنترل نمی‌شوند. کولینز و همکاران اذعان نمودند که رابطه بین اقلام تعهدی سه ماهه و رشد فروش گذشته و رشد فروش آینده غیر

¹ Kothari

² Almand

خطی است؛ عدم کنترل اثرات رشد شرکت و عملکرد بر اقلام تعهدی غیراختیاری منجر به نرخ‌های خطای نوع اول بسیار زیاد در آزمون‌های مدیریت سود می‌شود. بنابراین در مدل خود، متغیرهای سه ماهه بازده دارایی‌ها، رشد فروش و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار ابتدای دوره را به مدل تعدیل شده جونز اضافه نمودند.

بنکر و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند که تغییرات فروش اثر نامتقارن بر تصمیمات عملیاتی مرتبط با اجزای اصلی اقلام تعهدی یعنی حساب‌های دریافتنی، موجودی کالا، حساب‌های پرداختنی و استهلاک دارد. هنگامی که تقاضا کاهش می‌یابد، احتمال دارد تا مدیران برای تحریک فروش، اعطای سیاست اعتباری را تسهیل نمایند. هنگامی که تقاضا افزایش می‌یابد، بعید است که آنها سیاست اعتباری سختگیرانه در پیش گیرند. بنابراین به احتمال زیاد، کاهش حساب‌های دریافتنی در دوره کاهش فروش از افزایش حساب‌های دریافتنی در دوره افزایش فروش کمتر است و عدم تقارن عملیاتی در دریافتنی‌های تجاری ایجاد می‌شود.

مدیران سطح موجودی کالا را با توجه به تقاضای آتی مورد انتظار انتخاب می‌کنند (برنارد^۱ و نوئل^۲، ۱۹۹۱). هنگامی که تقاضا کاهش می‌یابد، آنها به احتمال زیاد موجودی‌های مازاد نگهداری می‌کنند زیرا تقاضا ممکن است در آینده‌ی نزدیک به حالت قبل برگردد. در صورت کاهش دایمی تقاضا نیز مدیران ممکن است ترجیح دهند تا برای جلوگیری از زیان بیشتر، به تدریج موجودی کالا را کاهش دهند. در مقابل، زمانی که تقاضا افزایش می‌یابد، مدیران برای جلوگیری از خالی شدن انبار نیاز به افزایش سریع موجودی کالا دارند. این امر منجر به عدم تقارن در تنظیم موجودی کالای برنامه‌ریزی شده می‌شود. تغییرات غیرمنتظره تقاضا همچنین یک اثر نامتقارن دارد. تکانه منفی تقاضا، موجودی‌های فروش نرفته را افزایش می‌دهد. در حالی که تکانه مثبت تقاضا نمی‌تواند موجودی را به زیر صفر کاهش دهد. بنابراین به احتمال زیاد، کاهش موجودی مواد و کالا در دوره کاهش فروش از افزایش موجودی مواد و کالا در دوره افزایش فروش، کمتر است و عدم تقارن عملیاتی در موجودی مواد و کالا ایجاد می‌شود (بال، ۲۰۱۳).

در مواردی که مواد و کالا به صورت نسبه خریداری شود پرداختنی‌های تجاری ایجاد می‌شود. زمانی که فروش کاهش می‌یابد، شرکت‌ها به احتمال زیاد در بحران نقدینگی قرار می‌گیرند. بنابراین مدیران ممکن است پرداخت به عرضه‌کنندگان را به تعویق اندازند تا بحران نقدینگی را کاهش دهند. برای مثال، مدیران می‌توانند از تخفیفات نقدی خرید چشم‌پوشی و برای تمدید پرداخت بدهی خود با عرضه‌کنندگان مذاکره کنند. در مقابل، هنگامی که فروش افزایش می‌یابد، مدیران بعید است زودتر از موعد به عرضه‌کنندگان وجه نقدی پرداخت کنند. بنابراین به احتمال زیاد، کاهش حساب‌های پرداختنی در دوره کاهش فروش، از افزایش

¹ Bernard

² Noel

حساب‌های پرداختنی در دوره افزایش فروش، کمتر است و عدم‌تقارن عملیاتی در پرداختنی‌های تجاری به وجود می‌آید (دنیلسون^۱ و اسکات^۲، ۲۰۰۴).

هنگامی که تقاضا کاهش می‌یابد، مدیران برخی از اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات بدون استفاده را حفظ می‌کنند تا از هزینه‌های تعدیل منابع مانند هزینه‌ها و زبان‌های مربوط به فروش سریع این‌گونه دارایی‌ها در دوره جاری و هزینه‌های آتی مورد انتظار برای خرید مجدد آنها بپرهیزند. هنگامی که تقاضا افزایش می‌یابد، مدیران نیاز به افزایش کافی اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات دارند. بنابراین به احتمال زیاد، کاهش هزینه استهلاک در دوره کاهش فروش، از افزایش هزینه استهلاک در دوره افزایش فروش، کمتر است. متغیر ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در مدل تعدیل شده جونز تا حدی می‌تواند این اثر نامتقارن را کنترل نماید. اما تغییرات تقاضا به احتمال زیاد اثر بیشتری بر تعدیل دارایی‌های با عمر کوتاه‌تر مانند وسایل نقلیه و تجهیزات تولید نسبت به دارایی‌های با عمر بلندتر مانند ساختمان دارد. دارایی‌های با عمر کوتاه‌تر، استهلاک بیشتری در هر ریال از خالص ارزش دفتری دارند. بنابراین، تغییرات فروش به احتمال زیاد اثر نامتقارن بر هزینه استهلاک حتی پس از کنترل خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات دارد (بنکر و همکاران، ۲۰۱۶).

اقلام تعهدی شامل تغییر در دارایی‌های جاری منهای تغییر در بدهی‌های جاری و استهلاک است. بنابراین، عدم‌تقارن برای اقلام تعهدی وابسته به اندازه نسبی عدم‌تقارن اجزای آن است. بنکر و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند که عدم‌تقارن برای بدهی‌های جاری بیشتر از عدم‌تقارن دارایی‌های جاری است. همان‌طور که بیان شد، عدم‌تقارن بدهی‌های جاری زمانی به وجود می‌آید که مدیران پرداخت‌های به عرضه‌کنندگان را در دوره کاهش فروش به تأخیر می‌اندازند تا خروجی وجه نقد جاری را کاهش دهند. عدم‌تقارن دارایی‌های جاری زمانی به وجود می‌آید که مدیران در طول دوره کاهش فروش، مواد و کالا خریداری کرده و سیاست‌های اعتباری را تسهیل می‌نمایند. در نتیجه، وجه نقد را در دوره جاری مصرف کرده تا جریان‌های ورودی آتی وجه نقد ایجاد کنند. مدیران ترجیح می‌دهند تا از کاهش زیاد در جریان نقدی عملیاتی جاری اجتناب کنند. بنابراین، به احتمال زیاد در زمان کاهش فروش، سیاست‌های عملیاتی وابسته به عدم‌تقارن بیشتر در بدهی‌های جاری که وجه نقد عملیاتی کمتری مصرف نماید را انتخاب می‌نمایند. همچنین مدیران، سیاست‌های عملیاتی مربوط به عدم‌تقارن کمتر در دارایی‌های جاری را انتخاب می‌کنند؛ زیرا موجب کاهش کمتر در وجه نقد عملیاتی جاری می‌شود. چون عدم‌تقارن در بدهی‌های جاری، با علامت منفی وارد اقلام تعهدی می‌شود (و استهلاک اثر مشابه دارد)، جهت عدم‌تقارن برای کل اقلام تعهدی برعکس اجزای آن می‌شود، یعنی کل اقلام تعهدی به احتمال زیادتر به کاهش فروش حساس‌تر از افزایش فروش است و منجر به عدم‌تقارن عملیاتی در اقلام تعهدی می‌شود.

¹ Danielson

² Scott

چون مدل جونز (۱۹۹۱) و تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) و سایر مدل‌ها در مدل‌های خطی خود از تغییرات فروش استفاده می‌کنند و این تغییرات فروش اثر غیرخطی (نامتقارن) بر اجزای اقلام تعهدی و در نتیجه کل اقلام تعهدی دارد متحمل تورش غیرخطی می‌شوند. بنکر و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که این مدل‌ها، اقلام تعهدی اختیاری را برای تغییرات شدید^۱ فروش، کمتر از حد و برای تغییرات ملایم^۲ فروش بیش از اندازه برآورد می‌کنند. این تورش غیرخطی منجر به خطای نوع اول بیش از اندازه^۳ در آزمون‌های اقلام اختیاری منفی برای دهک‌های^۴ بالایی و پایینی رشد فروش، و در آزمون‌های اقلام تعهدی اختیاری مثبت برای دهک‌های رشد میانی می‌شود. بنابراین آزمون بر مبنای مدل‌های خطی به احتمال زیاد در کمک به کشف تقلب مدیریت اقلام تعهدی رو به پایین (رو به بالا) تورش‌دار خواهد بود. این تورش غیرخطی را نمی‌توان به سادگی با اضافه کردن رشد فروش به عنوان متغیر کنترلی در رگرسیون حذف کرد زیرا این مدل باید به دقت شکل^۵ عدم تقارن را در نظر بگیرد تا از استنباط‌های تحریف‌شده دوری کند. پژوهشگران اغلب از متغیر بازده دارایی‌ها مطابق با پژوهش کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) استفاده می‌کنند تا غیرخطی بودن بالقوه در اقلام تعهدی را کنترل نمایند. کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود به پیروی از دجو و همکاران (۱۹۹۵) بیان نمودند زمانی که نمونه‌های شرکت‌های با عملکرد مالی بسیار زیاد به کار گرفته شود، تمامی مدل‌ها، فرضیه صفر (بدون وجود مدیریت سود) را در سطوح خاص آزمون رد می‌کنند، از این رو مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری در زمان وجود نمونه‌های شرکت‌های با عملکرد بسیار زیاد می‌تواند نادرست باشد. به همین جهت برای کنترل عملکرد شرکت‌ها از متغیر بازده دارایی‌های جاری و سال قبل در مدل تعدیل شده جونز استفاده کرد. اما کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) بیان کردند که مدل آنها قدرت آزمون را کاهش داده و اغلب دارای خطای نوع اول بیش از اندازه است. همچنین متغیر بازده دارایی‌ها، به صورت شدید از نظر اقتصادسنجی دارای نقص است زیرا متغیر کنترلی بازده دارایی‌ها شامل متغیر وابسته (اقلام تعهدی) می‌باشد.

بال و شیواکومار^۶ (۲۰۰۶)، به شکلی مشابه با کوتاری و همکاران، در بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر کیفیت گزارشگری، و بدون آن که مدل‌های تعهدی را مورد بررسی قرار دهند، شواهدی از رفتار غیرخطی اقلام تعهدی به واسطه محافظه‌کاری شرطی ارائه می‌دهند. آنها در پژوهش خود، شواهدی ارائه دادند که عامل اصلی تقاضا برای محافظه‌کاری شرطی قرارداد بستن و پیگرد قانونی است و اقلام تعهدی از آنجا که سریعتر از جریان‌های نقدی عملیاتی زبان‌های تحقق نیافته اقتصادی را منعکس می‌کند، دارای یک الگوی تغییر خطی تکه‌ای است.

¹ Extreme

² Moderate

³ Excessive type-I Error

⁴ Deciles

⁵ Shape

⁶ Shivakumar

بنکر و همکاران (۲۰۲۰) به منظور مقایسه مدل غیرخطی تصریح‌شده با سایر مدل‌های برآورد اقلام تعهدی اختیاری، از درون‌یابی اسپلین استفاده نمودند تا شکل تغییرات فروش را نشان دهند. روش‌های مختلفی برای درون‌یابی یک تابع در یک فاصله وجود دارد. روشی مناسب است که کمینه درجه‌ی چندجمله‌ای و بیشینه تعداد زیر فاصله‌های را داشته باشد که منجر به معرفی چند جمله‌ای‌های قطعه قطعه شده است. اسپلین‌ها چندجمله‌ای‌های تکه‌ای از درجه یکسان هستند که در نقاطی خاص به نام گره به هم متصل می‌شوند؛ به عبارت دیگر در گره‌ها متصل و دارای مشتقات پیوسته تا یک درجه کمتر از چندجمله‌ای هستند. در حقیقت، خانواده اسپلین به عنوان یک راه‌کار ناپارامتری برای برآورد مدل‌های غیر خطی رگرسیونی به کار می‌رود. روش اسپلین از چند جهت مورد توجه می‌باشد: اولاً، در مقایسه با مدل‌های بر مبنای رگرسیون استاندارد، می‌تواند به دقت، اثر غیرخطی کلی را تخمین بزند؛ از طرفی، در مقایسه با متغیرهای مجازی برای کنترل غیرخطی بودن، امکانی را برای تقریب هموار و بدون پرش‌های گسسته در مرزهای کمی فراهم می‌کند. هم‌چنین، در مقایسه با دیگر روش‌ها، قدرت آزمون را کاهش نمی‌دهد.

آلماند و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود پیش‌بینی کردند شرکت‌های با مراحل چرخه عمر مشابه با مسائل استراتژیک، فشارهای مدیریتی، چشم‌انداز رشد و غیره روبرو هستند و اشتراک در این عوامل به فرایند ایجاد اقلام تعهدی عادی کمک می‌کند. مطابق با این پیش‌بینی، آنها شرایط مختلف مدیریت سود را شبیه‌سازی کرده و یافتند که مدل‌های اقلام تعهدی در تشخیص دستکاری در مراحل خاص چرخه عمر به اشتباه تصریح شده‌اند؛ در زمان‌هایی که مراحل چرخه عمر در برآورد اقلام تعهدی استفاده نمی‌شود، شرکت‌های در مرحله معرفی، رکود و افول، بیش از حد به عنوان دستکاری کننده شناسایی می‌شوند، در حالی که شرکت‌های در حال رشد و بالغ کمتر به عنوان دستکاری کننده شناسایی می‌شوند. همچنین یافته‌های آنها بیانگر آن است که برآورد اقلام تعهدی اختیاری در مراحل چرخه عمر، به طور قابل توجهی خطای نوع اول را در مقایسه با سایر گروه‌بندی‌ها کاهش می‌دهد.

جامادار^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان سود و اقلام تعهدی اختیاری به بررسی رفتار سود و مدیریت سود شرکت‌ها با استفاده از مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری مانند مدل تعدیل شده جونز (۱۹۵۵)، مدل اقلام تعهدی اختیاری تطبیقی عملکرد کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) و مدل اقلام تعهدی اختیاری جریان نقدی لارکر^۲ و ریچاردسون^۳ (۲۰۰۴) پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد شرکت‌های با گروه منفی سود در فعالیت‌های مدیریت سود بیشتری درگیر هستند.

¹ Jamadar

² Larcker

³ Richardson

پارک^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود به بررسی مدیریت سود شرکت‌های ورشکسته و همچنین پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری پرداختند. بدین منظور برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری از مدل‌های تعدیل شده جونز و وکوتاری استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های غیر ورشکسته از دوره یک ساله تا سه ساله قبل از ورشکستگی بیشتر از شرکت‌های ورشکسته بوده و این تفاوت با نزدیک شدن به ورشکستگی افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌ها نشان داد که اقلام تعهدی اختیاری توان پیش‌بینی ورشکستگی یا عدم ورشکستگی شرکت‌ها را در دو تا سه سال قبل از وقوع ورشکستگی دارند و از پیش‌بینی یک سال قبل از وقوع این امر پشتیبانی نمی‌کند.

لشگری و مسگر (۱۴۰۱) در پژوهشی با استفاده از مدل جونز تعدیل شده به بررسی تأثیر رشد و عملکرد شرکت بر آزمون‌های مدیریت سود فصلی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد شاخص‌های رشد و عملکرد شرکت بر آزمون مدیریت سود فصلی تأثیر و شاخص‌های مجازی دهکی رشد و عملکرد شرکت با آزمون مدیریت سود فصلی رابطه غیرخطی دارد. همچنین نتایج آنها بیانگر آن است که مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری که به طور طبیعی به دلیل رشد شرکت اتفاق می‌افتد، کنترل نمی‌شوند و عدم کنترل اثرات رشد و عملکرد شرکت بر اقلام تعهدی منجر به پذیرش نادرست در آزمون‌های مدیریت سود می‌شود.

برزگر (۱۴۰۰) به این نتیجه رسید که اقلام تعهدی اختیاری می‌تواند بر بازده سهام تأثیر بگذارد ولی سرمایه‌گذاران هنگام مقایسه شرکت‌ها، اقلام تعهدی اختیاری را به میزان کمتر در نظر می‌گیرند. سطح بالاتری از مقایسه، محیط اطلاعات را بهبود می‌بخشد و به مدیران این امکان را می‌دهد تا اقلام تعهدی اختیاری را با دقت بیشتری تخمین بزنند.

روح‌الهی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی حساسیت اقلام تعهدی و اجزای آن نسبت به عدم تقارن عملیاتی ناشی از تغییرات فروش پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد حساسیت اجزای اقلام تعهدی در زمان کاهش فروش کمتر از حساسیت این اجزا در زمان افزایش فروش است. حساسیت اقلام تعهدی نیز در زمان کاهش فروش کمتر از حساسیت این اقلام در زمان افزایش فروش است.

خیری و حیدرپور (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان تأثیر تفکیک اقلام تعهدی در قدرت پیش‌بینی آنها درباره جریان‌ات نقدی آتی به این نتیجه رسیدند که تقسیم‌بندی اقلام تعهدی بر اساس نقش آنها در همترازی وجه نقد توانایی آنها را در پیش‌بینی وجه نقد را افزایش می‌دهد.

۳- فرضیه پژوهش

بخش قابل توجهی از مطالعات تجربی حسابداری مستلزم اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری است. این مطالعات تنها به حوزه مدیریت سود محدود نمی‌شود و طیفی از موضوعات کلی مانند کیفیت سود، کیفیت حسابداری،

¹ Park

پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی، پیش‌بینی سود، ضریب پاسخ سود، محافظه‌کاری و پایداری سود را شامل می‌شود. تکنیک‌ها و مدل‌هایی که برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری مورد استفاده قرار می‌گیرند ممکن است دارای خطای اندازه‌گیری سیستماتیک باشند. یک خطای اندازه‌گیری سیستماتیک خطایی است که به صورت تصادفی ایجاد نمی‌شود و مربوط به ساخت مدل اندازه‌گیری است. پژوهش درباره منابع خطای سیستماتیک مدل‌های تعهدی می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد که برآوردهای این مدل‌ها تا چه اندازه قابل اتکا هستند. از آنجا که اعتبار نتایج پژوهش‌هایی که درباره مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی صورت می‌گیرد، و همچنین اعتبار طیف دیگری از پژوهش‌های حسابداری به خطای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری وابسته است، پژوهش درباره منابع خطای مدل‌های مورد استفاده می‌تواند پیشنهاداتی جهت کنترل این منابع خطا برای پژوهش‌های آتی فراهم نماید.

مطالعه حاضر می‌کوشد تا افزوده‌هایی برای ادبیات مدیریت سود و مدل‌های تعهدی داشته باشد و پیامدهای عدم کنترل برخی از متغیرهای مؤثر بر اقلام تعهدی عادی را که پیشتر در مطالعات تجربی بررسی نشده است مورد مطالعه قرار دهد. در پژوهش‌های مدیریت سود و برآورد اقلام تعهدی اختیاری از مدل‌های خطی سنتی به ویژه مدل‌های جونز (۱۹۹۱)، جونز تعدیل شده (۱۹۹۵) و مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است. این مدل‌های خطی رابطه خطی بین اقلام تعهدی و تغییرات فروش را فرض می‌نمایند. از آنجایی که تغییرات فروش، اثر نامتقارن (غیرخطی) بر اقلام تعهدی دارد، مدل‌های خطی دارای خطای نوع اول زیاد و موجب تورش در برآورد اقلام تعهدی اختیاری می‌شوند. این تورش غیر خطی را نمی‌توان به سادگی با اضافه کردن رشد فروش به عنوان متغیر کنترلی رگرسیون حذف کرد (مانند کولینز و همکاران، ۲۰۱۷) زیرا این مدل باید به دقت شکل عدم تقارن را در نظر بگیرد تا از استنباط‌های تحریف شده دوری کند. لذا ارائه مدل غیرخطی که این اثر غیرخطی را بر اقلام تعهدی نشان دهد و همچنین در مقایسه با مدل‌های سنتی اقلام تعهدی اختیاری دارای خطای نوع اول کمتری باشد حائز اهمیت می‌باشد.

با توجه به مطالب بیان شده در فوق و مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:
فرضیه پژوهش: در برآورد اقلام تعهدی اختیاری، مدل‌های غیرخطی نسبت به مدل‌های خطی برآورد اقلام تعهدی اختیاری، خطای نوع اول کمتری دارند.

۴- روش‌شناسی، جامعه و نمونه آماری پژوهش

با توجه به اینکه نتایج حاصل از این پژوهش در فرایند تصمیم‌گیری استفاده می‌شود، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-همبستگی است. برای جمع‌آوری مبانی نظری و متون موضوع پژوهش از روش کتابخانه‌ای و به منظور آزمون فرضیه پژوهش از الگوهای رگرسیونی چندگانه و شبیه‌سازی مونت کارلوی خطای

نوع اول استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز و اطلاعات مالی به روش اسنادکاوی و از طریق مراجعه به صورت-های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین جمع‌آوری و برای انجام محاسبات و تجزیه و تحلیل آنها نرم‌افزارهای اکسل، استتا و R به کار گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی این پژوهش، دوره‌ی زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۹ است. شایان ذکر است که برای محاسبه متغیرهای پژوهش از اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ استفاده شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش حذف نظام‌مند می‌باشد؛ بدین‌منظور کلیه شرکت‌هایی که حائز شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب شدند:

- (۱) جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و لیزینگ) نباشد.
 - (۲) به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - (۳) در طول قلمرو زمانی پژوهش، تغییر سال مالی نداشته باشند.
 - (۴) کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش برای شرکت‌های مورد بررسی موجود باشد.
- بر اساس شرایط و محدودیت‌های گفته شده از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۸۰ شرکت انتخاب شدند.

۵- الگوهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری متغیرهای آن

در این پژوهش، به پیروی از پژوهش بنکر و همکاران (۲۰۲۰) برای توسعه مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری از تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) به عنوان مدل مبنا استفاده شده است. لذا متغیر رشد فروش با استفاده از روش درونیابی چندجمله‌ای اسپلین به صورت خطی، درجه دوم و درجه سوم به این مدل اضافه شده و الگوهای (۱) تا (۳) به شرح زیر ایجاد گردید.

الگوی (۱): مدل تعدیل شده جونز + اسپلین درجه اول (خطی) برای رشد فروش

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \gamma_1 spSGR_{1,t} + \gamma_2 spSGR_{2,t} + \gamma_3 spSGR_{3,t} + \gamma_4 spSGR_{4,t} + \gamma_5 spSGR_{5,t} + \varepsilon_t$$

الگوی (۲): مدل تعدیل شده جونز + اسپلین درجه دوم برای رشد فروش

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \gamma_1 spSGR_{1,t} + \gamma_2 spSGR_{2,t} + \gamma_3 spSGR_{3,t} + \gamma_4 spSGR_{4,t} + \gamma_5 spSGR_{5,t} + \gamma_6 spSGR_{1,t}^2 + \gamma_7 spSGR_{2,t}^2 + \gamma_8 spSGR_{3,t}^2 + \gamma_9 spSGR_{4,t}^2 + \gamma_{10} spSGR_{5,t}^2 + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی (۳): مدل تعدیل شده جونز + اسپلاین درجه سوم برای رشد فروش

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \gamma_1 spSGR_{1,t} \\ + \gamma_2 spSGR_{2,t} + \gamma_3 spSGR_{3,t} + \gamma_4 spSGR_{4,t} + \gamma_5 spSGR_{5,t} + \gamma_6 spSGR_{1,t}^2 \\ + \gamma_7 spSGR_{2,t}^2 + \gamma_8 spSGR_{3,t}^2 + \gamma_9 spSGR_{4,t}^2 + \gamma_{10} spSGR_{5,t}^2 + \gamma_{11} spSGR_{1,t}^3 \\ + \gamma_{12} spSGR_{2,t}^3 + \gamma_{13} spSGR_{3,t}^3 + \gamma_{14} spSGR_{4,t}^3 + \gamma_{15} spSGR_{5,t}^3 + \varepsilon_{i,t}$$

که در این الگوها:

$TACC_{i,t}$: کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t که با استفاده از رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود.

$$TACC_{i,t} = \Delta CA_{i,t} - \Delta CL_{i,t} - DP_{i,t}$$

$\Delta CA_{i,t}$: تغییر در دارایی‌های جاری به جز وجه نقد شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

$\Delta CL_{i,t}$: تغییر در بدهی‌های جاری (پس از کسر حصة جاری بدهی‌های بلند مدت) شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

$DP_{i,t}$: هزینه استهلاک شرکت i در سال t

$ASSETS_{i,t-1}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

$PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات فروش شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

$\Delta AR_{i,t}$: تغییر در حساب‌ها و اسناد دریافتی شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

متغیر اسپلاین یعنی $spSGR_{k,t}$ برای پنج‌های $k=1, \dots, 5$ تغییرات فروش (SGR_{kt}) به صورت زیر تعریف می‌شود:

صفر: اگر SGR_t پایینتر از پنج k باشد

$SGR_t - spSGR_k^{low}$: اگر SGR_t در پنج k باشد

$spSGR_k^{high} - spSGR_k^{low}$: اگر SGR_t بالاتر از پنج k باشد

$spSGR_k^{low}$ و $spSGR_k^{high}$ مرزهای پنج تغییرات فروش (k) می‌باشند

سپس این الگوها با الگوهای خطی برآورد اقلام تعهدی اختیاری (الگوهای ۶ تا ۱۱) مقایسه می‌شوند.

الگو (۴): مدل جونز (۱۹۹۱)

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 \Delta SALES_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگو (۵): مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵)

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

الگو (۶): مدل تعدیل شده جونز + رشد فروش

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \beta_4 spSGR_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگو (۷): مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \beta_4 DC_{i,t} + \beta_5 CF_{i,t} + \beta_6 DC_{i,t} \times CF_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگو (۸): مدل مک نیکولز و همکاران (۲۰۰۲)

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \beta_4 CF_{i,t-1} + \beta_5 CF_{i,t} + \beta_6 CF_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t}$$

الگو (۹): مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) با کنترل ROA

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \beta_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگو (۱۰): مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) با کنترل تأخیر مرتبه اول ROA

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{ASSET_{i,t-1}} \right) + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \beta_4 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در الگوهای فوق:

SGR_t : متغیر رشد فروش در سال t که از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$SGR_t = \frac{\Delta SALES_t}{SALES_{t-1}}$$

DC_t : متغیر مجازی که در صورت منفی بودن جریان‌های نقدی عملیاتی برابر یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.

CF_t : جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در سال t

ROA_t : بازده دارایی‌های شرکت در سال t

کلیه متغیرهای پژوهش با استفاده از دارایی‌های پایان دوره قبل ($ASSETS_{t-1}$) هم‌مقیاس شده‌اند. در این پژوهش به منظور شبیه‌سازی خطای نوع اول از الگوی پیشنهادی مک نیکولز^۱ و ویلسون^۲ (۱۹۹۸)، دیچو و همکاران (۱۹۹۵) و کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) استفاده گردیده است. در این روش، به دلیل انتخاب تصادفی نمونه‌های اقلام تعهدی اختیاری از دهک‌های متغیرهای جداکننده، عامل علی برای مدیریت سود حذف می‌شود و در این شرایط بررسی می‌شود که آیا فرض صفر عدم وقوع مدیریت سود برای این نمونه‌های تصادفی بیش از میزان مورد انتظار رد خواهد شد یا خیر. بر اساس پژوهش دیچو و همکاران (۱۹۹۵)، رد شدن بیش از انتظار فرض صفر، در شرایطی که به دلیل انتخاب تصادفی، نمونه‌های اقلام تعهدی اختیاری عامل علی مدیریت سود وجود ندارد، به معنی افزایش خطای نوع اول است. افزایش خطای نوع اول به معنای افزایش احتمال کشف نادرست مدیریت سود و رد نادرست فرض صفر عدم وقوع مدیریت سود می‌باشد. به عبارت دیگر، در جایی که مدیریت سود اتفاق نیفتاده است، پژوهشگر به اشتباه وجود مدیریت سود افزاینده یا کاهنده را می‌پذیرد. همچنین با توجه به رابطه معکوس خطای نوع اول و دوم در صورت ثابت بودن حجم نمونه، رد شدن کمتر از حد انتظار فرض صفر به نفع فرضیه‌های نقیض مدیریت سود افزاینده یا کاهنده، می‌تواند به منزله افزایش خطای نوع دوم باشد، که این به معنای ناتوانی مدل‌های اقلام تعهدی در کشف مدیریت سود می‌باشد.

با توجه به توضیحات فوق و با پیروی از مطالعات یاد شده، به منظور شبیه‌سازی مونت کارلوی خطای نوع اول به شرح زیر عمل می‌شود:

- (۱) اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از ۱۰ مدل تعهدی مورد بررسی در پژوهش برآورد می‌شود.
- (۲) اقلام تعهدی اختیاری برآوردی بر حسب دهک‌های مشخصه‌های جداکننده به ده طبقه تقسیم می‌شوند. دهک‌های متغیرهای جداکننده از کمترین (دهک اول) به بیشترین (دهک دهم) هستند. در این پژوهش، مشخصه جدا کننده رشد فروش (SGR) است. بدین منظور اقلام تعهدی اختیاری بر اساس متغیر رشد فروش از کمترین به بیشترین دسته‌بندی می‌شوند. از آنجا که تعداد داده‌ها ۱۸۰۰ داده-سال است، هر طبقه شامل ۱۸۰ داده-سال می‌باشد.
- (۳) از هر دهک توزیع شرطی اقلام تعهدی اختیاری یک نمونه تصادفی متشکل از ۱۰۰ مشاهده از اقلام تعهدی اختیاری (DA) با جایگذاری انتخاب می‌گردد. اندازه نمونه تصادفی، بر اساس حداقل نمونه مورد نیاز برای آزمون t و دو دامنه تفاوت میانگین نسبت به یک عدد ثابت، با فرض $\alpha=0/05$ و اندازه تأثیر متوسط انتخاب شده است.

¹ McNichols

² Wilson

۴) در مرحله بعد، برای نمونه تصادفی آزمون فرض صفر $H_0: \overline{DA} = 0$ در مقابل فرض‌های نقیض $H_a: \overline{DA} < 0$ و $H_a: \overline{DA} > 0$ انجام می‌شود. آماره این آزمون دارای توزیع t با درجه آزادی $N-1$ است که به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$t = \overline{DA} / (S(DA) / \sqrt{N})$$

که در آن:

$$\overline{DA} = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N DA_{i,t}$$

$$S(DA) = \sqrt{\sum_{i=1}^N (DA_{i,t} - \overline{DA})^2 / (N - 1)}$$

برای هر نمونه، آزمون فرض صفر در مقابل هر یک از فرض‌های نقیض به صورت یک دامنه و در سطح خطای ۵ درصد انجام می‌شود.

۵) با تکرار نمونه‌گیری برای ۲۵۰ بار و آزمون فرض صفر، نرخ دفعات رد فرض صفر که عبارت است از $\bar{P} = x/n$ محاسبه می‌شود که در آن x تعداد دفعات مشاهده رد فرض صفر و n تعداد امتحان‌ها است (که در این آزمون برابر با ۲۵۰ است). برای آزمون تفاوت نرخ رد مشاهده شده و نرخ رد مورد انتظار فرض صفر از آزمون دو جمله‌ای استفاده می‌شود که آماره آن دارای توزیع Z است. سطح اسمی و مورد انتظار فرض صفر در جامعه برای خطای ۵ درصد برابر $P=0.05$ است. مطابق آزمون دو جمله‌ای (دو دامنه)، فاصله اطمینان $1-\alpha$ برای نرخ رد مورد انتظار P به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$(P - Z_{\frac{\alpha}{2}} \times \sqrt{P(1-P)/n}, P + Z_{\frac{\alpha}{2}} \times \sqrt{P(1-P)/n})$$

بر این اساس، فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای سطح اسمی 0.05 (۰/۰۹، ۰/۰۱) است. در صورتی که نرخ رد مشاهده شده خارج از فاصله اطمینان ۹۵ درصدی قرار بگیرد، می‌توان گفت که نرخ مشاهده با نرخ مورد انتظار متفاوت است. با این وجود، پژوهش حاضر بیشتر به دنبال آن است تا مشخص کند که آیا نرخ رد بیشتر یا کمتر از سطح اسمی ۵٪ است یا خیر. بر این اساس، برای آزمون فرض صفر $H_0: \bar{P} = 0.05$ در مقابل این فرض نقیض که آیا نرخ رد مشاهده شده بیشتر از سطح اسمی رد 0.05 (یا کمتر از سطح اسمی رد 0.05) است، از آزمون دو جمله‌ای یک دامنه استفاده می‌شود. در صورتی که نرخ دفعات رد مشاهده شده بیشتر (کمتر) از مقدار بحرانی ۸ درصد (۲/۴ درصد) باشد با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که نرخ دفعات رد فرض صفر بیشتر (کمتر) از نرخ رد مورد انتظار 0.05 است (بنکر و همکاران، ۲۰۲۰). در صورتی که نرخ رد مشاهده شده به شکل معنی‌داری از نرخ مورد انتظار ۵٪ بزرگتر باشد به این

معنا است که احتمال این که محقق به نادرستی فرض صفر عدم وقوع مدیریت سود را به نفع فرضیه نقیض وقوع مدیریت سود کاهنده یا افزایشی رد کند، افزایش می‌یابد (افزایش خطای نوع اول). خطای نوع اول به تصریح مدل اقلام تعهدی اختیاری در کشف مدیریت سود مربوط است.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

جدول ۱ خلاصه‌ای از آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش را گزارش می‌کند. آمار توصیفی برای کل مجموعه داده‌ها که شامل ۱۸۰۰ مشاهدات سال-شرکت است، محاسبه شده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میان	انحراف- معیار	پیشینه	کمینه
اقلام تعهدی	TACC	-۰/۰۱۹	-۰/۰۱۵	۰/۱۴	۰/۹۱	-۱/۲۳
تغییرات فروش	ΔSALES	۰/۱۱	۰/۰۷۵	۰/۴۴	۲/۵۲	-۲/۲۸
تغییرات نقدی فروش	ΔSALES-ΔAR	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۳۹	۱/۸۲	-۲/۱۶
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	PPE	۰/۲۷	۰/۲۱	۰/۲۵	۱/۴۲	۰/۰۲
رشد فروش	SGR	۰/۱۱	۰/۱۷	۰/۴۳	۲/۰۲	-۰/۳۰
جریان‌های نقدی عملیاتی	CF	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۸	۱/۲۱	-۰/۸۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۷/۸	۷/۲۶	۱۵/۶۹	۵۶/۷۴	-۲۶/۱۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۲- آزمون فرضیه پژوهش

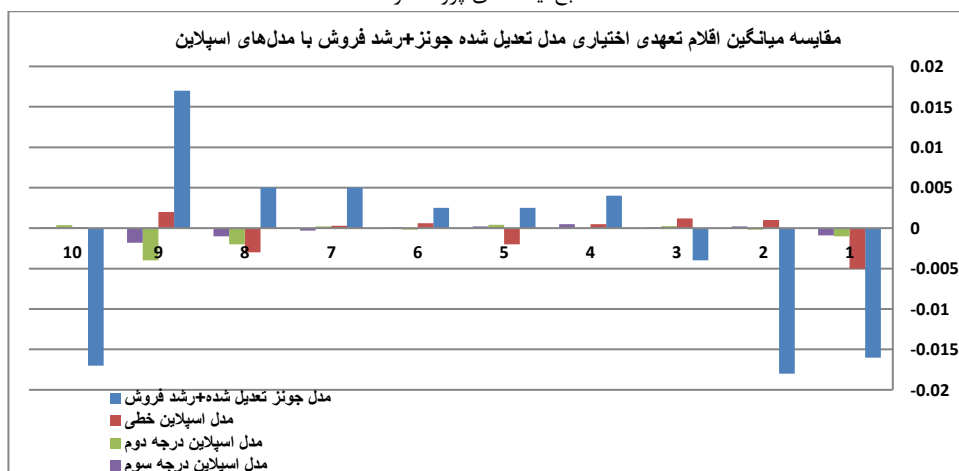
همان‌گونه که پیشتر بیان شد، تورش غیرخطی در مدل تعدیل شده جونز استنباط‌های آزمون‌های مربوط به مدیریت سود، کیفیت سود و غیره که نیاز به برآورد اقلام تعهدی اختیاری دارد را دچار تحریف می‌کند. در نمودار ۱ میانگین اقلام تعهدی اختیاری در مدل تعدیل شده جونز ارائه شده است. برای تغییرات ملایم فروش، برآوردهای اقلام تعهدی اختیاری به سمت بالا سوگیری دارند که می‌تواند منجر به یافته‌های نادرست مدیریت اقلام تعهدی رو به بالا شود. برای تغییرات شدید فروش (دهک‌های بالا و پایین نمودار ۱) برآوردهای اقلام تعهدی به سمت پایین سوگیری دارند که آزمون‌ها را برای یافتن مدیریت اقلام تعهدی رو به پایین تحریف می‌کند. بنابراین، زمانی که فرضیه صفر مبنی بر عدم مدیریت سود درست باشد، احتمالاً به نادرست به نفع فرضیه جایگزین اقلام تعهدی اختیاری مثبت (منفی) برای شرکت‌های با تغییرات ملایم (شدید) فروش رد می‌شود. نمودار ۲ مقایسه بین مدل تعدیل شده جونز به اضافه متغیر رشد فروش و متغیرهای اسپلاینی خطی،

درجه دو و سه را نشان می‌دهد. با اضافه شدن متغیر رشد فروش به عنوان متغیر کنترلی به مدل تعدیل شده جونز، برای تغییرات ملایم فروش، برآوردهای اقلام تعهدی اختیاری به سمت بالا و برای تغییرات شدید فروش برآوردهای اقلام تعهدی به سمت پایین سوگیری دارند؛ در نتیجه با اضافه کردن متغیر رشد فروش، این مدل بهبود نمی‌یابد. اما با اضافه شدن متغیرهای اسپلین‌ی رشد فروش به مدل تعدیل شده جونز اقلام تعهدی اختیاری برآوردی بهبود یافته و به سمت صفر تمایل پیدا کرده و نتایج دارای سوگیری نیست.



نمودار ۱- میانگین اقلام تعهدی اختیاری در هر دهک رشد فروش در مدل تعدیل شده جونز.

منبع: یافته‌های پژوهشگر



نمودار ۲- مقایسه میانگین اقلام تعهدی اختیاری در هر دهک رشد فروش در مدل تعدیل شده جونز+رشد

فروش و مدل‌های اسپلین خطی، درجه دوم و درجه سوم.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲- خطاهای نوع اول دهک‌های رشد فروش در آزمون‌های مدیریت سود شبیه‌سازی شده

دفعات رد فرض صفر HA: DA = 0 (انحراف) معنادار از ۵٪	میانگین قدر مطلق انحراف از ۵٪	دهک ۱۰	دهک ۹	دهک ۸	دهک ۷	دهک ۶	دهک ۵	دهک ۴	دهک ۳	دهک ۲	دهک ۱	
مدل جونز												
۱۷	۹/۱۲	۳۱/۲	۶/۴	۰	۲۵/۶	۱/۲	۱/۶	۳۵/۶	۰/۴۰	۶/۸	۰/۴	HA: DA > 0
		۰/۸	۴/۴	۲۲/۰	۰/۰۴	۳۰/۰	۱۳/۲	۰	۳۶/۰	۱/۶	۱۶/۴	HA: DA < 0
مدل تعدیل شده جونز												
۱۸	۱۲/۹۸	۰/۰۴	۰	۳/۶	۶/۰	۴۳/۲	۴۰/۴	۱۰/۸	۲/۰	۰/۰۴	۰/۰۴	HA: DA > 0
		۳۴/۴	۳۲/۴	۱۴/۸	۱/۶	۰	۰/۰۴	۱/۲	۱۰/۴	۱۸/۴	۵۰/۸	HA: DA < 0
مدل مکنیکولز												
۱۴	۱۰/۶۲	۶۲/۴	۴/۸	۵۴/۴	۳/۲	۱۴/۸	۱۴/۴	۰/۸	۱۹/۶	۰/۸	۴/۴	HA: DA > 0
		۰	۵/۶	۰	۳/۶	۰	۰/۸	۱۷/۶	۰/۴	۲۶/۸	۵/۶	HA: DA < 0
مدل تعدیل شده جونز + رشد فروش												
۱۷	۱۰/۹۲	۰	۴/۴	۰/۸	۰	۱۰/۰	۰	۳۵/۶	۹/۲	۳۲/۴	۱۲/۴	HA: DA > 0
		۳۸/۴	۶/۸	۴۲/۰	۲۹/۶	۴/۸	۲۶/۰	۰/۴	۱/۶	۰/۰۴	۱/۶	HA: DA < 0
مدل تعدیل شده جونز با کنترل ROA												
۱۶	۸/۸۶	۰	۲۳/۲	۰/۰۸	۱۵/۲	۱۰/۰	۲/۸	۱۵/۲	۱/۲	۸/۰	۲۴/۰	HA: DA > 0
		۵۴/۴	۱/۲	۱۸/۰	۰/۰۸	۱/۶	۷/۶	۲/۴	۱۵/۶	۲/۰	۱/۲	HA: DA < 0
مدل تعدیل شده جونز با کنترل تأخیر مرتبه اول ROA												
۱۵	۱۱/۱۶	۳/۶	۳۱/۶	۰	۹/۶	۰	۰/۸	۱۸/۰	۰	۶/۸	۲۷/۲	HA: DA > 0
		۶/۰	۰/۴	۶۰/۴	۰/۸	۱۳/۲	۱۵/۲	۲/۴	۴۷/۲	۶/۸	۰/۸	HA: DA < 0
مدل بال و شیواکومار												
۱۶	۱۴/۳۸	۶۰/۸	۴/۰	۶۰/۸	۴/۸	۱۸/۰	۱۳/۲	۰/۸	۱۹/۶	۰/۸	۰	HA: DA > 0
		۰	۶/۸	۰	۲/۴	۰	۰/۴	۳۴/۸	۰/۸	۳۰/۰	۵۷/۶	HA: DA < 0
مدل تعدیل شده جونز + اسپلایین خطی رشد فروش												
۴	۲/۶۴	۷/۶	۴/۰	۳/۲	۴/۴	۴/۰	۱/۲	۱۵/۶	۴/۰	۸/۰	۳/۲	HA: DA > 0
		۵/۲	۴/۸	۴/۸	۵/۶	۸/۰	۱۶/۴	۱/۶	۵/۲	۱/۶	۸/۰	HA: DA < 0
مدل تعدیل شده جونز + اسپلایین درجه دوم رشد فروش												
۳	۲/۰۲	۴/۴	۸/۰	۳/۶	۵/۶	۸/۰	۴/۸	۳/۲	۸/۰	۲/۰	۸/۰	HA: DA > 0
		۳/۶	۳/۲	۴/۸	۶/۸	۳/۶	۵/۶	۱۱/۲	۳/۲	۷/۶	۲/۰	HA: DA < 0
مدل تعدیل شده جونز + اسپلایین درجه سوم رشد فروش												
۱	۱/۳۶	۴/۰	۴/۰	۴/۴	۴/۴	۳/۶	۴/۰	۲/۴	۲/۸	۵/۲	۳/۲	HA: DA > 0
		۹/۶	۷/۲	۵/۲	۳/۶	۳/۲	۴/۴	۲/۸	۶/۰	۴/۴	۵/۲	HA: DA < 0

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲ نرخ دفعات رد فرض صفر عدم وقوع مدیریت سود را در مقابل فرضیه جایگزین وقوع مدیریت سود کاهنده یا افزایشنده در دهک‌های متفاوت رشد فروش نشان می‌دهد. همان‌طور که پیشتر بیان شد در صورتی که نرخ دفعات رد مشاهده شده بیشتر (کمتر) از مقدار بحرانی ۸ درصد (۲/۴ درصد) باشد با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که نرخ دفعات رد فرض صفر بیشتر (کمتر) از نرخ رد مورد انتظار ۰/۰۵ است. برای خلاصه کردن عملکرد دهک‌ها، میانگین قدر مطلق انحراف از ۰/۵ و تعداد دفعات رد فرض صفر در جدول ۲ ارائه شده است. در مدل جونز، نرخ دفعات رد فرض صفر در مقابل فرضیه‌های جایگزین ۱۷ دهک از ۲۰ دهک (۱۰ دهک ضریب ۲ آزمون) و با میانگین قدر مطلق انحراف از ۰/۵ برابر با ۹/۱۲ درصد است.

در دهک‌های رشد فروش بالا و پایین، مدل تعدیل شده جونز با نرخ دفعات رد فرض صفر ۱۸/۴ تا ۵۰/۸ درصد برای فرضیه جایگزین ارقام تعهدی اختیاری منفی ($HA: DA < 0$)، به سمت یافته‌های نادرست مدیریت سود رو به پایین سوگیری دارد. در دهک‌های رشد فروش میانی، با نرخ رد شدن ۱۰/۸ تا ۴۳/۲ درصد برای فرضیه جایگزین ارقام تعهدی اختیاری مثبت ($HA: DA > 0$)، استنباط‌ها در جهت مخالف هستند. بنابراین، همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، مدل تعدیل شده جونز در آزمون‌های مدیریت سود تورش غیرخطی دارد که به صورت سیستماتیک با رشد فروش تغییر می‌کند. میانگین قدر مطلق انحراف از ۰/۵ مدل تعدیل شده جونز ۱۲/۹۸ درصد و دفعات رد فرض صفر ۱۷ می‌باشد. هر دو معیار نشان دهنده خطای نوع اول زیاد این مدل است.

در این پژوهش چندین تعدیل استاندارد برای مدل تعدیل شده جونز را بررسی شده است. ابتدا مطابق داس^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، فرانسیس^۲ و میچاس^۳ (۲۰۱۳) و هوی^۴ و همکاران (۲۰۱۳) رشد فروش به عنوان متغیر کنترلی اضافه گردید. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، دفعات رد فرضیه صفر بهبود پیدا نکرد (۱۷ نرخ از ۲۰ نرخ به صورت معنادار از ۵ درصد انحراف دارد) و این مدل دارای خطای نوع اول زیادی می‌باشد. سپس مطابق بال و شیواکومار (۲۰۰۶) متغیر کنترلی محافظه‌کاری به مدل تعدیل شده جونز اضافه گردید. میانگین قدر مطلق انحراف از ۰/۵ بدتر شده و با دفعات رد فرضیه صفر ۱۶ به ۱۴/۳۸ درصد رسید. مدل مک نیکولز (۲۰۰۲) کمی بهتر عمل کرده و میانگین قدر مطلق انحراف از ۰/۵ و دفعات رد فرضیه صفر آن به ترتیب به ۱۰/۶۲ و ۱۴ می‌باشد. با اضافه کردن ROA و تأخیر مرتبه اول ROA به عنوان متغیر کنترلی به مدل رگرسیون، میانگین قدر مطلق انحراف از ۰/۵ به ۸/۸۶ و ۱۱/۱۶ کاهش پیدا می‌کند با دفعات رد فرضیه صفر به ترتیب ۱۶ و ۱۵ که نشان دهنده این است که این مدل‌ها به صورت قابل توجهی به نادرستی تصریح

¹ Das

² Francis

³ Michas

⁴ Hoi

شده‌اند. با توجه به نتایج می‌توان بیان کرد که تمامی مدل‌های خطی برآورد اقلام تعهدی اختیاری دارای دفعات رد صفر و در نتیجه خطای نوع اول زیادی هستند.

با اضافه کردن متغیرهای اسپلاینی به مدل تعدیل شده جونز و بررسی خطای نوع اول آنها، نتایج بیانگر آن است که برای تصریح اسپلاین خطی، میانگین قدر مطلق انحراف از پنج درصد، به $2/64$ درصد کاهش یافته و دفعات رد فرضیه صفر در سطح اسمی ۵ درصد تنها ۴ است که منجر به بهبود در خطای نوع اول می‌گردد. برای اسپلاین‌های درجه دوم و درجه سوم، میانگین قدر مطلق انحراف بهبود بیشتری یافته و به عدد $1/36$ و $2/02$ می‌رسد و دفعات رد فرضیه صفر برای آنها به ترتیب ۳ و ۱ است. بدین ترتیب می‌توان اذعان کرد که مدل‌های غیر خطی برآورد اقلام تعهدی اختیاری دارای دفعات رد صفر و در نتیجه خطای نوع اول کمی می‌باشند.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نتایج پژوهش نشان داد مدل‌های استاندارد اقلام تعهدی اختیاری مانند مدل تعدیل شده جونز اثر غیرخطی تغییرات فروش بر اقلام تعهدی را نادیده می‌گیرند؛ به همین دلیل در کشف مدیریت سود، برای تغییرات ملایم فروش اقلام تعهدی اختیاری را بیش از حد (رو به بالا) و برای تغییرات شدید فروش اقلام تعهدی اختیاری را کمتر از حد برآورد می‌کنند؛ بنابراین، منجر به خطای نوع اول زیاد می‌گردند. مطابق بررسی‌های پژوهش، کنترل خطی ساده برای رشد فروش، موجب بهبود عملکرد آزمون نگردیده و دارای خطای نوع اول بسیار زیادی است. همچنین مطابق پژوهش‌هایی از جمله مک‌نیکولز (۲۰۰۲)، بال و شیواکومار (۲۰۰۶)، کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) اصلاحات مختلفی مانند بازده دارایی‌ها و جریان‌های نقدی عملیاتی به مدل تعدیل شده جونز اضافه و خطای نوع اول آنها مورد آزمون قرار گرفت که بهبود قابل توجهی در خطای نوع اول و به دنبال آن افزایش توانمندی مدل‌های برآورد اقلام تعهدی اختیاری نگردید. در آخر، برای کنترل اثر غیرخطی رشد فروش، از مدل‌های اسپلاینی برآورد اقلام تعهدی اختیاری بنکر و همکاران (۲۰۲۰) که به صورت خطی، درجه دوم و درجه سوم تصریح شده‌اند استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اصلاحات اسپلاینی برای رشد فروش، تصریح نادرست مدل تعدیل شده جونز و سایر مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری را کاهش داده و منجر به بهبود زیادی در خطای نوع اول آزمون می‌شود. بنابراین بر پایه شواهد حاصل از پژوهش حاضر می‌توان به این نتیجه رسید که استفاده از مدل‌های اسپلاینی و به ویژه درجه سوم، قابل اعتمادترین نتایج را در برآورد اقلام تعهدی اختیاری و در نتیجه کشف مدیریت سود در میان مدل‌های موجود دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش بنکر و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

در ارتباط با موضوع پژوهش و نتایج به دست آمده، پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

- در این پژوهش اقلام تعهدی به روش ترازنامه‌ای محاسبه شده است. استفاده از روش ترازنامه‌ای ممکن است خطایی ایجاد کند که با مشخصه‌های اقتصادی شرکت از جمله رشد فروش همبسته

است. در پژوهش‌های آتی می‌توان علاوه بر بررسی این همبستگی، برای محاسبه اقلام تعهدی از روش صورت جریان‌های نقدی استفاده نمود.

- در این پژوهش برای آزمون فرضیه پژوهش از اطلاعات سالانه صورت‌های مالی استفاده شده است. از آنجا که تغییرات فصلی می‌تواند بر فروش اثر بگذارد، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی از اطلاعات فصلی استفاده گردد.
- بر اساس آزمون فرضیه پژوهش، مدل‌های خطی برآورد اقلام تعهدی اختیاری از خطای نوع اول زیادی برخوردار هستند. به همین جهت موجب تحریف در نتایج پژوهش‌های مربوطه می‌شود. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های مدیریت سود، کیفیت سود، کیفیت گزارشگری مالی و غیره که نیاز به برآورد اقلام تعهدی اختیاری است از مدل‌های غیرخطی برآورد اقلام تعهدی اختیاری بنکر و همکاران (۲۰۲۰) استفاده گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی بررسی مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری، خطی یا غیرخطی بودن رابطه سایر متغیرهای مستقل از جمله جریان‌های نقدی عملیاتی با اقلام تعهدی بررسی گردد.
- با استفاده از نتایج این پژوهش، پژوهشگران و تحلیل‌گران مالی و بازار سرمایه که در تحلیل‌های خود از مدل‌های ارزیابی مدیریت سود بر پایه مدل‌های استاندارد اقلام تعهدی اختیاری مانند جونز تعدیل شده استفاده می‌کنند، لازم است غیرخطی بودن روابط اقلام تعهدی و متغیرهای مستقل از جمله تغییرات فروش را در نظر بگیرند تا به نتایج دقیق‌تری در ارزیابی و پیش‌بینی‌های مربوط به بازارهای سرمایه نائل آیند.

۸- محدودیت‌های پژوهش

همواره گام نهادن در راه رسیدن به هدف، با محدودیت‌هایی همراه است که باعث می‌شود رسیدن به هدف مورد نظر با کندی همراه شود. پژوهش نیز به عنوان فرآیندی در جهت نیل به هدف حل مسئله پژوهش، از این امر مستثنی نیست. لذا در این قسمت با ارائه محدودیت‌های پژوهش، سعی بر آن است که به خواننده این پیام داده شود تا بتواند در تعمیم نتایج پژوهش با آگاهی بیشتری عمل کند و در مورد فرآیند پژوهش قضاوت عادلانه‌ای داشته باشد. در این راستا محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر قابل ذکر است:

- در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای نمونه‌گیری استفاده شده است و برخی از صنایع از نمونه آماری حذف شده‌اند، لذا در تعمیم نتایج به دست آمده به کلیه صنایع با احتیاط عمل شود.
- قلمرو زمانی مطالعه حاضر از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. بنابراین باید در تعمیم نتایج پژوهش به سال‌های قبل و بعد با احتیاط عمل شود.
- داده‌های استخراج شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها، از بابت تورم تعدیل نگردیده است. با توجه به تورم بالای سال‌های اخیر، در صورت تعدیل اطلاعات مذکور ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود.

- با توجه به آنکه در تمامی مدل‌های مورد بررسی از متغیرهای اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (PPE) و کل دارایی‌ها (ASSETS) استفاده و اطلاعات این متغیر در صورت‌های مالی اکثراً بر اساس بهای تمام شده تاریخی منعکس شده است، تعدیل این اطلاعات بر اساس بهای جاری می‌تواند منجر به نتایج متفاوت گردد.

فهرست منابع

- باباجانی، جعفر و آرش تحریری. (۱۳۹۲). اطلاعات بازار درباره عوامل بنیادی و مدیریت سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره بیستم، شماره ۱، صص ۱۹-۳۴.
- برزگر، معصومه. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی و ارقام تعهدی اختیاری. فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره چهارم، شماره ۴۴، صص ۳۴-۴۷.
- خیر، مرتضی و فرزانه حیدرپور. (۱۳۹۹). تأثیر تفکیک ارقام تعهدی در قدرت پیش‌بینی آن‌ها درباره جریان‌ات نقدی آتی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۱۶۱-۱۸۹.
- رستمی‌نیا، بارانه، عظیمی یانچشمه، مجید، فرهادی، مریم و مهنام ملایی. (۱۴۰۱). بررسی نوع رابطه ارقام تعهدی و ارقام تعهدی اختیاری با رشد فروش، رشد و کارکرد شرکت در دوره‌های فصلی. فصلنامه حسابداری مالی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۳۷-۶۵.
- رحیمی، علیرضا، فروغی، عارف و مجید آزادی ششده (۱۴۰۱). رابطه بین پیش‌بینی سود و تعدیل پیش‌بینی با ارقام تعهدی غیرعادی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره چهاردهم، شماره ۲، صص ۱۷۹-۲۰۶.
- روح‌الهی، وحید، هاشمی، سیدعباس، فرهادی، مریم و مریم شریف‌دوست. (۱۳۹۹). حساسیت ارقام تعهدی و اجزای آن نسبت به عدم تقارن عملیاتی ناشی از تغییرات فروش. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۶۳-۸۲.
- صراف، فاطمه، ثقفی، علی، حساس یگانه، یحیی و مقصود امیری. (۱۳۹۲). مدل‌های رگرسیونی خطی و غیرخطی جهت برآورد جریان نقدی وجوه نقد. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۴۱-۱۵۵.
- قربانی، آرش، ودیعی نوقابی، محمدحسین، عباس‌زاده، محمدرضا و محمود لاری دشت بیاض. (۱۳۹۸). شواهدی از الگوی تغییر خطی تکه‌ای ارقام تعهدی و ریشه‌های اقتصادی آن. پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۳۴، صص ۱۲۳-۱۶۷.
- لشگری، زهرا و محمد مسگر. (۱۴۰۱). رشد، عملکرد شرکت و آزمون‌های مدیریت سود فصلی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۲۵۵-۲۷۶.

- Almand, A., B. Cantrell, and V. Dickinson. (2023). Accruals and firm life cycle: Improving regulatory earnings management detection. *Advances in Accounting*, Vol. 60, Pp. 1–19
- Ball, R. (2013). Accounting Informs Investors and Earnings Management Is Rife: Two Questionable Beliefs. *Accounting Horizons*, Vol 27, Pp. 847–853.
- Ball, R., and L. Shivakumar. (2006). “The Role of Accruals in Asymmetrically Timely Gain and Loss Recognition.” *Journal of Accounting Research*, Vol. 44, Pp. 207–242.
- Banker, R. D., S. Basu, D. Byzalov, and J. Chen. (2016). The Confounding Effect of Cost Stickiness on Conservatism Estimates. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 61, Pp. 203–220
- Banker, R. D., D. Byzalov., S. Fang, and B. JIN. (2020). Operating Asymmetries and Non-Linear Spline Correctin in Discretionary Accruak Models". *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol 54, Pp. 803-850.
- Bernard, V., and J. Noel. (1991). Do Inventory Disclosures Predict Sales and Earnings?" *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, Vol. 6, Pp. 145–181.
- Collins, D. W., R. S. Pungaliya, and A. M. Vijh. (2017). The Effects of Firm Growth and Model Specification Choices on Tests of Earnings Management in Quarterly Settings. *The Accounting Review*, Vol. 92, Pp. 69–100.
- Das S, Kim K, Patro S (2011) An analysis of managerial use and market consequences of earnings management and expectation management. *The Accounting Review* , 86(6). Pp.1935–1967.
- Deangelo, L. E. (1986). Accounting Numbers as Market Valuation Substitutes: A Study of Management Buyouts of Public Stockholders. *The Accounting Review* 61, Pp. 400–420.
- Danielson, M. G., and J. A. Scott. (2004). Bank Loan Availability and Trade Credit Demand." *Financial Review*, Vol. 39, Pp. 579–600.
- Dechow, P. M., R. G. Sloan, and A. P. Sweeney. (1995). “Detecting Earnings Management.” *The Accounting Review*, Vol. 70, Pp. 193–225.
- Francis JR, Michas PN (2013) The contagion effect of low-quality audits. *The Accounting Review* 88(2), Pp. 521–552
- Healy, P. M. (1985). The Effect of Bonus Schemes on Accounting Decisions. *Journal of Accounting and Economics* 7, Pp. 85–107.
- Hoi CK, Wu Q, Zhang H (2013) Is corporate social responsibility (CSR) associated with tax avoidance? Evidence from irresponsible CSR activities. *The Accounting Review* 88(6), Pp. 2025–2059.
- Jamadar, Y., T. San Ong., A. Atqa Abdulkah, and F. Kamarudin. (2022). Earnings nad discretionary accruals". *Managerial and Decision Economics*, Vol 43, Pp. 431-439.
- Jones, J. (1991). Earnings Management During Import Relief Investigations." *Journal of Accounting Research*, Vol. 29, Pp. 193–228.
- Kothari, S. P., A. J. Leone, and C. Wasley. (2005). “Performance Matched Discretionary Accrual Measures.” *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 39, Pp. 163–197.
- Larcker, D. F., & Richardson, S. A. (2004). Fees paid to audit firms, accrual choices, and corporate governance. *Journal of Accounting Research*, 42(3), Pp. 625–658.
- McNichols, M. F., and G. P. Wilson. (1988). Evidence of Earnings Management from the Provision for Bad Debts. *Journal of Accounting Research*, 26: Pp. 1–31.
- McNichols, Maureen F. (2002). Discussion of the quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation error. *The Accounting Review*, 77 (Supplement), Pp. 61–69.
- Park. S., S. Kim, and S. Lee. (2021). Earnings Management of Insolvent Firms and the Prediction of Corporate Defaults via Discretionary Accruals. *International Journal of Financial Studies*. 60. Pp. 9-17

Abstract

Comparison between Linear and Non-Linear Models of Estimating Discretionary Accruals applying Type I Error Monte Carlo Simulation Method

Vahid Rouhollahi¹
Sayed Abbas Hashemi²
Maryam Sharifdoust³
Maryam Farhadi⁴

Received: 4 / July / 2025

Accepted: 4 / September / 2025

Abstract

Standard discretionary accrual models such as modified Jones model assume a linear relationship between sales changes and accruals. As the non-linearity of sales changes are not considered in these models, they suffer from non-linear bias in discretionary accrual estimates. The aim of this study is comparing the estimated discretionary accruals using linear models and non-linear models. To test the hypothesis of the research, sample of 180 listed companies on Tehran Stock Exchange are selected during the years 2010 to 2020 and type I error Monte Carlo simulation is applied. For this purpose, estimated discretionary accruals are divided into ten deciles based on the sales growth variable then 250 random samples of 100 observations are taken with replacement from the estimated discretionary accruals, the type I error percentage are tested with the null hypothesis of zero discretionary accruals against the alternative hypotheses of positive and negative discretionary. The results obtained from type I error Monte Carlo simulation show that the linear discretionary accrual models have high type I error and high rejection rates for null hypothesis, whereas the nonlinear models have less type I error and less rejection rates for null hypothesis. These findings suggest that the non-linear estimation models of discretionary accruals, have a better specification than the Standard discretionary accrual models such as modified Jones model.

Keywords: Accruals, Discretionary Accruals, Modified Jones Model, Monte Carlo Simulation, Spline Interpolation

¹ Department of Accounting, Mo. C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran. V.rouhollahi@iau.ir

² Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. a.hashemi@ase.ui.ac.ir

³ Department of Statistics and Mathematics, Kho. C., Islamic Azad University, Khomeinishahr, Iran. Sharifdoust@iau.ac.ir

⁴ Department of Accounting, Mo. C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran. farhadim58@iau.ac.ir



تأثیر ذهن آگاهی بر قضاوت اخلاقی حسابرسان

بهمن بنی مهد^۱

اکبر میری^۲

حمیدرضا کردلویی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی اثرات ذهن آگاهی بر قضاوت اخلاقی است. ذهن آگاهی یکی از مفاهیم روانشناسی مثبت می باشد و می تواند محرک تصمیم گیری ها و قضاوت های اخلاقی باشد. روش پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ گردآوری داده ها، توصیفی – همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش حسابرسان شاغل در حرفه حسابرسی است. از این جامعه آماری، نمونه ای به تعداد ۲۱۰ نفر از حسابرسان به صورت تصادفی انتخاب شده اند. ابزار مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه استاندارد می باشد. در پژوهش حاضر داده های جمع آوری شده با استفاده از معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می دهد که ذهن آگاهی تأثیر مثبت و معنی داری بر قضاوت اخلاقی حسابرسان دارد. ذهن آگاهی به عنوان یک ویژگی روانشناختی موجب بهبود قضاوت اخلاقی حسابرسان می شود. به عبارت دیگر، اگر حسابرسان کار خود را با شناخت و توجه و شیوه ای بهتر انجام دهند، در آن صورت می توانند قضاوت اخلاقی مناسب تری داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: ذهن آگاهی، قضاوت اخلاقی، حرفه حسابرسی.

۱ گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول). banimahd@iau.ac.ir

۲ گروه حسابداری، واحد دبی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی. miri@iau.ac.ir

۳ گروه مدیریت مالی، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Kordloei@iau.ac.ir



۱- مقدمه

قضاوت اخلاقی^۱ یکی از موضوعات با اهمیت در تحقیقات رفتاری حسابداری و حسابرسی است. اخلاق در فرایند قضاوت و تصمیم گیری، تا آنجا اهمیت دارد که آیین رفتار حرفه ای، حسابداران را ملزم به رعایت آن می نماید (ارباب سلیمانی، ۱۳۹۳، ۳). قضاوت و تصمیم گیری یک فرایند ذهنی است و در پرتو فرهنگ، ادراکات، اعتقاد و ارزش ها، نگرش ها، شخصیت، دانش و بینش فرد صورت می گیرد و این عوامل بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند (راتکلیف و همکاران، ۲۰۰۹، ۶۵۷). تحقیقات انجام شده در حوزه حسابرسی نشان می دهد قضاوت اخلاقی حسابداران و حسابداران بر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی تأثیر معنی داری دارد (خلیل پور و همکاران، ۱۳۹۸، ۹۷). از طرف دیگر، مطالعات در حرفه حسابرسی بیانگر آن است که ویژگی رفتاری و روانشناختی حسابداران و حسابداران بر قضاوت آن ها اثرگذار است (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۵).

ذهن آگاهی^۲ عاملی مهم و تأثیرگذار بر تصمیم گیری و قضاوت افراد است. افراد ذهن آگاه واقعیات درونی و بیرونی را آزادانه و بدون تحریف ادراک می کنند و توانایی زیادی در مواجهه با دامنه گسترده ای از تفکرات، هیجان ها و تجربه ها دارند (براون و رایان، ۲۰۰۳، ۸۲۵). ذهن آگاهی شیوه ای است که به واسطه آن فرد نسبت به فعالیت های روزانه خود آگاهی پیدا می کند و افکار، احساسات و حالت های جسمانی بر آن فعالیت ها را کنترل می کند (عبدی و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۸۶). دارا بودن ذهن آگاه یکی از ویژگی های مورد نیاز برای حسابداران و حسابداران است. این ویژگی به حسابداران کمک می کند تا بتوانند کار خود را در با شناخت و توجه بیشتر به شیوه ای بهتر انجام دهند. ذهن آگاهی باعث می شود تا استرس و اضطراب در کارکنان حسابرسی کاهش یابد و این موضوع بر قضاوت و عملکرد شغلی آن ها تأثیر مثبت می گذارد (هردا و همکاران، ۲۰۱۹، ۶۰).

در سال های اخیر، این پرسش مطرح شده است که تا چه اندازه قضاوت و تصمیم گیری صرفاً مجموعه ای از مهارت ها و رفتارهاست یا ویژگی های فردی نیز در شکل گیری آن موثرند؟ برخی از پژوهشگران، نقش موثر مهارت و برخی، نقش موثر خصوصیات فردی را در قضاوت و تصمیم گیری می پذیرند (خسرو آبادی و همکاران، ۱۴۰۰، ۳۳۸). هم چنین از طرف دیگر، در سال های اخیر موسسات حسابرسی بزرگ در دنیا، تکنیک ذهن آگاهی را در میان حسابداران خود رواج داده اند. هدف این موسسات کمک به حسابداران برای کاهش اضطراب و استرس ناشی از کار و در نتیجه ارتقای کارایی عملکرد کارکنان خود است (چنگ و استون، ۲۰۱۹، ۱۶۸). ذهن آگاهی به حسابداران کمک می کند تا در مواجهه با تنگنای اخلاقی در قضاوت های پیچیده حسابرسی، تصمیم گیری اخلاقی بهتری ارائه نمایند. حسابرسانی که ذهن آگاهی بالایی دارند هنگام پردازش اطلاعات، قضاوت های حرفه ای و اخلاقی با کیفیت تری دارند و این موضوع باعث افزایش کیفیت

¹ Moral Judgment

² Mindfulness

حسابرسی می شود (کادوس و ژو، ۲۰۱۹، ۱۱۰). درباره اهمیت ذهن آگاهی در حرفه حسابداری و حسابرسی شواهد خوبی وجود دارد. این شواهد بیان می کنند که ذهن آگاهی به عنوان یک مهارت، حسابداران را قادر می سازد تا در عملکردهای مختلف از جمله رهبری، رشد کسب و کار، ایجاد تیم و در نتیجه رعایت اخلاق حرفه ای، بهتر عمل کنند (هردا و همکاران، ۲۰۱۹، ۵۸).

با توجه به اهمیت ذهن آگاهی در قضاوت و تصمیم گیری، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که ذهن آگاهی چه تاثیری بر قضاوت اخلاقی حسابرسان دارد. اهمیت تحقیقات رفتاری در حرفه حسابرسی برای درک و فهم بهتر رفتار حسابرسان در فرایند قضاوت و تصمیم گیری و هم چنین فقدان پژوهش کافی درباره موضوع ذهن آگاهی در حرفه حسابرسی، موجب شد تا نویسندگان مقاله حاضر، نقش ذهن آگاهی در قضاوت و تصمیم گیری اخلاقی حسابرسان را مورد مطالعه قرار دهند. بنابراین هدف مقاله حاضر در درجه اول بررسی تأثیر ذهن آگاهی بر قضاوت و تصمیم گیری اخلاقی حسابرسان است. هدف دوم این پژوهش نیز بسط و گسترش مبانی نظری تحقیقات رفتاری در حوزه قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان می باشد. دستاوردها و ارزش افزوده علمی^۱ این مقاله را می توان به شرح زیر برشمرد:

اول آن که، با توجه به اهمیت مفاهیم روانشناختی در قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان، پژوهش در این حوزه می تواند منجر به شناسایی اثرات مساعد و نامساعد مفاهیم و مولفه های روانشناختی در فرایند ارزیابی و قضاوت حسابرسان گردد. به نظر نویسندگان این مقاله، این موضوع می تواند قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان را بهبود ببخشد. دوم آن که، نتایج این تحقیق می تواند دیدگاه های جدیدی درباره تحقیقات رفتاری در حسابداری و حسابرسی روشن نماید. هم چنین اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون گذاران حرفه حسابرسی قرار دهد. ادامه مقاله به مبانی نظری، روش شناسی و یافته های تحقیق و در نهایت بحث و نتیجه گیری می پردازد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- نظریه روانشناسی مثبت گرا

روانشناسی مثبت گرا^۲ بر توانمندی ها و فضائل افراد تاکید دارد و به مطالعه هیجان های مثبت، ویژگی های شخصیتی مثبت، قابلیت ها و توانایی های بشر مخصوصا در زمینه های بالینی می پردازد. هدف آن شناسایی سازه ها و شیوه هایی است که در نهایت باعث بهزیستی انسان گردد. مفاهیمی چون سلامت ذهن، ذهن آگاهی، عواطف مثبت، دوستی، اعتماد، بخشش، حق شناسی، هوش هیجانی، شادکامی، خودکارآمدی و ... از جمله مفاهیم روانشناسی مثبت گرا هستند. روانشناسی مثبت گرا با تکیه بر نقاط قوت افراد، بر بهبود عملکرد فردی

^۱ Contribution

^۲ Positive Psychology

و سازمانی تاکید می‌کند، به عنوان مثال فردی که احساس می‌کند از قابلیت بالا برای تطبیق دادن خود با تغییرات تکنولوژیکی برخوردار است، از طریق برنامه‌های توسعه‌ی منابع انسانی تشویق می‌شود که این قابلیت را شکوفا نماید (رفاهی بخش و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۴۵).

۲-۲- ذهن آگاهی

در سال های اخیر، مفهوم ذهن آگاهی که متأثر از تفکر بودایی است، توجه روان شناسان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. ذهن آگاهی یعنی آگاهی از آنچه که در لحظه کنونی اتفاق می افتد. به عبارت دیگر، ذهن آگاهی تعمقی غیر عمد بر روی وقایع حاضر است و به عنوان نوعی آگاهی پذیرانه و عاری از قضاوت از آنچه اکنون در حال وقوع است، تعریف می گردد. افراد ذهن آگاه، احساسات و هیجانات خود را در قضاوت و تصمیم گیری دخالت نمی دهند. پژوهش انجام شده درباره ذهن آگاهی بیانگر آن است که این مفهوم برای طیف وسیعی از مشکلات موثر است و با متغیرهای زیادی از جمله استدلال اخلاقی رابطه مثبت دارد (براون و رایان، ۲۰۰۳، ۸۲۷).

۳-۲- جهت گیری اخلاقی

جهت گیری اخلاقی^۱ یک سیستم درباره ارزش های اخلاقی است که برای تصمیم گیری های اخلاقی استفاده می شود. جهت گیری اخلاقی را می توان به دو گروه نسبی گرایی اخلاقی^۲ و ایده آل گرایی^۳ اخلاقی طبقه بندی نمود (فورسیت، ۱۹۸۰، ۱۸۰). افراد دارای نسبی گرایی بالا باوری به اصول اخلاقی جهان شمول ندارند و در تصمیمات رفتاری خود تناسب میان تصمیم و رفتار را با اصول اخلاقی شخصی خود صرف نظر از تبعات تصمیم و رفتار برای دیگران مد نظر قرار می دهند. نسبی گرایی، یکی از رویکردهای جهت گیری اخلاقی را تشکیل می دهد و تأکید می کند که تصور از تصمیمات اخلاقی و رفتارها ممکن است در میان افراد، خانواده ها، جوامع، فرهنگ ها و غیره متفاوت باشد. یعنی تصمیمی که در یک جامعه به عنوان اخلاقی در نظر گرفته می شود، ممکن است در جامعه یا فرهنگ دیگر غیر اخلاقی در نظر گرفته شود. از طرف دیگر، ایده آل گرایی، به این معنی است که افراد اعتقاد دارند که رفتارهای اخلاقی^۴ منجر به نتایج مطلوب می شود. افراد بسیار ایده آل گرا همواره خصلت ذاتی ارزش های اخلاقی کلی و اهمیت عدم آسیب رساندن به دیگران را در نظر می گیرند (هنله و همکاران، ۲۰۰۵، ۲۲۵). افراد ایده آل گرا افرادی هستند که در تصمیم گیری های رفتاری

¹ Ethical orientation

² Moral Relativism

³ Moral idealism

⁴ Moral Behavior

خود از یک طرف به کمال مطلوب نتیجه یک تصمیم و از طرف دیگر به عدم آسیب رسانی به دیگران توجه زیادی نشان می دهند (گوبتا، ۲۰۱۰، ۵).

۲-۴- قضاوت اخلاقی

قضاوت اخلاقی یکی از مراحل تصمیم گیری اخلاقی است. قضاوت اخلاقی حسابرس عبارت است از ارزیابی واقع بینانه و منصفانه او درباره عملکرد مدیران واحد تجاری. این مفهوم تا آنجا دارای اهمیت است که استانداردهای حسابرسی تاکید می نمایند تا حسابرسان هنگام قضاوت و تصمیم گیری درباره عملکرد مدیران، منافع همه گروه های ذینفع را به طور بی طرفانه و واقع بینانه مد نظر قرار دهند (حساس یگانه و کاظم پور، ۱۳۹۲، ۵۵).

۲-۵- پیشینه پژوهش

کوزومارا (۲۰۲۲، ۵) در یک بررسی مروری از مقالات چاپ شده درباره ذهن آگاهی تایید می نماید که ذهن آگاهی، قضاوت اخلاقی کارکنان را بهبود می بخشد و این موضوع در نهایت کارایی سازمانی کارکنان را تقویت می نماید. شیندلر و فریز (۲۰۲۲، ۱۵۱). نیز نشان دادند ذهن آگاهی موجب بهبود اخلاق در حوزه های اجتماعی از جمله مسئولیت پذیری اجتماعی می شود. گائو و همکاران (۲۰۲۱، ۲) دریافتند ذهن آگاهی، مسئولیت پذیری اجتماعی را افزایش می دهد. ذهن آگاهی موجب می شود تا افراد در تصمیم گیری های اخلاقی؛ پاسخگویی و حسابداری را مد نظر قرار دهند. آموزش ذهن آگاهی نیز موجب کاهش نسبی گرای اخلاقی و افزایش ایده آگرایی می شود. افراد با ذهن آگاهی بالا معمولاً رفتارهای حمایت کننده اجتماعی بیشتری دارند و هویت اخلاقی در آن ها بالا است. وو و همکاران (۲۰۲۱، ۷۷) نیز عقیده دارند که تکنیک های ذهن آگاهی در آیین بودا؛ موجب تقویت رفتارهای اخلاقی در راستای بهبود سرمایه اجتماعی می شود. آن ها به این نتیجه رسیدند که نهاد مذهب، عاملی مهم در تقویت ژرف اندیشی و ذهن آگاهی برای بهبود سرمایه اجتماعی است.

تن (۲۰۲۰، ۱) نشان داد ذهن آگاهی با بنیان های اخلاقی^۱ رابطه ای مثبت و معنی دار دارد. به عقیده او از طریق آموزش و ارتقا ذهن آگاهی در افراد می توان رفتارهای فرصت طلبانه آن ها در راستای منافع شخصی را محدود و به سمت اخلاق سوق داد. در تحقیق دیگری نشان داده شد که رابطه ای معنی دار میان ذهن آگاهی سازمان و رفتار اخلاقی در میان کارکنان سازمان وجود دارد. این رابطه موجب می شود تا عملکرد شرکت نیز بهبود یابد. هم چنین نتایج نشان می دهد که آئین رفتار حرفه ای شرکت موجب تعدیل رابطه میان آگاهی سازمانی و رفتار اخلاقی می گردد (نگوئن و همکاران، ۲۰۲۰، ۵). اسمال و لو (۲۰۱۹، ۱۰۳)

¹ Moral Foundations

عقیده دارند که ذهن آگاهی موجب افزایش مسئولیت پذیری اخلاقی^۱ کارکنان می شود. آن ها دریافتند ارتباط و تشابهات نزدیکی میان ذهن آگاهی و ارزش های زیر بنایی اخلاقی وجود دارد و ذهن آگاهی می تواند نتایج مثبت روان شناختی و اجتماعی به همراه داشته باشد. می هلیک و کلیبرگ (۲۰۱۹، ۷۱۳) طی پژوهشی از دانشجویان رشته بازرگانی دریافتند که ذهن آگاهی و آگاهی اخلاقی موجب کاهش تنبلی و اهمال کاری در این دانشجویان می گردد. هم چنین آن ها نشان دادند که ذهن آگاهی می تواند دانشجویان را به سمت فعالیت های گروهی و اخلاقی رهنمون سازد. برگ (۲۰۱۹، ۱۷۲) نشان داد آموزش ذهن آگاهی تأثیرات مثبتی بر مشکلاتی چون استرس، اضطراب، افسردگی افراد دارد و باعث می شود تا ویژگی های اخلاقی در افراد توسعه یابد. به عقیده اولازم است تا قانون گذاران هر حرفه ای به منظور ارتقای قضاوت و اخلاق حرفه ای، ذهن آگاهی افراد را بهبود ببخشند. هم چنین کلافاتوقلو و تورگوت (۲۰۱۷، ۷۷۳) نشان دادند ذهن آگاهی تأثیر معنی داری بر رفتار اخلاقی دارد. به عقیده آن ها می توان با آموزش ذهن آگاهی رفتار اخلاقی را میان کارکنان سازمان افزایش داد. ذهن آگاهی موجب ایجاد یک زندگی اخلاقی در افراد می شود و این موضوع باعث خواهد شد تا صداقت، مهربانی، همدلی در میان مردم بیشتر شود. تحقیقات نشان داده است که آموزش ذهن آگاهی موجب بهبود استدلال اخلاقی^۲ می شود. این تحقیقات تأیید نموده اند که رابطه مثبت میان ذهن آگاهی و استدلال اخلاقی وجود دارد. نتایج نشان می دهد با ارتقا ذهن آگاهی می توان خود محوری را در افراد کاهش و مهربانی و شفقت را افزایش داد (پاندی، ۲۰۱۷، ۵۷). تقلب تحصیلی در میان دانشجویانی که از ذهن آگاهی بالایی برخوردار هستند، کمتر از سایر دانشجویان است. ذهن آگاهی باعث می شود تا افراد نسبت به انجام رفتارهای غیر اخلاقی حساسیت بیشتری از خود نشان دهند. ذهن آگاهی حالتی از وجود شخص است که بر اهمیت اخلاق در لحظات مهم تأکید دارد و می تواند افراد را به انجام رفتار اخلاقی در محیط کار رهنمون سازد (گوئلن و گیلان، ۲۰۱۵، ۷۲۶). ذهن آگاهی تأثیر مثبت بر رشد اخلاقی دارد و افراد با ذهن آگاهی بالاتر، سبک های اخلاقی بهتری در مقایسه با دیگران دارند (والاک و همکاران، ۲۰۰۶، ۱۵۴۳).

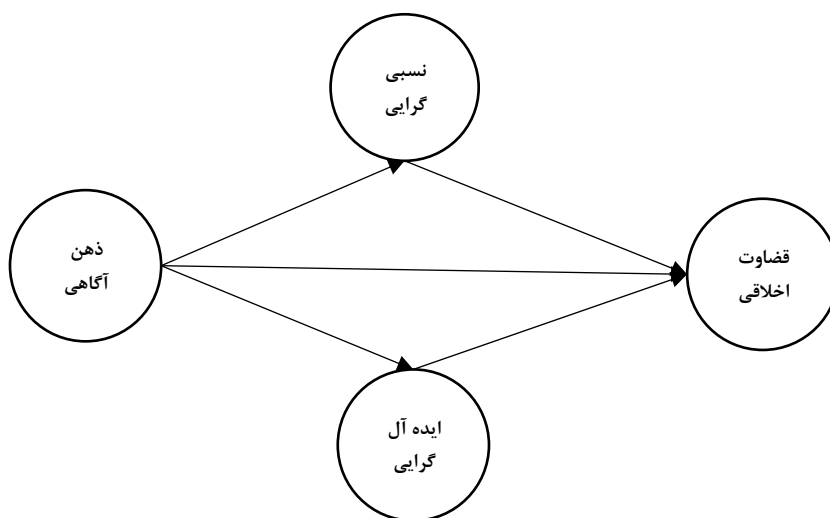
فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مبنی بر این که ذهن آگاهی موجب کاهش نسبی گرایي اخلاقی و افزایش ایده آل گرایي اخلاقی خواهد شد. ذهن آگاهی نیز رابطه ای مستقیم با قضاوت اخلاقی دارد و هم چنین قضاوت اخلاقی متأثر از جهت گیری اخلاقی است. لذا در این پژوهش فرضیه های زیر در نظر گرفته می شوند:

¹ Moral Responsibility

² Moral Reasoning

فرضیه اول: ذهن آگاهی حسابرس بر ایده آل گرایی تاثیر معنی دار دارد.
 فرضیه دوم: ذهن آگاهی حسابرس بر نسبی گرایی تاثیر معنی دار دارد.
 فرضیه سوم: ذهن آگاهی حسابرس بر قضاوت اخلاقی تاثیر معنی دار دارد.
 فرضیه چهارم: ایده آل گرایی حسابرس بر قضاوت اخلاقی تاثیر معنی دار دارد.
 فرضیه پنجم: نسبی گرایی حسابرس بر قضاوت اخلاقی تاثیر معنی دار دارد.
 برای آزمون فرضیه های پژوهش، مدل تحقیق به صورت نمودار شماره ۱ نشان داده می شود:



مدل تحقیق - نمودار شماره ۱

روش شناسی

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و قلمرو زمانی آن ۱۳۹۹ می باشد. حسابرسان شاغل در حرفه حسابرسی، جمعیت هدف این پژوهش را تشکیل می دهند. تعداد ۲۵۰ پرسش نامه بین حسابرسان جامعه آماری به صورت تصادفی توزیع گردید که ۲۱۰ پرسش نامه قابل استفاده بود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با فرض جامعه آماری نامعلوم استفاده شده است:
 رابطه (۱) فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه

$$n = \frac{Z_{\alpha}^2 pq}{d^2}$$

در این فرمول:

n = تعداد نمونه

α

$Z = \frac{\alpha}{2}$ مقدار نرمال استاندارد یعنی ۱/۹۶

$P=q=0/5$

$d=0/1$

تعداد نمونه آماری تحقیق طبق فرمول بالا ، ۹۶ می باشد که در این تحقیق ۲۱۰ پرسش نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. متغیروابسته در این تحقیق قضاوت اخلاقی و متغیر مستقل نیز ذهن آگاهی است. هم چنین متغیرهای ایده آل گرایی و نسبی گرایی اخلاقی به عنوان متغیرهای واسطه ای در نظر گرفته شده است. برای اندازه گیری قضاوت اخلاقی ، جهت گیری اخلاقی و ذهن آگاهی از پرسش نامه استاندارد استفاده شده است. پرسشنامه قضاوت اخلاقی شامل یک مطالعه موردی و دارای یک سؤال در طیف لیکرت ۷ گزینه ای است. پرسشنامه ایده آل گرایی و نسبی گرایی نیز هر کدام دارای ۱۰ سؤال ۹ گزینه ای می باشند. پرسشنامه ذهن آگاهی نیز دارای ۱۴ سؤال چهار گزینه ای است.

یافته ها

جدول شماره ۱ آمار توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می دهد. نتایج این جدول بیانگر آن است که میانگین قضاوت اخلاقی، ایده آل گرایی و نسبی گرایی و ذهن آگاهی به ترتیب برابر ۴/۳۶ و ۷۵/۳۱ و ۶۱/۵۲ و ۳۹/۸۴ می باشد. پرسشنامه قضاوت اخلاقی شامل یک مطالعه موردی و دارای یک سؤال در طیف لیکرت ۷ گزینه ای است. حد متوسط این سؤال برابر ۳/۵ می باشد. نتایج آمار توصیفی نشان می دهد که میانگین قضاوت اخلاقی بیشتر از حد متوسط و برابر ۴/۳۶ است. پرسشنامه ایده آل گرایی و نسبی گرایی نیز هر کدام دارای ۱۰ سؤال ۹ گزینه ای می باشند. اگر شخصی گزینه های یک را پاسخ دهد حداقل نمره او ۱۰ و اگر گزینه ۹ را انتخاب نماید ، حداکثر امتیاز او ۹۰ و حد متوسط آن ۴۵ است. شواهد جدول آمار توصیفی بیانگر آن است که حداقل نمره ایده آل گرایی ۱۱ و نسبی گرایی ۲۴ می باشد. هم چنین حداکثر آن برای ایده آل گرایی ۹۲ و نسبی گرایی ۸۵ است. هم چنین میانگین ایده آل گرایی و نسبی گرایی اخلاقی به ترتیب ۷۵/۳۱ و ۶۱/۵۲ بوده که این مقادیر بیشتر از حد متوسط این دو متغیر می باشد. پرسشنامه ذهن آگاهی نیز دارای ۱۴ سؤال چهار گزینه ای است. اگر ۱۴ در عدد ۴ ضرب شود ، حداکثر امتیاز فردی که گزینه ۴ را انتخاب نموده است برابر ۵۶ خواهد بود که حد متوسط آن ۲۸ می باشد. نتایج آمار توصیفی طبق جدول شماره ۱ نشان می دهد که میانگین ذهن آگاهی برابر ۳۹/۸۴ و بیشتر از حد متوسط آن می باشد.

جدول ۱. آمار توصیفی

شرح	قضاوت اخلاقی	ایده آل گرایی	نسبی گرایی	ذهن آگاهی
میانگین	۴/۳۶	۷۵/۳۱	۶۱/۵۲	۳۹/۸۴
میانه	۴/۳۳	۷۴	۶۱	۴۰
انحراف معیار	۰/۶۷۱	۶/۵	۴/۰۲	۴/۸۵
حداقل	۱	۱۱	۲۴	۲۸
حداکثر	۷	۹۲	۸۵	۴۶

منبع: یافته های پژوهشگر

هم چنین متغیرهای جمعیت شناختی نیز سن، جنسیت و تحصیلات می باشند. مشخصه های جمعیت شناختی اعضای نمونه نشان می دهد ۶۸ درصد از مشارکت کنندگان، مرد و بقیه نیز زن بوده اند. هم چنین حدود ۲۹ درصد از مشارکت کنندگان دارای تحصیلات کارشناسی، ۴۰ درصد کارشناسی ارشد و بقیه نیز دانشجوی دکتری و یا دکتری حسابداری بودند. هم چنین میانگین سنی مشارکت کنندگان در این تحقیق ۳۴ سال است. برای آزمون فرضیه ها، ابتدا تحلیل عاملی سئوالات متغیرهای پژوهش انجام شد. نتایج این تحلیل نشان می دهد که بارهای عاملی سولات باقی مانده بزرگتر از ۰/۴ و معنی دار نیز هستند. هم چنین میزان میانگین واریانس استخراج شده برای هر متغیر بیش تر از ۰/۴ می باشد. نتایج آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. نتایج این جدول بیانگر آن است که پایایی ترکیبی همه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۷ می باشد. آلفای کرونباخ همه متغیرهای پژوهش نیز بالاتر از ۰/۷ می باشند بنابراین می توان ادعا نمود که با سطح اطمینان بالایی متغیرهای پژوهش از شرایط پایایی مناسبی برخوردار هستند.

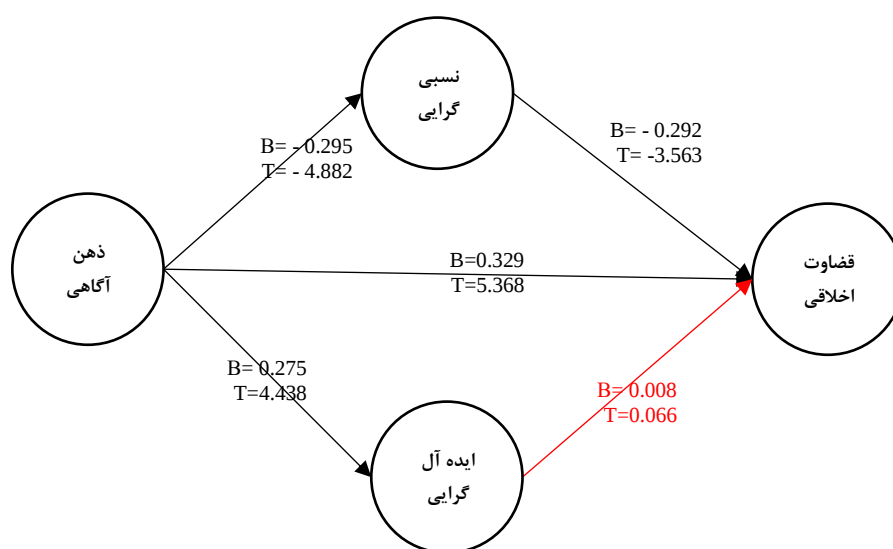
جدول ۲. نتایج آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
ایده آل گرایی	۰/۷۰۴	۰/۷۸۰
ذهن آگاهی	۰/۷۲۱	۰/۸۲۶
قضاوت اخلاقی	۰/۷۸۴	۰/۸۷۴
نسبی گرایی	۰/۷۴۱	۰/۸۳۴

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش با استفاده از روش معادلات ساختاری در نمودار شماره ۲ آورده شده است. نتایج این نمودار نشان می دهد که ذهن آگاهی بر قضاوت اخلاقی، نسبی گرایی و ایده آل گرایی

تأثیر معنی دار دارد. زیرا قدر مطلق آماره t مسیرها بزرگتر از $1/96$ می باشد. هم چنین از آنجایی که قدر مطلق مقدار آماره t در تأثیرگذاری ایده آل گرایی بر قضاوت اخلاقی کمتر از $1/96$ است، می توان گفت که ایده آل گرایی بر قضاوت اخلاقی تأثیر معنی داری ندارد. اما از آنجایی که قدر مطلق مقدار آماره t در تأثیر نسبی گرایی بر قضاوت اخلاقی بیش از $1/96$ است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت نسبی گرایی تأثیر معنی دار بر قضاوت اخلاقی دارد و چون ضریب آن منفی است، این تأثیر منفی است. یعنی با افزایش نسبی گرایی، قضاوت اخلاقی کاهش می یابد. از این رو، به غیر از فرضیه شماره ۴، همه فرضیه ها تایید می شوند. هم چنین شاخص های مربوط به نیکویی برازش مدل بیانگر آن است که میانگین مقادیر اشتراکی سازه ها برابر $0/6$ و میانگین مقادیر R^2 سازه ها برابر $0/138$ و شاخص GOF برابر $0/288$ و در سطح مناسبی قرار دارد. بنابراین نتایج آزمون فرضیه ها مورد تایید می باشد.



نمودار شماره ۲ - نتایج آزمون فرضیه ها

منبع: یافته های پژوهشگر

بحث و نتیجه گیری

این مقاله رابطه میان ذهن آگاهی و مولفه های جهت گیری اخلاقی یعنی نسبی گرایی و ایده آل گرایی را با قضاوت اخلاقی میان حسابرسان، مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. نتایج این پژوهش نشان می دهد ذهن آگاهی موجب کاهش نسبی گرایی اخلاقی و باعث افزایش ایده آل گرایی اخلاقی می شود. هم چنین ذهن

آگاهی تاثیر معنی دار و مثبتی بر قضاوت اخلاقی حسابرسان دارد. این نتایج با مبانی نظری و پیشینه تحقیق از جمله نتایج تحقیق نگون و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت دارد. طبق این مبانی نظری، ذهن آگاهی موجب تقویت تصمیم گیری اخلاقی در افراد می شود. هم چنین ذهن آگاهی تاثیر مثبتی بر دیدگاه های اخلاقی و استدلال های اخلاقی افراد دارد. از طرف دیگر، شواهد این مقاله نشان می دهد ایده آل گرایی اخلاقی تاثیر معنی داری بر قضاوت اخلاقی ندارد. اما نسبی گرایی اخلاقی تاثیر معنی دار و منفی بر قضاوت اخلاقی دارد. این موضوع به این معنی است حسابرسان با توجه به شرایط، تصمیمات و قضاوت های اخلاقی خود را اتخاذ می کنند. این امر با مبانی نظری و پیشینه تحقیق از جمله تحقیق گائو و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد. بر اساس آن چه که در پیشینه ذکر شد ذهن آگاهی می تواند نسبی گرایی اخلاقی را در افراد کاهش دهد و موجب تقویت ایده آگرایی در آن ها شود. افراد با ذهن آگاهی بالا معمولاً رفتارهای حمایت کننده اجتماعی بیشتری دارند و هویت اخلاقی در آن ها بالا است.

شواهد این مقاله، اهمیت ذهن آگاهی و آموزش آن در راستای بهبود رفتارها و قضاوت های اخلاقی را در حرفه حسابرسی تایید می نماید. به نظر نویسندگان این مقاله، ذهن آگاهی به عنوان یک مهارت، مورد نیاز حسابرسان است. چرا که کار حسابرسان، وظیفه ای پر استرس و اضطراب است. از طرف دیگر، اضطراب و استرس می تواند قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان در مواجهه با تنگنای اخلاقی تحت تاثیر خود قرار دهد و موجب شود تا قضاوت اخلاقی آن ها با سوگیری هایی مواجه شود. از این رو، با آموزش تکنیک های ذهن آگاهی به حسابرسان می توان استرس ناشی از کار را در آن ها کاهش داد تا هنگام قضاوت و پردازش اطلاعات، رفتار و تصمیمات حرفه ای و اخلاقی با کیفیت تری از خود نشان دهند و این موضوع باعث افزایش کارایی آن ها در راستای کیفیت حسابرسی می شود. از این رو می توان ادعا نمود که ذهن آگاهی یکی از ویژگی های مورد نیاز حسابرسان است. بهبود این ویژگی در حسابرسان می تواند به آن ها کمک کند تا بتوانند کار خود را با شناخت و به شیوه ای بهتر با رعایت اخلاق حرفه ای انجام دهند.

نتایج این تحقیق، اهمیت تحقیقات رفتاری را در تدوین آیین رفتار حرفه ای را روشن و برجسته می نماید. نتایج مقاله حاضر تایید می نماید که حسابرسان با آگاهی ذهنی بالاتر می توانند قضاوت اخلاقی و جهت گیری های اخلاقی مناسب تری داشته باشند. از این رو، می توان ادعا نمود ذهن آگاهی بالا منجر به رعایت اخلاق حرفه ای و ارائه قضاوت های حرفه ای و اخلاقی با کیفیت می شود. موضوع دیگری که از نتایج این مقاله حاصل می شود آن است که مولفه های اخلاق متأثر از ویژگی های روانشناختی است. به عبارت دیگر، ویژگی های مثبت روان شناختی، نظیر ذهن آگاهی و هم چنین مدیریت مناسب آن از طریق برنامه های آموزشی و توسعه مهارت های حسابرسان می تواند موجب جهت گیری مناسب اخلاقی در حرفه حسابرسی گردد. بر اساس یافته های حاصل از این تحقیق به موسسات حسابرسی و سیاست گذاران حرفه حسابرسی پیشنهاد می شود تا با برنامه ریزی درست به منظور آموزش و ارتقاء ذهن آگاهی حسابرسان، آن ها را به

سمت قضاوت ها و تصمیم گیری های اخلاقی درست سوق دهند. هم چنین تعمیم نتایج این تحقیق به نمونه های آماری دیگر در زمان های آتی از جمله محدودیت اصلی تحقیق حاضر می باشد.

فهرست منابع

- ارباب سلیمانی، عباس (۱۳۹۳) آیین رفتار حرفه ای برای حسابداران حرفه ای، مرکز آموزش و تحقیقات حسابداری و حسابرسی جامعه حسابداران رسمی، صص ۱-۱۸۴
- حساس یگانه، یحیی و احسان کاظم پور (۱۳۹۲) رابطه سطح مهارت حسابرسان با حساسیت و قضاوت اخلاقی، پژوهش های تجربی حسابداری، شماره ۱۰ صص ۵۳-۷۰
- خسرو آبادی، طاهره؛ بنی مهد بهمن و زهرا پور زمانی (۱۴۰۰) رابطه سبک رهبری با هویت سازمانی و اثربخشی فردی در موسسات حسابرسی (مطالعه تطبیقی موسسات حسابرسی در بخش دولتی و خصوصی)، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۴۰ صص ۳۳۵-۳۵۳
- خلیل پور، مهدی؛ کامیابی، یحیی و سید علی نبوی چاشمی (۱۳۹۸) تأثیر رویکردهای اخلاقی حسابداران بر کیفیت اطلاعات حسابداری با نقش تعدیل کنندگی اندازه و اهرم مالی شرکت، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴۳، صص ۹۱-۱۱۸
- رفاهی بخش سمانه، بنی مهد بهمن، خردیار سینا و مریم اوشک سرائی (۱۳۹۷). عواطف فردی و رفتار مدیریت سود: آزمونی از نظریه روانشناسی مثبت گرا. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری؛ ۳ (۶): ۲۵۳-۲۴۱
- عبدی سلمان، باباپور خیرالدین، جلیل و الهه صادری اسکویی (۱۳۸۷) رابطه ی ویژگی های شخصیت و سلامت روان شناختی با "توجه آگاهانه به حال" دانشجویان، مجله ی علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی شماره ۴۰ (۴): ۲۸۸-۲۸۱
- کریمی، زهرا، یعقوب نژاد احمد، صمدی لرگانی، محمود؛ پور علی محمدرضا (۱۴۰۰) ارزیابی تاثیر سوگیری های روانشناختی فردی و ابعاد شخصیتی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی؛ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۲۳-۵۲
- Berg K.T. (2019) Integrating Mindfulness into Ethics Teaching, Practice and Research, Journal of Media Ethics, 34(3): 171-175
- Brown, K. W., & Ryan, R. M. (2003). The benefits of being present: Mindfulness and its role in psychological well-being. Journal of Personality and Social Psychology, 84(4), 822-848.
- Chang Y, Stone D.N. (2019) Workplace Mindfulness in Accounting Practice: Issues, Opportunities, and Challenges, Accounting Horizons, 33 (4): 167-185.
- Forsyth D. R.. (1980) A Taxonomy of Ethical Ideologies, Journal of Personality and Social Psychology 39(1): 175-184.
- Gupta S. (2010). A Multidimensional Ethics for Indian Managers' Moral Decision Making. Electronic J. Bus. Ethics Organ. Stud., 15(1): 5-14.

- Guo, Q., Ma, B., Leng, J., Wang, Z., Lu, J., (2021) The association of mindfulness and prosocial behavior Is not stronger among highly ethical Individuals , *Current Psychology* , forthcoming, <https://doi.org/10.1007/s12144-020-01261-7>
- Guillemín M., Gillam L.(2015) Emotions, Narratives, and Ethical Mindfulness. *Academic Medicine*. 90 (6): 726–731.
- Herda D, Cannon N.H, Young R.F. (2019) Workplace Mindfulness and its Effect on Staff Auditors' Audit Quality-Threatening Behavior, *Behavioral Research in Accounting*, 31(1) : 55-64
- Henle C.A, Giacalone R.A, Jurkiewicz C. L. (2005). The role of ethical ideology in workplace deviance. *Journal of Business Ethics*, 56(3): 219–230.
- Kadous K, Zhou, Y. (2019)How Does Intrinsic Motivation Improve Auditor Judgment in Complex Audit Tasks? *Contemporary Accounting Research*, Vol. 36(1): 108-131
- Kalafatoğlu Y, Turgut T. (2017) Another benefit of mindfulness: Ethical behavior *International Journal of Social Sciences and Education Research*. 3(3): 772-783
- Kozomara, Milica, “Mindfulness: A Systematic Review” (2022). *Major Papers*. 200. <https://scholar.uwindsor.ca/major-papers/200>
- Mihelic K.K., Culiberg B. (2019) Reaping the Fruits of Another's Labor: The Role of Moral Meaningfulness, Mindfulness, and Motivation in Social Loafing , *Journal of Business Ethics* . 160(3): 713–727
- Nguyen N.P, Huiying W, Felicitas E, Nguyen T. (2020) The effects of organizational mindfulness on ethical behaviour and firm performance: empirical evidence from Vietnam, *Asia Pacific Business Review* 26(2):1-23
- Pandey A, Chandwani R., Navare A. (2017) How can mindfulness enhance moral reasoning? An examination using business school students , *Business Ethics : A European Review*. 27(1) : 56-71
- Ratcliff,R., Philiastides, M.G.,& Sajda, P.(2009). Quality of evidence for perceptual decision-making is indexed by trial-to trial variability of the EEG. *Proceedings of the national academy of sciences of the united states of america*, 106(9) : 653- 644.
- Schindler, S., Friese, M., (2022) The relation of mindfulness and prosocial behavior: What do we (not) know , *Current Opinion in Psychology* , Vol.44 (1) : 151-156
- Small C, Lew C.(2019.) Mindfulness, Moral Reasoning and Responsibility: Towards Virtue in Ethical Decision-Making. *Journal of Business Ethics*,169(4).103–117
- Tan c. (2020): Mindfulness and morality: Educational insights from Confucius, *Journal of Moral Education*, Vol.50(3) : 1-13
- Vu, M.H., Tran, T,. (2021) Trust Issues and Engaged Buddhism: The Triggers for Skillful Managerial Approaches , *Journal of Business Ethics* (2021) 169:77–102
- Walach H, Buchheld N, Buittemuller V, Kleinknecht N, Schmidt S.(2006) Measuring mindfulness – The Freiburg mindfulness inventory (FMI). *Personality and Individual Differences* 40:1543-1555

Abstract

The Impact of Mindfulness on Auditors' Moral Judgments

Bahman Banimahd¹

Akbar Miri²

Hamidreza Kordloei³

Received: 5 / July / 2025

Accepted: 5 / September / 2025

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effects of mindfulness on moral judgment. Mindfulness is one of the concepts of positive psychology and can be a stimulus for moral decisions and judgments. The research method is applied in terms of purpose and descriptive-correlation in terms of data collection. The statistical population of this study is auditors working in the auditing profession. From this statistical population, a sample of 210 auditors was randomly selected. The instrument used in the research is standard questionnaire. In the present study, the collected data have been analyzed using structural equations. The results show that mindfulness has a positive and significant effect on the moral judgment of auditors. Mindfulness as a psychological trait improves the moral judgment of auditors. In other words, if auditors do their job with better knowledge, attention, and practice, then they can make better moral judgments.

Keywords: Mindfulness, Moral Judgment , Audit Profession

¹ Department of Accounting, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding author).
banimahd@iau.ac.ir

² Department of Accounting, UAE.C., Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates. miri@iau.ac.ir

³ Department of Financial Management, Islam Shahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Kordloei@iau.ac.ir



کاربست پانل رگرسیونی به منظور تحلیل اثرگذاری عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی صنایع داروسازی

مجید معتمدی^۱

محمد حسین درویش متولی^۲✉

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر ابعاد کلی عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در صنعت داروسازی می باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نظر نتایج و هدف کاربردی است و از نظر ماهیت اجرا به صورت توصیفی و از نوع پیمایشی بوده و اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش ۴۰ شرکت تولید کننده دارو ساز فعال در بورس اوراق بهادار تهران می باشد و عملکرد آن‌ها در طول سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش محاسبات آماری به منظور آزمون فرضیه‌ها بر مبنای پانل رگرسیونی به وسیله نرم افزارهای تخصصی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ابعاد عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی در صنعت داروسازی تاثیر مثبت و معناداری دارند. و همچنین مشخص شد که استفاده از زمین و منابع اثر عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی را تعدیل می کنند و به این ترتیب، هرچه استفاده از زمین و منابع شرکت بیشتر باشد اثر مثبت بیشتر خواهد بود. نتایج این پژوهش می تواند در تدوین برنامه‌های استراتژیک این صنایع و در راستای افزایش سودآوری و اعتماد عمومی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد زیست محیطی، عملکرد مالی، استفاده از زمین و منابع، صنعت داروسازی.

۱ گروه مدیریت صنعتی، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران. Majidmotamedi@iau.ac.ir

۲ گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Mhd.darvish@iau.ac.ir



۱- مقدمه

کیفیت محیط زیست و عوامل تعیین کننده آن یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه مالی و اقتصاد محیط زیست می‌باشد. اهمیت کیفیت محیط زیست از دیدگاه اقتصادی را می‌توان در دستیابی به توسعه پایدار و رشد مداوم اقتصادی خلاصه نمود (حاجی محمد لو، ۱۳۹۹). مطالعات موجود در زمینه کیفیت محیط زیست طیف وسیعی از متغیرها را به عنوان عوامل موثر بر کیفیت محیط زیست معرفی نموده اند. در اکثر این مطالعات نقش متغیرهای مالی و اقتصادی بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. اما از اوایل دهه ۱۹۷۰ در برخی از مطالعات نقش قوانین و سیاست‌های محیط زیست نیز در کنار عوامل اقتصادی مورد توجه جدی قرار گرفته است (بودیارسو و همکاران^۱، ۲۰۱۷).

به طور کلی انتظار می‌رود هرچه قوانین و سیاست های زیست محیطی مناسب‌تر و اجرای آن‌ها سختگیرانه‌تر باشد، عملکرد زیست محیطی کشورها در جایگاه بهتری قرار گیرد. همان‌طور که آگاهی از مسئولیت و اخلاق تجاری در شرکت‌ها افزایش یافته است، آن‌ها را به این باور رسانده است که به عنوان بخشی از جامعه، جنبه‌های مسئولیت اجتماعی و شیوه‌های کسب و کار خود را متناسب با توسعه پایدار و فضای رقابت، تلفیق کنند (شاه، ۲۰۲۰). مشارکت شرکت‌ها در اقدامات زیست محیطی یا عملیات سبز، بیشتر به عنوان مسئولیت زیست محیطی شرکت (CER)^۲ شناخته شده است (علی و همکاران، ۲۰۱۳)، اما نقش آن در سودآوری و افزایش توان مالی در بلندمدت غیر قابل انکار است.

امروزه توجه صنایع استراتژیک به فاکتورهای اثر گذار در عملکرد زیست محیطی بیش از گذشته است. یکی از مهمترین صنایع در سطح جهان که نیازمند توجه بیشتر به مباحث تولید سبز است صنایع دارو سازی می‌باشد (درویش و همکاران، ۲۰۲۱). حرکت در مسیر مسئولیت‌های اجتماعی و زیست محیطی در این صنایع عاملی ضروری و حیاتی است که به تداوم فعالیت سازمان‌ها در بلند مدت منجر می‌شود (کارتن^۳، ۲۰۲۱). منظور از مسئولیت‌های اجتماعی سازمان، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به گونه‌ای است که منافع کلیه ذی نفعان شامل، سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه گذاران و عموم جامعه در سیاست‌ها و عملکرد سازمان منعکس می‌گردد. به عبارت دیگر سازمان باید همواره در کنار سودآوری و عملکرد بهینه مالی و حسابداری، خود را جزئی از اجتماع بداند و نسبت به جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به گونه‌ای مستقل از منافع مستقیم شرکت، تلاش کند (خلیل پور، ۱۳۹۸). تئوری‌های مطرح در مورد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها همگی بیانگر این مطلب هستند که مدیریت به دلایل مختلفی همچون کسب مشروعیت سازمانی و یا فشار گروه‌های ذینفع مایل به افشای اطلاعات زیست محیطی سازمان‌ها هستند (معتمدی و همکاران، ۱۴۰۰). عملکرد مالی، تصویر کلی از موقعیت‌های مالی شرکت‌ها را نشان می‌دهند.

^۱. Budiarso et al

^۲. Corporate Environmental Responsibility

^۳. Carton et al

اطلاعات موجود در صورت‌های مالی توسط سرمایه‌گذاران برای ارزیابی سود و ریسک سرمایه‌گذاری مورد توجه قرار می‌گیرد. علاوه بر اطلاعات مالی، اطلاعات غیرمالی نیز می‌تواند به عنوان مبنایی برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها از جمله رضایت مشتری در شرکت‌های خدماتی مورد استفاده قرار گیرد. در صنعت داروسازی، نگرانی‌های شرکت‌ها در مورد عملکرد زیست محیطی، بخش جدایی‌ناپذیر از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR)^۱ محسوب می‌شود و اخیراً به عنوان یک محرک پایداری برای کسب و کارهای این صنعت به آن اشاره شده است (نصیری، ۱۳۹۹). در دهه گذشته، شرکت‌های صنعتی و بازرگانی مرتبط با دارو به طور فعال در عملیات مرتبط با محیط زیست، سرمایه‌گذاری کرده‌اند و اجرای بسیاری از شیوه‌های تجاری حساس به محیط زیست را آغاز کرده‌اند (کیان، ۲۰۱۸).

با عنایت به بررسی مطالعات انجام شده پیرامون پاسخگویی و عملکرد زیست محیطی سازمان‌ها که به دنبال بررسی تأثیر عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی شرکت‌ها بوده‌اند، مشخص شد که در بیشتر این تحقیقات از یک عملکرد زیست محیطی^۲ کلی استفاده شده است که بر روی همه عوامل موثر تمرکز ندارند و تنها حیطه خاصی را در نظر گرفته‌اند. در حالی که عملکرد زیست محیطی شرکت، ترکیبی از عملکرد آن نسبت به ابعاد مختلف، مانند کاهش انتشار، کاهش منابع و غیره است. برادنبرگ و همکاران^۳ (۲۰۱۴) ابعاد عملکرد زیست محیطی را در سه بعد یعنی کاهش انتشار، کاهش منابع و نوآوری محصول مطرح کردند. همواره در طول سال‌های اخیر این سوال در بین صاحب‌نظران، تئوریسین‌ها و محققین حسابداری و جوامع اقتصادی و تجاری وجود داشته است که آیا بین عملکرد مالی^۴ و عملکرد زیست محیطی شرکت‌ها رابطه معنی وجود دارد یا خیر؟ آیا تولید و ارائه کالا و خدمات سازگار با محیط زیست، می‌تواند به عنوان وجه تمایز بین شرکت‌ها با عملکرد خوب و شرکت‌ها با عملکرد ضعیف مورد استفاده قرار گیرد و به عبارت دیگر آیا می‌توان تولید و ارائه کالا و خدمات سازگار با محیط زیست را، راهکاری برای کسب سود بیشتر و ارتقای بازده دارایی در نظر گرفت؟

نتایج مطالعات و تحقیقات پیشین در رابطه با ارتباط بین این دو مفهوم، متفاوت بوده است. برخی از این تحقیقات بیانگر رابطه مثبت معنی‌دار بین عملکرد مالی و زیست محیطی بوده و این در حالی است که برخی دیگر این رابطه معنی‌دار را پیدا نکرده‌اند. اما مطالعه‌ای وجود نداشت که بیانگر رابطه منفی معنی‌دار بین عملکرد مالی و عملکرد زیست محیطی باشد. اکثر این تحقیقات در اقتصادهای توسعه یافته مانند ایالات متحده آمریکا و اروپا که در واقع در آنها سطح بینش زیست محیطی بالا است، انجام شده است. اما مطالعات اندکی نیز در این باره در کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند فقدان

^۱. Corporate Social Responsibility

^۲. Environmental performance

^۳. Brandenburg et al

^۴. Financial Performance

شاخص و معیاری مناسب و مشخص برای ارزیابی عملکرد زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه باشد. البته در برخی از این کشورها شاخص هایی برای ارزیابی عملکرد زیست محیطی وجود دارد اما قابلیت اتکا و دقت آنها پائین است. هدف این پژوهش کشف رابطه بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی در صنعت داروسازی است. به عبارت دیگر به دنبال پاسخ این پرسش است که آیا میان عملکرد زیست محیطی شرکتها و عملکرد مالی آنها رابطه معنی داری وجود دارد یا خیر؟

تحقیق پوهان^۱ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که عملکرد زیست محیطی یک شرکت، رابطه ای مستقیم با عملکرد مالی شرکتها دارد. نجادات^۲ و همکاران (۲۰۲۰) طی پژوهشی نشان دادند که دلایل عدم سازگاری و تنوع نتایج تحقیقات گذشته در مورد عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی در واقع تفاوت در انتخاب متغیرهای کنترلی و معیار سنجش عملکرد زیست محیطی می باشد. به علاوه اینکه فقط مطالعات قبلی اصولاً بر آزمون تأثیر گذاری عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی بوده است و هیچ گونه بحث و توضیحی در مورد ارتباط مستقیم دوطرفه این دو عملکرد ارائه ننموده اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد شرکت هایی که از نظر مالی عملکرد مطلوبی دارند تمایل بیشتری به سرمایه گذاری در فعالیت های زیست محیطی دارند. این درحالی است که فعالیت های زیست محیطی مستقیماً به افزایش سودآوری مرتبط نبوده و لذا به افزایش سود و بازده نمی انجامد. همچنین شرکت های سودآور و دارای عملکرد مطلوب مالی در واقع شرکت هایی هستند که از نظر زیست محیطی معتبر بوده و در رتبه بندی زیست محیطی رتبه برتری دارند (نمازی، ۱۳۹۷). از طرف دیگر در پژوهش های پیشین اغلب شاخص های کلان در نظر گرفته شده است و از دخالت شاخص های کنترلی نظیر اندازه شرکت، اهرم مالی، فروش و غیره خودداری شده است، و یا تأثیر گذاری استفاده از زمین و منابع شرکتها بر توان مالی یا عملکرد زیست محیطی نادیده گرفته شده است. برای پیاده سازی رویکردهای سبز و پایدار محیط زیست نیاز به سرمایه گذاری بلند مدت وجود دارد. بنابراین نیاز به هزینه از محل منابع وجود دارد. این منابع بر عملکرد محیط زیستی و مالی اثر خواهد داشت.

به طور مشخص، در این پژوهش تجربی به دنبال آن هستیم تعیین نماییم که چگونه یک شرکت می تواند با مشارکت عملکرد زیست محیطی، منابع ناهمگون و غیرمستقیم را در راستای افزایش توان رقابتی به کار گیرد و در نهایت، شهرت خود را ارتقاء دهد و به طور مثبت بر عملکرد مالی تأثیر بگذارد. تصویب استراتژی های زیست محیطی، منابع یک شرکت را از فعالیت های اصلی آن جدا نمی کند. هزینه های اولیه به منظور اجرای برنامه های عملکرد سبز و مرتبط با آن در بلند مدت مزایای مالی ایجاد می کند. با توجه به استدلال های بیان شده، اثر عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی با عنایت به شاخص های عملکرد محیطی، متغیرهای کنترلی و منابع در این مطالعه با هدف پر کردن شکاف تحقیقات گذشته انجام می گیرد. علاوه بر هدف اصلی، این مطالعه همچنین تلاش می کند تا بررسی کند که آیا رابطه عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی به استفاده

^۱ . Po-Han et al

^۲ . Najadat

از زمین و منابع شرکت بستگی دارد یا خیر؟ نظر به الزام سازمان بهداشت جهانی و سازمان غذا و دارو، شرکت‌های داروسازی می‌بایست توجه ویژه به عملکرد محیطی اعمال دارند. صنایع دارویی به دلیل استفاده از منابع شیمیایی نقش مهمی در آلودگی و تولید فاضلاب شیمیایی دارند و از سوی دیگر رهاسازی بسته‌بندی این صنایع پس از مصرف در محیط زیست همواره سبب عملکرد نامطلوب آن‌ها در این زمینه است. حال سودآور باشند یا زیان‌آور این معقوله همواره وجود دارد. از این‌رو در این پژوهش با عنایت به این مهم، بحث عملکردی صنایع دارویی مورد توجه قرار گرفته است.

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که نشان می‌دهد تحقق هدف‌های زیست محیطی و به دنبال آن هدف‌های سودآوری و اجتماعی، نقش مهمی در طراحی اطلاعات به منظور تصمیم‌گیری دارند و از طرف دیگر گزارشگری مالی برون‌سازمانی در خصوص عملکرد زیست محیطی و اجتماعی می‌تواند اطلاعات لازم در ارتباط با هزینه و منفعت برنامه‌های زیست محیطی و اجتماعی را نشان دهد و اهداف مدیریت را برای استفاده‌کنندگان خارجی فراهم سازد و در نهایت باعث بهبود جایگاه و عملکرد مالی شرکت شود.

تعیین تاثیر ابعاد عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی در صنعت داروسازی مهمترین هدف این پژوهش می‌باشد. در کنار این هدف اهداف دیگری به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

- بررسی تاثیر بعد کاهش انتشار (ER^1) بر عملکرد مالی صنعت داروسازی
- بررسی تاثیر بعد کاهش منابع 2 (RR) بر عملکرد مالی صنعت داروسازی
- بررسی تاثیر بعد نوآوری محصول 3 (PI) بر عملکرد مالی صنعت داروسازی
- بررسی تاثیر استفاده از زمین و منابع (land and resources use) 4 به عنوان متغیر تعدیل‌گر بر رابطه بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

امروزه موضوع حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی جامعه جهانی مطرح شده و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی نیز برای جلوگیری از تخریب محیط زیست در سطح جهان منعقد شده است (برودنبرگ و همکاران، ۲۰۱۴). به دنبال این تحولات، شاخص‌های زیست محیطی متعددی نیز برای نظارت بر فرآیندهای تخریب محیط زیست از سوی سازمان ملل متحد و دانشگاه‌ها مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها که در حال حاضر به صورت گسترده ملاک مقایسه کشورها بوده و در خصوص حفاظت از محیط زیست به صورت

¹. Emission Reduction

². Resource Reduction

³. Product Innovation

⁴. land and resources use

دوسالانه منتشر می‌شود، شاخص پایداری محیط زیست^۱ (ESI) و شاخص عملکرد محیط زیست است که توسط دانشگاه ییل و دانشگاه کلمبیا منتشر می‌شود (کارتن، ۲۰۲۱).

ارزیابی عملکرد زیست محیطی عبارت است از یک فرآیند مدیریتی داخلی که از شاخص‌هایی جهت ارائه اطلاعات (مورد نیاز) برای مقایسه عملکرد زیست محیطی یک سازمان در حال و گذشته با معیارهای عملکرد زیست محیطی آن سازمان استفاده می‌نماید (حاجی محمدلو، ۱۳۹۹).

انتخاب شاخص‌های مناسب برای این فرایند (هیرگوئین، ۲۰۱۵)، اجرای صحیح و بدون انحراف آن‌ها، گزارش دهی و اطلاع رسانی اطلاعات توصیف کننده عملکرد زیست محیطی سازمان (جعفری و همکاران، ۱۳۹۴) و تعهد مدیریت و کارکنان برای اجرای مداوم و مستمر پروتکل‌های مرتبط با عملکرد زیست محیطی فرایندها و عملیات امری ضروری می‌باشد (هیرگوئین، ۲۰۱۵). تا کنون بسیاری از محققان الگوهای مشابه مزیت نسبی را به منظور بررسی اثر تجارت و اجرای سیاست های زیست محیطی بر محیط زیست تدوین نموده‌اند که بر مبنای آن‌ها افزایش ارزش شرکت، سودآوری و کاهش ریسک را به همراه داشته است (محمودزاده، ۱۴۰۲).

در سال‌های اخیر مطالعات مختلفی در رابطه با عنوان تحقیق صورت گرفته است که به چند نمونه داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

انصاری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به پیش‌بینی چرخه عمر و ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها با استفاده از الگوریتم درخت تصمیم و تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره به انتخاب بهینه شرکت‌های بر مبنای شاخص‌های عملکرد مالی پرداختند. نمازی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به تاثیر نوآوری سبز و حسابداری مدیریت زیست محیطی بر عملکرد مالی، زیست محیطی و اقتصادی شرکت پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که عوامل زیست محیطی بر توان و عملکرد مالی شرکت‌ها موثر هستند. عارف منش (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت با نقش مزیت رقابتی و سواد مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تمرکز بر شاخص‌های مدیریت ریسک که برخی از آن‌ها عوامل محیطی هستند با عملکرد مالی رابطه مستقیم دارند. نوراله‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی پیامدهای کیفیت گزارشگری یکپارچه بر ارزش گذاری شرکت‌ها و عملکرد آتی شرکت با تأکید بر نقش پیچیدگی و نیازهای تأمین منابع مالی خارجی پرداختند. نتایج پژوهش بیان می‌کند که گزارشگری یکپارچه از طریق ارائه اطلاعات شفاف و جامع سبب می‌گردد تصمیم گیرندگان داخلی بتوانند تصمیمات بهینه‌ای را اتخاذ نمایند که موجبات بهبود عملکرد آتی شرکت را فراهم می‌آورد. ملکیان و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد تمرکز بر شاخص‌های مرتبط با محیط زیست امکان راهبری موثر برای مدیران را فراهم آورده است

¹ . Environmental Sastinaibl Index

و درک این عوامل بر گزارش‌گیری بهینه را فراهم ساخته است. رضایی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر سطح افشاء عملکرد زیست محیطی بر بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سطح افشاء عملکرد زیست محیطی بر بازده غیرعادی سهام تاثیر گذار است. نوکلی [دهاقانی](#) و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت زنجیره تامین پایدار با عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی پرداختند. نتایج نشان داد که بین مولفه‌های زنجیره تامین پایدار و عملکرد زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین مولفه‌های تدارکات پایدار و طراحی پایدار زنجیره تامین پایدار و عملکرد مالی ارتباط معناداری وجود دارد ولی بین مولفه‌های توزیع پایدار و بهبود سرمایه‌گذاری زنجیره تامین پایدار و عملکرد مالی ارتباط معناداری مشاهده نشد. تقی پوریان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان "اثر سیستم‌های مدیریت زیست محیطی بر روی عملکرد مالی" پرداختند. تایج به دست آمده نشان داد که سیستم‌های مدیریت زیست محیطی بر رضایت مشتریان، وفاداری مشتریان و عملکرد مالی تاثیر معنادار داشته‌اند. علاوه بر این متغیر تعدیل گر هزینه تغییر عرضه کننده بر روابط سه گانه بین سیستم‌های مدیریت زیست محیطی و متغیرهای وابسته رضایت مشتریان، وفاداری مشتریان و عملکرد مالی تاثیر منفی داشته است. چاره‌ی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت به بررسی اثر مدیریت محیطی بر عملکرد مالی بانک‌ها و شرکت‌های بیمه‌ای پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران، پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عملکرد مالی دارای رابطه ای مثبت و معنادار با شاخص عملکرد زیست محیطی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. بنی مهد و همکاران (۱۳۸۸)، تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه ی بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی" پرداختند. نتیجه پژوهش بیانگر این است که شاخص عملکرد زیست محیطی ارتباط معنی داری با شاخص عملکرد مالی ندارد. امیدی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی برای پاسخ به این سوال که آیا عملکرد محیط زیست شرکت، عملکرد مالی را افزایش می‌دهد؟ به این نتیجه رسیدند که اگرچه شرکت‌های اندونزی عملکرد خود را از طریق عملکرد بهتر محیط زیست به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهند اما تاثیر آن بر عملکرد مالی بسیار زیاد نیست. این به این دلیل است که آنها به نوآوری زیست محیطی دست نیافته‌اند و نقاط ضعف در بهبود عملکرد زیست محیطی به میزان کافی کاهش نمی‌یابد. عمرانی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی عملکرد زیست محیطی صنایع کوچک و متوسط در صنایع نساجی برزیل و ارتباط با عملکرد مالی آنها را بررسی کردند. نتایج نشان داد که نتیجه شگفت انگیز است چرا که با بزرگتر شدن اندازه شرکت، بدترین عملکرد محیط زیست را دارا می‌باشند. کیان و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی حسابداری مدیریت زیست محیطی و تاثیر آن در کنترل کربن و کیفیت افشاء پرداختند. نتایج پژوهش آنان با استفاده از داده‌های جمع آوری شده از ۱۱۴ شرکت بزرگ در ایالت متحد آمریکا، آلمان، استرالیا و ژاپن نشان داد که تعداد کمی از این شرکت‌ها از ابزارهای حسابداری مدیریت زیست محیطی استفاده کرده‌اند و بیشتر آنها تنها برخی از این ابزار را بکار گرفته‌اند. همچنین، کاربرد حسابداری مدیریت زیست محیطی تاثیر قابل توجهی در مدیریت مسائل زیست

محیطی و کیفیت افشای شرکت دارد. فرانسسکا^۱ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین شیوه‌های زیست محیطی خوب و عملکرد مالی پرداختند. نتایج نشان داد بین شیوه برخورد با عوامل زیست محیطی و عملکرد مطلوب رابطه معنی‌دار وجود دارد. بوبیتان و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی گزارشگری یکپارچه، حاکمیت شرکتی و آینده عملکرد حسابداری پرداختند. نتایج نشان داد که گزارش یکپارچه می‌تواند به حاکمیت شرکتی با افزایش پاسخگویی، مدیریت عملکرد بهتر، شفافیت بیشتر و رهبری مؤثر و مدیریت مؤثرتر ریسک کمک کند. جیانا وو^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر سیاست‌های ارزیابی عملکرد دولت و مشارکت شهروندان در بهبود عملکرد زیست محیطی در استان‌های چین پرداختند. نتایج نشان داد اثرات افترای ارزیابی عملکرد بالا و مشارکت عمومی از پایین به بالا بر عملکرد زیست محیطی در سطح استان‌ها ثابت شده است. سیوو- هوی تان^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر ابعاد عملکرد زیست محیطی بر عملکرد شرکت در صنعت گردشگری پرداختند. نتایج نشان داد که مسئولیت زیست محیطی، نقش مهمی در افزایش عملکرد مالی در صنعت گردشگری دارد و استفاده از زمین و منابع، اثرات مثبت ابعاد فردی عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی را تقویت می‌کنند. پوهان- چن^۴ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی درک روابط بین شیوه‌های مدیریت زیست محیطی و عملکرد مالی شرکت‌های ساختمانی چند ملیتی پرداختند و مزایا و محدودیت‌های مدیریت زیست محیطی که در گزارش‌های زیست محیطی منتشر شده است را مورد بررسی قرار دادند و به کشف تأثیراتی که این شیوه‌ها بر عملکرد مالی دارد پرداختند. ماهادئو و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود کاربرد گزارش زیست محیطی و اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ایسلند را آزمودند. نتایج افزایش مهم اما گزینشی در سطح و کیفیت افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی در طول دوره تحت بررسی را نشان داد. سارومپت (۲۰۰۵) در پژوهشی از شرکت‌های اندونزیایی با مدنظر قراردادن رتبه‌بندی زیست محیطی شرکت‌ها به عنوان شاخص عملکرد زیست محیطی به این نتیجه رسید که عملکرد زیست محیطی ارتباط معنی‌دار و با اهمیتی با عملکرد مالی در شرکت‌های اندونزیایی ندارد.

با عنایت به بررسی پیشینه پژوهش، یافته‌های متناقض در مطالعات قبلی ممکن است ناشی از فقدان تأثیر منفی بر رابطه بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی باشد. به عنوان مثال، در حالی که مطالعات موجود از استراتژی "پرداخت به سبز" حمایت می‌کنند، جیانان و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کنند: احتیاط کنید که فقط شرکت‌هایی با استفاده از زمین و منابع کم، باید راهبردهای سبز را اتخاذ کنند، چرا که مشارکت در اقدامات زیست محیطی می‌تواند منابع را کاهش دهد و در نهایت منجر به از دست دادن مزیت رقابتی شود. فرضیه‌های مورد استفاده در این مطالعه به طور گسترده‌ای از دیدگاه نئو کلاسیک فریدمن در مورد CSR،

^۱ . Francesca Bartolacci

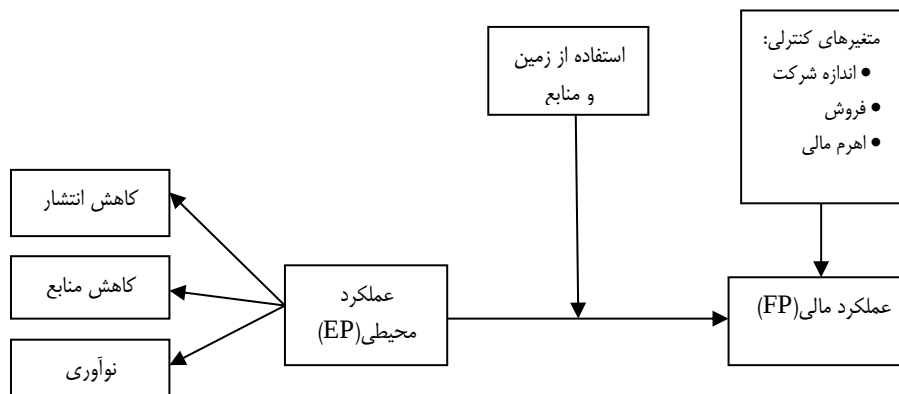
^۲ . Jiannan Wu et al

^۳ . Siow-Hooi Tan

^۴ . Po-Han Chen

نظریه ذینفعان و دیدگاه مبتنی بر منابع ساخته شده است. بر اساس استدلال فریمین "مسئولیت اجتماعی کسب و کار این است که سود خود را افزایش دهد" (ژانگ، ۲۰۰۷). بر اساس حداکثر سازی ثروت سهامداران، هزینه‌های بهبود عملکرد محیط زیست هزینه‌های واقعی، اختصاصی و همچنین هزینه‌های فرصت را که ممکن است بیشتر از مزایای مالی حاصل از این فعالیت‌های زیست محیطی باشد، به دنبال خواهد داشت و در نهایت تضعیف عملکرد شرکت و بازار سهام را منجر می‌شود. از طرف دیگر فرضیه «تجارت» پیش بینی می‌کند که سطوح بالاتر CER باعث بدتر شدن عملکرد مالی می‌شود و هزینه‌های اضافی را به شرکت تحمیل می‌کند و قیمت سهام را کاهش می‌دهد (لو، ۲۰۰۱). علاوه بر موارد یاد شده، نظریه ذینفعان بیان می‌کند که عملکرد سازمانی تحت تاثیر سهامداران و ذینفعان (از جمله کارکنان، تأمین کنندگان، مشتریان، جامعه و محیط طبیعی) است (علیزاده، ۱۳۹۹). مشارکت در فعالیت‌های زیست محیطی تلاش یک شرکت برای برآورده ساختن نیازهای ذینفعان است که به نوبه خود شهرت شرکت را تقویت می‌کند و در نهایت بر عملکرد مالی خود تاثیر مثبت دارد. علی و همکاران (۲۰۲۱) به منظور حفظ رقابت و پایداری در کسب و کار، پیشنهاد می‌کند که بنگاه‌ها نیاز به منابع دارند که ارزشمند، کمیاب، منحصر به فرد است. با توجه به دیدگاه مبتنی بر منابع مشارکت CER شرکت‌ها را با منابع ناهمگن و غیر مستقیم فراهم می‌کند.

بر اساس مباحث و ادبیات نظری و با توجه به خلع و شکاف شناسایی شده در پژوهش‌های پیشین، مدل مفهومی تحقیق بصورت زیر ارائه می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق
(سیوو- هوی تان و همکاران، ۲۰۱۷)

روش شناسی پژوهش

این پژوهش بر مبنای هدف و نتایج، کاربردی می‌باشد. از لحاظ نوع نظارت و درجه کنترل در زمره تحقیقات میدانی قرار دارد چرا که محقق متغیرها را در حالت طبیعی آن‌ها بررسی می‌کند. از نظر روش جزء تحقیقات همبستگی است و بر اساس گردآوری داده‌ها از نوع مطالعات اسنادی (سندکاوی) است و به لحاظ زمان مقطعی می‌باشد. از آنجایی که موضوع تحقیق در ارتباط با شرکت‌های فعال در حوزه تولید دارو، و پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، لذا نمونه آماری از این شرکت‌ها انتخاب شده است. داده‌های بدست آمده مربوط به متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی در طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ از طریق رگرسیون چند متغیره و همبستگی با استفاده از نرم افزار EViews، Excel، SPSS مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مدل های پژوهش

برای بررسی اثر کل EP (به نام ENV) و همچنین ابعاد فردی عملکرد زیست محیطی (یعنی ER، RR و PI) بر عملکرد مالی (QTobin's)، این مطالعه با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون پانل بر اساس پانل دیتا، برای شرکت‌هایی که در زمینه داروسازی فعالیت دارند انجام شده است. بر همین اساس از مدل‌های زیر برای بررسی فرضیات پژوهش استفاده خواهد شد. این مقاله استفاده از OLS ترکیبی، اثرات ثابت (FE) یا اثرات تصادفی (RE) را پیشنهاد می‌کند. در مدل اول اثر کلیه متغیرها برای تولید خروجی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مدل قصد داریم با عنایت به تاثیر و مداخله همه متغیرها میزان عملکرد مالی بررسی شود. بر همین اساس استفاده از زمین و منابع لحاظ شده است. در مدل سوم وضعیت جداگانه تاثیرگذاری محاسبه شده است.

• مدل اول تحقیق

در این مدل TQ برای Tobin Q است، و عملکرد مالی را اندازه گیری می‌کند. ENV نشان دهنده مجموع ER، RR و PI هستند، که به ترتیب، ابعاد کاهش انتشار، کاهش منابع و نوآوری محصول هستند. Land and resources use نشان دهنده استفاده از زمین و منابع است. در این مدل FSize، GSales، Leverage، به ترتیب نشان دهنده اندازه شرکت، نرخ رشد فروش سالانه و اهرم مالی، است.

(۱)

$$TQ_{i,t} = \alpha + \phi_1 ENV(ER, PR, PI)_{i,t-1} + \beta_1 Slack_{i,t-1} + \beta_2 Size_{i,t-1} + \beta_3 Gsales_{i,t-1} + \beta_3 Leverage_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

• مدل دوم تحقیق

برای بررسی تاثیر ابعاد عملکرد محیطی بر عملکرد مالی از مدل (۲) استفاده می‌شود.

(۲)

$$TQ_{i,t} = \alpha + \phi_1 ER_{i,t-1} + \phi_2 PR_{i,t-1} + \phi_3 PI_{i,t-1} + \beta_1 Slack_{i,t-1} + \beta_2 Size_{i,t-1} + \beta_3 Gsales_{i,t-1} + \beta_3 Leverage_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

• مدل سوم تحقیق

برای بررسی اثر تعدیل کننده استفاده از زمین و منابع ، آیتم (ENV * Land and resources use) در مدل اصلی (مدل ۱) به صورت زیر اضافه می شود:

(۳)

$$TQ_{i,t} = \alpha + \phi_1 ENV(ER, PR, PI)_{i,t-1} + \phi_2 ENV(ER, PR, PI)_{i,t-1} * Slack_{i,t-1} + \beta_1 Slack_{i,t-1} + \beta_2 Size_{i,t-1} + \beta_3 Gsales_{i,t-1} + \beta_3 Leverage_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

برای تجزیه و تحلیل و تفسیر داده های این پژوهش با بهره گیری از آمار توصیفی و استنباطی مراحل زیر انجام شده است.

در ابتدا از آزمون دیکی فولر برای بررسی نرمال بودن توزیع داده ها استفاده می گردد، سپس برای آزمون کردن این که تعداد نمونه (مشاهدات) از هم مستقل باشند و نمونه مورد نظر تصادفی باشد از آزمون دوربین - واتسون استفاده گردید. چنان چه مقدار آماره دوربین - واتسون نزدیک ۲ (تقریباً "۰.۵ ± ۲) گردد، بدان معنی است که نمونه مورد نظر تصادفی است و نشان دهنده عدم خود همبستگی است. ضریب همبستگی پیرسن میان متغیرهای پژوهش نیز بررسی می شود. ضرایب متغیرهای مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون t استیودنت، آزمون می گردد. در این پژوهش برای آزمون معناداری کلی مدل رگرسیون برازش شده از آماره فیشر (F) در سطح ۹۵ درصد اطمینان و همچنین برای آزمون عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است و در نهایت با استفاده از رگرسیون خطی به آزمون فرضیه ها می پردازیم. در این پژوهش از روش رگرسیون چند متغیره به عنوان روش آماری استفاده می شود. همچنین تحلیل داده ها در بخش آمار توصیفی با محاسبه شاخص های مرکزی پرداخته شد. داده های جمع آوری شده از طریق گزارشات مالی بورش اوراق بهادار، اسناد شرکت ها و دیدگاه خبرگان این صنعت با استفاده از نرم افزارها پس از اصلاحات و طبقه بندی لازم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل های نهایی انجام شد و در نهایت به تایید یا رد فرضیات پژوهش با استفاده از نتایج حاصله از نرم افزارهای مربوطه پرداخته شد.

جدول ۱. تعریف متغیرها

متغیرها	نماد	تعریف
عملکرد مالی (FP)	شاخص کیوتوبین (TQ)	ارزش دفتری دارایی های کل / ارزش دفتری بدهی + ارزش بازار = کیوتوبین (نوکی، ۱۳۹۶)
عملکرد زیست محیطی	کل EP (ENV)	(مجموع حداکثر تعداد ابعاد ممکن عملکرد زیست محیطی در سال t) / (مجموع سه بعد عملکرد زیست محیطی برای شرکت i در سال t) = ENV

متغیرها	نماد	تعریف
(EP)		(ستون زیست محیطی تأثیرات شرکت بر سیستم های زندگی و غیر زندگی طبیعی، از جمله هوا، زمین و آب و همچنین اکوسیستم های کامل را اندازه گیری می کند. این نشان دهنده چگونگی استفاده از بهترین شیوه های مدیریتی برای جلوگیری از خطرات زیست محیطی و سرمایه گذاری در فرصت های زیست محیطی برای ایجاد ارزش سهام بلند مدت است.) (فرانسسکا و همکاران، ۲۰۱۸)
کاهش انتشار (ER)		(مجموع حداکثر تعداد آیتم های کاهش منابع در سال t / کل آیتم های کاهش آلودگی برای شرکت i در سال t) $ER = (t)$ (رده کاهش انتشار اندازه گیری تعهد و اثربخشی مدیریت شرکت در کاهش انتشار محیط زیست در فرایندهای تولید و عملیاتی است. این نشان دهنده یک ظرفیت شرکت برای کاهش انتشار هوا (گازهای گلخانه ای، F-gases، مواد تخلیه ازن، NOx و SOx، و غیره)، زباله، زباله های خطرناک، تخلیه آب، نشت یا تأثیرات آن بر تنوع زیستی و همکاری با سازمان های زیست محیطی برای کاهش تأثیرات زیست محیطی شرکت در جامعه محلی یا وسیع تر.) (سیو و همکاران، ۲۰۱۷)
کاهش منابع (PR)		(مجموع حداکثر تعداد آیتم های کاهش انتشار در سال t / کل آیتم های کاهش منابع برای شرکت i در سال t) $PR = (t)$ (رده کاهش منابع، تعهد مدیریت و اثربخشی مدیریت شرکت را برای دستیابی به کارایی کارآمد از منابع طبیعی در فرآیند تولید اندازه گیری می شود. این نشان دهنده ظرفیت یک شرکت برای کاهش استفاده از مواد، انرژی و آب و یافتن راه حل های سازگار با محیط زیست با بهبود مدیریت زنجیره تامین است.) (سیو و همکاران، ۲۰۱۷)
نوآوری محصول (PI)		مجموع حداکثر تعداد آیتم های نوآوری محصول در سال t / مجموع آیتم های نوآوری محصول برای شرکت i در سال t $PI = t$ (دسته نوآوری محصول، تعهد مدیریت و اثربخشی مدیریت شرکت را در راستای حمایت از تحقیق و توسعه محصولات یا خدماتی که از نظر سازگار با محیط زیست می باشد، اندازه گیری می کند. این نشان دهنده ظرفیت شرکت برای کاهش هزینه های محیط زیست و بارگذاری برای مشتریان خود است و از این طریق فرصت های جدید بازار را از طریق فن آوری های جدید و فرایندهای زیست محیطی و یا محصولات تولید شده با محصولات زیست محیطی با دوام بلند توسعه می دهد.) (جیانا وو، ۲۰۱۷)

متغیرها	نماد	تعریف
استفاده از زمین و منابع	land and resources use	نسبت آنی - quick ratio که نسبت سریع نیز به آن می‌گویند، تقریباً اهدافی مشابه اهداف نسبت جاری را تأمین می‌کند، ولی در محاسبه این نسبت، مقدار موجودی کالا حذف می‌شود؛ زیرا از بین اقلام دارائی‌های جاری، موجودی کالا معمولاً کمترین قدرت نقدینگی را دارد و از این‌رو با استفاده از نسبت آنی، توان شرکت در پرداخت بدهی‌های آن تعیین می‌شود (البته از راه فروش اقلامی از دارائی که بیشترین قدرت نقدینگی را دارند و می‌توان به راحتی آنها را به پول نقد تبدیل کرد). برای محاسبه نسبت آنی، باید موجودی کالا را از دارائی‌های جاری کم کرد و باقیمانده را بر بدهی‌های جاری تقسیم نمود. مقدار این نسبت عبارت است از (ارقام به هزار ریال): بدهی‌های جاری / موجودی‌ها - دارائی‌های جاری = نسبت آنی (سیو و همکاران، ۲۰۱۷)
اندازه شرکت	FSize	لگاریتم طبیعی (ln) / کل دارایی ها، کیان و همکاران (۲۰۱۸)
میزان رشد فروش	GSale	$100\% * \ln(SALE_t / SALE_{t-1})$ که $SALE_t$ کل درآمد فروش سالانه در پایان سال t ، علی و همکاران، ۲۰۱۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

یافته های پژوهش

خلاصه ویژگی های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق در جدول (۲) خلاصه شده است. آماره‌های گزارش شده در برگیرنده شاخص‌ها و معیارهای مرکزی شامل میانگین، میانه و شاخص‌های پراکندگی شامل واریانس، انحراف معیار متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق می‌باشد.

جدول ۲. نتایج آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق

LEV	SIZE	PI	PR	ER	ENV	Gsale	QIT	Land and resources use	
اهرم مالی	اندازه شرکت	نوآوری محصول	کاهش منابع	کاهش انتشار	عملکرد زیست محیطی	میزان رشد فروش	شاخص کیوتوبین	استفاده از زمین و منابع	
0.72	13.91	0.61	0.67	0.62	0.64	10.28	2.49	3.93	میانه
0.59	13.51	0.62	0.67	0.63	0.64	9.68	1.55	1.33	میانگین
5.82	18.53	0.99	0.89	1.50	0.89	454.40	31.57	303.60	ماکزیمم

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۷/ پیاپی ۶۷/ پائیز ۱۴۰۴

LEV	SIZE	PI	PR	ER	ENV	Gsale	QIT	Land and resources use	
اهرم مالی	اندازه شرکت	نوآوری محصول	کاهش منابع	کاهش انتشار	عملکرد زیست محیطی	میزان رشد فروش	شاخص کبوتوبین	استفاده از زمین و منابع	
-0.23	10.50	0.10	0.50	0.10	0.29	۶.۹۷۱۵	۴.۰۰	2.14	مینیمم
0.76	1.82	0.22	0.05	0.24	0.15	80.39	3.27	20.72	انحراف معیار
3.29	0.87	-0.29	0.43	0.21	-0.25	2.97	6.09	13.03	کشیدگی
17.63	3.39	2.22	5.97	3.43	2.23	44.13	53.05	185.25	چولگی
2574.18	31.63	9.45	95.62	3.57	8.37	17267.63	26529.90	338919.77	جا کویرا
0.00	0.00	0.01	0.00	0.17	0.02	0.00	0.00	0.00	احتمال
172.04	3337.59	146.85	161.51	149.43	152.60	2467.59	596.74	943.33	مجموع
138.06	793.83	11.27	0.69	13.47	5.04	1544667.41	2555.58	102654.31	مجموع مربعات
240.00	240.00	240.00	240.00	240.00	240.00	240.00	240.00	240.00	تعداد مشاهدات

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بررسی فرض‌های کلاسیک مدل رگرسیون خطی

در هر مدل رگرسیون باید فرض‌های خاصی برقرار باشد؛ تکیه بر نتایج آماری بدون توجه به پیش فرض‌های مدل رگرسیون از اعتبار چندانی برخوردار نیست و نمی‌توان از آن برای تصمیم‌گیری‌ها استفاده کرد. بنابراین قبل از انجام هر گونه تفسیر نتایج رگرسیون باید برای تصدیق صحت نتایج، مفروضات مدل را بررسی نمود. با توجه به اینکه در این پژوهش از داده‌های مقطعی استفاده شده است، در مواردی که از داده‌های مقطعی استفاده می‌شود از مفروضات مدل رگرسیون، فروض همسانی واریانس و فرض نبود خود همبستگی بین جملات خطا موضوعیت پیدا می‌کند که در ادامه بررسی شده است.

همسانی واریانس‌ها

در این تحقیق، جهت جلوگیری از بروز مشکل ناهمسانی واریانس هنگام تخمین مدل از این آزمون وایت برای وجود همسانی واریانس استفاده گردید. فرضیه‌های مربوط به ناهمسانی واریانس به صورت زیر می‌باشد:

H_0 = ناهمسانی واریانس بین خطاها وجود ندارد

H1= ناهمسانی واریانس بین خطاها وجود دارد

جدول ۴. نتایج آزمون وایت برای شناسایی همسانی واریانس ها

مدل تحقیق	فرضیه صفر	آماره وایت	احتمال	نتیجه
مدل	فرض صفر مبنی بر تایید همسان بودن واریانس خطاها	۵.۸۲۴۳۳۱	۰.۰۰۰۰	تایید فرضیه صفر

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج آزمون مدل تحقیق با سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد، مشاهده می‌شود که مدل تحقیق از مشکل ناهمسانی واریانس رنج نمی‌برند.

خودهمبستگی بین اجزای اخلاص

یکی دیگر از فروض مهم کلاسیک رگرسیون خطی این است که بین اجزای اخلاصی که در تابع رگرسیون وارد می‌شود، خود همبستگی یا همبستگی سریالی وجود ندارد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۵ خلاصه شده است. فرضیه‌های مربوط به خود همبستگی به صورت زیر می‌باشد:

H_0 = خود همبستگی بین خطاها وجود ندارد

H_1 = خود همبستگی بین خطاها وجود دارد

جدول ۵. نتایج آزمون بریوش گادفری برای شناسایی خودهمبستگی

مدل تحقیق	فرضیه صفر (H_0)	آماره F آزمون بریوش گادفری	p-value	نتیجه آزمون
مدل	عدم وجود خودهمبستگی	۲۳.۱۵۱۵۶	۰.۰۰۰۰	عدم تایید فرضیه صفر

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج ارایه شده در جدول فوق، مدل تحقیق با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد از مشکل خودهمبستگی جملات خطا رنج می‌برند.

تعیین روش بکارگیری داده‌های پانل

در پژوهش حاضر، مدل‌های اشاره شده با استفاده از داده‌های پانل (سال-شرکت) در دوره زمانی ۶ ساله (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱) تخمین زده می‌شود. پیش از تخمین مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، باید در مورد روش مناسب

بکارگیری این گونه داده‌ها در تخمین، تصمیم‌گیری نمود. ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده‌ها (تفاوت‌ها یا اثرات خاص شرکت) وجود دارد یا اینکه می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف را ترکیب و از آن در تخمین مدل استفاده نمود. در تخمین‌های تک معادله‌ای، برای اخذ تصمیم اخیر از آماره آزمون F (لیمر) استفاده می‌شود. براساس نتایج این آزمون، درباره رد یا پذیرش فرضیه برابری آثار ثابت خاص شرکت‌ها و در نهایت درباره انتخاب روش کلاسیک یا روش داده‌های پانل تصمیم‌گیری می‌شود.

عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر هستند (داده‌های تلفیقی): H_0 :

عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر نیستند (داده‌های تابلویی): H_1 :

جدول (۶) نتایج آزمون چاو (آماره F) مربوط به فرضیه‌های یاد شده را در مورد مدل‌های تحقیق نشان می‌دهد:

جدول ۶. نتایج آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش تلفیقی (Pooling) یا تابلویی (Panel)

مدل تحقیق	فرضیه صفر (H_0)	آماره F	p-value	نتیجه آزمون
مدل	عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر هستند (داده‌های تلفیقی)	۹۰۲۵۶۲۴۷	۰.۰۰۰۰	تایید فرضیه یک

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که در جدول (۶) دیده می‌شود در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در مدل پژوهش فرض صفر آزمون رد شده است، بنابراین باید از روش داده‌های پانل استفاده نمود.

انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

همانطور که در مباحث قبل توضیح داده شد برای انتخاب بین مدل اثرات تصادفی یا اثرات ثابت از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش به شرح جدول (۷)، می‌باشد:

جدول ۷. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره χ^2	p-value	نتیجه آزمون
مدل	روش اثرات تصادفی مناسب است	۳۴.۴۸۶۸۱۷	۰.۰۰۰۸	H_1 تایید می‌شود (روش اثرات ثابت مناسب است)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج جدول (۷)، بیانگر آن است که در مدل تحقیق باید از روش اثرات ثابت استفاده نمود.

نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

• برازش مدل اول تحقیق

در مدل اول تحقیق، آماره دوربین واتسون مقدار (۱.۷۰۷) را نشان می‌دهد، بنابراین بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود ندارد. درصد نشان داده شده توسط ضریب تعیین (۰.۴۲۱) با فرض تاثیر همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌باشد. بنابراین، ضریب تعیین تعدیل شده مدل اول تحقیق گویای آن است که ۴۲ درصد از متغیر وابسته (شاخص کیوتوبین) توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌گردد.

در فرضیه اصلی پژوهش، ارتباط بین عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی در صنعت داروسازی به واسطه اندازه و اهرم مالی و میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از برآورد مدل اول تحقیق به شرح جدول (۸)، می‌باشد.

جدول ۸. نتایج آماری آزمون مدل تحقیق (شاخص کیوتوبین: $TQ_{i,t}$)

$TQ_{i,t} = \alpha + \phi_1 ENV(ER, PR, PI)_{i,t-1} + \beta_1 Slack_{i,t-1} + \beta_2 Size_{i,t-1} + \beta_3 Gsales_{i,t-1} + \beta_4 Leverage_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$						
متغیر	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال	رابطه
ثابت	C	11.301	1.682	6.720	0.000	-
عملکرد زیست محیطی	ENV	0.484	0.307	3.370	0.012	
استفاده از زمین و منابع	LAND AND RESOURCES USE	-0.002	0.009	-0.188	0.851	
میزان رشد فروش	GSALE	-0.001	0.002	-0.271	0.787	
اندازه شرکت	SIZE	-0.706	0.105	-6.693	0.000	
اهرم مالی	LEV	0.984	0.255	3.862	0.000	
ضریب تبیین		0.421	آماره F	15.391	دوربین- واتسون	1.707
					سطح معنی داری	0.000

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول (۸) که مربوط به داده‌های سال‌های ۱۳۹۶ تا پایان ۱۴۰۱ است. فرضیه اصلی پژوهش که مقدار $p=0.012$ و آماره $t=3.370$ در متغیر عملکرد زیست محیطی در کمتر از ۰/۰۵ مورد قبول واقع شده و

معمادار است و با توجه به اینکه ضریب متغیر عملکرد زیست محیطی مثبت و برابر ۰.۴۸۴ است و این نشان می‌دهد که عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی در صنعت داروسازی تاثیر دارد. به این ترتیب فرضیه اصلی پژوهش تایید می‌گردد.

• برازش مدل دوم تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل دوم تحقیق به شرح جدول (۹)، می‌باشد.

جدول ۹. نتایج آماری آزمون مدل دوم تحقیق (شاخص کیوتوبین: $TQ_{i,t}$)

$TQ_{i,t} = \alpha + \phi_1 ER_{i,t-1} + \phi_2 PR_{i,t-1} + \phi_3 PI_{i,t-1} + \beta_1 Slack_{i,t-1} + \beta_2 Size_{i,t-1} + \beta_3 Gsales_{i,t-1} + \beta_4 Leverage_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$						
متغیر	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال	رابطه
ثابت	C	6.260547	3.000697	2.086365	0.0380	-
کاهش منابع	PR	0.780759	3.461139	2.248034	0.0255	
نوآوری محصول	PI	0.998167	1.525408	4.654361	0.0135	
کاهش انتشار	ER	0.011637	1.424943	2.709949	0.0384	
استفاده از زمین و منابع	LAND AND RESOURCES USE	-0.001831	0.009051	-0.202286	0.8399	
میزان رشد فروش	GSALE	-0.001231	0.002312	-0.532713	0.5947	
اندازه شرکت	SIZE	-0.698550	0.111018	-6.292214	0.0000	
اهرم مالی	LEV	0.983684	0.253321	3.883151	0.0001	
ضریب تبیین		0.473555	آماره F	11.92220	دوربین-واتسون	1.685304
					سطح معنی داری	0.000

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در مدل دوم تحقیق، آماره دوربین واتسون مقدار ۱.۶۸۵۳۰۴ را نشان می‌دهد، بنابراین بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود ندارد. تفاوت مهم میان ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده این است که ضریب تعیین فرض می‌کند که هر متغیر مستقل مشاهده شده در مدل، تغییرات موجود در متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بنابراین درصد نشان داده شده توسط ضریب تعیین (۰.۴۷۳۵۵۵) با فرض تاثیر همه متغیرهای مستقل

بر متغیر وابسته می‌باشد. بنابراین، ضریب تعیین تعدیل شده مدل دوم تحقیق گویای آن است که ۴۶ درصد از متغیر وابسته (شاخص کیوتوبین : $TQ_{i,t}$) توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌گردد. در فرضیه فرعی اول پژوهش، ارتباط بین بعد کاهش انتشار بر عملکرد مالی به واسطه اندازه و اهرم مالی، میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به جدول (۹)، فرضیه فرعی اول پژوهش که مقدار $p=0.0384$ و آماره $t=2.709949$ در متغیر کاهش انتشار در کمتر از ۰/۰۵ مورد قبول واقع شده و معنادار است و با توجه به اینکه ضریب متغیر کاهش انتشار مثبت و برابر ۰.۱۱۶۳۷ است. و این نشان می‌دهد که بعد کاهش انتشار بر عملکرد مالی صنعت داروسازی تاثیر مثبتی دارد و به این ترتیب فرضیه فرعی اول پژوهش تایید می‌گردد. در فرضیه فرعی دوم پژوهش نیز ارتباط بین بعد کاهش منابع بر عملکرد مالی به واسطه اندازه و اهرم مالی، میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به جدول فوق، فرضیه فرعی اول پژوهش که مقدار $p=0.0255$ و آماره $t=2.248034$ در متغیر کاهش منابع در کمتر از ۰/۰۵ مورد قبول واقع شده و معنادار است و با توجه به اینکه ضریب متغیر کاهش منابع مثبت و برابر ۰.۷۸۰۷۵۹ است. و این نشان می‌دهد که بعد کاهش منابع بر عملکرد مالی صنعت داروسازی تاثیر مثبتی دارد. و به این ترتیب فرضیه فرعی دوم پژوهش تایید می‌گردد. در فرضیه فرعی سوم پژوهش، نیز ارتباط بین بعد نوآوری محصول بر عملکرد مالی به واسطه اندازه و اهرم مالی، میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به جدول (۹)، فرضیه فرعی اول پژوهش که مقدار $p=0.0135$ و آماره $t=4.654361$ در متغیر نوآوری محصول در کمتر از ۰/۰۵ مورد قبول واقع شده و معنادار است و با توجه به اینکه ضریب متغیر نوآوری محصول مثبت و برابر ۰.۹۹۸۱۶۷ است. و این نشان می‌دهد که بعد نوآوری محصول بر عملکرد مالی صنعت داروسازی تاثیر مثبتی دارد و به این ترتیب فرضیه فرعی سوم پژوهش تایید می‌گردد.

• برازش مدل سوم تحقیق

در مدل سوم تحقیق، آماره دوربین واتسون مقدار ۱.۷۰۷۵۶۱ را نشان می‌دهد، بنابراین بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود ندارد. تفاوت مهم میان ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده این است که ضریب تعیین فرض می‌کند که هر متغیر مستقل مشاهده شده در مدل، تغییرات موجود در متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بنابراین درصد نشان داده شده توسط ضریب تعیین (۰.۶۴۷۸۴۱) با فرض تاثیر همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌باشد. بنابراین، ضریب تعیین تعدیل شده مدل دوم تحقیق گویای آن است که ۶۴ درصد از متغیر وابسته عملکرد مالی (شاخص کیوتوبین : $TQ_{i,t}$) توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌گردد. نتایج حاصل از برآورد مدل سوم تحقیق به شرح جدول (۱۰)، می‌باشد.

جدول ۱۰. نتایج آماری آزمون مدل سوم تحقیق (شاخص کیوتوبین: $TQ_{i,t}$)

$TQ_{i,t} = \alpha + \phi_1 ENV(ER, PR, PI)_{i,t-1} + \phi_2 ENV(ER, PR, PI)_{i,t-1} * Slack_{i,t-1} + \beta_1 Slack_{i,t-1} + \beta_2 Size_{i,t-1} + \beta_3 Gsales_{i,t-1} + \beta_4 Leverage_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$						
متغیر	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال	رابطه
ثابت	C	0.644273	1.394824	4.461903	0.0046	-
عملکرد زیست محیطی	ENV	0.077745	0.233011	2.333656	0.0389	
نقش تعدیلی استفاده از زمین و منابع	ENV*LAND AND RESOURCES USE	-0.000632	0.002317	-0.272833	0.7852	
میزان رشد فروش	GSALE	0.036336	0.114408	0.317604	0.7511	
استفاده از زمین و منابع	LAND AND RESOURCES USE	0.977861	0.255976	3.820127	0.0002	
اندازه شرکت	LEV	-0.709430	0.106227	-6.678436	0.0000	
اهرم مالی	SIZE	ضریب تبیین				
		0.647841	آماره F	12.79584	دوربین-واتسون	1.707561
					سطح معنی داری	0.000

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در فرضیه فرعی چهارم پژوهش، نیز نقش تعدیلی استفاده از زمین و منابع در رابطه بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی به واسطه اندازه و اهرم مالی، میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است.

برای بررسی اثر تعدیل کننده استفاده از زمین و منابع، آیتم (ENV * Land and resources use) در مدل اصلی (مدل ۱) به اضافه شده است:

با توجه به جدول ۱۰ که مربوط به داده‌های سال‌های ۱۳۹۶ تا پایان ۱۴۰۱ است. فرضیه فرعی چهارم پژوهش که مقدار $p=0.0389$ و آماره $t=2.333656$ در متغیر تعدیلی در کمتر از ۰/۰۵ مورد قبول واقع شده و معنادار است و با توجه به اینکه ضریب متغیر تعدیلی مثبت و برابر ۰.۰۷۷۷۴۵ است. و این نشان می‌دهد استفاده از زمین و منابع اثر عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی را تعدیل می‌کنند و به این ترتیب، هرچه استفاده از زمین و منابع شرکت بیشتر باشد اثر مثبت بیشتر خواهد بود و به این ترتیب فرضیه فرعی چهارم پژوهش نیز تایید می‌گردد.

بحث و نتیجه گیری

در فرضیه اصلی پژوهش، ارتباط بین عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی در صنعت داروسازی به واسطه اندازه و اهرم مالی و میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های سیوو- هوی تان^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، جیانا وو^۲ و همکاران (۲۰۱۷)، فرانسسکا^۳ و همکاران (۲۰۱۸) و واگنر و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

در فرضیه فرعی اول پژوهش، نیز ارتباط بین بعد کاهش انتشار بر عملکرد مالی به واسطه اندازه و اهرم مالی، میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بعد کاهش انتشار بر عملکرد مالی صنعت داروسازی تاثیر مثبتی دارد و به این ترتیب فرضیه فرعی اول پژوهش تایید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های سیوو- هوی تان و همکاران (۲۰۱۷)، جیانا وو و همکاران (۲۰۱۷)، فرانسسکا و همکاران (۲۰۱۸) و واگنر و همکاران (۲۰۱۷)، بنی مهد و همکاران (۱۳۸۸)، جلیلی و همکاران (۱۳۹۳)، چاره‌یی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت دارد.

در فرضیه فرعی دوم پژوهش، ارتباط بین بعد کاهش منابع بر عملکرد مالی به واسطه اندازه و اهرم مالی، میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است و به این ترتیب فرضیه فرعی دوم پژوهش تایید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های سیوو- هوی تان و همکاران (۲۰۱۷)، جیانا وو و همکاران (۲۰۱۷)، فرانسسکا و همکاران (۲۰۱۸) و واگنر و همکاران (۲۰۱۷)، بنی مهد و همکاران (۱۳۸۸)، جلیلی و همکاران (۱۳۹۳)، چاره‌یی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت دارد.

در فرضیه فرعی سوم پژوهش، نیز ارتباط بین بعد نوآوری محصول بر عملکرد مالی به واسطه اندازه و اهرم مالی، میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب فرضیه فرعی سوم پژوهش تایید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های سیوو- هوی تان و همکاران (۲۰۱۷)، جیانا وو و همکاران (۲۰۱۷)، فرانسسکا و همکاران (۲۰۱۸) و واگنر و همکاران (۲۰۱۷)، بنی مهد و همکاران (۱۳۸۸)، جلیلی و همکاران (۱۳۹۳)، چاره‌یی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت دارد.

در فرضیه فرعی چهارم پژوهش، نقش تعدیلی استفاده از زمین و منابع در رابطه بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی به واسطه اندازه و اهرم مالی، میزان فروش شرکت و استفاده از زمین و منابع مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی اثر تعدیل کننده استفاده از زمین و منابع، آیتم (ENV * Land and resources use) در مدل اصلی (مدل ۱) اضافه شده است. با توجه به نتایج حاصل شده از برازش مدل سوم تحقیق فرضیه فرعی چهارم پژوهش نیز تایید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش سیوو- هوی تان و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

^۱ . Siow-HooiTan

^۲ . Jiannan Wu et al

^۳ . Francesca Bartolacci

به طور کلی، یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که عملکرد زیست محیطی تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی دارد. به عبارت دیگر، اگر یک شرکت مسئولیت خود را در قبال محیط زیست درک نماید و دیدگاه عادلانه ذینفعان را بپذیرد و در سیاست‌ها و استراتژی‌های خود اعمال نماید نتایج را در بهبود عملکرد مالی مشاهده خواهد کرد. افزایش دسترسی به اطلاعات، منجر به افزایش آگاهی مردم نسبت به اهمیت محیط زیست شده، و در حال حاضر حفظ محیط زیست یکی از دغدغه‌های انسان‌ها شده است و این امر موجب پیدایش مفاهیمی از جمله انرژی سبز، زنجیره تامین سبز و غیره در روابط اقتصادی و تولیدی گشته است. در این بین کشور ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و عملکرد مثبت در زمینه محیط زیست هم برای مصرف کنندگان و هم برای تولید کنندگان به عنوان یک ارزش در حال نهادینه شدن می‌باشد. افزایش اهمیت توجه به معیارهای غیر مالی شرکت‌ها از جمله صنایع داروسازی در سال‌های اخیر سبب شده تا شرکت‌ها دیگر نتوانند نسبت به مسائل زیست‌محیطی بی‌اهمیت باشند. از سوی دیگر با افزایش اهمیت توسعه پایدار و الزامات زیست محیطی شرکت‌هایی که به مسائل زیست‌محیطی توجه نکنند از گردونه رقابت خارج خواهند شد. نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت‌ها برای بهبود عملکرد خود و ماندن در گردونه رقابت علاوه بر مباحث مالی به مباحث زیست‌محیطی نیز توجه نمایند، تا از این طریق در بلندمدت بتوانند خلق ارزش نمایند. در صنایع دارو سازی تحت مطالعه، تأثیر مسئولیت محیط زیستی شرکتی بر عملکرد زیست محیطی به عنوان یک فرم عددی از شاخص پایداری محیطی که می‌تواند عملکرد شرکت را در راستای دستیابی به بهره‌وری و حداکثر سودآوری مالی بهبود دهد شناخته شده است. با این حال، قبل از اجرای استراتژی‌های زیست محیطی، برای بهبود عملکرد مالی، مدیریت باید به طور کامل فواید و محدودیت های نسبی هریک از ابعاد زیست محیطی را درک کند. به عنوان مثال، برای دستیابی به عملکرد مالی بهتر، کاهش منابع برای صنعت داروسازی در مقایسه با کاهش انتشار و نوآوری محصول مؤثرتر است. از سوی دیگر، صنعت داروسازی باید بیشتر بر نوآوری محصول سبز تمرکز کند تا عملکرد مالی آن را افزایش دهد. بنابراین، مدیریت باید به انواع مختلف استراتژی-های زیست محیطی مانند سرمایه‌گذاری و پیاده‌سازی آن با توجه به ماهیت صنعت، متکی باشد. از سوی دیگر نتایج اثرات تعدیل کننده نیز تأیید می‌کند که تأثیر مثبت عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی در این صنایع با در دسترس بودن منابع خام تقویت می‌شود. مدیران باید توجه کنند که قبل از شروع فعالیت‌های زیست محیطی، آنها باید از میزان کمبود شرکت خود پیروی کنند. برای دستیابی به مزایای بیشتر مالی حاصل از سرمایه‌گذاری زیست محیطی باید منابعی را بدست آورند. به طور خاص، اگر شرکت با منابع کم، محدود شود، فعالیت‌های زیست محیطی وضعیت مالی خود را کاهش می‌دهد و به محیط زیست کمکی نمی‌کند.

ترویج فرهنگ مسئولیت پذیری نسبت به محیط زیست و اقداماتی عملی همچون تشویق به صرفه جویی در مصرف منابع و انرژی و ایجاد چرخه بازیافت و غیره کمک می‌کند تا صنایع داروسازی، مفهوم عملکرد محیطی را به عنوان یک فرصت استراتژیک نگاه کنند.

سازمان‌های دارویی به ویژه از بخش‌های تولید و توزیع باید بدانند که سرمایه‌گذاری روی عملکرد زیست محیطی می‌تواند به سودآوری در بلند مدت منجر شود. در حقیقت سرمایه‌گذاری روی عملکرد محیطی، سرمایه‌گذاری در پایداری و رقابت پذیری خواهد بود. نتایج این پژوهش می‌تواند به منظور اخذ تصمیم بهینه و تدوین برنامه استراتژیک در صنایع داروسازی مورد استفاده قرار گیرند و با توجه ویژه بر عوامل اثر گذار زیست محیطی امکان دستیابی به عملکرد مالی مطلوب را فراهم سازند.

فهرست منابع

- انصاری، زینت؛ حجازی، رضوان؛ زراعت کیش، یعقوب؛ خانی معصوم آبادی، ذبیح اله، (۱۴۰۲)، "پیش بینی چرخه عمر و ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها با استفاده از الگوریتم درخت تصمیم و تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، 15 (57)، صص 43-68.
- بنی مهد بهمن؛ طالب نیا، قدرت‌اله؛ ازوجی حسین (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه‌ی بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی"، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، صص ۱۷۴-۱۵۰.
- تقی پوریان، یوسف؛ غدیری، بهاره (۱۳۹۶)، "اثر سیستم‌های مدیریت زیست محیطی بر روی عملکرد مالی، دومین همایش بین المللی افق‌های نوین در علوم مدیریت و حسابداری، اقتصاد و کارآفرینی ایران، تهران، انجمن افق نوین علم و فناوری.
- جعفری صمیمی، احمد؛ غلامی، زینب (۱۳۹۴)، "اثر جهانی شدن اقتصاد بر پایداری زیست محیطی: مقایسه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته"، پژوهشنامه بازرگانی سال نوزده تابستان ۱۳۹۴، ۷۵، صص ۱-۱۸.
- چاره‌پی، علیرضا؛ رضوانی، فاطمه (۱۳۹۶)، "اثر مدیریت محیطی بر عملکرد مالی بانک‌ها و شرکت‌های بیمه‌ای پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران"، اولین همایش سالانه مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران، کیش، شرکت هم اندیشان نوآور علم.
- حاجی محمد لو، بهاره؛ حاجیه‌ها، زهره (۱۳۹۹)، "ارتباط بین جو اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدیریت سود"، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، ۱۵(۲)، صص ۱۰۰-۱۰۷.
- خلیل‌پور، مهدی؛ کامیابی، یحیی؛ نبوی چاشمی، سیدعلی (۱۳۹۸)، "تأثیر رویکردهای اخلاقی حسابداران بر کیفیت اطلاعات حسابداری با نقش تعدیل‌کنندگی اندازه و اهرم مالی شرکت"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۳)، صص ۹۱-۱۱۷.
- رضایی، عماد؛ عاطفه، غزاله، (۱۳۹۶)، "بررسی تاثیر سطح افشاء عملکرد زیست محیطی بر بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، اولین همایش حسابداری، مدیریت و اقتصاد با رویکرد پویایی اقتصاد ملی، ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.

عارف منش، زهره؛ رامشه، منیژه؛ شکوهی، حامد، (۱۴۰۱)، "رابطه بین مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت با نقش مزیت رقابتی و سواد مالی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، 14(54)، صص 79-100.

علیزاده، ابوالفضل؛ موسوی، سیدنجم‌الدین؛ حکاک، محمد؛ سپهوند، رضا، (۱۳۹۹)، "تحلیل رابطه ترویج اخلاق زیست محیطی با ابعاد رفتار شهروندی سبز و عملکرد زیست محیطی در شرکت‌های تولیدی"، اخلاق در علوم و فناوری، ۱۵(۳)، صص ۴۹-۵۶.

لشگری، زهرا؛ مسگر، محمد، (۱۴۰۱)، "رشد، عملکرد شرکت و آزمون‌های مدیریت سود فصلی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، 14(53)، صص 255-276.

فرح آبادی، مسعود؛ حیدر پور، فرزانه، (۱۴۰۱)، "تأثیر جهت‌گیری محیط‌زیست بر عملکرد مالی با تأکید بر اثرات مدیریت سبز تأمین‌کننده و سرمایه ارتباطی"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، 1(1)، صص ۶۷-۹۰.

محمودزاده، میثم؛ کیقبادی، امیررضا؛ نوجوان، مهناز؛ سلطانی، فریبا، (۱۴۰۲)، "رابطه بین ریسک‌پذیری، ارزش شرکت و قضاوت مدیریت از سود"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، 2(5)، صص 139-162.

معتمدی، مجید؛ درویش متولی، محمدحسین؛ نوروززاده، احد، (۱۴۰۰)، "اثرگذاری زنجیره‌ی تأمین پویا بر عملکرد شرکت‌های دارویی"، مدیریت عملیات، 1(2)، صص ۹۵-۱۱۹.

نمازی، محمد؛ خرم دل ماسوله، زهرا، (۱۴۰۱)، "تأثیر نوآوری سبز و حسابداری مدیریت زیست محیطی بر عملکرد مالی، زیست محیطی و اقتصادی شرکت"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، 19(74)، صص 1-40.

نوکی دهقانی، محمدرضا؛ شاهوردیانی، شادی؛ موسی پور، حجت‌اله، (۱۳۹۶)، "بررسی رابطه بین مدیریت زنجیره تأمین پایدار با عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی"، دومین کنفرانس سالانه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، اهواز، دانشگاه شهید چمران - سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان. نصیری، سپیده سادات؛ سلیمانی امیری، غلامرضا، (۱۳۹۹)، "ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری در ایران"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۴۵(۱۲)، صص ۱۶۰-۱۳۵.

Muhammad, A., Ishamuddin, M., Sharina, O., Umar, H., (2021), "University Social Responsibility: A Review of Conceptual Evolution and its Thematic Analysis", Journal of Cleaner Production, 286(1), 124931.

Brandenburg, M., Govindan, K., Sarkis, J. S. Seuring (2014), "Quantitative Models for Sustainable Supply Chain Management: Developments and Directions". European Journal of Operational Research, 233(2), PP. 299-312.

- Bobitan.R., stefea, P. (2017), "Integrated Reporting for a Good Corporate Governance Ovidius University Annals", Economic Sciences Series, XVII, 1, PP. 94-100.
- Budiarso, N, S., Subroto, B., Sutrisno, T., Pontoh, W. (2019), "Dividend catering, life-cycle, and policy: Evidence from Indonesia". Cogent Economics & Finance, 7, PP. 1-15.
- Carton, J. S., Ries, M., & Nowicki Jr, S, (2021), "Parental Antecedents of Locus of Control of Reinforcement: A Qualitative Review". Frontiers in Psychology, 12, PP. 1-9.
- Darvish Motevalli, M., Ebrahimi, M. (2021), "A New Model to Analyze the Efficiency of a Multilevel Drug Supply Network for Hospitals". Journal of System Management, 7(2), PP. 59-81.
- Bartolacci, F, Paolini, A., Grazia Quaranta, A., Soverchia, M., (2018.), "The relationship between good environmental practices and financial performance: Evidence from Italian waste management companies", Sustainable Production and Consumption, In press, uncorrected proof, 14(1), PP.129-135.
- Hirigoyen, G., Poulain-Rehm, T, (2015), "Relationships between Corporate Social Responsibility and Financial Performance: What is the Causality?", Journal of Business & Management, 4(1), PP. 18-43.
- Jiannan, W., Mengmeng Xu., Pan Zhang, (2017), "The Impact of Governmental Performance Assessment Policy and Citizen Participation on Improving Environmental Performance across Chinese Provinces", Journal of Cleaner Production, In press, 184(2), PP. 1-16.
- Luo, Y., Park, S. H. (2001), "Strategic alignment and performance of market-seeking MNCs in China", Strategic Management Journal, 22(2), PP. 141-155.
- . Najadat, H., Al-Daher, I., Alkhatib, Kh. (2020), "Performance Evaluation of Industrial Firms Using DEA and DECORATE Ensemble Method". The International Arab Journal of Information Technology, 17,5, PP750-757.
- Clarkson, P. M., Li, Y., Richardson, G. D. & Vasvari, F. P. (2008). Revisiting the relation between environmental performance and environmental disclosure: An empirical analysis. Accounting, Organizations and Society, 33(4-5), 303-32. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.aos.2007.05.003>.
- Omidi, M., Min, Q., Moradinaftchali, V., Piri, M. (2019), "The Efficacy of Predictive Methods in Financial Statement Fraud". Discrete Dynamics in Nature and Society, 4, PP. 1-12.
- Omrani, S., Jafari, M., Mansori, A., (2019), "Analysis of Financial Performance of Cement Industry Manufacturing Companies in Tehran Stock Exchange Using the FAHP Technique and the TOPSIS Method". independent journal of management & production, 10, PP. 512-536.
- Tulcanaza-Prieto, A.B., Lee, Y., Koo, J., H. (2020), "Effect of Leverage on Real Earnings Management: Evidence from Korea", Sustainability. 12(6), PP. 22-32.
- Chen, P, H, Ong, Ch, F, Shu-Chien, Hsu. (2016), "Understanding the relationships between environmental management practices and financial performances of multinational construction firms". Journal of Cleaner Production, 139(15), PP. 750-760.
- Qian, W., Hörisch, J., S. Schaltegger, (2018), "Environmental Management Accounting and Its Effects on Carbon Management and Disclosure Quality", Journal of Cleaner Production, 174, PP. 1608-1619.
- Shah, M., Sarfraz, M., Khawaja, K.F., Tariq, J., (2020), "Does Narcissism Encourage Unethical Pro-Organizational Behavior in the Service Sector? A Case Study in Pakistan". Global Business and Organizational Excellence, 40(1), PP. 44-57.

- Sarumpaet, S, (2005), "The Relationship between Environmental Performance and inancial Performance Amongst Indonesian Companies", Jurnal Akuntansi & Keuangan, 7(2), PP. 89- 98.
- Tan, S, H., Siow-Hooi, M., Tan, S.K., Choon, S.W. (2017), "The impact of the dimensions of environmental performance on firm performance in travel and tourism industry", Journal of Environmental Management, 203, 1, PP 603-611.
- Zhang, Ran., Stern, David I., (2007), "Firms' Environmental and Financial Performance: An Empirical Study", Rensselaer Polytechnic Institute. FEEM CSR PAPER 19.PP. 1-12.

Abstract

Application of regression panel in order to analyze the impact of bio performance Environment on the financial performance of pharmaceutical industries

Majid Moatamedy¹
Mohammad Hossein Dervish motevalli²

Received: 6 / July / 2025

Accepted: 6 / September / 2025

Abstract

The main purpose of this research is to investigate the impact of the general dimensions of environmental performance on the financial performance of companies in the pharmaceutical industry. The research method in this research is applied from the point of view of the results and purpose, and in terms of the nature of the implementation, it is descriptive and survey type, and the information is collected from library and field methods. The statistical population of this research is 40 pharmaceutical manufacturing companies active in the Tehran Stock Exchange and their performance has been investigated during the years 2017 to 2021. In this research, statistical calculations have been done to test the hypotheses based on the regression panel using specialized software.

The findings of the research showed that the dimensions of environmental performance have a positive and significant effect on financial performance in the pharmaceutical industry. And it was also found that mass resources moderate the effect of environmental performance on financial performance, and in this way, the more the company's mass resources are, the greater the positive effect will be. The results of this research can be used in developing strategic plans for these industries and in order to increase profitability and public trust.

Keywords: Environmental Performance, Financial Performance, Mass Resources, Regression panel, Pharmaceutical Industry.

¹.Department of Industrial Management, Nos.C., Islamic Azad University, Noshahr, Iran. Mhd.darvish@iau.ac.ir

². Department of Industrial Management, WT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author). Mhd.darvish@iau.ac.ir



تاثیر برنامه جانشینی بر مشتری، شرکا و فرهنگ در موسسات حسابداری ایران

میترا ملکی^۱

محمدرضا مهربان پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶

چکیده

در کشور ما، به ندرت می‌توان موسسه‌های حسابداری با عمر طولانی مشاهده کرد. معمولاً موسسه‌ها با فوت موسس، عملاً به سمت تعطیلی پیش می‌روند. این امر می‌تواند تا حدودی اهمیت موضوع جانشینی در موسسات حسابداری را نشان دهد. هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر برنامه جانشینی بر مشتری، شرکا و فرهنگ در موسسات حسابداری ایرانی برای نخستین بار می‌باشد. روش پژوهش کمی و پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش، ابتدا پرسشنامه محقق ساخته تولید و پیش‌آزمون شد و آزمون روایی با استفاده از نظرات خبرگان صورت پذیرفت. همچنین ضریب پایایی آزمون با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، بالاتر از ۰.۷ به دست آمد و تایید شد. سپس در مرحله نهایی، در سال ۱۴۰۰ پرسشنامه نهایی و تأیید شده بین شرکای حسابداری، توزیع و گردآوری شد. پس از جمع‌آوری و تلخیص داده‌ها با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس و نرم افزار اس پی اس اس، از طریق شاخص‌های توصیفی و آمار استنباطی و مدل معادلات ساختاری به واکاوی داده‌ها پرداخته شد. تاثیر جانشینی از سه بعد جانشینی نیروی انسانی (شرکا و نیز کارکنان ارشد)، جانشینی مشتریان و نیز موسسه جانشین بر متغیرهای وابسته طی ۸ فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که برنامه جانشینی بر وفاداری مشتری به برند یا شریک، همچنین داشتن مهارت منحصر به فرد یک شریک، رفع موانع شخصی و تعهدات؛ و در صورت ادغام بر فرهنگ موسسه و ظرفیت و توانایی و تداوم و پیوستگی آن تاثیرگذار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جانشینی، وفاداری مشتری، شریک حسابداری، موسسه حسابداری.

۱. گروه حسابداری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران mitra.maleki@iau.ac.ir

۲. گروه حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول): mehrabanpour@ut.ac.ir



۱- مقدمه

اگر به برخی موسسه‌های حسابرسی بزرگ غربی توجه کنیم، خواهیم دید که در طول دهه‌ها و بلکه سده‌های متمادی به حیات خود ادامه می‌دهند. در واقع با فوت موسسین آنها یا فروش موسسه به دیگران، هیچ مشکلی در مسیر فعالیت‌های آنها به وجود نمی‌آید. اما در کشور ما، به ندرت می‌توان موسسه‌هایی با عمر طولانی مشاهده کرد. معمولاً موسسه‌ها با فوت موسس عملاً به سمت تعطیلی پیش می‌روند. شاید به زحمت بتوان در کشور، نام و نشان تجاری پیدا کرد که با جانشینی به حیات پایدار خود بدون مشکل ادامه داده باشد. بنابراین منظور از جانشینی این است که موسسه بتواند به صورت برنامه ریزی شده با موسسه ای دیگر همکاری کند، در آنها ادغام شود یا موسسه ای دیگر را خریداری نماید، مدیرانی از درون موسسه تربیت کند یا از بیرون موسسه استخدام کند، به نحوی که حرکت موسسه به سوی اهداف معین شده و به شکلی پایدار استمرار داشته باشد. بدون شک، هر مدیری باید از طریق جانشینی منظم یا نامنظم از سازمان جدا شود. جانشینی مدیر یک پدیده اجتناب ناپذیر در طول عمر سازمان است که دارای مزایا و معایب خاصی است (پیچ، ۲۰۱۸، لی و همکاران، ۲۰۲۰).

این موضوع که سرمایه انسانی متخصص و دانش مدار بخشی از دارایی های یک سازمان و مهمترین مزیت رقابتی، در اقتصاد دانش محور امروز است، از بدیهیات مدیریت منابع انسانی به شمار میرود، و از آنجا که امروزه ارائه محصولات و خدمات متفاوت و باکیفیت، کاهش هزینه ها، خلاقیت و نوآوری و افزایش رقابت پذیری از مزایای وجود منابع انسانی کیفی و دانش مدار است، بنابراین راهبردکسب وکار سازمان ها بر محور منابع انسانی متمرکز شده است. بر این اساس توجه به جانشین پروری از راهکارهای توسعه و بقای سازمانها به شمار میرود، و این ضرورت هنگامی بیشتر مورد توجه قرار میگیردکه تمامی سازمان های تولید درصددند تا باروش های جدید استعدادهای مورد نیاز خود را آشکار کنند و در سازمان خود به کارگیرند (گرامیان، ۱۳۹۴).

در مباحث سرمایه فکری نیز به اینگونه مفاهیم اشاره شده است. بعنوان مثال بونتیس در سال ۱۹۹۸ سرمایه فکری را به سه دسته سرمایه انسانی، ساختاری و ارتباطی تقسیم نمود (چانگ، ۲۰۰۷). سرمایه انسانی: شامل دانش فنی، مهارتها، ویژگیهای رهبری مدیران ارشد، نوآوریها، انگیزش (بعد مالی و بعد غیر مالی) و قابلیت سازگاری است. سرمایه ساختاری: فرهنگ شرکت، ساختار، فرایندها و رویه های کاری است. سرمایه ارتباطی: مشتریان (میزان رضایت آنها از محصولات و خدمات)، مشتریان (تعداد آنها)، ارتباط با تأمین کنندگان (آگاهی داشتن از این ارتباطات) است (نیکبخت، دیانتی دیلمی، مومنی و احمدی، ۱۴۰۰). داشتن یک برنامه جانشینی آگاهانه در موسسات حسابرسی بر روابط با مشتریان، برنامه های شرکاء، رشد پرسنل و اهداف شغلی آن ها و آینده موسسه تاثیر گذار می باشد. در مواقعی که به فکر رشد موسسه و بزرگتر شدن آن و خواهان تدام فعالیت موسسه هستیم، ادغام می تواند روشی تاثیرگذار و قابل تامل باشد.

در این پژوهش، جانشینی در موسسات حسابرسی از سه بعد مورد بررسی قرار گرفته است:

- (۱) جانشینی نیروی انسانی یا جانشینی داخلی (شرکا و نیز کارکنان ارشد): هنگام بازنشستگی یکی از شرکای فعلی، چه کسی و با چه شرایطی جایگزین او می شود؟ کارکنان ارشد چگونه رشد کرده، ارتقاء یافته و احتمالا تا مرحله جایگزینی شریک بالا می آیند؟
- (۲) جانشینی مشتریان: نحوه حفظ مشتریان فعلی چگونه است؟ در صورت از دست دادن یک مشتری، چگونه مشتریان جدید را جایگزین آنها کنیم؟
- (۳) موسسه جایگزین یا جایگزینی خارجی: به موسسه ای گفته می شود که از ادغام چند موسسه حسابرسی دیگر تشکیل می شود (در موارد ادغام)، یا موسسه ای که با اکتساب سایر موسسات حسابرسی، بزرگ تر می شود (در موارد اکتساب). به عبارت دیگر، موسسه جایگزین یعنی موسسه ای که جانشین موسسات حسابرسی قبلی شده، جوابگوی کارها و تعهدات باقی مانده آنها بوده و امتیاز همکاری با مشتریان همه آن موسسات را بدست می آورد.

هدف این پژوهش ارائه راه حل ها و پیشنهادهایی به مدیران موسسات حسابرسی در کشور می باشد که چگونه با یک برنامه ریزی دقیق، در زمان مناسب همکاری خود با موسسه حسابرسی را کم و در نهایت قطع کرده به گونه ای که موسسه مانند قبل به فعالیت خود ادامه داده و مشتریان و پرسنل کلیدی خود را حفظ کند. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به شرایط کشور ما، مدل مناسب جانشینی چگونه است؟ و تاثیر برنامه جانشینی بر نگرش شرکای موسسات حسابرسی و حفظ مشتریان و کارکنان کلیدی چگونه است؟ پژوهش حاضر از جنبه های مختلف و متعددی دانش افزایی می کند. نخست اینکه، با وجود اهمیت بسیار موضوع، تاکنون در ادبیات داخلی و خارجی، توجه چندانی به موضوع جانشینی در موسسات حسابرسی نشده و خلاء مطالعاتی در این حوزه کامل محسوس است. دوم اینکه، مدل خروجی این پژوهش می تواند در سطح موسسات حسابرسی کشور مورد عمل قرار گیرد و به توسعه حرفه حسابرسی کمک عملی نماید. با توجه به ماهیت عملی این پژوهش و خدمتی که به موسسات حسابرسی و حرفه حسابرسی ایران می نماید، بسیار ارزشمند است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- جانشین پروری

بسیاری از سازمان هایی که در مسیر زوال و نابودی قرار دارند، برای تأمین نیازهای آینده خود به مدیران، برنامه ای ندارند و امور را به دست حادثه و زمان می سپارند و در رویارویی با مسائل، به صورتی واکنشی عمل می کنند، ولی سازمان هایی که به دنبال حفظ و ارتقای جایگاه خویش هستند، برنامه ریزی خود را بر شناسایی و پرورش استعداد های مدیریتی درون سازمانی (در ابتدا) و برون سازمانی متکی می کنند (ابوالعلایی و غفاری،

(۱۳۸۶). محیط تجاری در دهه‌های اخیر به سبب توسعه اقتصاد دانش‌محور و توجه ویژه به سرمایه فکری و اجزای آن دچار تغییرات اساسی شده است. به بیان دیگر، بررسی روند تغییرات عمده در محیط نوین کسب‌وکار بیانگر این موضوع است که واحدهای اقتصادی، به ویژه واحدهای خدماتی، دانش‌محور، مبتنی بر محصولات با فناوری بالا و رقابت شدید، جهت دستیابی به انواع مزیت‌های رقابتی و به تبع آن ثروت‌آفرینی، بیشتر توجه خود را به جای سرمایه‌گذاری بر روی دارایی‌های مالی و فیزیکی، به سرمایه‌گذاری وسیع بر روی دارایی‌های نامشهودی مانند دانش و شایستگی منابع انسانی، نوآوری، روابط با مشتریان، فرهنگ سازمانی، نظام‌ها و ساختارهای سازمانی و غیره، معطوف نموده‌اند (صفی‌خانی و همکاران، ۱۴۰۰). موضوع جانشینی نیز در زمره اینگونه موارد قرار دارد. به طور معمول، فرایندهای جانشین‌پروری دو هدف اصلی دارند: هدف اول، انتخاب جانشینان یا تعیین نامزدهای مناسب براساس معیارهایی که تعیین می‌شود؛ و هدف دوم، آماده‌سازی سازمان برای انتقال مدیریت و کنترل سازمان از نسل قدیمی به نسل جدیدتر. باتوجه به اینکه برنامه‌ریزی جانشین-پروری، تمام فعالیت‌های مربوط به این فرایند را پوشش می‌دهد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین خروجی سازمان دارد و به همین خاطر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (میشل و کمرلندر، ۲۰۱۵). برنامه‌ریزی جانشین‌پروری به سازمان اجازه می‌دهد تا برای مواجه شدن با غیبت، ترک خدمت، فوت، بازنشستگی یا جابه‌جایی و انتقال افراد آماده شود. دیگر نمی‌توان وقایع آینده را به بخت و اقبال واگذار نمود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). امروزه باتوجه به نیاز روزافزون به نظام مدیریت جانشین‌پروری، تلاش‌های اندکی در زمینه بررسی عوامل مهم برای استقرار نظام جانشین‌پروری مطلوب انجام شده است (هادی زاده مقدم و سلطانی، ۱۳۹۰). بنابراین، بدیهی است برنامه جانشین‌پروری، فراگرد آسانی نیست که بتوان آن را به سادگی برنامه‌ریزی کرد و به کار بست، موانع و مشکلاتی وجود دارد که اگر مدنظر قرار نگیرند و حل نشوند این فراگرد را کند و حتی محو می‌نماید که این موانع به چهار دسته سازمانی، مدیریتی، رفتاری و ساختاری تقسیم بندی شده‌اند (طوطیان اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۸). در اکثر پژوهش‌ها مسیر جانشینی به صورت زیر می‌باشد: ۱- یک توافق مشارکتی موثر ایجاد کنید. ۲- استعداد مورد نظر را بیابید. ۳- آن استعداد را در جانشین داخلی ایجاد کنید. ۴- مطمئن شوید توافقات مناسب مالی دارید. ۵- طرح انتقال قوی را ایجاد کنید. و ۶- یک طرح مالی دقیق را ایجاد کنید.

۲-۲- انواع جانشینی

یکی از تصمیمات اساسی سازمان‌ها در رابطه با استراتژی خود، توسعه استعدادهای داخلی (مدل ساخت) یا استخدام خارجی (مدل خرید) است (اوولابی و اودسون، ۲۰۲۱). یکی از مشکلاتی که در حرفه در سراسر دنیا (و در کشور ما هم) مطرح است، پیرشدن نسل قدیم حسابداران رسمی و خروج آنها از صحنه حرفه و نداشتن جایگزین مناسب برای آنها است. برای جبران این کمبود، بسیاری از موسسات حرفه‌ای از طریق ادغام با موسسات دیگر یا تحصیل موسسات کوچک‌تر سعی می‌کنند ساختار نیروی انسانی مناسب‌تری ایجاد کنند.

معهدا این شیوه‌ها فقط به عنوان یکی از راه حل‌ها مطرح بوده و بسیاری از موسسات حرفه ای تلاش می‌کنند نیروی جوان خود را تربیت کرده، آموزش داده و آنها را برای پذیرش مسئولیت‌های بیشتر آماده کنند (مشیرزاده، ۱۳۹۸).

۲-۱-۲- موسسه جایگزین (از طریق ادغام یا اکتساب)

امروزه موسسات بزرگ حسابرسی، به ویژه چهار موسسه بزرگ، نتیجه صدها سال ادغام و تحصیل هستند و به نظر نمی‌رسد این الگو در قرن ۲۱ محدودتر شود. رشد اندازه شرکت‌ها از طریق ادغام با رقبا، از پیشرفت‌های اقتصاد مدرن است. هیچ شرکت آمریکایی بزرگی وجود ندارد که از طریق ادغام رشد نکرده باشد (استیگلر، ۱۹۵۰). تجربه‌های عملی نشان می‌دهد که هم در شرایط رکود و نهم در شرایط افول، راهبردهای ادغام و اکتساب مورد استفاده نهادهای مالی قرار می‌گیرند. در وضعیت رونق، نهادهای مالی تشویق به همگرایی یا اکتساب شرکت‌های دیگر می‌شوند و در شرایط بحرانی، به دنبال ادغام و بقا هستند (والتر، ۲۰۰۴). مطالعات در مورد ادغام مؤسسات حسابرسی بزرگ نشان می‌دهد که ادغام‌ها، اعتبار مناسبی را ایجاد کرده اند که از توسعه نام تجاری و تخصص مؤسسات ادغام شده جدید، ناشی می‌شوند (فرگوسن و استوکس، ۲۰۰۲). عدم موفقیت برخی ادغام‌ها نشان دهنده تفاوت میان "تناسب راهبردی" و "تناسب سازمانی" میان مؤسسات است. گرین وود و همکاران (۱۹۹۴) به این نکته اشاره می‌کنند که مذاکرات اولیه ادغام بیشتر بر "تناسب راهبردی" میان دو موسسه، مانند صرفه‌جویی اقتصادی ناشی از مقیاس، تخصص گرایی بیشتر و بهبود پوشش جغرافیایی تاکید دارد. در مقابل، معمولاً توجه کمتری به "تناسب سازمانی" می‌شود که بیشتر بر ساختار موسسه، فرآیندهای تصمیم گیری و عوامل فرهنگی متمرکز است (گرین وود، هینگر و براون، ۱۹۹۴). با توجه به ادغام‌های صورت گرفته در کشور ما در چند سال اخیر، تجربه نشان داده که اکثر ادغام‌ها موفقیت آمیز نبوده است. لذا در این پژوهش، چند مورد زیر که برای انتخاب موسسه جهت ادغام نقش حیاتی دارند، مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از این موارد عبارتند از:

• فرهنگ

به طور کلی فرهنگ دربردارنده مجموعه‌ای از فاکتورهای رفتاری است که ریشه در باورهای اساسی دارد. رعایت فاکتورهای رفتاری، ارزش‌هایی را برای فرد به ارمغان می‌آورد (ریگل، ۲۰۰۱). فرهنگ، چارچوب‌هایی برای حد و مرزهای رفتارهای مثبت و غیرقابل قبول ارائه می‌دهد (جنکینز، دیس، بیدارد و کورتیس، ۲۰۰۸). پیروی از این چارچوب‌ها، یکپارچگی را در سازمان به دنبال می‌آورد (رضانی، آذین فر، روشن و فلاح، ۱۴۰۱). امروزه مدیران سازمان‌های بزرگ به این نتیجه رسیده اند که فرهنگ سازمانی به عنوان سرچشمه همه توانایی‌های سازمانی محسوب می‌شود (فرهی بوزنجانی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین هرگونه تغییر و تحول بنیادی موفقیت‌آمیز در هر سازمانی تنها از طریق شناخت دقیق ویژگی‌های فرهنگ سازمانی آن سازمان همراه با اتخاذ راهبردهای اساسی مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و مفروضات اساسی آن سازمان ممکن میشود (محمدنسل،

۱۳۹۳). جونز (۱۹۹۵) در بررسی عدم پذیرش ادغام نشان می‌دهد که شرکا معمولاً بر مبنای میزانی به ادغام رای می‌دهند که بر منابع آنها تأثیر می‌گذارد و نه بر مبنای ارزش آن برای سازمان در سطح بین‌المللی. همچنین شرکای انگلیسی بر این باورند که دستیابی به رشد و منابع جدید، نیازی به ادغام ندارد و نگران این موضوع هستند که فرهنگ درون سازمانی آن‌ها از طریق ادغام ضربه ببیند (جونز، ۱۹۹۵).

• ظرفیت یا توانایی

آیا در صورت ادغام، توانایی جذب مشتریان جدید یا فروش سایر به مشتریان فعلی را دارید؟ بیشتر ادغام‌ها با این تصور انجام می‌شوند که فرصت‌های رشد ایجاد خواهند کرد. چنانچه به فکر ادغام یا اکتساب هستیم باید به این نکته توجه شود که با این تغییرات در زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های موسسه تغییرات مثبتی ایجاد شود.

• تداوم یا پیوستگی

بسیاری از مشتریان و کارکنان، ممکن است به شرایط فعلی و نحوه عمل قبل از ادغام عادت کرده و از آن رضایت داشته باشند. بنابراین، اگر ادغام با تغییرات بسیار زیاد همراه باشد، احتمالاً موفقیت‌آمیز نخواهد بود. بطور کلی مشتریان از تغییرات استقبال نمی‌کنند و تغییرات محسوس و زیاد موجب ترس آنها می‌شود.

۲-۲-۲- جانشین داخلی

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف و مالکان شرکت‌ها، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌ها است. بستری مناسب در شرکت‌ها موجب می‌گردد تا افراد با حس مسئولیت‌پذیری و تعهد کامل به مسایل، در جامعه و حرفه به انجام کار بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند (علیزاده‌گان، صمدی لرگانی و ایمنی، ۱۴۰۱).

سازمان‌های عصر حاضر در یک محیط کاملاً رقابتی و بسیار پویا فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین سرمایه آنها، کارکنان شان می‌باشد. استمرار و تداوم مزیت رقابتی سازمان‌ها، در چنین شرایطی در داشتن کارکنان دانش‌گرا، خلاق و نوآور است که می‌توانند با اصلاح یا تغییر آگاهانه در کارکردها و فرآیندها مزیت پایدار برای سازمان خود خلق نمایند (زمردیان و رستمی، ۱۳۸۹). تلاش‌های استراتژیک برای اطمینان از اینکه کارکنان ماهر، سازنده و با عملکرد بالا در سازمان در مدت زمان طولانی حفظ می‌شوند، انجام می‌شود. برنامه‌ریزی جانشین‌پروری را می‌توان به عنوان فعالیت مدیریتی توصیف کرد که بر برنامه‌ریزی کارکنان متمرکز است، که مستلزم شناسایی، استخدام و توسعه کارکنانی است که می‌توانند سمت‌های رهبری یا مدیریت را به عهده بگیرند (اوولابی و اودسون، ۲۰۲۱). دلایل عدم موفقیت برنامه جانشینی یا عدم تمایل مدیران برای انتخاب جانشین شامل طیف گسترده‌ای از عوامل، مانند عدم آمادگی و برنامه‌ریزی جانشینی کافی، فقدان جانشینان قابل دوام، عدم تمایل صاحبان کسب و کار به واگذاری کنترل شرکت، و ماهیت و دوام خود شرکت است

(باراخ و گانی‌تسکی، ۱۹۹۵؛ دی ماسیس و همکاران، ۲۰۰۸؛ شارما، کریسمن و چوا، ۲۰۰۳). برخی از این دلایل که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، عبارتند از:

• موانع شخصی و حرفه‌ای

بسیاری از این علل جانشینی ناموفق ریشه‌های روانی دارند، که برخی از آنها به تصورات متصدیان جانشین و برخی دیگر به ویژگی‌های جانشین مربوط می‌شود. ادراکات فعلی ممکن است از ویژگی‌های آن‌ها، مانند نیاز به کنترل (برگر، ۱۹۹۲) و تمایل به اعتماد به دیگران ناشی شود. علاوه بر این، این ادراکات ممکن است به ویژگی‌های جانشین مانند مهارت‌ها و انگیزه نیز مربوط باشد. تصورات فعلی می‌تواند به طور بالقوه بر تعاملات با جانشین تأثیر بگذارد و در نهایت مهارت‌ها و انگیزه‌های جانشینان (مارلین گاگنه و همکاران، ۲۰۱۹).

• پاسخگویی

بیشتر صاحبان و شرکا، خودمختاری در اداره کار خود را دوست دارند. ایده از دست دادن میزان کنترل بر موسسه از نظرشان بسیار ناخوشایند است.

• مهارت‌های منحصر به فرد

این مورد نیز یکی دیگر از عوامل مهمی است که بر زمان‌بندی یک برنامه جانشینی تأثیر می‌گذارد. افراد در روش فکر کردن، تشریح محیط و چگونگی واکنش در برابر محیط، منحصر به فرد هستند، یعنی افراد دارای ویژگی‌هایی هستند که در مجموع هستی آنها را تشکیل می‌دهد و این ویژگی‌های فردی می‌تواند بر رفتار و عملکرد آنها موثر باشد. ویژگی‌های حسابرسی را می‌توان به دو گروه ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های ساختاری تقسیم‌بندی کرد. ویژگی‌های فردی خصوصیتی است که تا حدودی منحصر به حرفه حسابرسی است. استقلال، صلاحیت حرفه‌ای و صلاحیت اخلاقی از جمله ویژگی‌های فردی حسابرسی است (بابایی خلیلی، عبدلی و ولیان، ۱۴۰۰). از جمله ویژگی‌هایی که رفتار و عکس‌العمل افراد را ممکن است تحت تأثیر قرار دهد ویژگی‌هایی مانند تجربه، اعتماد به نفس و امیال و کشش‌های درونی می‌باشد (پورحیدری و بذرافشان، ۱۳۹۲). مهارت‌های فنی و یا تجربه تنها مسائلی نیستند که باید در نظر گرفته شوند. سینکین و پوتنی (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که ما شاهد مشکلاتی در جایگزینی شرکایی بودیم که به زبان دیگری غیر از زبان انگلیسی صحبت می‌کردند و یا میراث قومی یا فرهنگی خاصی داشتند که بیشتر پایگاه مشتریان به اشتراک گذاشته شده است.

۲-۳- جانشینی مشتری

همه مدیران از اهمیت حفظ و نگهداری مشتریان آگاه اند. همچنین حفظ و نگهداشتن مشتری قدیمی، چهار تا شش برابر کم هزینه‌تر از ایجاد مشتری جدید است (موون و مینور، ۲۰۰۲). تا جایی که اخیراً شرکت‌ها روی وفاداری مشتریان و حفظ آنها تمرکز زیادی کرده اند. به گفته بسیاری از محققان، یکی از عوامل مهم در وفادار کردن مشتریان، رضایت آنها است. تا آنجا که بسیاری از افراد رضایت را مساوی وفاداری می‌دانند. بنابراین

شروع برنامه جانشینی با بررسی این مسئله مهم است که مالک قبل از اینکه تعهد زمانی خود نسبت به موسسه را کاهش بدهد، چقدر دیگر با مشتری ارتباط خواهد داشت. در محیطی حرفه ای، باید به اندازه کافی با جانشین نهایی خود ارتباط داشته باشیم تا فرصتی به مشتریان ارائه بدهیم، برای اینکه در سطح راحتی با آنها تعامل نمایند (مهربان پور و جعفری، ۱۳۹۷). نظام مالی-اقتصادی موتور محرکه هر سیستم اجتماعی و فرهنگی است، زیرا بدون وجود پشتوانه های مالی، قدرت ایجاد یا انجام دادن فعالیت از سازمان گرفته میشود. (رجب دری، حسین و همکاران، ۱۴۰۱). موسسات حسابرسی نیز از این مهم استثناء نیستند در نتیجه حفظ مشتری یکی از مهمترین موضوعات می باشد. یکی از متغیرهایی که در تعیین میزان کاهش سرعت نقش، مهم می باشد، این است که آیا مشتریان به شریک وفادار هستند و یا به برند؟ راه هایی برای وابستگی وجود دارد که اعضای آماده بازنشستگی یک موسسه حسابرسی را قادر می سازد تا کنترل و درآمد را حفظ کنند و در عین حال مشتریان و جانشینان خود را به تدریج به یکدیگر متصل کنند. یکی از راه های مشارکت فعال در انتقال، مشارکت در صورت نیاز و پس از انتقال مالکیت شرکا است. هرچه مشارکت شریک در انتقال اعتماد طولانی تر و فعال تر باشد، بیشتر احتمال خواهد داشت، ارزش موسسه شما را افزایش دهد و به شما اجازه می دهد تا انتقال رضایتبخش تری در خصوص روابط مشتری داشته باشید. اگر مشتریان به شریک وفادار باشند، به احتمال زیاد انتقال آنها و برنامه جانشینی در خصوص آنها بیشتر طول می کشد تا موفقیت آمیز انجام شود. هرچقدر اندازه موسسه حسابرسی کوچک تر باشد احتمال وفاداری به شریک بیشتر می باشد و جانشینی نیاز به برنامه طولانی تری دارد (مهربان پور و جعفری، ۱۳۹۷). نکته مهم دیگر این است که تغییرات یا سرمایه گذاری های داخلی نیز باید در رابطه با زمان بندی جانشینی در نظر گرفته شود. هنگامی که در حال بررسی مسائل مربوط به جانشینی هستیم، موسسه جانشین خود را به تعهدی که دارید، متعهد می کند.

۳- پیشینه پژوهش

پژوهش ها و مطالعات صورت گرفته درباره جانشینی در موسسات حسابرسی در سطح بین المللی بسیار اندک بوده و در سطح ملی نیز هیچ پژوهشی در این باره صورت نگرفته است. البته پژوهش های مختلفی در مورد جانشین پروری در بخش های مختلف بجز حوزه حسابرسی صورت گرفته که به برخی در زیر اشاره می کنیم. شاهین طیار و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان شناسایی و تبیین رفتارهای مشاهده پذیر فرهنگ جانشین پروری در صنعت بیمه ایران با هدف اکتشاف و تبیین رفتارهای مشاهده پذیر فرهنگ پشتیبان برنامه- های جانشین پروری در صنعت بیمه ایران دریافتند که الگوهای رفتاری فرهنگ جانشین پرور شامل رفتارهای مشاهده پذیر محتوایی و ساختاری می باشند. همچنین در بین رفتارهای مشاهده پذیر فرهنگ، پیاده سازی برنامه های جانشین پروری، مدیریت تغییر و تحول جانشین پرور و مدیریت شایستگی ها، بیشترین حمایت را از مدل اندازه گیری داشته اند.

یافته‌های پژوهش صالحی و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان تدوین الگوی جانشین پروری با رویکرد نظریه داده بنیاد در ادارات کل ورزش و جوانان کشور، بیانگر آن است که ارزش‌های حرفه‌ای و پویایی سازمانی با فراهم‌سازی بسترهای ساختاری، قانونی و شبکه‌سازی راهبردی می‌توانند زمینه‌ساز توسعه نظام جانشین پروری شوند. در این راستا با ارزیابی عملکرد، دانش افزایشی، تدوین برنامه توسعه فردی و متناسب سازی شغل و شاغل می‌توان پیامدهایی همچون توسعه پایدار منابع انسانی، افزایش تعداد کارکنان و بهره‌وری سازمانی انتظار داشت و با تاکید بر رشد شخصی و حرفه‌ای کارکنان و تدوین برنامه‌های توسعه پایدار منابع انسانی، استقرار نظام جانشین پروری به موفقیت منتهی می‌شود. آداگبر (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان برنامه‌ریزی جانشین-پروری برای توسعه سازمانی در نیجریه نشان داد که بین نقش مدیریت، جانشین پروری و توسعه سازمانی ارتباط وجود دارد. اگرچه روش جانشین پروری مورد استفاده یک شرکت تأثیر بسزایی بر موفقیت سازمانی دارد، اما نگرش به این امر تحت تأثیر رویکرد جانشین پروری است. گلدمان و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان برنامه ریزی جانشین‌پروری، برنامه‌ریزی بقا است: مطالعه موردی تجزیه و تحلیل جانشینی در مشاغل کوچک تا متوسط متعلق به خانواده انجام دادند؛ که در این پروژه مطالعه موردی بر روی عواملی متمرکز شد که بر موفقیت برنامه‌ریزی جانشین‌پروری برای کسب و کارهای خانوادگی خانواده اول، مستقر در ایالات متحده، کوچک و متوسط تأثیر می‌گذارد. این مطالعه هفت عامل را شناسایی کرد: فرهنگ، ویژگی‌های خانواده، ویژگی‌های بنیانگذار، کنترل خانواده، رهبر غیرخانواده، ویژگی‌های جانشین و تغییر نسل. با درک این عوامل، مشاغل خانوادگی می‌توانند برنامه‌ریزی جانشین‌پروری را بهبود بخشند و احتمال بقای مشاغل خود را برای نسل بعدی افزایش دهند. آنتهانی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان جانشینی مدیرعامل و تصمیم‌گیری هیئت مدیره: راه‌هایی را برجسته می‌کنند که محققان می‌توانند درک عمیق‌تری از فرآیندهای جانشینی مدیرعامل با سرمایه‌گذاری بر دانش و شیوه‌هایی که از دید خرد بیشتری مانند روان‌شناسی صنعتی و سازمانی (IO)، منابع انسانی (HR) و رفتار سازمانی (OB) قابل مشاهده است، توسعه دهند. به طور خاص، آنها با استفاده از درس‌هایی در مورد استخدام، آموزش، تناسب، فرهنگ، انتخاب، جابجایی، منابع سرمایه انسانی و تصمیم‌گیری از تحقیقات روانشناسی IO، HR و OB برای گسترش درک خود در مورد جانشینی مدیرعامل و تصمیم‌گیری هیئت مدیره حمایت می‌کنند. مینکوان و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان چه چیزی افشای داوطلبانه برنامه جانشینی مدیرعامل را تعیین می‌کند؟ دریافتند که شرکت‌ها به احتمال زیاد افشای برنامه‌ریزی جانشینی مدیرعامل را در زمانی آغاز می‌کنند که ۱- تمرکز بخش (که ارتباط منفی با پیچیدگی سازمانی دارد) کمتر می‌شود، ۲- هیئت مدیره مستقل‌تر می‌شود. ۳- مدیرعامل به سن ۶۴ سالگی بازنشستگی رسیده باشد. ۴- مدیر عامل نسبت به سایر مدیران اجرایی در بازار کار صنعت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ۵- تعداد تحلیلگرانی که دنبال می‌کنند (منعکس کننده نظارت خارجی) افزایش می‌یابد و ۶- دوره تصدی مدیرعامل (منعکس کننده استقرار مدیرعامل) کاهش می‌یابد. مایک (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "مدیریت جانشینی"، اهمیت جانشینی در هنگام کمبود نیروی کار را مطرح و اجرای

جانشینی را منحصر به فرد دانسته که باید حول فرایند ۵ مرحله‌ای مشخص کردن علائم حیاتی موفقیت و الگوی شایستگی مورد نیاز برای موفقیت در نقش‌های اصلی، ارزیابی استعداد، توسعه پتانسیل‌های بالا، پیگیری پیشرفت و توسعه پتانسیل‌های بالا صورت پذیرد که با رعایت این اصول و درک نیازهای شغلی، آماده سازی برای رهبری و استخدام و حفظ کارمندان مستعد را به همراه دارد.

روبن لوئیس و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان شیوه‌های مدیریت استعداد شرکت‌های حسابداری: اهمیت درک شده و تأثیر آن بر عملکرد حسابرسان نشان دادند که پاسخ دهندگان مطالعه، ویژگی‌های مربوط به مدیریت استعداد شیوه‌های نظارت و بررسی را به عنوان حیاتی‌ترین ویژگی برای عملکرد حسابرسان بیان کردند. این مقوله با ویژگی‌های مرتبط با شیوه‌های مدیریت اخلاقی همراه با آموزش و توسعه دنبال شد. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان به طور کلی اهمیت کمتری برای ویژگی‌های مربوط به تعادل کار و زندگی و ایجاد یک خط‌مشی مدیریت استعداد برای عملکرد حسابرسان را درک می‌کنند. درحالی‌که هم مدیران ارشد و هم اعضای کارکنان موسسات حسابرسی باور داشتند که تعادل کار و زندگی و ایجاد خط‌مشی مدیریت استعداد اهمیت کمتری دارد، مدیریت ارشد اهمیت بیشتری به ویژگی‌های مرتبط با مدیریت اخلاقی داده، درحالی‌که کارکنان ویژگی‌های آموزشی و توسعه را مهم‌تر می‌دانستند.

کمپ و فلانگا (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان: برنامه ریزی جانشین‌پروری محتاطانه و فعال: مطالعه موردی شرکت‌های منتخب در آفریقای جنوبی، بیان کردند که برنامه‌ریزی جانشین‌پروری اغلب رسمی نیست. آنها اشاره کردند که سیاست‌های جانشین‌پروری باید انعطاف‌پذیر باشند تا تغییرات سریع را در نظر بگیرند. علاوه بر این، توسعه هیئت‌مدیره و سازوکارهای قابل اعمال برای مدیران اجرایی و غیرموظف به طور اساسی از یکدیگر متفاوت است. بنابراین توسعه فعال استعدادها ضروری است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با تکیه بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش موجود، در تحقیق حاضر فرضیه‌های زیر مرتبط با موسسه‌های حسابرسی مورد آزمون قرار می‌گیرد:

فرضیه‌های مربوط به مشتری:

- (۱) برنامه جانشینی بر وفاداری مشتری به برند تأثیر دارد.
 - (۲) برنامه جانشینی بر وفاداری مشتری به شریک تأثیر دارد.
- فرضیه‌های مربوط به جانشینی داخلی:

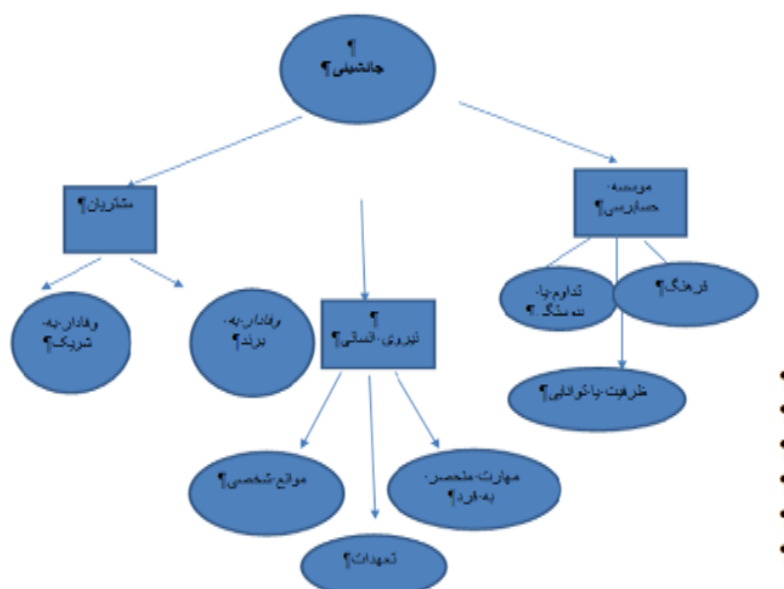
- (۱) برنامه جانشینی بر وجود یک استعداد خاص در شریک تأثیر دارد.
- (۲) برنامه جانشینی بر رفع موانع شخصی و ذهنی شریک تأثیر دارد.
- (۳) برنامه جانشینی بر تعهدات طولانی مدت موسسه حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه های مربوط به موسسه جایگزین یا جایگزینی خارجی:

- (۱) برنامه جانشینی بر فرهنگ متفاوت موسسه جانشین تاثیر دارد.
- (۲) برنامه جانشینی بر ظرفیت و توانایی متفاوت موسسه جانشین تاثیر دارد.
- (۳) برنامه جانشینی بر تداوم یا پیوستگی روش موسسه جانشین تاثیر دارد..

۵- مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی نظری مفاهیم بیان شده و پیشینه موجود، مدل مفهومی جانشینی مورد استفاده در این پژوهش به صورت شکل شماره ۱ می باشد:



شکل ۱- مدل مفهومی جانشینی موسسه حسابرسی و مشتریان در حرفه حسابرسی

(منبع: محقق ساخته به نقل از مهربان پور و جعفری، ۱۳۹۷)

۶- روش شناسی پژوهش

روش پژوهش کمی و پیمایشی است. موضوع جانشینی در موسسات حسابرسی حتی در کشوری مانند آمریکا، موضوعی چالش برانگیز است. به دلیل اینکه پژوهش بسیار اندکی در خارج از کشور انجام شده و تقریباً هیچ پژوهشی در داخل کشور در حوزه حسابرسی صورت نگرفته، بنابراین پژوهشگر برای به دست آوردن برخی

داده ها به سمت پیمایش سوق داده شد. ابتدا با توجه به مبانی نظری و پیشینه موجود، یک پرسشنامه محقق ساخته تهیه و تعداد ۳۰ پرسشنامه جهت آزمون اولیه (پیش آزمون) برای خبرگان شامل اساتید دانشگاه و شرکای موسسات حسابرسی ارسال و جمع آوری شد. در استفاده از پرسشنامه، می بایست از پایایی و روایی آن اطمینان حاصل کرد. روایی به این معنی است که ابزار گردآوری داده ها، تا چه میزان مفهوم یا متغیر مورد نظر را به شکل صحیح اندازه گیری می کند. اهمیت روایی به آن دلیل است که اندازه گیری های نامناسب و ناکافی می تواند هر پژوهش علمی را بی ارزش سازد (بنی مهد، ۱۳۹۷). در این راستا برخی از مشارکت کنندگان مرحله نخست، برخی از سوالات را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آنها ابراز داشتند و جهت بررسی روایی این پرسش نامه از چهارتن از اساتید دانشگاه که در حوزه حسابرسی فعالیت دارند، کمک گرفته شده است. سپس نظرات آنها در پرسش نامه اعمال شد و پس از تایید از آنها در خواست شد که به سوالات پاسخ دهند. دیدگاه پاسخ دهندگان با استفاده از طیف لیکرت پنجگانه (کاملاً موافق=۵ تا کاملاً مخالف=۱) مورد پرسش قرار گرفته است. در واقع روائی پرسش نامه از طریق روش منطقی ظاهری و محتوایی و نیز روائی سازه همگرا تأیید شد (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۹۶). همچنین توسط روش ضریب آلفای کرونباخ، پایایی پرسش نامه تأیید شد (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۹۶). پرسش نامه فوق شامل ۶۰ سوال بود که با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه ای شامل: ۱. کاملاً موافقم، ۲. موافقم، ۳. نه موافق و نه مخالفم، ۴. مخالفم و ۵. کاملاً مخالفم، جهت سنجیدن ۹ متغیر پژوهش به شرح زیر بکار گرفته شد. متغیر برنامه جانشینی طی سوالات ۱ الی ۱۳، متغیر وفاداری مشتری به برند طی سوالات ۱۴ الی ۲۳، متغیر وفاداری مشتری به شریک طی سوالات ۲۴ الی ۲۷، متغیر وجود استعداد خاص در شریک طی سوالات ۲۸ الی ۳۳، متغیر موانع شخصی و ذهنی شریک طی سوالات ۳۴ الی ۳۹، متغیر تعهدات طولانی مدت موسسه طی سوالات ۴۰ الی ۴۳، متغیر فرهنگ متفاوت موسسه جانشین طی سوالات ۴۴ الی ۵۰، متغیر ظرفیت و توانایی متفاوت موسسه جانشین طی سوالات ۵۱ الی ۵۶ و متغیر تداوم و پیوستگی روش موسسه جانشین طی سوالات ۵۷ الی ۶۰ اندازه گیری شد. پس از انجام پیش آزمون و آماده شدن پرسشنامه، آزمون نهائی انجام شد.

۷- جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکای موسسات حسابرسی سراسر کشور است. برای سهولت دسترسی به پاسخ دهندگان، نسخه الکترونیکی پرسشنامه تهیه گردید. در مرحله بعد لینک اینترنتی پرسشنامه در شبکه ها و گروه های اجتماعی و ابزارهای ارتباطات جمعی که انتظار می رفت می تواند امکان مشارکت بیشتر شرکای موسسات حسابرسی را فراهم آورد، به طور گسترده ای ارسال شد بازه زمانی گردآوری پرسشنامه از اسفند ۱۳۹۹ تا شهریور ۱۴۰۰ بوده است. با تمام تلاش ها و پیگیری های صورت گرفته، تعداد ۶۰ پرسشنامه سالم و کامل جمع آوری گردید، که مشخصات پاسخ دهندگان آنها در جدول شماره ۱ ذکر گردیده است. این میزان با توجه به ملاک های معتبر بین المللی کافی است. بعنوان مثال در پژوهش نگاش و همکاران (۲۰۱۸) نیز

تعداد پرسشنامه‌های گردآوری شده کمتر از عدد ۵۰ بوده است. میزان پاسخگویی کم به پرسشنامه اغلب به دلیل عوامل متعددی چون طول و وسعت پرسشنامه و محیط تحقیق (به عنوان مثال عواملی مانند امکانات رایانه و اینترنت، هزینه و سرعت بارگیری داده ها) رخ می‌دهد (نگاش و همکاران، ۲۰۱۸). شایان ذکر است که وضعیت همه گیری بیماری کرونا هم تاثیر زیادی داشت. البته با توجه به قضیه حد مرکزی نمونه این پژوهش نرمال است. جهت بررسی شاخص های کفایت نمونه گیری از دو شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. نتایج آزمون بارتلت و KMO به عنوان شاخص های کفایت نمونه گیری نشان داد که مقادیر هر دو شاخص در سطح مطلوبی قرار دارند. مقدار معیار KMO برای تمامی متغیرها و ابعاد بزرگتر مساوی ۰/۵ و مقدار معناداری آزمون بارتلت نیز کمتر ۰/۰۵ می‌باشد. بر این اساس میتوان از مناسب بودن حجم نمونه جهت انجام تحلیل عاملی اطمینان حاصل کرد.

جدول ۱- مشخصات پاسخ دهندگان

متغیر	زیر متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۵۹	۹۳.۹۸
	زن	۱	۱.۰۷
سن	کمتر از ۳۹ سال	۱۲	۲۰
	۴۰ تا ۴۹ سال	۱۶	۲۷
	۵۰ تا ۵۹ سال	۲۲	۳۷
	۶۰ تا ۶۹ سال	۸	۱۶
مدرک تحصیلی	کارشناسی	۱۹	۳۱.۷
	کارشناسی ارشد	۳۱	۵۱.۷
	دکتری	۱۰	۱۶.۶
پست سازمانی	موسس	۳۰	۵۰
	غیرموسس	۳۰	۵۰
سابقه کاری	کمتر از ۱۰ سال	۵	
	بین ۱۰ تا ۱۹ سال	۵	
	بین ۲۰ تا ۲۹ سال	۳۲	
	بیشتر از ۳۰ سال	۱۸	

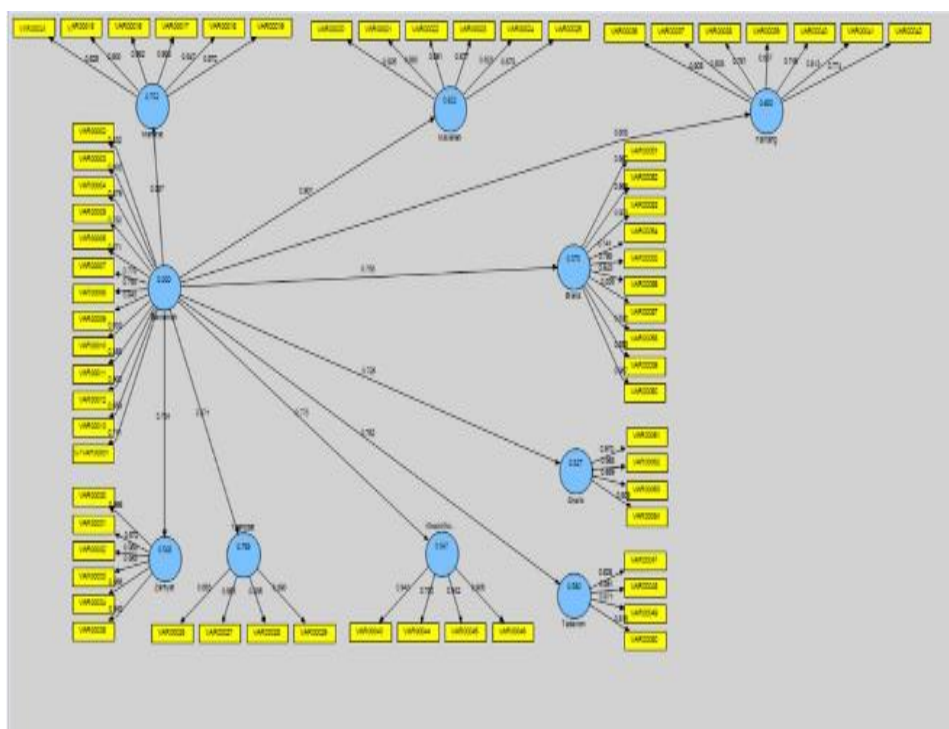
منبع: یافته های پژوهشگر

در این پژوهش از یکی از دقیق ترین روش های پایایی یعنی روش آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی ترکیبی استفاده شد. با عنایت به این که مقادیر ارایه شده بیشتر از ۰/۷ است، پایایی ترکیبی هر یک از ابعاد یا سازه های

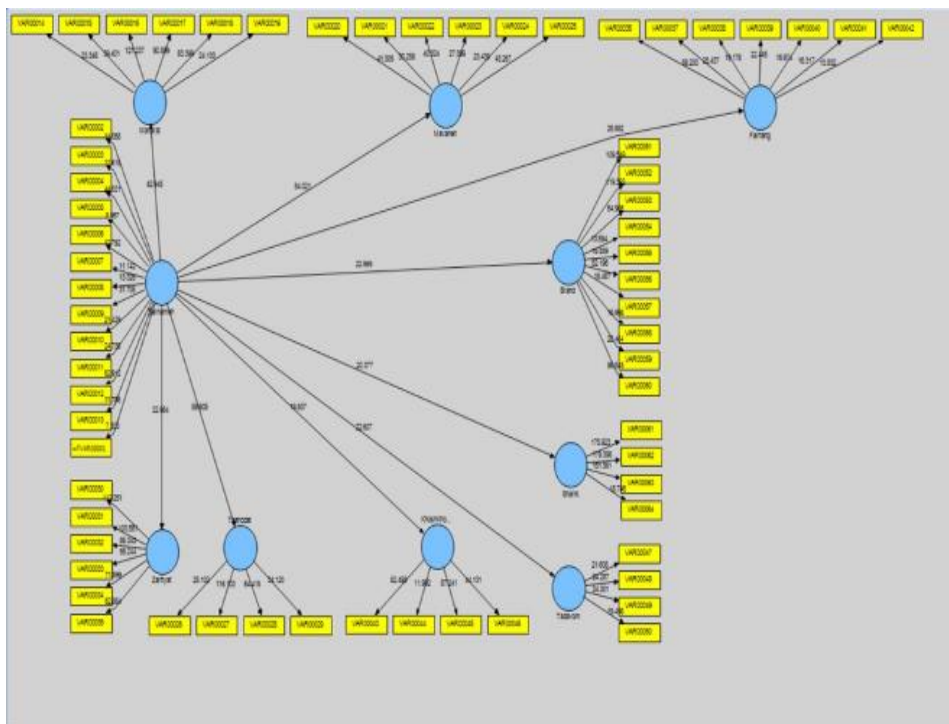
پژوهش تأیید می‌شود. به منظور بررسی روایی واگرا از روش فورنر - لارکر استفاده شده است. در این روش اگر جذر مقادیر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر از قدرمطلق همبستگی آن با سایر متغیرها بزرگ‌تر باشد، آن متغیر دارای روایی واگرایی خوب تلقی می‌گردد. با توجه به این که جذر میانگین واریانس استخراج شده متغیرها از قدرمطلق همبستگی آن‌ها با سایر متغیرها بزرگ‌تر است؛ بنابراین مجموعه سوال‌های مربوط به اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش دارای روایی واگرایی مناسب هستند.

۶- آزمون فرضیه‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از آزمون روایی هم‌گرایی نشان می‌دهد که بار عاملی گویه‌های متغیرهای پژوهش و همچنین معیار میانگین واریانس استخراج شده یا AVE حد قابل قبول را کسب کرده اند. مدل‌های استخراج شده حاصل از تحلیل اولیه در زیر ارائه می‌شود:



شکل ۲- ضرایب عاملی و ضریب مسیر مدل پژوهش



شکل ۳- آماره تی مدل پژوهش منبع: یافته های پژوهشگر

یکی از شاخص برازش مدل ساختاری، شاخص (Q^2) است. این معیار که توسط استون و گیسر (۱۹۷۵) معرفی شد، قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. به اعتقاد آن‌ها مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار $0/۰۲$ ، $0/۱۵$ ، $0/۳۵$ را به عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند. یافته‌های حاصل از آزمون بررسی کیفیت ابزارهای اندازه‌گیری به شرح زیر ارائه می‌شود:

جدول ۲- یافته‌های حاصل از آزمون بررسی کیفیت ابزارهای اندازه‌گیری

ردیف	نام متغیر	شاخص اعتبار اشتراک (1-SSE/SSO)
۱	برنامه جانشینی	۰/۵۸۲۶۹۱
۲	وفاداری مشتری به برند	۰/۷۲۸۵۴۲
۳	وفاداری مشتری به شریک	۰/۸۱۲۸۱۹
۴	استعداد خاص در شریک	۰/۷۵۷۶۹۶
۵	موانع شخصی و ذهنی شریک	۰/۶۵۲۴۴۷
۶	تعهدات طولانی مدت موسسه	۰/۶۹۴۰۷۶
۷	فرهنگ متفاوت موسسه جانشین	۰/۵۳۸۲۸۹
۸	ظرفیت یا توانایی متفاوت موسسه جانشین	۰/۸۷۹۷۳۵
۹	تداوم یا پیوستگی روش موسسه جانشین	۰/۴۸۵۳۱۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به این که شاخص واریانس اعتبار کیفیت برای ابعاد / سازه‌های گزارش شده مثبت هستند، بنابراین مدل اندازه‌گیری از کیفیت مناسب برخوردار است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است. آزمون تأثیرگذاری برنامه جانشینی بر عوامل مطرح شده و آماره تی محاسبه شده نشان از تأثیرگذاری برنامه جانشینی بر عوامل فوق است.

جدول ۳- یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش

شماره فرضیه	انحراف معیار	انحراف استاندارد	آماره تی	نتیجه
۱	۰/۰۳۳۶۰۱	۰/۰۳۳۶۰۱	۲۲/۵۶۸۵۱۹	تأیید
۲	۰/۰۳۵۶۲۰	۰/۰۳۵۶۲۰	۲۰/۳۷۶۹۵۷	تأیید
۳	۰/۰۲۰۱۸۹	۰/۰۲۰۱۸۹	۴۲/۹۴۴۶۵۳	تأیید
۴	۰/۰۱۶۷۸۶	۰/۰۱۶۷۸۶	۵۴/۰۲۱۳۲۸	تأیید
۵	۰/۰۱۴۶۱۳	۰/۰۱۴۶۱۳	۵۹/۶۰۴۵۳۱	تأیید
۶	۰/۰۳۱۵۵۳	۰/۰۳۱۵۵۳	۲۵/۵۵۱۷۱۶	تأیید
۷	۰/۰۳۲۷۹۶	۰/۰۳۲۷۹۶	۲۲/۹۸۳۵۲۸	تأیید
۸	۰/۰۳۳۶۹۸	۰/۰۳۳۶۹۸	۲۲/۶۰۷۲۰۲	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- ارزیابی و تشریح نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

برنامه جانشینی و وفاداری مشتری: فرضیه اول و دوم مربوط به جانشینی مشتری است، که به بررسی تاثیر برنامه جانشینی بر وفاداری مشتری به برند و وفاداری مشتری به شریک پرداخته شده و هر دو فرضیه تایید شدند. موضوع کلیدی تحصیل هر موسسه، حفظ مشتری است، بنابراین شروع برنامه جانشینی با بررسی این مسئله مهم است که مالک قبل از اینکه تعهد زمانی خود نسبت به موسسه را کاهش بدهد، چقدر دیگر با مشتری ارتباط خواهد داشت. تایید فرضیه ها موید این موضوع هستند که هر چه وفاداری به شریک بیشتر باشد، برنامه جانشینی زمان برتر و مشکل تر خواهد بود.

برنامه جانشینی و جانشین داخلی: فرضیه های سوم تا پنجم مربوط به جانشینی داخلی هستند. در فرضیه سوم به بررسی تاثیر برنامه جانشینی بر وجود یک استعداد خاص در شریک پرداخته ایم، که این فرضیه تایید شده و نشان دهنده این است که وجود یک استعداد خاص در شریک مانند تسلط به یک زبان خاص برنامه جانشینی را طولانی تر خواهد کرد. همچنین با تایید فرضیه چهارم به این نتیجه می رسیم که برنامه جانشینی بر موانع ذهنی و شخصی شریک تاثیرگذار است. ممکن است هر شریک موارد و ترس ها و انتظاراتی در ذهن خود داشته باشد که تا بحال با شرکای خود در مورد آنها صحبت نکرده باشد. پس لازم است تمامی شرکا قبل از انجام برنامه ریزی جانشینی تمام خواسته ها و انتظارات خود را به طور واضح بیان نمایند، در غیر این صورت مسائل حل نشده و انتظارات بیان نشده موجب به تعویق انداختن یا عدم تمایل شرکا به انتخاب جانشین می شود. در فرضیه پنجم به تاثیر برنامه جانشینی بر تعهدات بلندمدت پرداخته شده که تایید این فرضیه موید این موضوع است که تعهدات موسسه به جانشین انتقال پیدا می کند (مانند اجاره طولانی مدت ملک) که این موضوع باید در نظر گرفته شود، چنانچه برنامه جانشینی داریم نباید تعهدات بلندمدت و سنگین برای موسسه ایجاد کنیم.

برنامه جانشینی و موسسه جانشین: فرضیه ششم تا هشتم مربوط به جانشینی خارجی (ادغام) می باشد. تایید فرضیه های فوق موید این موضوع است که فرهنگ سازمانی به عنوان عاملی اساسی در موفقیت یا شکست ادغام می باشد برای ارزیابی مشترکات فرهنگی باید شرکا، کارکنان و مشتریان را در نظر گرفت. همچنین این تغییرات در زیرساخت ها و ظرفیت های موسسه تغییرات مثبتی ایجاد شود. همچنین تایید فرضیه هشتم بیان گر این موضوع است در موارد ادغام تغییرات انجام شده چنانچه ملموس باشد، موجب نگرانی صاحبکاران می شود.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف شناسایی تاثیر برنامه جانشینی بر مشتری، شرکا و فرهنگ در موسسات حسابرسی ایران صورت گرفته است. نتایج پژوهش حاضر و همچنین پژوهش های صورت گرفته موید اهمیت موضوع جانشین

پروری می باشند. راهبردهای مدیریت جانشین پروری همان گونه که باید کارکنان را برای دستیابی به هدفهای شغلی خود توانمند سازد، باید بر توسعه کارکنان نیز برای دستیابی به هدفهای سازمانی، متمرکز باشد. ازاین رو میتوان دریافت که مباحث مرتبط با مدیریت جانشین پروری در تمامی فرایندهای چرخه قابل استقرار و تسری است (علیزاده، رضازاده خراسانی، ۱۳۹۵). در واقع عوامل مختلفی بر موفقیت برنامه جانشین پروری تأثیر دارند که میتوان در این بین به همراستایی برنامه جانشین پروری با راهبردهای سازمان، شفافیت در نقشهای سازمانی، عوامل اجتماعی مانند ارتباطات شفاف و همچنین حمایت مدیران ارشد از برنامه ی جانشین پروری، زمان کافی برای توسعه و ارتقای دانش و مهارتهای فرد جانشین، ابعاد قانونی و اقتصادی و انتخاب افراد مناسب اشاره کرد (رایان واتکینز، و داگ لی، ۲۰۱۰). همچنین فراهم ساختن فرصتهای بیشتر برای کارکنان بااستعداد، شناسایی نیازهای جایگزینی به عنوان ابزار پیش بینی آموزش، تربیت و پرورش کارمندان، افزایش خزانه ی استعدادها از میان کارمندان مستعد و مشارکت در اجرای طرحهای راهبردی و بلندمدت سازمان، از عوامل موفقیت جانشین پروری محسوب میشوند (زین الدینی بیدمشکی، عدلی، وزیری، ۱۳۹۲). همان صور که نتایج پژوهش نشان میدهد داشتن برنامه جانشینی تمامی ابعاد یک موسسه از مشتری تا کارکنان و شرکا را تحت تأثیر قرار می دهد داشتن یک برنامه مستمر و هدفمند موجب پیشرفت موسسه، بزرگتر شدن موسسه و استمرار عمر موسسه می باشد. و همچنین برنامه جانشینی موجب پیشرفت پرسنل و انگیزه آن ها جهت فعالیت در حوزه حسابرسی می باشد. در کشور ما موسسات نیاز به داشتن برنامه مدون جهت آینده موسسات از طرق مختلف می باشند که ادغام یکی از راه حل های آن می باشد. انتظار میرود انجمنهای تخصصی و قانون گذاران با وضع قوانین مانند محدودیت سن امضاء کنندگان گزارشات کمک به تداوم فعالیت موسسات کنند. در پایان پیشنهاد می گردد تأثیر عوامل دیگر از جمله سن، جنسیت شرکا، نقش قوانین و وجود موسسه حسابرسی در برنامه ریزی جانشینی بررسی گردد.

فهرست منابع

- ابوالعلائی، بهزاد و غفاری، عباس (۱۳۸۶). مدیران آینده: مبانی نظری و تجارب عملی برنامه های استعدادیابی و جانشین پروری مدیران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- بنی مهد، بهمن، عربی، سیدمهدی و شیوا حسن پور (۱۳۹۷). پژوهش های تجربی و روش شناسی در حسابداری، ناشر: ترمه.
- بابایی خلیلی، جواد، عبدلی، محمدرضا و ولیان، حسن (۱۴۰۰). استقلال حسابرسان داخلی؛ رویکرد فرایندهای کاهنده سکوت و شجاعت حسابرسان داخلی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱۳۳-۱۵۳.

- پورحیدری امید و بذرافشان سعید (۱۳۹۲). اثر ویژگی های فردی حسابرس در تمایل به استفاده و اتکاء بر چک لیست. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره شانزدهم، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۰۵-۱۱۸.
- زمردیان، غلامرضا، رستمی، علی (۱۳۸۹). استقرار نظام مدیریت دانش مبتنی بر سرمایه اجتماعی، مجله حسابداری مدیریت، دوره ۳، شماره ۲ (پیاپی ۵)، تابستان ۱۳۸۹، صص ۴۵-۶۳.
- زین الدینی بیدمشکی، زهره، عدلی، فریبا، و وزیری، مژده (۱۳۹۲). مقایسه وضعیت فعلی جانشین پروری و مدیریت استعداد با وضعیت ایده آل در نظام آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۲، شماره ۷۲، صص ۵۱-۷۲.
- رحمانی، علی، محمدی اروجه، فائزه (۱۳۹۰). بررسی موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران، مجله دانش حسابرسی، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۳-۸۲.
- رمضانی، حسین رضا، آذین فر، کاوه و غلام نیا روشن، فلاح (۱۴۰۱). نقش فرهنگ اسلامی و تجربه حسابرس در رابطه بین انصاف متقابل و کیفیت حسابرسی در شرایط محیطی ایران، قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۶۳.
- رجب دری، حسین، وکیلی فرد، حمیدرضا، سالاری، حجت الله و امیری، علی (۱۴۰۱). رابطه نظریه های اخلاقی و رفتار اخلاقی در قضاوت حسابرسان، قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۴۲.
- حکیمی نیاسری، خشایار، مجیبی، تورج، مهدیزاده اشرفی، علی، جهانگیرفرد، مجید (۱۳۹۹). تحلیل مؤلفه های جانشین پروری مبتنی بر شواهد در بخش خصوصی ایران، نشریه علمی پژوهش های علمی مدیریت منابع انسانی، دوره ۱۲، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۰، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۱۷-۲۵۰.
- علیزاده گان، لیلا، صمدی لرگانی، محمود و ایمنی، محسن (۱۴۰۱). تأثیر تیپ شخصیتی و اخلاق حرفه ای بر توانایی حسابرسان در کشف تقلب با استفاده از تئوری رفتار برنامه ریزی شده با نقش تردید حرفه ای، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۴۹-۷۸.
- علیزاده، مسعود. رضازاده خراسانی، الهه. (۱۳۹۵). مدیریت جایگزین در فرآیندهای توسعه منابع انسانی، کنفرانس بین المللی مدیریت نوین در افق ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
- فرهی بوزنجانی، برزو؛ سنجقی، محمد ابراهیم؛ بازرگانی، محمد و سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۲). طراحی و تبیین مدل شناخت، سنجش و مدیریت فرهنگ سازمانی (مورد مطالعه: یکی از نهادهای انقلاب اسلامی)، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۶ (۲۱)، صص ۱۱۳-۱۳۸.
- قاسمی، محمد؛ درخشانی، جلال و درخشانی، میثم (۱۳۹۲). بررسی دشواریها و چالشهای استقرار برنامه جانشین پروری در نظام اداری ایران، اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، شیراز: موسسه بین المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی.

- صالحی، صدیقه، مستحفظیان، مینا، نادریان جهرمی، مسعود، عروف زاد، شهرام، نصرافهانی، داوود (۱۳۹۹). تدوین الگوی جانشین پروری با رویکرد نظریه داده بنیاد در ادارات کل ورزش و جوانان کشور، نشریه مدیریت منابع انسانی در ورزش، دوره ۸، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۶۳-۱۸۱.
- طیار، شاهین و علامه، سیدمحسن و سیلدت، سیدعلی (۱۳۹۹). شناسایی و تبیین رفتارهای مشاهده پذیر فرهنگ جانشین پروری در صنعت بیمه ایران، پژوهشنامه بیمه، دوره ۳۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۳۸، شهریور ۱۳۹۹، صص ۹۹-۱۳۰.
- طوطیان اصفهانی، صدیقه، مهرآرا، اسدالله، و کلانتری، رزیتا (۱۳۹۸). بررسی موانع مؤثر بر استقرار نظام جانشین پروری، فصلنامه پژوهشهای مدیریت منابع انسانی، دوره ۱۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۵، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۴۳-۱۶۲.
- سلطانی، محمدرضا؛ ناظمی، مهدی؛ طلایی، محمدحسین و قویدل، علیرضا (۱۳۹۶). طراحی و تبیین الگوی جانشین پروری در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی، دوره ۹، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۹، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱-۲۴.
- گرامیان، سیده لیلا (۱۳۹۴)، نقش جانشین پروری در جذب و حفظ سرمایه انسانی، پنجمین کنفرانس ملی مدیریت پایدار و فنون اقتصاد، شیراز، شرکت پندار اندیشه رایو.
- حاجیهها، زهره، خراط زاده، محدثه (۱۳۹۲). رابطه فرهنگ سازمانی و کاربرد نوآوری های حسابداری مدیریت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، دوره ۷، شماره ۱ (پیاپی ۲۰)، بهار ۱۳۹۳، صص ۳۵-۴۸.
- صفی خانی، فرهاد، یعقوبنژاد، احمد، و جهانشاد، آزیتا (۱۴۰۰). پیشایندهای گزارشگری مالی متقلبان و پیامدهای آن بر سرمایه فکری شرکتهای، نشریه علمی حسابداری مدیریت، دوره ۱۴، شماره ۴۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۲۵-۱۴۸.
- مهربان پور، محمدرضا و جندقی قمی، محمد (۱۴۰۰). تحلیل SWOT برای حرفه حسابرسی مستقل در ایران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۸، شماره ۲، صص ۳۵۹-۳۹۷.
- مهربان پور، محمدرضا و جعفری، مرتضی (۱۳۹۷). ادغام موسسات حسابرسی در جهان. تهران: جامعه حسابداران رسمی ایران.
- مهربان پور، محمدرضا (۱۳۹۵). ترجمه گزارش توسعه پایدار جهانی، از انتشارات سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات انجمن حسابداران خبره ایران.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۳). کلیات پیشگیری از جرم. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- مومنی، منصور و فعال قیومی، علی (۱۳۹۶). تحلیل های آماری با استفاده از SPSS، چاپ یازدهم، تهران: ناشر مولف.

هادی زاده مقدم، اکرم و سلطانی، فرزانه (۱۳۹۰). معرفی مدل جامع و سیستمی مدیریت جانشین پروری برای سازمان‌ها، نهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت.

مشیرزاده، همایون (۱۳۹۸). چالش‌های پیش روی حسابداران رسمی. روزنامه دنیای اقتصاد، یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۸، شماره ۴۸۲۸.

نیکبخت، محمد رضا، دیان‌تی دیلمی، زهرا، مومنی، منصور و احمدی، حسین (۱۴۰۰). ارائه الگوی ارزیابی چند شاخصه سرمایه فکری، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص ۳۰-۱.

- Austin, M. J. & Salkowitz, T. (2009). Executive Development & Succession Planning: A Growing Challenge for the American Jewish Community. New York: Jewish Funders Network.
- Adams, T. (2005). Founder Transitions: Creating Good Endings and New Beginnings.
- Allen, M. P., Panian, S. K., & Lotz, R. E. (1979). Managerial succession and organizational performance: A recalcitrant problem revisited. *Administrative Science Quarterly*, 167-180.
- Ahn, M. K., & Joo, J. H. (2020). What determines the voluntary disclosure of CEO succession planning?. *Korean Accounting Review*, Forthcoming.
- Bentler, P. M., & Bonett, D. G. (1980). Significance tests and goodness of fit in the analysis of covariance structures. *Psychological bulletin*, 88(3), 588.
- Barach, J. A., & Ganitsky, J. B. (1995). Successful succession in family business. *Family business review*, 8(2), 131-155..
- Bentler, P. M. (1990). Comparative fit indexes in structural models. *Psychological bulletin*, 107(2), 238.
- Burger, J. M. (2013). Desire for control: Personality, social and clinical perspectives. Springer Science & Business Media.
- Cingoranelli, D. (2009). A 2009 tuneup for your firm's succession planning. *Journal of Accountancy*, 207(3), 42.
- Dalton, D. R., & Dalton, C. M. (2007). CEO succession: best practices in a changing environment. *Journal of Business Strategy*.
- Dalton, D. R., & Kesner, I. F. (1985). Organizational performance as an antecedent of inside/outside chief executive succession: An empirical assessment. *Academy of management Journal*, 28(4), 749-762.
- De Massis, A., Chua, J. H., & Chrisman, J. J. (2008). Factors preventing intra-family succession. *Family business review*, 21(2), 183-199..
- Ferguson, A., & Stokes, D. (2002). Brand name audit pricing, industry specialization, and leadership premiums post-Big 8 and Big 6 mergers. *Contemporary accounting research*, 19(1), 77-110.
- Greenwood, R., Hinings, C. R., & Brown, J. (1994). Merging professional service firms. *Organization Science*, 5(2), 239-257.
- Goldman, A., Gangasingh, D., Bell, C., & Cao, Z. (2021). Succession Planning is Survival Planning: A Case Study Analysis of Succession Within Small to Medium Family-Owned Businesses. Available at SSRN 3944762.
- Gagné, M., Marwick, C., Brun de Pontet, S., & Wrosch, C. (2021). Family business succession: What's motivation got to do with it? *Family Business Review*, 34(2), 154-167.

- Helmich, D. L., & Brown, W. B. (1972). Successor type and organizational change in the corporate enterprise. *Administrative science quarterly*, 371-381
- Hoyle, R.H., (2011). *Structural Equation modeling: concept, issue and Applications*. Guilford press.
- Iacobucci, D. (2010). Structural equations modeling: Fit indices, sample size, and advanced topics. *Journal of consumer psychology*, 20(1), 90-98.
- Iqbal, S., Nawaz, A., & Ehsan, S. (2019). Financial performance and corporate governance in microfinance: Evidence from Asia. *Journal of Asian Economics*, 60, 1-13.
- JAMES SURU, A. D. A. G. B. A. (2021). Effective Succession Planning for Organizational Development in Nigeria. *Effective Succession Planning for Organizational Development in Nigeria* (October 28, 2021).
- Kesner, I. F., & Sebra, T. C. (1994). Executive succession: Past, present & future. *Journal of management*, 20(2), 327-372.
- Jones, E. (1995). *True and fair: A history of Price Waterhouse*. Penguin Uk.
- Li, H., Hang, Y., Shah, S. G. M., Akram, A., & Ozturk, I. (2020). Demonstrating the impact of cognitive CEO on firms' performance and CSR activity. *Frontiers in Psychology*, 11, 278.
- Louis, R. R., Sulaiman, N. A., & Zakaria, Z. (2022). Accounting firms' talent management practices: perceived importance and its impact on auditors' performance. *Pacific Accounting Review*.
- Mowen, J.C. & M. Minor, (2002), "Consumer Behavior", Prentice- Hall, Inc, New Jersey, 5th ed.
- Mans-Kemp, N., & Flanagan, J. N. (2022). Prudent and proactive board succession planning: A case study of selected companies in South Africa. *Acta Commercii-Independent Research Journal in the Management Sciences*, 22(1), 970.
- Michel, A., & Kammerlander, N. (2015). Trusted advisors in a family business's succession-planning process—An agency perspective. *Journal of Family Business Strategy*, 6(1), 45-57.
- Nyberg, A. J., Cragun, O. R., & Schepker, D. J. (2021). Chief executive officer succession and board decision making: review and suggestions for advancing industrial and organizational psychology, human resources management, and organizational behavior research. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 8, 173-198
- Owolabi, T., & Adeosun, O. (2021). Succession planning and talent retention: evidence from the manufacturing sector in Nigeria. *British Journal of Management and Marketing Studies*, 4(1), 17-32.
- Page, T. B. (2018). CEO attributes, compensation, and firm value: Evidence from a structural estimation. *Journal of Financial Economics*, 128(2), 378-401.
- Ryan Watkins, & Doug Leigh (2010). *HANDBOOK OF IMPROVING PERFORMANCE IN THE WORKPLACE Volume Two: Selecting and Implementing Performance Interventions*, International Society for Performance Improvement. 697- 714.
- Sharma, P., Chrisman, J. J., & Chua, J. H. (2003). Predictors of satisfaction with the succession process in family firms. *Journal of business Venturing*, 18(5), 667-687.
- Stigler, G. J. (1950). CAPITALISM AND MONOPOLISTIC COMPETITION: I. THE THEORY OF OLIGOPOLY MONOPOLY AND OLIGOPOLY BY MERGER. *American Economic Review*, 40(2), 23-34.

- Temitope J. Owolabi and Oluyemi T. Adeosun (2021): " Succession planning and talent retention: evidence from the manufacturing sector in nigeria" British Journal of Management and Marketing Studies ISSN ISSN: 2689-5072 Volume 4, Issue 1, 2021, pp. 17-32
- Umans, I., Lybaert, N., Steijvers, T., & Voordeckers, W. (2021). The influence of transgenerational succession intentions on the succession planning process: The moderating role of high-quality relationships. *Journal of family business strategy*, 12(2), 100269.
- Wiersema, M. F. (1995). Executive succession as an antecedent to corporate restructuring. *Human Resource Management*, 34(1), 185-202.
- Walter, I. (2004). *Mergers and acquisitions in banking and finance: what works, what fails, and why*. Oxford University Press.
- Zajac, E. J. (1990). CEO selection, succession, compensation and firm performance: A theoretical integration and empirical analysis. *Strategic Management Journal*, 11(3), 217-230.

Abstract

The impact of the succession plan on clients, partners and culture in Iranian audit firms

Mitra Maleki¹

Mohammadreza Mehrabanpour²

Received: 7 / July / 2025

Accepted: 7 / September / 2025

Abstract

In our country it is rare to see long-lived auditing firms. Institutions usually close down with the death of the founder. This may in part indicate the importance of the issue of succession in audit firms. The purpose of this research is to investigate the impact of the succession plan on clients, partners and culture in Iranian audit institutions for the first time. The research method is quantitative and survey. In this research, first, a researcher-made questionnaire was produced and pre-tested, and the validity test was conducted using experts' opinions. Also, the reliability coefficient of the test was higher than 0.7 using Cronbach's alpha test and was confirmed. Then, in the final stage, in 1400, the final and approved questionnaire was distributed and collected among the audit partners. After collecting and summarizing the data using Smart PLS and SPSS software, the data was analyzed through descriptive indices and inferential statistics and Structural equation modeling. The effect of succession from the three dimensions of human resource succession (partners and senior employees), client succession and the successor institution on dependent variables was investigated through 8 hypotheses. The results of the research indicate that the succession plan impacts on the loyalty of the customer to the brand or partner, as well as on having a unique skill of a partner, personal obstacles and obligations; And in the case of integration of the firm's on culture, capacity, ability, continuity and continuity, it is effective.

Keywords: Succession, Costumer loyalty, Audit partner, Audit Firm

¹. Accounting Department, K.I.C., Islamic Azad University, Kish Island, Iran mitra.maleki@iau.ac.ir

². Accounting Department, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. (Corresponding author): mehrabanpour@ut.ac.ir



تأثیر سواد مالی و نگرش نسبت به پول بر رفاه مالی با نقش میانجی اخلاق مالی

متین پیرایش راد^۱

مژگان صفا^۲

زهره حاجیها^۳

رضا غلامی جمکرانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

چکیده

آموزش مالی، دانش مالی را افزایش داده و به افراد کمک کند تا رفتارهای متفاوتی داشته تا تصمیمات مالی بهتری را برای خود یا خانواده هایشان بگیرند. همچنین سواد مالی و نگرش نسبت به پول تأثیر زیادی بر رفاه مالی دارد و این مفهومی است که به ویژه برای افرادی که شروع به توسعه عادات مالی خود می کنند بسیار مهم است. بنابراین هدف از این مقاله بررسی تأثیر سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی می باشد. این مطالعه از یک رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی) و توسعه ابزار (دلفی) استفاده می کند. تعداد اعضای نمونه از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود استفاده و داده ها ۳۹۸ نفر از طریق پرسشنامه در بین مدیران، کارشناسان، دانشجویان و افراد عادی ساکن شهر تهران و در قلمرو زمانی سال ۱۴۰۰ جمع آوری شد. برای آزمون فرضیه ها از روش مدل سازی معادلات ساختاری و نرم افزار پی ال اس استفاده گردید. نتایج نشان داد سواد مالی و نگرش نسبت به پول تأثیر مثبتی بر رفاه مالی دارد. همچنین سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی تأثیر دارد. نگاه مثبت به رفاه مالی ممکن است استرس را کاهش و این امر می تواند بر رشد تحصیلی، شخصی و اجتماعی افراد تأثیر بگذارد. علاوه بر این، ایجاد نگرش مثبت نسبت به پول که شامل ایجاد عادت پس انداز، پیگیری هزینه ها است، پیش بینی کننده قوی رفاه مالی می باشد و افرادی با سطح سواد مالی تمایل به نشان دادن اخلاق و رفتارهای مالی مطلوب تری دارند.

واژه های کلیدی: سواد مالی، نگرش نسبت به پول، اخلاق مالی، رفاه مالی.

۱ گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. matin.pirayeshrad@iau.ac.ir

۲ گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) dr.mojgansafa@iau.ac.ir

۳ گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Drzhajiha@iau.ac.ir

۴ گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. reza.gholami@iau.ac.ir



۱- مقدمه

اخیراً رفاه مالی در حوزه های دانشگاهی و سیاست گذاری ها بعنوان موضوع برجسته نمایان شده است. گزارشی از بخش حمایت مالی مصرف کننده تأکید می کند که رفاه مالی باید هدف سواد مالی باشد. اهمیت رفاه مالی محدود به موفقیت مالی شخصی نمی شود؛ همچنین باعث افزایش بهره وری کار و رفاه عمومی افراد می شود و به طور کلی توسعه اقتصاد سالم در مقابل، سطح پایین رفاه مالی یک چرخه استرس ایجاد می کند، بنابراین مانع رشد شخصی و اجتماعی می شود (الیوت و لویس، ۲۰۱۵؛ شیم و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین، افراد با دنیای پیچیده ای روبرو هستند که تصمیم گیری های مالی را پیچیده تر می کند و ممکن است توضیح دهد که چرا بین تصمیمات مالی ایده آل و تصمیمات واقعی خانوارها فاصله وجود دارد. اگر مردم سواد مالی بیشتری داشته باشند، این مشکلات گسترده اقتصادی برطرف می شود. همچنین این مورد وجود دارد که جوامع و یک اقتصاد ملی با مصرف کنندگان با سواد و آگاه از نظر اقتصادی دارای بازارهای با ثبات تر و کارآمدتری خواهند بود (لوساردی و میچل، ۲۰۱۴). امروزه اکثر مصرف کنندگان مالی به دلیل مطالبات جامعه مصرف کننده و همچنین بحران های مالی رایج، به ویژه در بازارهای نوظهور، در مورد رفاه مالی خود با چالش هایی روبرو هستند. یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر رفاه مالی مصرف کنندگان سواد مالی آنهاست. سواد مالی مفهومی چند بعدی است، که شامل عناصر شناختی، نگرشی و رفتاری است (آلتاگ و فیرات، ۲۰۱۸). همچنین بررسی رابطه اخلاق پول و رفتارهای مالی توسط بسیاری از محققان مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، برخی از گرایش ها در مورد اخلاق پول وجود دارد که مختص اقتصادهای در حال توسعه است. از سویی، ارزشهای ماتریالیستی به طور سنتی نامطلوب تلقی می شدند و صحبت در مورد موضوعات پولی، از مقوله های نادرست اجتماعی تلقی که این نگرش های مثبت و منفی نسبت به پول، که در جوامع وجود دارد، به احتمال زیاد بر رفتار مالی افراد تأثیر می گذارد (سون و همکاران، ۲۰۱۲). آموزش مالی، دانش مالی را افزایش داده و همچنین به افراد کمک کند تا رفتارهای متفاوتی داشته باشند تا تصمیمات مالی بهتری را برای خود یا خانواده هایشان بگیرند. این تحقیق همچنین نشان خواهد داد که چگونه آموزش های مالی بر افراد کم درآمد و درآمد بالا تأثیر می گذارد. اگرچه آموزش مالی اغلب به عنوان مستقیم ترین راه برای افزایش سواد مالی تلقی می شود، اما نیاز به ارزیابی اثربخشی این رویکرد است زیرا آموزش مالی پرهزینه (از نظر زمان و پول) می باشد. در این تحقیق نشان داده خواهد شد که، مانند سایر اشکال سرمایه انسانی، می توان اطلاعات مالی جمع کرد و تصمیم به سرمایه گذاری در سواد مالی هزینه ها و مزایایی دارد. همچنین تصور می گردد افراد دارای سواد مالی اولیه هستند که قبل از ورود به بازار کار به دست می آورند. با توجه به موارد پیش گفته و اهمیت فزاینده مباحث مرتبط با سواد مالی و تأثیر شگرف آن بر رفاه مالی و پس انداز افراد و خانوارها، متأسفانه این موضوع تا بحال در کشور بطور جدی مورد توجه قرار نگرفته است، حال آنکه برخی از کشورهای توسعه یافته حتی برای دبیرستانها نیز سرفصلی مدون تحت این عنوان تدارک دیده اند و برای رشد توان مالی شخصی افراد از تمامی ابزارهای موجود از جمله اینترنت بهره می گیرند. به نظر میرسد نقطه مناسب برای آغاز پژوهش در این

حوزه ارائه الگویی مناسب جهت سنجش سواد مالی در کشور باشد. زیرا در کشور ما الگویی مناسب برای این امر وجود ندارد و بدون اندازه گیری وضعیت فعلی سواد مالی در کشور، طرح هر ادعایی ذهنی و بدون پشتوانه خواهد بود. این پژوهش از نظر متغیرهای مورد بررسی نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده، جامع تر است. از سوی دیگر بیشتر مطالعات انجام شده در این حوزه، نیز حول محور عوامل کلان جامعه بوده و ریشه یابی موضوع با رویکرد مالی و اقتصادی صورت نگرفته یا این رویکردها در حاشیه بوده اند. بنابراین خلاء پژوهش در این زمینه با رویکرد عوامل مالی و اقتصادی کاملاً محسوس است. همچنین بر اساس بررسی پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، تاکنون تحقیقی به واکاوی تاثیر سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی نپرداخته است که این مورد، هم در جهت مطالعه ادبیات پژوهش و توضیح این مفاهیم و هم در بررسی تاثیر این متغیرها، از نوآوری‌های این پژوهش محسوب می شود. این مطالعه با نشان دادن اینکه بحث مالی با و نگرش نسبت به پول به طور مثبتی بر رفاه مالی تأثیر می گذارد، به ادبیات تصمیم گیری مالی مصرف کننده کمک می کند. علاوه بر این، این مطالعه تأثیر مثبت نگرش نسبت به پول را بر رفاه مالی نشان خواهد داد. بنابراین، این مطالعه به پیش بینی کننده های موجود در زمینه رفاه مالی کمک و جامعه پذیری مالی و نگرش نسبت به پول را به عنوان پیش زمینه اساسی رفاه مالی تعیین می کند. این مطالعه همچنین بازنگری های گسترده در مورد ادبیات تحقیق نشان می دهد که شواهد محدودی وجود دارد که اثربخشی آموزش مالی را نشان می دهد. پر کردن این شکاف تحقیق نیاز به یک مجموعه اطلاعاتی غنی دارد که دارای معیارهایی از ویژگیهای روانی فرد، دانش و سواد مالی، طیف گسترده ای از رفتارهای مالی و سایر متغیرهای کنترل اقتصادی می باشد. از این رو، در این تحقیق سعی بر این است تا با بررسی تحقیقات و مطالعات و مباحث نظری مربوط، به این سوالات پاسخ داده شود:

- سواد مالی و نگرش نسبت به پول چه تاثیری بر رفاه مالی دارد؟
- سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی چه تاثیری بر رفاه مالی دارد؟

۲- بیان مسأله پژوهش

رفاه مالی، از جمله اقدامات فرآیندهای پس انداز مالی، که تصمیمات پس انداز را پیچیده می کند. مشخص شده است که رفاه مالی با رفتارهای مسئولانه مالی ارتباط دارد. با این حال، انسان ها رابطه عاطفی با پول را تجربه می کنند. رابطه پول با افکار و احساساتی که فرد در مورد پول خود دارد روبرو می شود و از این طریق به مهارت های وی در شیوه های پس انداز مالی کمک می کند یا مانع آن می شود. به این ترتیب، وضعیت احساسی فرد می تواند بر انتخاب های مالی تأثیر بگذارد و به همین دلیل، رابطه عاطفی افراد با پولشان می تواند به دستیابی به مدیریت مالی عاقلانه کمک یا مانع آن شود، بنابراین از رویاهای مالی کاملاً غیر قابل درک پیشگیری می کند (ماتون و همکاران، ۲۰۱۰). شیوه های پس انداز مالی روشی است که در آن می توان برای آینده برنامه ریزی و آماده کرد. یکی از تصمیماتی که بر رفاه مالی تأثیر می گذارد، تصمیم برای پس انداز فعال

بخشی از درآمد شخص است. یک برنامه پس انداز شخصی شامل کنار گذاشتن منظم مقداری از مبلغ مالی قبل از صرف درآمد خود است. اگرچه دسترسی به وجوه در صورت لزوم (مانند شرایط اضطراری یا فرصت رشد اقتصادی) مسلماً برای همه ارزشمند است و در حالی که دسترسی فرد به منابع مالی بر رفتار مالی تأثیر می گذارد (راب و وودیارد، ۲۰۱۱). رفتارهای سازنده مالی [مانند شیوه های پس انداز] با رضایت مالی مرتبط است. یک رفتار پس انداز را می توان به عنوان یک اتفاق واحد تشخیص داد، مانند زمانی که شخص تصمیم می گیرد بخشی از هدیه پولی را پس انداز کند، یا یک تکرار طولانی مدت، مانند وقتی که شخص تصمیم دارد بخشی از حقوق خود را پس انداز کند (ژیائو و همکاران، ۲۰۰۹). تمرین پس انداز مالی رفتاری است در حالی که انباشت پس انداز مالی نتیجه است. رفتار [پس انداز] به عنوان یکی از عوامل متعدد در نتیجه [داشتن پس انداز] تثبیت شده نقش دارد. پس انداز رفتار یک مهارت مهم در زندگی است و می تواند برای تقویت خود در عدم اطمینان مالی و همچنین برای ایجاد انباشت ثروت طولانی مدت مورد استفاده قرار گیرد (شیم و همکاران، ۲۰۱۲). یکی از مشکلات آموزش مالی عدم تعریف استاندارد سواد مالی است. در بسیاری از مطالعات ممکن است از اصطلاحات سواد مالی، دانش و آموزش به جای یکدیگر استفاده شود. لوساردی و میتچل (۲۰۱۴) سواد مالی را "توانایی مردم در پردازش اطلاعات اقتصادی و تصمیم گیری آگاهانه در مورد برنامه ریزی مالی، انباشت ثروت، بدهی و حقوق بازنشستگی" تعریف می کنند. همچنین ریماند (۲۰۱۰) بیان می کند "سواد مالی معیاری است برای میزان درک مفاهیم کلیدی مالی و داشتن توانایی و اطمینان در مدیریت امور مالی شخصی از طریق تصمیم گیری مناسب کوتاه مدت و برنامه ریزی مالی مناسب و بلند مدت، ضمن آگاهی از وقایع زندگی و تغییر شرایط اقتصادی." مطالعه سواد مالی بینشی از شرایط و تجربیات فردی را که منجر به دانش مالی می شود، فراهم می کند. اول، تلاش برای سواد مالی که در سطح وسیعی در یک جامعه اجرا می شود، دامنه مالی را تقویت می کند و به بسیج منابع کمک می کند. گیل و روث (۲۰۱۴) پیشنهاد می کنند ترکیبی از برنامه های درسی برای آموزش تأثیر سواد مالی در کسب دانش و دانش مالی می تواند در کمتر از هفت دوره کلاس در سطح دبیرستان تحت تأثیر مثبت قرار گیرد. لوساردی و همکاران (۲۰۱۰) تفاوت زیادی را در سواد مالی بین جنسیت، نژاد، قومیت، اولویت زمانی، خصوصیات خانوادگی و خصوصیات همسن و سال مشاهده کردند که زنان از سواد مالی کمتری برخوردار بودند. پول قسمت بسیار مهمی از زندگی بوده و قدرت انگیزشی داشته و همچنین می تواند احساس امنیت بیشتری در افراد ایجاد کند. تحقیقات نشان می دهد که نگرش پول بر رفتار مالی مانند هزینه و پس انداز پول تأثیر می گذارد. پول نه تنها وسیله معامله است بلکه معیاری برای دستیابی به موفقیت و رفاه ذهنی است. برای برخی از مردم، پول یک چیز مادی است، در حالی که دیگران پول را به عنوان نیرو و ظرفیت ترسیم رابطه در نظر می گیرند. بنابراین پول نه تنها یک ابزار تجاری است بلکه ممکن است به عنوان نمادی از اعتبار، قدرت و ارزش تلقی شود (ساندارسن و رحمان، ۲۰۱۷). تحقیقات گذشته نشان داده، افرادی که معتقدند پول ارتباط نزدیکی با وضعیت دارد به دلیل از دست دادن درک شده وضعیت اجتماعی مرتبط با سطوح پایین تر ثروت، نسبت به جمعیت عمومی منزجر هستند.

دوح(۲۰۱۶) نشان داد که تجربیات خانوادگی دوران کودکی بر نگرش های پولی جوانان (۱۸ تا ۲۵ سال) و مادی گرایی آنها تأثیر می گذارد. سون و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که نگرش های پولی برای سواد مالی دانش آموزان اهمیت دارد. ادواردز و همکاران(۲۰۰۷)، نگرش های پولی بر تمایل دانش آموزان برای بحث در مورد مسائل مالی خود با دیگران تأثیر می گذارد. روبرتز و جونز(۲۰۰۱) دریافتند که نگرش پول به خرید اجباری در دانشجویان و به احتمال زیاد بر سواد مالی تأثیر می گذارد. بحث در مورد نقش اخلاق و اخلاق در اقتصاد و امور مالی چیز جدیدی نیست، شواهد و مطالعات اخیر در سطح بین المللی و داخلی نشان دهنده این مهم می باشد که در حرفه های علوم مالی نظیر حسابداری و حسابرسی، اخلاق حرفه ای شاخص اندازه گیری رفتار مناسب و ابزاری جهت تعیین روابط درست و نادرست است. مطالعات پژوهشگران در سطح بین المللی هر کدام به نحوی از اهمیت اخلاق در حرفه های علوم مالی و رابطه هم سوی ارزش های اخلاقی شاغلان حرفه با نیت و رفتار اخلاقی ایشان سخن گفته اند و همچنین بیان می دارد که نیاز به آموزش صحیح اصول اخلاقی باید در دستور کار مراکز آموزشی و سایر مراجع قرار گیرد(لمان، ۲۰۱۴). از دیرباز اقتصاددانان مالی در پیوند نظریه های اقتصادی با اخلاق مقاومت کرده اند، اما با پیشرفت بازارهای مالی و افزایش پیچیدگی معاملات مالی، ملزم شدن مفاهیم اخلاقی مانند صداقت، انصاف، صداقت، اعتماد و همکاری در جریان اصلی ضروری است. اکثر اقتصاددانانی که در مورد رابطه بین اخلاق و امور مالی بحث می کنند این کار را به صورت غیر مستقیم انجام می دهند. آراگون(۲۰۱۴) استدلال می کند که تحقیقات گسترده در اقتصاد مالی در مورد پیامدهای اقتصادی اطلاعات ناقص، پایه و اساس چندین نظریه اقتصادی و مالی پیشرفته مانند نظریه هزینه نمایندگی و نظریه علامت دهی است. علاوه بر این، توسعه ابزارها و مکانیسم هایی برای کاهش هزینه های مرتبط با خطرات اخلاقی و انتخاب نامطلوب منجر به توسعه یک چارچوب نظری از اقتصاد نهادی شده است که بر اهمیت نهادهای رسمی و غیررسمی تمرکز دارد(آراگون، ۲۰۱۴).

این مطالعه در حوزه رفاه مالی افراد بسیار مهم است. از آنجا که تعداد قابل توجهی از افراد از رفاه مالی پایین خبر می دهند، موسسات آموزشی، موسسات مالی و سیاست گذاران باید به طور فزاینده ای روی افراد تمرکز کنند. علاوه بر این، این مطالعه با نشان دادن اینکه بحث مالی با و نگرش نسبت به پول به طور مثبتی بر رفاه مالی تأثیر می گذارد، به ادبیات تصمیم گیری مالی مصرف کننده کمک می کند. همچنین ایجاد عادت های مالی مثبت، مانند پس انداز و پیگیری هزینه ها، می تواند به طور مثبت بر رفاه مالی مورد انتظار تأثیر بگذارد. علاوه بر این، این مطالعه بر نقش اجتماعی شدن مالی افراد تأکید کرده است، که بر رفاه مالی تأثیر می گذارد. علاوه بر این، این مطالعه تأثیر مثبت نگرش نسبت به پول را بر رفاه مالی نشان خواهد داد. بنابراین، این مطالعه به پیش بینی کننده های موجود در زمینه رفاه مالی کمک می کند و جامعه پذیری مالی و نگرش نسبت به پول را به عنوان پیش زمینه اساسی رفاه مالی تعیین می کند. این تحقیق پیامدهای مهمی برای نهادهای دانشگاهی و مالی و همچنین برای سیاست گذاران دارد. سیاست گذاران می توانند برنامه ها را ایجاد کنند که افراد را ترغیب می کند تا در مورد مسائل مالی، مانند اهمیت پس انداز، درآمد خانواده،

رفتارهای هزینه ای و محصولات مالی گفتگو کنند. با توجه به موارد بیان شده، در این تحقیق، بررسی می شود که چگونه سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی را تحت تأثیر قرار می دهد.

۳- پیشینه پژوهش

سواد مالی و رفاه مالی همواره یکی از موضوعات بحث برانگیز در متون و نوشتارهای مرتبط با حسابداری بوده است و در این بخش به برخی تحقیقات انجام شده در این زمینه اشاره می شود:

فرخ و جهانشاد (۱۴۰۱) به ارزیابی روابط بین خود شیفتگی مدیران، انتخاب سبک‌های رهبری در حسابداری پرداختند. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشند. به دلیل این که دسترسی به تمامی اعضای جامعه‌ی آماری امکان‌پذیر نبود بنابراین از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده گردید. از این رو پرسشنامه‌ها بین مدیران توزیع گردیده و جمعا ۱۵۰ پرسشنامه تکمیل شده گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از معادلات ساختاری و به کمک نرم‌افزار لیزرل انجام و نتایج نشان داد که خودشیفتگی مدیران بر سبک رهبری تحول‌گرا در حسابداری-در مقایسه با عمل‌گرا- تأثیر بیشتری داشته است. علاوه بر این، خودشیفتگی مدیران بر سبک رهبری عمل‌گرا و سبک رهبری تحول‌گرا در تعیین استراتژی تجاری شرکت‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مدیریت سود و کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار است.

احمدزاده و یعقوب نژاد (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر درک حسابرسان از فرهنگ اخلاقی حاکم در مؤسسات بر ارزشهای حرفه ای در مؤسسات حسابرسی پرداختند. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکاء، مدیران و سرپرستان مؤسسات حسابرسی مورد اعتماد بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۹ بین ۱۵۹ نفر مورد آزمون قرار گرفت. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه طراحی شده که روایی آن مورد تأیید خبرگان حرفه قرار گرفته جمع‌آوری شده و برای آزمون فرضیه‌ها از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده و نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت درک حسابرسان از فرهنگ اخلاقی حاکم در مؤسسات و تعهد آنها نسبت به منافع عموم میباشد. همچنین نتایج پژوهش بیانگر وجود رابطه منفی بین درک حسابرسان از فرهنگ اخلاقی حاکم بر مؤسسات و پذیرش و مشارکت در رفتار غیرحرفه ای است. علاوه بر این نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد بین پذیرش اخلاقی حسابرسان نسبت به اقدامات غیر حرفه‌ای و مشارکت در رفتار غیرحرفه‌ای رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

عارف منش و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی رابطه بین مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت با نقش میانجی‌گر مزیت رقابتی و تعدیل‌گر سواد مالی در واحدهای تولیدی مستقر در شهرک صنعتی یزد پرداختند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری تحلیل گردید. نتایج تحلیل ۲۲۰ پرسشنامه تکمیلی نشان داد که رابطه مزیت رقابتی با عملکرد شرکت به لحاظ آماری معنی‌دار نیست، اما مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری با مزیت رقابتی و عملکرد شرکت دارد. همچنین،

رابطه سواد مالی با مزیت رقابتی مثبت و معنی دار است. نقش میانجی گر مزیت رقابتی در رابطه مدیریت ریسک با عملکرد شرکت مورد تأیید قرار نمی گیرد، اما نقش تعدیل گر سواد مالی در رابطه مدیریت ریسک با مزیت رقابتی پذیرفته می شود.

فاضلی و نیاکان (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود و تأثیر سواد مالی اعضای زن در هیات مدیره پرداختند. برای دستیابی به هدف پژوهش از اطلاعات ۱۲۹ شرکت از تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ استفاده شد. نتایج نشان داد، بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد، همچنین مدیریت سود شرکت هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی هستند، از شرکت هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی نیستند، بیشتر است.

طوطیان اصفهانی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین راهبردهای خودکنترلی، سواد مالی و کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. جامعه پژوهش شامل مشارکت کنندگان فعال بورس اوراق بهادار تهران و نمونه آماری به روش نمونه گیری تصادفی ساده و طبق جدول کرجسی و مورگان به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با استفاده پرسشنامه نیمه ساختاریافته انجام و روایی پرسشنامه نیز برابر ۰/۷۹۲ شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین راهبردهای خودکنترلی، راهبردهای سواد مالی مدیران (مدیریت پول و پس انداز، مدیریت تأمین مالی و اعتباری و برنامه ریزی سرمایه گذاری) و کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین ارتباط آماری معناداری وجود دارد.

معین الدین و همکاران (۱۴۰۰) به شناسایی مؤلفه های مؤثر در شکل گیری سواد مالی تخصصی مدیران شرکتها پرداختند. روش تحقیق کیفی و تحلیل های لازم با استفاده از تکنیک ۷ مرحله ایی کولایزی و به کمک نرم افزار Nvivo8 انجام گردید. نمونه پژوهش مشتمل بر ده نفر از خبرگان مالی و با توجه به یافته های پژوهش یازده مؤلفه اصلی در شکل گیری سواد مالی مدیران شناسایی گردیده که شناخت و تحلیل صورت های مالی، آشنایی با قوانین بیمه و کار، مقررات مالیاتی و قانون تجارت از جمله این مؤلفه ها بود.

معین الدین و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی سطح سواد مالی کارگران و بررسی تاثیر مشخصات دموگرافیک (جمعیت شناختی) بر سطح سواد مالی و نیز تعیین تاثیر سواد مالی و خود کنترلی بر بیش بدهی پرسنل شرکت مجتمع صنایع لاستیک یزد پرداختند. روش نمونه گیری، تصادفی ساده با استفاده از فرمول کوکران بوده و نمونه مورد نظر شامل ۱۷۰ نفر که تعداد ۱۰۷ عدد پرسشنامه قابل قبول جمع آوری گردید. نتایج نشان داد که کارگران در مجموع از نظر مالی کم سواد هستند اما در برخی از حوزه های زیر گروه سواد مالی که شامل کسب و پس انداز، خرج و استقراض، بیمه و بازنشستگی می باشد با سواد هستند. همچنین تاثیر خودکنترلی بر بیش بدهی مصرف کنندگان منفی یا معکوس می باشد. از منظر مالی نیز سواد مالی دارای تاثیر منفی بر بیش بدهی و تاثیر مثبت بر خودکنترلی افراد نمونه مورد بررسی است.

قادری رهقی و خندان علمداری (۱۳۹۹) به ارائه چارچوبی برای استقرار و توسعه نظام پیوسته سواد مالی از طریق سنجش سواد مالی در مدارس متوسطه تهران پرداختند. جامعه آماری تحقیق، دانش‌آموزان سال سوم، دوره دوم متوسطه مدارس شهر تهران بود. نتایج نشان داد که ابعاد سه‌گانه سواد مالی (دانش مالی، رفتار مالی، نگرش مالی) دانش‌آموزان، بر رشته تحصیلی آنان (۰/۲۳۶) و بر شغل والدین آنان (۰/۲۰۵) تأثیر دارد.

میر محمدی و شاکریان (۱۳۹۸) به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی ادراک ریسک بر روابط بین سواد مالی و دانش مالی با تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار یزد پرداختند. جامعه آماری، شامل سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار یزد بوده که تعداد ۷۷ نفر بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس در این پژوهش مشارکت داشته‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام گردید. نتایج نشان داد که سواد مالی، دانش مالی و نیز ریسک ادراک شده بر تصمیم‌گیری جهت سرمایه‌گذاری تأثیری معنادار داشته و ریسک ادراک شده رابطه بین دانش مالی و تصمیم به سرمایه‌گذاری را به شکلی منفی تعدیل نموده و این در حالی است که در رابطه بین سواد مالی و تصمیم به سرمایه‌گذاری را تعدیل نمی‌نماید.

لونه و فات (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر سواد مالی بر رفاه مالی در بین دانشکده‌های بازرگانی منطقه جامو و کشمیر پرداختند. داده‌ها با روش پرسشنامه از ۲۰۳ عضو هیئت علمی دانشکده بازرگانی از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده جمع‌آوری گردید. برای اعتبارسنجی مقیاس از تحلیل عاملی تاییدی و برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان دهنده تأثیر مثبت معنادار سواد مالی و همچنین ابعاد آن را بر خودکارآمدی مالی و رفاه مالی است. همچنین مشخص شد که خودکارآمدی مالی تا حدی واسطه تأثیر سواد مالی بر رفاه مالی است.

فان و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی روابط بین ویژگی‌های شخصیتی، مسئولیت مالی، توانایی مالی درک شده و رفاه ذهنی افراد جوان پرداختند. این مطالعه از مجموعه داده ۲۰۱۵ از افراد جوان استفاده و نتایج نشان داد که توانایی مالی و ویژگی‌های شخصیتی درک شده به طور قابل توجهی با رفاه مالی مرتبط هستند. مسئولیت مالی، وظیفه‌شناسی و ویژگی‌های شخصیتی با توانایی مالی درک شده ارتباط دارند. همچنین تجزیه و تحلیل اضافی تفاوت در روابط پیشنهادی بین پاسخ‌دهندگان جوان سیاه پوست و سفید غیر اسپانیایی را نشان می‌دهد.

ایانلو و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیری که رفاه مالی ذهنی افراد جوان (یعنی درک ذهنی از وضعیت مالی خود) بر رفاه ذهنی و روانی آنها دارد و بررسی اینکه آیا این رابطه وجود دارد با اختلافات فردی افراد جوان نسبت به روشی که می‌توانند عدم قطعیت و ابهام را تحمل کنند تعدیل می‌شود، پرداختند. در یک نمونه از ۴۵۲ شرکت‌کننده ایتالیایی و پرتغالی (۲۰-۲۷ ساله) انجام و چهار گروه (اضطراب در مورد ابهام و عدم اطمینان، راحتی همراه با ابهام و عدم اطمینان، تفکر سیاه و سفید، تفکر انعطاف‌پذیر) شناسایی گردید.

نتایج نشان داد که رفاه مالی ذهنی تأثیر مثبت و بی ثباتی بر رفاه ذهنی، در حالی که تأثیر مثبت اما غیر ثابت در رفاه روانشناختی دارد.

هرواتی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر کیفیت یادگیری مالی و وضعیت اقتصادی والدین بر خودکارآمدی مالی دانشجویان حسابداری کارشناسی با سواد مالی پرداختند. نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی هدفمند که شامل دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد حسابداری (ترم های چهارم و ششم) به تعداد ۵۱۸ نفر انجام گردید. نتایج نشان داد که کیفیت یادگیری مالی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی هیچ تأثیر مستقیمی بر خودکارآمدی مالی ندارد، اما سواد مالی مستقیماً بر خودکارآمدی مالی تأثیر دارد. علاوه بر این، سواد مالی قادر به ایجاد واسطه روابط کیفیت یادگیری و وضعیت اقتصادی و اجتماعی با خودکارآمدی مالی و کیفیت یادگیری مالی تأثیر معنی داری بر سواد مالی دارد.

کونتز و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی آموزش ویدئویی آنلاین بر سواد مالی ۲۴۴ دانشجو از دانشجویان کسب و کار پرداختند. نیمی از دانش آموزان آموزش ویدیویی را تماشا می کردند، در حالی که نیمی دیگر اینگونه نبودند. این فیلم ها شامل ۶۷ دقیقه سخنرانی های بود که دانشجویان می توانند به راحتی بارگیری آن را رایگان انجام دهند. نتایج نشان داد که آموزش ویدئویی آنلاین در افزایش سواد مالی موفق تر از گذراندن دوره مالی می باشد.

با توجه به موارد پیش گفته و اهمیت فزاینده مباحث مرتبط با سواد مالی و تأثیر شگرف آن بر رفاه مالی و پس انداز افراد و خانوارها، متأسفانه این موضوع تابحال در کشور بطور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. این پژوهش نشان خواهد داد که جهت گیری اخلاقی می تواند انتقال موفقیتی از حوزه آموزش به حوزه مالی شخصی داشته باشد. مسائل اخلاقی و نگرش افراد در تحقیق حاضر از مواردی است که در تحقیقات دیگران لحاظ نشده و همچنین اکثر تحقیق های انجام شده در حوزه دانش مالی و رفتارهای مالی الگو گرفته شده از مقاله های لاتین که متأثر از فرهنگ و ویژگی های جامعه آنها بوده انجام شده و بنابراین خلاء پژوهش در این زمینه با رویکرد عوامل مالی و اقتصادی کاملاً محسوس است. همچنین بر اساس بررسی پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، تاکنون تحقیقی به واکاوی موضوع تحقیق نپرداخته است که این مورد، هم در جهت مطالعه ادبیات پژوهش و توضیح این مفاهیم و هم در بررسی تأثیر این متغیرها، از نوآوری های این پژوهش محسوب می شود.

۴- مبانی نظری و تدوین فرضیه ها

سواد مالی به عنوان توانایی فرد در برنامه ریزی امور مالی، برنامه ریزی برای بدهی و بازنشستگی و حفظ ثروت تعریف شده است. سواد مالی را می توان به عنوان آشنایی با برخی اصطلاحات و مفاهیم اساسی مالی تعریف کرد که برای عملکرد روزانه در یک جامعه لازم است (اتکینسون و مسی، ۲۰۱۲؛ گاتر و همکاران، ۲۰۱۶). مطالعات متعددی اثبات کرده اند که سواد مالی تأثیر چشمگیری در نگرش مالی افراد دارد. شیم و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که بین سطح سواد مالی بالاتر و نگرش مثبت مالی رابطه مثبت وجود دارد.

مطالعات موجود در ادبیات همچنین نشان داد که سطح دانش مالی بر رفتارهای مالی مانند بودجه ریزی، پس انداز یا پرداخت به موقع تأثیر دارد. سواد مالی موجب انباشت ثروت و مدیریت مؤثر بدهی برای افراد می شود. علاوه بر این، سواد مالی بالا می تواند افراد را قادر به تصمیم گیری های پیچیده مالی و ترویج پس انداز کند. بهبود سواد مالی منجر به افزایش پس انداز، بودجه ریزی، بهبود برنامه ریزی مالی و استفاده هوشمندانه از کارتهای اعتباری می شود (وان، ۲۰۱۷). علاوه بر این، تحقیقات نشان می دهد تفاوت های جمعیت شناختی بر سطح سواد مالی موثر است. لوساردی و توفانو (۲۰۱۵) رابطه بین سواد مالی و ویژگی های جمعیت شناختی دانشجویان دانشگاه در هفت بازار اروپا را بررسی کردند. آنها از وجود سطح متوسط سواد مالی در امور مالی شخصی خبر دادند. یافته جالب دیگر بیان می کند که دانشجویان پسر، دانشجویانی که در خانه های اجاره ای زندگی می کنند، دانشجویانی که والدین آنها درآمد ماهانه بالایی دارند، و کسانی که قبلاً دوره های مالی را پشت سر گذاشته اند، در امور مالی شخصی دانش بیشتری دارند. آموزش سواد مالی در بهبود رفتار پس انداز بسیار مهم است با این حال، شواهد کمتری در دسترس است تا نشان دهد سواد مالی تأثیر مثبتی بر رفاه مالی افراد دارد. نتمایر و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که سواد مالی تأثیر منفی بر رفاه مالی مورد انتظار آینده دارد. بنابراین، درک دقیق تری از رابطه بین این سازه ها لازم است. در رابطه با بحث فوق این فرضیه تدوین می گردد:

فرضیه اول: سواد مالی بر رفاه مالی افراد تأثیر مثبتی دارد.

یاماوچی و تمپلر (۱۹۸۲) نگرشی را نسبت به مقیاس پول ابداع کردند، که در آن عامل "نگه داشتن زمان" رفتارهایی را با هدف آینده، که نیاز به آمادگی برنامه ریزی دارند" نشان می دهد. این تعریف منعکس کننده اولویت افراد است که به سمت استقلال مالی حرکت می کنند و برای مقابله با عدم قطعیت های مالی در آینده آماده می شوند (ژیائو و همکاران، ۲۰۰۹). شیم و همکاران (۲۰۰۹) نتیجه گرفتند که هنجارهای ذهنی و نگرش های مالی در همه ابعاد رفاه مالی بسیار مهم هستند. نگرش به پول به عنوان تعیین کننده انتخاب شد زیرا توسعه نگرش پس انداز و پیگیری می تواند بر رفاه مالی افراد تأثیر بگذارد. افراد با نگرش مثبت به پول، از دارای رفاه مالی مورد انتظار بالاتر هستند زیرا رفتارهای پس انداز و مدیریت هزینه را در پی دارند. مطالعات قبلی نشان دادند که نگرش مالی، یعنی ترجیحات یا تمایل آنها به مسائل مربوط به امور مالی شخصی، به طور قابل توجهی با رفتارهای مالی مرتبط است (اتکینسون و مسی، ۲۰۱۲). یورگنسن و ساولا (۲۰۱۰) نشان دادند که دانشجویان با نگرش مثبت بیشتری درگیر روش های مثبت مالی شخصی و رفتارهایی مانند پس انداز یا بودجه هستند. این ارتباط مثبت بین نگرش مالی و رفتارهای مالی نیز توسط شیم و همکاران تأیید شد. بنابراین، فرضیه بعدی این گونه ارائه می شود:

فرضیه دوم: نگرش به پول بر رفاه مالی افراد تأثیر مثبتی دارد.

ترجیحات زمانی، ترجیحات افراد را برای ابزار فوری به جای ابزارهای معوق نشان می دهد. کسانی که ابزار فوری را به جای ابزارهای معوق، ترجیح می دهند، افرادی با تعصب در نظر گرفته می شوند. از آنجا که آنها کمتر به آینده نگران هستند عواقب و رضایت فوری را نسبت به آینده انتخاب می کند، در کل بی تاب و ناپسند به حساب می آیند (هاستینگز و میچل، ۲۰۱۱). مایر و اسپرنگر (۲۰۰۸) دریافتند که افراد نگران مسائل مالی تمایل بیشتری به شرکت در برنامه های آموزش مالی دارند. اخلاق پول به عنوان معیار نگرش به پول تعریف می شود، که نشان دهنده اهمیت به پول است. براساس الگوی نگرش آجنز و فیشبین (۱۹۷۷)، سه بعد مشخص از نگرش به پول ارائه شده است که جنبه های عاطفی، شناختی و رفتاری را نشان می دهد. مؤلفه عاطفی مربوط به درک فرد از پول به عنوان خوب یا مهم و ارزشمند، جذاب یا بی فایده است. مؤلفه شناختی نشانگر ارتباط نمادین بین پول و دستیابی، احترام و قدرت است. این مؤلفه که به عنوان فاکتور موفقیت نامیده می شود نشان می دهد که مردم پول را نشانه موفقیت می دانند. مؤلفه رفتاری مربوط به فعالیت های مرتبط با پول مانند بودجه ریزی است (تانگ، ۱۹۹۵؛ میچل و میکسل، ۱۹۹۹). اخلاق مالی مفهومی است که به طور کلی پذیرفته می شود تأثیر بسزایی در رفتارهای افراد در حوزه های مختلف داشته باشد. این رابطه همچنین در جنبه های مختلف رفتارهای مالی در نمونه هایی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان داده شده است. کیم (۲۰۰۳) نشان داد که نگرش به پول پیش بینی کننده اهمیت عادات هزینه است. داوولینگ و همکاران (۲۰۰۹) نقش مهم نگرش پول را در برآورد مشکلات مالی در افراد نشان دادند. همچنین رابطه اخلاق پول و رفتار کارت اعتباری توسط نورولیتیس و همکاران (۲۰۰۶) تأیید شد. در مطالعات قبلی رابطه معناداری بین مؤلفه تأثیرگذار اخلاق مالی و رفتارهای مالی وجود دارد. به عنوان مثال، سون و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند کسانی که پول را "خوب" می دانند از نظر مالی مسئولیت بیشتری نسبت به کسانی که پول را "شر" می دانند، دارند. با توجه به مؤلفه شناختی ساختار اخلاق مالی، مطالعات متعددی نشان داده شده است که کسانی که پول را به عنوان سمبل قدرت و پرستیژ در نظر می گرفتند بیشتر تمایل داشتند که در رفتار اجباری خرید مشغول شوند. بر اساس این موارد، فرضیه زیر پیشنهاد می شود:

فرضیه سوم: سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی تأثیر دارد.

۵- روش پژوهش

این پژوهش از نوع تجربی در حوزه پژوهش های اثباتی حسابداری می باشد. از آنجایی که نتایج حاصل از این پژوهش می تواند در فرآیند تصمیم گیری استفاده شود، این پژوهش از لحاظ هدف تحقیق، کاربردی است. از نظر گردآوری داده ها، نوع پژوهش پیمایشی و از نظر تجزیه و تحلیل نیز پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی می باشد. با توجه به تحقیقات قبلی، این مطالعه بررسی می کند که چگونه سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی تأثیر گذار است. در این تحقیق متغیرهای مستقل و تأثیر گذار شامل

سواد مالی و نگرش نسبت به پول، متغیر وابسته رفاه مالی، متغیر میانجی اخلاق مالی است. با توجه به روش تحقیق یعنی نظرخواهی در قالب پرسشنامه، تحلیل عاملی تاییدی، تحلیل مسیر و مطالعه ی داده های گردآوری شده، برای آزمون فرضیه های تحقیق از آمار توصیفی و آزمون های مربوط استفاده خواهد گرفت. جامعه مورد بررسی در این پژوهش شامل مدیران، کارشناسان، دانشجویان و افراد عادی که ساکن شهر تهران و در قلمرو زمانی سال ۱۴۰۰ می باشند و تعداد اعضای نمونه در این پژوهش در بخش کمی آن برای تعمیم پذیری بیشتر با جامعه مورد مطالعه از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود استفاده که با محاسبات انجام شده حداقل نمونه لازم ۳۸۴ نفر می باشد.

این مطالعه با هدف اعتبارسنجی متغیرهای سواد مالی، نگرش نسبت به پول، اخلاق مالی، رفاه مالی در بین مدیران، کارشناسان، دانشجویان و افراد عادی که ساکن شهر تهران انجام گردیده و جهت اندازه گیری متغیرهای سواد مالی و نگرش نسبت به پول به پیروی از تحقیق آیدین و شلوک (۲۰۱۹)، سوالات مربوط به متغیر اخلاق مالی خود ساخته بوده و سنجش و اندازه گیری متغیر رفاه مالی برگرفته از تحقیق اوتکارش و همکاران (۲۰۲۰) پیشنهاد شده و نحوه اندازه گیری هر یک از متغیرهای تحقیق در جدول (۱) ارائه گردیده است:

جدول ۱- متغیرهای تحقیق

متغیر	شرح / عنوان
مستقل (سواد مالی)	با استفاده از ۷ نشانگر در پرسشنامه (سوالات ۱ تا ۷) و در یک پيوستار پنج و ۴ درجه ای از به جواب تستی سنجش و اندازه گیری شده است.
مستقل (نگرش نسبت به پول)	با استفاده از ۹ نشانگر در پرسشنامه (سوالات ۸ تا ۱۶) و در یک پيوستار پنج درجه ای لیکرت به صورت کاملاً مخالفم و کاملاً موافقم سنجش و اندازه گیری شده است.
میانجی (اخلاق مالی)	با استفاده از ۹ نشانگر در پرسشنامه (سوالات ۱۷ تا ۲۵) و در یک پيوستار پنج درجه ای لیکرت به صورت کاملاً مخالفم و کاملاً موافقم سنجش و اندازه گیری شده است.
وابسته (رفاه مالی)	با استفاده از ۱۴ نشانگر در پرسشنامه (سوالات ۲۶ تا ۳۹) و در یک پيوستار پنج درجه ای لیکرت به صورت خیلی کم و خیلی زیاد سنجش و اندازه گیری شده است.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶- تجزیه و تحلیل و نتایج پژوهش

به منظور ارزیابی متغیرهای تحقیق، با مطالعه کتب و با مشورت اساتید راهنما، پرسشنامه طراحی گردید. که در جدول ذیل اطلاعات توزیع و جمع آوری پرسشنامه آمده است و ویژگی های پاسخ دهندگان براساس سولات بخش اول پرسشنامه در ادامه تشریح می گردد.

جدول ۲- توزیع و جمع آوری پرسشنامه

تعداد	شرح
۷۵	پرسشنامه های توزیعی (حضوری)
۳۴۹	تعداد ایمیل ارسال شده
۲۶	پرسشنامه ناقص و حذف شده
۳۹۸	جمع کل پرسشنامه تجزیه و تحلیل شده نهائی

منبع: یافته های پژوهشگر

در تحقیق حاضر داده های جمع آوری شده با تعداد ۳۹۸ پرسشنامه، توسط نرم افزار پی ال اس شماره ۳ مورد تحلیل عاملی قرار گرفت. در این تحقیق جمع آوری پرسشنامه هم به صورت تحت وب (سایت اختصاصی پرسشنامه) و اطلاع رسانی از طریق ایمیل و به صورت توزیع حضوری بوده است.

جدول ۳- متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	معیار	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	جمع
جنسیت	زن	۱۴۴	۳۶.۲	۳۹۸
	مرد	۲۵۴	۶۳.۸	
سن	۱۸ تا ۲۴ سال	۲۴	۶	
	۲۵ تا ۳۴ سال	۱۳۵	۳۳.۹	
	۳۵ تا ۴۴ سال	۱۲۸	۳۲.۲	
	۴۵ تا ۵۴ سال	۷۳	۱۸.۳	
	بالتر از ۵۵ سال	۳۸	۹.۵	
	دبیرستان	۸	۲	
تحصیلات	کارشناسی	۱۲۶	۳۱.۷	
	تحصیلات تکمیلی	۲۶۴	۶۶.۳	
	مجرد	۲۸۶	۷۱.۹	
وضعیت تاهل	متاهل	۹۹	۲۴.۹	
	طلاق یا جدا	۱۳	۳.۲	

متغیر	معیار	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	جمع
میزان درآمد ماهیانه	بدون درآمد	۱	۰.۳	
	کمتر از ۱۰ میلیون ریال	۹۹	۲۴.۹	
	بین ۱۰ تا ۳۰ میلیون ریال	۱۱۸	۲۹.۶	
	بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون ریال	۲۴	۶	
	بالاتر از ۵۰ میلیون ریال	۱۵۶	۳۹.۲	
تعداد فرزندان	بدون فرزند	۱۷۴	۴۳.۷	
	کمتر از ۳ فرزند	۲۱۴	۵۳.۸	
	بیشتر از ۳ فرزند	۱۰	۲.۵	
	گیلک	۳۷	۹.۳	
قومیت	ترک	۶۶	۱۶.۶	
	کرد	۳۵	۸.۸	
	لر	۲۱	۵.۳	
	سایر	۲۳۹	۶۰.۱	
	بیکار	۲۰	۵	
وضعیت شغلی	خویش فرما	۴۷	۱۱.۸	
	کارمند	۳۰۷	۷۷.۱	
	بازنشسته	۲۴	۶	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول (۳)، ۲۵۴ نفر از پاسخ دهندگان دارای جنسیت مرد و ۱۴۴ نفر دارای جنسیت زن بودند. از لحاظ درصد، بین ۱۸ تا ۲۴ سال با ۶ درصد کمترین و بین ۲۵ تا ۳۴ سال بیشترین درصد پاسخ دهندگان از لحاظ سن را تشکیل دادند. ۲۸۶ نفر از پاسخ دهندگان متاهل، ۹۹ نفر مجرد و ۱۳ نفر نیز جدا یا مطلقه بودند. ۱۷۴ نفر در بدون فرزند، ۲۱۴ نفر کمتر از ۳ فرزند و ۱۰ نفر بیشتر از ۳ فرزند داشتند. همچنین از نظر درآمدی ۳۹.۲ درصد دارای درآمدی بالاتر از ۵۰ میلیون را داشتند. از لحاظ تحصیلات، ۲ درصد از افراد پاسخ دهنده، دبیرستانی و ۳۱.۷ درصد، کارشناسی و ۶۶.۳ درصد دارای تحصیلات تکمیلی بودند. ۲۰ نفر بیکار، ۴۷ نفر خویش فرما، ۳۰۷ نفر کارمند و ۲۴ نفر از پاسخ گویان بازنشسته بودند. از نظر قومیت نیز ۳۷ نفر گیلک، ۶۶ نفر ترک، ۳۵ نفر کرد، ۲۱ نفر لر و ۲۳۹ نفر از سایر اقوام بودند. به منظور بررسی پایداری پرسشنامه از آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای پرسشنامه محاسبه گردیده است. ضریب کل آلفای کرونباخ در این تحقیق ۷۹.۷ درصد می باشد که نشان می دهد پرسشنامه از قابلیت اعتماد بالایی برخوردار است. در جدول (۴) آلفاکرونباخ هر یک از متغیرها براساس پرسشنامه تحقیق نشان داده شده است:

جدول ۴- پایایی و روایی متغیرهای تحقیق

شاخص	سواد مالی	نگرش نسبت به پول	اخلاق مالی	رفاه مالی	کل ابزار
آلفای کرونباخ (درصد)	۷۹.۴	۷۸.۸	۷۹.۴	۷۷.۱	۷۹.۷
پایایی ترکیبی	۷۷.۲	۶۲.۶	۸۴.۶	۷۶.۵	-
روایی همگرا	۶۳.۲	۴۴.۷	۶۴.۷	۳۶.۶	-

منبع: یافته های پژوهشگر

در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰.۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل های اندازه گیری و مقدار کمتر از ۰.۶ عدم وجود پایایی را نشان می دهد. در مورد روایی همگرا، مقدار بحرانی ۰.۵ است؛ بدین معنی که مقدار روایی همگرا بالای ۰.۵ روایی همگرای قابل قبول را نشان می دهند نتایج جدول (۴) مقدار پایایی ترکیبی برای اکثر سازه های مورد مطالعه بالاتر از حد قابل قبول (۰.۶) می باشد. همچنین می توان نتیجه گرفت که اکثر سازه های تحقیق بیشتر از ۰.۵ شده و نشان دهنده روایی همگرا بالا می باشد. نخستین مرحله در هر تحلیل آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، محاسبه ی شاخص های توصیفی می باشد. بنابراین برای ورود به مرحله ی تجزیه و تحلیل اطلاعات، آماره ی توصیفی داده ها که شامل شاخص های مرکزی، پراکندگی و انحراف از قرینگی بوده که نتایج در جدول (۵) درج شده است.

جدول ۵- آمار توصیفی داده های پژوهش

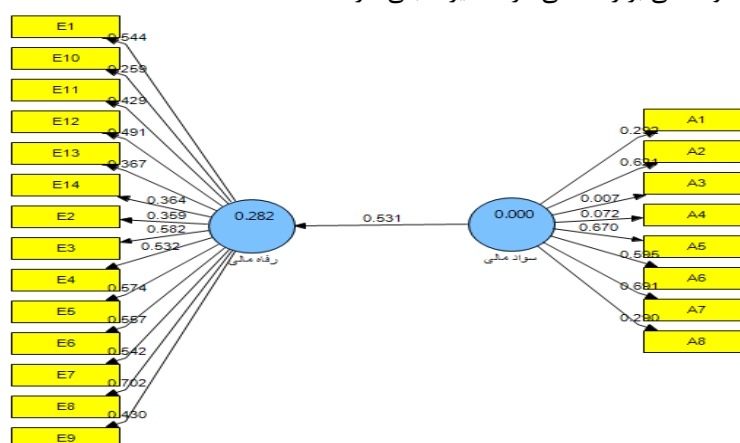
متغیر	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سواد مالی	۲.۶۵	۱.۶۳	۴.۲۵	۰.۴۹۳۷	۰.۶۱۰	۰.۵۷۱
نگرش نسبت به پول	۳.۹۷	۲.۸۹	۵	۰.۴۷۰۲	۰.۰۰۱	-۰.۲۳۲
اخلاق مالی	۳.۷۵	۲.۳۳	۴.۸۹	۰.۴۲۶۸	-۰.۳۶۱	۱.۳۷۵
رفاه مالی	۲.۰۴	۱.۲۹	۳.۱۴	۰.۳۰۸۹	۰.۶۱۸	۱.۴۲۵

منبع: یافته های پژوهشگر

جدول (۵) نتایج آمار توصیفی داده های پژوهش نشان می دهد، بعنوان نمونه میانگین امتیاز متغیر سواد مالی از نظر نمونه مورد بررسی ۲.۶۵ است به عبارتی پاسخ دهندگان با تاثیر بعد سواد مالی بر رفاه مالی موافق نیستند. انحراف معیار ۰.۴۹۳۷ می باشد همچنین کمترین امتیاز مربوط به متغیر سواد مالی معادل ۱.۶۳ و بیشترین امتیاز معادل ۴.۲۵ می باشد. از سوی دیگر مقدار چولگی مشاهده شده برابر ۰.۶۱۰ و مقدار کشیدگی آن ۰.۵۷۱ است و در بازه (۲، -۲) قرار دارد؛ این نشان می دهد توزیع متغیر از کشیدگی نرمال برخوردار است. داده های آماری پس از جمع آوری پرسشنامه ها به همراه اطلاعات عمومی از طریق نرم افزار پاسخ های داده شده مورد آزمون و بررسی قرار گرفت. مبنای تایید و رد فرضیه ها مقایسه کمیت t با ۱/۹۶ (سطح متناظر با

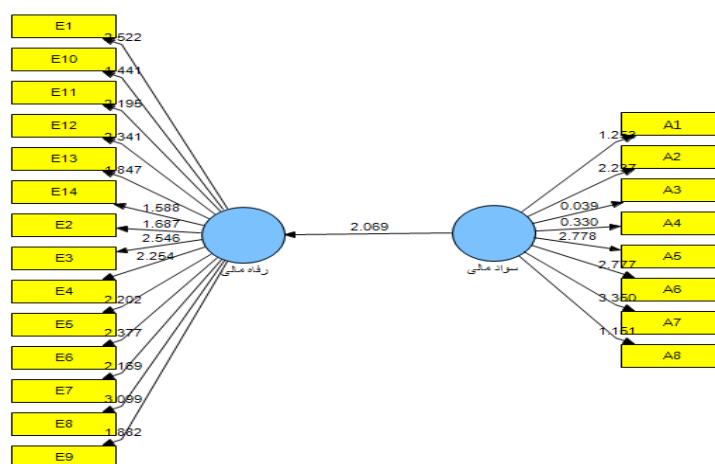
توزیع نرمال استاندارد با $\alpha = 5\%$ می باشد. بنابراین به ازای مقادیر بزرگتر از $1/96$ فرضیه تایید خواهد شد و برای مقادیر کمتر از آن فرضیه رد می شود. بدین منظور داده های گرد آوری شده از نمونه مورد بررسی در سطح معناداری 0.05 به قرار زیر است:

فرضیه اول: سواد مالی بر رفاه مالی افراد تأثیر مثبتی دارد.



نمودار ۱- تحلیل عاملی تاییدی در حالت استاندارد فرضیه اول

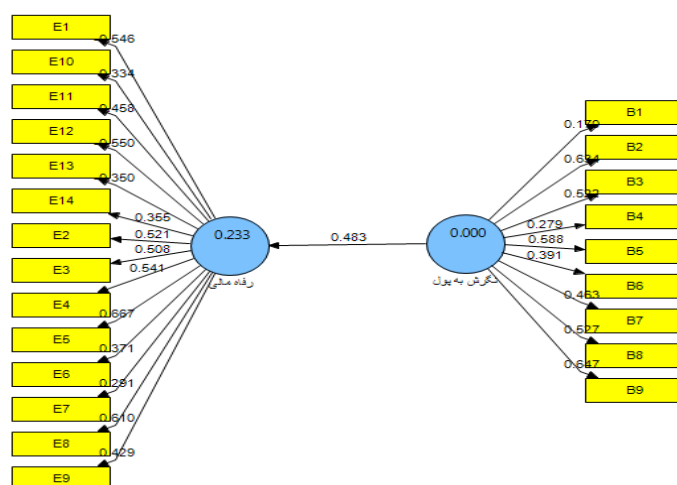
منبع: یافته های پژوهشگر



نمودار ۲- تحلیل عاملی تاییدی در حالت معناداری فرضیه اول

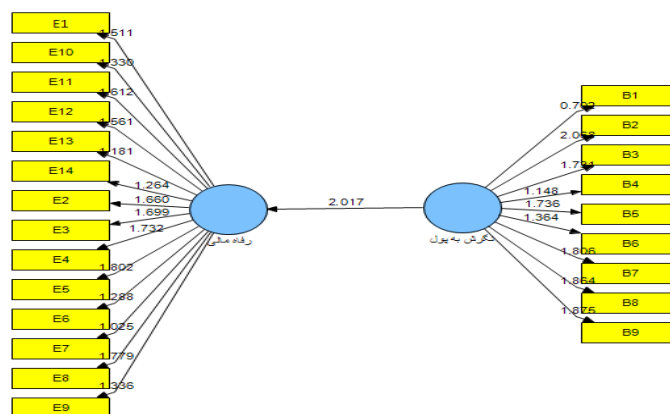
منبع: یافته های پژوهشگر

براساس نمودارهای (۱) و (۲) و انجام محاسبات و نیز پس از بررسی نتایج حاصل از مدل ساختاری ضریب استاندارد معادل ۰.۵۳۱ تخمین زده شده که دارای مقدار t بالای ۱.۹۶ است (یعنی ۲۰.۶۹). لذا این فرضیه تایید می گردد. از این رو، سواد مالی بر رفاه مالی افراد تأثیر مثبتی دارد.



نمودار ۳- تحلیل عاملی تاییدی در حالت استاندارد فرضیه دوم

منبع: یافته های پژوهشگر

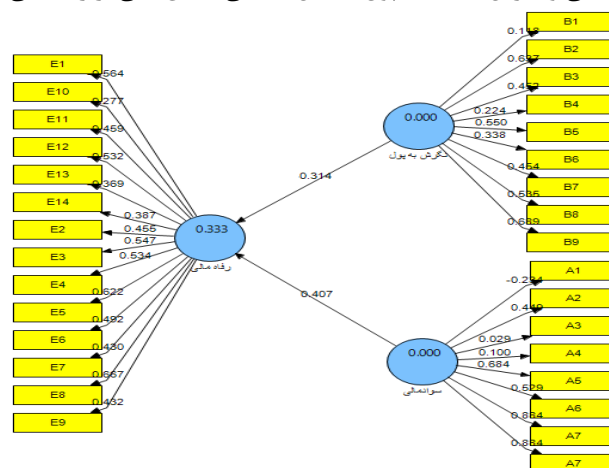


نمودار ۴- تحلیل عاملی تاییدی در حالت معناداری فرضیه دوم

منبع: یافته های پژوهشگر

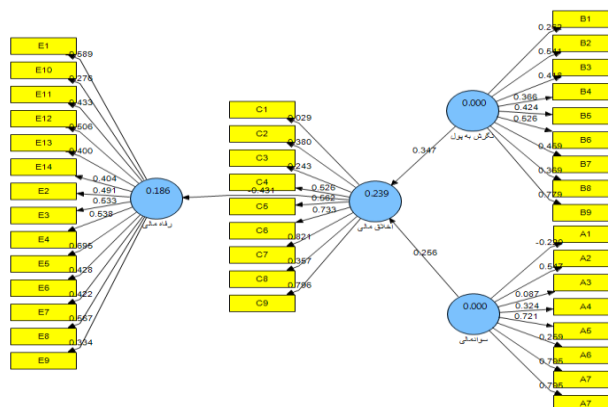
براساس نمودارهای (۳) و (۴) و انجام محاسبات و نیز پس از بررسی نتایج حاصل از مدل ساختاری ضریب استاندارد معادل ۰.۴۸۳ تخمین زده شده که دارای مقدار t بالای ۱.۹۶ است (یعنی ۲.۰۱۷). لذا این فرضیه تایید می گردد. از این رو، نگرش به پول بر رفاه مالی افراد تأثیر مثبتی دارد.

فرضیه سوم: سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی تأثیر دارد.



نمودار ۵- تحلیل عاملی تاییدی در حالت استاندارد فرضیه سوم

منبع: یافته های پژوهشگر



نمودار ۶- تحلیل عاملی تاییدی در حالت معناداری فرضیه سوم

منبع: یافته های پژوهشگر

براساس نمودارهای (۵) و (۶) و انجام محاسبات و نیز پس از بررسی نتایج حاصل از مدل ساختاری ضرایب استاندارد سواد مالی و نگرش نسبت به پول بر رفاه مالی معادل ۰.۴۰۷ و ۰.۳۱۴ و همچنین ضرایب استاندارد سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی معادل ۰.۲۵۶ و ۰.۳۴۷ تخمین زده شده که نشان می دهد متغیر اخلاق مالی اثرگذار بین رابطه سواد مالی و نگرش نسبت به پول بر رفاه مالی است. همچنین مقادیر t بالای ۱.۹۶ است، لذا این فرضیه تایید می گردد. از این رو، سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی تأثیر دارد.

۶- بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر سواد مالی و نگرش نسبت به پول نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی انجام شد. نظرسنجی از ۳۹۸ مدیران، کارشناسان، دانشجویان و افراد عادی ساکن شهر تهران با استفاده از پرسشنامه انجام گردید. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که سواد مالی و نگرش نسبت به پول تأثیر مثبتی بر رفاه مالی دارد. به احتمال زیاد نگرش مثبت نسبت به پس انداز و پیگیری هزینه ها نشان می دهد که منجر به بهبود رفاه مالی مورد انتظار می شود. نگاه مثبت به رفاه مالی ممکن است استرس را کاهش دهد، زیرا تحقیقات نشان می دهد که رفاه مالی می تواند بر رشد تحصیلی، شخصی و اجتماعی افراد تأثیر بگذارد. علاوه بر این، ایجاد نگرش مثبت نسبت به پول که شامل ایجاد عادت پس انداز، پیگیری هزینه ها و محتاط بودن با پول است، پیش بینی کننده قوی رفاه مالی است. این مطالعه با برجسته کردن اهمیت نگرش به پول برای بهبود رفاه مالی به ادبیات موجود کمک می کند.

جنبه دیگر تحقیق، بررسی تأثیر سواد مالی بر رفاه مالی بود. نتایج توصیفی حاکی از آن بود که افراد از سطح سواد مالی پایین تر از متوسط (۲.۶۵) برخوردار بودند. تقریباً کمتر از متوسط، پاسخ دهندگان نتوانستند به سؤالات مربوط به تورم، ریسک، بازده و محصول مالی اساسی مانند صندوق های سرمایه گذاری مشترک، سهام و اوراق پاسخ دهند. سطوح دانش مالی در میان افراد پایین است. بنابراین، بهبود سواد مالی افراد برای ایجاد رفتارهای مالی مثبت ضروری و ادبیات رفتار مالی بر اهمیت سواد مالی در ارتقای رفتار مالی مثبت و رفاه مالی تأکید کرده است.

با توجه به فرضیه تأثیر سواد مالی و نگرش نسبت به پول با نقش میانجی اخلاق مالی بر رفاه مالی، روابط متقابل بین سواد مالی، نگرش و رفتار عمدتاً با مدل مفهومی ما سازگار است. یعنی افراد با سطح سواد مالی بالاتر و مطلوب تر نگرش های مالی تمایل به نشان دادن اخلاق و رفتارهای مالی مطلوب تری دارند. بنابراین، سیاست گذاران و مؤسسات آموزشی ممکن است برنامه هایی را توسعه دهند که برای ارتقای سطح دانش و پرورش نگرش های مالی مثبت باشد. این برنامه ها، در قالب دوره ها و سمینارهای پایه، ممکن است در بهبود سلامت مالی افراد مؤثر باشند. نتایج این تحقیق با تحقیقات فان و همکاران (۲۰۲۱)، ایانلو و همکاران (۲۰۲۱)،

ارگان (۲۰۱۸)، نتمایر و همکاران (۲۰۱۷)، لوساردی و همکاران (۲۰۱۰)، طوطیان اصفهانی و همکاران (۱۴۰۰)، معین الدین و همکاران (۱۳۹۹) و میر محمدی و شاکریان (۱۳۹۸) هم راستا می باشد. تحقیق حاضر پیامدهای مهمی برای مؤسسات دانشگاهی و مالی و همچنین برای سیاست گذاران دارد. سیاستگذاران می توانند برنامه ها و مداخلاتی را ایجاد کنند که افراد را تشویق کند در مورد مسائل مالی مانند اهمیت پس انداز، درآمد خانواده، رفتار خرج کردن و محصولات مالی گفتگو کنند. این بحث ها می تواند رفاه مالی را ارتقا دهد. علاوه بر تاکید روزافزون بر ارتقای سواد مالی می تواند در شکل دادن به رفاه مالی افراد موثر باشد. این تحقیق همچنین نقش مهم نگرش به پول را در توسعه رفاه مالی برجسته می کند. بنابراین، پیشنهاد می شود که سیاست گذاران باید بر توسعه نگرش نسبت به پول از طریق ارتباط مؤثر با برجسته کردن مزایای پس انداز پول، ردیابی هزینه ها تمرکز کنند. علاوه بر این، مؤسسات دانشگاهی باید بر ایجاد یک مکانیسم حمایتی برای افراد تمرکز کنند. ارائه مشاوره و راهنمایی برای افراد می تواند به آنها کمک کند تا رفاه کلی خود را بهبود بخشند. علاوه بر این، دوره ای در مورد مدیریت امور مالی ممکن است به بهبود سواد مالی افراد کمک و آنها بتوانند امور مالی شخصی خود را به روشی بهتر مدیریت کنند.

یکی از محدودیت های پژوهش، تکیه بر نمونه برای انجام مطالعه بود. مطالعات آینده می تواند از روش های نمونه گیری قوی تری استفاده کند و مطالعاتی را در مناطق مختلف انجام دهد. محدودیت دیگر این مطالعه عدم دسترسی بیشتر به پاسخ دهندگان در دوران بیماری همه گیر کرونا بود. تحقیقات آینده می تواند به بررسی تأثیر نسبی سواد عینی و سواد ذهنی بر رفاه مالی و بررسی رفاه مالی افراد در اقتصادهای در حال توسعه به طور خاص با بررسی عوامل مرتبط با شخصیت و آموزش مالی مؤثر بر رفاه مالی عینی و ذهنی باشد.

فهرست منابع

احمدزاده، زاهد، یعقوب نژاد، احمد. (۱۴۰۱). تأثیر درک حسابرسان از فرهنگ اخلاقی حاکم در مؤسسات بر ارزشهای حرفهای در مؤسسات حسابرسی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴ (۵۵)، ۲۳-۴۰.

طوطیان اصفهانی، صدیقه، اسلامی مفیدآبادی، حسین، برخوردار، الهه. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین (مورد مطالعه: شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). مدیریت عملیات، دوره ۱، شماره ۱، ص ۹۱-۱۳۱.

عارف منش، زهره، رامشه، منیژه، شکوهی، حامد. (۱۴۰۱). رابطه بین مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت با نقش مزیت رقابتی و سواد مالی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴ (۵۴)، ۷۹-۱۰۰.

- فاضلی، نقی، نیاکان، رعنا. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین حضورمدیران زن و سواد مالی آنها در پیشگیری از مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران . مطالعات حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ص ص ۵۹ - ۷۲.
- فرخ، سعید، جهانشاد، آزیتا. (۱۴۰۱). خود شیفتگی مدیران، انتخاب سبک‌های رهبری در حسابداری. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۵۶)، ۲۲۱-۲۴۲.
- قادری رهنی، مجید، خندان علمداری، صابر. (۱۳۹۹). ارائه چارچوبی برای استقرار و توسعه نظام پیوسته سواد مالی از طریق سنجش سواد مالی در مدارس متوسطه تهران. فصلنامه علمی کارافن، دوره ۱۷، شماره ۳، ص ص ۲۵۵ - ۲۷۱.
- معین الدین، محمود، کاظمی علی آباد، مصطفی، حیرانی، فروغ. (۱۳۹۹). خود کنترلی، سواد مالی، و بیش بدهی مصرف کنندگان (مطالعه موردی کارکنان مجتمع صنایع لاستیک یزد. دانش سرمایه‌گذاری. دوره ۹، شماره ۳۳، ص ص ۳۵۱ - ۳۷۱.
- معین الدین، محمود، ابوسعیدی، مینا، حیرانی، فروغ. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه های مؤثر در شکل گیری سواد مالی مدیران شرکت ها با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی. دانش سرمایه‌گذاری. دوره ۱۰، شماره ۳۷، ص ص ۲۵۵ - ۲۷۲.
- میرمحمدی صدرآبادی، محمد، شاکریان، حامد. (۱۳۹۸). بررسی نقش سواد مالی و دانش مالی در تصمیم گیری سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری. مدیریت کسب و کار، دوره ۱۱، شماره ۴۳، ص ص ۳۱۱ - ۳۳۵.

- Altug, S. and Firat, M.C. (2018), "Borrowing constraints and saving in Turkey", Central Bank Review, Vol. 18 No. 1, pp. 1-11.
- Ajzen, I. and Fishbein, M. (1977), "Attitude-behavior relations: a theoretical analysis and review of empirical research", Psychological Bulletin, Vol. 84 No. 5, pp. 888-918.
- Aragon, George A. 2014. *Financial Ethics: A Positivist Analysis*. New York: Oxford University Press.
- Atkinson, A. and Messy, F. (2012), "Measuring financial literacy: results of the OECD/International Network on Financial Education (INFE) pilot study", OECD Working Papers on Finance, Insurance and Private Pensions No. 15, OECD Publishing, Paris, available at: <http://dx.doi.org/10.1787/5k9csfs90fr4-en> (accessed August 15, 2018).
- Aydin, A.E. and Akben Selcuk, E. (2019), "An investigation of financial literacy, money ethics and time preferences among college students: A structural equation model", International Journal of Bank Marketing, Vol. 37 No. 3, pp. 880-900. <https://doi.org/10.1108/IJBM-05-2018-0120>
- Dowling, N.A., Corney, T. and Hoiles, L. (2009), "Financial management practices and money attitudes as determinants of financial problems and dissatisfaction in young male Australian workers", Journal of Financial Counseling and Planning, Vol. 20 No. 2, pp. 5-13.
- Duh, H. I. (2016). Childhood family experiences and young Generation Y money attitudes and materialism. *Personality and Individual Differences*, 95, 134-139. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.02.027>.

- Edwards, R., Allen, M. W., & Hayhoe, C. R. (2007). Financial attitudes and family communication about students' finances: The role of sex differences. *Communication Reports*, 20(2), 90–100. <https://doi.org/10.1080/08934210701643719>.
- Elliott William and Lewis Melinda (2015) Student Debt Effects on Financial Well-Being: Research and Policy Implications, *Journal of Economic Surveys*, 29(4) 614–636.
- Fan, L., Chatterjee, S. & Kim, J. (2021). An Integrated Framework of Young Adults' Subjective Well-Being: The Roles of Personality Traits, Financial Responsibility, Perceived Financial Capability, and Race. *J Fam Econ Iss* (2021). <https://doi.org/10.1007/s10834-021-09764-6>.
- Gale, William G. and Ruth Levine, "Financial Literacy: What Works? How could it be More Effective?" First Annual Conference of the Financial Literacy Research Consortium Washington, DC, October 2010), Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2316933> (accessed February 7, 2014).
- Gutter, M., Copur, Z., 2011. Financial behaviors and financial well-being of college students: Evidence from a national survey. *Journal of Family and Economic Issues*, 32, 699-714.
- Hastings, J.S. and Mitchell, O.S. (2011), "How financial literacy and impatience shape retirement wealth and investment behaviors", No. w16740, National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA.
- Herawati, N., Candiasa, I., Yadnyana, I. and Suharsono, N. (2020), "Factors that influence financial self-efficacy among accounting students in Bali", *Journal of International Education in Business*, Vol. 13 No. 1, pp. 21-36. <https://doi.org/10.1108/JIEB-02-2019-0010>.
- Iannello, P., Sorgente, A., Lanz, M. *et al.* Financial Well-Being and Its Relationship with Subjective and Psychological Well-Being Among Emerging Adults: Testing the Moderating Effect of Individual Differences. *J Happiness Stud* 22, 1385–1411 (2021). <https://doi.org/10.1007/s10902-020-00277-x>.
- Jorgensen, Bryce L. and Jyoti Savla. 2010. Financial Literacy of Young Adults: The Importance of Parental Socialization. *Family Relations*, 59 (4): 465–478. DOI: 10.1111/j.1741-3729.2010.00616.
- Kim, K. (2003), "Money attitudes and personal finance of college students", *Journal of Consumption Culture*, Vol. 6 No. 3, pp. 33-50.
- Kuntze, R., Wu, C., Wooldridge, B. and Whang, Y. (2019), "Improving financial literacy in college of business students: modernizing delivery tools", *International Journal of Bank Marketing*, Vol. 37 No. 4, pp. 976-990. <https://doi.org/10.1108/IJBM-03-2018-0080>.
- Lehman G. (2014). Moral will, accounting and the phonemes. *Critical Perspectives on Accounting*; 25(3): 210-216.
- Lone, U.M., Bhat, S.A. (2022). Impact of financial literacy on financial well-being: a mediational role of financial self-efficacy. *J Financ Serv Mark*. <https://doi.org/10.1057/s41264-022-00183-8>.
- Lusardi, A., & Mitchell, O. S. (2014). The economic importance of financial literacy: Theory and evidence. *Journal of economic literature*, 52(1), 5-44.
- Lusardi, Annamaria, Olivia S. Mitchell, and Vilsa Curto. 2010. Financial Literacy among the Young. *Journal of Consumer Affairs*, 44 (2): 358–380.
- Lusardi, A., & Tufano, P. (2015). Debt literacy, financial experiences, and overindebtedness. *Journal of Pension Economics and Finance*, 14(04), 332–368. <https://doi.org/10.1017/S1474747215000232>.

- Meier, S. and Sprenger, C.D. (2008), "Discounting financial literacy: time preferences and participation in financial education programs", Federal Reserve Bank of Boston, Public Policy Discussion Papers No. 07-5:1-25, Boston, MA.
- Mitchell, T.R. and Mickel, A.E. (1999), "The meaning of money: an individual-difference perspective", *Academy of Management Review*, Vol. 24 No. 3, pp. 568-578.
- Muthén, L. K., & Muthén, B. O. (1998–2010). *Mplus User's Guide*. Sixth Edition. Los Angeles, CA: Muthén & Muthén
- Netemeyer, R. G., Warmath, D., Fernandes, D., & Lynch Jr, J. G. (2017). How Am I Doing? Perceived Financial Well-Being, Its Potential Antecedents, and Its Relation to Overall Well-Being. *Journal of Consumer Research*, 45(1), 68-89.
- Norvilitis, J.M., Merwin, M.M., Osberg, T.M., Roehling, P.V., Young, P. and Kamas, M.M. (2006), "Personality factors, money attitudes, financial knowledge, and credit-card debt in college students", *Journal of Applied Social Psychology*, Vol. 36 No. 6, pp. 1395-1413.
38. Remund, David L. 2010. Financial literacy explicated: The case for a clearer definition in an increasingly complex economy. *Journal of Consumer Affairs* 44 (2): 276-95.
39. Roberts, J. A., & Jones, E. (2001). Money attitudes, credit card use, and compulsive buying among American college students. *Journal of Consumer Affairs*, 35(2), 213–240. <https://doi.org/10.1111/j.1745-6606.2001.tb00111.x>.
40. Robb, C.A. and Woodyard, A. (2011), "Financial knowledge and best practice behavior", *Journal of Financial Counseling and Planning*, Vol. 22 No. 1, pp. 60-70.
- Shim, S., Xiao, J. J., Barber, B. L., & Lyons, A. C. (2009). Pathways to life success: A conceptual model of financial well-being for young adults. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30(6), 708-723.
- Sohn, S.H., Joo, S.H., Grable, J.E., Lee, S. and Kim, M. (2012), "Adolescents' financial literacy: the role of financial socialization agents, financial experiences, and money attitudes in shaping financial literacy among South Korean youth", *Journal of Adolescence*, Vol. 35 No. 4, pp. 969-980.
- Sundarasan, S. D., & Rahman, M. S. (2017). Attitude towards money: mediation to money management. *Academy of Accounting & Financial Studies Journal*, 21 (1), 1–17.
- Tang, T.L.P. (1995), "The development of a short money ethic scale: attitudes toward money and pay satisfaction revisited", *Personality and Individual Differences*, Vol. 19 No. 6, pp. 809-816.
- Utkarsh, , Pandey, A, Ashta, A, Spiegelman, E, Sutan, A. Catch them young: Impact of financial socialization, financial literacy and attitude towards money on financial well-being of young adults. *Int J Consum Stud*. 2020; 44: 531– 541. <https://doi.org/10.1111/ijcs.12583>
- Wann, C. R. (2017). The impact of teaching financial literacy to college students. *Journal of economics and finance education*, 16(2), 98–109.
- Xiao, J. J., Tang C., and Shim S. (2009) "Acting for happiness: Financial behavior and life satisfaction of college students." *Social indicators research* 92, (1) 53-68.
- Yamauchi Kent T. & Donald J. Templer (1982) The Development of a Money Attitude Scale, *Journal of Personality Assessment*, 46:5, 522-528, DOI: 10.1207/s15327752jpa4605_14

Abstract

The effect of financial literacy and attitude towards money with the mediating role of financial ethics on financial well-being

Matin Pirayesh Rad¹

Zohreh Hajiha²

Mojgan Safa³

Reza Golami Jamkarani⁴

Received: 8 / July / 2025

Accepted: 8 / September / 2025

Abstract

Financial education increases financial knowledge and helps people behave differently to make better financial decisions for themselves or their families. Also, financial literacy and attitudes toward money have a huge impact on financial well-being, and this is a concept that is especially important for people who are starting to develop their own financial habits. Therefore, the purpose of this article is to investigate the effect of financial literacy and attitude towards money with the mediating role of financial ethics on financial well-being. This study uses a mixed approach (qualitative and quantitative) and tool development (Delphi). The number of sample members of Cochran's formula for unlimited society was used and the data was 398 people through a questionnaire among managers, experts, students and ordinary people living in Tehran and in the time period of 1400. Structural equation modeling method and PLS software were used to test the hypotheses. The results showed that financial literacy and attitude towards money have a positive effect on financial well-being. Also, financial literacy and attitude towards money with the mediating role of financial ethics have an effect on financial well-being. A positive view of financial well-being may reduce stress and this can affect people's academic, personal, and social growth. In addition, creating a positive attitude towards money, which includes creating a habit of saving, tracking expenses, is a strong predictor of financial well-being, and people with a level of financial literacy tend to show more favorable financial ethics and behaviors.

Key words: Financial literacy, Attitude towards Money, Financial ethics, Financial Well-being

¹. Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. matin.pirayeshrad@iau.ac.ir

². Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding author) dr.mojgansafa@iau.ac.ir

³. Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. Drzhajiha@iau.ac.ir

⁴. Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. reza.gholami@iau.ac.ir





بررسی تطبیقی روش ماشین بردار پشتیبان و روش استنتاجی عصبی - فازی سازگار جهت پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سعید شاه آبادی^۱

زهره هوشمند نقابی^۲

مهرداد بختیار دهکردی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

چکیده

با توجه به گسترش روزافزون روش‌های پیش بینی در بازارهای مالی و نیز از آنجا که قیمت سهام یکی از مهمترین عوامل مؤثر در تصمیمات سرمایه گذاری است و پیش بینی آن می‌تواند نقش با اهمیتی در این زمینه ایفا کند هدف این پژوهش مقایسه کارایی روش‌های ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاج عصبی فازی سازگار در پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. نمونه مورد استفاده در این پژوهش ۵ شرکت برتر صنعت آهن و فولاد که در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده می‌باشند، می‌باشد. به منظور شناسایی روند قیمت سهام از پنج متغیر قیمت پایانی سهام، مومنتوم سهم، نوسان قیمت سهام، مومنتوم شاخص کل اوراق بهادار تهران و نوسان شاخص کل اوراق بهادار تهران استفاده شده است پس از جمع آوری اطلاعات مورد نظر از سال ۱۳۹۰ لغایت ۱۴۰۰ با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار روند قیمت سهام پیش بینی گردید و به منظور بررسی دقت پیش‌بینی روند پیش بینی شده با روند قیمتی سهم در سال ۱۴۰۱ مقایسه گردید و میزان دقت هر کدام از روش‌های مورد نظر به دست آمد و در نهایت مشخص گردید در سه مورد از شرکت‌های مورد مطالعه سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار و در دو شرکت تکنیک ماشین بردار پشتیبان روند قیمت سهام را به صورت کارآمدتری پیش بینی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ماشین بردار پشتیبان، سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار، پیش بینی روند قیمت سهام.

^۱ گروه حسابداری و مدیریت، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. Saeid.shahabadi@iau.ac.ir

^۲ گروه حسابداری و مدیریت، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول). 338851@iau.ir

^۳ گروه حسابداری و مدیریت، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Mehrdad.bakhtiardehkordi@iau.ac.ir



۱- مقدمه

بازار سرمایه نقش مهمی را در اقتصاد یک کشور ایفا می‌کند به گونه‌ای که بیشترین مقدار سرمایه از طریق این بازار مبادله می‌گردد و اقتصاد یک کشور به شدت به عملکرد این بازار متکی می‌باشد (چگینی و همکاران، ۱۳۹۷). سرمایه گذاران در بازار سرمایه اقدام به خرید و فروش اوراق بهادار می‌نمایند (چگینی و همکاران، ۱۴۰۱). یکی از مهمترین عواملی که هنگام خرید و فروش اوراق بهادار مد نظر سرمایه گذاران می‌باشد قیمت اوراق بهادار و روند آن می‌باشد. قیمت اوراق بهادار از عوامل موثر در تصمیم گیری‌های سرمایه گذاران می‌باشد و پیش بینی آن می‌تواند کمک شایانی به سرمایه گذاران در بازار سرمایه نماید. به همین دلیل دانشمندان علوم مالی و سرمایه گذاران همواره در پی بهینه سازی پیش بینی و بررسی رفتار قیمت اوراق بهادار هستند. دلیل اصلی که مردم در بازار سرمایه، سرمایه گذاری می‌کنند، سودآوری می‌باشد که لازمه آن داشتن اطلاعات مناسب از بازار سرمایه و تغییرات قیمتی اوراق بهادار و پیش بینی روند آینده آن می‌باشد. بنابراین سرمایه گذاران نیازمند ابزارهای قدرتمند و قابل اعتماد می‌باشند تا از طریق آن بتوانند به پیش بینی قیمت اوراق بهادار بپردازند (فتوره چیان و همکاران، ۱۳۹۱). برای پیش بینی قیمت اوراق بهادار روش‌های مختلفی وجود دارد. یکی از کاربردی ترین روش‌ها که دقت بالایی در پیش بینی قیمت اوراق بهادار نیز دارد روش‌های پیش بینی قیمت اوراق بهادار با استفاده از هوش مصنوعی می‌باشد. پژوهشگران حوزه مدیریت مالی به دنبال پیوند میان دو حوزه مدیریت مالی و هوش مصنوعی بوده اند که نهایتاً منجر به ایجاد شاخه جدیدی به عنوان مهندسی مالی شده است. روش‌های مورد استفاده برای پیش بینی قیمت اوراق بهادار در سایبرنتیک مالی گسترده و فراوان می‌باشند به طور مثال در دو دهه گذشته محققان از روش‌های مختلفی از جمله شبکه‌های عصبی مصنوعی، منطق فازی، الگوریتم ژنتیک، تکنیک ماشین بردار پشتیبان، شبکه‌های ترکیبی چند هدفی عصبی - فازی، میانگین متحرک خود همبسته یکپارچه، سیستم استنتاج عصبی - فازی سازگار برای پیش بینی قیمت اوراق بهادار استفاده کرده اند (میشرا، ۲۰۱۹). محققان در پژوهش‌های مختلف با استفاده از این روش‌ها به پیش بینی قیمت اوراق بهادار پرداخته اند یا روش‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کرده اند (کیقبادی و همکاران، ۱۳۹۵). به عنوان مثال می‌شرا (۲۰۱۹) با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان به پیش بینی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار هند پرداخت. در پژوهش‌های دیگر نیز از جمله پژوهش کائو و تای (۲۰۰۱)، نتایج حاصل از تکنیک ماشین بردار پشتیبان با نتایج حاصل از شبکه عصبی انتشار پسر و شبکه عصبی تابع پایه شعاعی مورد مقایسه قرار گرفت که تحقیقات آنها نشان داد که از بین این سه روش تکنیک ماشین بردار پشتیبان برای پیش بینی قیمت سهام عملکرد بهتری نسبت به دو روش دیگر دارد (کائو و تای، ۲۰۰۳). در پژوهشی دیگر که به مقایسه تکنیک ماشین بردار پشتیبان و روش شبکه عصبی انتشار پسر و پرداخت به این نتیجه دست یافت که روش تکنیک ماشین بردار پشتیبان روش مناسب تری برای پیش بینی قیمت سهام می‌باشد. در پژوهشی دیگر نیز که به مقایسه روش تکنیک ماشین بردار پشتیبان و سیستم مبتنی بر استدلال مورد پرداخت، به مانند تحقیقات پیشین به این نتیجه دست یافت

که روش ماشین بردار پشتیبان نسبت به سیستم مبتنی بر استدلال مورد کارایی بیشتری دارد (کیم، ۲۰۰۳). در پژوهش‌های دیگر نیز که به مقایسه روش تکنیک ماشین بردار پشتیبان با روش‌های شبکه‌های عصبی مصنوعی و میانگین متحرک خود همبسته یکپارچه پرداخته شد به این نتیجه دست یافت که تکنیک ماشین بردار پشتیبان روش کارآمدتری برای پیش بینی قیمت سهام می‌باشد (میشرا، ۲۰۱۹). در میان روش‌های مذکور پژوهشگران دیگر نیز با استفاده از سیستم استنتاج عصبی - فازی سازگار به پیش بینی قیمت سهام شرکت‌های مختلف پرداختند. به عنوان مثال چونی زاده و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از سیستم استنتاج فازی به پیش بینی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند (چونی زاده و همکاران، ۱۳۹۷). در پژوهشی دیگر یونسی و همکاران به مقایسه سیستم استنتاج عصبی - فازی سازگار با شبکه عصبی مصنوعی و میانگین متحرک خود همبسته یکپارچه پرداختند که نتایج تحقیقات آنها نشان داد که سیستم استنتاج عصبی - فازی سازگار نسبت به روش‌های دیگر کمترین میزان خطا را در پیش بینی دارد (یونسی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به مطالعات صورت گرفته مشخص می‌گردد که تکنیک ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاج عصبی - فازی سازگار نسبت به روش‌های دیگر بیشترین دقت را در پیش بینی قیمت سهام دارند. در تکنیک ماشین بردار پشتیبان که از روش‌های یادگیری با نظارت می‌باشد و از آن برای طبقه بندی و رگرسیون استفاده می‌کنند. این روش از جمله روش‌های نسبتاً جدیدی می‌باشد که نسبت به روش‌های دیگر برای پیش بینی کارآمدتر می‌باشد (باجلان و همکاران، ۱۳۹۵). روش سیستم استنتاج عصبی فازی سازگار نیز ترکیبی از عملکردهای تئوری مجموعه فازی و شبکه عصبی است. این سیستم ترکیبی می‌تواند هر نوع اطلاعات مانند داده‌های عددی، منطقی و زبانی را کنترل کند. به دلیل اینکه در این روش از تئوری‌های فازی استفاده می‌شود سرعت محاسبات بالاست و همچنین این روش می‌تواند داده‌های نادرست، مبهم و ناقص را مدیریت کند. این مدل دارای چند لایه بازخوردی و سه لایه ورودی، لایه پنهان و لایه خروجی می‌باشد و برای پیش بینی روش بسیار مناسبی می‌باشد (یونسی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه روش ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاج عصبی - فازی سازگار نسبت به روش‌های دیگر در پیش بینی قیمت سهام کارآمدتر می‌باشند و در مطالعات پیشین هیچ مقایسه‌ای میان این دو روش در پیش بینی قیمت سهام شرکت‌ها صورت نگرفته است و کارآمدی هیچ کدام بر دیگری مشخص نمی‌باشد در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال می‌باشیم که کدام یک از روش‌های تکنیک ماشین بردار پشتیبان یا سیستم استنتاج عصبی - فازی سازگار می‌تواند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را نزدیک به واقعیت پیش بینی کند؟

۲- مبانی نظری

۲-۱- اهمیت پژوهش

تغییرات قیمت سهام بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه مالی را خود جلب کرده است (مشیکی و همکاران، ۱۳۹۲). قیمت سهام در تمامی بازارهای مالی به عنوان یکی از مهمترین معیارهای مورد استفاده برای معاملات سهام شرکت‌ها بکار می‌رود. قیمت سهام یک شرکت روند کلی حرکت و سمت و سوی حرکت آن شرکت را مشخص می‌سازد. با توجه به ماهیت پویا، غیر خطی، پیچیده و آشفته بازار سهام، دست یابی به روش‌های مناسب جهت پیش بینی قیمت سهام، نقش استراتژیکی را در نحوه تصمیم گیری تحلیل گران و سرمایه گذاران بازارهای مالی ایفا خواهد نمود. با توجه به اهمیت بورس اوراق بهادار در هر کشور، تلاش در زمینه دست یابی به کارآمدترین روش‌های پیش بینی قیمت سهام از ضروری ترین زمینه‌های پژوهش خواهد بود. بدیهی است که با توجه به سرعت رشد فناوری اطلاعات و تکامل الگوریتم‌های پیش بینی، اکتفا به روش‌های گذشته برای پیش بینی قیمت سهام جواب گو نخواهد بود. به همین دلیل تحلیل گران بازار سرمایه به دنبال ابداع روش‌های جدید و قابل اعتمادتر برای پیش بینی قیمت سهام بودند و این دلیل عاملی برای ورود روش‌های رگرسیونی و آماری به بازار سرمایه برای پیش بینی قیمت سهام بودند. با توجه به کثرت این روش‌ها و برتری روش‌های تکنیک ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاج عصبی - فازی سازگار نسبت به دیگر روش‌های نوین برای پیش بینی قیمت سهام ضروری به نظر می‌رسد تا با مقایسه این دو تکنیک با یکدیگر، میزان کارآمدی آنها مشخص گردد (عمار، ۲۰۰۳).

مبانی نظری به بیان و تبیین مفاهیم و اصول مربوط به روش‌های ماشین بردار پشتیبان (Support Vector Machine) و روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار (Neuro-Fuzzy Inference System) برای پیش‌بینی روند قیمت سهام می‌پردازد. این بخش شامل توضیحاتی درباره مبانی نظری، اصول و الگوریتم‌های کلیدی این دو روش است. در این بخش، به معرفی و تبیین مفاهیم و اصول مربوط به روش‌های ماشین بردار پشتیبان و استنتاجی عصبی-فازی سازگار در پیش‌بینی روند قیمت سهام پرداخته می‌شود. این بخش اهمیت پیش‌بینی روند قیمت سهام را بررسی می‌کند و نیز روش‌های ماشین بردار پشتیبان و استنتاجی عصبی-فازی سازگار را معرفی می‌کند که در این زمینه استفاده می‌شوند. همچنین، توجیه انتخاب این موضوع برای پژوهش در این مطالعه نیز ارائه خواهد شد (شارما و همکاران، ۲۰۲۴).

۲-۲- اهمیت پیش‌بینی روند قیمت سهام

بازارهای مالی، از جمله بازار سهام، تحت تأثیر تحولات روزانه و پیچیده قرار دارند که باعث تغییرات قیمت سهام می‌شوند. پیش‌بینی دقیق روند قیمت سهام، به سرمایه‌گذاران و کارگزاران امکان می‌دهد تا تصمیمات مالی خود را با بیشترین اطمینان اتخاذ کنند. پیش‌بینی صحیح روند قیمت سهام می‌تواند به سرمایه‌گذاران

کمک کند تا درآمد بیشتری را از سرمایه‌گذاری در بازار سهام به دست آورند و ریسک‌های مالی را کاهش دهند (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۳).

۲-۳- روش ماشین بردار پشتیبان

روش ماشین بردار پشتیبان یک روش قوی و مؤثر در حوزه یادگیری ماشین است که بر اساس تحلیل و دسته‌بندی داده‌های آموزشی، قابلیت پیش‌بینی را دارد. این روش بر اساس اصول مبتنی بر حاشیه و تابع هسته، قادر به تشخیص الگوهای پیچیده در داده‌ها است. الگوریتم‌های ماشین بردار پشتیبان مانند SVM خطی و SVM غیرخطی به ترتیب برای دسته‌بندی خطی و غیرخطی استفاده می‌شوند. ماشین بردار پشتیبان (Support Vector Machine) یک روش قوی و مؤثر در حوزه یادگیری ماشین است که بر اساس تحلیل و دسته‌بندی داده‌های آموزشی، قابلیت پیش‌بینی را دارد (عزیزی، ۱۴۰۲).

ماشین بردار پشتیبان یک الگوریتم یادگیری ماشین است که بر اساس اصول مبتنی بر حاشیه (Margin) عمل می‌کند. حاشیه به فاصله بین صفحه (یا هایپرصفحه) دسته‌بندی و نمونه‌های آموزشی دو دسته در نزدیک‌ترین نقاط به صفحه اطلاق می‌شود. هدف الگوریتم ماشین بردار پشتیبان، ماکسیم کردن حاشیه است. هدف اصلی ماشین بردار پشتیبان، یافتن یک صفحه (در حالت خطی) یا یک هایپرصفحه (در حالت غیرخطی) در فضای ویژگی‌ها است که بین دو دسته‌بندی مختلف قرار می‌گیرد و با بیشترین حاشیه از نمونه‌های آموزشی دو دسته فاصله دارد. در این مدل یک هسته به عنوان یک تابع ریاضی استفاده می‌شود تا داده‌ها را به فضای ویژگی‌های بالاتر انتقال دهد و الگوریتم ماشین بردار پشتیبان به این صورت قادر به دسته‌بندی غیرخطی شود و در ادامه تابع هزینه (Loss function) تابع هزینه مشخص می‌کند که چقدر داده‌های آموزشی به صفحه (یا هایپرصفحه) مربوطه نزدیک هستند و به عنوان معیاری برای تعیین مکان و شکل صفحه استفاده می‌شود.

الگوریتم‌های ماشین بردار پشتیبان از بخش‌های زیر تشکیل شده است؛

- SVM خطی: در این حالت، صفحه دسته‌بندی به صورت تابع خطی از ویژگی‌ها تعریف می‌شود. الگوریتم SVM خطی سعی می‌کند حاشیه بین دو دسته را ماکسیم کند.
- SVM غیرخطی: با استفاده از تبدیلات غیرخطی و هسته، ماشین بردار پشتیبان قادر به دسته‌بندی غیرخطی است. هسته‌های معروفی مانند گاوسی (RBF) و چندجمله‌ای مشترک (Polynomial) استفاده می‌شوند.

برای ارزیابی عملکرد این الگوریتم از روشهای زیر استفاده می‌شود؛

- ماتریس درهم‌ریختگی (Confusion Matrix) این ماتریس به عنوان یک ابزار ارزیابی مفید برای اندازه‌گیری دقت دسته‌بندی ماشین بردار پشتیبان استفاده می‌شود.

- دقت (Accuracy): نسبت تعداد صحیح دسته‌بندی شده‌ها به کل نمونه‌های آزمون، که به عنوان معیاری کلی برای ارزیابی عملکرد ماشین بردار پشتیبان مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- سایر معیارهای ارزیابی: معیارهایی مانند صحت (Precision)، بازخوانی (Recall) و اندازه‌گیری دقت متوسط (F1-score) نیز می‌توانند در ارزیابی عملکرد ماشین بردار پشتیبان مورد استفاده قرار بگیرند.

۴-۲- روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار

روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار یک ترکیب از شبکه‌های عصبی و قواعد فازی است که قابلیت تعامل با داده‌های ناهمگن و پیچیده را دارد. در این روش، قوانین فازی با استفاده از شبکه‌های عصبی آموزش داده می‌شوند تا بتوانند الگوهایی پیچیده را در داده‌ها تشخیص دهند. روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار قابلیت پیش‌بینی و تفسیرپذیری بالایی دارد (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰).

روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار یک روش قدرتمند در حوزه هوش مصنوعی است که ترکیبی از شبکه‌های عصبی و قواعد فازی استفاده می‌کند. در این روش، قوانین فازی به عنوان قواعد دانش داده شده و شبکه‌های عصبی برای آموزش و تعمیم این قوانین به داده‌های ناهمگن و پیچیده استفاده می‌شوند. روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار قابلیت تعامل با داده‌های ناهمگن و پیچیده را دارد. با استفاده از شبکه‌های عصبی، این روش قادر است الگوهای پیچیده‌تری را در داده‌ها تشخیص دهد و درک بهتری از تفاوت‌ها و تنوع‌ها در داده‌ها ارائه دهد. در روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار، قوانین فازی با استفاده از شبکه‌های عصبی آموزش داده می‌شوند عادل آذر، ۱۳۹۶).

شبکه‌های عصبی با استفاده از الگوریتم‌های آموزش مانند پس‌انتشار خطا، قوانین فازی را به طور خودکار از داده‌های آموزشی یاد می‌گیرند.

این ترکیب از قوانین فازی و شبکه‌های عصبی به روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار قدرت و انعطاف بیشتری در تشخیص و پیش‌بینی الگوها می‌بخشد. روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار قابلیت پیش‌بینی دقیق و تفسیرپذیری بالایی دارد. با استفاده از شبکه‌های عصبی، این روش قادر است الگوهای پیچیده را در داده‌ها تشخیص دهد و به صورت کمی و کیفی توضیح دهد که چه عواملی در تصمیم‌گیری تأثیرگذار هستند. تفسیرپذیری بالای روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار به معنای این است که می‌توان نتایج و تصمیمات آن را به راحتی توجیه و تفسیر کرد.

روش استنتاجی عصبی-فازی سازگار، با ترکیب خصوصیات قوانین فازی و قدرت شبکه‌های عصبی، قابلیت پیش‌بینی دقیق و تفسیرپذیری بالایی را در مدلسازی و تحلیل داده‌های پیچیده فراهم می‌کند (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰).

۲-۵- تطبیق تحقیقی

یکی از هدف‌های اصلی این پژوهش، تطبیق و مقایسه دو روش ماشین بردار پشتیبان و استنتاجی عصبی-فازی سازگار در پیش‌بینی روند قیمت سهام است. با مقایسه این دو روش، می‌توان بهترین روش را برای پیش‌بینی روند قیمت سهام شناسایی کرد و نتایج مطلوبی را در عملیات سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری مالی به دست آورد.

در این قسمت، به طور خلاصه و شفافیت بیان شد که چرا پیش‌بینی روند قیمت سهام مهم است و چرا روش‌های ماشین بردار پشتیبان و استنتاجی عصبی-فازی سازگار برای این منظور مناسب هستند.

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پژوهش‌های خارجی

باراس هد و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان "پیش‌بینی بازار سرمایه با استفاده از رویکرد یادگیری ماشین سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار" به پیش‌بینی قیمت سهام شرکت‌های عضو شاخص نیفتی ۵۰ پرداختند. این شاخص اکثر بخش‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشور هند را تحت پوشش قرار می‌دهد. پژوهشگران پس از جمع‌آوری اطلاعات قیمتی سهام شرکت‌های تشکیل دهنده این شاخص و تجزیه و تحلیل آنها و پیش‌بینی قیمت سهام با استفاده از سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار به این نتیجه دست یافتند که این روش روش مناسبی برای پیش‌بینی قیمت سهام می‌باشد.

تیریفاسی (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "پیش‌بینی قیمت سهام با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان"، قیمت سهام شرکت‌های مختلف را از سال ۲۰۰۸ لغایت ۲۰۱۸ را به صورت روزانه جمع‌آوری کردند و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و پیش‌بینی قیمت‌های سهام با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان به این نتیجه دست یافتند که دقت پیش‌بینی در روش ماشین بردار پشتیبان ۶۰/۲ درصد می‌باشد و این روش ابزار خوبی برای پیش‌بینی قیمت سهام در دوره‌های کوتاه مدت و میان مدت می‌باشد.

جوزف و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "پیش‌بینی قیمت سهام با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان" قیمت‌های بازاری سهام را در بازه زمانی ۱۰ جولای ۲۰۱۵ لغایت ۱۱ مارچ ۲۰۱۶ که شامل ۱۷۰ روز اطلاعات قیمتی سهام می‌باشد را جمع‌آوری کردند و پس از بررسی‌های لازم به این نتیجه دست یافتند که دقت تکنیک ماشین بردار پشتیبان برای پیش‌بینی قیمت سهام بسیار بالاست و خطای پیش‌بینی در این روش نسبت به روش‌های دیگر کمتر می‌باشد.

هنریکه و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "پیش‌بینی قیمت سهام با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان با استفاده از قیمت‌های روزانه و دقیقه‌ای" قیمت سهام شرکت‌های منتخب از کشور

برزیل، آمریکا و چین را در یک دوره ۱۵ ساله بصورت روزانه جمع آوری کردند پس از پیش بینی قیمت‌ها و شناسایی و اندازه گیری خطاهای پیش بینی شده و مقایسه آن با قیمت‌های اصلی و واقعی سهام به این نتیجه دست یافتند که تکنیک ماشین بردار پشتیبان بهترین روش برای پیش بینی قیمت سهام می‌باشد. سانتوس و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "پیش بینی قیمت سهام شرکت‌های اندونزی با تکنیک ماشین بردار پشتیبان و مدل ترکیبی گاسیان" قیمت‌های سهام شرکت بین المللی آستارا را از سال ۲۰۰۰ لغایت ۲۰۱۷ به صورت سالانه جمع‌آوری کردند. و با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان و مدل ترکیبی گاسیان قیمت سهام این شرکت را برای سال ۲۰۱۸ پیش بینی کردند و سپس آن را با قیمت واقعی سهم در بازار مقایسه کردند و به این نتیجه دست یافتند که اگر هنگام پیش بینی قیمت سهام از روش ترکیبی گاسیان و تکنیک ماشین بردار پشتیبان استفاده گردد قدرت پیش‌بینی بیشتر می‌گردد.

گریگوریان (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "پیش بینی قیمت سهام با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان و تجزیه و تحلیل جز مستقل" قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در صنعت پتروشیمی در بورس رومانی را از سال ۲۰۰۸ لغایت ۲۰۱۴ جمع آوری کردند. ابتدا پژوهشگر تکنیک ماشین بردار پشتیبان را به تنهایی برای پیش بینی قیمت سهام مورد استفاده قرار داد و در مرحله بعد با استفاده از روش تجزیه و تحلیل جز مستقل ویژگی‌های مهم اطلاعات کسب شده را استخراج کرد و با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان سری‌های زمانی برای اطلاعات قیمتی جمع آوری شده پیش بینی گردید. و پس از مقایسه عملکرد این دو روش با استفاده از ریشه میانگین خطای مربع به این نتیجه دست یافت که روش ترکیبی تکنیک ماشین بردار پشتیبان و تجزیه و تحلیل جز مستقل نسبت به زمانی که از روش تکنیک ماشین بردار پشتیبان به تنهایی استفاده گردد بهتر می‌باشد.

کائو و تای (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان "تکنیک ماشین بردار پشتیبان با معیارهای تطابقی برای پیش بینی سری‌های زمانی مالی"، برای شناسایی سری‌های زمانی در بازارهای مالی روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی از جمله روش شبکه عصبی انتشار پسر، شبکه‌های عصبی مبتنی بر پایه توابع شعاعی و تکنیک ماشین بردار پشتیبان را بکار بردند و نهایتاً به این نتیجه دست یافتند که تکنیک ماشین بردار پشتیبان برای پیش بینی سری‌های زمانی نسبت به روش‌های شبکه‌های عصبی مبتنی بر پایه توابع شعاعی و شبکه عصبی انتشار پسر عملکرد بهتری دارد.

۳-۲- پژوهش‌های داخلی

یوسفی طزرجان و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "پیش بینی قیمت سهام در بورس اوراق بهادار با استفاده از مدل ترکیبی مبتنی بر شبکه عصبی بازگشتی و سیستم استنتاج عصبی فازی سازگار و سیستم خبره فازی" قیمت سهام شرکت فولاد مبارکه اصفهان را از فروردین ۱۳۹۵ لغایت اسفند ۱۳۹۸ جمع آوری کردند. سپس قیمت سهام شرکت فولاد مبارکه را به صورت جداگانه با استفاده از روش شبکه عصبی بازگشتی

و سیستم استنتاج عصبی - فازی پیش بینی کردند. در گام بعد با ترکیب روش های عصبی بازگشتی و سیستم استنتاج عصبی - فازی به همراه وضعیت شایعات بازار و شایعات سهم و با استفاده از روش سیستم خبره فازی قیمت سهام شرکت مورد نظر را پیش بینی کردند که در نهایت پی بردند هنگامی که روش های مذکور جهت پیش بینی قیمت سهام با یکدیگر تلفیق گردند پیش بینی قیمت سهام کارآمدتر می باشد.

چونی زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "پیش بینی قیمت سهام با سیستم استنتاج فازی مبتنی بر یک شبکه تطبیقی بهبود یافته" به پیش بینی قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و پس از پیش بینی قیمت سهام و مقایسه قیمت پیش بینی شده با قیمت واقعی سهام به این نتیجه دست یافتند که روش سیستم استنتاج فازی با درصد خطای پایینی قیمت سهام را پیش بینی می کند که منجر به کاهش ریسک سرمایه گذار می گردد.

باجلان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "پیش بینی روند قیمت سهام با استفاده از ماشین بردار پشتیبان تعدیل یافته همراه با انتخاب ویژگی هیبرید" اطلاعات قیمتی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در بازه زمانی ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۹۴ را جمع آوری کردند و پس از پیاده سازی روش های مورد نظر و مقایسه نتایج آنها با یکدیگر به این نتیجه دست یافتند که عملکرد ماشین بردار پشتیبان وزن دهی شده در مورد مساله پیش بینی روند قیمت سهام به میزان قابل توجهی بهتر از ماشین بردار پشتیبان ساده می باشد.

طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "مدل سازی بازار و پیش بینی قیمت سهام با استفاده از سیستم عصبی فازی تطبیقی" اطلاعات قیمت سهام، بالاترین قیمت سهام، پایین ترین قیمت سهام، حجم معامله، شاخص قیمت سهام بورس اوراق بهادار تهران، نسبت قیمت به سود سهمی، تعداد سرمایه گذاران، تعداد دفعات سرمایه گذاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در طی یک دوره ۷ ساله از سال ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۴ را جمع آوری کردند. سپس با استفاده از سیستم استنتاجی عصبی - فازی سازگار این اطلاعات را تجزیه و تحلیل و قیمت سهام را پیش بینی کردند و سپس به این نتیجه پی بردند که نرخ پیش بینی قیمت سهام ۷۳٪ می باشد که این میزان برای بازار سرمایه ایران مناسب می باشد.

باجلان و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "پیش بینی روند تغییرات قیمت سهم با استفاده از ماشین بردار پشتیبان وزن دهی شده و انتخاب ویژگی هیبرید به منظور ارایه استراتژی معاملاتی بهینه" اطلاعات قیمتی شرکت های مورد نظر را در یک دوره زمانی ۱۰ ساله از تاریخ ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۹۴ جمع آوری کردند و پس از بررسی اطلاعات جمع آوری شده به این نتیجه دست یافتند که مدل ماشین بردار پشتیبان وزن دهی شده همراه با روش انتخاب ویژگی هیبرید پیشنهاد شده میزان دقت پیش بینی را به میزان قابل توجهی افزایش داده و نیز نتایج معاملاتی پیشنهاد شده را نسبت به استراتژی های رقیب هم از لحاظ بازده کلی و هم از لحاظ میزان پیشینه ضرر در طول دوره سرمایه گذاری بهبود می بخشد.

فلاح پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "پیش بینی روند حرکتی قیمت سهام با استفاده از ماشین بردار پشتیبان بر پایه الگوریتم ژنتیک در بورس اوراق بهادار تهران" اطلاعات قیمتی لازم را از ابتدای سال ۱۳۸۳ لغایت پایان سال ۱۳۸۹ جمع آوری کردند و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده این نتیجه دست یافتند که مدل ترکیبی ماشین بردار پشتیبان بر پایه الگوریتم ژنتیک در پیش بینی روند حرکتی قیمت سهام بسیار بهتر عمل کرده و در مقایسه با روش ماشین بردار پشتیبان ساده از دقت بالاتری برخوردار است. شمس زاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "مدلسازی و پیش بینی قیمت سهام با استفاده از مدل رگرسیون بردار پشتیبان و مقایسه آن با مدل کلاسیک میانگین متحرک خود همبسته یکپارچه" اطلاعات مورد نیاز را از ابتدای سال ۱۳۸۰ لغایت پایان سال ۱۳۹۰ از پنج شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری کردند و پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوطه به این نتیجه دست یافتند که تکنیک ماشین بردار پشتیبان نسبت به میانگین متحرک خود همبسته یکپارچه کارایی بیشتری در پیش بینی قیمت سهام دارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول) قیمت پایانی سهام بر پیش بینی روند قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می‌باشد.

فرضیه دوم) نوسان قیمت پایانی سهام بر پیش بینی روند قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می‌باشد

فرضیه سوم) مومنتوم سهام بر پیش بینی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می‌باشد.

فرضیه چهارم) نوسان شاخص کل بورس اوراق بهادار بر پیش بینی روند قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می‌باشد.

فرضیه پنجم) مومنتوم شاخص کل بورس اوراق بهادار بر پیش بینی روند قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می‌باشد.

فرضیه ششم) روش ماشین بردار پشتیبان توانایی پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارد.

فرضیه هفتم) سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار توانایی پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارد.

فرضیه هشتم) روش ماشین بردار پشتیبان نسبت به سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را به صورت کارآمدتری پیش بینی می‌کند.

۵- روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی در نظر گرفته می‌شود. چون در این پژوهش کارآمدی تکنیک ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار در پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد مقایسه قرار می‌گیرد. از نظر ماهیت و روش در زمره تحقیقات همبستگی قرار می‌گیرد. به این دلیل که در این پژوهش روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از متغیرهای دیگر شناسایی می‌گردد. به عبارت دیگر رابطه علت و معلول میان متغیرهای مستقل و وابسته شناسایی می‌گردد. از نظر محتوا، این پژوهش در زمره پژوهش‌های تحقیقی قرار می‌گیرد، چون در پایان پژوهش نتایج جدیدی ارائه می‌گردد که باعث می‌گردد سرمایه‌گذاران به صورت کارآمدتر روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را شناسایی کنند. از نظر استدلال، این پژوهش در زمره پژوهش‌های قیاسی می‌باشد، به این دلیل که در این پژوهش از فرضیات و چارچوب‌هایی که در پژوهش‌های گذشته مورد استفاده قرار گرفته شده است بهره می‌گیرد.

۵-۱- روش و ابزار جمع آوری داده‌ها

در این پژوهش برای مطالعه مبانی نظری و بررسی پیشینه پژوهش، از روش کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتب و مقالات تخصصی فارسی و لاتین و پایان‌نامه‌ها استفاده خواهد شد. از آنجا که اطلاعات مربوط به متغیرهای تشکیل دهنده این پژوهش در سایت بورس اوراق بهادار تهران قابل مشاهده و جمع‌آوری می‌باشد، برای جمع‌آوری این داده‌ها به سایت مذکور مراجعه کرده و پس از انتخاب نام شرکت اطلاعات مورد در دوره زمانی فوق‌الشاره جمع‌آوری می‌گردند.

۵-۲- جامعه و نمونه آماری

با توجه به محدودیت‌های موجود از جمله محدودیت‌های زمانی و محدودیت‌های موجود در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات و با توجه به حجم گسترده بازار و تعداد فراوان صنایع در بورس اوراق بهادار، صنعت آهن و فولاد به عنوان صنعت مورد پژوهش قرار گرفته شده است و با استفاده از معیارهای زیر و روش قضاوتی پنج شرکت از میان کلیه شرکت‌های این صنعت به عنوان نمونه برای این پژوهش انتخاب گردید:

- ◀ الف) جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشد.
- ◀ ب) از زمان ورود نماد در بورس یا فرابورس، حداقل در ۶۰ درصد روزهای نعلاتنی، سهام آنها مبادله شده باشد یا به عبارت دیگر نماد باز بوده باشد (باجلان و همکاران، ۱۳۹۵).
- ◀ ج) سال مالی آنها اسفند ۱۴۰۰ باشد.
- ◀ د) کلیه اطلاعات مورد نیاز تحقیق در مورد آنها در دسترس باشد (چگنی و همکاران، ۱۳۹۷).
- ◀ ه) شرکت در سال ۱۴۰۰ نسبت به دیگر شرکت‌های آن صنعت سودآوری بیشتری داشته باشد.

مراحل عملی پژوهش

در این پژوهش پس از انتخاب صنعت مورد نظر و شرکت‌های مورد مطالعه با توجه به معیارهای پژوهش، ابتدا قیمت پایانی سهام شرکت‌های مورد نظر از دوره زمانی ۱۳۹۰/۰۱/۰۱ لغایت ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ به صورت هفتگی جمع آوری گردید. سپس از اطلاعات قیمتی سهام، نوسان قیمت سهام و مومنتوم سهام محاسبه گردید. بعد از این گام مقدار عددی شاخص کل بورس در دوره زمانی ۱۳۹۰/۰۱/۰۱ لغایت ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ به صورت هفتگی جمع آوری گردید و نهایتاً نوسان شاخص کل و مومنتوم شاخص کل محاسبه گردید. بعد از این گام رابطه متغیرهای بدست آمده با روند پیش بینی قیمت سهام براساس رگرسیون چندگانه مورد بررسی می‌شود و در صورتی که متغیری در روند پیش بینی قیمت سهام تأثیرگذار نباشد، در گام بعد برای پیش بینی روند قیمت سهام حذف می‌شود. سپس با استفاده از متغیرهای تأثیرگذار روند پیش بینی قیمت سهام شرکت‌های مورد نظر با استفاده از روش ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار مورد پیش بینی قرار می‌گیرد. برای اینکار اطلاعات قیمتی ۹ سال اول برای آموزش شبکه مورد استفاده قرار می‌گیرد و اطلاعات قیمتی دو سال آخر برای آزمایش شبکه مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از اینکه مشخص گردید هر دو تکنیک قدرت پیش بینی قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه را دارند، قیمت پیش بینی شده در سال ۱۴۰۱ با روند قیمت اصلی سهام شرکت‌های مورد مطالعه مورد مقایسه قرار می‌گیرد و کارآمدی هر کدام از دو تکنیک بر یکدیگر مشخص می‌گردد.

۶- متغیرها و شاخص‌های پژوهش

با توجه به مطالعات انجام شده توسط پژوهشگران مختلف در زمینه پیش بینی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مانند مطالعات میشر و همکاران (۲۰۱۹)، تریفاسی (۲۰۱۹)، سیف (۱۴۰۰)، و فلاح پور احمدس و همکاران (۱۳۹۸) و همکاران (۱۳۹۲) و بررسی کلیه متغیرهای در نظر گرفته شده در مطالعات آنها، پس از مصاحبه با افراد متخصص و خبره در زمینه بازار سرمایه، از میان کلیه متغیرهای مورد استفاده توسط پژوهشگران مختلف، متغیرهای قیمت پایانی سهام، نوسان قیمت پایانی سهام، مومنتوم قیمت سهام، نوسان شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران، مومنتوم شاخص کل اوراق بهادار تهران برای این پژوهش انتخاب گردید که در ذیل به شرح و چگونگی اندازه گیری آنها پرداخته می‌شود:

۱-۶ قیمت پایانی سهام

یکی از عواملی که می‌توان با استفاده از آن قیمت سهام را پیش بینی کرد قیمت پایانی سهام در گذشته می‌باشد. پژوهشگران مختلف نیز از این عامل به عنوان یکی از عواملی که می‌توان با آن قیمت سهام را پیش بینی کرد استفاده کردند (بیات و باقری، ۱۳۹۶؛ میشر، ۲۰۱۹). تکنیکال‌ها با استفاده از روند قیمت سهام در

گذشته به پیش بینی قیمت سهام در آینده می پردازند. آنها معتقد هستند روند قیمتی سهام که در گذشته رخ داده است در آینده نیز رخ داد. پس از این طریق می توان قیمت هر سهم را در دوره ای خاص با استفاده از اطلاعات گذشته پیش بینی نمود (قجر و همکاران، ۱۳۹۸).

۲-۶- نوسان قیمت سهام

این متغیر بیان کننده میزان تغییر در قیمت سهام می باشد و به عنوان متغیری اثرگذار بر پیش بینی قیمت سهام در نظر گرفته می شود، به گونه ای که در پژوهش های مختلف مشاهده شده است که افزایش در نوسان قیمت سهام منجر به افزایش قیمت سهام می گردد (کاشانی پور و همکاران، ۱۳۹۲). نوسان قیمت سهام با استفاده از مشخص سازی میزان بازدهی هر سهم می تواند بازدهی یک سهم را در دوره ای خاص مشخص نماید و بدین طریق می توان به روند قیمتی سهم پی برد.

۳-۶- مومنتوم قیمت سهام

مومنتوم قیمت سهام نشان دهنده جهت سرعت و اندازه حرکت قیمت سهام می باشد که در پژوهش های کرها (۱۹۹۷) و کبریایی و همکاران (۱۳۹۹) به عنوان عوامل تاثیر گذار در پیش بینی قیمت سهام در آینده می باشد. مومنتوم قیمت سهام با مشخص سازی روند حرکتی قیمت سهام می تواند درک این واقعیت که قیمت امروز نسبت به دوره قبل چگونه تغییر می کند به سرمایه گذار کمک فراوانی نماید (کبریایی و دهقان، ۱۳۹۹).

۴-۶- نوسان شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران

شاخص کل نشان دهنده میانگین موزون قیمت سهام شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد. شاخص کل بورس متأثر از تغییرات قیمت سهام می باشد (ذوقی، ۱۳۹۹). با توجه به وزن هر شرکت در میزان شاخص کل، تغییرات قیمت سهام شرکت ها منجر به تغییر مقدار عددی شاخص می گردد. پس می توان با توجه به تغییر شاخص کل میزان تغییر در قیمت سهام را پیش بینی کرد (تریفاسی، ۲۰۱۹).

۵-۶- مومنتوم شاخص کل اوراق بهادار تهران

مومنتوم شاخص بیانگر نرخ تغییر حرکت شاخص می باشد. با مشخص بودن مومنتوم شاخص کل بورس اوراق بهادار می توان قیمت هر سهم را درصدی خطا پیش بینی کرد، بدین طریق که با توجه به جهت و سرعت حرکت شاخص کل می توان به چگونگی حرکت قیمت سهام تشکیل دهنده شاخص پی برد (تریفاسی، ۲۰۱۹).

۶-۶- اندازه گیری متغیرهای پژوهش

در این قسمت روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش بیان می گردد. متغیرهای این پژوهش به دو دسته مستقل و وابسته تقسیم می شوند که به شرح ذیل هستند:

متغیر وابسته:

متغیر وابسته به متغیری گفته می شود که از متغیر مستقل تاثیر می پذیرد و بر اثر تغییرات آن تغییر می کند و هدف محقق تشریح یا پیش بینی تغییر پذیری در آن می باشد. در این پژوهش متغیر وابسته پیش بینی روند قیمت سهام برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که توسط متغیرهای مورد استفاده برای پیش بینی روند قیمت حرکت سهام شرکت های مورد مطالعه به صورت زیر مورد پیش بینی قرار می گیرد.

$$R_i = \alpha + \beta_1 F_1 + \beta_2 F_2 + \beta_3 F_3 + \beta_4 F_4 + \beta_5 F_5 + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن R_i روند پیش بینی شده برای قیمت هر سهم، F_1 قیمت پایانی هر سهم در دوره مورد نظر، F_2 نوسان قیمت هر سهم، F_3 مومنتوم قیمت سهام، F_4 مومنتوم شاخص کل، F_5 نوسان شاخص کل می باشد. همچنین $\beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4, \beta_5$ نیز حساسیت قیمت پایانی سهام، حساسیت نوسان قیمت هر سهم، حساسیت مومنتوم قیمت سهام، حساسیت مومنتوم شاخص کل، حساسیت نوسان شاخص کل می باشد.

متغیر مستقل:

متغیر مستقل به متغیری گفته می شود که از طریق آن متغیر وابسته تبیین و پیش بینی می شود. در این پژوهش متغیرهای مستقل عبارتند از قیمت پایانی سهام، نوسان قیمت سهام، مومنتوم قیمت سهام، نوسان شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران و مومنتوم شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران که بصورت زیر اندازه گیری می شوند:

قیمت پایانی سهام: برای بدست آوردن قیمت پایانی هر سهم در هر لحظه از زمان می توان با مراجعه با تابلوی بورس اوراق بهادار تهران، قیمت پایانی هر سهم را بدست آورد.

نوسان قیمت سهام: نوسان قیمت سهام بیانگر میانگین درصد تغییرات قیمت سهام در N هفته گذشته می باشد و به روش زیر محاسبه می گردد. نوسان قیمت سهام در این پژوهش به صورت زیر محاسبه می گردد (تریفاسی، ۲۰۱۹).

$$\frac{\sum_{i=t-n+1}^t \frac{p_i - p_{i-1}}{p_{i-1}}}{n} \quad (2)$$

که در آن

P_i : قیمت سهم در زمان i می باشد. منظور از زمان i در این پژوهش قیمت های هفتگی هر سهم می باشد.

P_{i-1} : قیمت سهم در هفته قبل از هفته i می باشد.

n : تعداد دوره ها که به صورت هفتگی تعیین می گردند، می باشد.

t : هفته مورد نظر می باشد.

مومنوم سهم:

در این پژوهش مومنوم سهم برابر است با میانگین حرکت قیمت سهام در N هفته قبل و به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$\frac{\sum_{i=t-n+1}^t Y_i}{n} \quad (3)$$

Y : میانگین تغییرات قیمت سهام می باشد. اگر قیمت یک هفته نسبت به هفته قبل افزایش یافته باشد ضریب ۱ و اگر کاهش یافته باشد ضریب ۱- می دهیم (تریفاسی، ۲۰۱۹).

نوسان شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران: نوسان شاخص کل میانگین درصد تغییر قیمت شاخص کل سهام را در N هفته گذشته نشان می دهد. در این پژوهش نوسان شاخص کل به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$\frac{\sum_{i=t-n+1}^t \frac{I_i - I_{i-1}}{I_{i-1}}}{n} \quad (4)$$

که در آن

I_i : قیمت شاخص در زمان i می باشد. منظور از زمان i در این پژوهش قیمت های هفتگی هر سهم می باشد.

I_{i-1} : قیمت شاخص در هفته قبل از هفته i می باشد.

n : تعداد دوره ها که به صورت هفتگی تعیین می گردند، می باشد.

مومنوم شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران: مومنوم شاخص میانگین حرکت شاخص کل در N هفته گذشته می باشد و به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$\frac{\sum_{i=t-n+1}^t d_i}{n} \quad (5)$$

D : میانگین تغییرات قیمت سهام می باشد. اگر قیمت یک هفته نسبت به هفته قبل افزایش یافته باشد ضریب

۱ و اگر کاهش یافته باشد ضریب ۱- می دهیم (تریفاسی، ۲۰۱۹).

۷- یافته های پژوهش

۷-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل میانگین، میانه و می باشد که این مقادیر برای داده های جمع آوری شده برای هر یک از متغیرهای پژوهش به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول ۱ مقادیر برای داده‌های جمع آوری شده برای هر یک از متغیرهای پژوهش

مومنوم شاخص	نوسان شاخص کل بورس اوراق بهادار	مومنوم سهم	نوسان قیمت پایانی سهم	قیمت پایانی سهم	
0/116022	0/021688	-0/020333	0/018491	4851/022	میانگین
1/000000	0/002187	-1/000000	-0/000832	3379/000	میانه
1/000000	8/490402	1/000000	9/042714	26453/00	بیشینه
-1/000000	-0/904593	-1/000000	-0/898728	398/0000	کمینه
0/994162	0/367768	1/000719	0/394785	4287/714	انحراف معیار
-0/233622	22/51957	0/040674	22/07324	1/907612	چولگی
1/054579	519/8016	1/001654	505/7939	6/549900	کشیدگی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

اصلی ترین شاخص مرکزی میانگین می‌باشد که نشان دهنده‌ی نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر قیمت پایانی سهم ۴۸۵۱/۰۲۲ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته اند.

بررسی فرضیه‌های اول تا پنجم پژوهش

پس از جمع آوری داده‌های مورد نیاز در خصوص شرکت‌های مورد مطالعه ابتدا با استفاده از روش رگرسیون چندگانه تاثیر کلیه متغیرهای پژوهش بر پیش بینی روند قیمت سهام شناسایی گردید. بدین منظور با استفاده از نرم افزارای ویوز به شناسایی چگونگی تاثیر هر متغیر بر پیش بینی روند قیمت سهام پرداخته شد. نتایج حاصل از خروجی نرم افزارای ویوز به شرح جدول ۳ ارائه گردید:

جدول ۲ نتایج حاصل از خروجی نرم افزارای ویوز

متغیر	ضریب	انراف ایتاندارد	آماره T	سطح معناداری
عدد ثابت	82/4351	157/3012	0/524059	0/6005
قیمت سهام (X1)	1/030929	0/016076	64/12695	0/0000
نوسان قیمت سهام (X2)	2662/574	1077/319	2/471482	0/0138
مومنوم سهام (X3)	-194/9255	151/9724	-1/282637	0/2002
نوسان بازده شاخص کل (X4)	-153/1995	30/75126	-4/981893	0.0000
مومنوم شاخص (X5)	34/37738	108/4016	0/317130	0/7513

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به مقادیر سطح معناداری مشخص گردید که چون سطح معناداری متغیر قیمت پایانی سهام، نوسان قیمت سهام و نوسان بازده شاخص کل کمتر از ۰/۰۵ می باشد این متغیرها بر پیش بینی روند قیمت سهام تاثیر معناداری دارند و چون سطح معناداری متغیرهای مومنتوم سهام و مومنتوم شاخص کل بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، تاثیر این متغیرها بر پیش بینی روند قیمت سهام معنادار نمی باشد و در گام بعد این دو متغیر برای پیش بینی روند قیمت سهام حذف می شوند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه های اول تا پنجم به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول ۳ نتایج حاصل از بررسی فرضیه های اول تا پنجم

تایید یا رد	فرضیه
تایید	فرضیه اول) قیمت پایانی سهام بر پیش بینی روند قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می باشد.
تایید	فرضیه دوم) نوسان قیمت پایانی سهام بر پیش بینی روند قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می باشد.
رد	فرضیه سوم) مومنتوم سهام بر پیش بینی قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می باشد.
تایید	فرضیه چهارم) نوسان شاخص کل بورس اوراق بهادار بر پیش بینی روند قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می باشد.
رد	فرضیه پنجم) مومنتوم شاخص کل بورس اوراق بهادار بر پیش بینی روند قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیرگذار می باشد.

منبع: یافته های پژوهشگر

معادله رگرسیون چند گانه در خصوص تاثیر متغیرهای مورد نظر (پس از حذف دو متغیر مومنتوم سهام و مومنتوم شاخص کل) بر پیش بینی قیمت سهام به صورت زیر می باشد:

$$Y = 82/4351 + 1/030929 * X_1 + 2662/574 * X_2 - 153/1995 * X_4$$

پس از شناسایی متغیرهای اثرگذار بر پیش بینی روند قیمت سهام (قیمت پایانی سهام، نوسان قیمت سهام و نوسان بازده شاخص کل)، در گام بعد با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار، روند قیمت سهام شرکت های مورد مطالعه برای سال ۱۴۰۱ پیش بینی می گردد. فرضیه ششم) تکنیک ماشین بردار پشتیبان توانایی پیش بینی روند قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارد.

پس از اجرای روش ماشین بردار پشتیبان بر روی داده‌های جمع آوری شده روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه در سال ۱۴۰۱ به صورت زیر پیش بینی گردید. با توجه به جدول زیر مشخص می‌باشد روش ماشین بردار پشتیبان قدرت پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه در سال ۱۴۰۱ را دارد.

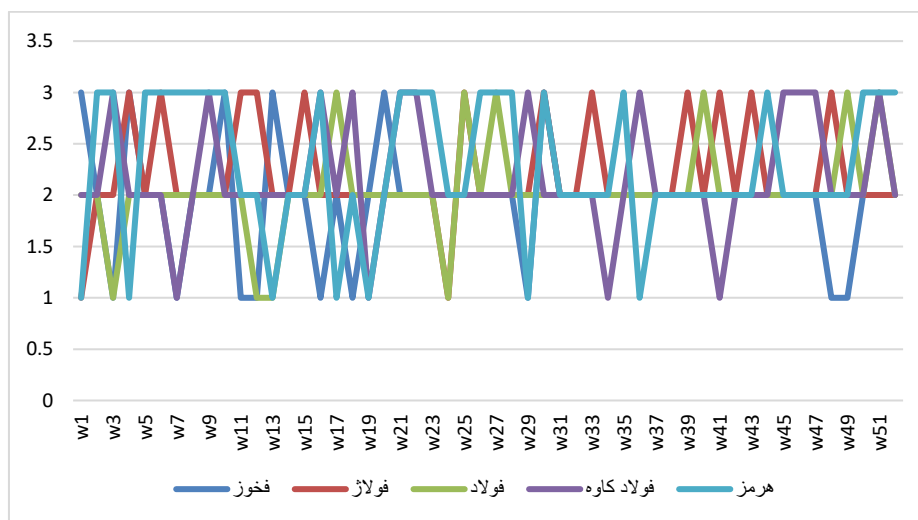


نمودار (۱) - پیش بینی روند قیمت سهام شرکت مورد مطالعه با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به خروجی ماشین بردار پشتیبان و بررسی نمودار مشخص گردید تکنیک ماشین بردار پشتیبان می‌تواند روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را پیش بینی نماید. فرضیه هفتم) سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار توانایی پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارد.

پس از اجرای سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار بر روی داده‌های جمع آوری شده روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه در سال ۱۴۰۱ به صورت زیر پیش بینی می‌گردد. با توجه به جدول زیر مشخص می‌باشد این تکنیک قدرت پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه در سال ۱۴۰۱ را دارد.



نمودار (۲) - پیش بینی روند قیمت سهام شرکت مورد مطالعه با استفاده از سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار
منبع: یافته‌های پژوهشگر

فرضیه هشتم) تکنیک ماشین بردار پشتیبان نسبت به سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار روند قیمت سهام در سال ۱۴۰۱ را در مقایسه با روند واقعی قیمت سهام، به صورت کارآمدتری پیش بینی می‌کند. پس از اینکه مشخص گردید تکنیک ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار توانایی پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را دارند در گام بعد باید مشخص گردد که کدام روش قدرت پیش بینی کارآمدتری نسبت به روش دیگر را دارد. بدین منظور روند قیمت پیش بینی شده و روند واقعی قیمت سهام در سال ۱۴۰۱ با یکدیگر مورد مقایسه قرار داده می‌شود و با استفاده از ضریب دقت پیش بینی در هر دو تکنیک، کارآمدی هر کدام بر دیگری مشخص می‌گردد. این ضریب برای شرکت‌های مورد مطالعه در هر دو تکنیک به شرح جدول ذیل می‌باشد و نهایتاً کارآمدی هر کدام بر دیگری مشخص می‌باشد.

با توجه به ضرایب دقت بدست آمده از مقایسه روند قیمت شرکت‌های مورد مطالعه با روند واقعی قیمت در سال ۱۴۰۱، مشخص گردید که در شرکت فولاد هرمزگان جنوب (هرمز) و شرکت فولاد آلیاژی ایران (فولاژ) تکنیک ماشین بردار پشتیبان دقت بیشتری در پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های مذکور دارد و در شرکت فولاد مبارکه اصفهان (فولاد)، شرکت فولاد خوزستان (فخوز) و شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (کاوه) سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار نسبت به تکنیک ماشین بردار پشتیبان کارآمدتر می‌باشد.

جدول ۴ نتایج حاصل از بررسی کارآمدی تکنیک‌ها

کارآمدی	دقت		شرکت‌های تشکیل دهنده نمونه
	سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار	ماشین بردار پشتیبان	
سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار	/54192	/51125	شرکت فولاد مبارکه اصفهان (فولاد)
ماشین بردار پشتیبان	/46809	/59574	شرکت فولاد هرمزگان جنوب (هرمز)
ماشین بردار پشتیبان	/51012	/54656	شرکت فولاد آلیاژی ایران (فولاز)
سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار	/56277	/52381	شرکت فولاد خوزستان (فخوز)
سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار	/67093	/65116	شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (کاوه)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸- نتیجه گیری و پیشنهادات

۸-۱- نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های پژوهش بیانگر تاثیر گذاری متغیرهای قیمت پایانی سهم، نوسان قیمت سهم و نوسان شاخص کل بر پیش بینی روند قیمت سهام برای دوره‌های آتی تاثیر گذار می‌باشد. نتایج این قسمت از پژوهش با مطالعات فلاح پور (۱۳۹۲)، باجلان (۱۳۹۵) مطابقت دارد. علت تاثیر این سه متغیر در پیش بینی روند قیمت سهام این امر است که زمانی که فرد از قیمت گذشته سهام اطلاع داشته باشد و روند تغییر قیمت سهام به صورت خطی، غیر خطی و تصادفی باشد، می‌توان با استفاده از روش‌های ریاضی ساختار منطقی برای روند قیمت را شناسایی کرد. این امر نقطه مقابل فرضیه گام تصادفی می‌باشد. این فرضیه بیان کننده این است که روند تغییرات قیمت سهام تصادفی می‌باشد و نمی‌توان آنرا پیش بینی کرد ولی با مطالعاتی که در دهه ۷۰ و ۸۰ صورت گرفت این فرضیه نقض شد و مشخص گردید با روش‌های ریاضی می‌توان روند قیمت سهام برای سال‌های آتی را شناسایی کرد (خاکی صدیق و همکاران، ۱۳۷۷). متغیر دوم که بر پیش بینی روند قیمت سهام تاثیر می‌گذارد، نوسان قیمت سهام می‌باشد. نوسان قیمت سهام نقش موثری در الگو سازی رفتار قیمت سهام دارد و عدم توجه به این موضوع منجر به اشتباه در پیش بینی قیمت سهام می‌گردد. شوک‌های بزرگ اقتصادی بر قیمت سهام تاثیر می‌گذارند و به دلیل ایجاد عدم تعادل در بازار منجر به بروز انحراف در قیمت سهام و نوسان قیمت سهام می‌گردد (مولایی و همکاران، ۱۳۹۵). تاثیر نوسان قیمت سهام بر

روند قیمت سهام را می‌توان ناشی از تاثیر آن بر حجم معاملات، اندازه معاملات و سرعت گردش سهام دانست. هنگامی که نوسان قیمت سهام افزایش یابد، بیان‌کننده افزایش در قیمت سهام می‌باشد و سرمایه‌گذاران نیز نسبت به انجام معامله بر روی این گونه سهام راغب‌تر می‌باشند که این عوامل خود دلیلی بر تغییر قیمت سهام و نقش نوسان قیمت سهم بر این تغییر می‌باشد (اسلامی بیگدلی، ۱۳۸۸). متغیر سوم که بر روند قیمت سهام تاثیر می‌گذارد، نوسان شاخص کل می‌باشد. تاثیر این متغیر بر پیش‌بینی روند قیمت سهام به صورت معکوس می‌باشد. به این صورت که با تغییر در عملکرد شرکت‌ها و سودآوری آنها تقاضا برای سهام این شرکت‌ها افزایش می‌یابد و به دنبال آن قیمت سهام آنها افزایش می‌یابد که نهایتاً منجر به تغییر در شاخص کل می‌گردد (پایتختی اسکویی و همکاران، ۱۳۹۳). شرکت‌هایی هم که عملکرد ضعیفی دارند سهام آنها با کاهش در معاملات مواجه می‌گردد و قیمت آنها کاهش می‌یابد (حیدری و بشیری، ۱۳۹۰). با توجه به افزایش معاملات شرکت‌های پربازده و افزایش در تقاضا برای سهام آنها، به مرور زمان سهام شناور این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های کم‌بازده با رشد بیشتری همراه می‌باشد و این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های کم‌بازده تاثیر بیشتری بر شاخص کل دارد. به همین دلیل است که در شرکت‌های کم‌بازده حتی با افزایش در شاخص کل، روند نزولی در قیمت آنها مشاهده می‌گردد. در خصوص متغیرهای مومنتوم سهام و مومنتوم شاخص کل از متغیرهای تاثیرگذار بر پیش‌بینی روند قیمت سهام، هیچ‌گونه تاثیر معناداری میان این دو متغیر و روند قیمت سهام برای سال‌های آتی مشخص نگردید که نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج نارانجو و پورتر (۲۰۰۷)، گلاریتوس (۲۰۱۰)، چن و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد. علت این امر در این می‌باشد که مومنتوم در بازارهای نوظهور نسبت به بازارهایی که قدمت بیشتری دارند، عملکرد ضعیف‌تری دارد (گریفین و همکاران، ۲۰۰۳). استراتژی مومنتوم زمانی کارآمد می‌باشد که دوره نگهداری سهام افزایش یابد. یعنی فرد به جای اینکه به صورت مقطعی به نگهداری سهام بپردازد، آنها را برای مدت طولانی نگهداری کند (بدری و همکاران، ۱۳۹۷). در این پژوهش نیز چون دوره بررسی تاثیر مومنتوم بر پیش‌بینی قیمت، بازه زمانی ده ساله می‌باشد و حتی دوره ورود برخی شرکت‌ها به بازار سرمایه کمتر از ده سال می‌باشد، تاثیر معناداری در خصوص تاثیر مومنتوم بر پیش‌بینی روند قیمت سهام شناسایی نگردید. فرضیه ششم پژوهش در خصوص پیش‌بینی روند قیمت سهام با استفاده از تکنیک ماشین بردار پشتیبان می‌باشد که مشخص گردید که این تکنیک قدرت پیش‌بینی روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه را دارد. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌های کائو و تای (۲۰۰۱)، (کیم، ۲۰۰۳)، جوزف و همکاران (۲۰۱۹)، هنریکه و همکاران (۲۰۱۸)، سانتوس و همکاران (۲۰۱۸)، گریگوریان (۲۰۱۶)، باجلان و همکاران (۱۳۹۶)، باجلان و همکاران (۱۳۹۵)، شمس‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت دارد. فرضیه هفتم پژوهش در خصوص پیش‌بینی روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار می‌باشد که با توجه به بررسی بعمل آمده مشخص گردید این تکنیک قدرت پیش‌بینی روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه را دارد. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش‌های چونی زاده و همکاران (۱۳۹۷)، یونسی و همکاران (۱۳۹۵)،

باراس هد و همکاران (۲۰۲۱)، یوسفی طزر جان و همکاران (۱۴۰۰)، طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵)، فلاح پور و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد. فرضیه هشتم در خصوص مقایسه دقت دو روش ماشین بردار پشتیبان و سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار در پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های مورد مطالعه می‌باشد که مشخص گردید در شرکت‌های فولاد هرمزگان جنوب (هرمز) و شرکت فولاد آلیاژی ایران (فولاذ) تکنیک ماشین بردار پشتیبان دقت بیشتری در پیش بینی روند قیمت سهام شرکت‌های مذکور دارد و در شرکت فولاد مبارکه اصفهان (فولاد)، شرکت فولاد خوزستان (فخوز) و شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (کاوه) سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار نسبت به تکنیک ماشین بردار پشتیبان کارآمدتر می‌باشد که برتری تکنیک ماشین بردار پشتیبان بر سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار مطابق با پژوهش‌های قیاسی و همکاران (۲۰۱۵)، احمدی و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد. علت برتری نسبی هر دو روش بر یکدیگر این می‌باشد که تکنیک ماشین بردار پشتیبان نسبت به سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار سرعت بالاتری دارد و علت برتری این تکنیک به این علت است که بر پایه قوانین منطقی بیان شده است (ضابط پیشخانی و همکاران، ۱۳۹۵). سیستم استنتاجی عصبی فازی سازگار نیز در مواردی که فراوانی داده‌های مورد استفاده بیشتر و نیز پراکندگی آنها کمتر باشد عملکرد بهتری دارد به این دلیل که این سیستم خود یادگیرنده است و در هر مرحله، یادگیری بیشتری نسبت به مرحله قبل کسب می‌کند و داده‌هایی که اصطلاحاً پرت هستند را شناسایی می‌کند و آنها را حذف می‌کند و نهایتاً مدل بهتری را شناسایی می‌کند و هر چه دوره مورد بررسی طولانی تر و داده‌ها انحراف کمتری داشته باشند این سیستم عملکرد بهتری نسبت به تکنیک ماشین بردار پشتیبان دارد.

۸-۲- پیشنهادات

چون در چند سال اخیر بورس اوراق بهادار تهران نوسانات بسیاری را تجربه کرده است و بعد از هر نوسان، قیمت سهام شرکت‌ها نیز بی‌رویه و بی‌منطق تغییر می‌کند بهتر است در مطالعاتی که در این زمینه صورت می‌گیرد، ابتدا سالهایی که نوسانات قیمتی مشاهده می‌گردد کنار گذاشته شوند و سپس پیش بینی صورت گیرد تا نتایج به صورت دقیق تر بدست آید.

با توجه به اینکه روش‌های پیش بینی مورد استفاده از روش‌های مورد استفاده در روش‌های کمی یا چارتریستی می‌باشد برای کسب نتایج دقیق تر بهتر است تحلیل‌های بنیادی نیز بصورت همزمان استفاده گردد. با توجه به اینکه تعداد محدودی شرکت از صنعت آهن و فولاد برای تجزیه و تحلیل انتخاب گردید بهتر است پژوهش‌های دیگری نیز به صورت تخصصی در هر صنعت خاص به صورت جداگانه صورت گیرد تا برتری هر روش بر روش دیگر در هر صنعت شناسایی شود.

با توجه به اینکه بورس اوراق بهادار تهران از نظر کارایی در سطح ضعیف هم قرار نمی گیرد و این موضوع، پیش بینی قیمت سهام شرکت‌ها را نیز با مشکل مواجه می‌سازد، بهتر است در پژوهش‌های دیگر، بورس اوراق بهادار دیگر کشورها که از نظر کارایی در سطح نیمه قوی و قوی هستند مورد بررسی قرار گیرد.

۸-۳- محدودیت‌های پژوهش

با توجه به اینکه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران فراوان می‌باشند و امکان پیش بینی روند قیمت برای همه آنها امکان پذیر نمی باشد، بهتر است در تعمیم نتایج به شرکت‌های دیگر جانب احتیاط رعایت شود.

فهرست منابع

- آقاخانی، کیارش، کریمی، عباس، ۱۳۹۳. بررسی روش‌های پیش بینی قیمت سهام در بازار سرمایه و معرفی روش بهینه، همایش ملی الکترونیکی دستاورهای نوین در علوم مهندسی و پایه
- امیررضا کیقبادی، محمد احمدی، ۱۳۹۵. مقایسه کارایی روش‌های ARCH و GARCH در پیش بینی ارزش در معرض ریسک جهت انتخاب پرتفولیوی بهینه.
- آنتا کبریایی، عبدالمجید دهقان. ۱۳۹۹. ارزیابی عوامل تعیین کننده مومنتوم قیمت در بازار سهام ایران. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۱(۴۳)، ۴۳۱-۴۵۰.
- جگینی، احمد، گرد، عزیز، صالحی، علی اصغر. خالوزاده حمید، خاکی صدیق علی، ۱۳۹۷. پیش بینی قیمت سهام در بازار بورس تهران با استفاده از مدل‌های خطی و غیر خطی.
- چونی زاده، معصومه، بزاز، امین، سلیمانی، مجتبی، پیش بینی قیمت سهام با سیستم استنتاج فازی مبتنی بر یک شبکه تطبیقی (ANFIS) بهبود یافته، (۱۳۹۷)، دومین کنفرانس ملی مهندسی و فناوری‌های ریاضات.
- ذوقی، سهیل، (۱۳۹۹)، مدیریت سرمایه گذاری و ریسک، مدرسان شریف
- سعید باجلان، سعید فلاحپور، ناهید دانا، ۱۳۹۵. پیش بینی روند تغییرات قیمت سهم با استفاده از ماشین بردار پشتیبان وزن دهی شده و انتخاب ویژگی هیبرید به منظور ارائه استراتژی معاملاتی بهینه. راهبرد مدیریت مالی، ۴(۳)، pp.121-148.
- عادل آذر، امیر افسر، پرویز احمدی، (۱۳۸۶). 'مقایسه روش‌های کلاسیک و هوش مصنوعی در پیش بینی شاخص قیمت سهام و طراحی مدل ترکیبی'. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۰(۴)، صص. ۱۰۱-۱۱۰. magiran.com/p463593
- عزیزی. ۱۴۰۲. بررسی دقت ماشین بردار پشتیبان بر پایه الگوریتم ژنتیک نسبت به روش‌های متداول خطی در پیش‌بینی سود هر سهم. راهبرد مدیریت مالی، ۱۱(۳)، ۱۲۷-۱۵۴.

- علی بیات، زینب باقری، ۱۳۹۶. پیش بینی قیمت سهام با استفاده از الگوریتم کرم شب تاب (FA). دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۰ (۳۵)، pp.135-145.
- علیزاده چمازکتی، مسعود، فتح آبادی، مهدی، محمود زاده، محمود، قویدل دوستکوئی، صالح. (۱۴۰۳). 'امکان یا امتناع پیش بینی قیمت سهام: شواهدی از صنعت پتروپالایش'، تحقیقات مالی، ۲۶ (۱)، pp. 81-104. doi: 10.22059/frj.2023.359810.1007467
- فتوره چیان، ناصر، گل ارضی، غلامحسین، فلاح پور، سعید، فلاح پور، سعید، گل ارضی، غلامحسین، فتوره چیان، ناصر. (۱۳۹۲). 'پیش بینی روند حرکتی قیمت سهام با استفاده از ماشین بردار پشتیبان برپایه الگوریتم ژنتیک در بورس اوراق بهادار تهران'، تحقیقات مالی، ۲۶ (۲)، pp. 269-288. doi: 10.22059/jfr.2013.51081
- قجر، محمود، حاصر، منوچهر، بنداری، مهرداد، ۱۳۹۸. بازار پول و سرمایه. انتشارات هوشمند تدبیر، چاپ دهم محمد کاشانی پور، سید حسن صالح نژاد، اسعد رضایی، داود یوسفی منش. ۱۳۹۲. بررسی تاثیر تغییر میزان حد نوسان قیمت سهام بر بازده سهام و حجم معاملات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری، ۴ (۱۲): 155-174.
- محمد رمضان احمدی، سید صابر درسه، محمد حسین قلم بر ۱۳۹۸. بررسی تأثیر معیارهای اعتماد بیش از حد مدیران ارشد بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱ (۴۱)، pp.93-124.
- مشبکی، اصغر، کردناییج، اسدالله، فرازمند، سجاد. ۱۳۹۲. پیش بینی شاخص بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از انفیس، فصلنامه علنی - پژوهشی مدیریت دارایی و تامین مالی، سال اول، شماره اول، شماره پیاپی (۱). صص ۲۷-۴۴.
- مصطفی یوسفی طزرجان، اعظم دخت صفی صمغ آبادی، عزیزالله معماریانی، (۱۴۰۰). 'پیش بینی قیمت سهام در بورس اوراق بهادار با استفاده از مدل ترکیبی مبتنی بر شبکه عصبی بازگشتی و سیستم استنتاج عصبی فازی سازگار و سیستم خبره فازی'، نشریه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۲ (۴۶)، صص. ۵۴۰-۵۵۷. magiran.com/p2286899
- مصطفی یوسفی طزرجان، اعظم دخت صفی صمغ آبادی، عزیزالله معماریانی، (۱۴۰۰). 'پیش بینی قیمت سهام در بورس اوراق بهادار با استفاده از مدل ترکیبی مبتنی بر شبکه عصبی بازگشتی و سیستم استنتاج عصبی فازی سازگار و سیستم خبره فازی'، نشریه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۲ (۴۶)، صص. ۵۴۰-۵۵۷. magiran.com/p228689
- ملکیان، سید نظام الدین، موسوی، فاطمه السادات، پیش بینی قیمت سهام شرکت فراورده های نفتی پارس با استفاده از شبکه عصبی و روش رگرسیون مطالعه موردی: قیمت سهام شرکت فراورده های نفتی

پارس، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادى، سال ششم، شماره دو، پیاپی ۱۸، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۵-

۱۲۱

مهدى حقيقت شهرستانى، محسن دستگير، افسانه سروش يار، ۱۴۰۱. تأثير محافظه‌كارى شرطى و غير شرطى

بر سطح سرمايه‌گذارى آتى و ارزش سهام. پژوهش‌هاى حسابدارى مالى و حسابرسى، ۱۴(۵۳): ۱-

۳۰

يونسى، مهدى، گودرزى، مصطفى، پيش بينى قيمت صادراتى پسته با استفاده از سيستم عصبى فاذى، شبكه

عصبى و خودرگرسيونى، (۱۳۹۵)، سومين كنفرانس بى المللى پژوهش در علوم و تكنولوجى

Ammar, E. and Khalifa, H.A., 2003. Fuzzy portfolio optimization a quadratic programming approach. *Chaos, Solitons & Fractals*, 18(5), pp.1045-1054.

Cao, L.J. and Tay, F.E.H., 2003. Support vector machine with adaptive parameters in financial time series forecasting. *IEEE Transactions on neural networks*, 14(6), pp.1506-1518.

Grigoryan, H., 2016. A Stock Market Prediction Method Based on Support Vector Machines (SVM) and Independent Component Analysis (ICA). *Database Systems Journal*, 7(1).

Henrique, B.M., Sobreiro, V.A. and Kimura, H., 2018. Stock price prediction using support vector regression on daily and up to the minute prices. *The Journal of finance and data science*, 4(3), pp.183-201.

Joseph, E., Mishra, A. and Rabi, I., 2019. Forecast on close stock market prediction using support vector machine (SVM). *INTERNATIONAL JOURNAL OF ENGINEERING RESEARCH TECHNOLOGY (IJERT)*, 8.

Kim, K.J., 2003. Financial time series forecasting using support vector machines. *Neurocomputing*, 55(1-2), pp.307-319.

Mishra, S. and Padhy, S., 2019. An efficient portfolio construction model using stock price predicted by support vector regression. *The North American Journal of Economics and Finance*, 50, p.101027.

Santos, A.A.P., da Costa Jr, N.C.A. and dos Santos Coelho, L., 2007. Computational intelligence approaches and linear models in case studies of forecasting exchange rates. *Expert Systems with Applications*, 33(4), pp.816-823.

Sharma, D.K., Hota, H.S. and Rababaah, A.R., 2024. Forecasting US stock price using hybrid of wavelet transforms and adaptive neuro fuzzy inference system. *International Journal of System Assurance Engineering and Management*, 15(2), pp.591-608.

Tripathy, Naliniprava., *International Academic Conference On Management & Economics Oxford, United Kingdom*, 8-10 November, 2019.

Abstract

A comparative study of the support vector machine method and the adaptive neural-fuzzy inference method to predict the stock price trends of companies listed on the Tehran Stock Exchange

Saeed Shahabadi¹

Zahra Houshmand Neqabi²

Mehrdad Bakhtiar Dehkordi^{3*}

Received: 9 / July / 2025

Accepted: 9 / September / 2025

Abstract

Due to the ever increasing expansion of forecasting methods in financial markets and also, since the stock price is one of the most important factors in investment decisions and its forecasting can play an important role in this field. The purpose of this research is to compare the efficiency of support vector machine methods and adaptive neural fuzzy inference system in predicting

the trend of stock prices of companies listed on the Tehran Stock Exchange. The sample used in this research is top 5 iron and steel industry companies that are accepted in Tehran Stock Exchange. In order to identify the stock price trend, five variables have been used: closing stock price, share momentum, stock price volatility, momentum of the total index of Tehran securities, volatility of the total index of Tehran securities. After collecting the desired information from 1390 to 1400, the stock price trend was predicted using the support vector machine technique and the adaptive neuro fuzzy inference system. And in order to check the forecasting accuracy, the forecasted trend was compared with the stock price trend in 1401 and the accuracy of each of the methods was obtained and finally it was determined that in three cases of the study companies adaptive neuro fuzzy inference system and in two companies the support vector machine technique predict stock price trend more efficiently.

Keywords: Support Vector Machine, Adaptive Neural Fuzzy Inference System, Stock Price Trend Forecasting

¹ Department of Accounting and Management, Ya.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.

Saeid.shahabadi@iau.ac.ir

² Department of Accounting and Management, Isl.C., Islamic Azad University, Islamshahr, Iran (corresponding author). 338851@iau.ir

³ Department of Accounting and Management, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mehrdad.bakhtiardehkordi@ iau.ac.ir





تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر جهت‌گیری اخلاقی حساب‌رسان

فائزه مؤذن نماز^۱

محمدرضا پورعلی^۲

مهدی مران جوری^۳

رضیه علی‌خانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹

چکیده

جهت‌گیری اخلاقی برای قضاوت حساب‌رسان یکی از موضوعات مهم و موثر در حسابداری و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی است. مطالعات گوناگونی در خصوص عوامل اثرگذار بر این مهم صورت گرفته است که اکثر آنها اثر ویژگیهای فردی و اخلاقی حساب‌رسان را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش به بررسی تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر جهت‌گیری اخلاقی حساب‌رسان پرداخته شده است. نمونه آماری این تحقیق شامل ۲۰۱ نفر از مدیران و شرکا در مؤسسات حسابداری عضو جامعه حساب‌رسان رسمی مستقر در تهران در سال ۱۴۰۰ است. مبانی نظری تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و داده‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس مورد تحلیل قرار گرفته است. فرضیه‌های تحقیق بر اساس روش همبستگی و با استفاده از معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی بر شاخص‌های جهت‌گیری اخلاقی حساب‌رسان (شامل ایده آل‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی) تأثیر مثبت و معناداری دارد. به طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌های محافظه کارانه حساب‌رسان با منشاء سیاسی، در رعایت اخلاق حرفه‌ای از جمله عوامل تأثیرگذار محسوب می‌شود. همچنین این تحقیق می‌تواند اطلاعات سودمندی را برای سیاست‌گذاران حرفه حسابداری فراهم آورده و موجب بسط نتایج تحقیقات رفتاری در حوزه حسابداری می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ایدئولوژی سیاسی، جهت‌گیری اخلاقی حساب‌رسان، ایده‌آل‌گرایی، نسبی‌گرایی اخلاقی

۱ گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. Faezeh.moazennamaz@iauc.ac.ir

۲ گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول). pourali@iauc.ac.ir

۳ گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. Mehdi_maranjory@iauc.ac.ir

۴ گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. Razieh_alikhani@iauc.ac.ir



۱- مقدمه

امروزه اخلاق نقش مهمی در جنبه‌های زندگی روزمره هم در جامعه و هم در دنیای تجارت دارد. با افزایش مسائل کسب و کار مرتبط با اخلاق، اکنون توجه شاغلان به اخلاق در محیط کار به یک دغدغه تبدیل شده است. حفظ نیروی کار اخلاقی کار ساده‌ای نیست، بلکه یک چالش و یک وظیفه برای همه آژانس‌ها است (ماهانتا و گوسوامی^۱، ۲۰۲۰). حرفه‌های حسابداری و حسابرسی برای اطمینان از اینکه اکوسیستم مالی به طور موثر اجرا می‌شود، باید صادق و مسئولیت‌پذیر باشند (اسماعیل و رشید^۲، ۲۰۱۹). به ویژه حساب‌رسان با توجه به نقش مهمی که در حفظ منافع جامعه ایفا می‌کنند، ملزم به رعایت اخلاق در انجام کار روزانه خود هستند. تردیدی نیست که حساب‌رسان به عنوان یک انسان از شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد خود در ارتباط با مراجعان، از تاثیر باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و آرمان‌ها و گاه راز و رمزهای درونی خود رها نیستند، از این رو ویژگی‌های شخصیتی حساب‌رسان می‌تواند نقش مهمی در قضاوت اخلاقی آنان داشته باشد (علیزاده گان و همکاران، ۱۴۰۱). علاوه بر این، حساب‌رسان ملزم به رعایت اصول اخلاقی حرفه‌ای هستند که منجر به استانداردهای حسابرسی می‌شود. با این حال، هنوز هم حسابرسانی هستند که صادق نیستند و اصول منشور اخلاقی را زیر پا می‌گذارند که بر قضاوت اخلاقی تأثیر می‌گذارد. ارزیابی اخلاقی فرآیندی است که در آن افراد مشکلات اخلاقی را تشخیص می‌دهند و در نظر می‌گیرند و تعیین می‌کنند که کدام گزینه‌ها برای حل مشکلات اخلاقی‌ترین گزینه‌ها در مواجهه با یک موقعیت معضل در نظر گرفته می‌شوند (هلمی^۳، ۲۰۱۸). امروزه رعایت اخلاق در حسابداری، بحثی در خور مطالعه بوده، چراکه حرفه حسابداری با بحران‌های اخلاقی بیگانه نیست (خلیل پور و همکاران، ۱۳۹۸). به عنوان مثال، رسوایی‌های دستکاری مالی مربوط به پرونده‌های انرون^۴، ورلدکام^۵ و آرتور اندرسون^۶ رسوایی‌های جهانی هستند که به وجهه حرفه حسابداری آسیب رسانده‌اند. مورد اخیر یک شرکت بزرگ چندملیتی، بریتیش تلکام^۷، از اوایل سال ۲۰۱۷ شاهد کلاهبرداری بوده است (سولاستری و کاسانه^۸، ۲۰۲۱؛ پوتری و همکاران، ۲۰۲۳).

جهت‌گیری اخلاقی این امکان را به حساب‌رسان می‌دهد که در جریان رسیدگی‌های خود به شیوه‌ای محتاط و محافظه‌کارانه شواهد حسابرسی را جمع‌آوری، رسیدگی و قضاوت نماید. برخی ناکارآمدی‌های مؤسسات حسابرسی را می‌توان ناشی از فقدان آرمان‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی در جهت‌گیری اخلاقی حساب‌رسان دانست. بنابراین جهت‌گیری اخلاقی یکی از مفاهیم اساسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابرسی است و

1 Mahanta & Goswami

2 Ismail & Rasheed

3 Helmy

4 Enron

5 WorldCom

6 Arthur Anderson

7 British Telecom

8 Sulastri & Kasanah

فقدان آن موجب تنزل کیفیت حسابرسی خواهد شد (چانگ و همکاران، ۲۰۱۵). در همین ارتباط، نظریه موقعیت اخلاقی واکنش به موقعیت چالش‌برانگیز اخلاقی را در دو بعد طبقه‌بندی می‌کند که بر توجه به اصول (نسبی‌گرایی) و نتایج (ایده آل‌گرایی) تأکید می‌کند (فورسایت، ۱۹۸۰؛ فورسایت و اوبویل^۱، ۲۰۱۱؛ فورسایت و اوبویل، ۲۰۱۳). ایده آل‌گرایی به تأکید فرد بر پیامدها به‌عنوان راهنمایی برای تعیین نادرست و درست اشاره دارد. افراد بسیار ایده آل گرا تصور می‌کنند که نتایج مطلوب را می‌توان با اقدام صحیح همیشه به دست آورد (فورسایت، ۱۹۸۰). کسانی که کمتر ایده آل گرا هستند تصور می‌کنند که در برخی موارد آسیب اجتناب‌ناپذیر است و در چنین مواردی، باید بین بد و بدتر یکی را انتخاب کنند (وروی و آساری، ۲۰۲۰).

از این رو مقاله حاضر، در نظر دارد با بررسی اثرات ایدئولوژی سیاسی بر جهت‌گیری اخلاقی حسابرسان به این پرسش پاسخ دهد که تا چه اندازه ایدئولوژی سیاسی می‌تواند بر جهت‌گیری اخلاقی حسابرسان اثرگذار باشد؟ نظر به اینکه ایدئولوژی سیاسی مثبت می‌تواند بر اخلاقیات و در نتیجه بر قضاوت و تصمیم‌گیری وی تأثیر داشته باشد یافته‌های پژوهش حاضر برای حسابرسان و قانون‌گذاران حرفه حسابرسی مفید و سودمند خواهد بود. از دیدگاه متون روانشناسی، ایدئولوژی سیاسی با کاهش سوگیری و اشتباهات در تصمیم‌گیری، می‌تواند تردید حرفه‌ای حسابرس و در نتیجه قضاوت او را بهبود بخشد و ریسک حسابرسی نیز کاهش یابد (گریفیس و همکاران^۲، ۲۰۱۵). هم چنین ایدئولوژی سیاسی منفی، سوگیری و اشتباهات قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس را افزایش می‌دهد و این موجب افزایش ریسک حسابرسی می‌شود (گلور و پراویت^۳، ۲۰۱۴). با توجه به مباحث مذکور نتایج این پژوهش می‌تواند موجب معرفی حوزه جدیدی در حیطه‌ی تحقیقات حسابرسی رفتاری شده و پژوهشگران را به انجام پژوهش‌های رفتاری دیگری ترغیب نماید. هم چنین شواهد این پژوهش نشان خواهد داد ویژگی‌ها و مشخصه‌های ایدئولوژی سیاسی نظیر رویکرد محافظه-کارانه حسابرسان تا چه اندازه می‌تواند بی‌طرفی آن‌ها را تحت الشعاع خود قرار دهد و در نتیجه بر جهت‌گیری اخلاقی و قضاوت حسابرس اثرگذار باشند. این موضوع می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار سیاست‌گذاران در حوزه‌ی حسابرسی برای تدوین خط‌مشی‌های حسابرسی قرار دهد.

۲- چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

توسعه اخلاقیات در سطح حرفه به بررسی میزان به‌کارگیری ملاحظات اخلاقی به وسیله شاغلین در حرفه اشاره دارد که از تحقیقات انجام شده در این حوزه می‌توان به تحقیقات (فورسایت^۴، ۱۹۸۴؛ کوهلبرگ^۵، ۱۹۸۴؛

1 Forsyth and O'Boyle

2 Griffith and et al

3 Glover and Prawitt

4 Forsayt

5 Kohlberg

کلیکمن و هنینگ^۱ (۲۰۰۰) اشاره کرد. وجود استانداردهای مالی و قوانین، فی‌نفسه، صحت گزارشگری مالی را تضمین نمی‌کند. از اینرو ترکیبی از اخلاق حرفه‌ای و ویژگی‌های کیفی گزارشگری باید استفاده شود زیرا توسعه اخلاق حرفه‌ای در حوزه مالی منجر به ارتقای کیفیت کار آنان می‌شود (سامانی پور و همکاران، ۱۳۹۹). جفری^۲ (۲۰۰۶) ساختار تصمیم‌گیری اخلاقی در پژوهش‌های مربوط به اخلاقیات را به صورت شناخت مباحث اخلاقی، تجزیه و تحلیل مباحث اخلاقی، شکل‌گیری نیت اخلاقی و پایبندی در مباحث اخلاقی دانست. در همین‌راستا اساس بسیاری از تحقیقات در زمینه تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در حسابداری مبتنی بر دیدگاه ادراکی بوده است که تأکید این دیدگاه بر تصمیم‌گیری‌های فردی از مواردی است که در ساختار مراتب ادراک بر انتخاب فرد و اعمالی که او در برابر مسائل اخلاقی انجام می‌دهد، تأثیر می‌گذارد. محققان با پیروی از تئوری‌های مطرح شده در حوزه اخلاقیات فردی عنوان می‌کنند که توسعه ادراکی و جهت‌گیری اخلاقی پیش‌شرط لازم در جهت استدلال اخلاقی است (شجاع و همکاران، ۱۴۰۰). فورسایت (۱۹۸۰) جهت‌گیری‌های اخلاقی افراد را به ایده‌آل و نسبی‌گرایی تفکیک می‌کند. ایده‌آل یا آرمان‌گرایی به اهمیت آثار تصمیمات فرد بر روی رفاه دیگران اشاره دارد. افراد با آرمان‌گرایی بالا معتقدند که اعمالشان بایستی عواقب مثبتی برای دیگران به همراه داشته باشد و افراد با آرمان‌گرایی پایین به این‌که همیشه اعمالشان بایستی عواقب مثبتی برای دیگران داشته باشد، معتقد نیستند اما نسبی‌گرایی به میزانی که افراد قواعد اخلاقی کلی را نادیده می‌گیرند، اشاره دارد. افراد با نسبی‌گرایی بالا اعتقاد به حقایق اخلاقی مطلق ندارند و بر این باورند که اعمال اخلاقی فرد به ماهیت شرایط و افراد درگیر در آن بستگی دارد. افراد با نسبی‌گرایی پایین، اعمال مطابق با اصول و قوانین کلی را ترجیح می‌دهند.

ایده‌آل‌گرایی به اهمیت تصمیم‌های فردی برای رفاه و شادی دیگران اشاره می‌کند. افرادی که بسیار ایده‌آل‌گرا هستند عقیده دارند که رفتار و تصمیمات آن‌ها باید پیامدهای مثبتی داشته باشد و حرکت در مسیری که اثرات نامطلوب و منفی بر زندگی دیگران دارد، همیشه غلط است. از سویی دیگر، افرادی که آرمان‌گرایی کم‌تری دارند؛ عقیده‌ای به مطلوب بودن و مثبت بودن همیشگی کارها و تصمیمات خود ندارند، بنابراین، آن‌ها به راحتی پیامد نامطلوب تصمیمات خود را می‌پذیرند (زارعی و همکاران^۳، ۲۰۱۶). نسبی‌گرایی یکی از مهم‌ترین مباحث معرفت‌شناسی و فلسفی است که از دوران گذشته تاکنون اندیشمندان مغرب زمین و اسلامی را به خود مشغول ساخته است. ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی از طریق ایجاد یک نظام شناختی، اخلاقی و فرهنگی مرجع برای افراد، تصمیم‌گیری‌های رفتاری فردی و جمعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این تأثیر از طریق ایجاد تمایل به هم‌خوانی بین یک ارزش یا ایدئولوژی خاص با رفتار وارد عمل می‌شود. در محیط‌های کار افراد با تمایل به یک یا چند ارزش فرهنگی یا ایدئولوژی اخلاقی، ممکن است

1 Cleikman and Henning

2 Jeffrey

3 Zarei and et al

غیراخلاقی رفتار کنند (گل پرور، ۱۳۹۴). ایدئولوژی سیاسی نوعی تفکر سیاسی است که بر مبنای برخی اصول اولیه از پیش پذیرفته شده شکل می‌گیرد، اصولی که از نوعی جزمیت و قطعیت برخوردار بوده و از هر گونه انتقادی مصون است. این گرایش فکری بیشتر به دنبال ایجاد تعهد و ایمان در بین پیروان خود بوده و به‌طور کلی، پیروان خود را از هر گونه تفکر و تعقل منع کرده و در نهایت، خواهان اطاعت محض آن‌ها از نظام و دولت ایدئولوژیک است. به همین دلیل تبلیغات و مبلغین سیاسی در این رویکرد از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. مهم‌ترین کارکرد ایدئولوژی سیاسی، توانایی مشروعیت‌سازی آن است. ایدئولوژی سیاسی این توانایی را دارد تا نظام سیاسی حاکم را در میان توده مردم مشروع جلوه داده و آن‌ها را با میل و رغبت کامل به اطاعت وادارد. ایدئولوژی‌های سیاسی برای مسائل و مشکلات موجود در جامعه راه حل‌های بسیار ساده ارائه می‌دهند. نکته جالب توجه این است که پیروان نظام‌های مبتنی بر ایدئولوژی‌های سیاسی بدون هیچ گونه تامل و دقت خاص، این راه حل‌ها را پذیرفته و به آن‌ها عمل می‌کنند. ایدئولوژی‌های سیاسی بسیار جزم‌گرا بوده و در اعمال دیدگاه‌ها و نظریات خود معمولاً به خشونت متوسل می‌شوند. برنامه حزب‌های سیاسی اغلب بر پایه ایدئولوژی سیاسی پایه‌ریزی می‌شود (ایندریاسیه و ویویت^۱، ۲۰۲۳).

یکی از گرایش‌های مطرح و مهم سیاسی، محافظه‌کاری است. محافظه‌کاری یک واژه کلی برای جهان بینی سیاسی و اجتماعی و مذهبی است که هدف آن نگهداری جامعه و ارزش‌های سودجو بوده و درصدد توصیف منسجمی از مقام انسان در جامعه و تحت حکومت است. محافظه‌کاری به منزله ایدئولوژی سیاسی، دارای اصول و مبانی فکری و فلسفی می‌باشد. محافظه‌کاران خود را اهل تمیز و هوادار عقل سلیم و واقع بین می‌دانند با هر گونه طرح و اندیشه خیالی و انتزاعی برای ایجاد دگرگونی‌های عمیق در جامعه و سیاست مخالف هستند و اجرای چنین طرح‌هایی را ناممکن می‌دانند (سوئینی و همکاران^۲، ۲۰۱۵). در این پژوهش گرایش محافظه‌کاری مبنای ایدئولوژی سیاسی در نظر گرفته شده است. محافظه‌کاران به ویژه آراء و استدلال‌های خود را بر تجارب ملموس تاریخی استوار می‌سازند و از همین رو ضد عقل‌گرایی انتزاعی و غیر تاریخی هستند، محافظه‌کاری آنچه را محصول تاریخ و سنت است می‌پذیرد به عبارتی محافظه‌کاری یعنی ترجیح امر معلوم بر امر مجهول، امر آزموده بر امر نیازموده، امر موجود بر امر مطلوب و امر محدود بر امر نامحدود. بنابراین پای‌بندی به امر مأنوس و ترس از آنچه تجربه نشده و بدبینی به آن جوهر محافظه‌کاری است و اصول محافظه-کاری شامل بدبینی به عقل انسان، پیوند نزدیک محافظه‌کاری با مذهب، وجود تفاوت میان انسان‌ها از نظر توانایی و استعداد پذیرش مالکیت، نگرش پدرسالارانه به جامعه و لزوم هدایت جامعه است (بشریه، ۱۳۸۲). ایدئولوژی سیاسی یک متغیر مهم اجتماعی در حرفه حساب‌رسی است اجتماعی بودن اشخاص آن‌ها را تشویق می‌کند تا با حرفه‌ای که در آن هستند همسو و همسان شوند و این نه تنها شامل هر آنچه که اعضای حرفه

1 Indriasih and Wiwit

2 Sweeny and et al

ترسیم می‌کنند بلکه شامل آرمان‌های حرفه می‌باشد (فوگرتی^۱، ۱۹۹۲). این فرآیند اجتماعی بودن بر وجود الگویی از حسابرسی دلالت دارد که دارای ویژگی‌ها و صفتهای مطلوبی است و با اثر بخشی بیشتر این فرآیند باید منتظر نتایج بیشتری از روابط میان فرد و حرفه باشیم که در این حال برخی از ارزش‌ها و صفتهای مانند تعهد و شناخت ممکن است تحت تأثیر بیشتر قرار گیرند (سوئینی و همکاران، ۲۰۱۵).

فورسایت (۱۹۸۴) توضیح می‌دهد که جهت‌گیری اخلاقی دو بعد دارد، یعنی ایده‌آلیسم و نسبی‌گرایی. ایده‌آلیسم مفهومی است که به چیزهایی اطلاق می‌شود که افراد معتقدند کار درست را برای تولید واقعیت خوب انجام می‌دهند و بالعکس اعمال نادرست منجر به اعمال بد می‌شود. افرادی که این مفهوم را دارند، اعتقاد راسخی به قوانین اخلاقی جهانی غالب دارند. حسابرسی که دارای مفهوم ایده‌آلیستی است، تمایل به ارائه قضاوت اخلاقی دارد، با رفتار غیر اخلاقی انجام شده توسط حسابرسان یا حسابداران مخالف است. به عبارت دیگر، هر چه سطح آرمان‌گرایی حسابرس بالاتر باشد، قضاوت اخلاقی نیز بالاتر است. بعد دوم جهت‌گیری اخلاقی، نسبیت‌گرایی است. نسبیت‌گرایی مفهومی از باور فردی است که قواعد اخلاقی قابل اجرا جهانی را رد می‌کند و بیشتر از رویکرد اخلاقی مربوط به یک فرد و موقعیت خاص حمایت می‌کند (استرومبک و همکاران^۲، ۲۰۱۷). در همین راستا، ایدئولوژی اخلاقی باید هدایتگر رفتارها باشد و با اولویت دادن به اخلاقیات، زمینه را برای ایجاد و ارتقای اثر بخشی فردی فراهم کند. به طوری که از ایدئولوژی اخلاقی به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی رفتاری و اخلاقی به منظور اصلاح رفتار افراد در تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌گردد. از دیدگاه پایه‌گذاران جنبش شناختی و رفتاری، ایدئولوژی اخلاقی (از جمله بعد اجتماعی) با توانایی افراد در حل مناسب مسائل و تصمیم‌گیری‌های صحیح رابطه مستقیم دارد و می‌تواند بر قضاوت اخلاقی حسابرسان تأثیرگذار باشد (جوهری و همکاران^۳، ۲۰۱۹).

حسابرسان در تکالیف حسابرسی معمولاً هنگام مواجهه با پیشنهاد مشتریان برای اتخاذ تصمیمات حسابرسی که به نفع مشتری و خود شخص حسابرس است و قوانین اخلاقی حسابرس حرفه‌ای را نادیده می‌گیرند، با دوراهی مواجه می‌شوند. حسابرسانی که ذهنیت نسبی‌گرایی دارند با رفتار غیر اخلاقی به وضعیت معضل پاسخ می‌دهند. به عبارت دیگر، هر چه سطح نسبیت بالاتر باشد، قضاوت اخلاقی پایین‌تر است. در همین راستا یکی از منشأهای مرتبط با قضاوت‌های اخلاقی افراد را می‌توان ایدئولوژی سیاسی دانست به گفته سوئینی و همکاران (۲۰۱۵) با توجه به اینکه ایدئولوژی سیاسی یک متغیر مهم اجتماعی در حسابرسی است پس حسابرسان محافظه‌کار باید تمایل بیشتری به حفظ ارزش‌های محافظه‌کاری حرفه داشته باشند. بنابراین این احتمال وجود دارد که حسابرسان محافظه‌کار سیاسی، آمادگی بیشتری برای اجتماعی شدن داشته باشند و در نتیجه بیش‌تر به حرفه متعهد باشند. به عقیده پژوهشگران، ایدئولوژی سیاسی بر چگونگی تصمیم‌گیری

1 Fogetry

2 Stromback and et al

3 Johari and et al

تفکر و کارایی افراد در محیط کار تأثیرگذار هستند (فورگاس و جورج^۱، ۲۰۰۱). بر پایه عقیده کلور و همکاران^۲ (۱۹۹۴) رویکرد محافظه کارانه افراد می‌تواند بر پردازش اطلاعات، از انتخاب اطلاعات گرفته تا رمزگذاری اطلاعات و بازیابی آتی آن از حافظه اثر بگذارد. نتایج پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد ایدئولوژی سیاسی بر عملکرد و تصمیم‌گیری افراد اثرگذار است (هارت^۳، ۲۰۱۰). بر اساس متون علم سیاست ایدئولوژی سیاسی مثبت می‌تواند سوگیری در قضاوت‌ها را کاهش دهد و بر عکس ایدئولوژی سیاسی منفی موجب افزایش اشتباهات و سوگیری‌های مرتبط با قضاوت و تصمیم‌گیری می‌شود (فورگاس^۴، ۱۹۹۵). از آنجایی که ایدئولوژی سیستمی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن سازمان یافته است که موقعیت یک گروه یا جامعه را توجیه، تفسیر و تشریح می‌کند، باید گفت که ایدئولوژی سیاسی در جهت دهی تصمیم‌گیری‌ها نقش تعیین‌کننده ای دارد. لذا این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر جهت‌گیری اخلاقی حسابرسان می‌باشد.

در ادامه پیشینه تحقیقات خارجی و داخلی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

ایندریاسیه و ویویت (۲۰۲۳)، در تحقیقی با عنوان نقش جهت‌گیری اخلاقی و شدت اخلاقی در بهبود تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرس، به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری اخلاقی و شدت اخلاقی بر تصمیمات اخلاقی حسابرسان تأثیر می‌گذارد. آرامی و چینگ شیانگ^۵ (۲۰۲۲)، در تحقیقی با عنوان تأثیر آموزش اخلاقی بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان در مراکش، به این نتیجه رسیدند که هویت اخلاقی حسابرسان بر قضاوت اخلاقی آن‌ها تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد و این تأثیر برای گروهی از حسابرسان که قبلاً یک دوره اخلاقی را گذرانده‌اند، قابل توجه‌تر است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که گذراندن یک درس اخلاق، رابطه مثبت و معنادار بین قضاوت اخلاقی حسابرسان و قصد اخلاقی آن‌ها را تعدیل می‌کند. آندولو و پسودو^۶ (۲۰۲۱)، در تحقیقی با عنوان تأثیر شایستگی و انگیزه بر کیفیت حسابرسی با نقش تعدیل‌گر جهت‌گیری اخلاقی، به این نتیجه رسیدند که شایستگی و انگیزه بر کیفیت حسابرسی اثر مثبت معناداری دارد، صلاحیت جهت‌گیری اخلاقی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده تأثیر مثبت معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد و انگیزه با جهت‌گیری اخلاقی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده تأثیر مثبت و معناداری دارد. پائو و خابیباه^۷ (۲۰۲۰)، در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر جهت‌گیری اخلاقی (آرمان‌گرا و نسبی‌گرا) و حساسیت اخلاقی گرایش به افشاگری، به این نتیجه رسیدند که حساسیت اخلاقی تأثیر مثبتی بر افشاگری دارد، در حالی که جهت‌گیری نسبی‌گرایی اخلاقی تأثیر منفی بر افشاگری دارد (ایندریاسیه و ویویت، ۲۰۲۳). جوهری و همکاران^۸ (۲۰۱۹)، در تحقیقی با عنوان

1 Forgas and George

2 Clore and et al

3 Hurtt

4 Forgas

5 Arrami and Qing Xiang

6 Andolo and Pesudo

7 Pau and Khabibah

8 Johari

بررسی مسائل اخلاقی و چگونگی تأثیر آن‌ها بر قضاوت‌های اخلاقی حساب‌برسان همراه با تأثیر جهت‌گیری اخلاقی فرد و اهمیت مشتری، به این نتیجه رسیدند که تأثیر ساختار شدت اخلاقی و اهمیت مشتری بر قضاوت‌های اخلاقی حساب‌برسان بر اساس سطح شدت مسائل سناریوها متفاوت است. درحالی‌که هر دو بعد جهت‌گیری اخلاقی فردی (ایده‌گرایی و نسبی‌گرایی) در هر دو سناریو مورد آزمایش معنادار یافت می‌شود. اسماعیل و یوهانیس^۱ (۲۰۱۸)، در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر رفتار کاری اخلاقی در میان حساب‌برسان بخش عمومی، به این نتیجه رسیدند که رفتار کاری اخلاقی در بین حساب‌برسان بخش دولتی در مالزی تحت تأثیر جو اخلاقی قانون و استقلال، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی شرکت و ایدئولوژی اخلاقی ایده‌آل‌گرایی و نسبی‌گرایی قرار دارد. سوئینی و همکاران (۲۰۱۵) تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر تعهد حرفه‌ای حساب‌برسان را مورد مطالعه قرار دادند آن‌ها ایدئولوژی سیاسی را به عنوان یک تغییر از فرآیند اجتماعی شدن در نظر گرفته و حساب‌برسان را به دو گروه محافظه‌کار و لیبرال از نظر گرایش سیاسی طبقه‌بندی نمودند. یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان داد که یک ارتباط قوی بین ایدئولوژی سیاسی حساب‌برس و تعهد حرفه‌ای وجود دارد و حساب‌برسان محافظه‌کار دارای تعهد حرفه‌ای بیشتری نسبت به حساب‌برسان با گرایش سیاسی لیبرال هستند. پیازا و سوسا^۲ (۲۰۱۳) در تحقیقی در خصوص تأثیر گرایش‌های سیاسی و مذهبی بر قضاوت‌های اخلاقی به این نتیجه دست یافتند که گرایش‌های سیاسی محافظه‌کارانه و گزارشات مذهبی بر نتیجه‌گیری و قضاوت‌های اخلاقی افراد تأثیر دارند (بمانی محمد آبادی و رویایی، ۱۴۰۰). سوئینی و فیشر (۱۹۹۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که ایدئولوژی سیاسی محافظه‌کارانه یک مجموعه از ارزش‌های مشترک را در حرفه-حساب‌برسی ارائه می‌دهد و ایدئولوژی سیاسی یک عامل مهم از اجتماعی شدن می‌باشد. بورنز (۱۹۹۲) در پژوهشی اثر طبقه اجتماعی بر گرایش سیاسی را تحلیل و چندین جنبه از عوامل پیش‌بینی‌کننده ایدئولوژی محافظه‌کاری را شناسایی کرد و به این نتیجه دست یافت که در نظر داشتن عواملی همچون درگیری ذهنی، کار، استخدام، منافع شخصی، جنسیت و نژاد، جنبه‌هایی تعیین‌کننده از گرایش سیاسی هستند که این جنبه‌ها بطور کلی الگوی شریک موسسه حساب‌برسی را توصیف می‌کند.

کریم آبادی و همکاران (۱۴۰۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان ارزیابی معیارهای آیین رفتار حرفه‌ای در کیفیت حرفه حساب‌برسی مستقل گزارش کردند که معیارهای عینیت (بی‌طرفی)، صداقت (درستی)، ناکارآمدی حساب‌برسی و فرهنگ اخلاقی از معیارهای تأثیرگذار در آیین رفتار حرفه‌ای در راستای کیفیت حساب‌برسی مستقل است. یعقوبی صالح‌آبادی و پورزمانی (۱۴۰۱)، در تحقیقی با عنوان تحلیل رابطه هویت حرفه‌ای و جهت‌گیری اخلاقی با قضاوت اخلاقی حساب‌برسان مستقل، به این نتیجه رسیدند که هویت حرفه‌ای علاوه بر اینکه رابطه مستقیم با قضاوت اخلاقی دارد، به صورت غیرمستقیم از طریق ایده‌آل‌گرایی و نسبی‌گرایی با

1 Ismail and Yuhanis

2 Piazza and sousa

قضاوت اخلاقی حسابرسان در ارتباط است. هم چنین هویت حرفه‌ای با ایده‌آل‌گرایی رابطه مثبت و با نسبی-گرایی رابطه منفی دارد. ایده آل‌گرایی و نسبی‌گرایی به ترتیب رابطه مثبت و منفی با قضاوت اخلاقی دارند. بمانی محمد آبادی و رویایی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر ایدئولوژی سیاسی و تعهد حرفه‌ای بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان پرداختند. اطلاعات لازم برای این پژوهش از طریق پرسشنامه و نظرخواهی از حسابرسان شاغل در موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی بدست آمده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی حسابرسان بر قضاوت حرفه‌ای و تعهد حرفه‌ای آن‌ها تأثیر دارد همچنین تعهد حرفه‌ای بر قضاوت حرفه‌ای حسابرس موثر است. شایسته شجاعی و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر معیارهای رفتار اخلاقی، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی و ایده‌آل‌گرایی و نسبی‌گرایی بر عملکرد حسابرسان، به این نتیجه رسیدند تمام متغیرهای زیرمجموعه محیط اخلاقی بر عملکرد حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد، اما متغیر ایده‌آل‌گرایی بر عملکرد حسابرسان تأثیر مثبت و معنی‌دار داشته و نسبی‌گرایی بر عملکرد حسابرسان دارای تأثیر منفی و معنادار است. یوسفی شازمی و بنی‌مهد (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر عواطف فردی بر بی‌طرفی حسابرس" به این نتیجه رسیدند که عواطف مثبت تأثیری مثبت و معنادار بر بی‌طرفی دارد و عواطف منفی تأثیری منفی بر بی‌طرفی داشته، اما این رابطه معنادار نیست. اسدیان و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین جهت‌گیری‌های اخلاقی با شدت و حساسیت اخلاقی حسابرسان" به این نتیجه رسیدند که بین جهت‌گیری اخلاقی آرمان‌گرا با شدت و حساسیت اخلاقی رابطه مثبت و معنادار و بین جهت‌گیری اخلاقی نسبی‌گرا با شدت و حساسیت اخلاقی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. حسینی و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان بررسی مقایسه جهت‌گیری اخلاقی در جامعه پزشکان و حسابرسان، به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری‌های ایده‌آل‌گرایی، نسبی‌گرایی و تعهد حرفه‌ای یکسان است و تفاوت معنی‌داری ندارند. همچنین شغل (حسابرسی و پزشکی) بر رفتار و اخلاق افراد تأثیرگذار نیست.

۳- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: ایدئولوژی سیاسی بر ایده آل‌گرایی اخلاقی حسابرسان تأثیر دارد.
فرضیه دوم: ایدئولوژی سیاسی بر نسبی‌گرایی اخلاقی حسابرسان تأثیر دارد.

روش تحقیق

هدف پژوهش حاضر، تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر جهت‌گیری اخلاقی حسابرسان می‌باشد. از این رو، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. هم چنین از آن جایی که به بررسی روابط متغیرهای پژوهش می‌پردازد، روش پژوهش از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع پیمایشی است. از آن جایی که در پژوهش حاضر

از پرسشنامه جهت جمع‌آوری داده استفاده می‌شود، پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای نگارش و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز مرتبط با مبانی نظری پژوهش، از مقالات تخصصی داخلی و خارجی معتبر استفاده گردید.

۴- متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل در این پژوهش ایدئولوژی سیاسی و متغیر وابسته جهت‌گیری اخلاقی حساب‌رسان (شامل ایده-آل‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی) می‌باشد. همچنین متغیرهای جمعیت‌شناختی در این پژوهش شامل جنسیت، وضعیت تأهل، سن، سابقه حرفه‌ای، عنوان شغلی، تحصیلات و محل اشتغال می‌باشد.

ایدئولوژی سیاسی: برای اندازه‌گیری متغیر مستقل از پرسش‌نامه سوئیتی و همکاران (۲۰۱۵) که مورد کاربرد ایلماز و آدیل ساریبای^۱ (۲۰۱۷) هم بوده، استفاده می‌شود. این پرسش‌نامه شامل ۱۲ گویه است. گویه-های پرسشنامه شامل آزادی، مزایای رفاهی، ارزش‌های سنتی، پاسخگویی مالی، کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی، تشکیل خانواده، میهن پرستی، امنیت، مالکیت به اجبار، شرایط سنتی، قوانین خاص و عقیده‌های دینی می‌باشد که بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱- خیلی مخالفم تا ۵- خیلی موافقم) رتبه‌بندی می‌شود.

جهت‌گیری اخلاقی: برای اندازه‌گیری متغیر جهت‌گیری اخلاقی از پرسشنامه ۲۰ سؤالی با پیروی از تحقیق آندولو و پسودو (۲۰۲۱) و پائو و خابیبا (۲۰۲۰) استفاده شده است لازم به ذکر است ۱۰ سؤال این پرسشنامه مربوط به ایده‌آل‌گرایی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به نسبی‌گرایی اخلاقی است.

۵- جامعه آماری و نمونه‌گیری

نظر به اینکه حساب‌رسان و شاغلین مرتبط با این حرفه با موضوع تحقیق در ارتباط بوده و موارد مطرح شده در ادبیات تحقیق را بهتر و بیشتر درک می‌نمایند، جامعه مورد بررسی در این پژوهش شامل مدیران و شرکا در مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حساب‌رسان رسمی مستقر در تهران می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش سال ۱۴۰۰ بوده و از آنجا که پژوهش پیرامون تمامی اعضا جامعه زمان بر بوده و از نظر هزینه مقرون به صرفه نیست، پژوهشگر ناچار است اقدام به نمونه‌گیری نماید. اعضای نمونه در این پژوهش از فرمول کوکران به‌دست آمده که به شرح زیر است:

$$n_0 = \frac{z^2 pq}{e^2} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

P احتمال اعتماد یا موفقیت

q مقدار احتمال عدم اعتماد یا عدم موفقیت (معمولاً برابر ۰/۵ در نظر گرفته می‌شوند)
 Z زمانی که سطح خطای آلفا برابر ۰/۰۵ باشد، برابر ۱/۹۶ است
 e نشان‌دهنده خطا (معمولاً ۰/۰۵ در نظر گرفته می‌شود)
 با مقادیر فوق و محاسبات انجام شده حداقل نمونه لازم برای جامعه‌ای ۴۵۰ نفره ۲۰۷ نفر می‌باشد. بر این اساس در نهایت ۲۰۱ پرسشنامه جمع‌آوری شد که در بخش تجزیه و تحلیل استفاده گردید.

۶- روش پژوهش

این تحقیق با توجه به ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی است. زیرا هدف آن توسعه دانش و آگاهی در حوزه رفتاری حساب‌برسی است. هم‌چنین از نظر روش توصیفی پیمایشی است. چارچوب نظری و پیشینه تحقیق نیز از راه مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌ها و نتیجه‌نهایی برای آزمون رد یا پذیرش فرضیه‌ها از طریق پرسشنامه انجام می‌شود. برای اندازه‌گیری ایدئولوژی سیاسی از پرسش‌نامه ایلماز و آدیل ساریبای (۲۰۱۷) استفاده شده است، این پرسش‌نامه شامل ۱۲ گویه است. هم‌چنین برای اندازه‌گیری جهت‌گیری اخلاقی از پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی با پیروی از تحقیق آندولو و پسودو (۲۰۲۱) و پائو و خایبیه (۲۰۲۰) استفاده شده است که ۱۰ سؤال این پرسش‌نامه مربوط به ایده آل‌گرایی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به نسبی‌گرایی اخلاقی است. گویه‌ها روی مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱- خیلی مخالفم تا ۵- خیلی موافقم) رتبه‌بندی می‌شود. برای تجزیه تحلیل نتایج پژوهش از نرم افزار پی‌ال‌اس و روش تحلیل عاملی استفاده شده و معناداری متغیرها و گویه‌ها مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

۷- یافته‌ها

۷-۱- آمار توصیفی

در جداول ۱ و ۲ نتایج فراوانی یا همان ویژگی‌های پاسخ دهندگان براساس سوالات بخش اول پرسش‌نامه تشریح می‌گردد.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی

جنسیت	فراوانی	وضعیت تاهل	فراوانی	تحصیلات	فراوانی	محل اشتغال	فراوانی
زن	۴۶	مجرد	۷۱	کارشناسی	۶۴	موسسات حساب‌برسی	۱۴۵
مرد	۱۵۵	متاهل	۱۳۰	کارشناسی ارشد	۱۱۱	سازمان حساب‌برسی	۴۵
				دکتر	۲۶	دانشگاه	۱۱

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

جدول ۲- ادامه آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی

سن	فراوانی	سابقه حرفه ایی	فراوانی	عنوان شغلی	فراوانی
کمتر از ۳۰ سال	۱۲	کمتر از ۱۰ سال	۷۱	شرکای حسابرسی	۲۸
بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۱۰۲	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	۴۶	سرپرستان و سرپرستان ارشد	۹۱
بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۳۵	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	۲۳	مدیران فنی حسابرسی	۸۲
بیشتر از ۵۰ سال	۵۲	بیشتر از ۲۰ سال	۶۱		

(منبع: یافته های پژوهشگر)

در مرحله بعد آمار توصیفی متغیرهای تحقیق با توجه به اطلاعات به دست آمده در جدول ۳ ارائه می‌شود:

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین
جهت‌گیری اخلاقی	-۰/۲۹۱	۰/۱۴۳	۰/۳۹۹	۳/۵۹۰	۴/۵۵۰	۲/۷۵۰
ایدئولوژی سیاسی	۰/۱۶۸	-۰/۶۳۴	۰/۴۶۲	۳/۵۸۷	۴/۴۲۰	۲/۲۵۰

(منبع: یافته های پژوهشگر)

به عنوان نمونه میانگین امتیاز متغیر ایدئولوژی سیاسی از نظر نمونه مورد بررسی ۳/۵۸۷ و انحراف معیار ۰/۴۶۲ می‌باشد هم‌چنین کم‌ترین امتیاز مربوط به متغیر ایدئولوژی سیاسی معادل ۲/۲۵۰ و بیش‌ترین امتیاز معادل ۴/۴۲۰ است. از سوی دیگر مقدار چولگی مشاهده شده برابر ۰/۶۳۴- است و در بازه (۲، -۲) قرار دارد؛ یعنی از لحاظ کجی متغیر نرمال بوده و توزیع آن متقارن است. هم‌چنین مقدار کشیدگی ۰/۱۶۸ است و در بازه (۲، -۲) قرار دارد که نشان می‌دهد توزیع متغیر از کشیدگی نرمال برخوردار است. در حالت کلی چنانچه چولگی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) نباشند داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند.

۲-۷- نتایج روایی همگرا و پایایی ابزار اندازه‌گیری

با عنایت به جدول ۴ و مقدار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب نشان داده‌شده برای هر معیار (گویه) که بیش‌تر از عدد ۰/۷۰ است می‌توان دریافت که ابزار اندازه‌گیری گویه‌ها از پایایی مناسبی برخوردار است. در این پژوهش به منظور بررسی روایی همگرا از میانگین واریانس استخراج شده استفاده شده است. این مقدار برای همه‌ی معیارهای پژوهش بالاتر از عدد ۰/۵۰ است که نشان‌دهنده برخورداری روایی همگرا برای ابزار اندازه‌گیری است.

جدول ۴- نتایج روایی همگرا و پایایی ابزار اندازه‌گیری

متغیرهای پژوهش	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج‌شده
جهت‌گیری اخلاقی	۰/۸۳۴	۰/۸۹	۰/۴۰۱
ایدئولوژی سیاسی	۰/۷۲۴	۰/۹۲	۰/۳۲۷

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

۳-۷- نتایج آزمون فرضیات

در ادامه نتایج آزمون فرضیات به شرح زیر می‌باشد:

۳-۷-۱- نتایج آزمون فرضیه اول

نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری برای تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر ایده‌آل‌گرایی اخلاقی حساب‌رسان در جدول ۵ و شکل‌های ۱ و ۲ ارائه شده است. ضریب مسیر اثر مستقیم ایدئولوژی سیاسی بر ایده‌آل‌گرایی اخلاقی حساب‌رسان برابر با ۰/۴۹۶ و مقدار t برابر با ۲/۷۷۰ است. چون مقدار t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است فرض صفر رد می‌شود. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که مؤلفه‌های مرتبط با ایدئولوژی سیاسی منجر به (تأثیر مثبت) ایده‌آل‌گرایی اخلاقی حساب‌رسان می‌شود.

جدول ۵- نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری برای فرضیه اول

مسیر	ضریب مسیر	خطای استاندارد	مقدار T	سطح معناداری p
اثر مستقیم ایدئولوژی سیاسی بر ایده‌آل‌گرایی اخلاقی	۰/۴۹۶	۰/۰۵۰	۲/۷۷۰	$p < ۰/۰۵$

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

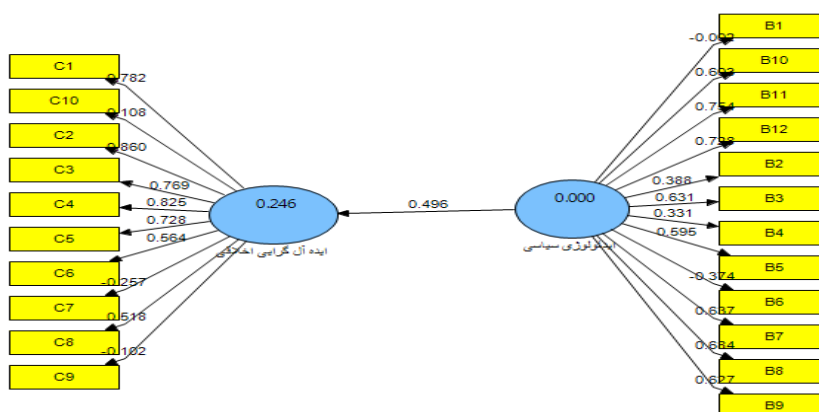
۳-۷-۲- نتایج آزمون فرضیه دوم

نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری برای تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر نسبی‌گرایی اخلاقی حساب‌رسان در جدول ۶ و شکل‌های ۳ و ۴ ارائه شده است. ضریب مسیر اثر مستقیم ایدئولوژی سیاسی بر نسبی‌گرایی اخلاقی حساب‌رسان برابر با ۰/۶۶۰ و مقدار t برابر با ۱۳/۴۹۰ است. چون مقدار t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است فرض صفر رد می‌شود. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که مؤلفه‌های مرتبط با ایدئولوژی سیاسی منجر به (تأثیر مثبت) نسبی‌گرایی اخلاقی حساب‌رسان می‌شود.

جدول ۶- نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری برای فرضیه دوم

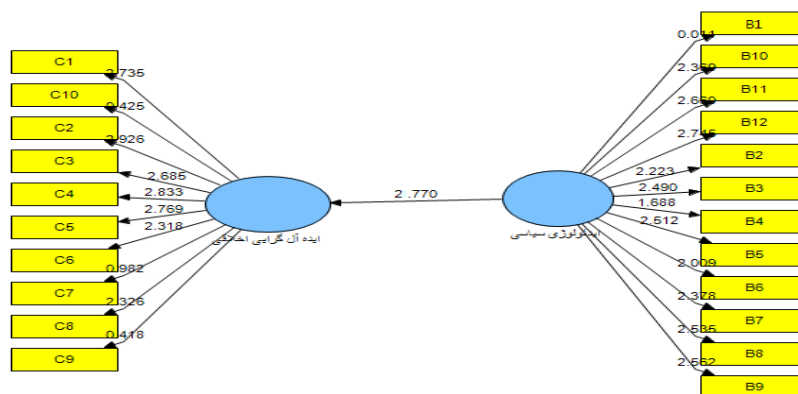
مسیر	ضریب مسیر	خطای استاندارد	مقدار T	سطح معناداری p
اثر مستقیم ایدئولوژی سیاسی بر نسبی‌گرایی اخلاقی	۰/۶۶۰	۰/۰۵۰	۱۳/۴۹۰	p < ۰/۰۵

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)



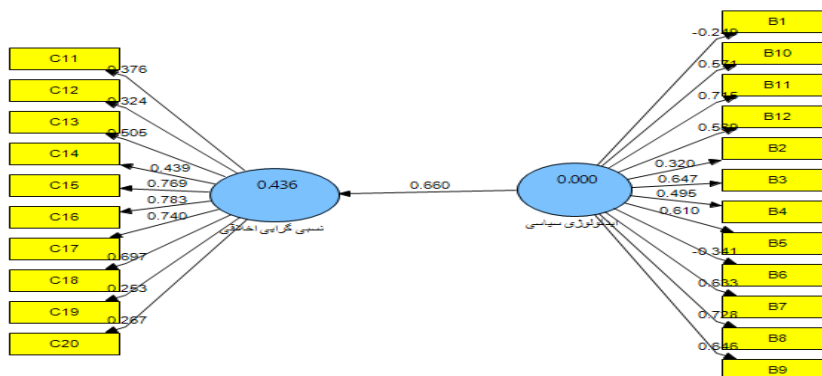
شکل ۱- ضریب تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر ایده آل‌گرایی اخلاقی حساب‌رسان

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)



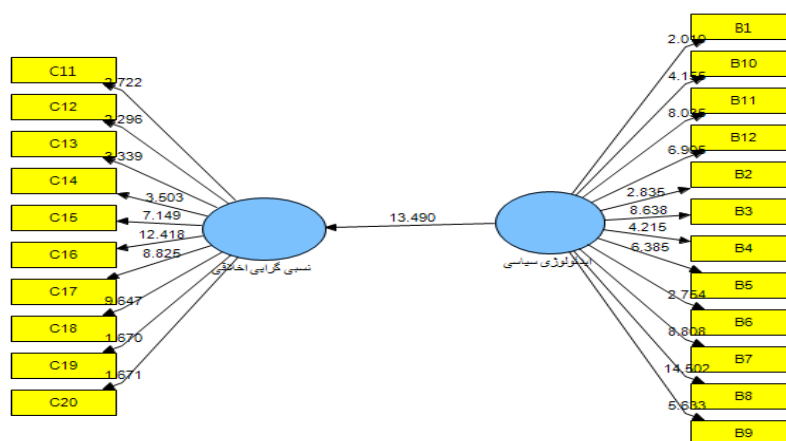
شکل ۲- آماره‌ی ایدئولوژی سیاسی بر ایده آل‌گرایی اخلاقی حساب‌رسان

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)



شکل ۳- ضریب تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر نسبی‌گرایی اخلاقی حسابرسان

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)



شکل ۴- آماره تی ایدئولوژی سیاسی بر نسبی‌گرایی اخلاقی حسابرسان

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

۸- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر جهت‌گیری اخلاقی حسابرسان می باشد. تردیدی نیست که تمایلات اخلاقی و شکاکانه یک فرد بر عملکرد برنامه ریزی برای تقلب او تأثیر می گذارد. ایده آل گرای اخلاقی از این جهت مهم است که میزان تحمل حسابرس را برای اجازه دادن به مشتری برای فرار از یک عمل مشکوک اخلاقی تعیین می کند، در حالی که تمایل شکاکانه در تعیین نحوه جستجو و ارزیابی کلی شواهد

مهم است. به عنوان مثال، کنترل شک و تردید ممکن است تحت تأثیر نگرانی آنها برای رفاه دیگران باشد (یعنی ایده آل گرایی اخلاقی). حساب‌رسی با ایده آل گرایی اخلاقی نسبتاً بالا ممکن است شواهد بیشتری برای ارزیابی پیامد یک اقدام بخواهد در حالی که یک حساب‌برس با ایده آل گرایی اخلاقی پایین تر ممکن است شواهد نسبتاً کمتری تصمیم بگیرد. به طور مشابه، با کنترل ایده آل گرایی اخلاقی، شواهد حساب‌برسان ممکن است تحت تأثیر شک ذاتی آنها قرار گیرد. در واقع، ایده آل گرایی اخلاقی و تردیدگرایی در صفات ممکن است به طور مستقل منجر به تقاضا برای شواهد بیشتر شود. بنابراین، این دو صفت می‌توانند از طریق مکانیسم‌های مختلف بر کسب و ارزیابی شواهد تأثیر بگذارند و زمینه‌های بیشتری را برای بررسی تأثیر مشترک آنها فراهم کنند. اعتقاد بر این است که تفاوت‌های فردی در موقعیت‌های اخلاقی نقش کلیدی در قضاوت اخلاقی رویه‌های تجاری ایفا می‌کند. به هر ترتیب، جهت‌گیری اخلاقی برای قضاوت حساب‌برسان یکی از موضوعات مهم و موثر در حساب‌رسی و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی است. مطالعات گوناگونی در خصوص عوامل اثر گذار بر این مهم صورت گرفته است که اکثر آن‌ها اثر ویژگی‌های فردی و اخلاقی حساب‌برسان را مورد بررسی قرار داده‌اند اما در این پژوهش به بررسی تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر جهت‌گیری اخلاقی حساب‌برسان پرداخته شده است. شواهد این پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی بر ایده آل گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی حساب‌برسان تأثیر مثبت و معنادار دارد. در رابطه با تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر دو متغیر اخلاقی حساب‌برسان می‌توان گفت که نتیجه این فرضیه‌ها با مبانی نظری و نتایج اشاره شده در تحقیقات ایندیریا سیه و ویویت (۲۰۲۳)، سوئینی و همکاران (۲۰۱۵)، پیازا و سوسا (۲۰۱۳) و بمانی محمد آبادی و رویایی (۱۴۰۰) مطابقت دارد. در رابطه با تحلیل نتایج می‌توان گفت که طبق تحقیقات پیشین (فوگرتی، ۱۹۹۲ و سوئینی و همکاران، ۲۰۱۵)، ایدئولوژی سیاسی ارزش‌هایی که افراد دارند اغلب در ایدئولوژی‌های سیاسی شخصی آنها منعکس می‌شود، که به نوبه خود می‌تواند بر اقدامات آنها تأثیر بگذارد. در حقیقت، ایدئولوژی به سیستم اعتقادی یک فرد اشاره دارد که معمولاً با گروهی قابل شناسایی مشترک است که رفتار را سازماندهی، برانگیخته و معنا می‌بخشد. هم چنین به نگرش‌ها نسبت به جنبه‌های مختلف جامعه، از سیاست و اقتصاد گرفته تا دین اشاره دارد و از این رو، ایدئولوژی یک مفهوم چند بعدی است. یک متغیر مهم اجتماعی در حرفه حساب‌رسی است اجتماعی بودن اشخاص آن‌ها را تشویق می‌کند تا با حرفه‌ای که در آن هستند همسو و همسان شوند و این نه تنها شامل هر آنچه که اعضای حرفه ترسیم می‌کنند بلکه شامل آرمان‌های حرفه می‌باشد. این فرآیند اجتماعی بودن بر وجود الگویی از حساب‌رسی دلالت دارد که دارای ویژگی‌ها و صفات‌های مطلوبی است بر همین اساس در این فرآیند، نتایج اثر بخشی، میان فرد و حرفه به وجود می‌آید که می‌تواند منجر به بهبود در تعهد و شناخت حساب‌برسان شود. از طرفی ایدئولوژی سیاسی به عنوان محرک عواطف فردی در پردازش افراد موثر است. افراد محافظه کار در مقایسه با افراد معاشرتی تر و مردمی تر واکنش تندتری به کلمات منفی دارند. این نشان می‌دهد که اطلاعات منفی به صورت خودکار توجه افراد محافظه کار را جلب می‌کند. از سوی دیگر، افراد محافظه کار به ضرر و زیان حساس هستند، موقعیت‌های آشنا را به موقعیت‌های ناآشنا ترجیح می‌دهند و کمتر برای پذیرش شرایط غیر متعارف آماده هستند. در آزمایشات

محققان (ایندریاسیه و ویویت، ۲۰۲۳، پیازا و سوسا، ۲۰۱۳) مشخص شد که افراد محافظه‌کار توجه خود را به سمت مکان‌های خاصی که اطلاعات منفی در آن قرار دارد هدایت می‌کنند. این نشان‌دهنده این امر است که احتمال به خاطر سپاری صحنه‌ی منفی به‌صورت مثبت با محافظه‌کاری مرتبط است. بر همین اساس زمانی که ایدئولوژی سیاسی با رویکرد محافظه‌کارانه در حسابرسان افزایش یابد کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس در حوزه اخلاق حرفه‌ای به ویژه ایده‌آل گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی افزایش یافته و منجر به بی‌طرفی و واقع‌گری در فرآیند ارزیابی و پردازش شواهد می‌شود.

شواهد این تحقیق اهمیت مطالعات رفتاری در حرفه‌حسابرسی را روشن و برجسته می‌نماید. این نتایج می‌تواند، اطلاعات سودمندی به قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران، اعضای کمیته حسابرسی و حسابرسان درباره رابطه میان ایدئولوژی، قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های حسابرس در راستای ارتقای کیفیت حسابرسی ارائه نماید. وجود رویکرد محافظه‌کارانه می‌تواند تردید حرفه‌ای حسابرسان را بهبود بخشد و این خود موجب ارتقا کیفیت حسابرسی می‌شود که این موضوع کم‌تر مورد توجه مؤسسات حسابرسی قرار گرفته است. این در حالی است که بازار حسابرسی در کشور، بازاری نوپا و نوظهور است و نیروهای جوان زیادی در آن اشتغال دارند. ایدئولوژی سیاسی مثبت می‌تواند هم به نفع جامعه و هم به نفع حرفه حسابرسی باشد از این‌رو به مؤسسات حسابرسی پیشنهاد می‌شود که در جذب حسابرسان به موضوع محافظه‌کاری (به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ایدئولوژی سیاسی) توجه داشته باشند. هم‌چنین با گنجاندن فعالیت‌هایی که منجر به فرآیند اجتماعی شدن آن‌ها می‌شود مشارکتشان، تصمیم‌گیری‌ها و حالت‌های مثبت حسابرسان را ارتقا دهند تا جهت‌گیری اخلاقی آن‌ها بهبود یابد. نهایتاً بابت پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود سایر جنبه‌های روان‌شناختی نظیر بیش‌اعتمادی حسابرس و هوش هیجانی با موضوعات مطرح در قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس مثلاً تردید حرفه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

اسدیان اوغانی، اصغر، حاجی‌ها، زهره، رویایی، رمضان علی و وکیلی فرد، حمیدرضا، ۱۳۹۸. تحلیل رابطه جهت‌گیری‌های اخلاقی با شدت و حساسیت اخلاقی. اخلاق در علوم و فناوری. ۱۴ (۳)، صص ۱۴۱-۱۳۷.

بشریه، حسین. ۱۳۸۲. دانش سیاسی. چاپ سوم. تهران. موسسه نگاه معاصر.
بمانی محمد آبادی، مجید، رویایی، رمضانعلی. ۱۴۰۰. تأثیر ایدئولوژی سیاسی و تعهد حرفه‌ای بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۱۰ (۳۹)، صص ۵۷-۶۷.

- پورعلی، محمدرضا، آزره، فاطمه، صمدی لرگانی، محمود و دیانته دلمی، زهرا، ۱۴۰۰. تأثیر ویژگی تاریک شخصیت بر رفتار شهروندی سازمانی حساب‌رسان: آزمونی از نظریه خود تعیین کنندگی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۱۰ (۳۸). صص ۳۹۶-۳۸۱.
- پورعلی، محمدرضا، شهیر، امید، صمدی لرگانی، محمود و محفوظی، غلامرضا، ۱۴۰۱. بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و رفاه مالی و رفتار مالی جامعه حسابداران رسمی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۱۱ (۴). صص ۷۴-۶۱.
- حسینی، سیده محبوبه، سلیمانی، مجید و اوحدی، فریدون، ۱۳۹۳. مقایسه جهت‌گیری‌های اخلاقی در جامعه پزشکان و حساب‌رسان. مدیریت فرهنگی. ۸ (۲۶). صص ۱۲۷-۱۱۷.
- خلیلی پور، مهدی، کامیابی، یحیی و نبوی چاشمی، سیدعلی، ۱۳۹۸. تأثیر رویکردهای اخلاقی حسابداران بر کیفیت اطلاعات حسابداری با نقش تعدیل کنندگی اندازه و اهرم مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص ۹۱-۱۱۷.
- رحمانی نیا، احسان، یعقوب نژاد، احمد، ۱۳۹۶. عوامل موثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی حساب‌رسان داخلی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۶ (۲۴). صص ۱۴۵-۱۶۶.
- سامانی پور، حسن، محمدی، تیمور، شاکری، عباس و تقوی، مهدی، ۱۳۹۹. الزامات نظارت احتیاطی کلان و تأثیر آن بر ثبات نظام بانکی ایران. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۴ (۵۲). صص ۲۶-۱.
- شایسته شجاعی، پرویز، پور زمانی، زهرا و یعقوب نژاد، احمد، ۱۳۹۹. تأثیر معیارهای رفتار اخلاقی (محیط اخلاقی، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی و ایدئولوژی اخلاقی) بر عملکرد حساب‌رسان. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۵ (۱۰). صص ۳۱۸-۲۸۱.
- شجاع، حسین، مهربان پور، محمدرضا، جهانگیرنیا، حسین و غلامی جمکرانی، رضا، ۱۴۰۰. ارائه مدل تأثیر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی بر استقلال مدیران مالی و کیفیت گزارشگری. فصلنامه اقتصاد مالی، ۳ (۵۶). صص ۱۹۵-۱۷۱.
- علیزاده گان، لیلا، صمدی لرگانی، محمود و ایمنی، محسن، ۱۴۰۱. تأثیر تیپ شخصیتی و اخلاق حرفه‌ای بر توانایی حساب‌رسان در کشف تقلب با استفاده از تئوری برنامه ریزی شده با نقش تردید حرفه‌ای. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۷۷-۴۹.
- کریم آبادی، محمد، جهانگیرنیا، حسین، حاجیه‌ها، زهره و غلامی جمکرانی، رضا، ۱۴۰۱. ارزیابی معیارهای آیین رفتار حرفه‌ای در کیفیت حرفه حسابرسی مستقل، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۷۹-۱۰۱.
- گل پرور، محسن، ۱۳۹۴. رابطه ایده آل‌گرایی، نسبیت‌گرایی، ماکیاولیسم و ارزش‌های فرهنگی با رفتارهای غیراخلاقی (مطالعه موردی یک سازمان دولتی). جامعه پژوهشی فرهنگی. ۶ (۲). صص ۱۶۹-۱۳۹.

یعقوبی صالح آبادی، رسول، پور زمانی، زهرا، ۱۴۰۱. تحلیل رابطه هویت حرفه‌ای و جهت‌گیری اخلاقی با قضاوت اخلاقی حسابرسان مستقل. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. ۱۷ (۳). صص ۱۳۸-۱۳۱.

یوسفی شارمی، میرامید، بنی مهد، بهمن، ۱۳۹۸. تأثیر عواطف فردی بر بی‌طرفی حسابرس. دانش حسابداری مالی. ۶ (۱). صص ۱۸۵-۱۶۳.

- Andolo, J.B., David, A. A. and Pesudo, 2021. The Effects of Competence and Motivation on Audit Quality with Ethical Orientation as a Moderating Variable. *International Journal of Science and Business, IJSAB International*. 5(4). 59-79.
- Arrami, N., QingXiang Y., 2022. Impact of Ethical Training on Auditors' Ethical Decision Making in Morocco. *Studia Universitatis, Vasile Goldis" Arad – Economics Series*. 32 (2). 41-64.
- Burns, T.J., 1992. Class dimensions, individualism and political orientation. *social spectrum*. 12(3). 349-362
- Chung, J., J. R. Cohen, and G. S Monroe., 2015. The Influence of a Self- Interest Threat to Auditor Independence and Emotion on Auditors Inventory Valuation Judgments. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2557630>
- Clikeman, P. and Henning, S., 2000. The Socialization of Undergraduate Accounting Students. *Issues in Accounting Education*. 15(2). 1-17.
- Clore, G. L., Schwarz, N., & Conway, M., 1994. Affective causes and consequences of social information processing. In R. S.Jr., & T. K. (Eds).
- Fogetry, T.J., 1992. Organizational socialization in accounting firms: a theoretical framework and agenda for future research. *accounting, organization and society*. 17(2). 129-149
- Forgas, J. P., 1995. Mood and judgment: The affect infusion model (AIM). *Psychological Bulletin*. 117 (1). 39-66.
- Forgas, J. P. and J. M. George., 2001. Affective Influences on Judgments and Behavior in Organizations: An Information Processing Perspective, *Organizational Behavior and Human Decision Processes* 86 (1): 3-34.
- Forsyth, D., 1984. A Taxonomy of Ethical Ideologies. *Journal of Personality and Social Psychology*. 39(4). 175-184.
- Glover, S. M and D.F. Prawitt., 2014. Practitioner summary: Enhancing auditor professional skepticism: The professional skepticism continuum. *Current Issues in Auditing*. 8(2). 1-10.
- Griffith, E. E., J. S.Hammersley, K.Kadous, and D.Young., 2015. Auditor mindsets and audits of complex estimates. *Journal of Accounting Research*. 53(1). 49-77.
- Helmy, H., 2018. The Influence of Ethical Orientation, Gender, and Religiosity on Ethical Judgment Accounting Students. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 57, 50-56.
- Hurt, R. K., 2010. Development of a Scale to Measure Professional Skepticism. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. 29(1). 149-171
- Indriasih D, A S Wiwit., 2023. The Role of Ethical Orientation and Moral Intensity in Improving Ethical Decision of An Auditor. *Jurnal Aset*. 13 (2). 185-196
- Ismail, S. and Yuhanis, N., 2018. Determinants of ethical work behaviour of Malaysian public sector auditors. *Asia-Pacific Journal of Business Administration*. 10(1). 21-34.
- Ismail, Z. R., 2019. Influence of ethical ideology and emotional intelligence on the ethical judgement of future accountants in malaysia. *Meditari accountancy research*, 805- 821.

- Jefferey, C., 2006. The Applicability of a Contingent Factors Model to Accounting Ethics Research. *Journal of business ethics*. 68(1). 1-18.
- Johari, Razana & Mohd-Sanusi, Zuraidah & Zarefar, Arumega., 2019. Auditor's Ethical Judgments: The Influence of Moral Intensity, Ethical Orientation and Client Importance. *International Journal of Financial Research*. 10(6). 20- 77.
- Kohlberg L., 1984. The philosophy of moral development: the nature and validity of moral stages essays on moral development. San Francisco: Harper & Row. 2(1). 123-137.
- Mahanta, K. G., 2020. Exploring the role of ethics in the emotional intelligenceorganizational commitment relationship. *Asian Journal of Business Ethics*, 276- 303.
- Piazza, J.and Sousa., 2013. P.Religiosity, political orientation, and consequentialmalist moral, Thinking, social psychological and personality science. 55(2).1-90
- Puteri, l., Restuningdiah, N., Makaryanawati., 2023. The Influence of Ethical Ideology on Ethical Judgment with Professional Commitment as Mediator (Study on Public Accountant Firm Auditors in Malang, *Journal of Applied Business, Taxation and Economics Research*, 2(4), 418-433
- Stromback Camilla, Therese Lind, Kenny Skagerlund, Gustav Tinghog., 2017. Does self-control predict financial behavior and financial wellbeing? accepted for *Journal of Behavioral and Experimental Finance*. 14(3). 30-38.
- Sulastri, I. U., 2021. Does Emotional Intelligence and Religiosity Affect the Ethical Judgment of Accountign students? *Journal Of Accounting And Business Education*, 21-30.
- Sweeney, J. T., & Fisher, D. G., 1999. Politics, faking, and self-presentation: How valid is the P score of the Defining Issues Test? *Research on Accounting Ethics*. 5(2). 51–75.
- Sweeny, J.T., Quirin, J.J. and Fisher , G., 2015. A structural equation model of auditors' professional commitment: The influence of firm size and political ideology. *Advances in accounting behavioral research*. 6(2). 3–25
- Zarei Reza, Azadeh Esmaeeli and Safa Zarei., 2016, Studying the Influential Factors on Ethics in Accounting and Auditing Regarding Personal Dimensions, *International Business Management*. 10 (7). 1141-1150.

پرسشنامه

بخش اول: مشخصات فردی

جنسیت: زن مرد

وضعیت تاهل: مجرد متاهل

سن: کمتر از ۳۰ سال بین ۳۰ تا ۴۰ سال بین ۴۰ تا ۵۰ سال بیشتر از ۵۰ سال
 سابقه حرفه‌ای: کمتر از ۱۰ سال بین ۱۱ تا ۱۵ سال بین ۱۶ تا ۲۰ سال بیش از ۲۰ سال
 عنوان شغلی: شرکای حسابرسی سرپرستان و سرپرستان ارشد مدیران فنی حسابرسی
 تحصیلات: کارشناسی کارشناسی ارشد دکتری
 محل اشتغال: موسسات حسابرسی سازمان حسابرسی دانشگاه

بخش دوم: سوالات اصلی تحقیق

ایدئولوژی سیاسی	خیلی موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	خیلی مخالفم
آزادی در مالکیت خصوصی از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
مزایای رفاهی از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
ارزش‌های سنتی از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
پاسخگویی مالی از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
تشکیل خانواده از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
میهن پرستی از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
امنیت از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
مالکیت به اجبار از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
شرایط سنتی از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
قوانین خاص از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					
عقیده‌های دینی از ایدئولوژی‌های من بعنوان حسابرس است.					

جهت‌گیری اخلاقی	خیلی موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	خیلی مخالفم
ایده آل‌گرایی اخلاقی					
هر شخص باید مطمئن شود که عملکرد او باعث آسیب رساندن به دیگری نمی‌شود. حتی اگر میزان آن آسیب کم باشد.					
هرگز نباید خطری به دیگران تحمیل شود، هرچند این خطر ناچیز باشد.					
آسیب رساندن به دیگران همیشه اشتباه است، هرچند منافی برای ما داشته باشد.					
یک شخص هرگز نباید آسیب فیزیکی یا روانی به شخص دیگر برساند.					

جهت‌گیری اخلاقی	خیلی موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	خیلی مخالفم
یک شخص نباید عملی را انجام دهد که شأن و رفاه شخص دیگری را تهدید کند.					
اگر عملی بتواند به شخص دیگری آسیب برساند، آن عمل ناپایستی انجام شود.					
مقایسه نتایج مثبت و منفی یک عمل و در نتیجه تصمیم‌گیری در مورد انجام دادن یا ندادن آن، رفتاری غیر اخلاقی است.					
در هر جامعه‌ای حفظ شأن و رفاه مردم بایستی مهمترین مسئله باشد.					
در هیچ شرایطی نباید رفاه و آسایش دیگران را قربانی کرد.					
اعمال اخلاقی، اعمالی هستند که به ایده آل ترین و کامل ترین اعمال نزدیک باشند.					
نسبی‌گرایی اخلاقی					
هیچ اصول اخلاقی وجود ندارد که، آنقدر مهم باشد و در آئین رفتار حرفه‌ای گنجانده نشده باشند.					
ممکن است عملی در یک موقعیت یا یک اجتماع، اخلاقی تلقی؛ و در موقعیت و جامعه‌ای دیگر اخلاقی تلقی نشود.					
مشخصه‌های اخلاقی هر فرد باید به عنوان بخشی از مشخصات فردی او دیده شود. به بیان دیگر، عملی که از نظر یک فرد اخلاقی است، ممکن است از نظر دیگری اخلاقی نباشد.					
رفتارهای اخلاقی هر شخص را نمی‌توان از حیث درست بودن یا بقیه اشخاص مقایسه نمود.					
از آنجائیکه اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن هر چیز به تشخیص اشخاص وابسته است، لذا پاسخ به سؤالاتی نظیر «چه چیزی برای هر کس اخلاقی است»، هرگز قابل حل نیست.					
معیارهای اخلاقی فردی، آن دسته از قوانین شخصی بوده که هر فرد مطابق آنها رفتار می‌نماید. این معیارها را نمی‌توان در تصمیم‌گیری و قضاوت در مورد دیگران بکار گرفت.					
ملاحظات اخلاقی در روابط بین افراد آنقدر پیچیده هستند که باید به افراد اجازه داده شود خود، اصول اخلاقی آن‌ها را مشخص کنند.					
تدوین اصول محکم و سخت برای یک وضعیت اخلاقی، بطوریکه از اعمال خاصی ممانعت نماید، باعث ایجاد مزاحمت برای روابط انسانی بهتر و سازگارتر می‌شود.					
نمی‌توان هیچ قانونی در مورد دروغ‌گویی وضع کرد. بسته به شرایط و موقعیت‌ها می‌توان دروغ گفت.					
قضاوت در مورد اینکه دروغ یک عمل اخلاقی است یا غیر اخلاقی، به اوضاع و شرایط بستگی دارد که، دروغ در آن شرایط و اوضاع گفته شده است.					

Abstract

The effect of political ideology on auditors' ethical orientation

Faezeh Moazen ¹
Mohammad Reza Pourali ²
Mahdi Maranjory ³
Razia Alikhani ⁴

Received: 10 / July / 2025

Accepted: 10 / September / 2025

Abstract

Ethical orientation for auditors' judgment is one of the most important and effective issues in auditing and decision-making by users of financial information. Various studies have been conducted regarding the factors affecting this issue, most of which have examined the effect of auditors' personal and moral characteristics. In this research, the effect of political ideology on auditors' ethical orientation has been investigated. The statistical sample of this research includes 201 managers and partners in auditing firms, members of the official auditors community based in Tehran in 2021. The theoretical basis of research has been collected through library studies and research data based on questionnaires and analyzed using Smart PLS software. Research hypotheses have been investigated based on correlation method and using structural equations. The findings of the research show that Political ideology significant effect on auditors' moral orientation indicators (including moral idealism and relativism). In general, the results of the research show that the conservative characteristics of auditors with political origins are among the influential factors in observing professional ethics. Also, this research can provide useful information for the policy makers of the auditing profession and expand the results of behavioral research in the auditing field.

Keywords: political ideology, Auditors' ethical orientation Idealism, Moral relativism

1 Department of Accounting, Cha.C, Islamic Azad University, Chalus, Iran. Faezeh.moazennamaz@iauc.ac.ir

2 Department of Accounting, Cha.C, Islamic Azad University, Chalus, Iran (Author of the manuscript). pourali@iauc.ac.ir

3 Department of Accounting, Cha.C, Islamic Azad University, Chalus, Iran Mehdi_maranjory@iauc.ac.ir

4 Department of Accounting, Cha.C, Islamic Azad University, Chalus, Iran Razieh_alikhani@iauc.ac.ir



بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با رویکرد فراتحلیل

محمد جواد زارع بهمنمیری^۱

نرگس سرلک^۲

منیژه رامشه^۳

فاطمه اوپسی نیک^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹

چکیده

هدف از اجرای این پژوهش، استفاده از رویکرد فراتحلیل به منظور ترکیب، یکپارچه‌سازی و حذف ناسازگاری‌ها در پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره از معیارهای حاکمیت شرکتی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت است. در این پژوهش از رویکرد لیپسی و ویلسون (۲۰۰۱) و همچنین آزمون Q کوکران برای ۵۹ پژوهش شامل ۱۲ پژوهش داخلی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ و ۴۷ پژوهش خارجی طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ استفاده شده است. در این پژوهش‌ها مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به عنوان متغیر وابسته و ویژگی‌های هیئت‌مدیره متغیر مستقل عنوان شده بودند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین استقلال هیئت‌مدیره، حضور زنان در هیئت‌مدیره، مدرک تحصیلی مدیران، کمیته مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اندازه هیئت‌مدیره، حضور مدیران خارجی در هیئت‌مدیره، مدیریت چندقسمت و دوره تصدی هیئت‌مدیره با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه مثبتی برقرار است. بین دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه منفی برقرار است. این پژوهش با بررسی سازوکارهای حاکمیت شرکتی به قانون‌گذاران و متولیان حرفه و سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها کمک می‌نماید تا توجه بیشتری به معیارهای اثرگذار حاکمیت شرکتی از جمله ویژگی‌های هیئت‌مدیره و فاکتورهای تأثیرگذار در انتخاب مدیران جهت کنترل و نظارت بر عملکرد شرکت داشته باشند تا منجر به بهبود فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حداکثرسازی منافع سهامداران گردد.

واژه‌های کلیدی: فراتحلیل، حاکمیت شرکتی، ویژگی هیئت‌مدیره، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت.

۱- گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول). mj.zare@qom.ac

۲- گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. sarlak.narges@gmail.com

۳- گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. m.ramshe@qom.ac.ir

۴- گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. fatemehoveicy@gmail.com



۱- مقدمه

نظریه مشروعیت^۱ به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های سازمانی و مدیریت مطرح می‌کند که شرکت‌ها باید ارزش‌ها و انتظارات جامعه مربوطه را برآورده کنند و مشروعیت کسب کنند، این نظریه فرض می‌کند که سازمان دارای یک قرارداد اجتماعی ضمنی با جامعه‌ای است که در آن فعالیت می‌کند، این قرارداد اجتماعی باید مدیران را برانگیزد تا با اجرای ساختارها و فرآیندهای کافی، ارزش‌ها و مرزهای خاص جامعه را رعایت کنند (ولت^۲، ۲۰۲۱). لذا برای افزایش مشروعیت شرکت تکیه بر چارچوب سنتی حسابداری که مبتنی بر رفاه اقتصادی می‌باشد کافی نیست و یک وظیفه مهم در فرآیند پاسخگویی شرکت‌ها ارائه اطلاعات اجتماعی است (لطفی و قادرزاده، ۱۳۹۹). مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۳ تخصیص اختیاری منابع شرکت در جهت بهبود رفاه اجتماعی است که به عنوان وسیله‌ای برای تقویت روابط با سهامداران عمل می‌کند (اوه و همکاران^۴، ۲۰۱۹) و یک مفهوم پیچیده و چند بعدی است که مفاهیم مختلف اجتماعی مانند نگرانی‌های زیست محیطی، رفاه کارمندان، خیرخواهی شرکت‌ها، مدیریت منابع انسانی و روابط جامعه را دربرمی‌گیرد (رائو و تیلت^۵، ۲۰۲۱). شرکت‌هایی که گزارش مسئولیت اجتماعی را ارائه می‌دهند سلامت مالی و ثبات اقتصادی قوی‌تری دارند و خطر تجاری کمتری دارند؛ زیرا شرکت‌هایی که دارای ریسک مالی هستند بعید است که در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی سرمایه‌گذاری کنند (چان و همکاران^۶، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر شرکت‌هایی که به فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی اشتغال دارند رضایت مشتری را افزایش می‌دهند و می‌توانند با ارائه سیگنال‌هایی به ذینفعان در مورد ویژگی‌های مثبت شرکت‌ها راهی را برای افزایش اعتبار کلی شرکت ایجاد کنند و فواید مختلف دیگری مانند حفظ مجوز فعالیت، کاهش ریسک، افزایش بهره‌وری و مزایای مالیاتی برای شرکت به همراه آورند (رائو و تیلت، ۲۰۲۱).

دو استراتژی برای مسئولیت اجتماعی وجود دارد: (۱) استراتژی که در آن مشارکت در مسئولیت اجتماعی ناشی از چشم‌اندازها و ارزش‌های مدیران ارشد و اجرایی می‌باشد و تصمیمات و اهداف آن توسط باورهای شخصی مدیر هدایت می‌شود. (۲) مشارکت در مسئولیت اجتماعی توسط انتظارات خارجی و استانداردهای گزارشگری تعیین می‌شود و هدف اصلی شرکت‌ها ایجاد تصویری مناسب در ذهن ذینفعان برای به دست آوردن مشروعیت است. به نظر می‌رسد که مسئولیت اجتماعی تحت تأثیر انتخاب‌ها و انگیزه‌ها و ارزش کسانی است که در فرآیند تدوین و تصمیم‌گیری دخیل هستند (بجی و همکاران^۷، ۲۰۲۱)؛ از سوی دیگر بر اساس

^۱ Legitimacy Theory

^۲ Velt

^۳ Corporate Social Responsibility

^۴ Oh et al

^۵ Rao & Tilt

^۶ Chan et al

^۷ Beji et al

شاخص رضایت مشتری آمریکا^۱ هیچ استاندارد خاصی برای مسئولیت اجتماعی و گزارشگری آن برخلاف گزارشگری مالی وجود ندارد. ممکن است شرکت انگیزه کمتری برای انجام فعالیت مربوط به مسئولیت اجتماعی داشته باشد و مزایای مسئولیت اجتماعی به راحتی با ارقام پولی قابل اندازه‌گیری نیست و اغلب در کوتاه‌مدت دیده نمی‌شود. از آن‌جا که مدیران سطوح بالا به دنبال مزایای کوتاه‌مدت هستند، بعید است که مسائل مسئولیت اجتماعی در سطح مدیریت از اولویت بالایی برخوردار باشند (رائو و تیل، ۲۰۲۱). لذا در نظر گرفتن سازوکارهای حاکمیت شرکتی^۲ به‌ویژه ویژگی‌های ساختاری هیئت‌مدیره و مشخصات مدیران برای درک بهتر پویایی هیئت‌مدیره و نحوه اثرگذاری آن بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بسیار مهم می‌باشد (بجی و همکاران، ۲۰۲۱).

حساس یگانه (۱۳۸۵) حاکمیت شرکتی را به معنای قوانین و مقررات، ساختارها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی می‌داند که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود. حاکمیت شرکتی شامل سازوکارهای کنترلی درون سازمانی و برون سازمانی می‌باشد که به دنبال ایجاد تعادل منطقی بین حقوق سهامداران از یک‌سو و اختیارهای هیئت‌مدیره از سوی دیگر می‌باشد (حاجیه‌ها و شاکری، ۱۳۹۸). حاکمیت شرکتی داخلی عمدتاً با ترکیب هیئت‌مدیره مرتبط است، هیئت‌مدیره در رأس سیستم‌های کنترل داخلی، مشاوره و نظارت بر مدیران است و وظیفه استخدام یا اخراج مدیران ارشد را برعهده دارد (ولت، ۲۰۲۱). دو مورد از نقش‌های مهم هیئت‌مدیره، نظارت و تأمین منابع است. از دیدگاه نظریه نمایندگی^۳ یکی از وظایف اصلی هیئت‌مدیره‌ها نظارت بر مدیران است که باید بر منافع ذینفعان در فرآیند تصمیم‌گیری و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت نظارت کنند. در نظریه وابستگی به منابع^۴، هیئت‌مدیره با ارائه منابع مفید به شرکت مانند تخصص، اطلاعات و غیره نتایج سازمانی خود را بهبود می‌بخشد و هیئت‌مدیره نقش مهمی در هدایت جهت‌گیری‌های استراتژیک و تصمیم‌گیری شرکت دارد (اوه و همکاران، ۲۰۱۹). نظریه مشروعیت نیز فرض می‌کند که اثربخشی هیئت‌مدیره منجر به افزایش فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در جهت بهبود شهرت شرکت و مشروعیت اجتماعی شرکت می‌گردد (ولت، ۲۰۲۱). بنابراین شرکت‌ها نقش هیئت‌مدیره را به عنوان یک سازوکار حاکمیتی مؤثر در نظر می‌گیرند؛ هیئت‌مدیره‌های مؤثر به مدیران کمک می‌کنند تا گروه‌های ذینفع گسترده‌تری را نمایندگی می‌کنند و منابع لازم را برای مدیریت ذینفعان مختلف فراهم کنند و به این ترتیب شرکت‌ها ساختار هیئت‌مدیره خود را با هدف افزایش نظارت و تأمین منابع و در نتیجه بهبود نتایج سازمانی ایجاد می‌کنند (اوه و همکاران، ۲۰۱۹).

^۱ American Customer Satisfaction Index

^۲ Corporate Governance

^۳ Agency Theory

^۴ Resource Dependence Theory

به طور کلی افشای مسئولیت اجتماعی از مزایای رقابتی یک شرکت حکایت دارد و قدرت مالی آن را نشان می‌دهد و از آن‌جا که حاکمیت شرکتی منافع ذینفعان را افزایش می‌دهد، گزارش مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی با بهبود شفافیت گزارش‌دهی و کیفیت درآمد همراه است (چان و همکاران، ۲۰۲۱)؛ ولیکن در مطالعات کمی تجربی مسئولیت اجتماعی نتایج بسیار متفاوتی وجود دارد (ولت، ۲۰۲۱). برای مثال، در رابطه با متغیر استقلال هیئت‌مدیره، برخی از پژوهشگران به رابطه مثبتی بین استقلال هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رسیدند (خان^۱، ۲۰۱۰؛ شریف و رشید^۲، ۲۰۱۴؛ متکین و سابرامانیام^۳، ۲۰۱۵؛ جواد لون و همکاران^۴، ۲۰۱۶)؛ اما عده‌ای از پژوهشگران رابطه منفی بین استقلال هیئت‌مدیره و مسئولیت اجتماعی را گزارش نموده‌اند (حنیفه و کوک^۵، ۲۰۰۵؛ پوچتامارتینز و گالگوآلوارز^۶، ۲۰۱۹؛ ابوقدان و سوایدان^۷، ۲۰۱۹) و گروهی از پژوهشگران نیز معتقدند ارتباط معناداری بین استقلال هیئت‌مدیره و مسئولیت اجتماعی شرکت وجود ندارد (کافی و همکاران^۸، ۲۰۱۸؛ بیسواس و همکاران^۹، ۲۰۱۹؛ رشید^{۱۰}، ۲۰۲۱؛ حسینی و حقیقت، ۱۳۹۵؛ صبحی و محمدزاده، ۱۳۹۷؛ فرهادتوسکی و موسوی‌پور، ۱۴۰۰). با توجه به تضاد موجود میان نتایج این پژوهش‌ها مرجع کاملی برای دستیابی به یک نتیجه واحد در اختیار استفاده‌کنندگان قرار ندارد و انجام یک فراتحلیل^{۱۱} که یافته‌های پژوهشی از مطالعات متعدد و پراکنده را جمع‌آوری، ترکیب و یکپارچه‌سازی کند و به یافته‌های جدیدی برسد ضروری می‌باشد (زارع بهمنمیری و حسنخانی، ۱۴۰۰). در این پژوهش با انجام یک فراتحلیل تلاش می‌کنیم تا با حذف ناسازگاری‌ها در بین نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین به یک دیدگاه جامع و مناسب در زمینه معیارهای اثرگذار ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر مسئولیت اجتماعی دست یابیم. امید است با توجه به دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار مصوب ۱۴۰۱/۷/۱۸ که در ۶ فصل به بررسی تعاریف، اصول حاکمیت شرکتی، وظایف هیئت‌مدیره و مدیرعامل، مجامع عمومی صاحبان سهام، پاسخگویی و افشای اطلاعات و گزارشگری پایداری پرداخته است نتایج این پژوهش بتواند توجه مراجع رسمی و قانون‌گذاری را در جهت اصلاح و بهبود دستورالعمل راهبری شرکتی حاضر جلب نماید تا با استقرار نظام حاکمیت شرکتی مناسب و الزام ناشران به گزارشگری حاکمیت شرکتی به بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمک نماید.

¹ Khan² Sharif & Rashid³ Muttakin & Subramaniam⁴ Javaid Lone et al⁵ Haniffa & Cooke⁶ Pucheta-Martinez & Gallego-Alvarez⁷ Abu Qadan & Suwaidan⁸ Coffie et al⁹ Biswas et al¹⁰ Rashid¹¹ Meta-Analysis

این پژوهش با توجه به رویکرد فراتحلیل به دنبال پاسخ برای این سؤال اصلی است که کدام یک از ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤثر است و هر کدام از آن‌ها می‌توانند چه تأثیری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی داشته باشند؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

وقوع رسوایی‌های مالی و افزایش کلاهبرداری در موسسات بزرگ مانند انرون و آرتوراندرسون و ورلداکام موجب شد تا اعتماد سرمایه‌گذاران به صورت‌های مالی کاهش یابد و شرکت‌ها علاوه بر ابعاد مالی به مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز توجه کنند (برزگر و همکاران، ۱۳۹۸). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت شامل تعهدات و وظایفی است که شرکت‌ها به منظور کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، انجام می‌دهند (مشایخ و همکاران، ۱۴۰۰). ساده‌ترین مفهوم برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسط کارول^۱ (۱۹۷۹) بیان شده است. در الگوی هرمی کارول مسئولیت اجتماعی از چهار قسمت مسئولیت اقتصادی (مسئولیت اصلی بنگاه کسب سود است وقتی شرکت سود لازم را به دست آورد میتواند به مسئولیت‌های دیگر بپردازد)، مسئولیت قانونی (شرکت ملزم به انجام فعالیت‌های اقتصادی در چارچوب قوانین و مقررات است و به عنوان ارزش اجتماعی باید به آن احترام بگذارد)، تعهدات اخلاقی (شامل اخلاقی بودن و انجام آن‌چه که صحیح و منصفانه و عادلانه است و احترام به حقوق اخلاقی مردم و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است) و مسئولیت بشردوستانه (اشاره به فعالیت‌های داوطلبانه شرکت دارد. شرکت‌ها نسبت به منابع انسانی و طبیعی تعهد دارند زیرا برای فعالیت‌های خود از آن استفاده می‌کنند. لذا در برابر بحران‌های اجتماعی ملزم به پاسخگویی می‌باشند) تشکیل شده است (واعظ و همکاران، ۱۳۹۷).

تئوری‌های مطرح شده در ارتباط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دنبال توضیح چرایی مشارکت شرکت‌ها در انجام فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشند (سام دلیری و همکاران، ۱۴۰۱) که از جمله می‌توان به تئوری‌های اقتصاد سیاسی^۲، تئوری ذینفعان^۳ و تئوری مشروعیت اشاره کرد. اقتصاد سیاسی کلاسیک بیان می‌کند که در صورت افشای اختیاری اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی تنها بخشی از مشروعیت تأمین می‌شود؛ بنابراین تمایل به وضع قوانین افشای اجباری دارد و دولت مسئول اعمال محدودیت بر سازمان‌ها و حفظ منافع گروه‌های فاقد قدرت می‌باشد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۵). تئوری ذینفعان معتقد است که شرکت‌ها بر اساس رضایت سهامداران خود تصمیم می‌گیرند. شرکت‌هایی که مشغول فعالیت مسئولیت اجتماعی هستند در گزارشگری مالی احتیاط می‌کنند زیرا آن‌ها باید در جهت منافع ذینفعان خود عمل کنند و نیاز ذینفعان جنبه مهمی از گزارش مسئولیت اجتماعی است (چان و همکاران، ۲۰۲۱). تئوری مشروعیت

^۱ Carroll

^۲ Theory of Political Economy

^۳ Stakeholder Theory

بیان می‌کند که سازمان‌ها و شرکت‌ها تا زمانی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند که جامعه آن‌ها را مشروع بداند و به آن‌ها مشروعیت ببخشد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۵). مسئولیت اجتماعی تأکید می‌کند که یک شرکت برای ذینفعان خود ارزشی فراتر از حداقل محدوده پیشنهادی قانونی ارائه می‌کند (لیم و چانگ^۱، ۲۰۲۱) و انجام مسئولیت‌های اجتماعی و گزارش اینگونه فعالیت‌ها در یک بازه زمانی معین ابزاری ضروری در جهت تضمین ادامه حیات و فعالیت بلندمدت سازمان شناخته می‌شود (خان، ۲۰۱۰).

لذا جایگاه مهم و ویژه مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب شده که نگرانی‌هایی در رابطه با کمیت و کیفیت افشای اطلاعات آن ایجاد گردد زیرا گاهی مدیران برای رسیدن به مقاصد شخصی و یا کسب اعتبار اقدام به افشای اطلاعات آن می‌کنند (برزگر و همکاران، ۱۳۹۸)؛ از سوی دیگر به دلیل جدایی بین مالکان و مدیران، سرمایه‌گذاران مایل هستند که کنترلی متفاوت از مدیریت شرکت اعمال شود. علاوه بر این مشکلات به تعامل بین مدیران و مالکان محدود نمی‌شود بلکه در روابط بین مالکان نیز رخ می‌دهد، موارد مختلفی وجود دارد که سهامداران اقلیت از اقدامات سهامداران اکثریتی که از قدرت کنترل سوء استفاده می‌کنند ضرر می‌کنند. بنابراین حاکمیت شرکتی را می‌توان به طور کلی‌تر به عنوان مجموعه‌ای از مکانیسم‌ها تعریف کرد که سرمایه‌گذاران خارجی از خود در برابر سلب مالکیت خودی‌ها محافظت می‌کنند (بلتراتی^۲، ۲۰۰۵)؛ حاکمیت شرکتی به عنوان سازوکاری برای متعادل سازی اهداف اقتصادی و اجتماعی یک شرکت در نظر گرفته می‌شود که سهامدار و جامعه را متعادل می‌کند (آندانواریح و همکاران^۳، ۲۰۲۱). ویژگی‌های مدیران و ترکیب هیئت‌مدیره، ارتباط نزدیکی با کیفیت حاکمیت و شیوه‌های اثربخشی حاکمیت شرکت‌ها دارد (بجی و همکاران، ۲۰۲۱) و با توجه به تضاد منافع مطرح شده، هیئت‌مدیره واحدی مهم در ساختار سازمانی هر شرکت می‌باشد که محور ارتباطی بین مدیران و سهامداران تلقی می‌شود (برندک و منصوری حبیب آبادی، ۱۳۹۸). هیئت‌مدیره به عنوان متولی ارائه اطلاعات به بازار سرمایه با گزارشگری فراتر از مسائل مالی منجر به شفافیت اطلاعات و پاسخگویی بیشتر برای واحد تجاری می‌گردد تا زمینه‌ساز پایداری بلندمدت و دائمی برای شرکت‌ها گردد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۸). در ادامه به بررسی مبانی نظری و تجربی متغیرهای ویژگی هیئت‌مدیره پرداخته می‌شود.

۲-۱- استقلال هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در ترکیب هیئت‌مدیره نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره به عنوان مبنایی برای سنجیدن استقلال هیئت‌مدیره در نظر گرفته می‌شود (واعظ و همکاران، ۱۳۹۷). هیئت‌مدیره با نسبت بالایی از مدیران مستقل (غیرموظف) در نظارت و کنترل مدیریت مؤثرتر می‌باشند زیرا پاداش مدیران غیرموظف مستقل

¹ Lim & Chung

² Beltratti

³ Andanawarih et al

برخلاف پاداش مدیران ارشد و چشم انداز تجاری مدیران غیرموظف وابسته، به عملکرد مالی و رشد شرکت وابسته نیست. بنابراین انتظار می‌رود مدیران مستقل تمرکز کمتری بر اهداف کوتاه‌مدت مانند عملکرد مالی داشته باشند و بیشتر به اقداماتی که در بلندمدت شرکت‌ها را بهبود می‌بخشند مانند مشارکت و گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت علاقه‌مند هستند (جیزی و همکاران^۱، ۲۰۱۴)؛ از سوی دیگر بر اساس تئوری نمایندگی همسو نبودن انگیزه‌های مدیران موظف و غیرموظف باعث بهبود نظارت بر مدیریت شرکت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین ارکان بیرونی و درونی شرکت و منجر به افزایش افشای اطلاعات از جمله اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت خواهد شد (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ لطفی و قادرزاده، ۱۳۹۹). از آنجایی که اعضای هیئت‌مدیره مستقل به عنوان نماینده ذینفعان در نظر گرفته می‌شوند می‌توانند محتوای گزارش اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند (آندانواریح و همکاران، ۲۰۲۱) و تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که شرکت‌ها به اهداف خود دست می‌یابند (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹). همچنین هیئت‌مدیره مستقل باعث دیدگاه مثبت جامعه به شرکت می‌شود که درکسب مشروعیت واحد تجاری مؤثر است زیرا بر اساس تئوری مشروعیت از آن جهت که مدیران مستقل از قدرت بیشتری برای تشویق مدیریت در جهت افشای گسترده‌تر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برخوردار است، لذا با افزایش استقلال هیئت‌مدیره، شرکت‌ها برای حفظ مشروعیت و افزایش شهرت خود اقدام به گزارش زیست محیطی و اجتماعی بیشتری می‌نمایند (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ لطفی و قادرزاده، ۱۳۹۹). پژوهش‌های متعددی نیز ارتباط مثبت بین استقلال هیئت‌مدیره و مسئولیت اجتماعی را نشان داده‌اند (جو و هارجوتو^۲، ۲۰۱۱؛ جیزی و همکاران، ۲۰۱۴؛ یو و همکاران^۳، ۲۰۱۵؛ بهارمقدم و همکاران، ۱۳۹۲؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۷؛ لطفی و قادرزاده، ۱۳۹۹).

۲-۲- تعداد جلسات هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

تعداد جلسات هیئت‌مدیره می‌تواند به عنوان نماینده‌ای برای دقت هیئت‌مدیره و سطح نظارت بر فعالیت‌های ارائه شده استفاده شود. شرکت‌ها برای برای توسعه سیاست و استراتژی مسئولیت اجتماعی با محدودیت‌هایی در رابطه با عملیات کسب‌وکار روبرو هستند مانند فقدان فرهنگ کسب‌وکار مناسب، مشکل در ایجاد مسئولیت اجتماعی قابل مشاهده و اندازه‌گیری، انتظارات متضاد ذینفعان و کمبود پرسنل و غیره، بنابراین یک هیئت‌مدیره با افزایش تعداد جلسات این امکان را برای مدیریت بهتر کسب‌وکار فراهم می‌کند که منجر به توجه بیشتر به اطلاعات مسئولیت اجتماعی برای ذینفعان داخلی و خارجی و ابتکارات آنان می‌شود

¹ Jizi et al

² Jo & Harjoto

³ Yu et al

(جیاناریکس^۱، ۲۰۱۴). هیئت‌مدیره باید به طور منظم و با توجه به مسائل مربوط در طول سال برگزار شود و تعداد جلسات برگزار شده در سال و جزئیات حضور هر یک از مدیران را افشا کند. جلسات هیئت‌مدیره به عنوان نشانه‌ای از وجود هیئت‌مدیره فعال و متعهد در نظارت و رسیدگی به امور سازمانی تلقی می‌شود (احمد حاجی^۲، ۲۰۱۳). لذا زمانی که اعضای هیئت‌مدیره زمان محدودی را مصرف می‌کنند، تبادل معنادار افکار بین آنان صورت نمی‌گیرد و تعداد جلسات هیئت‌مدیره این فرصت را به اعضا می‌دهد تا اطلاعات بیشتری را به اشتراک بگذارند و امکان بهتری برای توزیع حجم کار و وظایف و تکالیف هیئت‌مدیره فراهم می‌کند (جیاناریکس، ۲۰۱۴). براساس مبانی نظری بین تعداد جلسات هیئت‌مدیره و مسئولیت اجتماعی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (حسینی و حقیقت، ۱۳۹۵)؛ هرچند عده‌ای از پژوهشگران دریافته‌اند بین تعداد جلسات هیئت‌مدیره و مسئولیت اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد (احمد حاجی، ۲۰۱۳؛ جیاناریکس، ۲۰۱۴؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۷).

۲-۳- حضور زنان در هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

هریک از اعضای هیئت‌مدیره در زمینه‌های فرهنگی و جنسیت و تحصیلات و دانش متفاوت هستند، بنابراین ایده‌های جدیدی را برای یک تصمیم‌گیری مؤثر کشف خواهند کرد (آنداناریچ و همکاران، ۲۰۲۱)؛ از سوی دیگر هر انسانی به طور غریزی و ناخودآگاه مزایای شخصی خود را دنبال می‌کند و منافع خود را مقدم بر منافع دیگران می‌داند (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد که مدیران زن بیشتر از همتایان خود (مردان) گرایش اجتماعی دارند، جهت‌گیری اجتماعی به میزانی اشاره دارد که فرد تا چه میزان برای منافع دیگران و رفاه جامعه ارزش قائل است، این یک بخش اساسی از یک نظام ارزشی است که فرد را به مشارکت در فعالیت‌هایی که ارتقا دهنده رفاه افراد دیگر و کل جامعه است ترغیب می‌کند. زنان عموماً اشتراکات بیشتری از خود مانند همدردی و مراقبت از دیگران و جهت‌گیری اجتماعی نشان می‌دهند در حالی که مردان ویژگی‌های عاملیت مانند جاه‌طلبی از خود نشان می‌دهند (وانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۱). سبک رهبری زنان و مردان متفاوت است زیرا زنان رهبرانی حساس‌تر و دلسوزتر نسبت به مردان هستند، مدیران زن دموکراتیک‌تر از مردان در فرآیند تصمیم‌گیری هستند، رهبران زن نسبت به خواسته‌های ذینفعان توجه و حساسیت بیشتری به‌ویژه در مورد مسائل اجتماعی و زیست محیطی نشان می‌دهند و مدیران زن نسبت به مردان در مواجهه با تصمیمات مهم محافظه‌کارتر و محتاط‌تر می‌باشند؛ این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که مدیران زن توانایی‌های اجتماعی و اخلاقی بیشتری نسبت به مدیران مرد دارند و مسئولیت‌پذیرتر هستند بنابراین قادر به هماهنگ و تراز کردن منافع مدیران و سهامداران و اتخاذ تصمیمات مرتبط مانند افشای مسائل مسئولیت اجتماعی خواهند

¹ Giannarakis

² Ahmed Haji

³ Wang et al

بود (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹). این موضوع از منظر نظریه دگرگزینی نیز قابل توضیح است، دگرگزینی یعنی رعایت کردن حال دیگران که برگرفته از مکتبی در ادبیات و هنر است، زن‌ها به علت ویژگی‌های اخلاقی متفاوت اولویت بیشتری را برای منافع دیگران نسبت به حقوق و منافع خود قائل‌اند. حضور زنان در هیئت‌مدیره شرکت‌ها و سایر ارکان مدیریتی شرکت، موجب می‌شود که توانایی اعضا و دانش افزایی برای شرکت افزایش یابد که همین موضوع منجر به بهبود مسئولیت اجتماعی شرکت می‌گردد (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که حضور زنان در هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت تأثیر مثبتی می‌گذارد (ژانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۳؛ ستوپامیس^۲، ۲۰۱۵؛ ابراهیم و حنفه^۳، ۲۰۱۶؛ الله و همکاران^۴، ۲۰۱۹؛ پوچتامارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹؛ ملکیان و همکاران، ۱۳۹۸)؛ اگرچه برخی از پژوهشگران دریافتند که رابطه معناداری بین حضور زنان در هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود ندارد (اوه و همکاران، ۲۰۱۹؛ ابوقدان و سووایدان، ۲۰۱۹؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ لطفی و قادرزاده، ۱۳۹۹).

۲-۴- مدرک تحصیلی مدیران و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

سطح تحصیلات مدیر نماینده‌ای برای شایستگی‌ها و مهارت‌های مدیر است که به موفقیت شرکت کمک می‌کند (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). مدرک تحصیلی اعضای هیئت‌مدیره می‌تواند به عنوان ملاک و معیاری برای آموزش آنان در نظر گرفته شود. هیئت‌مدیره برای مشارکت در تصمیم‌گیری و نظارت بر مدیریت نیازمند سطح آموزشی بالاتر است، زیرا هنگامی که اعضا در معرض آموزش بیشتری قرار گیرند توانایی بیشتری به گزارشگری داوطلبانه به دلیل درک منافع و مزایای حاصل از آن در بلندمدت دارند؛ به عبارت دیگر سطح آموزش هیئت‌مدیره توانایی شرکت را در پیاده‌سازی گزارشگری داوطلبانه غیرمالی نشان می‌دهد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۸). سوابق تحصیلی و حرفه‌ای تعیین‌کننده‌های کلیدی مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی می‌باشند (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین بین سطح مدرک تحصیلی اعضای هیئت‌مدیره و مسئولیت اجتماعی ارتباط مثبتی وجود دارد (کاتمون و همکاران^۵، ۲۰۱۹؛ بجی و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین ملکیان و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند که سطح مدرک تحصیلی مدیران بر مسئولیت اجتماعی ارتباط منفی وجود دارد.

¹ Zhang et al

² Seto-Pamies

³ Ibrahim & Hanafeh

⁴ Ullah et al

⁵ Katmon et al

۲-۵- کمیته مسئولیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در حاکمیت شرکتی بیان می‌شود که باید نوعی از کمیته‌های هیئت‌مدیره مانند کمیته ریسک، کمیته حسابرسی و غیره وجود داشته باشد که مسئولیت رسیدگی به موضوعات ذکر شده را برعهده بگیرند؛ بنابراین ایجاد یک کمیته جداگانه برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی نشان‌دهنده تعهد مدیران ارشد به انجام این وظیفه بسیار مهم است (اشفق و روی^۱، ۲۰۱۹). وجود کمیته مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان کمیته هیئت‌مدیره به خودی خود نشانه‌ای از علاقه شرکت به مسئولیت اجتماعی است، این کمیته منعکس‌کننده تمایل شرکت برای انجام فعالیت‌های خود در راستای دستورالعمل‌ها و قوانین مسئولیت اجتماعی است (کافی و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به رویکرد ذینفعان می‌توان گفت که شرکت‌هایی که کمیته‌های مسئولیت اجتماعی را ایجاد می‌کنند از هیئت‌های علاقه‌مند در جهت رفتار مسئولانه شرکت، در ارضای نیازها و علایق ذینفعان در زمینه اجتماعی و ارائه ضمانت به سهامداران و همه ذینفعان در مورد مسائل پاسخگویی حمایت می‌کند. از طریق این کمیته شرکت‌ها نگرانی خود را درباره شهرت زیست محیطی و اجتماعی خود نشان می‌دهند (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹). وجود این کمیته به عنوان یکی از کمیته‌های هیئت‌مدیره یکی از عواملی است که نسبت به فشارهای اجتماعی مربوط به شرایط اجتماعی شرکت واکنش مثبت نشان می‌دهد و در نتیجه باعث افزایش سطح مسئولیت اجتماعی می‌شود (کافی و همکاران، ۲۰۱۸). انتظار می‌رود که کمیته‌های مسئولیت اجتماعی متشکل از کارشناسان مسائل مسئولیت اجتماعی باشند تا مدیران بر امور مربوط با مسئولیت اجتماعی بهتر نظارت کنند (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹)؛ در نتیجه تشکیل کمیته‌های مسئولیت اجتماعی با مدیران هیئت‌مدیره باید منجر به مشارکت بیشتر در بهبود ارائه کیفیت مسئولیت اجتماعی و تقویت سیاست‌های مسئولیت اجتماعی گردد (عادل و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹؛ اشفق و روی، ۲۰۱۹؛ اویار و همکاران^۳، ۲۰۲۰؛ گالگو الوارز و پوچتا مارتینز، ۲۰۲۰).

۲-۶- اندازه هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

یکی از صفاتی که باعث می‌شود هیئت‌مدیره، تیم مدیریت را تحت فشار قرار دهد تا مسائل مسئولیت اجتماعی را افشا کند و باعث اثربخشی نظارت هیئت‌مدیره می‌گردد، اندازه هیئت‌مدیره است (جیزی و همکاران، ۲۰۱۴؛ بجی و همکاران، ۲۰۲۱). اندازه هیئت‌مدیره نشان‌دهنده تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره یعنی شامل اعضای موظف و غیرموظف است (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). هیئت‌مدیره‌های کوچک، ممکن است فاقد تخصص‌های متنوع باشند و از سوی دیگر مسئولیت‌های بیشتری خواهند داشت که بر نقش‌های کنترلی و مشاوره‌ای هیئت‌مدیره تأثیر منفی خواهد داشت؛ با توجه به این‌که افشای مسئولیت اجتماعی نیاز به حجم‌کاری دارد

¹ Ashfaq & Rui

² Adel et al

³ Uyar et al

انتظار می‌رود که هیئت‌مدیره این حجم از کار زیاد را در نظر بگیرند (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹). هیئت‌مدیره‌های بزرگ می‌توانند بر رفتار فرصت‌طلبانه و هدایت منابع برای افزایش عملکرد مسئولیت اجتماعی نظارت کنند (بیسواس و همکاران، ۲۰۱۹)؛ در هیئت‌مدیره‌های بزرگ مدیرانی با انواع تجربیات و قابلیت‌های مختلف برای حل تعارضات تصمیم‌گیری‌ها مانند افشاگری‌های مسئولیت اجتماعی حضور دارند که عملکرد بهتری دارند و کارایی انتقال اطلاعات را بهبود می‌بخشند (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹؛ پاکدلان و همکاران، ۱۴۰۰). مشاوره و راهنمایی در مورد تصمیمات استراتژیک می‌تواند توسط هیئت‌مدیره‌های بزرگ ارائه شود و اعضای با دانش زیست محیطی دارند که ممکن است بر تصمیمات هیئت‌مدیره در مورد مسائل محیط‌زیست اثر بگذارد (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). تئوری ذینفعان بیان می‌کند که هیئت‌مدیره‌های بزرگ نماینده‌ای از علایق متنوع هستند؛ به عبارت دیگر نه تنها نماینده منافع سهامداران هستند بلکه نماینده منافع سایر ذینفعان نیز می‌باشند. اندازه هیئت‌مدیره گزارشگری حاکمیت شرکتی را افزایش می‌دهد و عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹؛ بجی و همکاران، ۲۰۲۱). نظریه وابستگی نیز مطرح می‌کند که هیئت‌مدیره‌های بزرگتر تنوع پذیری بیشتری را از منابع حیاتی و ارتباط با محیط خارجی شرکت ارائه می‌دهند که وابستگی‌ها را کاهش و دسترسی به منابع را افزایش می‌دهند که نتیجه آن منجر به اثر بخشی و بهبود توانایی تصمیم‌گیری می‌شود و رابطه مستقیمی با افزایش توانایی و افزایش سطح رقابت شرکت با سایرین را دارد (پاکدلان و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین طبق مطالعات انجام شده اندازه هیئت‌مدیره تأثیر مثبتی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت دارد (احمدحاجی، ۲۰۱۳؛ برکات و همکاران^۱، ۲۰۱۵؛ پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹؛ ابوقدان و سووایدان، ۲۰۱۹؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۷؛ فرهادتوسکی و موسوی پور، ۱۴۰۰؛ پاکدلان و همکاران، ۱۴۰۰).

از طرفی دیدگاه مخالفی نیز در این زمینه وجود دارد بر طبق نظریه نمایندگی، هیئت‌مدیره‌های بزرگ اغلب با چالش‌ها و مسائل هماهنگی و ارتباط روبه‌رو هستند. هیئت‌مدیره‌های کوچک منجر به هماهنگی و ارتباط بهتر بین مدیران خواهد شد و مسئولیت‌پذیری و مشارکت بیشتر همه مدیران هیئت‌مدیره را در پی دارد (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹؛ بجی و همکاران، ۲۰۲۱)؛ برای مثال صبوچی و محمدزاده (۱۳۹۷) در پژوهش خود دریافتند که اندازه هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت تأثیری منفی دارد. همچنین برخی از پژوهش‌ها نیز نتیجه گرفته‌اند که بین اندازه هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه معنادار وجود ندارد و تأثیر قابل توجهی متغیر اندازه هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی ندارد (جیاناراکیس، ۲۰۱۴؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ پاکدلان و همکاران، ۱۴۰۰).

¹ Barakat et al

۷-۲- دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

دوگانگی مدیرعامل به وضعیتی اشاره دارد که مدیرعامل سمت رئیس هیئت‌مدیره را نیز برعهده دارد که منجر به تمرکز قدرت اجرایی و قدرت کنترل در یک فرد و در نتیجه باعث تشدید قدرت مدیریت و محدود شدن اثربخشی هیئت‌مدیره می‌شود (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹؛ بجی و همکاران، ۲۰۲۱). مدیرعامل می‌تواند از استراتژی‌های فرصت‌طلبانه برای حفظ منافع خود در مقابل سهامداران استفاده کند و مدیران مالی تحت فشار سهامداران، عملکرد مالی کوتاه‌مدت را ترجیح می‌دهند و پروژه‌های افزایش دهنده ارزش شرکت به‌ویژه پروژه‌های بلندمدت مانند مسئولیت‌پذیری اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). هنگامی که مدیرعامل در جایگاه رئیس هیئت‌مدیره قرار می‌گیرد تضاد منافع به‌وجود می‌آید (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۸)، تعارضات بین مدیر و مالک افزایش یافته و در نتیجه هزینه‌های نمایندگی افزایش پیدا خواهد کرد (پاکدلان و همکاران، ۱۴۰۰) و مطابق با تئوری نمایندگی این احتمال وجود دارد که منافع شخصی مدیران تحت تأثیر تعهد آن‌ها به اقدامات و افشای مسئولیت اجتماعی قرار بگیرد. مدیران داخلی تحت تأثیر یک مدیرعامل می‌باشند و ممکن است از تصمیمات خلاف منافع سهامداران حمایت کنند زیرا تمایلی به رویارویی با مدیرعامل ندارند (پوچتا مارتینز و گالگو الوارز، ۲۰۱۹). لذا دوگانگی وظیفه‌ی مدیر عامل می‌تواند به‌طور بالقوه ریسک تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی بودن مدیرعامل در زمینه‌ی مسئولیت اجتماعی را افزایش دهد (صیوحی و محمدزاده، ۱۳۹۷)؛ بنابراین تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره به دلیل افزایش عملکرد نظارتی باعث بهبود گزارشگری شرکت‌ها با جزئیات کامل‌تر در دو بخش مالی و غیرمالی می‌گردد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که افزایش نفوذ مدیرعامل بر هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت تأثیری منفی می‌گذارد (متکین و سابرامانیا، ۲۰۱۵؛ ابوقدان و سووایدان، ۲۰۱۹؛ گالگو الوارز و پوچتا مارتینز، ۲۰۲۰؛ بجی و همکاران، ۲۰۲۱؛ حسینی و حقیقت، ۱۳۹۵؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ ملکیان و همکاران، ۱۳۹۸؛ پاکدلان و همکاران، ۱۴۰۰). در این زمینه نیز عده‌ای از پژوهشگران به نتایج متناقضی دست یافتند؛ برای مثال پژوهش پوچتا مارتینز و گالگو الوارز (۲۰۱۹) ارتباط مثبت بین دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نشان داد یا تعدادی از پژوهش‌ها نشان دادند که بین دوگانگی مدیرعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد (خان و همکاران، ۲۰۱۳؛ جیناراکیس، ۲۰۱۴؛ فرهادتوسکی و موسوی‌پور، ۱۴۰۰).

۸-۲- تنوع تحصیلات در هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

تنوع دانش و توانایی هیئت‌مدیره ناشی از متفاوت بودن سابقه تحصیلی آن‌هاست که برای سرعت بخشیدن به تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، به اشتراک گذاشتن و تولید دانش جدید، کاهش محدودیت عقلانی و کسب مزیت رقابتی مهم خواهد بود؛ به عبارت دیگر سابقه آموزشی متفاوت نشان‌دهنده تفاوت در نگرش فردی و

هوش افراد است (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹). تنوع سوابق تحصیلی نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های هیئت‌مدیره دارند زیرا آموزش به طور کلی دیدگاه‌های یک فرد را شکل می‌دهد و مبنایی برای درک و ارزیابی چگونگی ارتباط سازمان‌ها با جامعه را فراهم می‌کند؛ همچنین یک هیئت‌مدیره با سوابق تحصیلی متنوع را می‌توان بسیار پذیرا نیازهای مختلف ذینفعان فرض نمود (اوه و همکاران، ۲۰۱۹). هیئت‌مدیره باید عمده‌ترین متشکل از اعضای رشته‌های مختلف باشد یعنی حوزه‌های مرتبطی که بر فرآیند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند. از آنجایی که مسئولیت اجتماعی نه تنها شامل افشای مالی و اقتصادی است بلکه شامل افشای زیست محیطی و اجتماعی می‌باشد، بنابراین تنها توجه به زمینه‌های مالی اعضای هیئت‌مدیره برای بهبود افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی کافی نخواهد بود و نیاز به پیشینه‌های آموزشی متعددی دارد تا اعضای هیئت‌مدیره بحث و گفت‌وگوی قوی در مورد مسائل حقوقی، مالی، اخلاقی، فنی، رفاه ذینفعان و غیره قبل از تصمیم‌گیری استراتژیک در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی داشته باشند (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹)؛ با این وجود نتایج پژوهش کاتمون و همکاران (۲۰۱۹) و اوه و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که تنوع تحصیلات هیئت‌مدیره با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ارتباط معناداری ندارد.

۹-۲- مدیران خارجی در هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

با افزایش تنوع کسب و کارها، شرکت‌ها به منابع پویایی برای تأمین نیاز بازارهای بین‌المللی به منظور دستیابی به مزیت رقابتی احتیاج دارند، حضور مدیران خارجی یکی از با ارزش‌ترین و منحصربه‌فردترین منابع متعلق به شرکت است (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹). تقاضای فزاینده‌ای برای مدیران خارجی نه تنها در شرکت‌های چندملیتی بلکه در شرکت‌های داخلی نیز وجود دارد؛ که دلیل آن دانش و تخصص بین‌المللی آن‌هاست که منجر به موفقیت شرکت می‌شود. آن‌ها بهترین شیوه حاکمیت بین‌کشوری را منتقل می‌کنند و به دلیل آشنایی با حوزه‌های استراتژیک بازار به شرکت‌ها کمک می‌کنند تا تخصص کسب کنند و فرهنگ و بعد جدیدی را به شرکت‌ها معرفی کنند (عبدالفتاح و عبود^۱، ۲۰۲۰). افزایش تعداد مدیران خارجی می‌تواند به معنی افزایش استفاده از فناوری پیشرفته و احتمال بیشتر اقدامات توسعه‌یافته باشد و منجر به انتقال دانش در مورد فناوری مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت مانند بهبود کیفیت محصول می‌گردد (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹؛ عبدالفتاح و عبود، ۲۰۲۰). مدیران خارجی یک گروه اقلیت در هیئت‌مدیره هستند که از حق اقلیت و سهامداران مختلف دفاع می‌کنند (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹). اعضای خارجی در هیئت‌مدیره قابل اعتمادتر از اعضای غیراجرایی ملی هستند که ممکن است برخی پیوندها یا وابستگی‌ها با مدیران اجرایی داشته باشند. از آنجایی که اعضای خارجی با سبک گزارشگری مالی بازارهای مختلف آشنا هستند و دارای سرمایه اجتماعی و ارتباط با سهامداران کلیدی هستند، شرکت‌ها را قادر می‌سازند تا در بازارهای جدید

¹ AbdelFattah & Aboud

گسترش یابند (عبدالفتاح و عبود، ۲۰۲۰)؛ به عبارت دیگر انتصاب مدیران خارجی به نیازهای جهانی شدن پاسخ می‌دهد حضور مدیران خارجی انرژی مثبتی را برای مدیران دیگر فراهم می‌کند که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی را پیگیری و دنبال کنند زیرا حضور آنان منابع و دیدگاه‌های مختلف مانند ارتباطات سیاسی، دسترسی به مهارت‌ها و تجربیات مختلف را فراهم می‌کند (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین با انتصاب مدیران با ملیت‌های مختلف انتظار می‌رود که افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بهبود یابد (خان، ۲۰۱۰؛ شریف و رشید، ۲۰۱۴؛ ابرهیم و حنفه، ۲۰۱۶؛ اشق و روی، ۲۰۱۹؛ بجی و همکاران، ۲۰۲۱)؛ البته در این زمینه نیز نتایج متناقضی وجود دارد برای مثال کاتمون و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که حضور مدیران خارجی در هیئت‌مدیره بر مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد یا کولاک اوغلو و همکاران^۱ (۲۰۲۱) دریافتند حضور مدیران خارجی در هیئت‌مدیره ارتباط معناداری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ندارد.

۲-۱- مدیریت چندگانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مدیریت چندگانه زمانی ایجاد می‌شود که فردی به طور همزمان در هیئت‌مدیره دو یا چند سازمان مسئولیت داشته باشد (حنیفه و کوک، ۲۰۰۵؛ دینگ و همکاران^۲، ۲۰۲۱). مسئولیت اجتماعی یک رویه شرکتی تک متغیره نیست بلکه ساختاری چندبعدی دارد که منعکس‌کننده فلسفه مدیریت یک شرکت در مورد چگونگی ایجاد تعادل بین نیازهای مختلف سهامداران است؛ برای بسیاری از شرکت‌ها، مدیریت طیف متنوعی از منافع ذینفعان به دلیل تضاد منافع بین گروه‌های مختلف ذینفع و کمبود منابع شرکت دشوار است علاوه بر این شرکت‌ها ممکن است با تضاد خواسته‌های ذینفعان و همچنین نیازهای عملکردی خودشان مواجه شوند. بنابراین درک کامل از مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیازمند بررسی دقیق فرآیندهای تعاملی بین شرکت‌ها و ذینفعان آن‌هاست؛ لذا شرکت‌ها نیاز دارند یا انجام دادن مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بیاموزند یا از همسالان با تجربه آن را فراگیرند در مقایسه با یادگیری از مسیرهای پرهزینه، یادگیری از همتایان با تجربه راه مقرون به‌صرفه‌تری است (دینگ و همکاران، ۲۰۲۱). بدین ترتیب مدیران به هیئت‌مدیره‌های دیگر ملحق می‌شوند و به طور خاص روابط درهم تنیده‌ای را ایجاد می‌کنند؛ خدمت در چند هیئت‌مدیره راهی برای دیدن این است که چگونه شخص دیگری همان کار را انجام می‌دهد که فرد به آن مشغول است و تصمیم‌گیری یک هیئت‌مدیره بخشی از موادخام برای تصمیم‌گیری سایر هیئت‌مدیره‌ها می‌شود (حنیفه و کوک، ۲۰۰۵). مدیریت چندگانه به شرکت در اتخاذ سیاست سایر شرکت‌ها کمک می‌کند آن‌ها همچنین می‌توانند اطلاعات خود را در مورد شیوه‌های ناآشنا برای شرکت را به هیئت‌مدیره بیاورند. مدیرانی که در هیئت‌مدیره‌های متعدد هستند به اطلاعات بیشتری در مورد ابتکارات زیست‌محیطی دست پیدا می‌کنند (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع از طریق مدیریت چندگانه کانال مناسبی برای کسب اطلاعات و یادگیری تشکیل می‌شود؛ وجود مدیران مشترک

^۱ Colakoglu et al

^۲ Ding et al

احتمال پذیرش مسئولیت‌پذیری اجتماعی را افزایش می‌دهد، شرکت‌ها می‌توانند از طریق شرکت‌های دیگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بیاموزند و علاوه بر پذیرش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انتشار ساختار مشابه آن را نیز تسهیل می‌کند و مدیران به‌طور معمول اطلاعات به دست آمده از این طریق را برجسته‌تر و قابل اعتمادتر از اطلاعات به دست آمده از طریق دیگر می‌بینند (دینگ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین نتایج پژوهش‌های حنیفه و کوک (۲۰۰۵)، دینگ و همکاران (۲۰۲۱) و بجی و همکاران (۲۰۲۱) نیز تأثیر مثبت مدیریت چندگانه بر مسئولیت اجتماعی را نشان می‌دهد.

۲-۱۱- سن اعضای هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

سن می‌تواند به عنوان یک دارایی برای هیئت‌مدیره دیده شود و به عنوان بخشی از سرمایه انسانی در نظر گرفته شود (ابراهیم و حنفه، ۲۰۱۶). سن مدیران منعکس‌کننده خرد مدیران در مدیریت کسب‌وکار، تجربه آن‌ها و گشودگی آن‌ها به ایده‌های جدید و ریسک‌پذیری است (بجی و همکاران، ۲۰۲۱)؛ مدیران مسن گروه تجربه بیشتری در رابطه با شبکه و منابع مالی دارند در حالی که گروه‌های میانسال مسئولیت‌های اجرایی اصلی را برعهده دارند و گروه‌های جوان دانش خود را از کسب‌وکار توسعه می‌دهند (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹). مدیران جوان‌تر برای کار در محیط و شرایط با رشد بالا و به سرعت در حال تغییر مناسب‌تر هستند و ممکن است توانایی بالاتری در جذب و پردازش ایده‌های جدید و یادگیری رفتارهای جدید مانند مسئولیت‌پذیری اجتماعی داشته باشند (ابوقدان و سووایدان، ۲۰۱۹). از آنجایی که مدیران جوان اخیراً مدرک خود را دریافت نموده‌اند، تمایل به آگاهی در مورد ابزارهای مدیریتی جدید دارند (جیاناراکیس، ۲۰۱۴) و همیشه استدلال کرد که مدیران جوان نسبت به مسائل زیست محیطی و اخلاقی بیشتر نگران باشند (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش ابراهیم و حنفه نیز (۲۰۱۶) نشان داد که بین سن مدیران جوان و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط مثبتی وجود دارد؛ اما مدیران جوان با تجربه کمتر و ریسک‌پذیری بیشتر و افشای بیشتر مسئولیت‌پذیری اجتماعی همراه هستند (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹).

از سوی دیگر با افزایش سن مدیران بلوغ رفتاری در این مدیران افزایش یافته و نسبت به جامعه حساس‌تر می‌باشند (بجی و همکاران، ۲۰۲۱). مدیران مسن‌تر از تجربه بیشتری بهره می‌برند و سوگیری محافظه‌کارانه‌تر و قضاوت بهتری از خود نشان دهند و ممکن است از تمام خطرات احتمالی اجتناب کنند (جیاناراکیس، ۲۰۱۴)؛ اما کمتر مشتاق پذیرش تغییر و اجرای استراتژی‌های نوآورانه جدید هستند (ابوقدان و سووایدان، ۲۰۱۹) و به دلیل تجربه گسترده، نسبتاً محتاطانه هستند و تمایلی به افشای مسئولیت اجتماعی و ریسک بیشتر ندارند (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹). در این زمینه پژوهش ابوقدان و سووایدان (۲۰۱۹) نشان داد که رابطه منفی بین میانگین سنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد اما پژوهش فلاح و مجرد^۱ (۲۰۱۹)

¹ Fallah & Mojarrad

نشان داد که بین میانگین سنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد. از سوی دیگر برخی استدلال می‌کنند که تنوع سنی منجر به تصمیم‌گیری متعادل‌تری می‌شود که کارایی شرکت را تقویت می‌کند (بجی و همکاران، ۲۰۲۱)؛ تنوع سن در اعضای هیئت‌مدیره منجر به تغییر در ارزش‌ها و دیدگاه‌ها می‌شود و هر نسل از این نظر منحصر به فرد و خاص است، جهان‌بینی با توجه به تجربیات مختلف، محیط‌ها و رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توسعه می‌یابد بنابراین تنوع سنی با نمایندگی نسل‌های مختلف می‌تواند بر ریسک‌پذیری در تصمیم‌گیری در مورد افشای مسئولیت اجتماعی شرکت باعث تعادل مفید باشد. البته توجه به این نکته ضروری است که تفاوت در سن اعضای هیئت‌مدیره ممکن است منجر به کارایی هیئت‌مدیره یا ناکارآمدی در فرآیندهای تصمیم‌گیری شود که ناشی از سطوح مختلف جهان‌بینی و تجربه است (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹)؛ مانند پژوهش کاتمون و همکاران (۲۰۱۹) که نشان داد تنوع سنی بر مسئولیت‌پذیری شرکت تأثیر منفی می‌گذارد یا پژوهش بجی و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که تنوع سنی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبتی می‌گذارد.

۲-۱۲- دوره تصدی هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

دوره تصدی هیئت‌مدیره اشاره به مدت زمانی دارد که مدیران در پست‌های مدیریتی سازمان حضور دارند. از مزیت‌های تصدی طولانی مدت هیئت‌مدیره این است که مدیران تجربه بیشتری درباره سیاست‌ها و تخصص شرکت در فرآیند گزارش‌دهی در سازمان دارند. اعضای هیئت‌مدیره با سابقه کار، فعالیت‌های شرکت و قوانین و مقررات را بهتر می‌فهمند و تصدی بیشتر هیئت‌مدیره با سطوح پایین‌تری از اطلاعات و افشای گمراه‌کننده مرتبط است (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹). ادراک مدیران در دوران تصدی از محیط‌های داخلی و خارجی بر تصمیمات استراتژیک تأثیر می‌گذارد؛ تصدی طولانی‌تر تعاملات و سرعت تبادل اطلاعات بین هیئت‌مدیره و مدیران را افزایش می‌دهد و عدم تقارن اطلاعات را کمتر می‌کند. مدیران با دوره تصدی طولانی‌تر منافع بیشتری در درازمدت دارند و لذا با کسب تجربه سازمانی بیشتر، هیئت‌مدیره استراتژی بلندمدت را با تمرکز بر افشای مسئولیت اجتماعی اتخاذ خواهد کرد و اثرات مخرب اجتماعی کمتری را شاهد خواهیم بود (فلاح و مجرد، ۲۰۱۹). پژوهش‌های هارجوتو و همکاران^۱ (۲۰۱۵) و کاتمون و همکاران (۲۰۱۹) نیز تأثیر مثبت تنوع تصدی هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نشان می‌دهد.

^۱ Harjoto et al

۲-۱۳- اندازه هیئت نظارت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

هیئت‌های نظارت نقش مهمی را در شرکت ایفا می‌کنند در واقع نقش هیئت نظارت متفاوت از هیئت‌مدیره است (لو و ژانگ^۱، ۲۰۱۷). در سیستم نظارتی دولایه مسئولیت هیئت نظارت، کنترل مستمر مسئولیت‌های هیئت‌مدیره و فعالیت‌های شرکت در تمام زمینه‌های تجاری است؛ هیئت‌های نظارت به افزایش اثربخشی هیئت‌مدیره کمک می‌کند (متوسزاک و همکاران^۲، ۲۰۱۹). هیئت‌های نظارت از منافع کارکنان شرکت و سهامداران اقلیت و سایر سهامداران محافظت می‌کنند، این هیئت‌ها بر اقدامات سهامداران و مدیران ارشد و اجرایی نظارت می‌کنند و تمرکز همه‌جانبه بر توسعه و تحقق شرکت‌ها دارند. هیئت‌های نظارت بزرگ‌تر برای افشای موضوعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی مساعدتر می‌باشند (لو و ژانگ، ۲۰۱۷)؛ از سوی دیگر از منظر نظریه نمایندگی افزایش تعداد بالای اعضای هیئت نظارت به نوبه خود کارایی حاکمیت شرکتی را به‌خطر می‌اندازد. با افزایش تعداد اعضا انعطاف‌پذیری و پویایی فرآیند تصمیم‌گیری کاهش می‌یابد، هزینه نمایندگی بالاتر می‌رود، الزامات نظارت بر مدیریت در داخل هیئت‌مدیره افزایش یافته و منابع و تخصص بیشتری در سطح هیئت نظارت نیاز است (دایس و ولت^۳، ۲۰۱۶). برخی از پژوهش‌ها نیز نشان دادند که بین اندازه هیئت نظارت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ارتباط معناداری وجود ندارد (لو و ژانگ، ۲۰۱۷؛ متوسزاک و همکاران، ۲۰۱۹).

۲-۱۴- تنوع نژادی اعضای هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

هر فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها و باورها و رفتارهای خود را دارد که آن را شکل می‌دهد و تا حدی بر رفتار اخلاقی و تصمیمات استراتژیک اثر می‌گذارد، این نشان می‌دهد که هر قومی دارای ارزش‌ها و اصول اخلاقی خاص خود می‌باشد؛ تنوع نژادی در هیئت‌مدیره را می‌توان به عنوان یکی از منابع ارزشمند شرکت طبقه‌بندی کرد که پتانسیل لازم برای دستیابی به رقابت را دارند (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹). ریشه‌های قومی متفاوت می‌تواند استقلال هیئت‌مدیره را افزایش دهد که از طریق بهبود در نظارت‌های مدیریتی، بهره‌وری افزایش می‌یابد و باعث ایجاد تنوع در نظرات و ایده‌ها در بحث‌های هیئت‌مدیره می‌شود و به ایجاد پیوند بهتر با ذینفعان کمک می‌کند (نتیم و سوباروین^۴، ۲۰۱۳). قومیت‌های متنوع در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، در بهبود افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی سودمند است زیرا در همان قومیت ترجیحات و نیازهای مشتریان و سهامداران و بازارها درک می‌شود و بهتر می‌توانند نیازهای ذینفعان را از مسئولیت‌پذیری اجتماعی درک کنند. هیئت‌هایی که متشکل از اعضای مختلف از قومیت‌های متفاوت است اطلاعات موثقی‌تری به سهامداران خود ارائه خواهند کرد (کاتمون و همکاران، ۲۰۱۹). نتیم و سوباروین (۲۰۱۳) و هارجوتو و همکاران

¹ Liu & Zhang

² Matuszak et al

³ Dience & Velte

⁴ Ntim & Soobaroyen

(۲۰۱۵) دریافتند که تنوع نژادی اعضای هیئت‌مدیره بر مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبتی می‌گذارد. کاتمون و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تنوع نژادی تأثیر کمی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد و رابطه معناداری بین آن‌ها وجود ندارد.

۳- سؤالات پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام شده، انجام یک پژوهش فراتحلیل در رابطه با تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ضروری می‌باشد. در واقع فراتحلیل پژوهش‌های گوناگون و متنوع را از سرگردانی نجات می‌دهد و به یک تصویر کلی و بدون ابهام از یک موضوع می‌رسد که بسیار اثرگذارتر از پژوهش‌های جدید در آن حوزه است (بذرافشان، ۱۳۹۲). از اینرو سؤالات این پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

(۱) کدام یک از ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیرگذار هستند؟

(۲) هر کدام از آن‌ها چه تأثیری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند؟

۴- روش شناسی پژوهش

این مطالعه از بعد رویکرد انجام پژوهش، خردگرایانه؛ از بعد هدف پژوهش از جمله پژوهش‌های اکتشافی؛ از بعد ماهیت پژوهش، مروری؛ از بعد ماهیت داده‌ها، کمی؛ از بعد زمانی، گذشته‌نگر و از بعد جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد. با توجه به کارگیری روش فراتحلیل از بعد روش شناخت در زمره پژوهش‌های تحلیلی-توصیفی قرار می‌گیرد. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گاهی پژوهشگران در رابطه با یک موضوع واحد به نتایج یکسانی نمی‌رسند بلکه تناقضاتی در کار آن‌ها وجود دارد که روش فراتحلیل با مرور نظام‌مند به جای اتکا به نتایج مطالعات انفرادی امکان ترکیب و یکپارچه‌سازی داده‌های حاصل از چندین مطالعه را برای محقق فراهم می‌کند (مران‌جوری و رضوانی، ۱۳۹۷). لازم به ذکر است که فراتحلیل زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مطالعات مورد بررسی کمی باشند و از مهم‌ترین مفاهیم در این حوزه اندازه اثر به معنی تأثیر متغیر مستقل بر وابسته است که به دو دسته اندازه اثر d و اندازه اثر r تقسیم می‌شود. در این پژوهش جهت بررسی روابط بین متغیرها شاخص هم‌بستگی اندازه اثر r به عنوان اصلی‌ترین ابزار فراتحلیل محاسبه و ارزیابی می‌شود (زارع بهمنمیری و حسنخانی، ۱۴۰۰).

۴-۱- جامعه و نمونه پژوهش

برای انجام این پژوهش از مجلات داخلی ارائه شده در لیست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مجلات خارجی ارائه شده در لیست پایگاه‌های جی سی آر^۱ و اسکوپوس^۲ استفاده شده است. کلیه مقالات انجام شده پیرامون موضوع پژوهش حاضر که دربردارنده کلیدواژه‌هایی همچون مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های هیئت‌مدیره و سایر موارد مرتبط بودند طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ برای مقالات داخلی و طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ برای مقالات خارجی مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت از پژوهش‌هایی که متغیر وابسته آن‌ها مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اطلاعات آماری آن‌ها متناسب با نرم افزار جامع فراتحلیل نسخه دو^۳ بود، استفاده شد؛ لازم به ذکر است که این نرم افزار مناسب‌ترین نرم افزار قابل استفاده در حوزه فراتحلیل است (زارع بهمنمیری و حسنخانی، ۱۴۰۰). در مجموع ۵۹ پژوهش شامل ۱۲ پژوهش داخلی و ۴۷ پژوهش خارجی شناسایی و جمع‌آوری شدند.

در این پژوهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به عنوان متغیر وابسته و ویژگی‌های هیئت‌مدیره (شامل متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره، تعداد جلسات هیئت‌مدیره، حضور زنان در هیئت‌مدیره، مدرک تحصیلی مدیران، کمیته مسئولیت اجتماعی، اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل، تنوع تحصیلات در هیئت‌مدیره، حضور مدیران خارجی در هیئت‌مدیره، مدیریت چندگانه، سن مدیران، دوره تصدی هیئت‌مدیره، اندازه هیئت نظارت و تنوع نژادی که در مقالات داخلی و خارجی از آن‌ها استفاده گردیده است) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

۴-۲- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

معمولاً یک پژوهش فراتحلیل شامل این ۵ مرحله می‌باشد (مران جوری و رضوانی، ۱۳۹۷):
 ۱) شناسایی یک زمینه مفید از پژوهش و بیان مسئله: برای توجیه استفاده از تکنیک فراتحلیل، پژوهشگر باید وجود تعداد حساسی از مطالعات تجربی که درباره موضوع مدنظر پژوهش کرده‌اند را نشان دهد؛ به عبارتی این مطالعات باید ضرورت انجام پژوهش فراتحلیل را نشان دهد. ۲) جمع‌آوری داده: در این مرحله باید تعداد اولیه مطالعات مدنظر گردآوری گردد. ۳) آماده‌سازی مجموعه داده‌ها: به محاسبه اندازه اثر هر یک از مطالعات تجربی به کار گرفته شده می‌پردازد. ۴) تجزیه و تحلیل داده‌ها: آماره‌های z ، t ، x^2 و p -value که مرتبط با متغیرهای مستقل هستند از مطالعات معتبر داخلی و خارجی جمع‌آوری شده و تبدیل به اندازه اثر می‌گردند به بیان دیگر به یک قیاس مشترک تبدیل می‌شوند (لیپسی و ویلسون^۴، ۲۰۰۱).

¹ Journal Citation Reports

² Scopus

³ Comprehensive Meta Analysis V2

⁴ Lipsey & Wilson

رابطه (۱)

$$r = \frac{t}{\sqrt{t^2 + df}}$$

رابطه (۲)

$$r = \sqrt{\frac{\chi^2}{n}}$$

رابطه (۳)

$$r = \frac{\sqrt{F}}{\sqrt{F + n_1 + n_2 - 2}}$$

n حجم نمونه هر یک از مطالعات را نشان می‌دهد. در مرحله بعد در صورتی که توزیع ضرایب همبستگی نرمال باشد میانگین اندازه اثر محاسبه می‌شود، اما معمولاً با توجه به عدم نرمال بودن اندازه اثرها بر اساس فرمول زیر به z فیشر تبدیل می‌گردد:

رابطه (۴)

$$ESzr = 0.5 \log_e \left[\frac{1+r}{1-r} \right]$$

سپس همگنی اندازه اثرها آزمون می‌شود و در صورت همگن بودن با یکدیگر تلفیق می‌شوند؛ در غیر این صورت مطالعات بر اساس متغیرهای کلیدی که احتمال می‌رود واریانس اندازه اثرهای جمعیت ناشی از آنها باشد به زیرگروه‌هایی تقسیم می‌گردد. این روش تا جایی ادامه می‌یابد که مطالعات درون طبقات متجانس باشند و هیچ واریانسی از اندازه اثر تبیین نشده باقی نمانده باشد.

۵) تفسیر و بحث در مورد نتایج: در این قسمت محقق در مورد یافته‌های فراتحلیل و نحوه جمع‌بندی و مطابقت با تئوری‌های موجود بحث و تفسیر می‌کند.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- توصیف پژوهش‌های انجام شده بر اساس سال انتشار

در جدول ۱ پژوهش‌های داخلی و خارجی بر اساس سال انتشار آنها در مجلات، دسته‌بندی و بر اساس فراوانی و درصد فراوانی بیان شده‌اند. بازه زمانی این پژوهش طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ برای مقالات داخلی و برای مقالات خارجی طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ می‌باشد. طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ برای مقالات داخلی و طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ برای مقالات خارجی، مقاله‌ای که مرتبط با موضوع و طبق معیارهای این پژوهش باشد، یافت نشد. بیشترین پژوهش‌های داخلی در سال ۱۴۰۰ با فراوانی ۲۵ درصد و بیشترین پژوهش‌های

خارجی در سال ۲۰۱۹ با فراوانی ۲۱/۳ درصد به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرداخته‌اند.

جدول ۱- پژوهش‌های داخلی و خارجی بر اساس سال انتشار

پژوهش‌های خارجی			پژوهش‌های داخلی		
درصد فراوانی	فراوانی	سال انتشار	درصد فراوانی	فراوانی	سال انتشار
۲/۱۳	۱	۲۰۰۵	۸/۳۳	۱	۱۳۹۲
۲/۱۳	۱	۲۰۱۰	۸/۳۳	۱	۱۳۹۳
۲/۱۳	۱	۲۰۱۱	۸/۳۳	۱	۱۳۹۵
۲/۱۳	۱	۲۰۱۲	۸/۳۳	۱	۱۳۹۶
۸/۵	۴	۲۰۱۳	۱۶/۶۶	۲	۱۳۹۷
۶/۴	۳	۲۰۱۴	۱۶/۶۶	۲	۱۳۹۸
۱۵	۷	۲۰۱۵	۸/۳۳	۱	۱۳۹۹
۱۰/۶	۵	۲۰۱۶	۲۵	۳	۱۴۰۰
۲/۱۳	۱	۲۰۱۷			
۴/۲	۲	۲۰۱۸			
۲۱/۳	۱۰	۲۰۱۹			
۶/۳	۳	۲۰۲۰			
۱۷	۸	۲۰۲۱			
۱۰۰	۴۷	مجموع	۱۰۰	۱۲	مجموع

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۲- توصیف فراوانی متغیرهای مستقل جهت انجام فراتحلیل

در جدول ۲ فراوانی هر یک از متغیرهای ویژگی‌های هیئت‌مدیره به عنوان متغیر مستقل بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در پژوهش‌های بررسی شده بیان شده است. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که از میان ویژگی‌های هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و اندازه هیئت نظارت به ترتیب دارای بیشترین (۶۸ مورد) و کمترین (۳ مورد) تعداد در بین مجموع پژوهش‌های داخلی و خارجی هستند.

جدول ۲- فراوانی متغیرهای مستقل

نام متغیر	قلمرو	تعداد	نام متغیر	قلمرو	تعداد
استقلال هیئت‌مدیره	کل	۶۸	تنوع تحصیلات هیئت‌مدیره	کل	۵
	خارجی	۵۶		خارجی	۵
	داخلی	۱۲		داخلی	۰
تعداد جلسات هیئت‌مدیره	کل	۷	حضور مدیران خارجی در هیئت‌مدیره	کل	۱۹
	خارجی	۵		خارجی	۱۹
	داخلی	۲		داخلی	۰
حضور زنان در هیئت‌مدیره	کل	۴۵	مدیریت چندگانه	کل	۷
	خارجی	۴۰		خارجی	۷
	داخلی	۵		داخلی	۰
مدرک تحصیلی مدیران	کل	۹	سن مدیران	کل	۱۳
	خارجی	۸		خارجی	۱۳
	داخلی	۱		داخلی	۰
کمیته مسئولیت اجتماعی	کل	۹	دوره تصدی هیئت‌مدیره	کل	۸
	خارجی	۹		خارجی	۸
	داخلی	۰		داخلی	۰
اندازه هیئت‌مدیره	کل	۳۵	اندازه هیئت نظارت	کل	۳
	خارجی	۲۸		خارجی	۳
	داخلی	۷		داخلی	۰
دوگانگی مسئولیت مدیرعامل	کل	۳۳	تنوع نژادی	کل	۷
	خارجی	۲۵		خارجی	۷
	داخلی	۸		داخلی	۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۳- پاسخ به سؤالات پژوهش

در جدول ۳ نتایج حاصل از فراتحلیل درخصوص سؤالات پژوهش ارائه شده است. در صورتی که در آزمون ناهمگنی، مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ درصد باشد از اطلاعات مربوط به اثرهای تصادفی و در صورتی که سطح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر باشد از اطلاعات مربوط به اثرهای ثابت برای نتیجه‌گیری در مورد سؤالات استفاده می‌گردد. لذا برای تعداد جلسات هیئت‌مدیره، تنوع تحصیلات هیئت‌مدیره، مدیریت چندگانه و اندازه هیئت‌نظارت از اطلاعات مربوط به اثرهای ثابت و برای سایر سؤالات از اطلاعات مربوط به اثرهای تصادفی

استفاده شده است. بنابراین نتایج آزمون فراتحلیل نشان می‌دهد متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره، حضور زنان در هیئت‌مدیره، مدرک تحصیلی مدیران، کمیته مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اندازه هیئت‌مدیره، حضور مدیران خارجی در هیئت‌مدیره، مدیریت چندگانه و دوره تصدی هیئت‌مدیره تأثیر مثبتی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل تأثیر منفی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد و متغیرهای تعداد جلسات هیئت‌مدیره، تنوع تحصیلات در هیئت‌مدیره، سن مدیران، اندازه هیئت نظارت و تنوع نژادی تأثیری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی ندارند.

جدول ۳- نتایج فراتحلیل ویژگی‌های هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت

نتایج آزمون	مدل	میانگین وزنی اندازه اثر	فاصله اطمینان ۰/۹۵		آزمون فرض صفر		آزمون ناهمگنی	
			حد پایین	حد بالا	آماره z	سطح معناداری	آماره Q	آماره I ^۲ سطح معناداری
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل استقلال هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	۰/۰۴۶	۰/۰۳۹	۰/۰۵۳	۱۳/۱۱۰	۰/۰۰۰	۴۶۷/۰۹۲	۸۵/۶۵۶
	اثرهای تصادفی	۰/۰۸۱	۰/۰۵۹	۰/۱۰۳	۷/۱۶۴	۰/۰۰۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل تعداد جلسات هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	۰/۰۴۵	-۰/۰۰۰	۰/۰۹۰	۱/۹۴۷	۰/۰۵۲	۱/۷۰۳	۰/۰۰۰
	اثرهای تصادفی	۰/۰۴۵	-۰/۰۰۰	۰/۰۹۰	۱/۹۴۷	۰/۰۵۲		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل حضور زنان در هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	۰/۰۵۱	۰/۰۴۳	۰/۰۵۹	۱۲/۶۵۳	۰/۰۰۰	۳۲۱/۵۰۷	۸۶/۳۱۴
	اثرهای تصادفی	۰/۰۸۵	۰/۰۶۰	۰/۱۱۰	۶/۶۴۱	۰/۰۰۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل مدرک تحصیلی مدیران	اثرهای ثابت	۰/۰۷۲	۰/۰۴۷	۰/۰۹۷	۵/۶۲۰	۰/۰۰۰	۲۱/۱۲۱	۶۲/۱۲۳
	اثرهای تصادفی	۰/۰۶۷	۰/۰۲۵	۰/۱۰۹	۳/۱۱۴	۰/۰۰۲		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل کمیته مسئولیت اجتماعی هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	۰/۲۹۱	۰/۲۷۷	۰/۳۰۴	۳۹/۴۰۳	۰/۰۰۰	۲۰۵/۵۴۴	۹۶/۱۰۸
	اثرهای تصادفی	۰/۳۰۶	۰/۲۰۰	۰/۴۰۵	۵/۴۶۷	۰/۰۰۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل اندازه هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	۰/۰۶۵	۰/۰۵۳	۰/۰۷۷	۱۰/۸۰۳	۰/۰۰۰	۸۲/۶۹۷	۵۸/۸۸۶

نتایج آزمون	مدل	میانگین وزنی اندازه اثر	فاصله اطمینان ۰/۹۵		آزمون فرض صفر		آزمون ناهمگنی	
			حد پایین	حد بالا	آماره z	سطح معناداری	آماره Q	آماره I ² سطح معناداری
	اثرهای تصادفی	۰/۰۸۱	۰/۰۵۷	۰/۱۰۵	۶/۶۱۵	۰/۰۰۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل دوگانگی مسئولیت مدیرعامل	اثرهای ثابت	-۰/۰۱۳	-۰/۰۲۱	-۰/۰۰۴	-۲/۹۱۴	۰/۰۰۴	۲۸۷/۸۸۴	۸۸/۸۸۴
	اثرهای تصادفی	-۰/۰۶۱	-۰/۰۹۱	-۰/۰۳۰	-۳/۸۷۶	۰/۰۰۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل تنوع تحصیلات هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	-۰/۰۱۲	-۰/۰۴۳	۰/۰۱۸	-۰/۸۰۱	۰/۴۲۳	۲/۵۵۷	۰/۰۰۰
	اثرهای تصادفی	-۰/۰۱۲	-۰/۰۴۳	۰/۰۱۸	-۰/۸۰۱	۰/۴۲۳		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل حضور مدیران خارجی در هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	۰/۰۱۱	-۰/۰۱۰	۰/۰۳۱	۱/۰۰۶	۰/۳۱۴	۱۸۰/۴۳۷	۹۰/۰۲۴
	اثرهای تصادفی	۰/۰۶۹	-۰/۰۰۰	۰/۱۳۷	۱/۹۵۶	۰/۰۵۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل مدیریت چندگانه	اثرهای ثابت	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۷/۰۸۷	۰/۰۰۰	۱۱/۲۱۹	۴۶/۵۱۸
	اثرهای تصادفی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۲/۸۷۵	۰/۰۰۴		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل سن مدیران	اثرهای ثابت	۰/۰۰۱	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۴	۰/۲۲۷	۰/۸۲۱	۹۹/۰۲۷	۸۷/۸۸۲
	اثرهای تصادفی	-۰/۰۰۸	-۰/۰۵۳	۰/۰۳۷	-۰/۳۳۷	۰/۷۳۶		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل دوره تصدی هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	۰/۰۳۸	۰/۰۲۷	۰/۰۴۹	۶/۶۷۱	۰/۰۰۰	۲۲/۹۶۷	۶۹/۵۲۲
	اثرهای تصادفی	۰/۰۵۵	۰/۰۳۰	۰/۰۸۰	۴/۳۳۲	۰/۰۰۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل اندازه هیئت نظارت	اثرهای ثابت	-۰/۰۰۴	-۰/۰۶۰	-۰/۰۵۲	-۰/۱۴۰	۰/۸۸۹	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰
	اثرهای تصادفی	-۰/۰۰۴	-۰/۰۶۰	-۰/۰۵۲	-۰/۱۴۰	۰/۸۸۹		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل تنوع نژادی	اثرهای ثابت	۰/۰۱۸	۰/۰۰۵	۰/۰۳۱	۲/۶۴۸	۰/۰۰۸	۲۴/۶۰۰	۷۵/۶۱۰

نتایج آزمون	مدل	میانگین وزنی اندازه اثر	فاصله اطمینان ۰/۹۵		آزمون فرض صفر		آزمون ناهمگنی	
			حد پایین	حد بالا	آماره z	سطح معناداری	آماره Q	آماره I ² سطح معناداری
	اثرهای تصادفی	۰/۰۲۷	-۰/۰۰۸	۰/۰۶۱	۱/۵۰۷	۰/۱۳۲		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در ادامه نتایج حاصل از انجام فراتحلیل برای متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره، حضور زنان در هیئت‌مدیره، اندازه هیئت‌مدیره و دוגانگی مسئولیت مدیرعامل به تفکیک نوع مطالعه (داخلی و خارجی) در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج آزمون فراتحلیل اثرگذاری مثبت استقلال هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در پژوهش‌های خارجی و در پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد. نتایج اثرگذاری مثبت حضور زنان در هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در پژوهش‌های خارجی و عدم اثرگذاری آن بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان‌دهنده اثرگذاری مثبت اندازه هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در پژوهش‌های خارجی و عدم اثرگذاری آن بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت در پژوهش‌های داخلی می‌باشد. نتایج آزمون فراتحلیل اثرگذاری منفی دوجانگی مسئولیت مدیرعامل بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در پژوهش‌های خارجی و در پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج فراتحلیل ویژگی‌های هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به تفکیک نوع مطالعه

نتایج آزمون	مدل	نوع مطالعه	میانگین وزنی اندازه اثر	فاصله اطمینان ۰/۹۵		آزمون فرض صفر		آزمون ناهمگنی	
				حد پایین	حد بالا	آماره z	سطح معناداری	آماره Q	آماره I ² سطح معناداری
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل استقلال هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	خارجی	۰/۰۴۱	۰/۰۳۳	۰/۰۴۸	۱۰/۷۶۳	۰/۰۰۰	۴۰۵/۲۴۸	۸۶/۴۲۸
	اثرهای تصادفی		۰/۰۷۷	۰/۰۵۲	۰/۱۰۲	۵/۹۶۳	۰/۰۰۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل حضور زنان در هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	داخلی	۰/۰۸۷	۰/۰۶۸	۰/۱۰۷	۸/۶۵۱	۰/۰۰۰	۴۳/۰۳۴	۷۴/۴۳۹
	اثرهای تصادفی		۰/۰۹۴	۰/۰۵۴	۰/۱۳۴	۴/۵۸۹	۰/۰۰۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	خارجی	۰/۰۵۶	۰/۰۴۷	۰/۰۶۴	۱۳/۱۳۲	۰/۰۰۰	۳۰۳/۸۰۰	۸۷/۱۶۳
	اثرهای تصادفی		۰/۰۹۶	۰/۰۶۸	۰/۱۲۳	۶/۸۱۷	۰/۰۰۰		

نتایج آزمون	مدل	نوع مطالعه	میانگین وزنی اندازه اثر	فاصله اطمینان ۹۵٪		آزمون فرض صفر		آزمون ناهمگنی	
				حد پایین	حد بالا	آماره z	سطح معناداری	آماره Q	آماره I ² سطح معناداری
	اثرهای ثابت	داخلی	۰/۰۰۴	-۰/۰۲۳	۰/۰۳۱	۰/۲۸۹	۰/۷۷۲	۵/۲۵۵	۲۳/۸۸۴
	اثرهای تصادفی		۰/۰۰۷	-۰/۰۲۵	۰/۰۴۰	۰/۴۴۱	۰/۶۶۰		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل اندازه هیئت‌مدیره	اثرهای ثابت	خارجی	۰/۰۷۰	۰/۰۵۷	۰/۰۸۳	۱۰/۳۵۴	۰/۰۰۰	۵۰/۸۲۳	۴۶/۸۷۴
	اثرهای تصادفی		۰/۰۹۶	۰/۰۶۹	۰/۱۲۲	۶/۹۳۶	۰/۰۰۰		
	اثرهای ثابت	داخلی	۰/۰۴۶	۰/۰۲۰	۰/۰۷۱	۳/۵۰۹	۰/۰۰۰	۲۹/۰۶۶	۷۹/۳۵۷
	اثرهای تصادفی		۰/۰۴۳	-۰/۰۱۴	۰/۰۹۹	۱/۴۸۸	۰/۱۳۷		
نتایج فراتحلیل متغیر مستقل دوگانگی مسئولیت مدیرعامل	اثرهای ثابت	خارجی	-۰/۰۰۰۶	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۳	-۱/۲۶۸	۰/۲۰۵	۲۵۱/۴۲۰	۹۰/۴۵۴
	اثرهای تصادفی		-۰/۰۵۸	-۰/۰۹۴	-۰/۰۲۱	-۳/۰۶۷	۰/۰۰۲		
	اثرهای ثابت	داخلی	-۰/۰۶۶	-۰/۰۹۱	-۰/۰۴۰	-۵/۰۹۱	۰/۰۰۰	۱۷/۴۳۱	۵۹/۸۴۱
	اثرهای تصادفی		-۰/۰۶۹	-۰/۱۱۰	-۰/۰۲۹	-۳/۳۳۵	۰/۰۰۱		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶- بحث و نتیجه‌گیری

علاوه بر اینکه شرکت‌ها برای بقای خود در بلندمدت به مسائل مالی و سودآوری توجه می‌نمایند، باید نسبت به مسائل زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود در مقابل جامعه نیز پاسخگو باشند؛ بنابراین شناسایی و تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی در جهت ممانعت از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ضروری است (برزگر و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به اهمیت روزافزون و جایگاه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به‌ویژه در سال‌های اخیر، پژوهش حاضر تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره از معیارهای حاکمیت شرکتی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت را با استفاده از رویکرد فراتحلیل بررسی نموده است. در جهت پاسخ به سؤالات مطرح شده، داده‌های متغیرهای مستخرج از مطالعات گذشته به وسیله آزمون‌های آماری در رویکرد فراتحلیل، مورد آزمون قرار گرفتند که نتایج به شرح زیر می‌باشد:

استقلال هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت اثر مثبت و معناداری دارد. اعضای مستقل هیئت‌مدیره به عنوان نمایندگان ذینفعان موجب دیدگاه مثبت جامعه به شرکت می‌گردند که در کسب مشروعیت واحد تجاری مؤثر است؛ به عبارت دیگر هیئت‌مدیره با نسبت بالایی از اعضای غیرموظف موجب بهبود نظارت و کنترل بر مدیریت شرکت، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین ارکان بیرونی و درونی شرکت، حفظ منافع سهامداران و در نتیجه بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌گردد که با نتایج حاصل از پژوهش‌های جو و هارجوتو (۲۰۱۱)، یو و همکاران (۲۰۱۵)، بهارمقدم و همکاران (۱۳۹۲)، حیدری و همکاران (۱۳۹۷) و لطفی و قادرزاده (۱۳۹۹) مطابقت دارد.

ارتباط معناداری بین تعداد جلسات هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت یافت نشد. در واقع می‌توان بیان نمود که افزایش تعداد جلسات هیئت‌مدیره منجر به بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی نمی‌گردد که منطبق با یافته‌های احمد حاجی (۲۰۱۳)، جیاناراکیس (۲۰۱۴) و حیدری و همکاران (۱۳۹۷) می‌باشد. بین حضور زنان در هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تفاوت‌های فردی و جنسیتی موجب گوناگونی دیدگاه‌ها و اتخاذ تصمیم‌گیری‌های متفاوت می‌گردد؛ لذا حضور زنان در هیئت‌مدیره به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی و سبک رهبری متفاوت و مؤثرتر نسبت به هم‌تایان خود، تأثیر مثبتی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت دارد و منجر به تراز کردن منافع مدیران و سهامداران و توجه بیشتر به خواسته‌های ذینفعان می‌گردد. یافته‌های به دست آمده منطبق با نتایج حاصل از پژوهش‌های ژانگ و همکاران (۲۰۱۳)، ستوپامیس (۲۰۱۵)، ابراهیم و حنفه (۲۰۱۶)، الله و همکاران (۲۰۱۹) و ملکیان و همکاران (۱۳۹۸) می‌باشد.

مدرک تحصیلی مدیران بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت اثر مثبت و معناداری دارد. مدرک تحصیلی مدیران نشان‌دهنده مهارت و شایستگی و میزان آموزش آنان است و منجر به بهبود گزارشگری داوطلبانه غیرمالی از جمله مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت می‌گردد؛ زیرا هیئت‌مدیره برای نظارت بر مدیریت و مشارکت در تصمیم‌گیری نیازمند آموزش است. تأیید این فرضیه نیز با نتایج پژوهش‌های کاتمون و همکاران (۲۰۱۹) و بجی و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد.

بین کمیته مسئولیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. وجود کمیته جداگانه برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به واکنش مثبت شرکت به فشارهای اجتماعی می‌گردد و نشانه‌ای از علاقه شرکت برای انجام قوانین و دستورالعمل‌های مسئولیت اجتماعی است که باعث بهبود کیفیت و سیاست‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌گردد. یافته‌های این پژوهش منطبق با نتایج عادل و همکاران (۲۰۱۹)، اشفق و روی (۲۰۱۹)، اویار و همکاران (۲۰۲۰) و گالگو الوارز و پوچتا مارتینز (۲۰۲۰) می‌باشد.

اندازه هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت اثر مثبت و معناداری دارد. افزایش تعداد اعضای موظف و غیرموظف در هیئت‌مدیره، به دلیل وجود مدیرانی با تجربیات متفاوت منجر به نظارت بهتر بر رفتار

فرصت‌طلبانه مدیران می‌گردد. هیئت‌مدیره‌های بزرگ نماینده‌ای از علایق متنوع هستند و منافع تمام ذینفعان را در نظر می‌گیرند؛ لذا منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی می‌گردد که در نهایت منجر به بهبود تصمیم‌گیری و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود. نتیجه پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های احمدحاجی (۲۰۱۳)، برکات و همکاران (۲۰۱۵)، ابوقدان و سووایدان (۲۰۱۹)، حیدری و همکاران (۱۳۹۷) و پاکدلان و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد.

بین دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هنگامی که مدیرعامل سمت رئیس هیئت‌مدیره را نیز برعهده دارد، موجب افزایش تضاد منافع بین مالک و مدیر، افزایش نفوذ مدیرعامل بر هیئت‌مدیره و تمرکز قدرت اجرایی و قدرت کنترل در یک فرد می‌شود که در نهایت منجر به افزایش ریسک تصمیم‌گیرنده نهایی بودن مدیرعامل در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌گردد و درچنین شرایطی مدیر امکان بیشتری برای حفظ منافع خود در مقابل سهامداران دارد. یافته‌های به دست آمده منطبق با نتایج پژوهش‌های متکین و سابرامانیام (۲۰۱۵)، گالگو الوارز و پوچتا مارتینز (۲۰۲۰)، بجی و همکاران (۲۰۲۱)، حسینی و حقیقت (۱۳۹۵)، قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) و پاکدلان و همکاران (۱۴۰۰) است.

بین تنوع تحصیلات اعضای هیئت‌مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کاتمون و همکاران (۲۰۱۹) و اوه و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد. حضور مدیران خارجی در هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت اثر مثبت و معناداری دارد. مدیران خارجی از سرمایه‌های ارزشمند شرکت برای ایجاد مزیت رقابتی نسبت به سایر رقبا محسوب می‌شوند. افزایش تعداد مدیران خارجی به دلیل دانش و تجربه بین‌المللی آنان، آشنایی با سبک گزارشگری مالی بازارهای مختلف، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و انتقال بهترین شیوه حاکمیت بین‌کشوری منجر به بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌گردد که نتایج پژوهش‌های خان (۲۰۱۰)، شریف و رشید (۲۰۱۴)، اشفق و روی (۲۰۱۹) و بجی و همکاران (۲۰۲۱) نیز این ارتباط مثبت را تأیید می‌کند.

بین مدیریت چندگانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در مدیریت چندگانه وجود مدیران مشترک منجر به روابط درهم تنیده‌ای می‌گردد که کسب اطلاعات، یادگیری شیوه‌های ناآشنا و پذیرش مسئولیت‌پذیری اجتماعی راتسهیل می‌کند؛ درواقع مدیران دانش و اطلاعات کسب شده از یک نهاد را در هیئت‌مدیره دیگری که در آن مسئولیت دارند به کار می‌گیرند که منجر به ارائه بینش و دانش جدیدی در جهت بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌گردد. نتایج پژوهش‌های حنیفه و کوک (۲۰۰۵)، دینگ و همکاران (۲۰۲۱) و بجی و همکاران (۲۰۲۱) نیز تأثیر مثبت مدیریت چندگانه بر مسئولیت اجتماعی را نشان می‌دهد.

بین سن مدیران و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر افزایش یا کاهش سن مدیران تأثیری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ندارد. عدم معناداری سن مدیران و مسئولیت‌پذیری اجتماعی منطبق با پژوهش فلاح و مجرد (۲۰۱۹) است.

دوره تصدی هیئت‌مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت اثر مثبت و معناداری دارد. اعضای هیئت‌مدیره با سابقه کار، ادراک بهتری از محیط‌های داخلی و خارجی دارند؛ به علت تجربه بیشتر درباره عملکرد شرکت و درک بهتر از قوانین و مقررات، سرعت تبادل اطلاعات بین هیئت‌مدیره و مدیران افزایش و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد که یافته پژوهش منطبق با پژوهش فلاح و مجرد (۲۰۱۹) می‌باشد.

ارتباط معناداری بین اندازه هیئت‌نظارت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت وجود ندارد. لذا هیئت‌های نظارت با اندازه بزرگ یا کوچک تأثیر مثبت یا منفی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی ندارند. نتایج پژوهش‌های لو و ژانگ (۲۰۱۷) و متوسزاک و همکاران (۲۰۱۹) نیز منطبق با یافته‌های به دست آمده می‌باشد.

بین تنوع نژادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد. حضور مدیران از قومیت‌های متفاوت منجر به تقویت یا تضعیف مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت نمی‌گردد. نتیجه پژوهش کاتمون و همکاران (۲۰۱۹) نیز این عدم معناداری بین تنوع نژادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تأیید می‌کند.

۶-۱- پیشنهادات و محدودیت‌ها

معیارهای اثرگذار حاکمیت شرکتی (تعداد اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره، تعداد زنان در هیئت‌مدیره، میزان تحصیلات مدیران، وجود کمیته مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تعداد مدیران عضو هیئت‌مدیره، عدم دوگانگی مسئولیت مدیرعامل، تعداد مدیران خارجی در هیئت‌مدیره، دوره تصدی هیئت‌مدیره و مدیریت چندگانه) می‌توانند نشان‌دهنده کیفیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی باشند که لازم است متولیان حرفه حسابداری با توجه به نقش مهم و اثرگذار مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تأثیر اجتناب‌ناپذیر آن بر تمامی ابعاد جامعه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و سازوکارهای اثرگذار بر آن توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد در صورت عدم توجه شرکت‌ها به سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوانین سخت‌گیرانه‌تری در نظر گرفته شود تا مانع از تضییع حقوق سهامداران و سوء استفاده مدیران گردند. این پژوهش نیز بینش مفیدی را به سیاست‌گذاران در تنظیم مقررات با توجه به سازوکارهای داخلی حاکمیت شرکتی از جمله هیئت‌مدیره و ویژگی‌های آن ارائه می‌دهد. به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد که با توجه به یافته‌های این پژوهش به معیارهای مناسب و فاکتورهای تأثیرگذار برای انتصاب مدیران توجه نمایند. یکی از موارد مهمی که در دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار مورد غفلت واقع شده بحث تنوع در هیئت‌مدیره است. حضور زنان و مدیران خارجی در هیئت‌مدیره از عواملی است که موجب می‌شود تا شرکت به طور مؤثرتری با محیط اجتماعی و اقتصادی خود ارتباط برقرار کند. در واقع حضور مدیران خارجی در شرکت به دلیل دانش و تخصص بین‌المللی آن‌ها منجر به بهبود چشم‌انداز جهانی

شرکت می‌گردد. همچنین زنان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و سبک رهبری متفاوت نسبت به مردان توجه بیشتری به خواسته‌های ذینفعان دارند. لذا به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد که اطلاعات جامع‌تری تهیه کرده و آن را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهد؛ تهیه این اطلاعات توسط سازمان بورس اوراق بهادار، به سرمایه‌گذاران کمک می‌نماید که به معیارهای تأثیرگذار حاکمیت شرکتی داخلی قبل از سرمایه‌گذاری توجه کافی داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های خود از آن بهره‌مند گردند. نتایج این پژوهش به موسسات رتبه‌بندی کمک می‌نماید تا شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را با در نظر گرفتن معیارهای اثرگذار حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی از جمله ویژگی‌های هیئت‌مدیره رتبه‌بندی نمایند. به عبارت دیگر کیفیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز از جمله عوامل مؤثر بر رتبه‌بندی در نظر گرفته شود.

پیشنهادهای این مطالعه برای پژوهش‌های آتی بدین شرح است: پژوهشگران با استفاده از رویکرد فراتحلیل سایر عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را مورد بررسی قرار دهند. همچنین اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌ویژه ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر هر یک ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قالب فراتحلیل مورد آزمون قرار گیرد و به کارگیری متغیرهای تعدیل‌کننده مانند زمان گردآوری مطالعات، نوع صنعت و وضعیت اقتصادی نیز از دیگر پیشنهادها این پژوهش می‌باشد.

انحراف ذاتی فراتحلیل موجب می‌شود که جست و جوی مقالات کامل نبوده و یا مقالات به طور کامل در مجلات منتشر نشده باشند. همچنین ممکن است در این زمینه پژوهش‌هایی انجام شده باشد که نتایج آن‌ها منتشر نشده باشد و یا پژوهشگر به آن‌ها دسترسی نداشته باشد؛ لذا در صورت دستیابی و لحاظ کردن نتایج این مطالعات، نتایج این پژوهش تغییر خواهد کرد.

فهرست منابع

بذرافشان، آمنه، (۱۳۹۲)، "روش‌شناسی متاآنالیز (فراتحلیل) در حسابداری: معرفی، ضرورت‌ها و کاربردها"، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ارائه شده در همایش حسابداری ایران.

برزگر، قدرت‌الله، حسن نتاج کردی، محسن و ملکی، دنیا، (۱۳۹۸)، "بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها"، بررسی حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۱)، صص ۳۸-۱۹.

برندک، سجاد و منصوری حبیب‌ابادی، فاطمه، (۱۳۹۸)، "کارایی هیئت‌مدیره و عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت: نقش تعدیلی پیشینه دانش مالی"، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۲(۱۹)، صص ۱۲۷-۱۰۸.

بهارمقدم، مهدی، صادقی، زین العابدین و صفرزاده، ساره، (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکت بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها"، فصلنامه حسابداری مالی، ۵(۲۰)، صص ۹۰-۱۰۷.

- پاکدلان، سعید، آذر براهمان، علیرضا، رئیس‌یان، علی و پرهیزکار کهنه اوغاز، سمیه، (۱۴۰۰)، "بررسی تأثیر مکانیزم‌های نظام راهبری بر گزارشگری مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۷(۵)، صص ۸۲-۶۹.
- پاکدلان، سعید، آذر براهمان، علیرضا و ضیائی، زکيه، (۱۴۰۰)، "بررسی رابطه شاخص‌های حاکمیت شرکتی بر افشای زیست محیطی و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی"، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۵(۴)، صص ۲۰-۱۱.
- حاجیها، زهره و شاکری، عبدالرضا، (۱۳۹۸)، "حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۴)، ۱۹۲-۱۷۵.
- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۵)، "حاکمیت شرکتی در ایران"، حسابرس، ۹(۳۲)، صص ۳۹-۳۲.
- حسینی، سید علی و حقیقت، سرور، (۱۳۹۵)، "رابطه بین حاکمیت شرکتی و تعهد به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش حسابداری، ۶(۴)، صص ۱۲۸-۱۰۳.
- حیدری، مهدی، علی‌خانی، مرضیه، مران‌جوری، مهدی، (۱۳۹۷)، "تأثیر استقلال هیات مدیره بر کیفیت افشای اطلاعات اجتماعی در گزارش‌های سالانه"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷(۲۷)، صص ۶۲-۵۱.
- "دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار"، مصوب ۱۴۰۱/۷/۱۸.
- زارع بهمنمیری، محمد جواد و حسنخانی، فاطمه، (۱۴۰۰)، "ویژگی‌های موسسه حسابرسی و تأخیر ارائه گزارش حسابرسی با رویکرد فراتحلیل"، بررسی حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۴)، صص ۶۹۰-۶۶۴.
- سام دلیری، سام، آذین‌فر، کاوه، نبوی چاشمی، علی و پورعلی لاکلایه، (۱۴۰۱)، "تبیین مؤلفه‌های پیش‌برنده و بازدارنده اجتماعی شرکت‌ها جهت ارتقاء کیفیت صورت‌های مالی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵(۱)، ۲۱۱-۲۳۸.
- صبوحی، نسترن و محمدزاده، امیر، (۱۳۹۷)، "بررسی رابطه بین عملکرد اجتماعی، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی"، دانش حسابداری مالی، ۵(۱)، صص ۱۵۱-۱۲۷.
- عبدی، مصطفی، کاظمی علوم، مهدی، محمدپور زنجانی، مسعود و پرویزی، آرزو، (۱۳۹۸)، "تنوع جنسیتی اعضای کمیته حسابرسی، هیئت‌مدیره و مدیر مالی و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت: آزمون نظریه دگرگیزی"، بررسی حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۴)، صص ۵۶۹-۵۴۴.
- فرهاد توسکی، امید و موسوی‌پور، سمیه، (۱۴۰۰)، "بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۵۴)، صص ۶۸-۵۵.

قادرزاده، سیدکریم، کردستانی، غلامرضا و حقیقت، حمید، (۱۳۹۶)، "شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با رویکرد داده‌کاوی"، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۶(۲)، صص ۴۶-۷.

لطفی، محسن و قادرزاده، سیدکریم، (۱۳۹۹)، "بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و ساختاری مدیریت بر نحوه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها: با تأکید بر مدل‌های داده‌کاوی و تحلیل پوششی داده‌ها"، دانش حسابداری مالی، ۷(۴)، صص ۱۵۳-۱۲۷.

مران جوری، مهدی و رضوانی، جهانگیر، (۱۳۹۷)، "فرا تحلیل در تحقیقات حسابداری"، پژوهش حسابداری، ۸(۲)، صص ۱۴۷-۱۲۵.

مشایخ، شهناز، پارسایی، منا و کلانی، اکرم، (۱۴۰۰)، "رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با کیفیت اطلاعات حسابداری و گزارش حسابرس"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۵۱)، ۴۱-۶۴.

ملکیان، اسفندیار، فخاری، حسین و جفائی رهنی، منیر، (۱۳۹۸)، "بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی"، دانش حسابداری، ۱۰(۲)، صص ۱۱۲-۷۷.

ملکیان، اسفندیار، سلمانی، رسول و شهسوار، معصومه، (۱۳۹۵)، "مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)"، دانش سرمایه‌گذاری، ۵(۱۷)، صص ۷۴-۵۵.

واعظ، سیدعلی، انواری، ابراهیم، رودبار شجاعی، علی و کریمی، زینب، (۱۳۹۷)، "تأثیر استقلال هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت بر ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی"، حسابداری مالی، ۱۰(۳۹)، صص ۱۴۰-۱۱۱.

Abdelfattah, T., & Aboud, A. (2020), "Tax avoidance, Corporate Governance, and Corporate Social Responsibility: The Case of the Egyptian Capital Market", Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 38(1): 100304.

Abu Qa'dan, M. B., & Suwaidan, M. S. (2019), "Board Composition, Ownership Structure and Corporate Social Responsibility Disclosure: The Case of Jordan", Social Responsibility Journal, 15(1), PP. 28-46.

Adel, C., Hussain, M. M., Mohamed, E. K. A., & Basuony, M. A. K. (2019), "Is Corporate Governance Relevant to the Quality of Corporate Social Responsibility Disclosure in Large European Companies", International Journal of Accounting & Information Management, 27(2), PP. 301-332.

Ahmed Haji, A. (2013), "Corporate Social Responsibility Disclosures Over Time: Evidence from Malaysia", Managerial Auditing Journal, 28(7), PP. 647-676.

Andanawarih, P. P., Restuningdian, N., & sidharta, E. A. (2021), "The Effect of a Corporate Governance on the Corporate Social Responsibility: Meta Analysis Study", South East Asia Journal of Contemporary Business, Economics and Law, 24(2), PP. 150-160.

- Ashfaq, K., & Rui, Z. (2019), "Revisiting the Relationship between Corporate Governance and Corporate Social and Environmental Disclosure Practices in Pakistan", *Social Responsibility Journal*, 15(1), PP. 90-119.
- Barakat, F. S. Q., Lopez Perez, M. V., & Rodríguez Ariza, L. (2015), "Corporate Social Responsibility Disclosure (CSR) Determinants of Listed Companies in Palestine (PXE) and Jordan (ASE)", *Review of Managerial Science*, 9, PP. 681-702.
- Beitratti, A. (2005), "The Complementarity between Corporate Governance and Corporate Social Responsibility", *The Geneva Papers on Risk and Insurance-Issues and Practice*, 30, PP. 373-386.
- Beji, R., Yousfi, O., Loukil, N., & Omri, A. (2021), "Board Diversity and Corporate Social Responsibility: Empirical Evidence from France", *Journal of Business Ethics*, 173, PP. 133-155.
- Biswas, P. K., Roberts, H., & Whiting, R. H. (2019), "The Impact of Family Vs Non-Family Governance Contingencies on CSR Reporting in Bangladesh", *Management Decision*, 57(10), PP. 2758-2781.
- Chan, S. H., Creel, T. S., Song, Q., & Yurova, Y.V. (2021), "Does CSR Reporting Indicate Strong Corporate Governance?", *International Journal of Accounting & Information Management*, 29(1), PP. 27-42.
- Coffie, W., Aboagye-Otchere, F., & Musah, A. (2018), "Corporate Social Responsibility Disclosures (CSR), Corporate Governance and the Degree of Multinational Activities: Evidence from a Developing Economy", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 8(1), PP. 106-123.
- Colakoglu, N., Eryilmaz, M., & Martínez-Ferrero, J. (2021), "Is Board Diversity an Antecedent of Corporate Social Responsibility Performance in Firms? A Research on the 500 Biggest Turkish Companies", *Social Responsibility Journal*, 17(2), PP. 243-262.
- Dienes, D., & Velte, p. (2016), "The Impact of Supervisory Board Composition on CSR Reporting Evidence from the German Two-Tier System", *Sustainability*, 8(1), 63.
- Ding, H., Hu, Y., Yang, X., & Zhou, X. (2021), "Board Interlock and the Diffusion of Corporate Social Responsibility Among Chinese Listed Firms", *Asia Pacific Journal of Management*.
- Fallah, M. A., & Mojarrad, F. (2019), "Corporate Governance Effects on Corporate Social Responsibility Disclosure: Empirical Evidence from Heavy-Pollution Industries in Iran", *Social Responsibility Journal*, 15(2), PP. 208-225.
- Gallego-Alvarez, I. G., & Pucheta-Martínez, M. C. (2020), "Corporate Social Responsibility Reporting and Corporate Governance Mechanisms: An International Outlook from Emerging Countries", *Business Strategy and Development*, 3(1), PP. 77-97.
- Giannarakis, G. (2014), "Corporate Governance and Financial Characteristic Effects on the Extent of Corporate Social Responsibility Disclosure", *Social Responsibility Journal*, 10(4), PP. 569-590.
- Haniffa, R. M., & Cooke, T. E. (2005), "The Impact of Culture and Corporate Governance on Corporate Social Reporting", *Journal of Accounting and Public Policy*, 24(5), PP. 391-430.
- Harjoto, M., Laksmana, I. & Lee, R. (2015), "Board Diversity and Corporate Social Responsibility", *Journal of Business Ethics*, 132, PP. 641-660.
- Ibrahim, A. H., & Hanefah, M. M. (2016), "Board Diversity and Corporate Social Responsibility in Jordan", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 14(2), PP. 279-298.

- Javaid Lone, E., Ali, A., & Khan, I. (2016), "Corporate Governance and Corporate Social Responsibility Disclosure: Evidence from Pakistan", *Corporate Governance*, 16(5), PP.785-797.
- Jizi, M. I., Salama, A., Dixon, R., & starling, R. (2014), "Corporate Governance and Corporate Social Responsibility Disclosure: Evidence from the US Banking Sector", *Journal of Business Ethics*, 125, PP. 601-615.
- Jo, H., & Harjoto, M. A. (2011), "Corporate Governance and Firm Value: The Impact of Corporate Social Responsibility", *Journal of Business Ethics*, 103, PP. 351-383.
- Katmon, N., Mohamad, Z. Z., Norwani, N. M., & Farooque, O. A. (2019), "Comprehensive Board Diversity and Quality of Corporate Social Responsibility Disclosure: Evidence from an Emerging Market", *Journal of Business Ethics*, 157, PP. 447-481.
- Khan, A., Muttakin, M. B. & Siddiqui, J. (2013), "Corporate Governance and Corporate Social Responsibility Disclosures: Evidence from an Emerging Economy", *Journal of Business Ethics*, 114, PP. 207-223.
- Khan, H. (2010), "The Effect of Corporate Governance Elements on Corporate Social Responsibility (CSR) Reporting: Empirical Evidence from Private Commercial Banks of Bangladesh", *International Journal of Law and Management*, 52(2), PP. 82-109.
- Lim, M. H., & Chung, J. Y. (2021), "The Effects of Female Chief Executive Officers on Corporate Social Responsibility", *Managerial and Decision Economics*, 42(5), PP. 1235-1247.
- Lipsey, W., & Wilson, D. (2001), *Practical Meta-Analysis*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Liu, X., & Zhang, C. (2017), "Corporate Governance, Social Responsibility Information Disclosure, and Enterprise Value in China", *Journal of Cleaner Production*, 142, PP. 1075-1084.
- Matuszak, L., Rozanska, E., & Macuda, M. (2019), "The Impact of Corporate Governance Characteristics on Banks' Corporate Social Responsibility Disclosure: Evidence from Poland", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 9(1), PP. 75-102.
- Muttakin, M. B., & Subramaniam, N. (2015), "Firm Ownership and Board Characteristics: Do They Matter for Corporate Social Responsibility Disclosure of Indian Companies?", *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 6(2), PP. 138-165.
- Ntim, C. G., & Soobaroyen, T. (2013), "Corporate Governance and Performance in Socially Responsible Corporations: New Empirical Insights from a Neo-Institutional Framework", *Corporate Governance an International Review*, 21(5), PP. 468-494.
- Oh, W. Y., Chang, Y. K., & Jung, R. (2019), "Board Characteristics and Corporate Social Responsibility: Does Family Involvement in Management Matter", *Journal of Business Research*, 103, PP. 23-33.
- Pucheta-Martínez, M. C., & Gallego-Álvarez, I. (2019), "An International Approach of the Relationship between Board Attributes and the Disclosure of Corporate Social Responsibility Issues", *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 26(3), PP. 612-627.
- Rao, K. K., & Tilt, C. (2021), "Gender and CSR Decisions: Perspectives from Australian Boards", *Meditari Accountancy Research*, 29(1), PP. 60-85.
- Rashid, A. (2021), "Board Independence and Corporate Social Responsibility Reporting: Mediating Role of Stakeholder Power", *Management Research Review*, 44(8), PP. 1217-1240.

- Seto-pamies, D. (2015), "The Relationship between Women Directors and Corporate Social Responsibility", *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 22(6), PP. 334-345.
- Sharif, M., & Rashid, K. (2014), "Corporate governance and corporate social responsibility (CSR) reporting: an empirical evidence from commercial banks (CB) of Pakistan", *Quality and Quantity*, 48, PP. 2501–2521.
- Ullah, M. S., Muttakin, M. B., & Khan, A. (2019), "Corporate Governance and Corporate Social Responsibility Disclosures in Insurance Companies", *International Journal of Accounting & Information Management*, 27(2), PP. 284-300.
- Uyar, A., Kilic, M., Koseoglu, M. A., Kuzey, C., & Karaman, A. S. (2020), "The Link among Board Characteristics, Corporate Social Responsibility Performance, and Financial Performance: Evidence from the Hospitality and Tourism Industry", *Tourism Management Perspectives*, 35, 100714.
- Velte, p. (2021), "Meta-analyses on Corporate Social Responsibility (CSR) a Literature Review", *Management Review Quarterly*.
- Wang, Y., Ma, J., & Wang, T. (2021), "Do All Female Directors Have the Same Impact on Corporate Social Responsibility? The Role of Their Political Connection", *Asia Pacific Journal of Managament*.
- Yu, A., Ding, H. B., & Chung, H. M. (2015), "Corporate Social Responsibility Performance in Family and Non-Family Firms: The Perspective of Socio-Emotional Wealth", *Asian Business & Management*, 14(5), PP. 383–412.
- Zhang, J. Q., Zhu, H., & Ding, H. b. (2013), "Board Composition and Corporate Social Responsibility: An Empirical Investigation in the Post Sarbanes-Oxley Era", *Journal of Business Ethics*, 114, PP. 381–392.

Abstract

Investigating the Effect of Board Characteristics on Corporate Social Responsibility: A Meta-Analysis

Mohammad Javad Zare Bahmanmiriv¹

Narges Sarlak²

Manijeh Ramsheh³

Fatemeh Oveicy Nick⁴

Received: 10 / July / 2025

Accepted: 10 / September / 2025

Abstract

The purpose of this research is to use the meta-analysis approach to combine, integrate and eliminate the inconsistencies in the research conducted in the field of investigating the impact of the board characteristics on the criteria of corporate governance on corporate social responsibility. This research has used the approach of Lipsey and Wilson (2001) as well as Cochran's Q test for 59 studies, including 12 internal studies during the years 2006 to 2021 and 47 foreign studies during the years 2002 to 2021. In these studies, corporate social responsibility was mentioned as a dependent variable and corporate board characteristics as an independent variable. The results show that board independence, women on the board, degree of education, corporate social responsibility board committee, the board size, foreign directors on the board, multiple directorships, and tenure of directors have a positive relationship with corporate social responsibility. Also, there is a negative relationship between CEO duality with corporate social responsibility. By examining the mechanisms of corporate governance, this research helps the legislators, trustees of the profession, investors, and companies to pay more attention to the practical criteria of corporate governance, including the board characteristics and the factors influencing the selection of managers to control the company's performance and finally, it leads to the improvement of social responsibility activities and maximizing the interests of shareholders.

Keywords: Meta-analysis, Board Characteristics, Corporate Governance, Corporate Social Responsibility.

1- Department of Accounting, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding author). mj.zare@qom.ac

2- Department of Accounting, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. sarlak.narges@gmail.com

3- Department of Accounting, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. m.ramshe@qom.ac.ir

4- Department of Accounting, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. fatemehoveicy@gmail.com

<http://faar.iauctb.ac.ir>

286



Creative Commons – Attribution 4.0
International – CC BY 4.0
Creativecommons.org



Abstracts

Content

Relationship between audit reporting quality and audit risk with analyzing the moderated- ... Farokh Barzideh , Mandana Taheri & Zahra Bordbar	24
The Relationship Between Financial Risk and Audit Quality with an Emphasis on the Role of ... Vahid Mennati, Hamideh Asna Ashari & Mohammad Rajabnia Chenari	64
Providing a Credit Rating Model Based on the Optimal level of Corporate Ownership Structure ... Majid Azaripour & Azita Jahanshad	86
Comparison between Linear and Non-Linear Models of Estimating Discretionary Accruals ... Vahid Rouhollahi, Sayed Abbas Hashemi , Maryam Sharifdoust & Maryam Farhadi	110
The Impact of Mindfulness on Auditors' Moral Judgments Bahman Banimahd, Akbar Miri & Hamidreza Kordloei	124
Application of regression panel in order to analyze the impact of bio performance Environment on ... Majid Moatamedy & Mohammad Hossein Dervish motevalli	152
The impact of the succession plan on clients, partners and culture in Iranian audit firms Mitra Maleki & Mohammadreza Mehrabanpour	176
The effect of financial literacy and attitude towards money with the mediating role of financial ... Matin Pirayesh Rad , Zohreh Hajiha , Mojgan Safa & Reza Golami Jamkarani	200
A comparative study of the support vector machine method and the adaptive neural-fuzzy ... Saeed Shahabadi , Zahra Houshmand Neqabi & Mehrdad Bakhtiar Dehkordi	226
The effect of political ideology on auditors' ethical orientation Faezeh Moazen, Mohammad Reza Pourali , Mahdi Maranjory & Razia Alikhani	250
Investigating the Effect of Board Characteristics on Corporate Social Responsibility: A Meta-Analysis Mohammad Javad Zare Bahmanmiriv, Narges Sarlak , Manijeh Ramsheh & Fatemeh Oveicy Nick	286

In The Name of God



License Holder: Islamic Azad University-Central Tehran Branch

Executive Director: Dr. Farzaneh Heidarpour

Editor-in-Chief: Dr. Rezvan Hejazi

Managing Director: Dr. Amir Reza Keyghobadi

Editors: Dr. Zohreh Hajiha & Dr. Amir Reza Keyghobadi

*Financial
Accounting
and Auditing
Researches*

Octobe 2025
Volume 17. No. 67

p-ISSN: 2383-0379
e-ISSN: 2383-272X

Editorial Board:

Dr. H. Etemadi

Professor of Accounting, Tarbiat Modarres University.

Dr. R. Hejazi

Professor of Accounting, Alzahra University.

Dr. F. Heidarpour

Professor of Financial Management , Islamic Azad University-Central Tehran Branch.

Dr. E. Malekian K. B.

Professor of Accounting, Mazandaran University.

Dr. Z. Pourzamani

Professor of Accounting, Islamic Azad University-Central Tehran Branch

Dr. M. H. Setayesh

Professor of Accounting, Shiraz University.

Dr. A. Yaghoobnezhad

Associate Professor of Financial Management, Islamic Azad University-Central Tehran Branch

- **Postal Coad:** 1955847881
- **Tel& Fax:** (+9821)73681452
- **Web:** <http://faar.iauctb.ac.ir>
- **E-mail:** faar@iauctb.ac.ir & faar.iau@gmail.com
- Opinions Expressed in this quarterly do not necessarily reflect the views of The Journal and University

Address:

Tehran- End of Artesh Blvd- Shahid
Sohani Street- above Sohanak Square-
Velayat University Complex- Azad
University- Central Tehran Branch
Tehran, Iran.